

مائوتسه دون

منتخب آثار

جلد چهارم

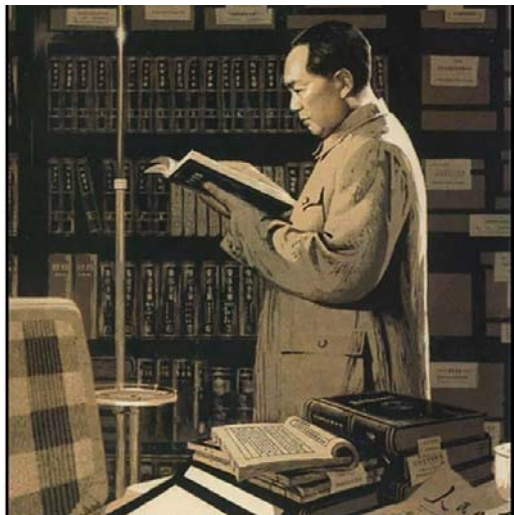
چاپ اول ۱۹۷۳

چاپ دوم ۱۹۷۵

ترجمه فارسی جلد چهارم « منتخب آثار مائوتسه دون » منطبق است با چاپ دوم چینی از جلد چهارم « منتخب آثار مائوتسه دون » که از طرف اداره نشریات « مردم » در سپتامبر سال ۱۹۶۰ در پکن منتشر شده است. در یادداشتها بنا باقتضای چاپ زبان خارجی اصلاحاتی بعمل آمده است

طبع و نشر جمهوری توده ای چین

باز تایپ توسط : پیام



مانوتسه دون

فهرست

دوره سومین جنگ انقلابی داخلی

۱	وضعیت و سیاست ما پس از پیروزی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی (۱۳ اوت ۱۹۴۵)
۱۷	چانکایشک جنگ داخلی بر میانگیزد (۱۳ اوت ۱۹۴۵)
۲۳	دو تلگراف سرفرمانده ارتش هجدهم به چانکایشک (اوت ۱۹۴۵)
۳۱	درباره اظهاریه سخنگوی چانکایشک (۱۶ اوت ۱۹۴۵)
۳۷	درباره مذكرات صلح با گومیندان - اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین (۲۶ اوت ۱۹۴۵)
۴۳	درباره مذكرات چون چینگ (۱۷ اکتبر ۱۹۴۵)
۵۵	حقایق در باره حملات گومیندان (۵ نوامبر ۱۹۴۵)
۶۱	تقلیل بهره مالکانه و بسط تولید - دو وظیفه مهم برای دفاع از مناطق آزاد شده (۷ نوامبر ۱۹۴۵)
۶۵	ستمگیری کار ما در سال ۱۹۴۶ در مناطق آزاد شده (۱۵ دسامبر)
۷۱	پایگاههای محکم در شمال شرقی بر پا کنیم (۲۸ دسامبر ۱۹۴۵)
۷۷	چند ارزیابی از وضع بین المللی کنونی (آوریل ۱۹۴۶)
۷۹	تعرض چانکایشک را با جنگ دفاع از خود درهم بشکنیم (۲۰ ژوئیه ۱۹۴۶)
۹۳	تمرکز نیروهای برتر برای نابودی یکایک نیروی دشمن (۱۶ سپتامبر ۱۹۴۶)
۹۹	حقایق در باره " وساطت " آمریکا و آینده جنگ داخلی چین (۲۹ سپتامبر ۱۹۴۶)
۱۰۳	ترازنامه سه دهه (۱ اکتبر ۱۹۴۶)
۱۱۱	درود بر اعتلاء نوین انقلاب چین (۱ فوریه ۱۹۴۷)
۱۲۱	درباره ترک موقت این ان و دفاع از منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا - دو سند از کمیته مرکزی حزب کمونیست چین (نوامبر ۱۹۴۶ و آوریل ۱۹۴۷)

- ۱۲۱ رهنمود هائی برای عملیات در صحنه جنگ شمالی غربی (۱۵ آوریل ۱۹۶۷)
- ۱۲۷ دولت چانکایسک در محاصره تمام خلق است (۳۰ مه ۱۹۴۷)
- ۱۳۳ استراتژی سال دوم جنگ آزادیبخش (۱ سپتامبر ۱۹۴۷)
- ۱۴۱ مانیفست ارتش آزادیبخش توده ای چین (اکتبر ۱۹۴۷)
- ۱۴۹ درباره انتشار مجدد سه اصل بزرگ انضباطی و هشت ماده مقرراتی - دستور ستاد کل ارتش آزادیبخش توده ای چین (۱۰ اکتبر ۱۹۴۷)
- ۱۵۱ اوضاع کنونی و وظایف ما (۲۵ دسامبر ۱۹۴۷)
- ۱۷۳ درباره برقراری سیستم گزارش دهی (۷ ژانویه ۱۹۴۸)
- ۱۷۷ درباره بعضی مسائل مهم سیاست کنونی حزب (۱۸ ژانویه ۱۹۴۸)
- ۱۸۵ جنبش دموکراتیک در ارتش (۳۰ ژانویه ۱۹۴۸)
- ۱۸۷ تا کتیبه‌های مختلف برای اجرای قانون ارضی در مناطق مختلف (۳ فوریه ۱۹۴۸)
- ۱۹۱ رفع اشتباهات انحراف آمیز " چپ " در زمینه تبلیغ برای اصلاحات ارضی (۱۱ فوریه ۱۹۴۸)
- ۱۹۳ نکات اساسی اصلاحات ارضی در مناطق آزاد شده جدید (۱۵ فوریه ۱۹۴۸)
- ۱۹۵ در باره سیاست در زمینه صنعت و بازرگانی (۲۷ فوریه ۱۹۴۸)
- ۱۹۷ در مسئله بورژوازی ملی و متنفذین روشن بین (۱ مارس ۱۹۴۸)
- ۲۰۱ در باره پیروزی بزرگ در شمال غربی و جنبش طراز نوین برای تربیت ایدئولوژیک در ارتش آزادیبخش (۷ مارس ۱۹۴۸)
- ۲۰۹ بخشنامه در باره وضع حاضر (۲۰ مارس ۱۹۴۸)
- ۲۱۷ سخنرانی در کنفرانس کادر های منطقه آزاد شده شان سی - سوی یوان (۱۱ آوریل ۱۹۴۸)
- ۲۳۱ گفتگو با هیئت تحریریه روزنامه « جین سوی ژایبائو » (۲ آوریل ۱۹۴۸)
- ۲۳۷ تلگراف به فرماندهی جبهه لوه یان پس از بازگرفتن آن شهر (۸ آوریل ۱۹۴۸)
- ۲۴۱ مسائل تاکتیکی کار در ده در مناطق آزاد شده جدید (۲۴ مه ۱۹۴۸)

۲۴۳	کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب در ۱۹۴۸ (۲۵ مه ۱۹۴۸)
۲۵۱	رهنمود هائی برای عملیات اپراتیو لیائو سی - شن یان (سپتامبر و اکتبر ۱۹۴۸)
۲۵۹	درباره تقویت سیستم کمیته حزبی (۲۰ سپتامبر ۱۹۴۸)
۲۶۱	بخشنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در باره جلسه سپتامبر (۱۰ اکتبر ۱۹۴۸)
۲۷۱	رهنمود هائی برای عملیات اپراتیو حوای های (۱۱ اکتبر ۱۹۴۸)
۲۷۵	نیرو های انقلابی سراسر جهان متحد شوید و بر ضد تجاوز امپریالیستی مبارزه کنید (نوامبر ۱۹۴۸)
۲۷۹	تغییر عظیم در وضعیت نظامی چین (۱۴ نوامبر ۱۹۴۸)
۲۸۳	رهنمود هائی برای عملیات اپراتیو بی پین - تیانزین (۱۱ دسامبر ۱۹۴۸)
۲۸۹	پیام به دو یو مین و دیگران در دعوت آنها به تسلیم (۱۷ دسامبر ۱۹۴۸)
۲۹۳	انقلاب را بسر انجام برسانیم (۳۰ دسامبر ۱۹۴۹)
۳۰۵	درباره تقاضای صلح از طرف جنایتکار جنگ (۵ ژانویه ۱۹۴۹)
۳۱۱	اظهاریه صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مائوتسه دون در باره وضع حاضر (۱۴ ژانویه ۱۹۴۹)
۳۱۷	تفسیر سخنگوی حزب کمونیست چین در باره قطعنامه شورای اجرایی نانکن (۱۴ ژانویه ۱۹۴۹)
۳۲۱	فرمان بدولت ارتجاعی گومیندان برای دستگیری مجدد یاسوزی اکامورا فرمانده کل سابق نیروهای تجاوزکار ژاپن در چین و دستگیری جنایتکاران جنگ داخلی از گومیندان - اظهاریه سخنگوی حزب کمونیست چین (۲۸ ژانویه ۱۹۴۸)
۳۲۹	اظهاریه سخنگوی حزب کمونیست چین در باره اینکه مجازات ژاپنی های جنایتکار جنگ و گومیندانی های جنایتکار جنگ ضرورتاً باید در جزو شرایط صلح گنجانیده شود (۵ فوریه ۱۹۴۹)
۳۳۳	ارتش را به واحد کار مبدل کنید (۸ فوریه ۱۹۴۸)
۳۳۷	چرا مرتجعان که در پراگندگی کامل افتاده اند هنوز بیهوده برای " صلح همگانی " جنجال میکنند ؟ (۱۵ فوریه ۱۹۴۹)

۳۴۳	مرتجعان گومیندان از "دعوت بصلح" بدعوت بجنگ روی آوردند (۱۶ فوریه ۱۹۴۹)
۳۴۵	تفسیری در باره پاسخ های گوناگون گومیندان به مسئله مسئولیت جنگ (۱۸ فوریه ۱۹۴۹)
۳۵۳	گزارش به دومین پلنوم هفتمین دوره کمیته مرکزی حزب کمونیست چین (۵ مارس ۱۹۴۹)
۳۶۹	شیوه های کار کمیته های حزبی (۱۳ مارس ۱۹۴۹)
۳۷۵	دولت نانکن بکجا می رود؟ (۴ آوریل ۱۹۴۹)
۳۷۹	فرمان به ارتش برای پیشروی عمومی در سراسر کشور (۲۱ آوریل ۱۹۴۹)
۳۸۹	اعلان ارتش آزادیبخش توده ای چین (۲۵ آوریل ۱۹۴۹)
۳۹۳	اظهاریه سخنگوی ستاد کل ارتش آزادیبخش توده ای چین در باره اعمال متعدیانه کشتی های جنگی انگلستان (۳۰ آوریل ۱۹۴۹)
۳۹۷	سخنرانی در جلسه کمیته تدارک کنفرانس سیاسی مشورتی جدید (۱۵ ژوئن ۱۹۴۹)
۴۰۱	درباره دیکتاتوری دموکراتیک خلق (۳۰ ۱۹۴۹)
۴۱۵	پندارهای واهی خود را بدور افکنید و برای مبارزه آماده باشید (۱۴ اوت ۱۹۴۹)
۴۲۳	سفر بخیر، لیتون استوارت (۱۸ اوت ۱۹۴۹)
۴۳۱	چرا باید کتاب سفید را مورد بحث قرار داد (۲۸ اوت ۱۹۴۹)
۴۳۷	"دوستی" یا تجاوز؟ (۳۰ اوت ۱۹۴۹)
۴۴۱	ورشکستگی درک ایده آلیستی تاریخ (۱۶ سپتامبر ۱۹۴۹)

دوره سومین جنگ انقلابی داخلی

وضعیت و سیاست ما پس از پیروزی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی

(۱۳ اوت ۱۹۴۵)

در این روزها در وضع خاور دور تغییرات فاحشی در شرف وقوع است . تسلیم امپریالیسم ژاپن اکنون امری مسلم شده است . عامل قطعی تسلیم ژاپن ، ورود اتحاد شوروی در جنگ است . یک میلیون از جنگجویان ارتش سرخ به شمال شرقی چین سرازیر شده اند ؛ هیچ نیروئی را در برابر این قدرت یارای مقاومت نیست . امپریالیسم ژاپن دیگر نمیتواند به نبرد ادامه دهد (۱) . خلق چین در جنگ مقاومت دشوار و سخت خود قرین پیروزی گردیده است . جنگ مقاومت ضد ژاپنی بمثابه یک مرحله تاریخی اکنون پایان رسیده است .

اینک ببینیم در چنین اوضاع و احوالی مناسبات میان طبقات مختلف چین ، مناسبات میان گومیندان و حزب کمونیست چگونه است ؟ و در آینده چگونه خواهد شد ؟ و سیاست حزب ما چیست ؟ اینها مسائلی هستند که توجه قاطبه مردم کشور و تمام اعضای حزب ما را بشدت بسوی خود جلب کرده اند .

گومیندان در چه حالی است ؟ اگر بگذشته آن نگاه کنید ، وضع کنونی آن بر شما معلوم خواهد شد . و اگر بگذشته حال آن نگاه کنید ، آینده آن بر شما معلوم خواهد شد . این حزب در گذشته مدت ده سال تمام به جنگ داخلی ضد انقلابی دست زد و در جریان جنگ مقاومت ضد ژاپنی در سالهای ۱۹۴۰ ، ۱۹۴۱ و ۱۹۴۳ سه پیکار ضد کمونیستی (۲) دامنه دار براه انداخت و هر بار تلاش نمود تا آنرا بیک جنگ

این سخنرانی از طرف رفیق مائوتسه دون در جلسه ای از کادرها در این ان ایراد شده است . این سخنرانی ، بر اساسی اسلوب مارکسیستی - لنینیستی تحلیل طبقاتی ، بررسی عمیقی از اوضاع اساسی سیاسی چین پس از پیروزی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی بدست میدهد و تاکتیکهای انقلابی پرولتاریا را تشریح میکند . همانطوری که رفیق مائوتسه دون در آوریل سال ۱۹۴۵ طی نطق افتتاحیه خویش در هفتمین کنگره حزب کمونیست چین خاطر نشان ساخت ، چین پس از شکست امپریالیسم ژاپن پیوسته در برابر دو سر نوشت و دو دور نما قرار گرفته بود : آیا باید بیک چین نوین تبدیل گردد و یا بصورت چین کهنه باقی بماند . مالکان بزرگ ارضی بورژوازی بزرگ چین که چانکایشک نماینده آنها بود ، میخواستند ثمرات پیروزی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی را از دست خلق بربایند و چین را در همان حالت کشور نیمه مستعمره و نیمه فئودالی و تحت سلطه دیکتاتوری خود نگهدارند .

جنگ داخلی در مقاس ملی گسترش دهد. فقط در سایه سیاست صحیح حزب ما و مقاومت خلق در سراسر کشور بود که این تلاشها با شکست مواجهه گردیدند. همه میدانند که چانکایشک نماینده سیاسی مالکان بزرگ ارضی و بورژوازی بزرگ چین، فرد بی نهایت سفاک و نیرنگبازی است. سیاست او این بوده است که دست روی دست بگذارد و بعنوان ناظر در انتظار پیروزی ایکه او در انتظارش بود، در واقع فرا رسیده است و اکنون این "ژنرالایسم" خود را آماده میکند که "از کوه پائین بیاید" (۳). در این هشت سال اخیر، ما جای مانرا با چانکایشک عوض کرده ایم - در گذشته ما بالای کوه بودیم و او در کنار آب (۴)؛ در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی ما در پشت خطوط دشمن بودیم ولی او به کوهستان پناه برده بود. اکنون او از کوه فرود میاید، فرود میاید تا ثمرات پیروزی جنگ مقاومت را تصاحب کند.

در طول هشت سال اخیر، خلق و ارتش مناطق آزاد شده ما بدون هیچگونه کمکی از خارج تنها با تکیه بر نیروی خویش سرزمینهای وسیعی از کشور را آزاد کردند، در برابر بخش اعظم نیروهای مهاجم ژاپنی و همچنین در برابر تقریباً تمام سپاهیان پوشالی مقاومت نمودند و بر آنها ضربه زدند. در سایه مقاومت مصمصانه مبارزه قهرمانانه ما بود که دویست میلیون نفر سکنه پشت جبهه بزرگ (۵) توانستند از پایمال شدن زیر چکمه های اشغالگران ژاپنی مصون بمانند و بدینجهت بود که مناطق مسکونی این دویست میلیون نفر از اشغال متجاوزین ژاپنی محفوظ ماند. چانکایشک در پناه پاسدارانی که او را حفظ و حراست میکردند، در کوه "اه می"

حزب کمونیست چین، نمایند منافع پرولتاریا و توده های وسیع مردم، از یکسو با تمام قوا بخاطر صلح و علیه جنگ داخلی مبارزه میکرد و از سوی دیگر میبایست خود را بطور کامل آماده سازد تا با دسایس ضد انقلابی چانکایشک که قصد براه انداختن جنگ در مقیاس ملی را داشت، بمقابله پردازد، میبایست سیاست صحیح اتخاذ کند یعنی در مورد امپریالیسم و ارتجاع هیچگونه پندار واهی بخود را ندهد، از تهدیدات آنها نهراسد، با قاطعیت از ثمرات مبارزه خلق دفاع کند و بکوشد چین نوینی را بنا گذارد، یک چین دموکراتیک نوین، چین توده های وسیع مردم در زیر رهبری پرولتاریا. مبارزه قاطع میان دو سرنوشت، میان دو دورنمای آینده که در برابر چین گشوده شده بود، محتوی آن دوران تاریخی است که از پایان جنگ مقاومت ضد ژاپنی تا تأسیس جمهوری توده ای چین کشیده میشود، یعنی دوران جنگ آزادیبخش خلق چین یا سومین جنگ داخلی انقلابی. پس از جنگ مقاومت ضد ژاپنی چانکایشک با کمک امپریالیسم امریکا بارها موافقتنامه های صلح را زیر پا نهاد و جنگ داخلی ضد انقلابی را بمنظور درهم شکستن نیروهای خلق با وسعت و دامنه بیسابقه ای براه انداخت. در سایه رهبری صحیح حزب کمونیست چین، خلق چین تنها پس از چهار سال مبارزه به پیروزی بزرگی در مقیاس ملی دست یافت، یعنی چانکایشک را در هم شکست و چین نوین را بنا نهاد.

پنهان شده بود - این پاسداران عبارت بودند از مناطق آزاد شده ، خلق و ارتش مناطق آزاد شده . ما در حالیکه از دوست میلیون سکنه پشت جبهه بزرگ دفاع میکردیم ، این " ژنرال‌سیم " را هم در کف حمایت خویش گرفتیم و باو وقت و جا دادیم تا بعنوان ناظر دست روی دست بگذارد و در انتظار پیروزی بماند . وقت : هشت سال و یک ماه ؛ جا : یک منطقه مسکونی با جمعیتی برابر دویست میلیون نفر . این شرایط را ما برای او فراهم آوردیم . بدون ما ، او نتوانست در آنجا مثل یک ناظر باقی بماند . بسیار خوب ، اما آیا این " ژنرال‌سیم " از ما سیاست‌گزار است ؟ ایداً ! این موجود اصلاً نمیداند معنی سیاست‌گزار چیست . چانکایشک چگونه توانست بر مسند قدرت تکیه زند ؟ در سایه لشگر کشی به شمال ، در سایه نخستین همکاری میان گومیندان و حزب کمونیست ، در سایه پشتیبانی خلق که هنوز سیمای واقعی او را نشناخته بود . چانکایشک پس از رسیدن بقدرت بجای آنکه از خلق سیاست‌گزار باشد ، خلق را با یک کشت بر زمین افکند و در ورطه خونین جنگ داخلی ده ساله غوطه ور ساخت . رفقا ! شما این صحنه تاریخ را بخوبی میشاسید . خلق چین یکبار دیگر در این جنگ مقاومت ضد ژاپنی چانکایشک را حفظ کرد . اکنون جنگ با پیروزی پایان رسیده و ژاپن در شرف تسلیم شدن است ، اما چانکایشک نه اینکه اصلاً از خلق سیاست‌گزار نیست ، بلکه برعکس صفحات کهنه تاریخ ۱۹۲۷ را ورق میزند و میخواهد طبق همان شیوه های سابق عمل کند . او بر آنست که در چین هرگز " جنگ داخلی " وجود نداشته ، بلکه فقط " سرکوب راهزنان " بوقوع پیوسته است ؛ در هر صورت هر نامی که بگذاریم ، او میخواهد جنگ داخلی را علیه خلق براه اندازد ، او میخواهد خلق را قتل عام کند .

تا زمانیکه جنگ داخلی در سراسر کشور در گیر نشده ، بسیاری از مردم و بسیاری از رفقای حزبی ما درک روشنی از این مسئله پیدا نخواهند کرد . از آنجا که جنگ داخلی هنوز در مقیاس وسیعی گسترش نیافته ، و از آنجا که جنگ هنوز خصلت جنگ عمومی یا جنگ آشکار بخود نگرفته و تعداد نبرد ها هم هنوز فراوان نیست ، بسیار اینطور فکر میکنند که " با این حال شاید جنگ داخلی اصلاً پیش نیاید ! " بسیاری دیگر از جنگ داخلی وحشت دارند ؛ این وحشت بی پایه نیست ، زیرا جنگ داخلی ده سال و پس از آن جنگ مقاومت هشت سال ادامه داشت . اگر نبرد باز ادامه یابد ، ما را بکجا خواهد کشانید ؟ کاملاً طبیعی است که چنین بیمهائی پیدا میشود . در مورد دسیسه های چانکایشک برای براه انداختن جنگ داخلی ، سیاست حزب ما پیوسته روشن و ثابت بوده است . مقابله مصممانه با جنگ داخلی ،

مخالفت با جنگ داخلی ، جلوگیری از جنگ داخلی . در آینده نیز ما باید با تمام قوا و با بردباری فروان خلق را در کوششهایش برای جلوگیری از جنگ داخلی راهنمایی کنیم . معذک باید کاملاً آگاه بود که خطر جنگ داخلی فوق العاده شدید است . زیرا که میبایست چانکایشک از هم اکنون محرز شده است . سیاست چانکایشک ، جنگ داخلی است . سیاست ما ، سیاست خلق ، مخالف جنگ داخلی است . مخالفان جنگ داخلی فقط حزب کمونیست چین و خلق چین را دربر میگیرند . افسوس که چانکایشک و گومیندان در عداد آنها نیستند ! در اینجا یکی از دو طرف نمیخواهد بجنگد و طرف دیگر میخواهد . اگر هر دو طرف نمیخواستند ، جنگ در نمیگرفت . اما اینک از آنجا که فقط یکی از دو طرف مخالف جنگ است و این طرف هنوز بانداره کافی نیرومند نیست که جلوی طرف دیگر را بگیرد ، لذا خطر جنگ داخلی فوق العاده شدید است .

این نکته را که چانکایشک در سیاست ارتجاعی دیکتاتوری و جنگ داخلی خود لجاج میورزد ، حزب ما در موقع خود نشان داده است . پیش از هفتمین کنگره حزب و در جریان این کنگره و پس از آن ما اندازه کافی کوشیدیم توجه خلق را به خطر جنگ داخلی جلب کنیم تا آنکه تمام خلق ، اعضای حزب ما و ارتش ماقبلاً از لحاظ روانی برای مقابله با آن آماده باشند . این نکته بسیار مهمی است ، میان داشتن چنین آمادگی و نداشتن آن تفاوت بزرگی موجود است . در سال ۱۹۲۷ که حزب ما هنوز دوران کودکی را می پیمود ، از لحاظ روانی برای مقابله با حمله ضد انقلابی ایکه چانکایشک ناگهان آغاز کرده بود ، بهیچوجه آمادگی نداشت . از اینرو ثمرات پیروزی هائی که خلق بکف آورده بود ، بزودی از دست رفت ، خلق مجبور شد به مشتقات طولانی تن در دهد و چین تابناک در عماق تاریکی ها فرو رفت . این بار وضع تغییر کرده است : حزب ما تجارب فراوانی از سه انقلاب بدست آورده و بدرجه بر مراتب عالی تری از پختگی سیاسی رسیده است . کمیته مرکزی حزب بار ها خطر داخلی را نشان داده است تا تمام خلق ، تمام خلق ، تمام رفقای حزبی و ارتش تحت رهبری حزب در حالت آماده باش قرار گیرند .

چانکایشک پیوسته در تلاش است تا جو قدرت و هر جو دستاورد خلق را بزور از او بر باید . و ما ؟ سیاست ما اینست که هر ضربه را با ضربه متقابل پاسخ دهیم و برای هر وجب زمین بجنگیم . ما هم بشیوه او عمل میکنیم . او همیشه سعی میکند با یک شمشیر در دست چپ و یک شمشیر د دست راست جنگ را بخلق تحمیل کند . ما نیز چون او دست به شمشیر میبریم . فقط در نتیجه تحقیق و تجسس است که ما

این راه را پیدا کردیم. اینگونه تحقیقات و تجسسات بسیار با اهمیت اند. وقتیکه ما می بینیم حریف چیزی در دست دارد، باید به تحقیق پردازیم. او چه در دست دارد؟ شمشیر. شمشیر برای چیست؟ برای کشتن است. با این شمشیر چه کسی را میخواید بقتل رساند؟ خلق را. وقتیکه شما تمام این مسایل را روشن ساختید، تحقیق تا آنجا پیشتر برانید - خلق چین نیز دست دارد میتواند آنرا شمشیر بدست گیرد، و در صورتیکه شمشیری در اختیارش نباشد، میتواند آنرا بسازد. خلق چین این حقیقت را پس از تحقیقات و تجسسات طولانی دریافته است. دیکتاتورهای نظامی، مالکان ارضی، مستبدین محلی و متنفذین شریر و امپریالیستها - همگی شمشیر در دست دارند و آماده کشتن اند. خلق این امر را دریافته و بنابر این بهمین شیوه عمل میکند. بعضی ها از میان ما غالباً باینگونه تحقیق و تجسس توجه نمیکند. مثلاً چین دوسیو درک نمیکرد که وقتی کسی شمشیری در دست دارد، میتواند آدم بکشد. بعضی ها خواهند گفت: این یک حقیقت عام است، چگونه یک رهبر حزب کمونیست نتوانسته باین حقیقت آگاهی یابد؟ اما مشکل بتوان چنین گفت. چن دوسیو که در مقام تحقیق و تجسس برنیامد. این حقیقت را درک نکرد و لذا ما او را اپورتونیست نامیدیم. کسیکه به تحقیق و تجسس نپردازد، حق سخن ندارد و بدین لحاظ بود که ما چن دوسیو برگزیدیم و بقسمی عمل کردیم که خلقی که در معرض ستم و کشتار است، شمشیر بدست گیرد. هر گاه کسی بازهم در صدد کشتن ما باشد، ما بشیوه او عمل خواهیم کرد. هنوز دیری نگذشته بود که گومیندان برای حمله به منطقه گوان جون شش لشکر گسیل داشت. سه لشکر از آنها بآن منطقه نفوذ نمودند و مساحتی را بعرض یکصد لی و بطول بیست لی اشغال کردند. ما هم بشیوه آنها عمل کردیم و آنها را بطور کامل و تام و تمام بر روی این مساحت صد لی در بیست لی نابود ساختیم (۶). سیاست ما اینستکه هر ضربه را با ضربه متقابل پاسخ دهیم و برای هر وجب زمین بجنگیم. ما هرگز نمیگذاریم که گومیندان بآسانی زمین های ما را اشغال کند و مردم ما را بدلخواه خود از دم تیغ بگذرانند. واضح است که جنگیدن برای هر وجب زمین بمعنی قبول مشی "چپ روانه" سابق "از دست ندادن حتی یک وجب از منطقه پایگاهی" نیست. این بار ما مساحتی بمقیاس صد لی در بیست لی از دست دادیم. اما این مساحت را که ما در اواخر ژوئیه از دست دادیم، در آغاز اوت دوباره پس گرفتیم. پس از حادثه ان هوی جنوبی روزی افسر ستادی که گومیندان برای ارتباط فرستاده بود، از من پرسید که چه میخواهیم بکنیم. من جواب دادم: "شما همیشه در این ان هستید و هنوز نمیدانید؟ اگر، چه، بما

حمله کند ، ما هم باو حمله میکنیم ؛ اگر ، حه ، متوقف شود ، میشویم . " (۷) در آنزمان نام چانکایشک برده نشد ، فقط از نام حه بین چینگ سخن بمیان آمد . امروز ما میگوییم : " اگر ، چان ، بما حمله کند ، ما هم باو حمله میکنیم ؛ اگر ، چان ، متوقف شود ، ما هم متوقف میشویم . " ما بشیوه او عمل خواهیم کرد و چون چانکایشک اکنون شکسیر خود را تیز میکند ، ما هم باید شمشیر مانرا نیز کنیم .

حقوقی را که خلق بچنگ آورده ، هرگز نباید مفت و مجانی از دست داد ، بلکه باید با نبرد از آنها دفاع نمود . ما جنگ داخلی نمیخواهیم ، معذک هرگاه چانکایشک در تحمیل آن به خلق چین مطلقاً اصرار ورزد ، ما مجبور میشویم سلاح بدست بگیریم و با آن به مبارزه برخیزیم ، تا آنکه از خود دفاع کنیم ، تا آنکه زندگی ، اموال ، حقوق و سعادت مردم مناطق آزادشده را حفظ و حراست نمائیم . این جنگی داخلی خواهد بود که او بما تحمیل میکند . اگر ما در این جنگ پیروز نشویم ، نه تقصیر آسمان است و نه زمین ، بلکه فقط تقصیر خود ماست . معذک هیچکس قادر نیست حقوقی را که خلق بچنگ آورده به آسانی از او برآید یا آنرا با فریب و نیرنگ از او بستاند . سال گذشته یک روزنامه نگار آمریکائی از من پرسید : " چه کسی بشما قدرت عمل داده است ؟ " من باو جواب دادم : " خلق . " چه کس دیگری غیر از خلق ؟ گومیندان که بر مسند قدرت نشسته ، آنرا بما تفویض نکرده است ، او ما را برسمیت نمیشناسد . بطوریکه در نظام نامه شورای سیاسی ملی تصریح شده است ، ما در آم بعنوان یک " سازمان فرهنگی " (۸) شرکت میجوئیم . ما میگوئیم : ما یک " سازمان فرهنگی " نیستیم ، ما ارتش داریم و یک " سازمان نظامی " هستیم . چانکایشگ اول مارس امسال اعلام کرده که حزب کمونیست نمیتواند وضع قانونی بدست آورد مگر آنکه ارتش خود را تسلیم کند . این اعلام چانکایشک هنوز بقوت خود باقی است . ما ارتش خود را تسلیم نکردیم ، بنابر این وضع قانونی نداریم ، ما هیچ " قید و بند شرعی و عرفی " نداریم . وظیفه ما اینستکه مسئولیت خود را در قبال خلق حفظ کنیم . هر یک از سخنان ما ، هر یک از عمال و هر یک از سیاستهای ما ، همه باید پاسخگوی منافع خلق باشد و اگر خطائی روی دهد ، باید آنرا اصلاح کرد ؛ این همان چیزی است که مسئولیت در قبال خلق نامیده میشود . رفقا ! خلق آزادی مسخواهد ، لذا قدرت خود را یکسانی تفویض میکند که نتوانند نماینده او باشند و صادقانه برای او کار کنند ، یعنی بما کمونیستها . ما بمثابه نمایندگان خلق ، باید نماینده شایسته او باشیم و نباید مانند چن دو سیو عمل کنیم . چن دوسیو در مقابل یورشهای ضد انقلابی علیه خلق آن سیاستی را درپیش گرفت که هر ضربه را با

ضربه متقابل پاسخ دهد و برای هر وجه زمین بجنگد ، تا آنکه آخر الامر در سال ۱۹۲۷ در فاصله چند ماه تمام حقوق بجنگ آورده بود ، از دست رفت . اینبار ، ما باید هوشیار و آماده باشیم . سیاست ما مطلقاً غیر از سیاست چن دو سیو است ؛ ما در دام هیچگونه فریبی نخواهیم افتاد . ما باید روشن بینی خود را از دست ندهیم و سیاستی صحیح داشته باشیم ، ما نباید مرتکب اشتباه شویم .

ثمرات پیروزی در جنگ مقاومت باید متعلق بچه کسی باشد ؟ موضوع کاملاً روشن است . مثلاً یک درخت هلو را بگیری . درخت ، هلو میدهد ، هلو ثمر پیروزی است . چه کسی حق دارد هلو ها را بچیند ؟ باید اول پرسید چه کسی درخت را نشانده و آبیاری کرده است . چانکایشک که در کوه رحل اقامت افکنده ، حتی یک سطل آب هم نیآورده است و حالا دست خود را از دور دراز میکند تا هلو ها را بچیند و میگوید : " این هلو ها به من ، چانکایشک تعلق دارند ؛ من مالک زمین هستم و شما رعایای من هستید . من شما را از چیدن هلو منع میکنم . " ما در مطبوعات خود این نظر او را رد کردیم (۹) . ما میگوئیم : " تو که هیچوقت آب نیآورده ای ، حق چیدن هلوها را هم نداری . ما خلق مناطق آزاد شده که هر روز به درخت ها آب داده ایم ، بیش از هر کس دیگری حق داریم میوه ها را بچینیم . " رفقا ! پیروزی جنگ مقاومت را خلق با ریختن خون خویش و دادن قربانی بدست آورده است ؛ این پیروزی باید پیروزی خلق باشد و ثمرات جنگ مقاومت نیز باید از آن خلق باشد . اما در مورد چانکایشک ، او در مقاومت در برابر ژاپن پاسیو بوده است ولی در مبارزه با حزب کمونیست اکتیو ؛ او مانعی در سر راه جنگ مقاومت خلق بوده است . اکنون این مانع سر میرسد برای آنکه ثمرات را تصاحب کند و میخواهد که چین پس از پیروزی در جنگ مقاومت دوباره به وضع قدیم قبل از جنگ باز گردد و به آن امکان کوچکترین تغییری را هم نمیدهد . این همان چیزی است که مبارزه را برمیانگیزد . رفقا این مبارزه از جدیدترین مبارزات است .

اینکه ثمرات پیروزی در جنگ مقاومت باید از آن خلق باشد ، یک مطلب است ، اما اینکه سرانجام چه کسی بآنها دست خواهد یافت و این خلق بود یا نه ، مطلب دیگری است . تصور نکنید که تمام ثمرات پیروزی بطور قطع و یقین بدست خلق خواهد افتاد ؛ چانکایشک بخشی از هلو های درشت مانند شانگهای ، نانکن ، حان جو . شهر های بزرگ دیگر را تصاحب خواهد کرد . چانکایشک با همدستی امپریالیسم آمریکا عمل میکند و در این مناطق آنها تفوق دارند ، در حالیکه تا کنون خلق انقلابی بطور عمده بجز مناطق روستائی نتوانسته چیز دیگری به تصرف در

آورد. بر سر بخش دیگری از هلوها میان دو طرف نزاع در خواهد گرفت. سخن در باره شهرهای متوسط و کوچکی است که در بخش خط آهن دا تون - پوجو در شمال تاي یوان، در بخش میانه خط آهن بی پین - سوی یوان، در بخش خط آهن بی پین - لیائو نین، در بخش خط آهن بی پین - حان کو در شمال جن جو، در بخش خط آهن جن دین - تاي یوان، خط آهن بای گوی - جین چن (۱۰)، خط آهن ده جو - شی جیا جوان، خط آهن تیانزین - پو کو، خط آهن چنگ دائو - جن نان و در بخش خط آهن لون های در شرق جن جو واقع شده اند؛ این شهرهای متوسط و کوچک متنازع فیه خواهند بود، اینها هلوهای متوسط و کوچکی هستند که خلق مناطق آزاد شده با خون و عرق جین آبیاری کرده است. در حال حاضر مشکل بتوان گفت که این محلها بدست خلق خواهند افتاد. در حال حاضر فقط میتوان اینرا گفت که باید با سرسختی مبارزه کرد. آیا بخشهایی هست که بطور قطع و یقین بدست خلق بیافید؟ آری هست، و عبارتند از مناطق وسیع روستائی و بسیاری از شهرهای استان حه به، چاهار و ژه هه (۱۱)، بخش اعظم شان سی، استان شان دون و شمال جیان سو، در این نقاط دهات بیکدیگر پیوسته اند قریب یکصد شهر یک منطقه را تشکیل میدهد، هقتاد تا هشتاد شهر منطقه دیگری را، چهل تا پنجاه شهر منطقه سومی را، جمعاً سه، چهار، پنج یا شش منطقه بزرگ و کوچک. صحبت بر سر چه نوع شهرهائی است؟ شهرهای متوسط و کوچک ما آن نیرو را داریم که این ثمرات پیروزی را بدست آوریم، ما از این بابت اطمینان داریم. در تاریخ انقلاب چین نخستین بار است که چنین بخشی از میوه ها به تصاحب ما در می آید. در گذشته، در نیمه دوم سال ۱۹۳۱ فقط پس از در هم شکستن سومین عملیات " محاصره و سرکوب " دشمن ما یک جا بیست و یک مرکز شهرستان را در منطقه پایگاه مرکزی استان جیان سی بتصرف در آوردیم (۱۲)، ولی در آنجا هیچ شهر متوسطی وجود داشت. جمعیت این ۲۱ شهر کوچک متصل بیکدیگر حد اکثر ۲۵۰۰۰۰۰ نفر بود. خلق چین با اتکاء به آن توانست چنین مبارزه طولانی را دنبال کند، چنین پیروزیهای بزرگی دست آورد و چنین عملیات " محاصره و سرکوب " دامنه داری را در هم شکند. بعداً ما دچار شکست شدیم، ولی ما نباید چانکایشک را مورد سرزنش قرار دهیم، بلکه باید خود مانرا ملامت کنیم که خوب نجنجیدیم. اینبار هرگاه ده ها شهرهای مختلف در منطقه واحدی گرد آیند و هرگاه سه چهار، پنج یا شش منطقه نظیر وجود داشته باشد، خلق چین سه، چهار، پنج یا شش منطقه پایگاه انقلابی خواهد داشت که هر یک از آنها بزرگتر از منطقه پایگاه مرکزی جیان سی خواهد داشت که

هر یک از آنها بزرگتر از منطقه پایگاه مرکزی جیان سی خواهد بود و انقلاب چین در وضع بسیار جالب توجهی قرار خواهد گرفت .

هرگاه وضع را در مجموع خود در نظر بگیریم ، ملاحظه میکنیم که مرحله جنگ مقاومت ضد ژاپنی پایان یافته و مبارزه داخلی ، وضع نو و وظیفه نو ما شده است . چانکایشک از " ساختمان کشور " سخن میراند . از این پس مبارزه بر سر آنست که چه نوع کشوری باید بسازیم . آیا باید یک کشور دموکراسی نوین ، یک کشور توده های وسیع خلق تحت رهبری پرولتاریا بنا کنیم ، یا یک کشور نیمه مستعمره و نیمه فئودالی در زیر دیکتاتوری مالکان بزرگ ارضی و بورژوازی بزرگ ؟ اینجاست که مبارزه بسیار بغرنجی در خواهد گرفت . بشکل این مبارزه در حال حاضر، مبارزه میان چانکایشک است که میخواهد ثمرات پیروزی جنگ مقاومت را بریابد و ما که در برابر این خواست او ایستادگی میکنیم . در طول این دوران اگر اپورتونیسمی وجود داشته باشد ، سرباز زدن از مبارزه سر سخت است و اهداء ثمراتی به چانکایشک است که باید از آن خلق باشند .

آیا یک جنگ داخلی آشکار و در مقیاس تمام کشوری در نخواهد گرفت ؟ این امر بستگی به عوامل داخلی و بین المللی دارد . عوامل داخلی در درجه اول عبارتند از نیروی ما و درجه آگاهی سیاسی ما . با توجه به سیر عمومی اوضاع در خارج و داخل کشور و احساسات خلق ، آیا ما میتوانیم با مبارزه خود جنگ داخلی را در مقیاس معینی محدود سازیم و یا جنگ داخلی در مقیاس تمام کشوری را به تعویق اندازیم ؟ چنین امکانی موجود است .

هرگاه چانکایشک بخواهد بدلخواه خود جنگ داخلی را براه اندازد ، با مشکلات بسیاری رو برو خواهد شد . اولاً ، در مناطق آزاد شده صد میلیون جمعیت یک میلیون سرباز و بیش از دو میلیون افراد چریک توده ای موجود است . ثانیاً ، مردم مناطق زیر نظارت گومیندان که دارای آگاهی سیاسی هستند ، با جنگ داخلی مخالف اند و این خود مانعی در برابر چانکایشک است . ثالثاً در درون گومیندان نیز فراکسیون وجود دارد که با جنگ داخلی موافق نیست . وضع کنونی یا وضع سال ۱۹۲۷ تفاوت فاحش دارد . بویژه امروز وضع حزب ما با وضع حزب در سال ۱۹۲۷ بسیار فرق میکند . در آن دوره حزب ما هنوز مراحل کودکی خود را می پیمود و فاقد روشن بینی بود ، تجربه مبارزه مسلحانه نداشت و باین سیاست پی نبرده بود که باید هر ضربه را به ضربه متقابل پاسخ داد. امروز آگاهی سیاسی حزب ما بسطح بمراتب بالاتری رسیده است.

مجله روزه تب کویت (اوت) افغانستان

غیر از آگاهی سیاسی خود ما ، یعنی آگاهی سیاسی پیشاهنگ پرولتاریا ، مسئله آگاهی سیاسی توده های مردم نیز مطرح است . هنگامیکه خلق هنوز آگاهی سیاسی ندارد ، امکان اینکه ثمرات انقلاب بدست دیگری بیفتند ، کاملاً موجود است . این همان چیزی است که در گذشته روی داد . امروز آگاهی سیاسی خلق چین نیز بمراتب بالا رفته است . اعتبار حزب ما در میان خلق هرگز باین اندازه بالا نبوده است . معذک در درون خلق و بویژه در میان سکنه مناطق اشغالی ژاپنی ها و مناطق تحت سلطه گومیندان ، عده نسبتاً زیادی از مردم هنوز به چانکایسک اعتماد دارند و در مورد گومیندان و ایالات متحده امریکا دستخوش پندارهای واهی میباشند ، پندارهایی که چانکایسک نیز میکوشد آنها را اشاعه دهد . همینکه این بخش از خلق چین هنوز فاقد آگاهی سیاسی است ، نشان میدهد که کار های تبلیغاتی و سازمانی ما هنوز بطور شایسته انجام نیافته است . آگاهی یافتن خلق امر آسانی نیست . برای اینکه افکار نادرست را از ذهن مردم بیرون کنیم ، باید بکوششهای جدی و فراوان دست زنیم . ما باید هر آنچه را که در افکار خلق چین عقب مانده است بروییم ، همکانطور که اطاقهای خود را میرویییم . خس و خاشاک هرگز خود بخود و بدون آنکه آنرا بروییم ، از بین نمیرود . ما باید کار تبلیغاتی و تربیتی وسیعی در میان توده های مردم انجام دهیم تا آنکه آنها وضع واقعی و سیر حوادث را در چین دریابند و به نیروی خویش اعتماد پیدا کنند .

بر ماست که خلق را متشکل کنیم بر ماست که خلق را متشکل کنیم تا مرتجعین چین را واژگون سازد . تمام پدیده های ارتجاعی با هم یکسانند ، اگر آنها را نزنید ، ساقط نخواهند شد . این درست مانند جاروب کردن کف اطاق است - علی القاعده ، خس و خاشاک از جانی که جاروب نشود ، بخودی خود زایل نمیگردد . در جنوب منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا رود خانه ای است بنام جیه زی . در شهرستان فوسیان . دو ساحل و دو دنیا . جنوب در زیر تسلط گومیندان است و چون ما بآنجا نرفته ایم ، خلق متشکل نیست و زباله ها بر روی هم انباشته شده اند . بعضی از رفقای ما فقط به تأثیر سیاسی معتقدند و تصور میکنند که مسایل میتوانند از راه این تأثیر حل شوند . این اعتقادی کورکورانه است . در سال ۱۹۳۶ ما در بائوان (۱۳) بودیم ؛ در فاصله چهل تا پنجاه لی دهکده مستحکمی بود که مالک مستبدی آنرا در اختیار داشت . در آنموقع بائوان مقر کمیته مرکزی حزب بود تأثیر سیاسی ما را میتوان در آنجا بسیار بزرگ تلقی کرد ، اما ضد انقلابیون این دهکده لجویانه از تسلیم سرباز میزدند . ما جاروب خود را در جنوب و شمال بکار انداختیم ، ولی کار

عبثی بود. فقط موقعی که جاروب ما در قلب دهکده بکار افتاد، مالک فریاد بر آورد: "ایهالناس! تسلیم،" (۱۴) همه چیز در این دنیا بر این منوال است. زنگها بصدا در نمایند، اگر آنها را بحرکت در نیآورند. میزها جابجا نمیشوند، اگر آنها را تغییر مکان ندهند. ژاپن به تسلیم تن در نمیداد، اگر ارتش سرخ اتحاد شوروی به شمال شرقی چین وارد نمیشد. سپاهیان ژاپنی و سپاهیان پوشالی هرگز اسلحه خود را بر زمین نمیگذاشتند، اگر سپاهیان ما با آنها نمیجنگیدند. تأثیر سیاسی فقط در جایی اثر کامل خود را می بخشد که جاروب آنجا را برود. جاروب ما حزب کمونیست، ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید است. با در دست داشتن جاروب باید رفتن را آموخت. نباید روی بستر دراز کشید و تصور کرد که بادی برمیخیزد و تمام خس و خاشاک را یکشبه بهوا میبرد. ما مارکسیستها، رالیستها انقلابی هستیم و هیچگاه دستخوش پندارهای واهی نمیشویم. در چین مثلی قدیمی است که میگوید: "سحربرخیز و حیاط را جاروب کن." (۱۵) سحر سر آغاز روز نو است. پیشینیان ما گفته اند که باید اول صبح بر خیزیم و به جاروب کردن بپردازیم. آنها تکلیفی برای ما تعیین کرده اند. فقط در صورتیکه اینطور فکر کنیم و اینطور عمل کنیم، سودی خواهیم برد و کاری خواهیم یافت. چین دارای سرزمین وسیعی است و بر ماست که همه جای آنرا وجب بوجوب جاروب کنیم.

سیاست ما باید بر چه اساسی مبتنی باشد؟ سیاست ما باید بر اساس نیروی خودمان مبتنی باشد - این بمعنای اتکاء به نیروی خود است. ما تنها نیستیم، تمام کشورها و خلقهای جهان که علیه امپریالیسم میرومند، دوستان ما هستند معهداً ما اصل اتکاء به نیروی خود را تأکید میکنیم. ما با اتکاء به نیروی متشکل خود میتوانیم کلیه مرتجعین داخلی و خارجی را درهم بکوبیم. چانکایشک بر عکس، کاملاً بر کمک امپریالیسم امریکا که آنرا مانند حامی نیرومند خود مینگرد، تکیه میکند. نکات سگانه دیکتاتوری، جنگ داخلی و حراج کشور، پیوسته اساس سیاست او را تشکیل داده است. امپریالیسم امریکا میخواهد برای ایجاد جنگ داخلی به چانکایشک کمک کند و چین را بصورت وابسته امریکا در آورد؛ این سیاست مدتهاست که قطعی و مسلم گردیده است. اما امپریالیسم امریکاکه در ظاهر نیرومند است، باطناً ضعیف است، ما باید ذهن خود را روشن نگهداریم، یعنی "سخنان زیبا" امپریالیستها را باور نکنیم و از تهدیدات آنها بخود بیمی راه ندهیم. یک آمریکائی روزی بمن گفت: "شما باید بحرفهای هارلی گوش دهید و چند نفر از افراد خودتانرا بعنوان مأمور دولت در حکومت گومیندان شرکت دهید." (۱۶) من

باو جواب دادم: "هنگامیکه دست و پای مأمور بسته است، انجام وظیفه برایش کار آسانی نیست، انجام وظیفه برایش کار آسانی نیست، ما چنین کاری نخواهیم کرد؛ ولی اگر بکنیم، باید دست و پایمان آزاد باشد، ما باید آزادی عمل داشته باشیم، یعنی باید حکومت ائتلافی بر پایه دموکراتیک تشکیل شود." او گفت: "عدم شرکت شما صورت خوشی نخواهد داشت." از او پرسیدم: "برای چه" او جواب گفت: "اولاً امریکائیها شما را ملامت خواهند کرد؛ ثانیاً امریکائیها از چانکایسک حمایت خواهند کرد." من در جواب گفتم: "شما امریکائیها اگر میخواهید پس از آنکه از آنکه نان خوردید و سیر خوابیدید، مردم را ملامت و از چانکایسک حمایت کنید، این مربوط به خودتان است من در کار شما مداخله نمیکنم. اکنون آنچه که ما داریم، ارزن است باضافه تفنگ، و آنچه که شما دارید، نان است باضافه توپ. اگر میخواهید از چانکایسک حمایت کنید، بفرمائید حمایت کنید، تا هر وقت که دلتان میخواهد، حمایت کنید ولی این را هیچوقت فراموش نکنید که: چین بچه کسی تعلق دارد چین بهیچوجه به چانکایسک تعلق ندارد، چین از آن خلق چین است. سر انجام امروز فرا خواهد رسید که دیگر پشتیبانی از او امکان نداشته باشد. رفقا! این امریکائی میکوشید که با این حرفها مردم را بترساند. امپریالیستها در این بازی بسیار ماهرند و در واقع بسیاری مردم مستعمرات از این تهدیدات بیم و هراس نثارند. امپریالیستها تصور میکنند که در مسعمرات میتوان همه کس را دچار بیم ساخت، اما آنها توجه ندارند که در چین مردمی هستند که از این بازی بوحشت نمی افتند. ما در گذشته سیاست آمریکا را دایر بر کمک به چانکایسک بخاطر مبارزه با کمونیستها آشکارا انتقاد و افشا کردیم. این کار ضرور بود و از این پس نیز آنرا ادامه خواهیم داد.

اتحاد شوروی سپاهیان خود را اعزام داشته است، ارتش سرخ به کمک خلق چین آمده است تا متجاوز را براند؛ چین حادثه ای در تاریخ چین بی سابقه بوده است تأثیر آن بی اندازه زیاد است. دستگاههای تبلیغاتی ایالات متحده آمریکا و چانکایسک آرزو میکردند با دو بمب اتمی تأثیر سیاسی ارتش سرخ را بزدايند (۱۷). ولی این تأثیر زوددنی نیست؛ این کار آنقدر ها آسان نیست. آیا بمب های اتمی میتوانند سر نوشت جنگ را تعیین کنند؟ نه، نمیتوانند. بمبهای اتمی نمیتوانند زاین را به تسلیم وا دارند. بدون مبارزه خلق ها بمب های اتمی به تنهایی بدرد نمیخورند. اگر بمبهای اتمی میتوانند سر نوشت جنگ را تعیین کنند، برای چه لازم شد که از شوروی خواسته شود سپاهیان خود را گسیل دارد؟ چرا زاین

هنگامیکه دو بمب اتمی بر روی آن فرو افتاد ، تسلیم تن در داد ؟ بعضی از رفقای ما نیز تصور میکنند که بمب اتمی کمال قدرت است ؛ این اشتباه بزرگی است . رفقا در بررسی مسائل حتی از یک لرد انگلیسی نیز کمتر روشن بینی نشان میدهند . در انگلستان ، آریستوکراسی هست بنام لرد مونبتانن که میگوید بزرگترین خطا قبول این نکته است که بمب اتمی میتواند سرنوشت جنگ را تعیین کند (۱۸) . این رفقای ما از مونبتانن هم عقب مانده ترند . این چه تأثیری است که آنها را واداشته به بمب اتمی بمثابه چیزی معجزه آسا بنگرند ؟ این تأثیر بورژوائی است . این تأثیر از کجا ناشی میشود ؟ از تربیتی که در مدارس بورژوائی گرفته اند ، از مطبوعات و آژانس های خبر گزاری بورژوائی . دو جهانبینی و دو متدولوژی وجود دارد : جهانبینی و متدولوژی پرولتاریائی و جهانبینی متدولوژی بورژوائی . این رفقا غالباً به جهانبینی و متدولوژی بورژوائی پای بندند ، و اغلب اوقات جهانبینی و متدولوژی پرولتاریائی را بدست فراموشی می سپارند . تئوری " اسلحه تعیین کننده سرنوشت همه چیز است " روحیه نظامیگری ، بوروکراتیسم و جدائی از توده ها اندیوید والیسم و غیره - همه اینها تأثیرات بورژوائی در صفوف ما میباشد . ما باید دائماً تأثیرات بورژوازی را از صفوف خود برو ییم همانطور که خس و خاشاک را می روییم .

ورود اتحاد شوروی در جنگ موجب تسلیم ژاپن گردید ، اوضاع چین وارد دروان جدیدی میشود . بین جنگ مقاومت ضد ژاپنی و دروان جدید یک مرحله انتقالی وجود دارد . در طول این مرحله مبارزه عبارت است از ایستادگی در برابر چانکایشک که ثمرات پیروزی در جنگ مقاومت را میرباید چانکایشک میخواهد جنگ داخلی را درمقیاس ملی آغاز کند ، سیاست او محرز شده است ؛ ما باید برای مقابله با آن آماده باشیم . ما باید بدون توجه باینکه این جنگ داخلی سراسر کشور چه موقعی بر پا خواهد شد ، خود را بخوبی آماده نگاهداریم . حتی اگر این جنگ بزودی یعنی مثلاً فردا صبح شروع شود ، ما باید آماده باشیم . این نکته اول است . بسبب وضع کنونی بین المللی و داخلی ممکن است تا مدتی دامنه جنگ داخلی محدود و در چارچوب محلی باقی بماند . این نکته دوم است . نکته اول آنچیزی است که ما باید در مقابل آن آمادگی داشته باشیم و نکته دوم چیزی است که از مدتها پیش وجود داشته است . خلاصه کلام ما باید خود را آماده نگاه داریم . در صورتیکه ما آمادگی داشته باشیم ، قادر خواهیم بود آنگونه که شایسته است هر نوع وضع بغرنجی بمقابله بر خیزیم .

یادداشتها

۱ - هشتم اوت ۱۹۴۵ دولت شوروی به ژاپن اعلان جنگ داد. دهم اوت دولت مغولستان نیز جنگ را به ژاپن اعلام کرد. ارتش سرخ شوروی از راه زمین و دریا وارد شمال شرقی چین و کره شد و ارتش قوان دون ژاپن را بسرعت تار و مار کرد، نیروهای مشترک شوروی و مغولستان از صحرای مغولستان داخلی عبور کردند و وارد استانهای ژه هه و چا هار شدند. دهم اوت دولت ژاپن مجبور شد یادداشتی دایر بر تسلیم خود ارسال نماید و روز ۱۴ بطور رسمی تسلیم بالاشروط خود را اعلام داشت. ارتش قوان دون زبده نیروی عمده ارتش ژاپن بود و ذخیره استراتژیک عمومی ژاپن را تشکیل میداد، امپریالیستهای ژاپن در این رؤیا بودند که با تکیه بر این نیرو از موضع استراتژیک مساعد خود در شمال شرقی چین و کره مدتی طولانی جنگ را ادامه دهند. این نقشه با ورود اتحاد شوروی در جنگ نقش بر آب شد و دولت ژاپن مجبور شد به شکست خود اعتراف کند و تسلیم شود و

۲ - مراجعه شود به " تفسیر در باره یازدهمین پلنوم کمیته اجرائی مرکزی گومیندان و دومین جلسه سومین شورای سیاسی ملی "، " منتخب آثار مائوتسه دون "، جلد سوم.

۳ - منظور کوه " اه می " است مه بطور کلی از مناطق کوهستانی جنوب غربی چین فهمیده میشود. پس از اشغال ارهان در سال ۱۹۳۸ از طرف ارتش ژاپن، چانکایشک با قسمت عمده نیروهای تحت فرماندهی خود باین مناطق کوهستانی پناه برده و مانند ناظری مبارزه سر سخت و دشواری را که ارتش و خلق مناطق آزاد شده علیه متجاورین ژاپنی در پشت جبهه دشمن بر پا کرده بودند، نظاره کرد. ۴- پیش از جنگ مقاومت ضد ژاپنی اغلب مناطق پایگاه انقلابی تحت رهبری حزب کمونیست چین در مناطق کوهستانی قرار داشتند. در این دوره مرکز منطقه تحت تسلط چانکایشک در شهرهای بزرگ کنار رود خانه ها و سواحل دریا ها واقع بود. بهمین جهت است که رفیق مائوتسه دون میگوید: " ما بالای کوه بودیم و او در کنار آب ".

۵ - در جریان جنگ مقاومت ضد ژاپنی، خطوط مقدم در شمال، شرق، مرکز و جنوب چین واقع بودند. مناطق تحت تسلط گومیندان در جنوب غربی و شمال غربی که باشغال سپاهیان مهاجم ژاپن در نیامده بودند، معمولا " پشت جبهه بزرگ " نامیده میشدند.

۶ - ۲۱ ژوئیه سال ۱۹۴۵ پنجاه نهمین لشکر موقت و دومین لشکر سواره نظام تحت فرمان حو زون نان فرمانده اولین منطقه جنگی گومیندان بطور ناگهانی به کوهستان یه تای که در بخش چون هوا از ناحیه گوان جون در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا قرار گرفته، حمله بردند. ۲۳ ژوئیه حو زون نان سومین لشکر ذخیره خود را نیز برای تقویت این حمله گسیل داشت. ۲۷ ژانیه نیروهای ما بابتکار خود از کوهستان یه تای و از ۴۱ دهکده در غرب این کوهستان بعقب نشینی پرداختند. نیروهای گومیندان حملات خود را بر سیون ای، یائو سیان و مهلهای دیگر دنبال کردند. ۸ اوت نیرو های علیه سپاهیان مهاجم حمله متقابل را آغاز کردند و منطقه کوهستانی یه تای را پس گرفتند.

۷ - افسر رابطه گومیندان، رابطی است که در جریان جنگ مقاومت ضد ژاپنی از طرف دولت گومیندان به ین ان اعزام شده بود. " حه " اشاره به حه بین چینگ، رئیس ستاد کل گومیندان است. ۱۹ اکتبر و ۸ دسامبر ۱۹۴۰ چانکایشگ دو تلگرام بامضای حه یپن چینگ و بای چون سی، معاون

ستاد کل گومیندان فرستاد و در آن ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید را که در پشت جبهه دشمن با استقامت میجنگیدند ، بیشرمانه مورد اتهام قرار داد و به نیروهای مسلح توده های ضد ژاپنی که در جنوب رود خانه زرد عملیات جنگی اشتغال داشتند ، خود سرانه فرمان داد تا در مهلت مین به شمال این رود خانه رهسپارگردند . مرتجعین گومیندان بزودی با آغاز حمله ناگهانی خود علیه واحد های ارتش چهارم جدید که بسوی شمال در حرکت بودند ؛ " حادثه ان هوی جنوبی " را برانگیختند . حزب کمونیست چین در آنموقع بر روی حه بین چینگ بمثابه نماینده مرتجعین گومیندان که این پیکار ضد کمونیستی را براه انداخته بود ، انگشت میگذاشت ، اما در واقع چانکایشک را در نظر داشت .

۸ - " شورای سیاسی ملی " یک ارگان مشورتی بود که از آغاز جنگ مقاومت ضد ژاپنی از طرف گومیندان ایجاد شده بود . اعضای آن توسط دولت گومیندان " انتخاب " میشدند . اکثریت آنها به گومیندان و فقط اقلیت ماچیزی به حزب کمونیست چین و دیگر احزاب سیاسی تعلق داشت . بعلاوه دولت گومیندان برای احزابی که در برابر تجاوز ژاپن ایستادگی میکردند ، وضع مساوی و قانونی قائل نبود و به اعضای آنها اجازه نمیداد بمثابه نمایندگان احزاب خود در " شورای سیاسی ملی " شرکت جویند . یکی از مواد « نظامنامه سازمانی شورای سیاسی ملی » منتشره از طرف دولت گومیندان تصریح میکند که فقط " کسانی که مدت سه سال یا بیشتر در سازمانهای مهم فرهنگی و اقتصادی خدماتی انجام داده اند و حیثیتی کسب کرده اند و یا کسانیکه در انجام شغل دولتی خود کوشا هستند و از مدتها پیش حیثیت و اعتباری بدست آورده اند " میتوانند عضو باشند . بر طبق این ماده گومیندان چند تن از اعضای حزب کمونیست را " انتخاب " کرد تا در شورا شرکت نمایند .

۹ - اشاره به « چانکایشک جنگ داخلی برمیانگیزد » تغییری است که رفیق ماوتسه دون برای خبر گزاری سین هوا نوشته است . مراجعه شود به صفحه ۳۷ ، جلد حاضر .
۱۰ راه آهن نیمه تمام جنوب شرقی استان شان سی مابین بای گوی در شهرستان چی سیان و جین چن .

۱۱ - استان چاهار در سال ۱۹۵۲ و استان شان ژه هه در سال ۱۹۵۵ حذف شدند ، و به استانهای حه به ، شان سی و لیائو نین پیوستند .

۱۲ - بیست و یک مرکزی شهرستان مورد نظر عبارتند از ژوی جین ؛ حوی چان ؛ سیون او ؛ ان یوان ، سین فون ، یو دو ؛ سین گوه ، نین دو ، گوان چان ، شی چن و لی چوان در استان جیان سی ، و جیان نین ، تای نین ، نین هوا ، چینگ لیو ، گوی هوا ، لون یین ، چان دین ، لیان چن ، شان هان و یون دین در استان فو جیان .

۱۳ - بائو ان شهرستانی بود در شمال غربی استان شنسی که امروز جی دن نام دارد مقر کمیته مرکزی حزب کمونیست چین از آغاز ژوئیه سال ۱۹۳۶ تا ژانویه سال ۱۹۳۷ در آنجا بود . کمیته مرکزی بعداً در این ان مستقر شد .

۱۴ - نام این دهکده مستحکم دن با جای بود که در جنوب غربی شهرستان بائو ان قرار داشت . در این دهکده بیش از ۲۰۰ خانوار زندگی میکردند . موقعیت آن طوری بود که دسترسی به آنرا فوق العاده دشوار میساخت . از مدتها پیش یک مالک مستبد محلی بنام تسائو جیون جان در رأس یک باند ارتجاعی مسلح که تعداد آن از صد نفر تجاوز میکرد ، در این دهکده موضع گرفته بود . ارتش سرخ چندین بار این دهکده را محاصره و بان حمله کرد ولی نتوانست آنرا تصرف کند . در اوت سال ۱۹۳۶

میکوئازا ژوب کوئیت (نویسنده) افغانستان

ارتش سرخ در حالیکه دن با جای را با نیروهای مسلح محلی محاصر کرد ، کوشید توده های اصلی این دهکده را بسوی خود جلب کند و دشمن را از داخلی متلاشی سازد . در دسامبر همین سال تسائوی راهزن با مشتتی از افراد خود قرار کرد و دن با جای آزاد شد .

۱۵ - مراجعه شود «پند هائی برای اداره خانواده» ، اثر جو بای لو (قرن هفدهم)

۱۶ - سخن بر سر سرهنگ داوید . د . د . بارت رئیس گروه ناظرین ارتش امریکا در بین ان است .

این گروه در سال ۱۹۴۴ با موافقت حزب کمونیست چین از طرف نیروهای امریکا که در جنگ علیه ژاپن درگیر بودند ، با این ان فرستاده شد پاتریک . ج . هارلی سیاستمدار ارتجاعی حزب جمهوریخواه در سپتامبر سال ۱۹۴۴ بعنوان نماینده شخصی رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا به چین آمده و در اواخر آن سال بسمت سفیر امریکا در چین تعیین گردید . مراجعه شود به « یوگون پیر مردی که کوه را از جا میکند » ، یادداشت ۲ ، « منتخب آثار مائوتسه دون » ، جلد ۳ .

۱۷ - ایالات متحد آمریکا در ۶ اوت ۱۹۴۵ یک بمب اتمی بر روی هیروشیما و در ۹ اوت بمب

دیگر بر روی ناگاساکی افگند . بنگاههای تبلیغاتی ایالات متحد آمریکا و گومیندان پیرامون این واقعه سر و صدای بسیار براه انداختند و ادعا میکردند که دولت ژاپن باین علت به تسلیم تن در داده است که از بمبهای اتمی امریکا بوحشت افتاد بود . آنها با این تبلیغات امید داشتند که نقش قطعی ورود ارتش شوروی را در جنگ ، در مورد تسلیم ژاپن ناچیز جلوه دهند .

۱۸ - مونتابان که در آنموقع فرمانده عالی متفقین در جنوب شرقی آسیا بود ، در ۹ اوت سال

۱۹۴۵ طی اظهاراتی ورود اتحاد شوروی را در جنگ علیه ژاپن تهنیت گفت . او در اظهارات خود گفت که " بزرگترین خطا قبول این نکته است که بمب اتمی میتواند بجنگ در خاور دور پایان دهد . "

چیانکایشک جنگ داخلی بر میانگیزد

(۱۳ اوت ۱۹۴۵)

یک سخنگوی بخش تبلیغاتی کمیته اجرائی مرکزی گومیندان در اظهاریه خود این فرمان بدشمن و سپاهیان پوشالی (۱) را که در سر مهلت مقرر تسلیم شوند، فرمانی را که ۱۰ اوت از استاد کل در بین ان از طرف جوده سرفرمانده ارتش هجدهم صادر گردید " عملی گستاخانه و غیر قانونی " توصیف میکند ، این تفسیر مطلقاً مضحک است و نتیجه منطقی آن این میشود که سرفرمانده جوده خطا کار است که بموجب اعلامیه پتسدام (۲) و قصد دشمن دائر بر تسلیم به سپاهیان خود فرمان داده است که بدشمن و سپاهیان پوشالی اخطار نمایند که بلادرنگ تسلیم شوند و بر عکس صحیح و قانونی این میبود که بدشمن و سپاهیان پوشالی توصیه شود که از تسلیم سرباز ززند ! شگفت انگیز نیست که سردمدار فاشیست چینی چانکایشک ، خود کاهه ای که دشمن خلق و مورد تنفر شدید همگان است حتی پیش از تسلیم واقعی دشمن گستاخانه به نیرو های مسلح ضد ژاپنی مناطق آزادشده "فرمان میدهد " که " تا فرمان جدید در مواضع خود باقی بمانند " یعنی دست های خود را به بندند و خود را در معرض حملات دشمن قرار دهند . شگفت انگیز نیست که همین سردمدار فاشیست بازهم جرأت کرده است به باصطلاح نیرو های مخفی (که در واقع سپاهیان پوشالی هستند که میکوشند " مشور را از راه غیر مستقیم نجات دهند " (۳) و پلیس مخفی دای لی (۴) که با دشمن و سپاهیان پوشالی همکاری میکند) بدیگر سپاهیان پوشالی "فرمان دهد " که " نظم عمومی را در محلها حفظ کند " در حالی که در حالی به نیروهای مسلح ضد ژاپنی مناطق آزاد شده قدغن کرده که علیه دشمن و سپاهیان پوشالی " رأساً عمل نکنند " . این تعویض جای دشمن با هموطنان ، یک اعتراف واقعی چانکایشک است و با روشنی تمام فکر او را ترسیم میکند که حاکی از گاویندی دائمی با دشمن و سپاهیان پوشالی و نابود کردن همه کسانی است که با او همراه نیستند . معذک نیروهای مسلح توده ای ضد ژاپنی مناطق آزاد شده چین در دام این مانور بیشرمانه نخواهند افتاد . آنها میدانند که فرمان سرفرمانده جوده درست اجرای بلاشرط مفاد بند ۲ اعلامیه پتسدام

تفسیری است که بوسیله رفیق مائوتسه دون برای خبرگزاری سین هوا نوشته شده است .

است : " ادامه جنگ علیه ژاپن تا آنکه از مقاومت دست بر دارد . " در حالی که باصطلاح " فرمان های " چانکایسک درست در جهت نقض اعلامیه پتسدام است که خود او آنرا امضا کرده است . اینها را با هم مقایسه کنید ، فوراً خواهید دید چه کسی از " مراعات مواد موافقت نامه های متحدین " سر باز میزند .

تفسیر سخنگوی بخش تبلیغات کمیته اجرائی مرکزی گومیندان و بهمین ترتیب " فرمان های " چانکایسک از سر تا ته تحریک به جنگ داخلی است . در این موقع که در داخل کشور و در خارج توجه بر روی تسلیم بلاشرط ژاپن متمرکز گردیده ، هدف آنها اینست که بهانه ای پیدا کنند تا بلافاصله پس از پایان جنگ مقاومت به جنگ داخلی بپردازند . در واقع مرتجعان گومیندان به اندازه ای ابله اند که شایان ترحم است . آنها تصور کردند که با فرمان سرفرمانده جوده که به سپاهیان دشمن و سپاهیان پوشالی اخطار میکند که تسلیم شوند و اسلحه خود را بر زمین گذارند بهانه ای بدست آورده اند . آیا میتوان گفت که این بهانه موفقیت آمیز است ؟ نه . همین که مرتجعان گومیندان در جستجوی چنین بهانه ای هستند تنها ثابت میکند که آنها دشمن و سپاهیان پوشالی را بر هم میهنان خود ترجیح میدهند یا اینکه کینه آنان نسبت به هم میهنان خود بیش از دشمن و سپاهیان پوشالی است . تردیدی نیست که حادثه چون هوا (۵) چیزی جز هجوم سپاهیان حوزون نان در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا ، بمنظور برانگیختن جنگ داخلی نبوده است ، معذک مرتجعان گومیندان گفتند که این فقط " تعرض اکاذیب " است که از جانب حزب کمونیست چین صورت گرفته است . آنها در حادثه چون هوا بهانه ای را که مدتها در جستجوی آن بودند یافتند ، اما افکار عمومی چین و جهان فوراً موضوع را دریافت . اکنون آنها ادعا میکنند که ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید نباید از سپاهیان دشمن و سپاهیان پوشالی بخواهند که اسلحه خود را بر زمین گذارند . در طول هشت سال جنگ مقاومت ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید از تعرضات و محاصره های چانکایسک از یکسو و ژاپنی ها از سوی دیگر صدمات بسیار دیدند . اکنون که جنگ مقاومت بپایان خود میرسد چانکایسک به ژاپنها (و به سپاهیان پوشالی عزیز خود) اشاره میکند که اسلحه خود را نه به ارتش هشتم تسلیم کنند و نه به ارتش چهارم جدید بلکه " فقط به من چانکایسک " او جمله خود را نا تمام گذارده : " ... تا من نتوانم این اسلحه را برای کشتن کمونیستها و بر هم زدن صلح در چین و در جهان مورد استفاده قرار دهم . " آیا این عین واقع نیست ؟ اگر به ژاپنها بگویند که اسلحه خود را به چانکایسک تحویل دهند ، به سپاهیان پوشالی

بگویند که "نظم عمومی را در محلها حفظ کنند" چه نتیجه از آن بدست خواهد آمد؟ این نتیجه جز این نیست: یکی شدن رژیم های نانکن و چون چینگ (۶)، همکاری چانکایشک با سپاهیان پوشالی جای "همکاری چین و ژاپن" و همکاری ژاپنیها با سپتهیان پوشالی را خواهد گرفت؛ "آنتی کمونیسم و ساختمان ملی" چانکایشک بر جای "آنتی کمونیسم و ساختمان ملی" ژاپنها و وان جین وی خواهد نشست. آیا این نقض اعلامیه پتسدام نیست؟ آیا مسلم نیست که بلافاصله پس از پایان جنگ مقاومت قاطبه خلق در معرض خطر شدید جنگ داخلی قرار خواهد گرفت؟ اینک ما از تمام هموطنان خود و از کشور های متفق دعوت میکنیم که با اتفاق و همرا با خلق مناطق آزاد شده بکاری دست زنند تا با قاطعیت از جنگ داخلی در چین که صلح جهانی را در مخاطره خواهد انداخت جلوگیری کنند.

براستی چه کسی حق دارد تسلیم اشغالگران ژاپنی و سپاهیان پوشالی را بپذیرد؟ نیرو های مسلح ضد ژاپنی مناطق آزاد شده چین که حکومت گومیندان از دادن هرگونه کمکی به آنها امتناع ورزید و حتی آنها را برسمیت هم نشناخت، فقط با تکیه بر کوشش خود و بر پشتیبانی خلق موفق شدند سرزمینهای وسیعی را که بیش از صد میلیون نفر سکنه دارد آزاد سازند؛ آنها از پیشرفت ۵۶ درصد از سپاهیان مهاجم ژاپنی در چین و ۹۵ درصد از سپاهیان پوشالی جلوگیری کردند و به آنها حمله بردند. بدون این نیروهای مسلح ضد ژاپنی وضع چین هرگز آن نبود که امروز هست. بوضوح باید گفت که در چین فقط نیروهای مسلح ضد ژاپنی مناطق آزاد شده حق دارند تسلیم سپاهیان دشمن و سپاهیان پوشالی را بپذیرند. اما سیاست چانکایشک این بوده است که مانند ناظری دست روی دست بگذارد و به انتظار پیروزی بنشیند، او واقعاً ذره ای حق ندارد که تسلیم دشمن و سپاهیان پوشالی را بپذیرد.

ما به تمام هم میهنان خود و به خلق های سراسر جهان اعلام میداریم: فرماندهی عالی چون چینگ صلاحیت ندارد که خود را نماینده خلق چین و نیرو های مسلح چین برای نیروهای مسلح ضد ژاپنی مناطق آزاد شده چین که تحت فرمان سرفرمانده جوده قرار دارند این حق را طلب میکند که آنها نمایندگان خود را مستقیماً برای شرکت در پذیرش تسلیم ژاپن از طرف چهار دولت بزرگ متفق و شرکت در کنترل نظامی که این چهار دولت بر ژاپن برقرار میکنند و همچنین برای شرکت در کنفرانس صلح آینده اعزام دارند. اگر به این مطالبه ترتیب اثر داده نشود خلق چین آنرا بمثابه شیوه ای نادرست تلقی خواهد کرد.

يادداشتها

۱ - ۱۰ اوت ۱۹۴۵ سرفرمانده جوده از ستاد كل نبروها در ين ان ، فرماني به كليہ نبروهاي مسلح مناطق آزاد شده در باره تسليم اشغالگران ژاپني صادر كرد . اينك متن كامل آن :

ژاپن تسليم بلاشرط خود را اعلام داشت و متفقين براي بحث در پيرامون ترتيبات قبول تسليم ژاپن بر اساس اعلاميه پتسدام با يكدیگر ملاقات خواهند كرد . بنابر اين من بتمام نبروهاي مسلح مناطق آزاد شده فرمان ميدهيم :

(۱) بموجب مواد اعلاميه پتسدام ، تمام نبروهاي ضد ژاپني مناطق آزاد شده ، بايد اين فرمان را به سپاهيان دشمن و ارگانهاي فرماندهي آنها كه در شهرها ، بلوك يا در امتداد خطوط ارتباطي مجاور آنها قرار گرفته اند ابلاغ كنند كه تجهيزات خود را تمام و كمال در مهلت معين به نبروهاي ما بموجب آئين نامه هاي ما در باره رفتار جوانمردانه نسبت به اسيران جنگ حيات آنها را تضمين خواهند نمود .

(۲) تمام نبروهاي مسلح ضد ژاپني مناطق آزاد شده بايد اين فرمان را به تمام سپاهيان و مقامات پوشالي مجاور خود ابلاغ كنند كه پيش از امضاء قرار تسليم از طرف اشغالگران ژاپني بما به پيوندند منتظر بمانند كه تجديد سازمان يابند يا مرخص شوند . پس از اين مهلت سپاهيان پوشالي مجبورند تمام اسلحه خود را تحويل دهند .

(۳) تمام نبروهاي مسلح ضد ژاپني مناطق آزاد شده بايد مصممانه آن سپاهيان دشمن و آن سپاهيان پوشالي را كه از تسليم شدن و تحويل اسلحه خود سرباز ميزند نابود سازند .

(۴) نبروهاي مسلح ما اختيار كامل دارند كه واحد هاي خود را براي تصرف شهرها ، بلوك يا خطوط ارتباطي كه در دست نبرو هاي دشمن و نبروهاي پوشالي است اعزام دارند ، كنترل نظامي آنها را بر عهده گيرند ، نظم را در آنجا بر قرار كنند و براي كليہ امور اداري كميسرهائي تعيين نمايند ؛ هرگونه خرابكاري يا مقاومت بمثابه خيانت بميهن مجازات خواهد شد .

سپس روز يازدهم اوت فرماندهي عالي در اين ان بتواتر شش فرمان صادر كرد : به نبروهاي مسلح منطقه آزاد شده شان سي - سوي يوان (تحت فرماندهي رفيق حه لون) و منطقه آزاد شده شان سي - چاهار - حه به (تحت فرماندهي رفيق نيه ژون جن) و منطقه آزاد شده حه به - ژه هه - ليائو نين فرمان داد كه بسوي مغولستان داخلي و شمالي شرقي حركت كنند ؛ به نبروهاي مسلح منطقه آزاد شده شان سي فرمان داد كه خط آهن داتون - پو جو و دره رود خانه فن را از سپاهيان ژاپني و سپاهيان پوشالي پاك كنند ؛ به نبروهاي مسلح تمام مناطق آزاد شده فرمان داد كه عليه تمام خطوط ارتباطي مهم كه در دست دشمن باقي است شديداً به تعرض پردازند تا سپاهيان ژاپني . سپاهيان پوشالي را وادار به تسليم نمايند . واحد هاي ارتش آزاديبخش توده اي تمام مناطق آزاد شده مصممانه اين فرمانها را بمورد اجرا گذاشته و پيروزي هاي مهمي بدست آوردند .

۲ - منظور اعلاميه اي است كه روز ۲۶ ژوئيه ۱۹۴۵ از طرف چين ، بریتانیای کبیر و ممالک متحده آمریکا در کنفرانس پتیدام صادر گردید و به ژاپن تکلیف میکرد که تسلیم شود . نکات عمده اعلاميه عبارتند از : محو كامل ميلتاريسم ژاپن ، خلع سلاح كامل سپاهيان ژاپن ، برچيدن صنايع جنگي ژاپن ، محاکمه جنایتکاران جنگ ژاپن ، اجراء اعلاميه قاهره كه موجب آن ژاپن بايد از سرزمين هائي كه با زور تصرف کرده مانند كره ، منچوري ، تايوان و جزائر پون هو در چين دست بردارد و سرزمين

خود را به جزایر هون سو ، هوکایدو ، شیکوکو و جزایر کوچک مختلف محدود سازد . بلاخره اشغال ژاپن از طرف نیروهای مسلح متفق تا آنکه در ژاپن یک حکومت دموکراتیک استقرار یابد . اتحادشوروی که با اعلامیه پتسدام موافقت کرد در ۸ اوت ۱۹۴۵ به ژاپن اعلان جنگ داد .

۳ - اشاره است به عمل زشت تسلیم در برابر ژاپن و مبارزه علیه کمونیسم که طی جنگ مقاومت در برابر ژاپن از طرف مرتجعین گومیندان دنبال میشد . مرتجعین گومیندان به قسمتی از سپاهیان خود و کارمندان دولت خود دستور دادند که به اشغالگران ژاپنی به پیوندند تا بعداً در موقع حمله به مناطق آزاد شده بعنوان سپاهان و کارمندان پوشالی به نیروهای ژاپنی ملحق گردند و و این همان چیزی است که مزورانه " نجات کشور از راه غیر مستقیم " مینامیدند .

۴ - دای لی رئیس بوروی تجسسات و آمار شورای نظامی گومیندان بود . این بورو یکی از سازمانهای عظیم جاسوسی گومیندان بود .

۵ - منظور هجوم سپاهیان گومیندان است در ژوئیه ۱۹۴۵ به چون هوا ، سیون ای و یائو سیان در منطقه گوان چون که بخشی از منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا بود . رجوع شود به ((وضعیت سیاست ما پس از پیروزی در جنگ مقاومت ضد ژاپنی)) یاد داشت ۶ ، همین جلد .

۶ - رژیم پوشالی نانکن رژیم وان جین وی خائن بود و رژیم چون چینگ رژیم چانکایشک . " یکی شدن رژیم های نانکن و چون چینگ " یک توطئه سیاسی بود که امپریالیسم ژاپن و عناصر هوادار ژاپن در درون گومیندان آنرا تدارک میدیدند .

دو تلگراف

سرفرمانده ارتش هجدهم

به پانکایشک

(اوت ۱۹۴۵)

۱ - تلگراف ۱۳ اوت

ما بوسیله رادیوی چون چینگ از دو تلگراف خبرگزاری مرکزی آگاهی یافتیم . یکی از آنها مشعر بر فرمانی است که شما بعنوان ما فرستاده اید و دیگری حاکی از فرمان شما خطاب بافسران و سربازان مناطق مختلف جنگ است . در فرمانی که بعنوان ماست گفته میشود که " کلیه واحدهای ارتش هجدهم باید تا دستور جدید در مواضع خود باقی بمانند . " علاوه بر ما قدغن میشود که از مبادرت به خلع سلاح دشمن دست باز داریم . طبق تلگراف خبرگزاری مرکزی که از چون چینگ پخش شده و بتاريخ ۱۱ اوت است فرمان شما خطاب بافسران و سربازان مناطق مختلف جنگ چنین حاکی است : " امروز فرماندهی کل تلگراف هائی به کلیه افسران و سربازان مناطق مختلف جنگ فرستاده و فرمان داده است که عملیات جنگی را توسعه بخشند و بر طبق نقشه های و فرمانهائی که تنظیم و صادر شده است مجدانه و بدون کمترین وقفه به پیش بروند . " بعقیده ما این دو فرمان باهم تضاد دارد . بموجب فرمان اول واحدهای ما باید " تا دستور جدید در مواضع خود باقی بمانند " ، یعنی از هرگونه حمله دست باز دارند ، از هر گونه نبرد خوداری ورزند . چرا از ما میخواهند که نجنگیم در حالیکه تجاوزکاران ژاپنی در واقع هنوز تسلیم نشده اند و

این دو تلگراف سرمانده ارتش هجدهم بوسیله رفیق مائوتسه دون تنظیم شده است . در آن هنگام که تجاوز کاران ژاپنی تسلیم خود را اعلام داشته ولی در واقع تسلیم نشده بودند حکومت چانکایشک با کمک مسلحانه امپریالیسم آمریکا این حق را برای خود قایل شد که تجاوزا کاران ژاپنی بوی تسلیم شوند و ببهانه این کار به اعزام نیرو های مهمی بمنظور فشار برمناطق آزاد شده دست زد و جنگ داخلی ضد انقلابی را مجدانه تدارک میدید و هدف رفیق مائوتسه دون از تنظیم تلگراف نخستین این بود که

در هر ساعت و در هر لحظه به کشتار مردم چین ، به پیکار با سپاهیان چین و در عین حال به پیکار با سپاهیان شوروی ، امریکائی و انگلیسی ادامه میدهند و از طرف دیگر سپاهیان شوروی ، امریکائی و انگلیسی مشغول اند ؟ اما فرمان دوم شما بنظر ما خیلی خوب است :

" . . . توسعه عملیات جنگی و ... پیشروی مجدانه و بدون کمترین وقفه " . این عالی است ! ولی جای تأسف است که شما این فرمان را فقط به واحد های ویژه خود داده اید نه بما . و برای ما فرمان کاملاً دیگری صادر کرده اید . فرمانی که جوده در ۱۰ اوت به کلیه نیروهای مسلح ضد ژاپنی در مناطق آزاد شده چین فرستاد (۱) درست بدین معنی است که آنها باید " عملیات جنگی را توسعه بخشند " . فرمان مذکور ضمناً تصریح میکند که نیرو های مسلح ضد ژاپنی در عین " توسعه عملیات جنگی " باید به تجاوزکاران ژاپنی دستور تسلیم شدن و اسلحه و اموال دیگر واحد های دشمن و واحد های پوشالی را تحویل بگیرند . آیا این فرمان خیلی خوب نیست ؟ بدون تردید خیلی خوب است . بدون تردید بسود ملت چین است . اما فرمان " تا دستور جدید در مواضع خود باقی بمانند " بدون تردید بسود ملت چین نیست . ما فرمان شما را در این مورد خطا می‌شماریم ، آنقدر خطا که بناچار اعلام میداریم که آن را یکبارہ رد میکنیم . این فرمان نه تنها غیر عادلانه است بلکه برخلاف منافع ملت چین نیز میباشد و فقط به تجاوزکاران ژاپنی و به خائنان سود میرساند .

نقاب از چهره ضد انقلابی چانکایشک برگیرد و قاطبه مردم را در برابر دسیسه جنگ داخلی هشیار سازد. تلگراف دوم گام دیگری بود در افشای بیشتر دسیسه دارودسته چانکایشک در برانگیختن جنگ داخلی و پیشنهاد شش ماده ای حزب کمونیست چین را بمنظور جلوگیری از آن مطرح کرد . رفیق مانو تسه دون بهمین منظور دو تفسیر برای خیرگزاری سین هوا نوشت : ((چانکایشک جنگ داخلی برمی‌انگیزد)) و ((درباره اظهاریه سخنگوی چانکایشک)) که در همین جلد بچاپ رسیده است . در اثر موضع استوار و مصممانه حزب کمونیست چین که از لاف و گزاف های ارتجاعی چانکایشک مرعوب نمیشد مناطق آزاد شده بسرعت گسترش پیدا کرد و ارتش آزادیبخش بسرعت رشد یافت و در اثر فشار سیاسی شدیدی که در داخل و خارج کشور برضد انگیزش جنگ داخلی چین اعمال میشد چانکایشک بناچار تغییر تاکتیک داد ، قیافه مسالمت جو بخود گرفت و از رفیق مانوتسه دون دعوت بعنل آورد که برای مذاکرات صلح به چون چینگ برود .

تلگراف از حزب کمونیست (اوتیست) افغانستان

۲ - تلگراف ۱۶ اوت

در این هنگام که دشمن مشترک مایعنی دولت ژاپن مواد اعلامیه پستدام را پذیرفته و هم اکنون تسلیم خود را اعلام داشته ولی در واقع تسلیم نشده است. من بنام کلیه نیروهای مسلح ضد ژاپنی و ۲۶۰ میلیون نفر ساکنان مناطق آزاد شده چین و مناطق اشغالی ژاپنی ها اعلامیه و خواست های زیرین را در برابر شما مطرح میسازم.

اینک که جنگ مقاومت بر ضد ژاپن پیروزمندانه پایان می یابد توجه شما را به واقعیاتی که امروز در صحنه جنگ در چین وجود دارد جلب میکنم: در مناطق پهناوری که شما رها کردید و باشغال دشمن و پوشالیان در آمد ما علیرغم میل شما در عرض هشت سال نبرد دشوار قریب یک میلیون کیلومتر از اراضی را باز ستاندم، بیش از ۱۰۰ میلیون از اهالی را آزاد ساختیم، ارتش منظمی متجاوز از یک میلیون نفر و چریک توده ای متجاوز از ۲۲۰۰۰۰۰ نفر ترتیب دادیم و در سرزمین ۱۹ استان زیرین: لیاو نین، ژه هه، چارهار، سوی یوان، حه به، شانسی، شنسی، گان سو، نین سیا، حه نان، شان دون، جیان سو، ان هوی، حوبه، حونان، جیان سی، جیه جیان، فوجیان و گوان دون، ۱۹ منطقه وسیع آزاد شده (۲) بوجود آوردیم و اکثر شهرها، راهها مهم ارتباط و بخشهای ساحلی را که پس از حادثه ۷ ژوئیه ۱۹۳۷ بتصرف دشمن و پوشالیان در آمده است باستثنای چند منطقه در محاصره گرفتیم. بعلاوه در مناطق اشغالی ژاپنی ها (با ۱۶۰ میلیون جمعیت نیروهای مخفی عظیمی را برای مقاومت سازمان دادیم تا آنکه بر دشمن و بر پوشالیان ضربه وارد آورند. در صحنه عملیات، پیوسته ۶۹ در صد سپاهیان ژاپن را که بر چین تجاوز کرده اند (استثنای سپاهیان او در شمال شرقی) و ۹۵ در صد سپاهیان پوشالی را جلو گرفته ایم، مورد حمله قرار داده و محاصره در آورده ایم. برعکس، حکومت و نیروهای مسلح شما پیوسته سیاستی را دنبال کرده اند که عبارتست از دست گذاشتن روی دست گذاشتن و تماشاگرانه در انتظار پیروزی نشستن، نیروهای خود را حفظ کردن و جنگ داخلی را تدارک دیدن. شما نه فقط از اینکه مناطق آزاد شده ما و ارتش های ما را برسمیت بشناسید و بآنها خواربار برسانید امتناع ورزیدید بلکه با نیروی عظیمی بالغ بر ۹۴۰۰۰۰ نفری به محاصره و حمله بر ما پرداختید. با آنکه ارتش و اهالی مناطق آزادشده چین از حمله نیروهای دشمن و نیروهای پوشالی از یک سو و

سپاهیان خود شما از سوی دیگر رنج بی پایان کشیدند هرگز کمترین رختی در اراده خویش مبنی بر استقامت در جنگ مقاومت ، وحدت و دموکراسی راه ندادند . مردم مناطق آزاد شده چین و حزب کمونیست چین بار ها بشما و دولت شما پیشنهاد کردند که کنفرانسی از کلیه احزاب تشکیل دهید و دولت ائتلافی دموکراتیکی بوجود آورید که سراسر کشور را دربر گیرد تا به مبارزات داخلی پایان بخشد ، کلیه نیروهای ضد ژاپنی خلق چین را بسیج و متحد سازد ، جنگ مقاومت را به پیروزی برساند و صلح را پس از جنگ تأمین نماید . اما پیشنهاد های ما همواره از طرف شما و دولت شما رد شد . این امر موجب ناخرسندی شدید ماست .

بزودی دشمن تسلیم نامه خود را امضا خواهد کرد . ولی شما و دولت شما همچنان نظریات ما را نشنیده میگیرید . بعلاوه در ۱۱ اوت فرمانی برای من فرستاده اید که از نامعقول ترین فرمان هاست و به بهانه خلع سلاح دشمن به سپاهیان خود دستور داده اید که بمقیاس وسیعی بر مناطق آزاد شده فشار نظامی وارد آورند . باین طریق خطر جنگ داخلی بیش از همیشه حدت یافته است . اینها همه ما را بر آن میدارد که خواست های زیرین را در برابر شما و دولت شما مطرح سازیم :

۱ - من میطلبم که شما ، دولت شما و فرماندهی کل شما ، پیش از آنکه تسلیم ژاپن و پوشالیان را بپذیرید و در اثر تسلیم مذکور به انعقاد موافقت نامه یا قراردادی بپردازید با ما مشورت کنید تا نظریات مشترکی اتخاذ شود . زیرا که شما و دولت شما موجبات ناخشنودی خلق را فراهم ساخته اید و نمیتوانید نه نماینده توده های وسیع و نه نماینده هیچ یک از نیروهای توده ای مسلح ضد ژاپنی در مناطق آزاد شده چین و مناطق اشغالی ژاپنی ها در چین باشید . ما این حق را برای خود محفوظ میداریم که اگر موافقت نامه ها یا قرارداد ها بدون موافقت قبل ما حاوی مطلبی مربوط به نیروهای توده ای مسلح ضد ژاپنی در مناطق آزاد شده چین و مناطق اشغالی ژاپنی ها باشد نظریه خود را بیان کنیم .

۲ - کلیه نیروهای توده ای مسلح ضد ژاپنی در مناطق آزاد شده چین و مناطق اشغالی ژاپنی ها ، بموجب اعلامیه پتسدام و ترتیباتی که متفقین برای پذیرش تسلیم دشمن مقرر داشته اند (۳) ، حق دارند تسلیم سپاهیان ژاپن و پوشالیان را که در محاصر ما هستند بپذیرند ، اسلحه و اموال آنها را تصرف کنند و مسئولیت اجرای کلیه موادی را که متفقین پس از پذیرش تسلیم ژاپن قید خواهند کرد بر عهده گیرند . من در ۱۰ اوت به نیروهای مسلح مناطق آزاد شده پین فرمان دادم که بر کوشش خویش در حمله بر سپاهیان دشمن بیفزایند و آماده پذیرش تسلیم آنان باشند . در ۱۵ اوت به یاسوژی اکامورا ، سر فرمانده نیروهای دشمن ، فرمان دادم که

با سپاهیان تسلیم شود (۴) البته این فرمان مربوط بمنطقه عملیات نیروهای مسلح مناطق آزاد شده میباشد نه سایر مناطق . من عقیده دارم که فرمان هایم کاملاً درست است و با مصالح مشترک چین و متفقین موافقت دارد .

۳ - توده های وسیع و کلیه نیروهای مسلح ضد ژاپنی مناطق آزاد شده چین و مناطق اشغالی ژاپنی ها حق دارند نمایندگان خویش را برای شرکت در پذیرش تسلیم ژاپن که بوسیله متفقین انجام میگیرد و برای شرکت در حل کلیه مسایل ناشیه از تسلیم دشمن اعزام دارند .

۴ - مناطق آزاد شده چین و کلیه نیروهای مسلح ضد ژاپنی حق دارند که هیئت نمایندگی خاص خویش را برای شرکت در کنفرانس آینده صلح با ژاپن و کنفرانس های ملل متحد اعزام دارند .

۵ - از شما خواهش دارم از جنگ داخلی اجتناب ورزیده . راه این کار اینست که پذیرش تسلیم واحد های دشمن و پوشالیان که در محاصره نیروهای مسلح مناطق آزاد شده هستند با این نیروها باشد و پذیرش تسلیم واحد های دشمن و پوشالیان که در محاصره نیروهای مسلح خاص شما هستند با آن نیروها . این امر نه فقط مطابق رسمی است که در کلیه جنگ های معمولی میباشد بلکه بویژه برای اجتناب از جنگ داخلی ضروری است . اگر شما طور دیگر عمل کنید عواقب ناگواری به پیش خواهد آمد. این اخطار که بشما میدهیم جدی است و خواهش دارم آن را سرسری نگیرید .

۶ - از شما میطلبم که بیدرنگ دیکتاتوری حزب واحد را براندازید ، کنفرانس از کلیه احزاب بمنظور تشکیل دولت ائتلافی دموکراتیک تشکیل دهید ، کلیه کارمندان فاسد و مختلس و همچنین کلیه مرتجعین را منفصل سازید ، خائنان را مجازات کنید ، دوائر محرامانه را از میان بردارید ، قانونیت احزاب مختلف را برسمیت بشناسید (تا کنون شما و دولت شما حزب کمونیست چین و کلیه احزاب دموکراتیک را غیر قانونی بشمار آورده اید) ، کلیه قوانین و مقررات ارتجاعی را که محدود کننده آزادی های مردم است لغو کنید ، حکومت های منتخب خلق و نیروهای مسلح ضد ژاپنی را در مناطق آزاد شده چین برسمیت بشناسید ، واحد های خود را که مناطق آزاد شده را محاصره کرده اند عقب بکشید ، زندانیان سیاسی را آزاد سازید ، به اصلاحات اقتصادی و سایر اصلاحات دموکراتیک پردازید .

بعلاوه ، شما باید تلگراف من مورخ ۱۳ اوت را که پاسخ فرمان ۱۱ اوت شماست دریافت کرده باشید . تکرار میکنم : فرمان شما بکلی خطا بود . شما در ۱۱ اوت به واحدهای من فرمان دادید که " تا دستور جدید در مواضع خود باقی بمانند " و دیگر

بدشمن حمله نکنند. ولی این حقیقت نه فقط روز ۱۱ اوت وجود داشت بلکه امروز هم (۱۶ اوت) بجای خود باقی است که دولت ژاپن فقط در حرف تسلیم شده است نه در عمل ، سند تسلیم هنوز امضا نشده و تسلیم واقعی هنوز صورت نگرفته است . این نظر من با نظر متفقین - انگلستان ، امریکا و شوروی مطابقت کامل دارد . در همان ۱۱ اوت که شما آن فرمان را بعنوان من صادر کردید فرماندهی ارتش انگلستان در جبهه برمه اعلام داشت که جنگ با ژاپن ادامه دارد . نیمیتز (۵) ، فرمانده قوای آمریکا ، اظهار کرده است که نه فقط حالت جنگ با ژاپن همچنان برقرار است بلکه جنگ با کلیه آثار مغرب خود باید تعقیب شود . فرماندهی ارتش سرخ شوروی در خاور دور گفته است : " دشمن را باید بیرحمانه درهم شکست . " روز ۱۵ اوت ژنرال آنتونوف ، رئیس ستاد کل ارتش سرخ چنین اظهار داشت :

پیام راجع به تسلیم ژاپن که بوسیله امپراطور ژاپن در ۱۴ اوت انتشار یافته فقط اظهاریه ای کلی درباره تسلیم بلاشرط است . فرمان قطع مخاصمه هنوز به نیرو های مسلح داده نشده است و سپاهیان ژاپن بمقاومت ادامه میدهند . پس هنوز تسلیم واقعی نیرو های مسلح ژاپن در بین نیست . تسلیم سپاهیان ژاپنی را فقط آنگاه میتوان واقعی بشمار آورد که امپراطور ژاپن به نیروهای مسلح فرمان ترک مخاصمه و زمین گذاشتن اسلحه صادر کند و این فرمان واقعاً اجرا گردد. بنا بر مراتب فوق نیروهای مسلح شوروی در خاور دور به عملیات تعرضی خود بر ضد ژاپن ادامه خواهند داد .

کاملاً آشکار است که از میان کلیه فرماندهان کل نیروهای متفقین فقط شما هستید که فرمانی کاملاً خطا صادر کرده اید . بعقیده من خطای شما از آنجا ناشی است که بدنبال منافع خود خواهانه هستید و این خطا بسیار وخیم است زیرا که فرمان شما بسود دشمن تمام میشود . از اینجهت من بر طبق منافع مشترک چین و متفقین با عزمی جزم بر ضد فرمان شما بر خواهم خاست تا آنکه علناً اشتباه خود را بپذیرید و این فرمان خطا را ملغی سازید . من همچنان به واحدهای مسلح تحت فرماندهی خویش فرمان خواهم داد که عملیات خود را با عملیات نیروهای مسلح اتحادشوروی ، امریکا و انگلستان تطبیق داده مجدانه بر دشمن حمله آورند تا آنگاه که دشمن واقعاً بترک مخاصمه مبادرت جوید ، اسلحه تسلیم کند و سرزمین میهن ما تماماً بما باز گردد . صریحاً بشما میگویم : من سربازی میهن پرستم و طور دیگر نمیتوانم عمل کنم .

خواهش دارم بمطالب بالا بیدرنگ پاسخ گوئید .

یادداشتها

۱ - مراجعه شود به ((چانکایشک جنگی داخلی برمیانگیزد)) یاداشت ۱، جلد حاضر
 ۲ - نوزده منطقه آزاد شده عبارت بود از: شمسی - گان سو - نین سیا - شان سی - سوی یوان ، شان سی - چاهار - حه به ، حه به - ژه هه - لیائو نین ، شانسی - حه به - حه نان، شان دون ، جیان سوی شمالی ، جیان سوی مرکزی ، جیان سوی جنوبی ، شمال رود خانه حوای ، جنوب رودخانه حوای ، ان هوی مرکزی ، جه جیان ، گوان دون ، چیون یا ، خونان - حوبه - جیان سی ، حوبه - حه نان - ان هوی و حه نان .

۳ - در ۱۰ اوت ۱۹۴۵ دولت ژاپن از اتحاد شوروی ، چین ، آمریکا و انگلستان در خواست تسلیم کرد . در ۱۱ اوت دولت های این چهار کشور پاسخ دادند که " فرماندهی های ارتش زمینی ، دریایی و هوایی ژاپن " و " کلیه نیروهای تحت نظارت آنها در هر جا که باشد " باید " هرگونه عملیات فعال را قطع نموده و " اسلحه خویش را تسلیم کنند " .

۴ - یاسوژی اکامورا در آن موقع فرمانده کل نیروهای مهاجم ژاپن در چین بود . فرمائی که از طرف جوده فرمانده کل ، به یاسوژی اکامورا ابلاغ شد ، چنین اشعار میداشت :

(۱) دولت ژاپن رسماً مواد اعلامیه پتسدام را پذیرفته و تسلیم خویش را اعلام داشته است .

(۲) شما به کلیه واحد های تحت فرماندهی خویش فرمان خواهید داد که کلیه عملیات نظامی را قطع کنند ؛ کلیه واحد ها بااستثنای آنهایی که در محاصره نیروهای دولت گومیندان هستند باید طبق فرمان ارتش های مناطق آزاد شده چین یعنی ارتش هشتم ، ارتش چهارم جدید و ستون ضد ژاپنی چین جنوبی بما تسلیم شوند .

(۳) در مورد تسلیم واحد های ژاپن در چین شمالی ، به ژنرال سادامو شیمومو را فرمان خواهید داد که نماینده ای به منطقه فو پین ارتش هشتم بفرستد تا در آنجا دستور های ژنرال نیه ژون جن رادریافت دارد . در مورد تسلیم واحد های ژاپن در چین شرقی ، خود شما نماینده ای معین خواهید کرد که به ستاد کل ارتش چهارم جدید در تیان چان برود تا در آنجا دستور های ژنرال چن ای را دریافت دارد . در مورد تسلیم واحد های ژاپن در استانهای حه به و حه نان ، به نماینده خود در اوهان دستور خواهید داد که بمنطقه کوهستانی دابیه لشکر ۵ ارتش چهارم جدید برود تا در آنجا دستور های ژنرال لی سیان نیان را دریافت دارد . در مورد تسلیم واحد های ژاپن در استان گوان دون به نماینده خود در گوان جو دستور خواهید داد که به منطقه دون ون ستون ضد ژاپنی چین جنوبی برود تا در آنجا دستورهای ژنرال زن شن را دریافت دارد .

(۴) کلیه واحدهای ژاپن در چین شمالی ، شرقی ، مرکزی و جنوبی (بااستثنای آنهایی که در محاصره واحدهای گومیندان هستند) باید تا موقعی که تسلیم آنها از طرف ارتش ما پذیرفته شود تمام اسلحه و تمام اموال دیگری را که در اختیار دارند دست نخورده نگهدارند و هیچ دستوری جز از جانب ارتش هشتم ، ارتش چهارم جدید و ستون ضد ژاپنی در چین جنوبی نباید بپذیرند .

- (۵) کلیه هواپیماها و کشتی ها در چین شمالی و چین شرقی باید در همانجا که هستند باقی بمانند ، ولی کشتی هائی که در طول ساحل چین در دریای زرد و خلیج بوه های لنگر انداخته اند باید در لیان یون گان ، چینگ دائو ، وی های وی و تیانزین متمرکز گردند.
- (۶) هیچگونه تخریب اموال و تاسیسات نباید اتفاق بیفتد .
- (۷) شما و فرماندهان ارتش ژاپن تحت فرماندهی شما در چین شمالی ، شرقی ، مرکزی و جنوبی در اجرای فرمان فوق مسئولیت کامل دارید .
- ۵ - چستر و نیمیتز در آن موقع فرمانده کل نیروی دریائی آمریکا در اوقیانوس آرام و فرمانده کل منطقه جنگی اوقیانوس آرام بود .

درباره اظهاریه سخنگوی چانکایشک

(۱۶ اوت ۱۹۴۵)

یکی از سخنگویان چانکایشک در بعد از ظهر ۱۵ اوت در کنفرانس مطبوعاتی چون چینگ ضمن اشاره باینکه گویا حزب کمونیست چین فرمان ژانرالیسم چانکایشک به فرمانده کل جوده را نقض کرده است چنین اظهار داشت: " فرمان ژنرالایسم باید اجراء شود " و کسانی که این فرمان ها را نقض میکنند دشمنان خلق اند ". خبرنگار خبرگزاری سین هوا میگوید این بآن معنی است که چانکایشک آشکارا طبل جنگ داخلی همگانی را کوفته است. چانکایشک در روز ۱۱ اوت یعنی در همان موقعی که تجاوزکاران ژاپنی نزدیک به نابودی قطعی بودند فرمانی که خصلت خیانت ملی دارد صادر کرد و پیکار با تجاوزکاران ژاپنی و سپاهیان پوشالی را بر ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید و کلیه سایر نیروهای مسلح توده ای قدغن نمود. بدیهی است که بهیچوجه ممکن نبود و نمیبایست این فرمان مورد پذیرش واقع شود. اندکی بعد چانکایشک بزبان سخنگوی خود اعلام داشت که نیروهای مسلح خلق چین " دشمنان خلق " اند. این بمنزله آنست که وی به خلق چین اعلان جنگ داخلی داده باشد. البته دسیسه چانکایشک در برانگیختن جنگ داخلی از فرمان ۱۱ اوت آغاز نمیشود. این نقشه ای است که وی پیوسته در طی هشت سال جنگ مقاومت دنبال کرده است. چانکایشک در طی هشت سال به سه کارزار ضد کمونیستی پردامنه در ۱۹۴۰، ۱۹۴۳ (۱) مبادرت جست و هر بار آماده بود که کارزار را بصورت جنگی داخلی بمقیاس سراسر کشور گسترش دهد. فقط مخالفت خلق چین و شخصیتهای سرشناس کشور های متفق بود که از برانگیختن این جنگ جلو گرفت و موجب خشم فروان چانکایشک گردید. بدین جهت او مجبور شد جنگ داخلی همگانی را بزمان پایان جنگ مقاومت محول سازد. منشاء فرمان ۱۱ اوت و اظهاریه ۱۵ اوت در اینجاست. چانکایشک بمنظور برانگیختن جنگ داخلی قبلاً انواع اصطلاحات مانند " حزب بیگانه "، " حزب خائن "، " ارتش خائن "، " ارتش یاغی "، مناطق خائنان "، " مناطق راهزان "، " سرپیچی از فرامین نظامی و دولتی "، " تیول فئودالی "، " تخریب در جنگ مقاومت " و " بمخاطره افکندن کشور " اختراع

تفسیری است که بوسیله رفیق مائوتسه دون برای خبرگزاری سین هوا نوشته شده است.

کرده بود اختراع کرده بود؛ بعلاوه وی مدعی بود که سابقاً در چین " جنگ داخلی " وقوع نیافت و فقط " سرکوب کمونیست ها " روی داده است و بنابر این در آینده نیز " جنگ داخلی " وقوع نخواهد یافت ، و غیره . این بار تفاوت کوچکی بمیان آمده و آن افزایش اصطلاح جدید " دشمن خلق " است . اما همه خواهند دید که این اختراع نابخردانه است . زیرا که هر وقت در چین از " دشمن خلق " صحبت میشود هر کس میداند که اشاره به کیست . در چین یک نفر هست که به سه اصل خلق آورده سون یاتسن و به انقلاب بزرگ ۱۹۲۷ خیانت ورزید ، خلق چین را در ورطه ای از خون ده سال جنگ داخلی فرو برد و باین طریق محرک تهاجم امپریالیسم ژاپن شد . و آنگاه از شدت هول و هراس سر از پا نشناخته از استان حی لون جیان به استان گوی جو گریخت و باند کثیری را در این گریز بدنبال خود کشانید . سپس دست روی دست گذاشته تماشا گرانه به انتظار پیروزی نشست . اینک که پیروزی فرا رسیده است وی بارتش های خلق فرمان میدهد که " تا دستور جدید در مواضع خود باقی بمانند " و به دشمن و به خائنان فرمان میدهد که " نظم را حفظ کنند " تا آنکه او بتواند مفتخرانه و پیروزمندانه به نانکن باز گردد . همینکه این واقعیات بازگویی شود خلق چین میشناسد که این شخص چانکایشک است . آیا او دشمن خلق است ؟ البته منکرانی هستند . خلق میگوید : آری دشمنان خلق میگوید : نه . اینها هستند منکران . اما این موضوع در میان خلق روز بروز کمتر انکار میشود . اینک مسئله در اینجاست که این دشمن خلق میخواهد جنگ داخلی برانگیزد . خلق چه باید بکند ؟ خبرنگار خبرگزاری سین هوا میگوید : سیاست حزب کمونیست چین در برابر تصمیم چانکایشک در برانگختن جنگ داخلی ، روشن و پیگرانه است و عبارتست از مخالفت با این جنگ داخلی . در همان موقعیکه امپریالیسم ژاپن بهجوم بر چین پرداخت حزب کمونیست چین خواستار شد که بجنگ داخلی پایان داده شود و اتحاد بر ضد تهاجم خارجی صورت گیرد . در ۱۹۳۶ - ۱۹۳۷ حزب کمونیست چین با مجاهدات عظیم خود چانکایشک را واداشت که پیشنهاد هایش را بپذیرد و باین طریق جنگ مقاومت ضد ژاپنی را امکان پذیر گردانید . در مدت هشت ساله این جنگ ، حزب کمونیست چین پیوسته کوشید که خلق را هشیار نگهدارد تا از خطر جنگ داخلی جلوگیری بعمل آورد . از سال گذشته ، حزب کمونیست چین بارها توجه خلق را باین نکته معطوف داشت که چانکایشک به دسیسه عظیمی مشغول است تا بمحض پایان یافتن جنگ مقاومت به برانگیختن جنگ داخلی بمقیاس ملی دست بزند . حزب کمونیست چین ، مانند خلق چین و همه کسانی که در جهان به صلح در چین علاقه

مند اند عقیده دارد که جنگ داخلی جدید مصیبتی است. ولی حزب کمونیست چین بر آن است که هنوز میتوان از جنگ داخلی جلو گرفت و باید جلو گرفت. منظور جلوگیری از جنگ داخلی است که حزب کمونیست چین تشکیل دولت ائتلافی را پیشنهاد کرده است. اینک چانکایشک این پیشنهاد را رد میکند و در هر لحظه ممکن است جنگ برانگیخته شود. اما برای خنثی کردن این دسیسه چانکایشک وسیله مطمئن وجود دارد. باید اهتمام ورزید در اینکه نیروهای دموکراتیک خلق سریعاً و قاطعاً افزایش یابد. مردم باید شهرهای بزرگ را که بوسیله دشمن اشغال شده است آزاد سازند و سپاهیان دشمن و پوشالیان را خلع سلاح کنند و اگر ستمکاری، دشمن خلقی جرأت حمله بخلق داشته باشد مردم باید برای دفاع از نفس به واکنش جدی دست برند و اغراض آن برانگیزنده جنگ داخلی را باطل گردانند. اینست وسیله جلوگیری از جنگ داخلی، و یگانه وسیله است. خبرنگار خبرگزاری سین هوا قاطبه ملت و همه جهان را فرا میخواند که این دروغ کاملاً مزورانه و بیشرمانه را بدور افکنند که گویا بر عکس آنچه ما گفتیم اگر چانکایشک آزاد ساختن شهرهای بزرگ و در اشغال دشمن را و خلع سلاح نیروهای دشمن و پوشالی را و استقرار دموکراسی را بر خلق چین قدغن کند و اگر خود او برای "بارت بردن" (و نه برای در هم کوفتن) رژیم دشمن و پوشالیان وارد این شهرها شود اجتناب از جنگ داخلی در چین میسر خواهد گردید. خبرنگار خبرگزاری سین هوا تأکید میکند که این دروغ است و آشکارا با منافع ملی و دموکراتیک خلق چین مابینت دارد و نیز با کلیه واقعیات تاریخ چین معاصر در تضاد فاحش است. هرگز نباید فراموش کرد که: اینکه چانکایشک مدت ده سال از ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۷ بجنگ داخلی مبادرت ورزید بهیچوجه در اثر آن نبود که شهرهای بزرگ در دست حزب کمونیست و نه در دست وی بود. برعکس، از ۱۹۲۷ ببعدهیچیک از شهرهای بزرگ در دست حزب کمونیست نبود بلکه همه یا در دست چانکایشک بود و یا بوسیله او تخلیه شده و بدست ژاپنیها و خائنان افتاده بود. جنگ داخلی در چنین احوالی ده سال بمقیاس ملی ادامه یافت و در بعضی از مناطق تا امروز ادامه دارد. هرگز نباید فراموش کرد که اگر جنگ داخلی دهساله متوقف شد، اگر سه کارزار بزرگ ضد کمونیستی و سایر تحریکات بیشمار دوران جنگ مقاومت (از آن جمله هجوم جدید چانکایشک بر بخش جنوبی منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا (۲) با شکست روبرو گردید بهیچوجه در اثر آن نبود که چانکایشک نیرومند بود بلکه در اثر آن بود که نیرومندیش نسبتاً ناکافی بود و حزب کمونیست و خلق چین نسبتاً نیرومند بودند.

جنگ داخلی دهساله متوقف شد ، نه در اثر دعوت شخصیت‌های سراسر کشور که هوادار صلح بودند و از جنگ میهراسیدند (مانند شخصیت‌های " جمعیت برانداختن جنگ داخلی " (۳) که سابقاً وجود داشت و سایر جمعیت های نظیر آن) بلکه در اثر خواست متکی باسلحه حزب کمونیست چین و نیز خواست متکی باسلحه ارتش شرقی تحت فرماندهی جان سیوه لیان و ارتش شمالی غربی بفرماندهی یان هو چن . سه کارزار بزرگ ضد کمونیستی و تحریکات بی‌شمار دیگر باین علت با شکست روبرو نشد که حزب کمونیست به امتیاز دادن های بینهایت دست زد و شیوه انتقاد پیش گرفت بلکه بآن علت که حزب کمونیست در روش استوار و عادلانه دفاع از نفس پایداری کرد : " ما حمله نخواهیم کرد مگر آنکه بما حمله کنند ؛ ولی اگر بما حمله کنند بحمله متقابل دست خواهیم زد . " (۴) اگر حزب کمونیست زور نداشت و استقامت نداشت ، اگر تا پایان در راه منافع ملت و خلق پیکار نکرد بود چگونه ممکن بود جنگ مقاومت بر ضد ژاپن آغاز شود ؟ و حتی اگر آغاز میشد چگونه ممکن بود مجدانه تا پیروزی کنونی دنبال گردد ؟ چگونه ممکن بود چانکایشک و همالانش هنوز زنده باشند و از درون هزیمت گاه کوهستانی خویش که آنقدر دور از جبهه است فرمان صادر کنند و اظهاریه بدهند ؟ حزب کمونیست چین مصممانه با جنگ داخلی مخالف است . اتحاد شوروی ، آمریکا و انگلستان در کریمه چنین اعلام داشته اند : " صلح داخلی برقرار کنید " و " مقامات دولتی موقت که نماینده کلیه عناصر دموکراتیک اهالی باشند و متعهد شوند که هر چه زودتر از راه انتخابات آزاد به استقرار دولتی موافق اراده خلق بپردازند بوجود آورید " (۵) . این درست همان است که حزب کمونیست چین پیوسته پیشنهاد کرده است : تشکیل " دولت ائتلافی " . اگر این پیشنهاد عملی شود میتواند از جنگ داخلی جلوگیری کند . ولی یک شرط قبلی لازم است : زور . اگر خلق متحد شود و نیروهای خویش را بیفزاید میتواند از جنگ داخلی اجتناب ورزید .

یادداشتها

۱ - مراجعه شود به " تفسیر در باره یازدهمین پلنوم کمیته اجرائی مرکزی گومیندان و دومین جلسه سومین شورای سیاسی ملی " ، " منتخب آثار مائوتسه دون " ، جلد ۳ .

- ۲ - اشاره است به حمله سپاهیان گومیندان در چون هوا ، سیون ای و یائو سیان واقع در بخش گوان جون از منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا در ژوئیه ۱۹۴۵ . مراجعه شود به "وضعیت و سیاست ما پس از پیروزی درجنگ مقاومت ضد ژاپنی" ، یادداشت ۶ ، جلد حاضر .
- ۳ - "جمعیت برانداختن جنگ داخلی" در اوت ۱۹۳۲ در شانگهای تشکیل شد و اعضایش بطور عمده بورژواها بودند . این جمعیت اعلامیه ای صادر کرده "پایان دادن به جنگ داخلی و متحد شدن برای مقاومت در برابر تجاوز بیگانه" را خواستار گردید .
- ۴ - مراجعه شود به "مصاحبه با سه خبرنگار خبرگزاری مرکزی و روزنامه های "ساتو دان بائو" و "سین مین بائو" منتخب آثار مائو تسه دون" ، جلد ۲ .
- ۵ - استخراج از اعلامیه کنفرانس کریمه (یالتا) مورخ ۱۱ فوریه ۱۹۴۵ که از طرف اتحادشوروی ، آمریکا و انگلستان نتشار یافت .

در باره مذاکرات صلح با گومیندان اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین

(۲۶ اوت ۱۹۴۵)

تسلیم سریع اشغالگران ژاپنی وضع را بکلی تغییر داد. چانکایسک حق پذیرفتن تسلیم را بخود اختصاص داد. برای مدتی (در طولی دوره معینی) شهرهای بزرگ و خطوط ارتباطی مهم در اختیار ما نخواهد بود. معذک در شمال چین ما با سر سختی مبارزه خواهیم کرد و از هیچ کوششی نخواهیم ایستاد برای آنکه هر آنچه که ممکن است بدست آوریم. در جریان دو هفته گذشته ارتش ما ۵۹ شهر بزرگ و کوچک و همچنین مناطق وسیع روستائی را آزاد ساخت. هم اکنون مجموعاً ۱۷۵ شهر (از آنجمله شهرهایی که از سابق در تصرف ما بود) در دست ماست. این خود پیروزی بزرگی است. در شمال چین ارتش ما وی های وی یین تای، لون کو، ای دو، زی چون، یان لیوچینگ، بی که چی، بوه آن، جان جیا کو، جی نین، فون جن و نقاط دیگر را آزاد نمود. نیروی ارتش ما شمال چین را بحرکت در میاورد و این خود بهمراه با

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین برای داخل حزب، اثر رفیق مائوتسه دون که دو روز پیش از مسافرت وی به چون چینگ برای مذاکرات صلح با گومیندان نگاشته شده است. از آنجائی که حزب کمونیست چین و توده های وسیع خلق چین با تشبثات چانکایسک بمنظور بر افروختن جنگ داخلی مصممانه مبارزه میکردن، از آنجائی که امپریالیسم آمریکا در آتموقع هنوز نتوانست افکار محافل دموکراتیک جهان را که یک دل و یک زبان علیه سیاست جنگ داخلی و دیکتاتوری چانکایسک بود ندیده بگیرد، چانکایسک سه بار در روزهای ۱۴، ۲۰ و ۲۳ اوت ۱۹۴۵ به رفیق مائوتسه دون تلگراف کرد و او را برای مذاکرات صلح به چون چینگ دعوت نمود. ۲۷ اوت هارلی که در آن زمان سفیر اتازونی در چین بود برای همین منظور به این ان آمد. برای آنکه تمام کوشش های ممکن در راه نیل به صلح بعمل آید و در عین مبارزه بخاطر صلح سیمای حقیقی امپریالیسم آمریکا و چانکایسک آشکار گردد، چیزی که بسود وحدت و پرورش توده های وسیع مردم بود، حزب کمونیست چین تصمیم گرفت رفقا مائوتسه دون، جوئن لای و وان ژوه فی را برای مذاکرات صلح به چون چینگ اعزام دارد. در این اطلاعیه سیر حوادث در چین، در طول دو هفته ای که از اعلان ژاپن دایر به تسلیم خود میگذشت مورد تجزیه و تحلیل قرار میگیرد. در اطلاعیه خط مشی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در مورد مذاکرات صلح، گذشتہائی که ممکن است در جریان مذاکرات بآنها دست زد و اقدامات حزب بتناسب و

پیشروی صاعقه آسای ارتش شوروی و ارتش مغولستان در جهت دیوار بزرگ حزب ما را در موقعیت مساعدی قرار میدهد. لازم است از این پس نیز در طول دوران معینی به تعرض خود ادامه دهیم و از تمام امکانات استفاده کنیم برای آنکه خط آهن بی بین - سوی یوان ، بخش شمال خط آهن داتون - پو جو ، خطوط آهن جن دین - تای یوان ، ده جو - شی جیا جون ، بای گوی - جین چن و دائو کو - چینگ هوا را بتصرف در آوردیم ، خطوط آهن بی چین - لیائو نین ، بی پین - جان کو ، تیائزین - و کو ، چینگ دائو - جی نان ، لون های و شانگهای - نانکن را قطع کنیم و در هرجائی که ممکن است ولو بطور موقت کنترل خود را بر قرار نمائیم . در عین حال باید نیروهای لازم را به تصرف هرچه بیشتر دهات ، قرا و مراکز بخش شهرستان بگماریم . مثلاً ارتش چهارم جدید بسیاری از شهر ها در ناحیه میان نانکن و دریاچه تای هو و کوهستان تیان مو و همچنین در ناحیه بین رود خانه های یان تسه و حوای اشغال کرد ؛ در استان شان دون سپاهیان ما تمام شبه جزیره شان دون را اشغال نمودند ؛ در منطقه شان سی - سوی یوان ارتش ما شهر های بسیاری را در جنوب و شمال خط آهن بی پین - سوی یوان بتصرف در آورد . اینها همه وضع فوق العاده مساعدی بوجود آورده است . حزب ما هرگاه تعرض خود را هنوز مدتی ادامه دهد خواهد توانست کنترل خود را بر بخش اعظم مناطق شمالی رودخانه سلفی یان تسه و رود خانه حوای ، بر بخش اعظم استان هاس شان دون ، حه به ، شان سی و سوی یوان ، بر امام سرزمین استان های ژه هه و چاهار و همچنین بر بخشی از استان لیائو نین بر قرار سازد.

اکنون که اتحاد شوروی ، اتازونی و انگلستان جنگ داخلی را در چین تأیید

سرنوشت ممکن مذاکرات تشریح میشود . در اطلاعیه رهنمود های اصولی داده میشود در باره اینکه چگونه باید مبارزه را در مناطق آزاد شده شمال و شرق چین و در مناطق آزاد شده مرکز و جنوب چین دنبال کرد . در اطلاعیه گفته میشود که حزب نباید بسبب این مذاکرات در مورد چانکایشک هوشیاری را از دست بدهد و از مبارزه با او بکاهد . رفیق مانوتسه دون و رفقای دیگر ۲۸ اوت به چون چینگ وارد شدند و در آنجا مدت ۴۳ روز با گومیندان بمذاکره پرداختند . اگر چه در نتیجه این مذاکرات فقط ((خلاصه مذاکرات میان نمایندگان گومیندان و حزب کمونیست)) (یعنی " موافقت نامه ۱۰ اکتبر ") انتشار یافت ، معذک مذاکرات موفقیت آمیز بود باین معنی که حزب کمونیست در وضع سیاسی بسیار مساعدی قرار داشت و گومیندان در وضعی نامساعد و رفیق مانوتسه دون ۱۱ اکتبر به یان بازگشت و رفقا جوئن لای و ودان ژوه فی برای ادامه مذاکرات در چن چینگ باقی ماندند . در باره نتایج مذاکرات به مقاله " در باره مذاکرات چون چینگ " منتشر در همین جلد مراجعه شود .

نمیکنند (۱) ، حزب ما سه شعار بزرگ صلح ، دموکراسی و وحدت (۲) را به پیش کشیده و رفقا مائوتسه دون ، جوئن لای و وان ژوه فی را برای بحث با چانکایشک در مسائل مهمی نظیر وحدت ملی و ساختمان دولتی به چون چینگ اعزام میدارد ، ممکن است نقشه های اهریمنی مرتجعین چینی را بخاطر برانگیختن جنگ داخلی نقش بر آب ساخت . اگر چه گومیندان با تصرف شهر های شانگهای ، نانکن و شهرهای دیگر ، با دست یافتن به دریا ، بغنیمت گرفتن اسلحه دشمن و وارد ساختن سپاهیان پوشالی در ارتش خود ، توانسته است تا حدودی مواضع خود را استحکام بخشد ، معذک مانند سابق هزاران زخم التیام ناپذیر پیکر آنرا میپوشانند ، تضاد های درونی متعددی از درون آنرا میخورند و مشکلات بزرگی آنرا فرا گرفته اند . امکان دارد که گومیندان پس از مذاکرات ، در زیر فشار نیروهای داخلی و خارجی تحت شرایط معینی موقعیت حزب ما را برسمیت بشناسد . در اینصورت مرحله جدیدی از همکاری دو حزب (باضافه جامعه دموکراتیک (۳) و غیره) و تکامل مسالمت آمیز آغاز خواهد شد . حزب ما در چنین وضعی باید با پیگیری تمام شیوه های مبارزه قانونی را فرا گیرد . کار خود را در مناطق گومیندان در قسمتهای سه گانه : شهرها ، دهات و ارتش (و اینها نقاط ضعیف کار ما میباشد) تشدید نماید . در جریان مذاکرات ، گومیندان یقیناً از ما خواهد خواست که بمیزان زیاد از وسعت مناطق آزادشده بکاهیم ، تعداد ارتش آزادیبخش را تقلیل دهیم و از انتشار اسکناس خود داری ورزیم . ما آماده ایم به گذشته هائی که ضرورت اقتضا کند و بمنافع اساسی خلق زبان نرساند دست زنیم . بدون گذشتهائی نمیتوان نقشه های اهریمنی گومیندان را منظور برانگیختن جنگ داخلی عقیم ساخت ، نمیتوان ابتکار سیاسی را دست گرفت ، نمیتوان علاقه و توجه افکار عمومی جهان و عناصر بینابینی را در درون کشور بخود جلب کرد ، نمیتوان برای حزب ما وضع قانونی بدست آورد ، نمیتوان به حفظ صلح در درون کشور توفیق یافت . معذک گذشته حدودی دارد : باید اصول را مراعات کرد و منفع اساسی خلق را از دستبرد مصون داشت .

پس از آنکه حزب ما گام های فوقالذکر را برداشت ، گومیندان اگر باز هم در براه انداختن جنگ داخلی لجاج ورزد ، در پیشگاه خلق کشور و مردم جهان گناهکار شناخته خواهد شد و حزب ما حق خواهد داشت برای دفاع از خویش بجنگ برخیزد و حملات آنرا درهم شکند . بعلاوه حزب ما دارای نیروی عظیمی است . در صورت حمله دشمن اگر شرایط برای نبرد مساعد باشد ، در موضع دفاع از خویش قرار خواهد گرفت و دشمن را با قاطعیت ، از بیخ و بن و تمام و کمال نابود خواهد کرد

(نباید سبکسرانه به نبرد پرداخت؛ نبرد را هنگامی باید آغازید که پیروزی بر دشمن مسلم است). هیچگاه نباید از منظره هراس انگیز نیروهای ارتجاعی بیمی بخود راه داد. باید به اصول زیر اکیداً پای بند بود و هرگز آنها را بدست فراموشی نسپرد: وحدت و مبارزه، وحدت از راه مبارزه، حق داشتن، سود جستن و اندازه نگهداشتن؛ بهره برداری از تضادها، جلب اکثریت و مبارزه با اقلیت و درهم شکستن یکایک دشمنان (۴).

در استانهای گوان دون، حوان، حوبه و حه نان نیروهای حزب ما در موقعیت بس دشوار تری قرار گرفته اند تا در شمال چین و ناحیه میان دو رود خانه یان تسه و حوای. کمیته مرکزی برای این رفقا مهر و علاقه عمیقی احساس میکند. معذک در سرزمینهای وسیع مناطق گومیندان نقاط ضعیف بسیار است و این رفقا اگر در سیاست نظامی (عملیات جنگی و غیره) و سیاست وحدت توده های مردم مرتکب اشتباهات جدی نشوند، فروتن باشند، جانب حزم و احتیاط را نگاه دارند، بخود غره نشوند و سبکسری بخرج ندهند کاملاً خواهند توانست بر وضع خویش راه خروجی بیابند. رفقائی که در این مناطق فعالیت دارند، علاوه بر دریافت رهنمودهای لازم از جانب کمیته مرکزی باید مستقلاً وضع را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند، مسائل خود را حل کنند، بر دشواریها غلبه نمایند، نیروهای خود را حفظ کنند و توسعه دهند. هرگاه گومیندان علیه شما نتواند دست به کاری زند، ممکن است در جریان مذاکرات میان دو حزب خود را مجبور بیند که نیروهای شما را برسمیت بشناسد و با راه حلی موافق کند که بسود هر دو طرف است. معذک شما نباید هیچگاه به مذاکرات دل به بندید و در انتظار نیکخواهی گومیندان باقی بمانید، چه در گومیندان هرگز اثری از نیکخواهی نبوده و نیست. اتکاء شما باید به نیروهای خودتان، به رهبری صحیح عملیات، بوحدت بردارانه در درون حزب و به حسن مناسبات با توده های مردم باشد، راه خروج شما در اینست که با عزمی راسخ بر خلق تکیه کنید. بطور خلاصه حزب ما در برابر مشکلات بسیار قرار گرفته که نباید از نظر فرو گذارد. برای مواجه با آنها همه اعضای حزب ما باید از لحاظ روحی کاملاً آماده باشند. معذک وضع بین المللی و داخلی بطور کلی مساعد بحال حزب ما و خلق است و تا زمانی که صفوف حزب متحد و بهم فشرده است، حزب بتدریج بر تمام مشکلات فائق خواهد آمد.

مکتب ازاد حزب کمونیست (اوتیست) افغانستان

یادداشتها

- ۱ - در آستان تسلیم ژاپن و تا مدتی بعد از آن اتحاد شوروی ، اتازونی و انگلستان اعلام میداشتند که جنگ داخلی را در چین تایید نمیکند . اما بزودی حوادث نشان داند که اظهارات نمایندگان اتازونی دائر بر اینکه گویا جنگ داخلی را در چین تایید نمیکند فقط پرده ای بود برای اینکه در پشت آن کمک فعال اتازونی را به دولت ارتجاعی گومیندان بمنظور تدارک جنگ داخلی پنهان نگاه دارند .
- ۲ - سه شعار صلح ، دموکراسی و وحدت از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در ((بیانیه در باره وضع حاضر)) مورخ ۲۵ اوت ۱۹۴۵ به پیش کشیده شده . بیانیه اشاره میشود که پس از تسلیم امپریالیسم ژاپن " مهم ترین وظیفه ای که در برابر تمام ملت قرار گرفته تحکیم وحدت در درون کشور ، تامین صلح داخلی ، استقرار دموکراسی و بهبود زندگی خلق است ، برای آنکه بر اساس صلح ، دموکراسی و وحدت بتوان به امر اتحاد در سراسر کشور تحقق بخشید و یک چین نو ، مستقل ، آزاد ، شکوفان و نیرومند بنا کرد " .
- ۳ - جامعه دموکراتیک در سال ۱۹۴۱ تأسیس شد و در آغاز جامعه سازمانهای سیاسی دموکراتیک چین نام داشت . در ۱۹۴۴ تجدید سازمان کرد و نام جامعه دموکراتیک چین بخود گرفت .
- ۴ - مراجعه شود به ((مسایل تاکتیک کنونی در جبهه متحد ضد ژاپنی)) و ((درباره سیاست)) ، ((منتخب آثار مائو تسه دون)) جلد دوم .

در باره مذاکرات چون چینگ

(۱۷ اکتبر ۱۹۴۵)

کمی از اوضاع کنونی سخن گوئیم . این مسئله ایستکه رفقای ما را بخود مشغول میدارد . این بار مذاکرات میان گومیندان و حزب کمونیست در چون چینگ ۴۳ روز بطول انجامید . نتایج آن هم اکنون در روزنامه های انتشار یافته است (۱) نمایندگان هر دو حزب هنوز بمذاکرات خود ادامه میدهند . مذاکرات ثمراتی ببار آورده است . گومیندان اصول صلح و وحدت را پذیرفته ، پاره ای حقوق دموکراتیک خلق را برسمیت شناخته و قبول کرده است که باید از جنگ داخلی پرهیز شود و هر دو حزب در محیط صلح برای ساختمان چین نو با یکدیگر همکاری کنند . اینها است نکاتی که بر روی آنها توافقی حاصل آمده است . نکات دیگری هست که بر روی آنها توافقی بدست نیامده است . مسئله مناطق آزادشده راه حلی پیدا نکرده ، مسئله نیروهای مسلح نیز هنوز در واقع حل نشده است . موافقت نامه نیز فقط بر روی کاغذ است . آنچه روی کاغذ است با واقعیت برابر نیست . حوادث نشان میدهد که برای تحقق آنها هنوز باید به کوشش بسیار دست زد .

گومیندان از یکسو با ما مذاکره میکند و از سوی دیگر مناطق آزادشده را بشدت مورد حمله قرار میدهد . سپاهیان گومیندان که مستقیماً در این تعرض درگیر شده اند ، صرفنظر از نیروهائی که گرداگرد منطقه سرحدی شنسی - گان سو - نین سیا مستقر گردیده اند هم اکنون به هشت صد هزار تن بالغ میگردند . هر کجا که منطقه آزاد شده ای هست نبرد درگیر میشود یا تدارک میشود . معذک ماده اول " موافقت نامه ۱۰ اکتبر " درباره " صلح و ساختمان ملی " است آیا این کلمات که بر روی کاغذ آمده با واقعیت در تضاد نیست ؟ مسلماً که هست . بهمین جهت است که ما میگوئیم که برای به تحقق در آوردن آنچه که بر روی کاغذ است ، هنوز باید به کوشش هائی دست زنیم . بچه دلیل گومیندان تا این اندازه به بسیج سپاهیان میپردازد برای آنکه ما را مورد تعرض قرار دهد ؟ برای آنکه مدتهاست تصمیم خود را دائر به امحاء نیروهای توده ای و نابود ساختن ما گرفته است . برای گومیندان بهتر آنست که ما را بسرعت نابود سازد ؛ اگر به این کار موفق نشود ، لاقبل میخواهد ما را در وضع

گزارش رفیق مائوتسه دون به جلسه ای از کادرها در ین ان پس از بازگشت از چون چینگ .

نامناسبتری قرار دهد و وضع را بحال خود مساعدتر سازد. بنابر این مسئله صلح اگر چه در موافقت نامه گنجانیده شده هنوز در عمل بتحقیق نپیوسته است. در حال حاضر در پاره ای از نواحی مانند منطقه شان دان در شان سی عملیات جنگی دامنه وسیعی بخود گرفته است. در فاصله میان کوه های تای هان، تای یوه و جون تیانو جلگه پستی است که همان منطقه شان دان است. در این جلگه ماهی و گوشت یافت میشود و ین سی شان برای تصرف آن ۱۳ لشکر به آنجا گسیل داشته است. سیاست ما نیز مدتهاست معین شده و بر این پایه مبتنی است که هر ضربه را با ضربه ای پاسخ گوئیم و برای هر وجب زمین بجنگیم. این بار ما به حمله متقابل دست زدیم، جنگیدیم، و بسیار خوب هم جنگیدیم. بعبارت دیگر ما آن ۱۳ لشکر را کاملاً نابود ساختیم. نیروهای تعرضی دشمن شامل ۳۸۰۰۰ سرباز بود و ما با ۳۱۰۰۰ تن در نبرد شرکت جستیم. در این ۳۸۰۰۰ تن ۳۵۰۰۰ آن نابود گردیدند، دو هزار تن فرار کردند و یک هزار نفر پراکنده شدند (۲). ما از این پس نیز بهمین شیوه خواهیم جنگید. گومیندان با نومیدی میکوشد سرزمینهای مناطق آزاد شده ما را بتصرف در آورد. بنظر میرسد که این امر توضیح پذیر نیست. چرا گومیندان برای تصرف این سرزمینها اینقدر سماجت بخرج میدهد؟ مگر این خوب نیست که مناطق آزاد شده در دست ماست، شیوه تفکر خلق است و اگر گومیندان نیز اینگونه میاندیشید و وحدت تأمین میگردید و همه باهم "رفیق" میبودیم. اما او چنین نمیاندیشد و بالاجت بمقابله با ما برمیخیزد. او دلیلی نمیبیند برای آنکه با ما بمقابل برنخیزد و بنابر این طبیعی است که ما را مورد حمله قرار دهد. ما نیز بنوبه خود دلیلی نمیبینیم بر اینکه اجازه بدهیم مناطق آزاد شده بتصرف او در آید. بنابر این طبیعی است که ما نیز به حمله متقابل پردازیم. هرگاه دو مدعای مخالف در برابر یکدیگر قرار گیرند آنگاه جنگ در خواهد گرفت و انگهی اگر سخن بر سر دو مدعای مخالف است بچه دلیل مذاکرات صورت گرفت و برای چه "موافقت نامه ۱۰ اکتبر" انعقاد یافت؟ در جهان پدیده های بغرنج اند، تعیین آنها بر اثر عوامل بسیار است. ما باید هر مسئله را از جنبه های مختلف مورد مطالعه قرار دهیم و نه فقط از یک جنبه آن. در چون چینگ برخی برآنند که چانکایشک آدمی بیوفا و فریبکار است و مذاکرات با او نمیتواند به نتیجه ای بیانجامد. این است آنچه که مردمان بسیار در ملاقات خود با من گفتند، در میان آنها اعضاء گومیندان نیز وجود داشت. من در پاسخ گفتم که نظر آنها موجه و مستدل است و هجده سال تجربه (۳) ما را به این اعتقاد راسخ رسانید که کاملاً همین طور است. امر مسلمی است که مذاکرات میان گومیندان و حزب کمونیست

بناکامی خواهد انجامید ، امر مسلمی است که آنها بجنگ خواهند پرداخت و کار آنها به بریدگی از یکدیگر خواهد کشید . ولی این فقط یک جنبه مسئله است . جنبه دیگری نیز هست و هنوز عوامل بسیاری وجود دارند که ممکن نیست چانکایشک آنرا بحساب نیآورد . در میان این عوامل سه عامل مهم عبارتند از قدرت مناطق آزاد شده ، مخالفت خلق در پشت جبهه بزرگ با جنگ داخلی و وضع بین المللی . در مناطق آزادشده ما صد میلیون جمعیت ، یک میلیون سرباز و دو میلیون چریک توده ای است یعنی آنچنان نیروئی که هیچکس جرأت نمیکند اهمیت آنرا ناچیز بشمرد . وضع حزب ما در زندگی سیاسی ملت دیگر آن نیست که در ۱۹۲۷ بود ، دیگر آن نیست که در ۱۹۳۷ بود ، گومیندان که هیچگاه برای حزب کمونیست وضع متساوی الحقوقی برسمیت نشناخته اکنون به اینکار مجبور شده است . آنچه را که ما در مناطق آزاد شده بتحقق در آوردیم ، تمام چین و سراسر جهان را تحت تأثیر گرفته است . خلق پشت جبهه بزرگ خواهان صلح و دموکراسی است . اخیراً در چون چینگ من عمیقاً احساس کردم که توده های وسیع خلق با شور و شوق از مپشتیبانی میکنند ؛ آنها از حکومت گومیندان ناراضی اند و همه امید خود را بما بسته اند . بعلاوه من با خارجیان بسیاری و از آنجمله آمریکائیان برخورد کردم که نسبت بما ابراز علاقه فراوانی میکنند . توده های وسیع مردم در کشور های خارج از نیروهای ارتجاعی چین ناراضی اند و نسبت به نیروهای توده ای چین علاقه نشان میدهند . آنها سیاست چانکایشک را مردود می شمارند . ما در سراسر کشور جهان دوستان بسیار داریم ، ماتنها نیستیم . تنها خلق مناطق آزاد شده ما نیست که علیه جنگ داخلی و خواهان صلح و دموکراسی است ، توده های وسیع مردم در پشت جبهه بزرگ و در سراسر جهان نیز علیه جنگ داخلی و خواهان صلح و دموکراسی اند . از لحاظ ذهنی چانکایشک میخواهد دیکتاتوری خود را حفظ کند و حزب کمونیست را از میان بردارد ، ولی از لحاظ عینی مشکلات بسیاری بر سر راه او است و بنابر این باید ناچار اندکی رآلیست باشد . حال که او میخواهد رآلیست باشد ما نیز بنوبه خود رآلیست هستیم . او خود را رآلیست نشان داد و از ما دعوت کرد ؛ ما نیز که دعوت او را بمذاکره پذیرفتیم رآلیست بودیم . ما ۲۸ اوت به چون چینگ رسیدیم . شب هنگام ۲۹ اوت من به نمایندگان گومیندان گفتم که کشور از موقع حادثه ۱۸ سپتامبر پیوسته به صلح و وحدت احتیاج داشته است این آن چیزی است که ما میخواستیم بدون آنکه شاهد اجرای آن باشیم . صلح و وحدت فقط پس از حادثه سی ان و پیش از جنگ مقاومت که ۷ ژوئیه ۱۹۳۷ آغاز گردید بتحقق پیوست .

طی هشت سالی که این جنگ بطول انجامید ما با توافق علیه ژاپن بجنگ پرداختیم . ولی هیچگاه جنگ داخلی متوقف نگردید ، بدون وقفه تصادماتی کم و بیش مهم روی داد . اگر انکار شود که این جنگ داخلی نبود فریب کاری است و با واقعیت تطبیق نمیکند . در جریان این هشت سال ما بار ها تمایل خود را بمذاکره ابراز داشتیم . در هفتمین کنگره حزب نیز اعلام کردیم : " حاضریم هر موقع که مقامات گومیندان برای دست کشیدن از سیاست غلط کنونی از خود آمادگی نشان دهند و با اصطلاحات دموکراتیک موافقت کنند ، با آنها مذاکرات را از سر بگیریم " (۴) . ما در مذاکرات خود بر آن بودیم که اولاً چین به صلح نیازمند است ، ثانیاً چین به دموکراسی احتیاج دارد . چانکایشک نتوانست هیچ خرده ای بگیرد و مجبور شد از در موافقت در آید . سیاست صلح و توافق هائی در باره دموکراسی که در "خلاصه مذاکرات" انتشار یافته از یکسو کلماتی است بر روی کاغذ که هنوز بتحقیق نپیوسته و از سوی دیگر ثمره تاثیر نیروهای مختلفی است . آنچه که گومیندان را وادار به قبول آنها نموده ، نیروی خلق در مناطق آزاد شده ، نیروی خلق در پشت جبهه بزرگ ، وضع بین المللی و خلاصه جریان عمومی حوادث است .

روش " جواب ضربه با ضربه " وابسته به موقعیت است . گاهی نپذیرفتن مذاکرات جواب ضربه با ضربه است گاهی نیز پذیرفتن مذاکرات جواب ضربه با ضربه است . ما در سابق حق داشتیم که بمذاکره نرفتیم ، این بار نیز حق داریم که بمذاکره میرویم . در هر دو حالت روش ما جواب ضربه با ضربه است . این بار ما کار خوبی کردیم که رهسپار مذاکرات شویم ، برای آنکه ما نتوانستیم دروغهای گومیندان را دائر بر اینکه حزب کمونیست خواهان صلح و وحدت نیست افشا کنیم . گومیندان برای دعوت از ما پی در پی سه تلگراف فرستاد و ما رهسپار آنجا شدیم . اما گومیندان هیچ تدارکی ندیده بود و همه پیشنهادات را میبایستی ما میدادیم . نتیجه مذاکرات این شد که گومیندان سیاست صلح و وحدت را پذیرفت . بسیار خوب است . اگر گومیندان در براه انداختن جنگ داخلی پافشاری کند ، عدم حقانیت خود را در انظار تمام ملت و سراسر جهان عیان خواهد ساخت و ما دلایل بیشتری خواهیم داشت تا برای دفاع از خود بجنگ برخیزیم و حملات او را درهم شکنیم . اکنون که «موافقت نامه ۱۰ اکتبر» انعقاد یافته وظیفه ما آنست که از آن دفاع کنیم ، از گومیندان بخواهیم پیمان خود را نگاه دارد و مبارزه بخاطر صلح را همچنان ادامه دهیم . اگر گومیندان جنگ را آغاز کنند ، ما آنها را یکباره نابود خواهیم ساخت . جریان امر بدینصورت است : او بما حمله میکند ، ما نابودش میسازیم ، او راضی است . اگر قسماً

نابودگردد قسماً راضی است ؛ هر چه نابودی او بیشتر باشد ، بیشتر راضی است ؛ اگر کاملاً نابود شود ، کاملاً راضی است . مسائل چین بغرنج و پیچیده اند ، افکار ما نیز باید تا حدودی بغرنج باشد . اگر آنها نبرد را آغاز کنند ، ما میجنگیم ، ما بخاطر صلح میجنگیم . اگر ما به مرتجعینی که جرأت میکنند به مناطق آزاد شده حمله برن ضربات سختی وارد نیاوریم صلح بدست نخواهد آمد .

رفقائی سئوال میکنند چرا ما باید هشت منطقه آزاد شده را واگذار کنیم (۵) . البته بسیار حیف است که این هشت منطقه را تفویض کنیم ولی بهتر است باین اقدام دست بزنیم . چرا حیف است ؟ برای اینکه خلق به بهای خون خویش و عرق جبین این مناطق را ایجاد کرده و با تحمل دشواریها آنها را ساخته است . بنابر این در مناطقی که واگذار میشود باید برای خلق وضع را با وضوح تمام توضیح داد و اقدامات مقتضی را معمول داشت . چرا باید این مناطق را واگذار کرد ؟ برای آنکه در غیر اینصورت گومیندان احساس راحتی نخواهد کرد . گومیندان به نانکن بر میگردد ولی بعضی از مناطق آزاد شده جنوبی در نزدیکی بستر او یا در راهرو او است . تا هنگامیکه ما در آنجا هستیم ، گومیندان راحت نخواهد خوابید و بهر صورت بر سر آنها با ما بمنازعه بر خواهد خاست . گذشته های ما در این زمینه بناکامی توطئه جنگ داخلی گومیندان کمک خواهد کرد و ما توجه و علاقه عده بسیاری از عناصر میانه حال را در داخل کشور و در خارج از آن جلب خواهیم نمود . کلیه ارگانهای تبلیغاتی کشور بجز خبرگزاری سین هوا فعلاً زیر نظارت گومیندان قرار دارند و همه آنها کارخانه های جعل اکاذیب اند . در مورد مذاکرات این ارگانها شایعات غلطی انتشار دادند دائر بر اینکه حزب کمونیست فقط در دنبال منازعن بر سرزمینها است و نمیخواهد به گذشت هائی دست زند و سیاست ما بنی است بر حفظ منافع اساسی خلق . تا آنجائی که این اصل محترم شمرده شود که منافع اساسی خلق از هر گونه گزندی مصون ماند به پاره گذشت ها مجاز است برای آنکه در عوض صلح و دموکراسی که قاطبه خلق بدان احتیاج دارد تأمین شود . در گذشته نیز هر موقع که ما با چانکایشک سرو کار پیدا کردیم ، در برابر او به گذشتهائی دست زدیم ، حتی به گذشتهای بزرگتری در ۱۹۳۷ برای آنکه تمام ملت در جنگ مقاومت ضد ژاپنی در گیر شود ، ما به ابتکار خود نام دولت انقلابی کارگری - دهقانی را حذف کردیم ، نام ارتش انقلابی ملی را بر جای نام ارتش سرخ نشانیدیم و سیاست خود را دائر بر مصادره زمینهای مالکان ارضی به سیاست تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود تغییر دادیم . این بار ما با واگذاری بعضی از مناطق جنوب شایعات دروغ گومیندان را در

پیشگاه تمام خلق چین . کلیه خلقهای سراسر جهان کاملاً فاش کردیم . مسئله نیروهای مسلح نیز همینطور است . گومیندان در تبلیغات خود میگویند که کوشش حزب کمونیست فقط بر سر تفنگ است . ما گفتیم که آماده ایم گذشت کنیم . در ابتدا ما پیشنهاد کردیم نیروهای کنونی خود را تا ۴۸ لشکر یعنی تقریباً یک ششم نیروهای مسلح کشور تقلیل دهیم چون گومیندان ۲۶۳ لشکر در اختیار دارد. سپس ما پیشنهاد کاهش جدیدی دادیم تا ۴۳ لشکر یعنی یک هفتم نیروهای مسلح کشور . گومیندان اعلام داشت نیروهای خود را تا ۱۲۰ لشکر تقلیل خواهد داد . ما گفتیم که با همین تناسب ما خواهیم توانست نیروهای خود را تا ۲۴ و حتی ۲۰ لشکر تقلیل دهیم که همان نسبت یک هفتم است . در ارتش گومیندان نسبت افسران به سربازان بسیار بزرگ است و مجموعه نفرات هر یک از لشکرهای او به شش هزار هم میرسد . ما با ۱۲۰۰۰۰۰ سربازی که داریم خواهیم توانست دویست لشکر نظیر لشکرهای گومیندان تشکیل دهیم ولی ما اینکار نمیکنیم . بدین ترتیب گومیندان دیگر چیزی ندارد بگوید و شعیات دروغ او هم نقش بر آب میشوند . اما آیا ما اسلحه خود را به گومیندان تسلیم خواهیم کرد ؟ بهیچوجه . اگر ما اسلحه خود را به گومیندان تسلیم کنیم آیا او اسلحه زیاد تری در اختیار نخواهد داشت ؟ باید اسلحه خلق را بتمامی حفظ کرد ولو آنکه یک قبضه تفنگ و یک دانه فشنگ باشد ؛ اسلحه را نباید تسلیم کرد .

این بود آنچه که میخواستیم در باره وضع کنونی با رفقا در میان گذارم . وضع گومیندان و حزب ما در مورد بعضی نکات به توافق رسید و در مورد بعضی دیگر به توافق نیانجامید ؟ برای چه « خلاصه مذاکرات » از صلح و وحدت سخن میروند در حالیکه عملاً نبرد همچنان ادامه دارد ؟ بعضی از رفقا از درک این تضادها ناتوان اند . هدف توضیحات من پاسخ دادن به این سئوالات است . پاره ای از رفقا نمیتوانند درک کنند که چرا ما بمذاکره با چانکایسک رضایت دادیم در حالیکه او همیشه ضد کمونیست و ضد خلق بوده و هست . حزب ما در کنگره هفتم خود تصمیم گرفت که ما برای مذاکرات با چانکایسک هرگاه اوسیاست خود را تغییر دهد آماده ایم . آیا این تصمیم درست بود ؟ کاملاً درست بود . انقلاب چین انقلابی طولانی است پیروزی را فقط میتوان گام بگام بدست آورد . آینده چین وابسته به مساعی ماست . در حدود شش ماه ، وضع نامعلوم باقی میماند . ما باید بر مساعی خود بیفزائیم تا وضع بتواند در جهت مساعد بحال تمام خلق تکامل یابد .

کنون چند کلمه درباره کار خودمان اضافه کنیم . در میان رفقای حاضر عده ای بسوی جبهه رهسپار خواهند گشت . بسیاری از رفقای ما سرشار از شور شوق اند و برای رفتن به جبهه بر یکدیگر سبقت میگیرند . این روحیه فعال و این شور وشوق بسیار با ارزش است . اما رفقائی نیز هستند که افکار نادرستی دارند . آنها در این فکر نیستند که در جبهه مشکلات بسیاری در پیش است و باید بر آنها غلبه کرد ، آنها تصور میکنند که در آنجا کارها بخوبی و خوشی خواهد گذشت ، وضع آنها نیز بهتر از این ان خواهد بود . آیا کسانی نیستند که اینگونه فکر میکنند ؟ گمان میکنم هستند . من به این رفقا توصیه میکنم که افکار خود را اصلاح کنند . رفتن به جبهه برای کار کردن است . کار چیست ؟ کار مبارزه است . در آن نقاط مشکلات و مسائلی وجود دارد که حل آن بر عهده ماست . برای غلبه بر این مشکلات است که ما بآنجا رفته کار و مبارزه میکنیم . رفیق خوب آن کسی است که بیشتر مایل به عزیمت بآن محلی باشد که از همه بیشتر مشکلات دارد . در جبهه کار دشوار است . کار دشوار بمثابة باری است که در برابر ماست و میخواهد ما را بیازماید که آیا میتوانیم آنرا بر دوش گیریم . بعضی بارها سبک اند و برخی سنگین . مردمانی هستند که بار سبک را بر بار سنگین ترجیح میدهند ، بار سبک را انتخاب میکنند و بار سنگین را برای دیگران میگذارند . این رفتار خوبی نیست . رفقائی دیگر رفتار دیگری دارند ، آنها راحتی و خوشی را ب دیگران وا میگذارند و خود بارهای سنگین را بدوش میکشند ؛ آنها در تحمل مصائب در صفوف مقدم اند و در بر خوداری از راحتی و آسایش در صفوف مقدم اند و در بر خوداری از راحتی و آسایش در صفوف آخر . اینها رفقای خوبی هستند . ما همه باید از روحیه کمونیستی آنها سرمشق بگیریم .

بسیاری از کادر های محلی وطن خود را برای رفتن به جبهه ترک میگویند . و بسیاری دیگر نیز که از زادگاه خود در جنوب ، به این ان آمده اند بسوی جبهه رهسپار میشوند . تمام رفقائی که به جبهه میروند باید از لحاظ روحی آماده باشند بقسمی که وقتی بدانجا رسیدن بتوانند ریشه بگیرند ، گل دهند و میوه آورند . ما کمونیستها مانند دانه ایم و خلق مانند زمین . همین که به محلی رسیدیم باید با خلق یکی شویم ، در میان خلق ریشه گیریم و گل دهیم . رفقای ما هر کجای که بروند باید با توده ها مناسبات حسنه برقرار کنند ، نسبت به آنها همدردی نشان دهند و آنها را در غلبه بر مشکلات یاری نمایند . ما باید توده های وسیع مردم را با خود متحد کنیم و هر اندازه موفقیت ما در این امر بیشتر باشد ، بهتر است . بسیج بی پروای توده ها ، بسط و رشد نیروهای خلق برای آنکه بتوانند تحت رهبری حزب ما بر تجاوزکاران

پیروز شوند و یک چین نو بسازند ، اینست سیاستی که هفتمین کنگره ما (۶) تعیین کرد وما باید برای اجرای آن مبارزه کنیم . بر عهده حزب کمونیست و خلق است که امور چین را اداره کنند . ما اراده راسخ و وسیله داریم برای آنکه صلح و دموکراسی را بتحقق در آوریم . اگر اتحاد ما با تمام خلق باز هم نزدیکتر شود ، امور چین بخوبی پیشرفت خواهدکرد .

پس از جنگ دوم جهانی ، جهان بسوی آینده درخشانی پیش میرود . این گرایش عمومی است . کنفرانس ورزای خارجه پنج دولت بزرگ در لندن با شکست مواجه گردید (۷) آیا این بمعنای آنستکه جنگ جهانی سوم درگیر خواهدشد ؟ نه . اندکی فکر کنید ، چگونه جنگ سوم جهانی ممکن است بلافاصله پس از جنگ دوم درگیر شود ؟ کشورهای سرمایه داری و کشور های سوسیالیستی سرانجام بر سر عدم زیادی از مسائل بین المللی به سازشهایی خواهند رسید زیرا که سازش سودمند است (۸) . پرولتاریا و خلقهای سراسر جهان با جنگ ضد شوروی و ضد کمونیستی مخالف اند . طی سی سال اخیر دو جنگ جهانی بوقوع پیوسته است . میان نخستین و دومین جنگ بیش از بیست سال فاصله بود . طی نیم میلیون سالی که تاریخ بشریت میگذرد فقط در سی سال اخیر جنگهای جهانی روی داده است . جهان پس از جنگ دوم پیشرفتهای بازمهم سریعتری خواهد نمود . در دنبال نخستین جنگ جهانی اتحاد شوروی زاده شده چند ده حزب کمونیست تأسیس گردیدند ، پدیده هائی که در تاریخ بیسابقه است . پس از پایان جنگ دوم جهانی اتحاد شوروی نیرومندتر گردید ، سیمای اروپا تغییر یافت ، آگاهی سیاسی پرولتاریا و خلقهای جهانی در سطح بمراتب بالاتری است و اتحاد نیروهای ترقیخواه سراسر جهان عمیق تر است . چین نیز در معرض تغییر سریع است . بارز است گرایش عمومی تکامل چین در جهت بهتر است و نه در جهت بد تر . دنیا در پیشرفت است ، آینده درخشان است و هیچکس قدر نیست این سیر عمومی تاریخ را تغییر دهد . ما باید پیوسته ترقیات جهان و آینده تا بناک آنرا به خلق بشناسانیم و از این راه بخلق کمک کنیم تا به پیروزی ایمان یابد . در عین حال ما باید بخلق . رفقای خود بگوئیم که راه ما پیچ و خم است . بر سرا راه انقلاب هنوز موانع و مشکلات بسیاری است . هفتمین کنگره حزب ما پیش بینی کرده است که ما با مشکلات بسیار مواجه خواهیم شد ، ما ترجیح میدهیم مشکلات خود را بیش از آنچه خواهند بود بحساب بیاوریم . بعضی از رفقا ترجیح نمیدهند زیاد به مشکلات بیندیشند . اما مشکلات در زمره واقعیات اند ، ما باید مشکلات را آن اندازه که هست باز شناسیم و از اینکه نسبت به آنها " روش

نادیده گرفتن " در پیش گیریم بر حذر باشیم . ما باید وجود مشکلات را قبول کنیم ، آنها را تجزیه و تحلیل کنیم و با آنها بمبارزه بر خیزیم . در جهان راه راست نیست و ما باید آماده باشیم راه پر پیچ و خمی را دنبال کنیم بدون آنکه بخواهیم کامیابی های ارزانی بدست آوریم . نباید تصور کرد که همه مرتجعین روزی از روز ها خود بزانو در خواهند آمد . بطور اجمالی آینده درخشان است و راه پر پیچ و خم . ما هنوز مشکلات بسیاری در برابر خود داریم که نباید نادیده انگاریم . اگر با قاطبه خلق بخاطر کوششی مشترک اتحاد بندیم یقیناً خواهیم توانست بر تمام مشکلات فائق گردیم و به پیروزی نائل آئیم .

یادداشتها

۱ - سخن بر سر « خلاصه مذاکرات » است که بنام « موافقت نامه ۱۰ اکتبر » نیز نامیده میشود و در تاریخ ۱۰ اکتبر ۱۹۴۵ از طرف نمایندگان گومیندان و حزب کمونیست چین با امضاء رسید است . بطوری که در این « خلاصه مذاکرات » دیده میشود چانکایشک مجبور شده با "سیاست اساسی صلح و ساختمان ملی " که از طرف حزب کمونیست چین پیشنهاد شده بود ، موافقت کند و بپذیرد که " بر پایه صلح ، دموکراسی ، اتحاد و وحدت ... بیک همکاری طولانی تحقق بخشد ، با قاطعیت از جنگ داخلی احتراز جوید و به بنای یک چین نو ، مستقل ، آزاد و شگوفا و نیرومند بپردازد " و " دموکراتیزه کردن زندگی سیاسی ، ملی کردن ارتشها ، تساوی احزاب سیاسی و قانونی بودن آنها را بمثابه طرق وسائل کاملاً لازم برای تحقق بخشیدن به صلح و ساختمان ملی " باز شناسند . او همچنین مجبور شد بپذیرد که سریعاً به قیمومیت سیاسی گومیندان پایان دهد ، کنفرانس مشورتی سیاسی را دعوت کند ، " آزادی فرد و آزادیهای افکار ، زبان ، مطبوعات ، اجتماعات و اتحادیه ها را آنطور که خلق های کشور های دموکراتیک در دوران صلح از آنها برخوردارند تضمین کند و بر طبق این اصل قوانین و تصویبهای جاری را ملغی سازد و یا تغییر دهد ، سرویسهای مخفی را منحل نماید و " توقیف ، بازجویی و مجازات را از طرف هر ارگانی که به داگستری و پلیس وابسته نیست اکیذ ممنوع سازد " ، " زندانیان سیاسی را آزاد کند " ، " خود مختاری منطقه ای را فعالانه تحقق بخشد و به انتخابات همگانی از پائین به بالا دست زند " و غیره . معذک دولت چانکایشک از شناسائی وضع قانونی برای ارتش توده ای ، برای قدرت توده ای در مناطق آزاد شده لجوجانه استنکاف ورزید ، به بهانه " وحدت فرماندهی نظامی " و " وحدت مقامات دولتی " گستاخانه کوشید ارتش توده ای و مناطق آزاد شده ای را که در زیر رهبری حزب کمونیست است کاملاً از میان بردارد و بهمین جهت هیچ توافقی بر سر این مسئله صورت نگرفت . ما در زیر بعضی از قسمتهای « خلاصه مذاکرات » را که مربوط به مذاکره بر سر مسئله نیروهای مسلح و قدرت سیاسی در مناطق آزاد شده است میاوریم . در « خلاصه مذاکرات » منظور از لفظ " دولت " دولت گومیندان است که چانکایشک در رأس آن قرار دارد .

" در مورد ملی کردن ارتش ، حزب کمونیست چین پیشنهاد زیرا را داد : بخاطر وحدت فرماندهی نظامی دولت باید بیک تجدید سازمان صحیح و منصفانه نیروهای مسلح کشور دست زند ،

برنامه ای تعیین کند برای آنکه این امر طی مراحل انجام گیرد ، بعلاوه به مرزبندی جدید مناطق نظامی پردازد و سیستمی برای سربازگیری و تکمیل نفرات برقرار نماید . پس از آنکه این برنامه تعیین شد حزب کمونیست چین آماده خواهد بود سپاهیان ضد ژاپنی تحت فرماندهی خود را تا ۲۴ لشکر و حتی تا ۲۰ لشکر تقلیل دهد و سپس بسرعت به ترخیص سپاهیان ضد ژاپنی خود در هشت منطقه واقع در استان گوان دون ، جه جیان ، جنوب سو ، ان هوی جنوبی ، ان هوی مرکزی ، حونان ، حوبه و حه نان (بدون حه نان شمالی) بپردازد . حزب سپاهیان را که باید تجدید سازمان کند بتدریج از مناطق نامبرده بیرون خواهد برد تا آنها را در مناطق آزادشده جیان سوی شمالی ، ان هوی شمالی و در شمال خط آهن لون های متمرکز نماید . دولت اعلام داشت که برنامه تجدید سازمان سپاهیان در مقیاس ملی در دست تنظیم است و دولت آماده است که تجدید سازمان بیست لشکر سپاهیان ضد ژاپنی زیر رهبری حزب کمونیست چین را در نظر بگیرد ، هرگاه تمام مسائل مورد بحث در مذاکرات کاملاً حل شوند . در مورد مقر این سپاهیان دولت اضافه کرد که حزب کمونیست چین مختار است پیشنهادهای تسلیم نماید که بعداً موضوع بحث و تصمیم قرار خواهند گرفت . حزب کمونیست چین پیشنهاد کرد که حزب کمونیست و نمایندگان نیروهای مسلح محلی او در کار شورای نظامی ملی و دوائر مختلف آن شرکت جویند ، دولت اجرای نظامنامه کادر را تضمین کند و افسران سر خدمت را در واحد های تجدید سازمانیافته به درجات نظامی مختلف منصوب نماید ، افسرانی که پس از تجدید سازمان بخدمت در نیامده اند در مناطق مختلف برای تعلیمات توزیع شوند و یک سیستم صحیح و منصفانه تدارک و همچنین یک برنامه تعلیمات سیاسی تعیین شود . دولت اعلام داشت که نسبت به این پیشنهادات ایرادی ندارد و حاضر است آنها را در جزئیات مورد بحث قرار دهد . حزب کمونیست چین پیشنهاد کرد که چریک توده ای مناطق آزادشده تماماً به صورت گاردهای محلی دفاع از خود سازمان یابد . دولت خاطر نشان ساخت که چنین سازمانی فقط میتواند در جایی در نظر گرفته شود که شرایط محلی آنرا ایجاب کند یا اجازه دهد . بمنظور تنظیم نقشه ای مشخص برای کلیه مسائلی که در اینجا طرح شده طرفین موافقت میکنند که کمیسیونی مرکب از سه عضو که بترتیب نماینده دایره عمومی عملیات نظامی شورای نظامی ملی و وزارت جنگ و ارتش هجدهم باشد تشکیل گردد. ”

” درمورد حکومت محلی در مناطق آزادشده ، حزب کمونیست پیشنهاد زیر را داد : دولت باید وضع قانونی دولتهای منتخب خلق را در مناطق آزاد شده و در تمام مدارج برسمیت بشناسد . دولت اعلام داشت که پس از تسلیم ژاپن اصطلاح ، منطقه آزاد شده ، باید منسوخ تلقی شود و حدت مقامات دولتی در مقیاس ملی برقرار گردد. فرمول اولیه ای که حزب کمونیست پیشنهاد کرده بود پیش بینی میکرد که با در نظر گرفتن وضع کنونی هیجده منطقه آزاد شده در آستانها و مناطق اداری میبایست مرزبندی جدیدی بعمل آید و حزب بمنظور توحید مقامات دولتی صورتی از اعضاء دولتهای محلی منتخب خلق در مدارج مختلف تسلیم خواهد نمود تا این اعضا از طرف دولت مرکزی در مقام خود تأیید گردند . دولت خاطر نشان ساخت که همان طوری که رئیس چانکایشک به آقای ماو اعلام داشته دولت مرکزی پس از وحدت فرماندهی نظامی و مقامات دولتی در سراسر کشور صورت اشخاصی را که حزب کمونیست چین توصیه میکند در نظر خواهد گرفت . دولت در نظر خواهد گرفت تعدادی از کارکنان ادارای مناطق باز ستانده را که بجنگ مقاومت خدمت کرده اند با توجه به درجه لیاقت و وضع خدمت آنها و صرفنظر از تعلق سیاسی آنها بخدمت نگاه دارد . در این موقع حزب کمونیست چین فرمول دیگری پیشنهاد کرد و از دولت مرکزی خواست نامزدهائی را که حزب کمونیست چین معرفی میکند به

مقامات رؤسا و اعضای دولتهای ایالتی منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا و پنج استان ژه هه ، چاهار ، حه به ، شان دون و شان سی منصوب نماید و مامزد هائی را که حزب کمونیست معرفی میکند به مقامات نواب رئیس و اعضاء شش دولت ایالتی زیر : سوی یوان ، حه نان ، جیان سو ، ان هوی ، حو به و گوان دون بر گمارد (زیرا که در یازده استان نامبرده یا مناطق آزادشده وسیع و یا مناطق دیگر با وسعت کمتر وجود داشت) . حزب کمونیست چین همچنین خواهان انتصاب نامزد های خود به مقامات معاون شهرداری در چهار شهرداری مخصوص بی چین ، تیانزین ، چینگ دائو و شانگهای و قبول نامزدی خود برای اداره استان های شمال شرقی بود . پس از مباحثات بسیار بر سر این مسئله ، حزب کمونیست چین پاره تغییرات در فرمول دوم خود وارد ساخت و انتصاب مامزدهای خود را بمقامات رؤسا و اعضای دولتهای ایالتی منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا و چهار استان ژه هه چاهار ، حه به ، شان دون و انتصاب بمقامات نواب رئیس و اعضای دولت ایالتی شان سی ، سوی یوان و همچنین انتصاب بمقامات معاونت شهرداری را در سه شهرداری مخصوص بی چین ، تیانزین و چینگ دائو خواستار گردید . دولت در پاسخ اعلام داشت که حزب کمونیست چین میتواند نامزدی های خود را که در جریان جنگ مقاومت منشاء خدمت شایانی بوده و در امور اداری از خود کاردانی نشان داداند برای انتصاب آنها بدولت توصیه کند ، اما حزب کمونیست چین ، اگر در امر انتصاب نامزدهای خود بمقامات رئیس ، نایب رئیس و اعضای این یا آن دولت ایالتی پافشاری کند صادقانه مایل بوحدت فرماندهی نظامی و وحدت مقامات دولتی نخواهد بود . حزب کمونیست چین پیشنهاد دوم خود را پس گرفت و فرمول سومی پیشنهاد کرد : در مناطق آزاد شده تحت مسئولیت دولتهای منتخب خلق در تمام مدارج و تحت کنترل نمایندگان که کنفرانس مشورتی سیاسی تعیین میکند انتخابات همگانی صورت خواهد گرفت ، و اعضای همه احزاب دیگر و همچنین شخصیتهای کلیه محافل که برای شرکت در انتخابات به زادگاه خویش باز میگردند مورد استقبال قرار خواهند گرفت . انتخابات توده‌های در مقیاس شهرستان باید در جایی صورت گیرد که بیش از نیمی از بخش ها و دهستان ها انتخابات توده ای را انجام داده باشند . بهمین قسم انتخابات توده ای در مقیاس ایالتی یا در مقیاس منطقه اداری در جایی صورت میگیرد که بیش از نیمی از شهرستانها انتخابات توده ای را انجام داده باشند . برای تأمین وحدت مقامات دولتی ، تمام منتخبین به مقامات دولتهای ایالتی ، مناطق اداری و شهرستانی باید توسط دولت مرکزی در مقامات خودتائید گردند . دولت در پاسخ گفت که این شیوه انتصاب در مورد استانها و منطق اداری بسود وحدت مقامات دولتی نیست - مژدک دولت خواهد توانست انتخابات توده ای را در مقیاس شهرستانی در نظر بگیرد ولی انتخابات توده ای در مقیاس ایالتی فقط پس از اعلام قانون اساسی پس از آنکه آئین نامه استان ها مشخص گردد صورت خواهد گرفت . تا فرا رسیدن آزمان ، فقط بر دولتهای ایالتی منتصب دولت مرکزی است که به مناطق مربوطه خود رهسپار گردند ، اداره امور را در دست خود بگیرند و شرایط عادی را بسرعت باز گردانند . آنگاه حزب کمونیست چین فرمول چهارمی پیشنهاد کرد متضمن این نکته که در تمام مناطق آزاد شده تا زمانیکه مقررات قانونی اساسی مربوط به انتخابات توده ای دولتهای ایالتی بتصویب نرسیده و بمرحله اجرا گذارده نشده موقتاً وضع موجود بدون هیچگونه تغییری باقی بماند و فعلاً! بمنظور تأمین برقراری صلح و نظم مقرراتی موقتی تعیین شود . از سوی دیگر حزب کمونیست چین بر آن بود که حل این مسئله ممکن است به کنفرانس مشورتی سیاسی واگذار گردد. دولت اصرار داشت که در مرحله اول وحدت مقامات دولتی ضرورت دارد و اعلام کرد که بدون

حل این مسئله بیم آن می‌رود که مانعی بر سر راه صلح و ساختمان ایجاد گردد. دولت اظهار امیدواری کرد که بزودی برای این مسئله راه حل مشخصی پیدا شود. حزب کمونیست چین پذیرفت که مذاکرات همچنان ادامه یابد.

۲ - شان دان نام قدیمی قسمت جنوب شرقی استان سی بود که چان جی مرکز آن بود. قسمتهای کوهستانی آن از طرف لشکر ۱۲۹ ارتش هشتم در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی بمنزله تکیه گاه مورد استفاده قرار گرفت، به منطقه آزاد شده شان سی - حه به « شان دون - حه نان تعلق داشت. این سی شان، دیکتاتور نظامی گومیندان در سپتامبر ۱۹۴۵ سیزده لشکر گرد آورد که هماهنگ با سپاهیان ژاپنی و سپاهیان پوشالی یکی پس از دیگری از شهرهای لین فن، فو شان و ای چن و همچنین از تای یوان و یوتسی برای اشغال سیان یوان، تون لیو و لو چن در منطقه آزاد شده جنوب شرقی شان سی حرکت کردند. در اکتبر ارتش و خلق این منطقه آزاد شده جنوب شرقی شان سی حرکت کردند. در اکتبر ارتش و خلق این منطقه آزاد شده بحمله متقابل پرداخته و بر نیروهای مهاجم تلفاتی بالغ بر ۳۵ هزار نفر وارد ساختند، تعدادی افسران علی رتبه از آنجمله فرماندهان سپاه و لشکر به اسارت گرفتند.

۳ - سخن بر سر تجربه ای است که حزب کمونیست چین در مبارزه با گومیندان از ۱۹۲۷ یعنی سالی که گومیندان به انقلاب خیانت ورزید تا ۱۹۴۵ بدست آورده بود.

۴ - نقل از مقاله « در باره دولت ائتلافی » قسمت ۲ بخش ۴ " برنامه خاص ما " ، « منتخب آثار مائوتسه دون » ، جلد ۳.

۵ - صحبت بر سر تکیه گاه های ارتش توده ای است در هشت استان گوان دون، جه جیان، جنوب جیان سو، جنوب ان هوی، آن هوی مرکزی، خونان، حویه و حه نان (بدون استان شمالی)

۶ - مراجعه شود به « دو سرنوشت چین » و « یوگون پیر مردی که کوه را از جا میکند » ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد ۳.

۷ - از یازدهم سپتامبر تا ۲ اکتبر ۱۹۴۵ وزرای امور خارجه اتحاد شوروی، چین، اتازونی، بریتانیای کبیر و فرانسه در لندن جمع آمدند تا پیمانهای صلح با ایتالیا، رومانی، بلغارستان، مجارستان و فنلاند را یعنی کشور هایی که در جنگ تجاوز کارانه آلمان فاشیستی شرکت جست بودند مورد بحث قرار دهند و در باره وضع آینده مستعمرات ایتالیا به بحث پردازند. این کنفرانس بهیچ موافقتی نیانجامید زیرا که اتازونی، بریتانیای کبیر و فرانسه که در سیاست امپریالیستی تجاوزکارانه خود پافشاری میکردند و امید داشتند که قدرت توده ای را که پس از پیروزی در جنگ ضد فاشیستی در رومانی، مجارستان و بلغارستان برقرار گردیده بود واژگون سازند، پیشنهادات منطقی اتحاد شوروی را رد کردند.

۸ - مراجعه شود به « چند ارزیابی از وضع بین المللی کنونی » ، جلد حاضر.

حقایق در باره حملات گومیندان

(۵ نوامبر ۱۹۴۵)

یونایتد پرس در تلگرافی از چون چینگ بتاريخ ۳ نوامبر گزارش میدهد که او گوه جن مدیر بخش تبلیغات کمیته اجرائی مرکزی گومیندان ، اظهار داشته که "دولت در این جنگ بکلی در مواضع دفاعی است" و اقداماتی بمنظور "استقرار مجدد ارتباطات پیشنهاد کرده است (۱) . یکی از خبرنگاران خبرگزاری سین هوا در این مورد به سخنگوی حزب کمونیست چین سؤال داد است .

اینک پاسخ سخنگوی حزب کمونیست چین : اینکه او گوه جن میگوید که دولت "در مواضع دفاعی است" دروغ محض است . گومیندان به اشغال پنج منطقه آزاد شده که سپاهیان ما درجه جیان شرقی ، جیان سوی جنوبی ، ان هوی مرکزی ، ان هوی جنوبی و حونان تخلیه کرده اند و به پایمال کردن اهالی آن مناطق اکتفا نورزیده بلکه بیش از ۷۰ لشکر از سپاهیان منظم خود را وارد بسیاری دیگر از مناطق آزاد شده و مثلاً وارد مناطق گوان دون ، حوبه ، حه نان ، جیان سوی شمالی ، ان هوی شمالی ، شان دون ، حه به و سرزمینهای مجاور آنها ساخته ، خلق را سرکوب کرده و بحمله بر سپاهیان ما و یا تدارک حمله بر آنها مشغول است . بعلاوه ده ها لشکر گومیندان هم اکنون بسوی مناطق آزاد شده سرازیر گشته اند . آیا "در مواضع دفاعی بودن" اینست ؟ از ۸ لشکر گومیندان که از جان ده بسوی شمال روان بودند پس از رسیدن به منطقه حن دن ۲ لشکر بمخالفت با جنگ داخلی و بهوا داری از صلح برخاستند و ۶ لشکر دیگر (سه تایی آنها سراپا مجهز با اسلحه آمریکائی) پس از حمله متقابل سپاهیان و مردم مناطق آزاد شده که محقانه بدفاع از خود پرداخته بودند ، بناچار اسلحه در زمین گذاشتند . بسیاری از افسران این واحد های گومیندان از آن جمله معاونان فرماندهی های منطقه جنگی ، فرماندهان سپاه و معاونانشان ، اینک در مناطق آزاد شده بسر میبرند (۲) و میتوانند گواهی دهند که از کجا آمده

اثر حاضر اظهاریه رفیق مائو تسه دون بعنوان سخنگوی حزب کمونیست چین میباشد . در آن تاریخ چانکایشک « موافقت نامه ۱۰ اکتبر » را نقض کرده بود و جنگ داخلی بر ضد مناطق آزاد شده روز بروز گسترش بیشتر می یافت .

اند و تصدیق کنند که حکم حمله ی آنها داده شده بوده است . آیا این نیز " در موضع دفاعی بودن " است ؟ سپاهیان ما در مناطق آزاد شده استان های حه نان و حو به اکنون کاملاً در محاصره بیش از ۲۰ لشکر گومیندان از مناطق جنگی ، پنجم و ششم فرماندهی کل لیوجی که کامور " سرکوب کمونیستها " در این استان ها است هستند . مناطق آزاد شده ما در حه نان غربی و مرکزی در حوبه جنوبی و شرقی و مرکزی همگی گرفتار تاخت و تاز و اشغال نیروهای گومیندان گردیده است که با چنان حرصی بسوختن و کشتن میپردازند که واحد های ما تحت فرماندهی لی سیان نیان و وان شوشن نتوانستند پناهگاهی بیابند و برای حفظ حیات خود بناچار بمرز میان حه نان و حوبه برای استقرار رفتند . ولی در آنجا نیز مورد تعقیب و حمله سپاهیان گومیندان قرار گرفتند (۳) . آیا این نیز " در موضع دفاعی بودن " است ؟ در سه استان شان سی ، سوی بوان و چاهار وضع بهمین منوال است . در نخستین دهه ماه اکتبر ۱۳ لشکر فرمان یین سی شان به بخش سیان یوان - تون لیو از منطقه آزاد شده شان دان نفوذ کردند و سپاهیان ما و مردم سرزمین مذکور محقانه بدفاع از خود برخاسته همگی آنها را خلع سلاح کردند . عده ای از فرماندهان سپاه و فرماندهان لشکر در جزو اسیران این پیکار اند . اینک آنان در منطقه آزاد شده تای هان بسر میبرند و همگی صحیح و سالم اند و میتوانند گواهی دهند که از کجا آمده اند و تصدیق کنند که حکمی حمله بآنها داده شده بوده است . اخیراً یین سی شان در چون چینگ بیک سلسله دروغ گوئی پرداخته گفته است که بوی حمله شده و او فقط " در موضع دفاعی " قرار داشته است . ظاهراً او فراموش کرده که ژنرال هایش از قبیل شی زه پوه فرمانده سپاه شماره ۱۹ ، گوه ژون فرمانده لشکر شماره ۴۶ موقت ، جان هون فرمانده لشکر شماره ۴۹ موقت ، لی پی بین فرماندهی لشکر شماره ۶۶ گوه تیان سین فرمانده لشکر شماره ۶۸ و یان وین تسای فرمانده لشکر شماره ۳۷ موقت (۴) الساعه در مناطق آزادشده ماهستند و این نکته برای رد کلیه دروغ های او گوه جن ، یین سی شان و سایر مرتجعانی که جنگ داخلی بر می انگیزند کافی است . دو ماه است که ژنرال فو زوه ای با جرای فرمان حمله بر مناطق آزاد شده سوی یون ، چاهار و ژه هه مشغول میباشد . او حتی تا دروازه جان جیا کو به پیش رانده و تمام منطقه آزادشده سوی یوان و بخش غربی چاهار را بتصرف در آورده است . آیا این نیز " در موضع دفاعی بودن " و " اولین تیر تفنگ " را در نکردن است ؟ سپاهیان ما و مردم چاهار و سوی یوان بدفاع از خود برخاستند و در حملات متقابل خویش آنان نیز عده کثیری افسر و سرباز باسارت گرفتند که همگی میتوانند گواهی دهند که از کجا

ضد دموکراتیک که اینک به سراسر کشور گسترده شده است اقدامات زیرین را پیشنهاد میکنیم :

۱ - کلیه نیروهای دولت گومیندان که بمنظور پذیرش تسلیم ژاپن و حمله بر ما به مناطق آزاد شده چین شمالی ، جیان سوی شمالی ، ان هوی شمالی ، چین مرکزی و سرزمین های مجاور آنها آمده اند باید بیدرنگ بمواضع نخستین خویش باز گردند ؛ سپاهیان مناطق آزاد شده بپذیرش تسلیم ژاپن خواهند پرداخت و پادگان هائی در شهرها و بر روی خطوط ارتباطات خواهند گذاشت ؛ مناطق آزاد شده که باشغال گومیندان در آمده است دوباره مستقر خواهد شد .

۲- کلیه سپاهیان پوشالی باید بیدرنگ خلع سلاح و ترخیص شوند . در چین شمالی ، در جیان سوی شمالی و ان هوی شمالی ، مناطق آزاد شده مأمور خلع سلاح و ترخیص آنان خواهند بود .

۳ - خود مختاری دموکراتیک خلق در کلیه مناطق آزاد شده باید برسمیت شناخته شود ؛ دولت مرکزی هیچ کس را بعنوان مأمور محلی منصوب نخواهد کرد و اعزام نخواهد داشت ؛ مواد « موافقت نامه ۱۰ اکتبر » باید بموقع اجراء در آید .

سخنگو اظهار داشت : این یگانه وسیله جلوگیری از جنگ داخلی است ؛ هیچ تضمین دیگری برای جلوگیری از آن وجود ندارد . اسنادی که ما در طی سه نبرد دفاع از خود در سوی یوان ، شان دان و حن دن بدست آورده ایم و همچنین واقعیاتی نظیر مانور عظیم سپاهان و حملات وسیع آنها همگی تکذیب کننده این ادعای مقامات گومیندان است که گویا بسود خلق و نه بخاطر جنگ داخلی خواستار "استقرار مجدد ارتباطات " شده اند . خلق چین را مدت درازی فریب داده اند و دیگر فریب نمیخورد . امروز وظیفه اساسی همه خلق عبارتست از بسیج شدن بمنظور جلوگیری از جنگ داخلی با کلیه وسائل .

یادداشتها

۱ - در پایان جنگ مقاومت ضد ژاپنی ، بیشتر راه آهن های چین یا تحت کنترل ارتش و مردم مناطق آزاد شده و یا در محاصره آنان بود . مرتجعان گومیندان در صدد بر آمدند به بهانه " استقرار مجدد ارتباطات " راه آهن های مذکور را بمنظور تجزیه مناطق آزاد شده مورد استفاده قرار داده میلیون ها سرباز گومیندان را به چین شمال شرقی ، شمالی ، شرقی و مرکزی انتقال دهند و به حمله بر مناطق آزاد شده پرداخته شهر های بزرگ را با شتاب بتصرف در آوردند .

۲ - در سپتامبر ۱۹۴۵ سپاهیان گومیندان که از منطقه جن جو و سین سیان حرکت کرده بودند بمنظور حمله بر منطقه آزاد شده شان سی - حه به - شان دون - حه نان در طول راه آهن بی پین - حان کو به پیش روی پرداختند . طلایه آنها مرکب از ۳ سپاه در دهه آخر اکتبر به منطقه تسی سیان و حن دن هجوم برد . ارتش و مردم منطقه آزاد شده دلیرانه بدفاع برخاستند و پس از یک هفته نبرد های سخت ، ژنرال گائو شو سیون ، معاون فرماندهی منطقه جنگی یازدهم گومیندان که در عین حال فرمانده سپاه هشتم جدید نیز بود ، در منطقه حن دن بر علیه گومیندان سر بشورش زد و با سپاه هشتم جدید و یک ستون که مجموعاً بیش از ۱۰۰۰۰ تن میشدند بما پیوست . دو سپاه دیگر که با بینظمی به عقب نشینی پرداختند محاصره و خلع سلاح شدند . بسیاری از افسران عالیرتبه مجبور بتسلیم گردیدند و ما فاو ، معاون دیگر فرماندهی منطقه جنگی یازدهم گومیندان که در عین حال فرماندهی سپاه ۴۰ را نیز داشت ، لیو شی ژون ، معاون فرماندهی سپاه ۴۰ ، لی سیو دون رئیس ستاد او ولیو شو سن معاون فرماندهی لشکر در شمار آنان بودند .

۳ - پس از تسلیم ژاپن ، گومیندان بیش از بیست لشکر از سه منطقه جنگی گرد آورد تا بحملات وسیع به مناطق آزاد شده استان های حه نان و حو به بپردازد . بخشی از نیروهای حو زون نان ، فرمانده منطقه جنگی یکم گومیندان ، در دو طرف راه آهن لون های از شمال غربی بسوی مشرق پیش رفت تا وارد مناطق آزاد شده حه نان غربی گردد . نیروهای لیوجی ، فرمانده منطقه جنگی پنجم ، در دو طرف راه آهن بی پین - حان کو از شمال بجنوب پیش رفتند تا وارد مناطق آزاد شده حه نان مرکزی ، و حوبه مرکزی و شرقی گردند . نیروهای منطقه جنگی ششم در انطباق با عملیات نیروهای فوق از حوبه جنوبی بسوی شمال رهسپار شدند . بیشتر این نیروهای گومیندان تحت فرمان لیو جی قرار داشت . ارتش توده ای مناطق آزاد شده حه نان و حو به با تجاوزکاران به نبردهای پرخشم و کین دست زد و با حفظ نیروهای خود در دهه آخر اکتبر ۱۰۴۵ بسوی منطقه واقع در مرز حه نان - حوبه که کوهستان دا هون و تون یای و همچنین شهر زانو یان را در بر میگیرد روان شد . این ارتش پس از آنکه از طرف گومیندان تحت فشار سخت قرار گرفت به سیوان هوا دیان ، واقع در مشرق راه آهن بی پین - حان کو رفت .

۴ - راجع به نبرد شان دان مراجعه شود به « در باره مذاکرات چون چینگ » ، یادداشت ۲ ، جلد حاضر . افسران گومیندان که اسیر شدند و نامشان در اینجا ذکر شده است همگی ژنرال های ارتش یین سی شان بودند .

۵ - استان سوی یوان در ۶ مارس ۱۹۵۴ حذف شد و بصورت بخشی از منطقه خود مختار مغولستان داخلی در آمد و ژنرال فو زوه ای در آن موقع فرمانده منطقه جنگی دوازدهم گومیندان بود . سپاهیان وی در هنگام جنگ مقاومت بر ضد ژاپن در بخش او یوان - لین هه در مغرب سوی یوان پادگان داشتند . پس از تسلیم شدن ژاپن وی فرمان یافت که بر مناطق آزاد شده استان های سوی یوان ، زه هه و چاهار حمله برد . وی در اوت ۱۹۴۵ گوی سوی (امروز حو هه ، شان ای ، او چوان ، تائو لین ، سین تان و لیان چن را تسخیر کرده به حملات وسیع بر مناطق آزاد شده چاهار پرداخت و تا حوالی جان جیان کو پیش رفت . ارتش ما محقانه بدفاع از خود برخاست ، حملات او را پس زد و عده کثیری افسر و سرباز دشمن را با سیری گرفت .

مکتب آزاد ژوب کوریت (نویسنده) افغانستان

۶ - « کتابچه در باره امحاء راهزنان » کتابچه ای بود ضد انقلابی و تنظیم شده بوسیله چانکایشک در ۱۹۳۳ و منحصر بود به شیوه های حمله بر نیروهای مسلح خلق چین و پایگاههای انقلابی . در ۱۹۴۵ که جنگ مقاومت پایان یافت چانکایشک کتابچه مذکور را تجدید طبع و بین افسران گومیندان توزیع کرد و فرمان محرمانه زیرین را بر آن افزود : " کار زار کنونی امحاء راهزنان که سعادت خلق وابسته بآن است باید بسرعت پایان برسد . شما باید افسران و سربازان خویش را تشویق کنید که از کلیه امکانات خود برای امحاء راهزنان طبق روح جنگ مقاومت و طبق « کتابچه در باره امحاء راهزنان » که متن آن را شخصاً تنظیم کرده ام استفاده نمایند . کسانی که خدمت برجسته ای بدولت انجام دهند پاداش خواهند یافت و کسانی که مرتکب تأخیر و یا خطا گردند به شورای جنگ تسلیم خواهند شد . کلیه افسران و سربازان تحت فرماندهی شما که در امحاء راهزنان شرکت دارند باید با این فرمان آشنا شوند و از آن پیروی کنند . "

تقلیل بهره مالکانه و بسط تولید

— دو وظیفه مهم برای دفاع

از مناطق آزاد شده

(۷ نوامبر ۱۹۴۵)

۱ - گومیندان بکمک آمریکا کلیه نیروهای خود را برای حمله بر مناطق آزاد شده ما بسیج کرده است. دیگر جنگ داخلی بمقیاس ملی بصورت واقعیت در آمده است. وظیفه کنونی ما عبارتست از بسیج کلیه نیروهای خویش، ایستادگی در موضع دفاعی از خود، درهم شکستن حملات گومیندان، دفاع از مناطق آزاد شده و مبارزه بمنظور آنکه صلح فرا رسد. برای نیل این هدف باید وظایف زیرین را بفوریت انجام داد: مراقبت در اینکه در مناطق آزاد شده، دهقانان در همه جا از تقلیل بهره مالکانه بهره مند گردند، کارگران و سایر توده های زحمتکش به افزایش عادلانه دستمزد و بهبود شرایط زندگی نائل آیند؛ در عین حال مراقبت در اینکه مالکان ارضی باز آنقدر داشته باشند که زندگی کنند و سرمایه داران صنعتی و تجاری باز بتوانند سود بدست آورند؛ بعلاوه در سال آینده باید جنبش وسیعی را در تولید گسترش داد، تولید غلات و موادی را که در درجه اول مورد نیاز است بالا برد، شرایط زندگی خلق را بهبود بخشید، به قحطی زدگان و به فراریان یاری رسانید، نیازمندی های ارتش را بر آورده ساخت. ما نمیتوانیم بر دشواریها فائق آئیم، ما نمیتوانیم بجبهه یاری برسانیم و به پیروزی نائل شویم مگر آنکه از عهده دو وظیفه مهم تقلیل بهره مالکانه و بسط تولید بر آئیم.

۲ - از آنجای که اکنون جنگ دامنه بسیار وسیع بخود میگیرد بسیاری از رفقی رهبر ما در پست فرماندهی خویش در جبهه بسر میبرند و نمیتوانند در عین حال توجه خود را به تقلیل بهره مالکانه و بسط تولید معطوف دارند. پس باید تقسیم کار کرد. رفقای رهبری که در عقب جبهه میمانند در عین حال که کار بسیار برای کمک مستقیم بجبهه انجام میدهند باید از هر فرصت مناسب برای سازمان دادن این دو

رهنمود برای حزب که بوسیله رفیق ماوتسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است.

وظیفه مهم یعنی تقلیل بهره مالکانه و بسط تولید استفاده کنند. آنان باید در عرض ماه های زمستان و بهار به برانگیختن جنبش وسیعی برای تقلیل بهره مالکانه مبادرت جویند و تقلیل مذکور را در سراسر مناطق آزاد شده و بویژه در مناطق وسیعی که تازه آزاد شده عملی گردانند بطوریکه موجب اعتلاء شور و شوق انقلابی اکثریت عظیم توده های دهقانی گردد. در عین حال باید در سال ۱۹۴۶ تولید کشاورزی و صنعتی در کلیه مناطق آزاد شده به رونق جدیدی نائل آید. این امر که جنگ مجدداً توسعه یافته نباید ما را به مسامحه در تقلیل بهره مالکانه و بسط تولید بکشاند. برعکس، درست بخاطر شکست دادن گومیندان باید فعالانه تر باین کار پرداخت.

۳ - تقلیل بهره مالکانه باید نتیجه مبارزه توده ها باشد نه امتیازی که دولت بآنها اعطا کرده است. شکست یا پیروزی تقلیل بهره مالکانه وابسته باین نکته است. در مبارزه بخاطر تقلیل بهره مالکانه بزحمت میتوان از تندروری ها احتراز جست. ولی آنجا که واقعاً مبارزه آگاهانه توده های وسیع در کار است هر تندروری را میتوان بعداً اصلاح کرد. فقط آنگاه است که میتوان به توده ها فهماند و آنها را قانع ساخت که بسود دهقانان و همه خلق است که وسائل معاش از مالکان ارضی گرفته نشود تا به پشتیبانی از گومیندان برنخیزند. هنوز سیاست کنونی حزب ما تقلیل بهره مالکانه است نه مصادره اراضی. ما باید در هنگام تقلیل بهره مالکانه و پس از آن به اکثریت عظیم دهقانان یاری بدهیم که در اتحادیه های دهقانی متشکل گردند.

۴ - کلید پیروزی در جنبش تولید عبارتست از سازمان دادن اکثریت عظیم تولید کنندگان در گروه های کمک متقابل. واگذاری اعتبارات دولتی به کشاورزی و پیشه وری از اقدامات ضروری است. همچنین بسیار مهم است که کار های کشاورزی را سر فصل شروع کنیم و از ائتلاف دوره کشت و کار بکاهیم. اینک ما باید از یک طرف نیروهای خلق را برای خدمت بجنگ تجهیز کنیم و از طرف دیگر باید بکوشیم که هیچ فصل کشت و کار از دست نرود. از همین جهت باید مطالعه شود که نیروهای خود را چگونه تقسیم کنیم. واحد های ارتش، ارگانهای دولتی و مدارس باید همچنان باندازه لازم به کار تولید مشغول باشند مشروط بر اینکه به جنگ، به کار و به درس صدمه نخورد. و فقط از این طریق است که میتوانند شرایط زندگی خود را بهبود بخشند و بار سنگین خلق را سبک گردانند.

۵ - ما از هم اکنون عده ای از شهر های بزرگ و عده کثیری از شهر های متوسط را در دست داریم. یکی از وظایف مهم حزب ماکنون عبارتست از اجرای نظارت اقتصادی بر این شهر ها و توسعه صنعت، تجارت و مالیه آنها. باین منظور کاملاً لازم

است که کلیه اشخاص صلاحیت دار را که در اختیار ما هستند مورد استفاده قرار دهیم و اعضاء حزب را قانع سازیم که با آنها همکاری کنند و در امور فنی و شیوه های مدیریت از آنها بیاموزند .

۶ - به کلیه اعضاء حزب بگوئید که استوار در کنار خلق بایستند ، بدشواریهای اقتصادی وی بپردازند و در نظر داشته باشند که اجراء این دو وظیفه مهم ، یعنی تقلیل بهره مالکانه و بسط تولید ، برای کمک بخلق در تفوق بر مشکلات وی جنبه اساسی دارد ؛ اگر اینطور عمل کنیم پشتیبانی صمیمانه خلق را جلب خواهیم کرد و خواهیم توانست کلیه حملات مرتجعان را با شکست روبرو سازیم . هنوز باید همه چیز را در زمینه یک کوشش متمادی در نظر گرفت ، منابع انسانی و مادی را باید با صرفه جوئی مورد استفاده قرار داد و همه چیز را باید برای مدتی طولانی پیش بینی کرد ؛ در این صورت پیروزی ما تأمین خواهد شد .

سمتگیری کار ما در سال ۱۹۴۶ در مناطق آزاد شده

(۱۵ دسامبر ۱۹۴۵)

حزب ما طی ماههای اخیر در رهبری خلق در مبارزات سخت برای برانداختن نیروهای ژاپنی و پوشالی و برای درهم شکستن حملات گومیندان بر مناطق آزاد شده به پیروزیهای بزرگ نائل آمده است. همه رفقای حزبی ما یکدلانه کار میکنند و در زمینه های گوناگون به نتایج درخشان رسیده اند. سال ۱۹۴۵ پایان میرسد و ما باید در کاری که در سال ۱۰۴۶ در مناطق آزاد شده انجام خواهیم داد توجه خویش را در همه جا به نکات زیرین معطوف داریم:

۱ - در هم شکستن حملات جدید. پس از آنکه ارتش ما حملات پردامنه گومیندان را بر مناطق آزاد شده در سوی یوان، شان سی و حه به جنوبی در هم شکست گومیندان بگرد آوری نیروهای بازهم مهمتری پرداخت تا حملات جدیدی را تدارک بیند. اگر هیچ حادثه جدیدی پیش نیاید که گومیندان را به متوقف ساختن سریع جنگ داخلی وا دارد نبرد بهاری ۱۹۴۶ نبرد سختی خواهد بود. از اینجهت هنوز وظیفه مرکزی ما در کلیه مناطق آزاد شده عبارت خواهد بود از ایستادگی در موضع دفاع از خود و بکار بردن کلیه مساعی برای درهم شکستن حملات گومیندان

۳ - ترویج جنبش گائو شو سیون (۱)، حزب ما برای درهم شکستن حملات گومیندان باید بکوشد که در سپاهیان گومیندان که میخواهند باو حمله آورند و یا در حال حمله باو هستند تفرقه افکند. از یک طرف ارتش ما صریحاً بتبلیغات پردامنه سیاسی و به تعرض وسیع سیاسی بر سپاهیان گومیندان که به جنگ داخلی مشغول اند ادامه خواهد داد تا اراده آنها را در نبرد سست گرداند. از طرف دیگر ما باید به تدارک و بسیج قیام ها در درون ارتش گومیندان بپردازیم و جنبش گائو شو سیون را ترویج کنیم بطوری که در لحظه حساس عملیات، واحد های کثیری از گومیندان مانند گائو شو سیون بجانب خلق آیند، به مخالفت با جنگ داخلی برخیزند و در موضع صلح قرار گیرند. برای اینکه این کار بطور مؤثر صورت گیرد و سریعاً به نتیجه

رهنمود برای حزب که بوسیله رفیق مائوتسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است.

برسد هر منطقه باید بر طبق رهنمود های کمیته مرکزی دائر خاصی تشکیل دهد و عده زیادی از کادر ها را در آن دائره بگمارد که تمام نیروی خود را مصروف این و وظیفه سازند . و دستگاہهای رهبری هر منطقه باید این کار را دقیقاً رهبری کنند.

۳ - تعلیمات سپاهیان ارتش های صحرائی مناطق آزاد شده بطور کلی هم اکنون تشکیل شده اند . سپاهیان محلی نیز باندازه کافی زیادند . از اینجهت ما باید عجالتاً بطور کلی از افزایش افراد دست نگهداریم و از فاصله میان نبرد ها استفاده کرده توجه خود را به تعلیمات سپاهیان معطوف داریم . این در باره ارتشهای صحرائی ، سپاهیان محلی و همچنین چریک توده ای صادق است . در مورد موضوعات تعلیمات ، هدف ما همچنان در درجه اول عبارتست از بالا بردن سطح فنی تیراندازی ، نبرد با سر نیزه ، نارنجک اندازی و غیره و در درجه دوم عبارتست از بالا بردن سطح تاکتیک ، با عطف توجه خاص به تمرین عملیات شبانه . در مورد شیوه تعلیمات ، ما باید جنبش تعلیماتی توده ای را بسط دهیم که در طی آن افسران به سربازان ، سربازان به افسران و سربازان بیکدیگر بیآموزند . در سال ۱۹۴۶ ما باید کار سیاسی در ارتش را بازهم بهبود بخشیم ، شیوه کار دگماتیک و فرمالیست را که در ارتش بچشم میخورد براندازیم و کوشش خویش را برای تأمین وحدت میان افسران و سربازان ، میان ارتش و خلق ، میان ما و سپاهیان دوست و نیز برای تلاشی سپاهیان دشمن و اجراء شایسته وظایف تعلیمات ، تدارک و نبرد بیفزائیم . چریک توده ای محلی را باید بر طبق شرایط کنونی تجدید سازمان کرد . امور کارپردازی در پشت جبهه هم باید از نو سازمان یابد . باید از کلیه امکانات استفاده کرد که واحد های توپخانه و مهندسی در کلیه مناطق بوجود آید و نفرات آنها رو بافزایش رود . مدارس نظامی همچنان بکار خود ادامه خواهند داد و کوشش عمده خود را بآموزش کادر فنی معطوف خواهند داشت .

۴ - تقلیل بهره مالکانه . بر طبق رهنمود کمیته مرکزی مورخ ۷ نوامبر ۱۹۴۵ (۲) کلیه منطقه ها در ۱۹۵۶ در سرزمین های تازه آزاد شده خویش جنبش توده ای پردامنه ای که خوب رهبری شده باشد برای تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود برانگیزند . در مورد کارگران ، باید دستمزد آنها را باندازه مناسب بالا برند . باید توده های وسیع در اثر جنبش مذکور بتوانند آزادی سربرآرند ، متشکل گردند و بصورت فرمانروایان آگاه مناطق آزاد شده در آیند . توده ها در مناطق آزاد شده جدید بدون این اقدامات جدی نمیتوانند تشخیص دهند که کدام یک از دو حزب ، حزب کمونیست و گومیندان ، خوب است و کدام یک بد است ؛ آنها در تردید خواهند ماند

و از حزب ما مصممانه پشتیبانی نخواهند کرد. در مناطق آزاد شده قدیم باید رسیدگی کنیم که در زمینه تقلیل بهرمالکانه و نرخ سود چه کاری صورت گرفته است و آن را بیشتر تحکیم کنیم.

۵ - تولید. بر طبق رهنمود ۷ نوامبر، کلیه مناطق باید بیدرنگ بتدارک لازم پردازند تا تولید ۱۹۴۶ در بخش های عمومی و خصوصی از لحاظ دامنه خود و حاصل خود در همه مناطق آزاد شده از هر سالی بیشتر باشد. احساس خستگی که در نزد اهالی دیده میشود فقط در صورتی رفع شدنی است که وظیفه تقلیل بهرمالکانه و وظیفه بسط تولید دقیقاً اجرا گردد و بنتایج درخشان برسد. اجراء و یا عدم اجراء این دو وظیفه بزرگ است که بلاخره موجب پیروزی و یاشکست مبارزات سیاسی و نظامی ما در مناطق آزاد شده خواهندگشت. هیچ منطقه ای نباید این وظایف را از دیده فرو گذارد.

۶ - امور مالی. بار مالیاتی ما که در اثر احتیاجات کارهای پردامنه اخیر سنگین شده است باید در سال ۱۹۴۶ منظمأ و طبق نقشه به حدود عادی برگردد. باید به کسانی که بار مالیاتشان خیلی سنگین است تخفیف لازم داد. بخاطر یک کوشش طویل المدت، تعدادی کسانی که از تولید جدا میشوند در هیچ منطقه نباید از حدود امکانات مالی محلی تجاوز کند. ارزش سپاهیان در درجه اول به کیفیت است نه کمیت. این یکی از اصولی ما در ساختمان ارتش است. بسط تولید تأمین تدارکات، تمرکز رهبری، عدم تمرکز بهره برداری، بحساب آوردن نیازمندی های ارتش و نیازمندی های اهالی، ملحوظ داشتن منافع همگانی و همچنین منافع فردی، تولید و صرفه جوئی دقیق را بیکسان اهمیت دادن - امروز نیز اینست اصول راهنمایی صحیحی که میتواند مسائل اقتصادی و مالی را حل کند.

۷ - پشتیبانی از دولت و مهرورزی به خلق. پشتیبانی از ارتش و معاضدت با خانواده های رزمندگان جنگ مقاومت (۳). ما باید در ۱۹۴۶ بهتر از سال های اخیر از عهده این وظیفه برآئیم. این امر در خورد کردن حملات گومیندان و استوار ساختن مناطق آزاد شده اهمیت عظیم خواهد داشت. ما باید در ارتش در نزد کلیه فرماندهان و جنگاوران بکار ایدئولوژیک پردازیم تا آنان عمیقاً به اهمیت پشتیبانی از دولت و مهرورزی به خلق پی ببرند. اگر ارتش از عهده این وظیفه بخوبی برآید مناسبات میان مقامات محلی و خلق از یک طرف و ارتش از طرف دیگر بهتر خواهند شد.

۸ - کمک در مناطق آزاد شده ، بسیاری از قربانیان افات طبیعی ، بسیاری از پناهندگان جنگ ، بسیاری از کسانی که تماماً و یا قسماً بیکار اند نیاز مبرم به کمک دارند . چگونگی حل این مسئله ، خواه خوب و خواه بد ، تاثیر بزرگی در زمینه های مختلف خواهند داشت علاوه بر اقداماتی که از طرف دولت بعمل میآید باید در درجه اول به بسیج کمک متقابل توده ها بیکدیگر پرداخت . بر عهده حزب و دولت است که توده ها را در سازمان دادن چنین کمک ها تشویق کنند .

۹ - توجه به کادر های محلی . امروز هر منطقه آزاد شده ای در کلیه مدارج رهبری دارای عده کثیری کادر است که از مناطق دیگر آمده اند . بویژه در استانهای شمال شرقی چنین است . دستگاههای رهبری هر منطقه باید مصراانه توصیه کنند که به کادر های محلی توجه شود ، با آنها با رفاقت کامل و با حسن نیت کامل رفتار شود . کادر هائی که از مناطق دیگر می آیند باید زبده کردن ، بار آوردن و بالا کشیدن کادر های محلی را وظیفه مهم خویش بشمارند . فقط از این راه است که حزب ما میتواند در مناطق آزاد شده ریشه بگیرد . رفتار متکبرانه غیر محلی ها نسبت به محلی ها را باید مورد انتقاد قرار داد .

۱۰ - پیش بینی همه چیز برای مدت طولانی . تحول وضع کنونی هرچه باشد حزب ما باید همه چیز را برای مدت طولانی پیش بینی کند تا آنکه موضع ما خلل پذیر نباشد اینک حزب ما از یک طرف در مناطق آزاد شده در موضع خودمختاری و دفاع از خود استوار ایستاده است ، با حملات گومیندان مجدانه مقابل میکند و مزایائی را که ما از جنبش دموکراتیک که در مناطق گومیندان گسترش مییابد (و اعتصاب دانشجویان کون مین (۴) گواه آن است) پشتیبانی میکنیم تا مرتجعان را منفرد سازیم ، متحدان کثیری بدست آوریم و جبهه متحد ملی دموکراتیک را که تحت نفوذ حزب ما عمل میکند توسعه دهیم . بعلاوه ، هیئت نمایندگی حزب ما بزودی در کنفرانس مشورتی سیاسی که مشتمل بر نمایندگان کلیه احزاب و شخصیت های بی حزب خواهد بود شرکت خواهد جست . این هیئت مذاکره با گومیندان را از سر خواهد گرفت و برای تحقق بخشیدن به صلح و دموکراسی در سراسر کشور مبارزه خواهد کرد . معذک ممکن است که ما باز هم به تغییرات غیر مترقبه برخوردیم . دشواریهای بسیار در انتظار ماست . مثلاً مناطق آزد شده جدید ما و سپاهیان جدید ما هنوز استحکام نیافته اند و امور مالی ما مسائلی برای ما پیش آورده است . ما باید صریحاً با این دشواریها روبرو شویم و بر آنها فائق آئیم و در سازمان دادن هر کاری تصمیم را برای مدت طولانی اتخاذ کنیم ، دقت کامل بعمل

آوریم که منابع انسانی و مادی با صرفه جوئی مورد استفاده قرار گیرد و بهره‌یزیم از اینکه حساب ما بر روی پیروزی های وابسته بتصادف باشد .

این ده نکته باید در کاری که در ۱۹۴۶ در پیش خواهیم داشت و بویژه در نیمه اول سال ۱۹۴۶ مورد توجه خاص ما باشد . امیدواریم که رفقی ما در مناطق مختلف ، این رهنمود را با نرمش و با ملحوظ داشتن شرایط محلی بکار برند . بقیه کارهایی که باید در مناطق گوناگون صورت گیرد مانند تأسیس قدرت محلی ، کار جبهه متحد ، توسعه آموزش مربوط به مسائل سیاسی روز در داخل و در خارج حزب ، کار در شهر های نزدیک بمناطق آزاد شده ، - همه مهم است . ولی ما در اینجا به بحث در باره آنها نخواهیم پرداخت .

یادداشتها

۱ - در ۳۰ اکتبر ۱۹۴۵ گائو شو سیون ، معاون فرماندهی منطقه جنگی شماره ۱۱ گومیندان ، در جبهه جنگ داخلی در حن دن ، در جنوب استان حه به ، سر به شورش بر افراشت و با یک سپاه و یک ستون بما پیوست . این عمل انعکاس بزرگی در کشور یافت . کمیته مرکزی حزب کمونیست چین برای آنکه تجزیه و تلاشی سپاهیان گومیندان را عمیق گرداند و آنها را به شورش برانگیزد تصمیم گرفت که به نبرد تبلیغاتی دست زده افسران و سربازان ارتش گومیندان را به پیروی از نمونه گائو شو سیون و سپاهیانش فرا خواند ، از آنها دعوت کند که از حمله بر مناطق آزاد شده سر باز زنند و در جبهه جنگ داخلی به خرابکاری پرداخته و به ارتش آزادیبخش توده ای دست برادری بدهند ، به شورش برخیزند و بخلق به پیوندند . اینست آنچه "جنبش گائو شو سیون" نامیده میشود .

۲ - اشاره است به : « تقلیل بهره مالکانه و بسط تولید - دو وظیفه مهم برای دفاع از مناطق آزاد شده » ، جلد حاضر .

۳ - "پشتیبانی از دولت و مهر ورزی بخلق" شعار ارتش آزاد بیخش توده ای بود . "پشتیبانی از ارتش و معاضدت با خانواده های رزمندگان جنگ مقاومت" شعار سازمان های حزبی ، سازمان های دولتی ، سازمانهای توده ای و توده های وسیع مناطق آزاد شده بود . شعار دوم بعد ها بصورت "پشتیبانی از ارتش و معاضدت با خانواده های رزمندگان ارتش انقلابی" در آمد .

۴ - شبانگاه ۲۵ نوامبر ۱۹۴۵ بیش از شش هزار دانش آموز و دانشجوی دبیرستانها و دانشکده های کون مین ، مرکز استان یون نان ، در دانشگاه متحد جنوب غربی گرد آمدند تا کنفرانسی در باره مسائل سیاسی روز تشکیل دهند و به جنگ داخلی اعتراض کنند . مرتجعان گومیندان سپاهیان بمحل اجتماعی اعزام داشتند که آنها را در محاصره گرفته باستعمال

اسلحه مانند توپخانه سبک ، مسلسل و تفنگ پرداختند و حوالی دانشگاه را تحت نظر قرار داده از بازگشت شاگردان و استادان بخانه های خود جلو گرفتند . در نتیجه این اقدام ، همه دانش آموزان و دانشجویان کون مین اعتصاب کردند . در روز دسامبر مرتجعان گومیندان تعداد کثیری سرباز و مأمور مخفی به دانشگاه متحد جنوب غربی و دانشسرای عالی فرستادند که با پرتاب نارنجک موجب کشته شدن چهار نفر و زخمی شدن بیش از ده نفر گردیدند . اینست آنچه " حادثه خونین ۱ دسامبر " نامیده میشود .

پایگاههای محکم در شمال شرقی برپا کنیم

(۲۸ دسامبر ۱۹۴۵)

۱ - وظیفه کنونی حزب ما در شمال شرقی عبارتست از برپا کردن پایگاهها ، پایگاههای محکم نظامی و سیاسی در منچوری شرقی ، شمالی و غربی (۱) . این کار آسانی نیست و مستلزم مبارزه سخت است . ما برای برپا کردن چنین پایگاههای سه تا چهار سال وقت لازم داریم . ولی باید در طی سال ۱۹۴۶ نخستین پایه های محکم را بریزیم و گرنه ممکن است نتوانیم خود را نگهداریم .

۲ - اکنون باید این نکته را روشن ساخت که این پایگاهها نباید در شهرهای بزرگ و یا در طول راههای عمده ارتباط که بوسیله گومیندان اشغال شده و یا خواهد شد برپا گردد. این کار در شرایط کنونی ممکن نیست . همچنین پایگاههای مذکور را نباید در مناطق مجاور شهرهای بزرگ و یا راههای عمده ارتباط که در دست گومیندان است برپا کرد . زیرا که گومیندان در آنجا که شهرهای بزرگ و راههای عمده ارتباط تسلط دارد بما امکان نخواهد داد در مناطقی که خیلی نزدیک بانجا است پایگاههای محکم برپا کنیم . حزب ما در این مناطق باید به کار بسیار فراوانی بپردازد و نخستین خط دفاعی نظامی ما را در آنجا قرار دهد ، و هیچگاه نباید این مناطق را سرسری از دست داد .

رهنمودی است که بوسیله رفیق مائوتسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده و عنوانش بوری شمال شرقی است . همینکه اتحاد شوروی به ژاپن اعلان جنگ داد و ارتش سرخ به شمال شرقی قدم گذاشت کمیته مرکزی حزب کمونیست چین و ارتش آزادیبخش توده ای چین کادرها و سپاهیان فروانی به شمال شرقی فرستاد تا اینکه تحت رهبری آنها خلق به امحاء بقایای نیروهای متجاوزان ژاپنی و نابود ساختن رژیم پوشالی " منچور گوه " ، به براندختن خائنان بملت و از بین بردن راهزنی و بااستقرار حکومتهای محلی دموکراتیک در مدارج مختلف بپردازد . اما در همین اثنا مرتجعان گومیندان که میخواستند بهر قیمت شده نظارت بر شمال شرقی را منحصراً در دست خویش

مذکک این مناطق عرصه عملیات پاتیزانی هر دو طرف خواهد بود و نتواند پایگاههای محکمی برای ما باشد. از اینجهت مناطقی که در آنجا باید پایگاههای محکم بر پا ساخت عبارتند از شهرها و سرزمین وسیع روستاهائی که از مراکز اشغال گومیندان بدوراند. اکنون باید این مناطق را تعیین کرد تا بتوانیم نیروهای خود را بر طبق آنها آرایش دهیم و همه حزب را بسوی این هدف توجیه کنیم.

۳- پس از تعیین مناطقی که پایگاههای محکم ما باید در آنجا بر پا شود، پس از آرایش نیروها و افزایش معتنابه تعداد ارتش ما، وظیفه عمده حزب ما در شمال شرقی عبارت خواهد بود از کار توده ای. باید این مطلب را بهمه کادرها حالی کرد که تا مدتی گومیندان در شمال شرقی از حزب ما قویتر خواهد بود، و اگر فعالیت ما مبتنی بر این اصل نباشد که باید توده ها را بمبارزه برانگیخت، نباید مسایل آنها را حل کرد و در همه چیز بر آنها تکیه داشت، اگر کلیه نیروها را بمنظور کار توده ای دقیق تجهیز نکنیم و از حالا تا یک سال و بویژه در چند ماه آینده که اهمیت قطعی دارند نخستین پایه های محکم را بر پا نسازیم در شمال شرقی منفرد خواهیم شد، نخواهیم توانست پایگاههای محکم بوجود آوریم و حملات گومیندان را درهم بشکنیم، بلکه ممکن خواهد بود در برابر دشواریهای عظیم قرار گیریم و حتی در معرض خطر شکست باشیم. برعکس، اگر بر توده ها استوار تکیه کنیم بر کلیه دشواری

گیرند بکمک امپریالیسم امریکا از راه زمین، دریا و هوا ارتش مهمی به آنجا اعزام داشتند، مواضع کلیدی مانند شان های گوان و جین جو را که قبلاً بدست ارتش آزادیبخش توده ای آزاد شده بود قبضه کردند. بالت نتیجه مبارزه شدید اجتناب ناپذیری در شمال شرقی پیش آمد که در تحول وضعیت سراسر کشور اهمیتی کاملاً خاص داشت. رفیق مائوتسه دون در این رهنمود پیش بینی کرد که مبارزه در شمال شرقی مبارزه ای سخت خواهد بود، در بموقع خود راهنمایی کرد که مرکز ثقل کار باید در شهرها و مناطق روستائی پهناوری باشد که از مراکز اشغال گومیندان نسبتاً دوراند، باین معنی که ما باید "شاهراه را بگذاریم و دو طرف آن را بتصرف در آوریم" تا آنکه توده ها را برانگیزیم، پایگاههای محکم بر پا سازیم، بتدریج نیروهای خویش را افزایش دهیم و برای گذار به تعرض متقابل آماده شویم. این سیاست صحیح که بوسیله کمیته مرکزی و رفیق مائوتسه دون تعیین گردید بوسیله بوروی شمال شرقی که رفیق لین بیائو در رأس آن قرار داشت موفقانه بموقع اجرا گذاشته شد و مبداء پیروزی بزرگی بود که سه سال بعد در نومبر ۱۹۴۸ سراسر شمال شرقی را آزاد ساخت.

ها غلبه خواهیم کرد و رفته رفته به هدف خویش خواهیم رسید. کار توده ای بآن معناست که توده خلق را بسیج کنیم برای اینکه در راه تصفیه حساب خویش با خائنان بملت مبارزه کنند و جنبش برای تقلیل بهره مالکانه و افزایش دستمزد و همچنین بسط تولید بر پا سازیم. ما باید در طی این مبارزات سازمان های گوناگون توده ای بوجود آوریم، هسته های حزب را بنیاد نهیم، از توده ها واحد های مسلح و همچنین ارگانه های قدرت توده ای تشکیل دهیم، مبارزات اقتصادی توده ای را سریعاً بسط مبارزات سیاسی برسانیم و توده ها را برای شرکت در ساختمان پایگاههای بسیج کنیم. رهنمودی که اخیراً از طرف کمیته حزب در استان ژه هه راجع به بسیج توده ها در مبارزه (۲) صادر شده است میتواند در شمال شرقی بکار رود. حزب ما باید مزایای مادی مخصوصی به خلق در شمال شرقی بدهد؛ فقط در آن صورت توده ها از ما پشتیبانی خواهند کرد و در برابر حملات گومیندان بمقاومت بر خواهند خاست. در غیر این صورت آنها نمیتوانند تشخیص دهند کدام یک از دو حزب، گومیندان یا حزب کمونیست خوبست و کدام یک بد است، ممکن است تا مدتی به تبلیغ دروغین گومیندان گرفتار آیند و حتی ممکن است با حزب ما به مخالفت برخیزند و چنین چیزی وضعیت بسیار نامساعدی برای ما در شمال شرقی بوجود خواهد آورد.

۴ - امروز برای حزب ما در شمال شرقی مشکلی از نوع مشکلات ذهنی بوجود آمده است. بسیاری از کادر ها و سپاهیان ما فقط اندک مدتی است که در شمال شرقی بسر میبرند و نه این سرزمین و نه مردم آن را نمیشناسند. کادر هائی هستند که ناراضی آند چرا ما نمیتوانیم شهر های بزرگ را تصرف کنیم و در برابر کار پر رنج بسیج توده ها و استقرار پایگاهها ناشکیبائی نشان میدهند. این حالت با وضعیت کنونی و وظایف حزب ما در تضاد است. ما باید پیوسته به کادر هائی که از مناطق دیگر آمده اند بیاموزیم که به تحقیق و مطالعه اهمیت بسیار بدهند، با محل و با مردم آن آشنا گردند، تصمیم بگیرند که با آهالی شمال شرقی یکی شوند؛ ما باید تعداد زیادی از عناصر فعال و کادرهائی از درون توده های مردم تربیت کنیم. ما باید به کادر ها توضیح

دهیم که اگر چه شهر های بزرگ و راههای ارتباط در دست گومیندان است معذک وضعیت شمال شرقی برای ما مساعد است . اگر ما بتوانیم این نظریه را در کلیه کادر ها و جنگجویان رسوخ دهیم که باید توده ها را برانگیخت و پایگاهها را بر پا ساخت ، و اگر کلیه نیروها را بسیجیم و سرعت به مبارزه عظیم برای استقرار این پایگاهها بپردازیم خواهیم توانست محکم در شمال شرقی و ژه هه مستقر شویم و پیروزی از آن ما خواهد بود . باید بکادر ها گفت که بهیچوجه نباید به نیروی گومیندان کم بها دهند ، و نیز بهیچوجه نباید بفکر اینکه گومیندان به حمله بر منچوری شرقی و شمالی خواهد پرداخت در برابر دشواری کار گرفتار ناشکیبی گردند . البته در موقع این توضیحات نباید این فکر را در کادر ها بوجود آوریم که گومیندان نیروی عجیبی دارد و حملاتش را نمیتوان در هم شکست . باید نشان داد که گومیندان در شمال شرقی دارای پایه های عمیق و سازمان داده ای نیست و حملاتش میتواند درهم شکسته شود و بنابر این حزب ما میتواند در آنجا پایگاه بر پا سازد . اما اکنون سپاهیان گومیندان به حمله بر مرز ژه هه - لیائو نین مشغول اند و اگر بر آنها ضربه زده نشود بزودی بر منچوری شرقی و شمالی حمله خواهند کرد . از اینجهت کلیه اعضاء حزب باید مصمم باشند که به پرنجترین وظائف بپردازند ، توده ها را بسرعت برانگیزند ، پایگاههای ما را بر پا سازند و حملات گومیندان را در منچوری غربی و ژه هه قاطعاً و منظمأ در هم بشکنند . در منچوری شرقی و شمالی باید بسرعت در تدارک شرایطی بود که برای درهم شکستن حملات گومیندان لازم است . ما باید کادر های خود را یکباره از این تصور برهانییم که گویا میتوان بیاری بخت و اقبال و بدون مبارزه ای سخت و تلخ و بدون ریختن خون و عرق به پیروزی نائل آمد .

۵ - باید بسرعت منچوری غربی ، شرقی و شمالی را به منطقه های و بخش های نظامی و نیرو های مسلح را به ارتش صحرائی و ارتش محلی تقسیم کرد . باید واحد های مهمی از ارتش منظم را بین بخشهای نظامی پخش کرد تا آنکه توده ها را برانگیزند ، راهزنان را نابود سازند ، ارگان های حکومت بر پا کنند ، واحد های پاتیزانی ، دستجات چریک توده ای و نیروهای دفاع از خود را سازمان دهند ، بطوریکه دفاع مناطق ما تأمین گردد و با هم آهنگی با ارتش

های صحرائی ما حملات گومیندان در هم شکسته شود . باید هر واحد در منطقه معین و به وظیفه مشخص گماشت ؛ از این طریق است که واحد ها سرعت خواهند توانست با خلق متحد شوند و پایگاههای محکم بر پا سازند .

۶ - بیش از ۱۰۰۰۰۰۰ تن از سپاهیان ما به شمال شرقی و ژه هه رفته اند . ارتش مذکور اخیراً با بیش از ۲۰۰۰۰۰ تن دیگر تکمیل شده و همچنان در جهت افزایش است اگر کارمندان حزب و دولت را هم بیفزائیم بنظر ما تا یک سال دیگر مجموعاً از ۴۰۰۰۰۰ نفر متجاوز خواهد شد . این وضعیت که عمده ای باین کثرت از تولید بریده شده اند و از لحاظ خوراک و پوشاک خویش وابسته اهالی شمال شرقی اند مسلماً قابل دوام نیست و متضمن خطر بزرگی است . از اینجهت کلیه واحد های ارتش و کلیه ادارات و سازمان ها باید در خارج از مبارزه و خارج از کار منظم خویش به تولید بپردازند ، بااستثنای ارتش های صحرائی که سپاهیانشان برای عملیات نظامی بزرگ متمرکز شده اند سال ۱۹۴۶ نباید بیهوده بگذارند و باید بیدرنگ در سراسر شماشرقی نقشه های مناسب برای کار طرح گردد .

۷ - در استقرار پایگاههای ما و در پیروزی نبردهای آینده ما در شمال شرقی سمت گیری کارگران و روشنفکران دارای اهمیت بسیاری است . از اینجهت حزب ما باید به کار در شهر های بزرگ و در طول راههای عمده ارتباط و بویژه به کار در میان کارگران و روشنفکران برای جلب آنها توجه لازم و کامل معطوف دارد . از آنجا که حزب ما در اوایل جنگ مقاومت باندازه کافی به جلب کارگزان و روشنفکران به پایگاهها نپرداخته است سازمانهای حزب در شمال در عین حال که به کار محفی در نواحی تحت نظارت گومیندان توجه میکنند اینک باید کلیه امکانات خویش را بکار برند تا کارگران و روشنفکران به ورود در ارتش جلب شوند و در همه زمینه ها در کار ساختمان در پایگاههای ما شرکت جویند .

یادداشتها

۱ - پایگاه منچوری شرقی از آن جمله شامل میشد بر مناطق جی لین ، سی ان ، ان تو ، یین جی ، دون هوا در شرق بخش شن یان - چان چون راه آهن چان چون چین . پایگاه منچوری شمالی از آن

جمله شامل میشد بر مناطق حاربین ، مودن جیان ، بی ان ، جیا موسی . پایگاه منچوری غربی از آن جمله شامل میشد بر مناطق چی چی هار ، تائو ان ، کای لو ، فوسین ، جن جیاتئن ، و فو یو در مغرب بخش شن یان - چان چون راه آهن چان چون چین . حزب ما در منچوری جنوبی نیز پایگاهی بر پا ساخت که از آن جمله شامل مشد بر مناطق ان دون (امروز به دن دون تجدید نام یافت - مترجم) ، جوان هه ، تون هوا ، لین جیان ، چینگ یوان در مشرق بخش شن یان - دالیان راه آهن چان چون چین و بر منطقه لیائو جون در جنوب غربی شن یان . مبارزه سختی که در منچوری جنوبی بر ضد دشمن ادامه یافت نیز در ساختمان پایگاه های شمال شرقی نقش مهم بازی کرد .

۲ - اشاره است به « رهنمود در باره بسیج توده ها » که در دسامبر ۱۹۴۵ از طرف کمیته ایالاتی حزب کمونیست چین در ژه هه صادر گردید . رهنمود مذکور تأکید میکرد که وظیفه مرکزی برای برانگیختن توده ها در حال حاضر عبارتست از بر پا کردن نبرد باز خواست و تلافی که هدفش تصفیه حساب با خائیان بملت و مأموران مخفی است . بوسیله این نبرد باید شور شوق توده ها را برانگیخت ، موقعیت اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی آنها را ارتقاء داد و سندیکاها ، اتحادیه های دهقانی و سایر سازمان های توده ای را بوجود آورد و باید آماده بود که همینکه این نبرد پایان یافت به جنبش توده ای برای تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود پرداخته شود . در موقع برانگیختن توده های شهر باید نخست به برانگیختن کارگران دست زد بطوریکه آنها بتوانند پیشآهنگ باشند در نبرد برای تصفیه حساب با خائنان بملت م مأموران مخفی نقش رهبر ایفا کنند . رهنمود مذکور همچنین اشعار میداشت که باید کلیه امور مربوط باداره شهر ها را یادگفت ، باید نیروی کار را با صرفه جوئی مورد استفاده قرار داد ، باید همه چیز را برای مدتی طولانی پیش بینی کرد .

چند ارزیابی از وضع بین‌المللی کنونی

(آوریل ۱۹۴۶)

۱ - نیروهای ارتجاعی جهان در واقع جنگ سوم جهانی را تدارک می‌بینند و خطر جنگ وجود دارد. ولی نیروهای دموکراتیک خلقهای جهان بر نیروهای ارتجاعی جهان برتری پیدا کرده‌اند و به پیشروی ادامه می‌دهند؛ آنها باید و حتماً میتوانند بر خطر جنگ فایق آیند. بنابر این در روابط بین آمریکا، انگلستان و فرانسه از یک طرف و اتحاد شوروی از طرف دیگر مسئله بر سر سازش یا شکاف نیست، بلکه بر سر آنستکه آیا سازش زودتر انجام خواهد گرفت یا دیرتر. غرض از سازش حصول توافقات از طریق مذاکرات مسالمت‌آمیز است. مقصود از زودتر یا دیرتر اینستکه این سازش پس از چند سال دیگر و یا پس از بیشتر از ده سال دیگر و یا پس از زمانی بیشتر از این انجام گیرد.

۲ - این نوع سازش که در بالا از آن نام رفت، معنیش سازش در تمام مسایل بین‌المللی نیست. حصول این سازش مادام که آمریکا، انگلستان و فرانسه همچنان زیر سلطه مرتجعین قرار دارند، غیر ممکن است. سازشی که در اینجا از آن سخن می‌رود بمعنی سازش در بعضی مسایل، از آنجمله در برخی مسایل مهم است. معهداً اینگونه سازشها نمیتواند در آینده نزدیک زیاد باشد. ولی با وجود این امکان توسعه روابط تجارتي آمریکا، انگلستان و فرانسه با اتحاد شوروی موجود است.

این اثر در رد چند ارزیابی بدبینانه از اوضاع بین‌المللی که در زمان بوجود آمده بود، نگاشته شده است. از بهار ۱۹۴۶ امپریالیستها بسرکردگی ایالات متحد آمریکا همگام با مرتجعین کشورهای مختلف روز بروز بر فعالیتهای ضد اتحاد شوروی، ضد کمونیستی و ضد خلقی خود میافزادند و برای باصلاح " ناگزیری جنگ میان ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی " . ناگزیری آغاز سومین جنگ جهانی " تبلیغ میکردند. در چنین وضعی رفقانی بودند که به نیروهای امپریالیستی پر بها و به نیروهای خلق کم بها میدادند، آنها از امپریالیست آمریکا و از شروع یک جنگ جهانی جدید هراس داشتند و بدین جهت در برابر حملات مسلحانه دسته بندی ارتجاعی آمریکا چانکایشک از خود ناتوانی نشان میدادند و جرأت نمیکردند که قاطعانه جنگ انقلابی را در برابر جنگ ضد انقلابی قرار دهند. در این سند، رفیق مائوتسه دون این شیوه تفکر نادرست را میکوبد. رفیق مائوتسه دون خاطر نشان میسازد که فقط در

۳ - چنین سازشهایی میان آمریکا ، انگلستان و فرانسه از یک طرف و اتحاد شوروی از طرف دیگر فقط میتواند در نتیجه مبارزه مصمم و مؤثر تمام نیروهای دموکراتیک جهان علیه نیروهای ارتجاعی آمریکا ، انگلستان و فرانسه بدست آید اینگونه سازشها ایجاب نمیکند که خلقهای کشور های سرمایه جهان در کشور های خود با پیروی از آن سازش کنند . خلقهای این کشور ها کمافی السابق بنابر اوضاع خاص خود به اشکال گوناگون مبارزه خواهند کرد . اصلی که نیرو های ارتجاعی در برابر نیروهای دموکراتیک توده ای از آن پیروی میکنند ، چنین است : نابود کردن قطعی آنچه نابود شدنی است و تدارک دیدن برای نابودن آنچه فعلاً نمیتوان نابود کرد. در چنین شرایطی نیروهای دموکراتیک توده ای نیز باید این اصل را در مورد نیرو های ارتجاعی بکار بندند .

صورتی خطر جنگ جهانی جدید بر طرف میشود که نیرو های خلقهای جهان قاطعانه و بطور مؤثر علیه نیروهای ارتجاعی جهان مبارزه کنند ؛ در عین حال رفیق مائوتسه دون خاطر نشان میسازد که امکان آن هست که کشور های سوسیالیستی با کشور های امپریالیستی به بعضی سازشها برسند ، ولی معذا این سازشها " ایجاب نمیکند که خلقهای کشور های سرمایه داری جهان در کشور های خود با پیروی از آن سازش " ، " خلقهای این کشور ها کمافی السابق بنابر اوضاع خاص خود به اشکال گوناگون مبارزه خواهند کرد " . این سند در آن زمان انتشار نیافت ، بلکه فقط در دسترس برخی از رفقا رهبری کمیته مرکزی حزب قرار گرفت و سپس در جلسه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین ، متشکله در دسامبر ۱۹۴۷ ، بین اعضای کمیته مرکزی توزیع گردید . پس از آنکه رفقای حاضر در این جلسه باتفاق آرا محتوی آنرا تصدیق و تصویب کردند ، متن کامل آن بعداً در « بخشنامه در باره مصوبات جلسه دسامبر ۱۹۴۷ کمیته مرکزی » که در ژانویه ۱۹۴۸ از طرف کمیته مرکزی منتشر گردید ، داخل شد .

تعرض چانکایسک را با جنگ دفاع از خود در هم بشکنیم

(۲۰ ژوئیه ۱۹۴۶)

۱ - چانکایسک پس از آنکه موافقت نامه متارکه (۱) را از در هم درید ، تصمیمات کنفرانس مشورتی سیاسی (۲) را نقض کرد و سی پین ، چان چون و سایر شهر های ما را در شمال شرقی بتصرف در آورد اینک به تعرض جدید پر دامنه ای بر ضد ما در چین شرقی و شمالی دست زده است ؛ و امکان ان هست که بعداً حملات خود را به شمال شرقی از سر بگیرند . خلق چین نمیتواند صلح برقرار سازد مگر آنکه تعرض چانکایسک را با جنگ دفاع از خود بکلی در هم شکند .

۲ - حزب ما ارتش ما مشغول کلیه تدارکات لازم اند تا تعرض چانکایسک را در هم شکنند و باین طریق صلح بدست آورند . چانکایسک از کمک آمریکا برخوردار است ولی احساسات خلق برضد او است ، روحیه سپاهیان ضعیف است و اقتصادش در وضعیت دشواری است . ما کمکی از خارج دریافت نداریم ولی احساسات خلق با ماست ، روحیه سپاهیان ما قوی است و از لحاظ اقتصادی میتوانیم گلیم خود را از آب

رهنمود برای حزب که بوسیله رفیق مائوتسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است . در زمستان ۱۹۴۵ چانکایسک « موافقت نامه ۱۰ اکتبر » را از هم درید ، ولی تدارکات او برای جنگ داخلی همگانی پایان نرسیده بود ، بویژه آنکه هنوز نیروهای مهمی از گومیندان به جبهه جنگ داخلی انتقال نیافته بود . از این جهت دولت چانکایسک در ژانویه ۱۹۴۶ تحت فشار همه خلق که صلح و دموکراسی میخواست ناچار شده کنفرانس مشورتی سیاسی را که حزب کمونیست چین و سایر احزاب دموکراتیک در آن شرکت جستند دعوت کند . کنفرانس یک سلسله قطعنامه هائی بهواداری از صلح و دموکراسی تصویب کرد ، فرمان آتش بس در ۱۰ ژانویه داده شد. اما چانکایسک قصد نداشت تصمیمات کنفرانس مشورتی سیاسی و فرمان آتش بس را مراعات کند . در نیمه اول سال ۱۹۴۶ سپاهیان گومیندان به حمله بر نقاط متعددی از مناطق آزاد شده ادامه دادند . حمله ای که در شمال شرقی روی داد بویژه پر دامنه بود و وضعیت زیرین پیش آمد که نبرد های کوچک در جنوب دیوار بزرگ چین و نبرد های بزرگی در شمال آن . در این اثنا آمریکا کوشش فراوان بکار میرید تا سپاهیان گومیندان را نقل و انتقال دهد و مجهز گرداند . در پایان ژوئن ۱۹۴۶ چانکایسک و خداوندگاران آمریکائیش خود را کاملاً آماده دیدند و قادر دانستند که در عرض سه تا شش ماه ارتش آزاد بیخش توده ای را بکلی نابود سازند . از این جهت به تعرض عمومی بر مناطق آزاد شده دست زدند ، تعرضی که در ۲۶

بیرون بکشیم . پس ما قادریم که برچانکایشک پیروز شویم . باید در این موضع اطمینان کاملی در سراسر حزب ما برقرار باشد .

۳ - برای پیروزی بر چانکایشک ، آن شیوه نبرد که بطور کلی باید بکار رود شیوه جنگ متحرک است . پس ترک موقت برخی از سرزمین ها با برخی از شهر ها نه فقط اجتناب ناپذیر است بلکه ضروری است . اگر ما برخی از سرزمین ها یا برخی از شهر ها را موقتاً ترک میکنیم بآن علت میباشد که پیروزی نهائی باین قیمت است . طور دیگر نمیتوانیم بآن برسیم . ما باید این نکته را بهمه اعضاء حزب ، بهمه اهالی مناطق آزاد شده بروشنی بفهانیم تا اذهان خود را آماده سازند .

۴ - ما برای در هم شکستن تعرض چانکایشک باید با توده های مردم از نزدیک همکاری کنیم . کلیه کسانی را که میتوانند بجانب ما بیایند جلب کنیم . در روستا ها از یک طرف باید مسئله ارضی را با قاطعیت حل کنیم ، بر مزدوران کشاورزی و دهقانان فقیر محکم تکیه کنیم ، و با دهقانان میانه حال متحد شویم ؛ از طرف دیگر باید در حل مسئله ارضی ، دهقانان مرفه معمولی و مالکان کوچک و متوسط ارضی را از خائنان ، اسراف زیانکار و مستبدان محلی تشخیص بدهیم . باید با خائنان ، اسراف زیانکار و مستبدین محلی بیشتر محلی سختگیر باشیم و با دهقانان مرفه و مالکان

ژوئن با حمله وسیع برای محاصره منطقه آزاد شده دشتهای مرکزی آغاز گردید . از ژوئیه تا پایان سپتامبر سپاهیان گومیندان پشت سرهم به حملات پدرومانه بر مناطق آزاد شده جیاسو - آن هوی ، شان دون ، شان سی - حه به - شان دون - حه نان ، شان سی - چاهار - حه به و شان سی - سوی یوان مبادرت جستند . در اکتبر دوباره به حمله وسیع بر ناحیه آزاد شده شمال شرقی پرداختند و در عین حال با نیروهای مهمی به محاصر منطقه آزاد شده شنسی - گان سو نین سیا ادامه دادند . آنگاه که جنگ داخلی بمقیاس ملی در گرفت گومیندان ۱۹۳ تیپ (یا لشگر) یعنی در حدود ۱۶۰۰۰۰۰ تن از سپاهیان منظمش را در حمله بر مناطق آزاد شده بکار انداخت . این ۸۰ در صد مجموعه نیروهای گومیندان بود که بر ۲۴۸ تیپ (یا لشگر) منظم یعنی ۲ میلیون نفر بالغ میشد . ارتش و مردم مناطق آزاد شده برهبری کمیته مرکزی حزب و بوروها و شعبات بوروی کمیته مرکزی برای در هم شکستن تعرض سپاهیان چانکایشک دلیرانه نبرد کردند . در این دوره در مناطق آزاد شده شش صحنه بزرگ عملیات وجود داشت . اینست صورت آن شش صحنه و نیروهای ارتش آزادیبخش توده ای که در آنجا میجنگیدند :

منطقه آزاد شده شان سی - حه به - شان دون - حه نان با نیروهای ارتش آزادیبخش توده ای بفرماندهی لیوبه چن ، دن سیائو پین و رفقای دیگر .

منطقه آزاد شده چین شرقی (شامل مناطق آزاد شده شان دون و جیان سو - آن هوی) با نیروهای ارتش آزادیبخش توده ای بفرماندهی پن ای ، سو یو ، تن جن لین و رفقای دیگر .

مناطق آزاد شده را تحکیم کنیم باید همه به همه مالکان ارضی که در تأمین کوچک و متوسط ارضی کمتر. و در آنجا که هم اکنون مسئله ارضی حل شده است باید روش خود را متعادل سازیم و با مجموعه طبقه مالکان ارضی، بااستثنای گروه اندک مرتجعان، نرم تر رفتار کنیم. برای آنکه از تعداد عناصر دشمن بکاهیم و معاش خویش بزحمت افتاده اند کمک برسانیم، مالکان ارضی فراری را به بازگشت فرا خوانیم و بآنها امکان تأمین معاش بدهیم در شهر هانه فقط باید با طبقه کارگر، خرده بورژوازی و کلیه عناصر مترقی متحد شویم بلکه باید در اندیشه اتحاد با عناصر میانه حال نیز باشیم تا آنکه مرتجعان را منفرد سازیم. در میان سپاهیان گومیندان باید کلیه کسانی را که ممکن است با جنگ داخلی مخالف باشند بسوی خویش جلب کنیم. و ستیزه جویان را منفرد گردانیم.

۵ - برای در هم شکستن تعرض چانکایشک باید نقشه های خود را برای مدت متمادی تنظیم کنیم. در استفاده از نیروهای انسانی و مادی خویش باید صرفه جوئی بسیار بکار ببریم و با تمام امکانات خود از اسراف جلوگیری. باید بمواردی که در اینجا و آنجا فساد پیدا شده است رسیدگی کنیم و آنها را براندازیم. باید مصممانه بکار تولید پردازیم تا بتوانیم کلیه نیازمندی های خویش را از حیث محصولات که در درجه اول ضرورت اند و بویژه از حیث غلات و پاچه خودمان رفع کنیم. باید کشت پنبه را عمومی گردانیم، هر خانواده را به رشتن و هر دهکده را به بافتن تشویق نمائیم. باید حتی در شمال شرقی به بسط این فعالیت ها دست بزنیم. در زمینه امور

منطقه آزاد شده شمال شرقی با نیروهای ارتش آزادیبخش توده ای فرماندهی لین بیائو، لوه ژون هوان و رفقای دیگر.

منطقه آزاد شده شان سی - چاهار - حه به با نیروهای ارتش آزادیبخش توده ای فرماندهی نیه ژون جن و رفقای دیگر.

منطقه آزاد شده شان سی - سوی یوان با نیروهای ارتش آزادیبخش توده ای فرماندهی حه لون. رفقای دیگر.

منطقه آزاد شده دشت های مرکزی با نیروهای ارتش آزادیبخش توده ای فرماندهی لی سیان نیان، جن وی سان و رفقای دیگر.

ارتش آزادیبخش توده ای در آن موقع مجموعاً بر ۱۲۰۰۰۰۰ تن بالغ میشد از لحاظ تعداد از دشمن کمتر بود. ارتش مذکور استراتژی تنظیمی رفیق مائو تسه دون را بدرستی اجرا کرد و پیوسته ضربات سنگین بر دشمن متجاوز وارد ساخت. ارتش آزادیبخش توده ای پس از آنکه در عرض مدتی قریب هشت ماه ۶۶ تیپ منظم و واحدهای غیر منظم دشمن یعنی متجاوز از ۷۱۰۰۰۰ تن را نابود کرد تعرض همگانی دشمن را متوقف گردانید و سپس بتدریج به گسترش تعرض متقابل استراتژیک پرداخت

مالی و تدارکات باید نیازمندی های مادی جنگ دفاع از خود را برآورده سازیم و در عین حال بار مردم را سبک کنیم بطوری که شرایط زندگی آنها در مناطق آزاد شده ما با وجود جنگ بهتر شود . خلاصه آنکه ما بر خلاف چانکایشک که همه چیزش وابسته به خارجه است تماماً برکوشش های خویش تکیه میکنیم و غلبه ناپذیریم . سادگی در زندگی و استواری در نبرد پیشه ماست ؛ ما هم به نیازمندیهای ارتش و هم به نیازمندیهای خلق توجه داریم . ولی برعکس ، در مناطق که تحت نظارت چانکایشک است طبقات بالای اجتماع فاسد و پوسیده اند و خلق در بینوائی غوطه ور است و در چنین احوالی ما به پیروزی خویش اطمینان کامل داریم .

۶ - دشواریهایی در برابر ما بر پا است . اما بر این دشواریها میتوان و باید غلبه کرد . همه رفقای حزبی ، همه سپاهیان و همه خلق مناطق آزاد شده و باید در هم شکستن کامل تعرض چانکایشک یک پارچه باشد و چین نوین ، مستقل ، صلح جو و دموکراتیک بر پا سازند .

یادداشتها

۱ - " موافقت نامه متارکه " موافقت نامه ای بود در باره قطع مخاصمات که در ۱۰ ژانویه ۱۹۴۶ میان نمایندگان حزب کمونیست چین و نمایندگان دولت گومیندان چانکایشک منعقد شد . موافقت نامه مقرر میداشت که سپاهیان طرفین عملیات نظامی را در مواضع چانکایشک از این موافقت نامه بمتابه پرده دودی استفاده کرد که در پس آن باتخاذ تصمیماتی برای جنگ داخلی عظیمی پرداخت . وی در همان لحظه که فرمان آتش بس مخابره میشد به سپاهیان گومیندان فرمان " تصرف نقاط استراتژیک " داد و از این لحظه بعد پیوسته واحد هائی را به حمله بر مناطق آزاد شده گماشت . چانکایشک در ژوئیه موافقت نامه متارکه را آشکارا از هم درید و به تعرضی عمومی بر مناطق آزاد شده مبادرت جست .

۲ کنفرانس مشورتی سیاسی مرکب از نمایندگان گومیندان ، حزب کمونیست و سایر احزاب سیاسی و شخصیتهای بی حزبی از تاریخ ۱۰ تا ۳۱ ژانویه ۱۹۴۶ در چون چینگ منعقد گردید . در کنفرانس مذکور پنج قطعنامه بتصویب رسید :

(۱) موافقت نامه در باره تشکیل دولت . این موافقت نامه تصدیق میکرد که " قانون ارگانیک دولت ملی بمنظور تقویت شورای دولت ملی تجدید نظر خواهد شد " . موافقت نامه تعدادی اعضای شورای دولت ملی را افزایش داد و مقرر میداشت که " اعضای شورای دولت ملی از طرف صدر دولت ملی از افراد منتصب یا غیر منتصب به گومیندان انتصاب خواهند شد " ؛ " انتصاب اعضای احزاب مختلف بعنوان اعضای شورای دولت ملی که بوسیله صدر دولت ملی صورت خواهد گرفت ، بنابر پیشنهاد احزاب مذکور خواهد بود و هرگاه صدر دولت ملی با این پیشنهاد موافق نباشد ، احزاب مذکور پیشنهاد های جدید خواهند داد " ؛ " هرگاه صدر دولت ملی شخصیت بی حزبی را بعنوان نامزد شورای دولت ملی پیشنهاد کند و یک سوم اعضای شورا با این پیشنهاد مخالف باشند ، صدر باید در این امر تجدید نظر کند و

پیشنهاد تازه بدهد". " نصف اعضای شورای دولت ملی از گومیندان خواهند بود و نصف دیگر از اعضای سایر احزاب سیاسی و شخصیت‌های سرشناس کشور " شورای دولت ملی اسماً بعنوان " ارگان عالی دولتی در عهده داری امور کشور " تعریف شده بود که اختیار بحث و تصمیم در باره اصول قانون گذاری ، رهنمود های سیاسی ، اقدامات مهم سیاسی و نظامی ، نقشه های مالی و بودجه و همچنین در باره اموری که بررسی آنها را صدر دولت ملی بآن محول میساخت ، داشت ؛ از طرف دیگر صدر دولت ملی مذکور دارای اختیارات معتدله و از آن جمله انتصاب ، حق وتوی نسبی در مورد تصمیمات ، و اختیارات فوق العاده بود . موافقت نامه مذکور همچنین مقرر میداشت که " هفت یا هشت عضو شورای مجریه باید از اشخاص خارج از گومیندان انتصاب شوند . اینان پستهای وزارت های موجود و یا پستهای وزارتخانه مشاور را که بوجود خواهد آمد ، اشغال خواهد کرد " .

(۲) برنامه صلح و ساختمان ملی . این برنامه شامل نه فصل زیر میشود : " کلیات " ، " حقوق خلق " ، امور سیاسی " " امور نظامی " " امور خارجی " اقتصادی و مالی " ، " تعلیم تربیه و فرهنگ " ، " معاضدت و تجدید ساختمان " و " امور مهاجرین چینی " . فصل " کلیات " مشعر بود بر " وحدت استوار " کلیه احزاب سیاسی کشور " برای ساختمان چین نوین ، واحد ، آزاد و دموکراتیک " ؛ دموکراتیزه کردن زندگی سیاسی ، ملی کردن ارتشها ، تساوی احزاب سیاسی و قانونی بودن آنها ؛ " حل اختلافات سیاسی با وسایل سیاسی تا آنکه تکامل صلح آمیز کشور تأمین گردد " . فصل " حقوق خلق " مقرر میداشت که آزادی های فرد ، فکر ، رسوم مذهبی ، وجدان ، بیان ، مطبوعات ، اجتماعات ، اتحادیه ها ، مسکن ، نقل و انتقال و مکاتبات برای خلق تضمین خواهد شد " ، " اکیداً قدغن میشود که ارگانی ویا کسی که نماینده قوه قضایه و یا پلیس نیست به بازداشت ، بررسی و مجازات مردم بپردازد ، هرکس این ماده را نقض کند ، کیفر خواهد دید " . فصل " امور سیاسی " مقرر میداشت که " دستگاه های اداری در کلیه مدارج مورد تجدید سازمان قرار خواهند گرفت ، اختیارات و مسئولیتهای آنها یلی و مشخص خواهد گردید ، کلیه ارگانهای مضاعف حذف خواهد شد ، مقررات اداری ساده خواهد گردید و هر یک از مدارج اداری دارای مسئولیتهای مشخص خواهد بود " " کار برای کامندان شایسته تضمین خواهد شد ، انتصاب به شاغل دولتی براساس صلاحیت و سابقه صورت خواهد گرفت نه بر اساس تعلق بیک حزب ، چند شغلی و پارتی بازی قدغن خواهد بود " ؛ " سیستم بارزسی اکیداً مراعات خواهد شد ، اختلاس و ارتشاء مورد کیفر شدید قرار خواهد گرفت ، تسهیلاتی برای خلق فراهم خواهد آمد که بتواند مأمورین فاسد را در کمال آزادی افشا کند " ؛ " مجدانه به اجرای خود مختاری محلی پرداخته خواهد شد و انتخابات عمومی از پائین تا بالا انجام خواهد یافت " ؛ " اختیارات دولت مرکزی و ارگانهای محلی برحسب تقسیم منصفانه اختیارات تعیین خواهد گشت ، ارگانهای محلی میتوانند تصمیمات مناسب را بر حسب شرایط محلی اتخاذ کنند ولی مصوبات و مقررات استان یا شهرستان نباید با قوانین و فرمانهای دولت مرکزی مغایرت داشته باشد " . فصل " امور نظامی " مقرر میداشت که " ترکیبات نظامی باید پاسخگوی نیازمندی های دفاع ملی باشد ، سیستم نظامی برحسب رژیم دموکراتیک و شرایط خاص کشور اصلاح خواهد شد ، ارتش مستقل از احزاب سیاسی خواهد بود و مقامات نظامی از مقامات کشوری تفکیک خواهد شد ، آموزش نظامی اصلاح خواهد گردید ، تدارکات ارتش تقویت خواهد شد ، سیستم پرسنل و سیستم اداره امور مالی بهبود خواهد یافت ، بطوری که ارتش ملی مدرن بنا یابد " سپاهیان سراسر کشور طبق نقشه

تجدید سازمان نظامی بطور مؤثر تقلیل خواهند یافت . فصل " امور اقتصادی و مالی " مقرر میداشت که " بسط سرمایه بوروکراتیک متوقف خواهد شد ، اکیداً قَدغن خواهد شد که مامورین دولت از اختیارات و از موقعیت خود برای پرداختن به احتکار ، به انحصار جوئی ، به تقلبات مالیات ، به قاچاق ، باختلاص وجوه عمومی و بهره برداری غیر قانونی از وسائل حمل و نقل سوء استفاده کنند " ؛ " بمنظور بهبود زندگی دهقانان ، بهره مالکانه و نرخ سود تقلیل خواهد یافت ، حق مزاعه گیری دهقانان محفوظ خواهد شد ، پرداخت بهره مالکانه تأمین خواهد شد ، پرداخت بهره مالکانه تأمین خواهد شد ، اعتبارات کشاورزی افزایش خواهد یافت و رباخواری جداً قَدغن خواهد شد ، یک قانون ارضی بمنظور عملی ساختن هدف زیرین بموقع اجرا در خواهد آمد : ، زمین از آن کشتکار است ، " ؛ " یک قانون کار بموقع اجرا در خواهد آمد که شرایط کار را بهبود بخشد " ؛ " وضع مالی مراعات خواهد شده ، هزینه های بودجه شدیداً تقلیل خواهد یافت ، توازن هزینه و در آمد حفظ خواهد شد ، صلاحیت مالی دولت مرکزی و ارگانهای محملی از یکدیگر تفکیک خواهد شد ، حجم پولی در جریان کاهش خواهد یافت ، سیستم پولی تثبیت خواهد شد ، گرفتن و بکار بردن وام های داخلی و خارجی باطلاع عموم خواهد رسید و تحت نظارت ارگانهایی که نماینده افکار عمومی هستند ، قرار خواهد گرفت " ؛ " در سیستم مالیات اصلاحات بعمل خواهد آمد ، کلیه مالیات و عوارض کمرشکن گوناگون از ریشه از میان برده خواهد شد و از هرگونه اجحاف جلوگیری بعمل خواهد آمد . فصل " تعلیم و تربیت و فرهنگ " مقرر میداشت که " آزادی فعالیتهای آکادمیک تضمین خواهد شد و هیچ مداخله ای بعنوان معتقدات مذهبی و یا نظرات سیاسی در اداره آموزشگاهها مجاز نخواهد بود " ؛ سهم بودجه دولت برای تعلیم و تربیت و فرهنگ افزایش خواهد یافت " ، " سانسور زمان جنگ که بر روی مطبوعات ، طبع و نشر ، سینما ، تیاتر ، پست و تلگراف برقرار است ، لغو خواهد شد .

(۳) موافقت نامه در باره مجلس ملی . این موافقت نامه مقرر میداشت که در مجلس ملی تعداد نمایندگان " ۷۰۰ نفر افزایش خواهد یافت که از میان اعضای احزاب مختلف و شخصیتهای سرشناس تعیین خواهند شد " ، " وظایف و اختیارات نخستین مجلس ملی عبارت خواهد بود از تدوین قانون اساسی " .

(۴) موافقت نامه در باره طرح قانون اساسی . این موافقت نامه مقرر میداشت که کمیته بارزسی ای برای طرح قانون اساسی تشکیل خواهد یافت که طرح پیشنهادی گومیندان را مورد قانون اساسی مورد تجدید نظر قرار دهد ، و اصول تجدید نظر طرح قانون اساسی را تدوین کند . این موافقت نامه در کنار مقررات اسولی در مورد وظایف و اختیارات مجلس ملی و ارگانهای دولتی ، بخصوص " سیستم اداری محلی " و " حقوق و وظایف خلق " را معین مینمود . در مورد " سیستم اداری محلی " چنین مقرر میداشت که " استان عالی ترین واحد خود مختاری محلی است " ؛ " اختیارات دولتهای ایالتی نسبت به دولت مرکزی بر حسب اصول منصفانه تعیین و تفکیک خواهد شد " ؛ " استاندار از طرف خلق انتخاب خواهد شد " ؛ " استان میتواند قانون اساسی استانی داشته باشد ولی نباید با مقررات قانون اساسی کشوری تضاد پیدا کند " . موافقت نامه در مورد " حقوق و وظایف خلق " چنین مقرر میداشت که " کلیه آزادی ها و حقوقی که عموماً خلق یک کشور دموکراتیک از آن بهره مند میشود ، در برابر هر نقض غیر قانونی مورد حمایت قانون اساسی قرار خواهد گرفت " ؛ " هدف کلیه مصوبات قانون گزاری که به آزادی های خلق مربوط میشود ، باید حمایت این آزادی ها باشد نه محدودیت آنها " ؛ " تعیین کار اجباری از وظایف قانون ارگانهای خود مختاری محلی خواهد

بود نه از وظایف قانون اساسی کشوری "؛ حق خودمختاری برای اقلیتهای ملی که بصورت انبوه در مناطق معین بسر میبرد، تضمین خواهد شد".

(۵) موافقت نامه در باره امور نظامی. این موافقت نامه مقرر میداشت که سیستم نظامی باید بر حسب رژیم دموکراتیک و شرایط خاص کشور اصلاح شود "؛ " نظام وظیفه سازمان بهتری خواهد یافت"؛ " آموزش و تربیت در ارتش باید با اصولی که ارتش بر روی آنها بنا شده است، مطابق گردد و برای همیشه از زیر سلطه احزاب سیاسی و ارتباطات شخصی بیرون آید "؛ " ارتش مستقل از احزاب سیاسی خواهد بود "، هیچ حزبی سیاسی، هیچ فرد اجازه نخواهد داشت ارتش را بمنزله افزار مبارزه سیاسی بکار برد "؛ " مقامات نظامی از مقامات کشوری تفکیک خواهد شد " و " هیچ فرد نظامی که خدمت آکتیف دارد، نمیتواند در عین حال کارمن کشوری باشد ". موافقت نامه در باره تجدید سازمان ارتش گومیندان و ارتش مناطق آزاد شده چنین مقرر میداشت که " کمیسیون نظامی مرکب از سه عضو همانطور که پیش بینی شده است با سرعت تمام خواهد کوشید تا موافقت نامه ای در باره اقداماتی که برای تجدید سازمان ارتش حزب کمونیست چین ضروری است بامضاء برسد و این تجدید سازمان را بپایان رساند "؛ ارتش گومیندان " بر طبق نقشه قبلی که بوسیله ورزارت جنگ تنظیم شده است در ۹۰ لشگر تجدید سازمان خواهد یافت و این تجدید سازمان هر چه زودتر و حد اکثر تا شش ماه بپایان خواهد رسید "؛ پس از آنکه دو ماده فوق در باره تجدید سازمان بموقع اجرا در آمد، تمام سپاهیان کشور طبق نقشه واحدی در ۵۰ یا ۶۰ لشگر تجدید سازمان خواهند شد".

این موافقت نامه های کنفرانس مشورتی سیاسی بدرجات مختلف بسود خلق بود نه بسود سلطه ارتجاعی چانکایشک. چانکایشک در عین حال که میخواست مردم را با ظاهر صلح خواهانه فریب دهد و بر این موافقت نامه ها صحه میگذاشت، مجدانه بتدارک برانگیختن جنگ داخلی بمقیاس ملی مشغول بود. این موافقت نامه های کنفرانس مشورتی سیاسی بزودی یکی پس از دیگری از طرف چانکایشک نقض گردیدند.

مصاحبه با خبرنگار آمریکائی انا لوییز استرانگ

(اوت ۱۹۴۶)

۱. استرانگ : آیا شما فکر میکنید که میتوان به حل سیاسی و مسالمت آمیز مسئله چین در آینده نزدیک امیدی داشت ؟

مائوتسه دون : این بستگی به روش دولت آمریکا دارد . چنانچه خلق آمریکا دستان مرتجعین آمریکائی را در جنگ داخلی به چانکایشک کمک میکنند کوتاه کند ، آنوقت میتوان به صلح امید داشت .

استرانگ : آیا چانکایشک در صورت قطع کمک آمریکا - گذشته از کمکی که تا کنون با او شده است (۱) - تا چند وقت دیگر قادر بادامه جنگ خواهد بود ؟
مائو : بیش از یک سال .

استرانگ : آیا واقعاً چانکایشک از نظر اقتصادی تا این مدت طولانی میتواند پایداری کند ؟
مائو : بله ، میتواند .

متن حاضر بیانیه مهمی است که از طرف رفیق مائوتسه دون کمی بعد از جنگ جهانی دوم در پیرامون اوضاع بین المللی و داخلی اعلام گردیده است . در این مصاحبه رفیق مائوتسه دون تر معروف خود را که " تمام مرتجعین بیر کاغذی هستند " بیان میکند . این تر از نظر ایدئولوژیک مردم ما را مسلح ساخت و اعتماد آنها را به پیروزی مستحکم نمود و بدین تر تیب نقش بسیار بزرگی در جنگ آزادیبخش توده ای ایفا کرد. عیناً مانند آنکه لنین امپریالیسم را " غول پا گلی " نامیده است ، رفیق مائوتسه دون نیز امپریالیسم و تمام مرتجعین را بیر کاغذی میشمرد ، این هر دو تشبیه نمایشگر سرنوشت امپریالیسم می باشد . این تر یک تفکر استراتژیک و اساسی مردم انقلابی میباشد . از دوران دومین جنگ انقلابی داخلی رفیق مائوتسه دون بدفعات خاطر نشان ساخته است که انقلابیون بایستی دشمن را از نظر استراتژیک و در مجموع کم بها دهند ، تا جرأت یابند با دشمن نبرد کنند و پیروزی کسب نمایند ؛ ولی در عین حال باید دشمن را از نظر تاکتیکی ، در هر مورد و در هر نبرد مشخص جدی گرفت ، با احتیاط عمل کرد ، به فنون رزمی توجه مخصوص بخشید ، و طبق زمان ، مکان و وضع موجود اشکال متناسب نبرد را بکار برد ، تا دشمن بتدریج منفرود گردید و قدم بقدم بسوی نابودی سوق یابند . رفیق مائوتسه دون در جلسه بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در شهر اوچان بتاريخ یکم دسامبر ۱۹۵۸ تاکید کرد :

همانطوریکه در جهان چیزی یافت نمیشود که طبیعت دوگانه نداشته باشد (این قانون وحدت اضداد است) ، امپریالیسم و تمام مرتجعین نیز دارای طبیعت دوگانه اند - آنها هم بیر حقیقی اند و هم

استرانگ : چه خواهد شد ، اگر ایالات متحده آمریکا اعلام کند که از این پس دیگر کمکی به چانکایشک نخواهد کرد ؟

مائو : تاکنون هیچ نشانه ای در دست نیست که حاکی از تمایل دولت آمریکا و چانکایشک به قطع آتش جنگ در آینده نزدیک باشد .

استرانگ : حزب کمونیست تا چند وقت دیگر میتواند پایداری کند ؟
اگر بمیل ما باشد یک روز هم نخواهیم جنگید . ولی اگر اوضاع ما را بجنگ مجبور سازد ، ما قادریم تا آخر جنگ پایداری کنیم .

استرانگ : اگر مردم آمریکا از من بپرسند که چرا حزب کمونیست میجنگد ، من چه پاسخی باید بدهم ؟

مائو : علت این جنگ اینستکه چانکایشک قصد کشتار مردم چین را کرده است ، و مردم نیز برای زنده ماندن مجبور به دفاع از خود هستند . این را مردم آمریکا میتواند بفهمند .

استرانگ : نظر شما در باره امکان شروع جنگ از طرف ایالات متحده آمریکا علیه اتحاد شوروی چیست ؟

مائو : تبلیغات در باره جنگ علیه اتحاد شوروی دوجنبه دارد . جنبه اول اینستکه امپریالیسم آمریکا واقعاً جنگی را علیه اتحاد شوروی تدارک میبندد . تبلیغات کنونی درباره جنگ علیه اتحاد شوروی مانند سایر تبلیغات ضد شوروی بمفهوم تدارک سیاسی برای چنین جنگی است ؛ جنبه دیگر اینستکه مرتجعین آمریکا از این تبلیغات چون ساتری برای پوشش تضاد های موجودیکه امپریالیست آمریکا هم اکنون در مقابل دارد ، استفاده میکنند . این تضاد ها عبارتند از : تضاد

ببر کاغذی . در تاریخ ، طبقات برده دار و مالکان ارضی فئودال و بورژوازی قبل از بدست آوردن قدرت دولت و یا تا مدتی بعد از آن ، سرشار از نیروی حیات ، انقلابی و مترقی بودند - آنها ببران حقیقی بودند ؛ ولی با گذشت زمان بعلت اینکه طرف مخالف آنان - طبقه بردگان ، طبقه دهقانان و پرولتاریا - بتدریج نیرومند گردید و علیه آنها هر لحظه شدید تر مبارزه میکردند ، این طبقات حاکم رفته رفته بعکس خود تغییر یافتند ، به افراد مرتجع و عقب مانده مبدل گردیدند - آنها ببران کاغذی شده و سرانجام از طرف مردم سرتگون گردیدند ، یا سرانجام سرتگون خواهند شد . طبقات مرتجع ، عقب مانده و پوسیده این خصلت دوگانه را حتی در برابر مبارزه مرگ و زندگی خلق نیز حفظ میکنند . آنها از یکسو ببران حقیقی و آدمخوارند و انسانها را میلیون میلیون ، ده میلیون ده میلیون می بلعند . امر مبارزه خلق دوران سخت و پردردی را پیموده و از راه پر پیچ و خمی گذشته است . مردم چین قبل از رسیدن به پیروزی درسال ۱۹۴۹ ، برای برانداختن سلطه امپریالیسم و فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک در چین مجبورشدند که بیش از صد سال وقت صرف کنند وده ها میلیون جان آدمی قربانی دهند . ملاحظه

بین مرتجعین آمریکا و خلق آمریکا ، تضاد بین امپریالیسم آمریکا و سایر کشورهای سرمایه داری و تضاد بین امپریالیسم آمریکا و کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره . در حال حاضر ، هدف واقعی شعار آمریکا در اقدام به جنگی ضد شوروی ، فشار بمردم آمریکا و گسترش قوای تجاوزی خود در سایر کشورهای سرمایه داری جهان است . همانطوریکه میدانید هیتلر و همدستانش - میلیتاریستهای ژاپن - مدت مدیدی از شعار های ضد شوروی چون دست آویزی برای برده ساختن مردم کشورهای خود و تجاوز به کشورهای دیگر استفاده میکردند . اکنون نیز مرتجعین آمریکا درست همین شیوه را بکار میبرند .

هرگاه مرتجعین آمریکا بخواهند جنگی برانگیزند ابتدا باید بمردم آمریکا یورش برند . آنها هم اکنون به تعرض علیه مردم آمریکا دست زده اند - از لحاظ سیاسی و اقتصادی کارگران و دموکراتهای آمریکا را مورد ستم قرار داده و خود را برای استقرار فاشیسم در ایالات متحده آمریکا آماده کرده اند . مردم آمریکا باید بپاخزند و در برابر حملات مرتجعین آمریکا مقاومت کنند . من مطمئن هستم که مردم آمریکا چنین خواهند کرد .

ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی را منطقه پهناوری از هم جدا میسازد که تعداد زیادی از کشورهای سرمایه داری ، مستعمره و نیمه مستعمره اروپا ، آسیا و آفریقا را در بر میگیرد . تا زمانیکه مرتجعین آمریکا این کشورها را بزیر فرمان خود در نیآورده اند ، نمیتوانند به اتحاد شوروی حمله کنند . اکنون ایالات متحده آمریکا در اقیانوس آرام مناطق وسیعتر از تمام مناطق نفوذ سابق بریتانیا ، تحت نظارت دارد . ایالات متحده آمریکا بر ژاپن ، بر قسمتی از چین که تحت سلطه گومیندان است ، بر نیمی از کره و جنوب اقیانوس آرام نظارت میکند و دیر زمانی است که آمریکای

کنید ، آیا اینان ببران زنده ، ببران آهنین ، ببران حقیقی نبودند ؟ ولی سرانجام به ببران کاغذی ، ببران مرده و ببران خمیری مبدل گشتند . اینها همه حقایق تاریخی هستند . آیا انسان ها شاهد این رخداد ها نبوده یا در باره آنها چیزی شنیده اند ؟ اینها همه در واقع هزاران هزار گواه هستند ! هزاران هزار ! بدین سبب بایستی امپریالیسم و همه مرتجعین را بطور ماهوی و از یک دید طولانی و از نظر استراتژیک همانگونه که واقعاً هستند ، ببر شمرد . فکر استراتژیک ما باید بر این پایه استوار گردد . از سوی دیگر آنها ببران زنده ، ببران آهنین ، ببران حقیقی هستند که قادرند انسانها را ببلعند . بر این اساس است که باید فکر تاکتیکی ما استوار گردد .

پیرامون لزوم ناچیز شمردن دشمن از نظر استراتژیک و جدی گرفتن آن از لحاظ تاکتیکی به : «مسائل استراتژی در جنگ انقلابی چین» فصل ۵ ، بخش ۶ ، «منتخب آثار مائوتسه دون» جلد اول و همچنین به «در باره بعضی مسائل مهم سیاست کنونی حزب» بخش اول ، جلد حاضر ، مراجعه شود .

مرکزی و جنوبی را نیز بزرگ کنترل خود کشیده است و علاوه بر این این تلاش میکند تا تمام امپراطوری بریتانیا و اروپای غربی را نیز زیر نظارت خود در آورد. آمریکا به پهنانه های مختلف تدابیر نظامی وسیعی اتخاذ کرده و در بسیاری از کشورها پایگاه های نظامی برقرار ساخته است. مرتجعین آمریکا خود اذعان دارند که پایگاه های نظامی ای که در سراسر جهان ایجاد کرده و یا میخواهند ایجاد کنند، علیه اتحاد شوروی متوجه است. بله، این حقیقتی است که این پایگاه های نظامی همگی علیه اتحاد شوروی متوجه اند. ولی در حال حاضر این اتحاد شوروی نیست که هدف تجاوز مستقیم آمریکا قرار میگیرد، بلکه کشور هائی که در خاک آنها پایگاه های نظامی آمریکا مستقر شده است، مورد این تجاوز قرار گرفته اند من ایمان دارم دیر نباید که این کشورها پی برند که ستمگر واقعی آنان کیست - اتحاد شوروی است یا ایالات متحده آمریکا. و آن روز هم فرا خواهد رسید که مرتجعین آمریکا خلقهای سراسر جهان را علیه خود ببینند.

البته منظور من این نیست که مرتجعین آمریکا قصد حمله با اتحاد شوروی را ندارند. اتحاد شوروی مدافع صلح جهانی و عامل نیرومندی در جلوگیری از استقرار سلطه جهانی مرتجعین آمریکاست. در سایه وجود اتحاد شوروی است که مرتجعین آمریکا و مرتجعین تمام جهان بهیچوجه نمیتوانند بمقصد آزمندانه خود جامعه عمل بپوشانند. و از اینرو است که مرتجعین آمریکا نسبت به اتحاد شوروی کینه شدیدی در دل گرفته اند و حقیقتاً هم خیال نابودی این دولت سوسیالیستی را در سر میپروراندند. اما این حقیقت که اکنون، اندکی پس از جنگ جهانی دوم، مرتجعین آمریکا در باره جنگ میان ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی چنان هیاهو و جاروجنجال بپا ساخته و محیط را زهرآگین کرده اند، ما را وادار میسازد که به این هدف واقعی آنان توجه بیشتری مبذول داریم. آنها زیر شعار ضد شوروی در واقع به کارگران و دموکراتهای آمریکا بطرز وحشیانه ای یورش برده و میخواهند کشور هائی را که هدف نقشه های توسعه طلبانه خود قرار داده اند، به زائده ایالات متحده آمریکا بدل سازند. بنظر من، مردم آمریکا و مردم تمام کشورهائی که مورد تهدید تجاوز آمریکا قرار گرفته اند، باید متحد شده و علیه یورش های مرتجعین آمریکا و نوکرانشان در این کشورها مبارزه کنند. تنها پیروزی در این مبارزه است که وقوع جنگ جهانی سوم را غیر ممکن میسازد، و گر نه جنگ اجتناب ناپذیر است.

استرانگ: این توضیح بسیار روشنی است. ولی چه خواهد شد، اگر آمریکا بمب اتمی استعمال کند و اتحاد شوروی را از پایگاه های خود واقع در آیسلند، اوکیناوا و چین بمباران کند؟

ماتو: بمب اتمی ببر کاغذی است که مرتجعین آمریکا برای ارعاب انسانها از آن استفاده میکنند. بمب اتمی بظاهر ترسناک بنظر میرسد ولی در واقع چنین نیست و البته بمب اتمی یک اسلحه کشتار جمعی است، ولی این خلق است که فرجام جنگ را معین میکند، نه یک یا دو سلاح نوین.

تمام مرتجعین ببر کاغذی هستند. مرتجعین بظاهر ترسناک بنظر میآیند، ولی در واقع چندان نیرومند نیستند. در بررسی مسایل از دید وسیع و طولانی ملاحظه میشود که نیروی عظیم واقعی را خلق صاحب است، نه مرتجعین. چه کسانی در روسیه، قبل از انقلاب فوریه ۱۹۱۷، قدرت واقعی را در دست داشتند؟ در آنزمان تزار ظاهراً قدرت داشت ولی انقلاب فوریه با یک ضربه بادکی صحنه زمین را از وجودش پاک ساخت. و سر انجام معلوم شد که در روسیه، قدرت در دست شورا های کارگری، دهقانی، سربازی بود و تزار ببری کاغذی بیش نبود. مگر هیتلر در زمان خودش نیرومند محسوب نمیشد؟ ولی بالاخره تاریخ ثابت کرد که او هم ببری کاغذی بیش نبود. موسولینی بهمان نحو، امپریالیسم ژاپن نیز بهمان شکل. بر عکس قدرت اتحاد شوروی و مردم شیفته آزادی و دموکراسی در جهان، بمراتب از آنچه که پیش بینی میشود، پر توان تر است.

چانکایشک و حامیانش - مرتجعین آمریکا - نیز ببران کاغذی اند. و قکتکه از امپریالیسم آمریکا سخن بمیان میآید، گمان میرود که او صاحب قدرت خارق العاده ایست، و مرتجعین چین هم از این "قدرت" آمریکا برای ارعاب مردم چین استفاده میکنند. اما بالاخره ثابت خواهد شد که مرتجعین آمریکا نیز مانند سایر مرتجعین در تاریخ، صاحب قدرتی نیستند. در آمریکا نیروی واقعی را کسان دیگر در اختیار دارند - خلق آمریکا. وضع چین را در نظر بگیریم: ما بجز ارزن و تفنگ چیزی دیگری که بدان تکیه کنیم، نداریم ولی سرانجام تاریخ ثابت خواهد کرد که این ارزن و تفنگ ما نیرومند تر از هواپیما ها و تانکهای چانکایشک است. با وجود اینکه مردم چین هنوز مشکلات فراوانی در برابر دارند و مدتی طولانی مجبور به تحمل رنجهایی از حملات مشترک امپریالیستهای آمریکا و مرتجعین چینی خواهند بود، ولی سرانجام روز شکست این مرتجعین و پیروزی ما فرا خواهد رسید. دلیل این امر ساده است: مرتجعین نماینده ارتجاع و ما نماینده پیشرفت و ترقی هستیم.

یادداشتها

۱ - امپریالیتهای آمریکا برای کمک به چانکایشک در براه انداختن جنگ داخلی ضد توده ای ، بدولت وی کمکهای فراوان نمودند . ایالات متحده آمریکا تا پایان ژوئن ۱۹۴۶ ، ۴۵ لشکر گومیندان را مجهز کرد . ایالات متحده آمریکا ۱۵۰۰۰۰ نفر سپاهی گومیندان ، شامل نیروهای زمینی ، دریائی ، هوائی ، عمال مخفی ، واحد های پلیس ارتباطات ، افسران ستاد ، افسران بهداری ، کارمندان مالی و غیره را تعلیم داد . ناوگان جنگی و هوا پیمای های آمریکا ۱۴ سپاه گومیندان (شامل ۴۱ لشکر) و ۸ تیپ واحد پلیس ارتباطات را که جمعاً بیش از ۵۴۰۰۰۰ نفر میشد ، برای هجوم به مناطق آزاد شده به جبهه حمل کردند . دولت آمریکا ۹۰۰۰۰ تفنگدار دریائی را بخاک چین پیاده کرد که در شهر های عمده مانند شانگهای ، چینگ دائو ، تیانزین ، بی پین و چینگ هوان دائو مستقر گردیدند و در شمال چین خطوط ارتباطات را برای گومیندان حفظ میکردند . طبق اطلاعاتیکه در کتاب سفید بنام « روابط ایالات متحده آمریکا با چین » که در ۵ اوت ۱۹۴۹ از طرف وزارت خارجه آمریکا منتشر گردید ، افشا شد ، ارزش کل کمک آمریکا به دولت چانکایشک بشکلهای مختلف از زمان جنگ مقاومت ضد ژاپنی تا سال ۱۹۴۸ به چهار میلیارد و پانصد میلیون دلار میرسد (قسمت عمده کمک آمریکا به دولت گومیندان در زمان جنگ مقاومت ضد ژاپنی برای جنگ داخلی ضد توده ای بعدی ذخیره شده بود) . ولی جمع کل حقیقتی کمک آمریکا به چانکایشک خیلی بالاتر از این رقم است . در کتاب سفید آمریکا اعتراف میشود که کمک ایالات متحده آمریکا بالغ بر " بیش از ۵۰ در صد مخارج نقدی " دولت چانکایشک بوده و " نسبت به بودجه این دولت کمک آمریکا بطور نسبی بیشتر از کمک او به هر یک از کشورهای اروپای غربی پس از پایان جنگ بوده است .

تمرکز نیروهای برتر

برای نابودی یکایک نیروهای دشمن

(۱۶ سپتامبر ۱۹۴۶)

۱ - تمرکز نیروی برتر برای نابودی یکایک نیروهای دشمن (۱) شیوه نبردی است که نه فقط باید در آرایش قوا طی عملیات اپراتیو بلکه باید در آرایش قوا طی عملیات تاکتیکی نیز بکار رود.

۲ - در آرایش قوا طی عملیات اپراتیو هنگامیکه دشمن تیپهای (۲) (یا هنگهای) بسیاری وارد میدان میکند و در چندین ستون بسوی ارتش ما پیش می آید، ارتش ما باید نیروی مطلقاً برتر یعنی شش، پنج، چهار و یا لاقل سه برابر نیروی دشمن را متمرکز سازد و در لحظه مناسب نخست یک تیپ (یا یک هنگ) دشمن را محاصره و نابود کند. این تیپ (یا این هنگ) باید یکی از تیپهای نسبتاً ضعیف دشمن باشد، یا از پشتیبانی کمتری برخوردار باشد و یا اینکه در محلی مستقر که سرزمین و سکنه آن محل برای ما بسیار مساعد و برای دشمن نامساعدند و ارتش ما باید با نیروهای اندک سایر تیپهای (یا هنگهای) دشمن را تثبیت کن و نگذارد که آنها بسرعت بکمک تیپ (یا هنگ مذکور که مورد محاصره و حمله ما قرار گرفته ، بشتابند . این بارتش ما امکان خواهد داد که قبل از هر چیز تیپ (یا هنگ) محصور را نابود سازد . پس از آنکه این موفقیت بدست آمد ، بر حسب اوضاع و احوال یا باید یک یا چند تیپ دیگر دشمن را نابود کنیم و یا اینکه باید واحد های خود را عقب بکشیم ، استراحت بدهیم ، تقویت کنیم و برای نبرد های آینده آماده سازیم (اینک دو مثال برای مورد اول : واحد های ما بفرماندهی سویو و تن جن لین در نزدیکی ژو کائو در ۲۳ اوت یک واحد ۵ هزار نفری از پلیس ارتباطات دشمن (۳) و سپس در ۲۶ اوت یک تیپ و باز در ۲۷ اوت یک تیپ و تیم از قوای دشمن را نابود ساختند (۴) . واحد های ما بفرماندهی لیو بوه چن و دن سیائو چین از ۳ تا ۶ سپتامبر یک تیپ از واحد های دشمن را در نزدیکی دین تائو و یک تیپ دیگر را در بعد از ظهر ۶ سپتامبر

متن حاضر دستور درون حزبی است که از طرف رفیق ماو تسه دون برای کمیسیون نظامی انقلابی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تهیه و تدوین گردیده است.

و باز دو تیپ دیگر را در ۷ و ۸ سپتامبر نابود ساختند (۵). در آرایش نیروها طی عملیات اپراتیو ما باید این شیوه اشتبا آمیز - یعنی در نتیجه کم بها دادن بدشمن قوای خود را برای مقابل با همه ستونهای دشمن تقسیم کردن - را بدور افکنیم، زیرا با این شیوه نخواهیم توانست حتی یک ستون دشمن را هم نابود کنیم و بالاخره پاسیویته خواهیم افتاد.

۳ در آرایش قوای طی عملیات تاکتیکی، هنگامیکه ارتش ما یکی از ستونهای دشمن (یک تیپ یا یک هنگ) را با تمرکز نیروهای مطلقاً برتر محاصر کرد، قسمتهای (یا واحدهای) حمله ما نباید در صدد برآیند در آن واحد و با یک ضربه کلیه نیروهای محصور را نابود سازند، زیرا در اینصورت ناچار خواهد شد نیروهای خود را بیک اندازه تقسیم کنند و بدون قدرت کافی بهمه طرف حمله نمایند و در نتیجه در نیل به موفقیت دچار اتلاف وقت و دشواری میگردند. آنها باید نیروهائی مطلقاً برتر یعنی شش، پنج، چهار و یا لا اقل سه برابر نیروی دشمن را متمرکز سازند، کلیه واحدهای توپخانه و یاقسمت اعظم آنرا متمرکز سازند، یک نقطه نسبتاً ضعیف (نه اینکه دو نقطه) از مواضع دشمن را انتخاب کنند و بشدت بدان حمله ور گردند تا آنگه به پیروزی قطعی دست یابند و آنگاه باید از این پیروزی بسرعت بهره برداری کرده و نیروهای دشمن را یکایک نابود سازند.

۴ - نتیجه این شیوه نبرد عبارت است از: اولاً نابودی کامل دشمن و ثانیاً فرجام سریع نبرد. تنها نابودی کامل است که بر دشمن مؤثرترین ضربات را وارد می آورد، زیرا وقتیکه ما هنگی را نابود سازیم، یک هنگ از دشمن کم میشود این شیوه بخصوص آنگاه مؤثر است که در برابر دشمنی که باندازه کافی واحدهای خط دوم ندارد، بکار رود. فقط نابودی کامل است که بما امکان میدهد نیروهای خود را بحد اکثر تکمیل کنیم. در حال حاضر، نابودی کامل فقط منبع عمده اسلحه و مهمات ارتش ما نیز بشمار میرود. نابودی کامل سپاهیان دشمن را تخریب میکن و آنها را خموده میگرداند، ولی برعکس روحیه افراد ما را قوی میکند و بآنها الهام میبخشد. فرجام سریع به واحدهای ما امکان میدهد که یا نیروهای امدادی دشمن را یکایک نابود سازند و یا اینکه از نبرد با آنها طفره برونند. فرجام سریع در عرصه عملیات تاکتیکی و اپراتیو شرط ضرور برای عملیات طولانی در عرصه استراتژیک است.

۵ - در ارتش ما هنوز کادرهای زیادی هستند که اصل تمرکز نیروها برای نابودی یکایک نیروهای دشمن را در موقع عادی تأیید میکنند، ولی در موقع پیکار غالباً نمیتوانند آنرا بکار برند. این امر ناشی از کم بها دادن بدشمن و همچنین ناشی از

فقدان تربیت جدی و بررسی دقیق این شیوه نبرد است. باید با ارائه مثالهای مشروح از نبردهای گذشته مزایای این شیوه نبرد را مکرراً توضیح داد و ثابت نمود که وسیله عمده در هم شکستن حملات چانکایشک همین شیوه است. بکار بدن این شیوه به پیروزی و بکار نبرد آن بشکست می انجامد.

۶ - اصل تمرکز نیروها برای نابودی یکایک نیروهای دشمن، سنت ستوده ای است که ارتش ما طی مدتی بیش از ده سال از آغاز تأسیس خود بآن وفادار بوده است؛ این نخستین بار نیست که این اصل مطرح میشود. ولی ارتش ما در دوره جنگ مقاومت ضد ژاپنی بطور عمده به پخش نیروها بمنظور اقدام به جنگ پارتیزانی توسل میجست و تمرکز نیروها برای دست زدن به جنگ متحرک شیوه فرعی او بود. اما در جنگ داخلی کنونی که شرایط تغییر یافته است، شیوه نبرد هم باید تغییر یابد؛ تمرکز نیروها بمنظور اقدام به جنگ متحرک باید شیوه عمده و پخش نیروها برای دست زدن به جنگ پارتیزانی شیوه فرعی ارتش ما باشد. اینک در شرایطی که ارتش چانکایشک با سلاحهای نیرومندتری مجهز شده، ارتش ما باید برای شیوه تمرکز نیروی برتر برای نابودی یکایک نیروهای دشمن اهمیت خاصی قایل شود.

۷ - آنگاه که دشمن در حال تعرض است و ما در حال دفاع هستیم، باید باین شیوه توسل جوئیم. ولی هنگامیکه دشمن در حال دفاع است و ما به تعرض میپردازیم، باید ایندو وضعیت را از هم تشخیص بدهیم و دو شیوه مختلف اتخاذ نمائیم: اگر نیروهای ما در نقطه معینی زیاد باشند و دشمن از حیث نفرات نسبتاً ضعیف باشد و یا اگر ارتش ما غافلگیرانه بدشمن حمله کند، در آنصورت میتوان در عین حال بچندین واحد وی ضربه زد. مثلاً بین ۵ و ۱۰ ژوئن واحدهای ما در شان دون در عین حال به بیش از ده شهر بر روی خطوط راه آهن چینگ دائو- جی نان و تیانزین - پو کو حمله کردند و آنها را گرفتند (۶). مثال دیگر، بین ۱۰ و ۲۱ اوت واحدهای ما تحت رهبری لیو بوه چن و دن سیائو پین به پیش از ده شهر در طول منطقه کای فون و سیو جو از خط لون های حمله کردند و آنها را گرفتند (۷). اما در صورتیکه ما نیروی کافی نداشته باشیم، باید شهرهای تحت اشغال دشمن را یکی پس از دیگری بگیریم و نباید باو در عین حال در چندین شهر حمله ور شویم. درست بوسیله همین شیوه بود که نیروهای ما در شان سی شهرهای کنار راه آهن داتون - پو جو را بتصرف در آوردند (۸)

۸ - هنگامیکه قوای عمده ما برای نابود ساختن دشمن متمرکز است، عملیات ارتش ما باید با عملیات فعال قسمتهای محلی، واحدهای پارتیزانی محلی و دستجات

چریک توده ای همسوئی داشته باشد. هنگامیکه قسمتهای (یا واحدهای) محلی بیک هنگ، یک گردان یا یک گروهان دشمن حمله میبرند، و نیز باید اصل تمرکز نیروها برای نابود ساختن یکایک نیروهای دشمن را بکار بندند.

۹- اصل تمرکز نیرو برای نابودساختن یکایک نیروهای دشمن هدف عمده اش نابودی قوای موثر دشمن است نه دفاع از سرزمین و یا تصرف آن. در بعضی از موارد بمنظور تمرکز نیرو برای نابود ساختن نیروهای دشمن و یا بمنظور اینکه به قوای عمده ما امکان داد شود که از حملات سنگین دشمن پرهیزند و باین طریق استراحت و آموزش و تقویت خویش را برای نبردهای آینده آسان گردانند، میتوان این یا آن سرزمین را ترک گفت. در صورتیکه ارتش ما قادر باشد نیروی موثر دشمن را بمقیاس وسیعی نابود سازد، خواهد توانست سرزمین های از دست رفته را دو باره پس بگیرد و علاوه بر این سرزمین های جدیدی را تسخیر کند. از اینرو باید کلیه کسانی را که به نابود ساختن نیروی موثر دشمن موفق میشوند، تشویق کرد. ما نه فقط باید کسانی را که واحدهای منظم دشمن را نابود میسازند بلکه هر کسانی را که واحدهای امنیت عمومی، گروه های بازگشت به موطن (۹) و سایر نیروهای محلی ارتجاعی را نابود میسازد، نیز تشویق کنیم. ولی هر بار که تناسب قوا بین دشمن و ما اجازه میدهد و هر بار که سرزمین از لحاظ عملیات اپراتیو و تاکتیکی اهمیت می یابد، باید به حفظ و یا تسخیر آن پردازیم و گر نه اشتباه کرده ایم. از اینجهت باید کسانی را هم که به حفظ یا تسخیر چنین سرزمین هائی موفق میشوند، تشویق کرد.

یادداشتها

۱- اصلاحات "نابودی دشمن" و "از بین بردن دشمن" در این اثر بصورت مترادف بکار رفته اند، و هر دو آنها بمعنای کشتن، زخمی کردن و اسیر گرفتن سپاهیان دشمن اند.

۲- ساختمان نیروهای منظم گومیندان دراصل بدینقرار بود که یک سپاه از سه و یا فقط دو لشکر تشکیل میشد که هر یک شامل سه هنگ میگردد. پس از مه ۱۹۴۶ واحدهای منظم گومیندان که در جنوب رودخانه زرد مستقر بودند، در چند مرحله تجدید سازمان یافتند. آنچه سپاه بود بصورت لشکر تجدید سازمان یافته در آمد و لشگرهای سابق بصورت تیپ و هر تیپ شامل سه و یا فقط دو هنگ میشد. آن بخشی از واحدهای گومیندان که در شمال رودخانه زرد مستقر بود، تجدید سازمان نیافت و اسامی خویش را حفظ کرد. بعداً بعضی از لشگرهائی که تجدید سازمان یافته بودند، همان نام سابق سپاه گرفتند.

۳- واحد های پلیس خطوط ارتباطات گومیندان در مارس ۱۹۴۵ تشکیل شدند. واحدهای مذکور پس از تسلیم شدن ژاپن ببهانه "نگهبانی خطوط راه آهن" در طول راههای ارتباطی برای

"خدمات پادگانی" گماشته شدند، ولی در واقع به فعالیتهای پلیس مخفی میپرداختند. این یکی از نیروهای بود که گومیندان در جنگ داخلی بکار میبرد. - مترجم.

۴ - در ژوئیه ۱۹۴۶ واحدهای گومیندان علیه منطقه آزادشده جیان سو - آن هوی به تعرض پرداختند و نیروهای ما دلیرانه از خود دفاع نمودند. نیروهای دشمن که به منطقه آزادشده جیان سو مرکزی حمله میکردند، مرکب بودند از ۱۵ تیپ، یعنی تقریباً ۱۲۰۰۰ تن، تحت فرماندهی تان ین بوه. از ۱۳ ژوئیه تا ۲۷ اوت، ۱۸ هنگ از ارتش آزادیبخش توده ای چین شرقی، بفرماندهی سو یو، تن جن لین و رفقای دیگر با تمرکز نیروهای متمرکز ساختند متوالیاً به هفت نبرد در مناطق تای سین، ژو گائو، های آن و شائو بوه واقع در جیان سو مرکزی دست زدند، ۶ تیپ دشمن و ۵ واحد از پلیس ارتباطات دشمن را نابود ساختند. نتیجه دو نبرد از این نبردهاست در اینجا ذکر شده است.

۵ - در اوت ۱۹۴۶ نیروهای گومیندان از شهرهای سیو جو و جن جو حرکت کردند تا در دو ستون به منطقه آزادشده شان سی - حه به - شان دون - حه نان حمله کنند. ارتش آزادیبخش توده ای این منطقه تحت فرماندهی لیو بوه چن، دن سیائو پین و رفقای دیگر، بمنظور نبرد با ستونی از دشمن که از جن جو حرکت کرده بود، نیروهای برتر را متمرکز ساخت و ۳ تا ۸ سپتامبر چهار تیپ دشمن را متوالیاً در ناحیه حه زه، دین تائو و تسائو سیان واقع در استان شان دون نابود نمود.

۶ - در اوایل ژوئن ۱۹۴۶، ارتش آزادیبخش توده ای شان دون به لشکر کشی کیفری علیه واحدهای پوشالی که در طول خطوط راه آهن چین دائو - جی نان، تیانزین - پو کو پخش بودند، دست زد و متوالیاً بیش از ده شهر کوچک و از آنجمله جیانو سیان، جان دیان، جو تسون، ده جو، تای آن و زائو جوان را آزاد ساخت.

۷ - از ۱۰ تا ۲۱ اوت ۱۹۴۶، ارتش آزادیبخش توده ای شان سی - حه به - شان دون - حه نان بمنظور همسوئی با عملیات ارتشهای آزادیبخش توده ای دشتهای مرکزی و چین شرقی در چندین ستون بر واحدهای دشمن که در طول منطقه کای فون - سیو جو از خط لون های مستقر شده بودند، حمله ور گشت و متوالیاً بیش از ده شهر کوچک و از آنجمله دان شان، لان فون، حوان کو، لی جوان و یان جی را متصرف شد.

۸ - در ژانویه ۱۹۴۶ نیروهای گومیندان بفرماندهی حو زون نان و نیروهای تحت فرماندهی ین سی شان متفقاً به منطقه آزاد شده جنوب شان سی حمله کردند. واحدهای ارتش آزادیبخش توده ای شان سی - شان دون - حه نان که در تای یوه مستقر بودند، باتفاق بخشی از ارتش آزادیبخش توده ای شان سی - سوی یوان به حمله متقابل پرداختند و دشمن را از جنوب شان سی عقب راندند. در ماه اوت واحدهای مذکور بر ضد دشمن که در طول منطقه لین فن - لین شی از خط دا تون - پو جو مستقر بود، به تعرض پرداختند و متوالیاً شهرهای حون دون، جائو چن، حوه سیان، لین شی و فن سی را آزاد ساختند.

۹ - در جریان جنگ آزادیبخش توده ای عده ای از مالکان ارضی و مستبدین محلی نواحی آزادشده بسوی مناطق گومیندان میگریختند. گومیندان آنها را بصورت دارودسته های ارتجاعی مسلح از قبیل "گروههای بازگشت به موطن"، "واحدهای بازگشت بموطن" و غیره سازمان میداد که در حمله به نواحی آزادشده همراه باسپاهیان گومیندان بودند. این دارودسته های ارتجاعی مسلح در همه جا دست به غارت و چپاول میزدند، میکشند و از هیچگونه جنایتی رو نمیگردانند.

حقایق درباره "وساطت" آمریکا و آینده جنگ داخلی چین

— مصاحبه با روز نامه نگار آمریکائی آ. ت. استیل

(۲۹ سپتامبر ۱۹۴۶)

آ. ت. استیل: آیا بعقیده شما کوشش آمریکا در وساطت در جنگ داخلی چین با شکست روبرو شده است؟ اگر سیاست آمریکا در آینده همان باشد که اکنون هست به کجا منجر خواهد شد؟

مائو تسه دون: من بسیار تردید دارم که سیاست دولت آمریکا سیاست "وساطت" باشد (۱). آمریکا کمک عظیمی به چانکایشک میدهد تا وی بتواند جنگ داخلی را بمقیاس بی سابقه توسعه بخشد. اگر از روی این واقعیت قضاوت کنیم سیاست دولت آمریکا اینست که از وساطت ادعائی خود بعنوان پوششی برای تحکیم همه جنبه موقعت چانکایشک بهره بردارد و با سیاست چانکایشک که سیاست کشتار است نیروهای دموکراتیک چین را سرکوب کند بطوری که چین بصورت مستعمره آمریکا در آید. ادامه چنین سیاستی بیگمان مقاومت مصممانه کلیه میهن پرستان چین را بر خواهد انگیخت.

پرشس: جنگ داخلی چین تاکی بطول خواهد انجامید و سرانجام آن چه خواهد بود؟

پاسخ: اگر دولت آمریکا از سیاست کنونی خویش که مبنی بر کمک به چانکایشک است چشم ببوشد، نیروهای خود را از خاک چین بیرون بکشد و قراردادی را که در کنفرانس وزیران امور خارجه شوروی، آمریکا و انگلستان در مسکو منعقد شده است (۲) اجرا کند، بیشک پایان جنگ داخلی نزدیک خواهد بود. در غیر این صورت ممکن است بصورت جنگی طولانی در آید که در نتیجه آن مسلماً خلق چین مصائب بسیار خواهد دید ولی در عین حال بی خلل متحد خواهد شد، از موجودیت خویش دفاع خواهد کرد و خود سرنوشت خویش را بدست خواهد گرفت. دشواریها و رنج های این راه هرچه باشد خلق چین بیگمان وظیفه خویش را در نیل به استقلال، صلح و دموکراسی انجام خواهد داد. هیچ نیروی قهاری، چه داخلی و چه خارجی، نمیتواند از تحقق این وظیفه جلو گیرد.

پرسش: آیا شما چانکایسک را " پیشوای طبیعی " خلق چین می‌شمارید؟ آیا حزب کمونیست چین پنج مطالبه (۳) چانکایسک را در هر شرایطی رد خواهد کرد؟ اگر گومیندان در صدد بر آید که مجلسی ملی بدون شرکت حزب کمونیست چین دعوت کند (۱) حزب کمونیست چه خواهد کرد؟

پاسخ: در هیچ جای جهان " پیشوای طبیعی " وجود ندارد. اگر چانکایسک مسائل سیاسی، نظامی، اقتصادی و سایر مسائل چین را بر طبق موافقت نامه متارکه (۵) که در ژانویه گذشته بامضاء رسید و بر طبق قطعنامه های مشترکی که در آن موقع از تصویب کنفرانس سیاسی مشورتی گذشته است (۶) و نه بر طبق " پنج مطالبه " یا ده مطالبه که یکطرفه و مخالف موافقت نامه و قطعنامه های مشترک هستند حل کند ما همیشه حاضریم با او همکاری کنیم. مجلس ملی باید بر طبق قطعنامه های مصوب کنفرانس سیاسی مشورتی با شرکت احزاب مختلف سیاسی دعوت شود. در غیر این صورت ما مصممانه با آن بمخالفت خواهیم برخاست.

یادداشتها

۱ - در دسامبر ۱۹۴۵ دولت آمریکا ژرژ. س مارشال را بعنوان نماینده خاص رئیس جمهور به چین فرستاد و از " وساطت در مخاصمات میان گومیندان و حزب کمونیست چین " بعنوان پوششی برای تحکیم همه جانبه نیرو های تجاوز کار آمریکا و سلطه مرتجعان گومیندان استفاده کرد. چانکایسک با تلقین امپریالیسم آمریکا بمنظور دفع الوقت برای تدارک جنگ داخلی چنین نشان داد که خواست حزب کمونیست چین و خلق چین را در قطع جنگ داخلی میپذیرد. در ژانویه ۱۹۴۶ نمایندگان دولت گومیندان و حزب کمونیست چین موافقت نامه متارکه امضاء کردند، فرمان آتش بس منتشر ساختند و " کمیسیون سه گانه " و " ستاد اجرایی بین پین " را با شرکت نمایندگان آمریکا تشکیل دادند. مارشال در دوره " وساطت " خویش بهر حيله ای متوسل شد تا به نیروهای گومیندان در حمله به مناطق آزاد شده، نخست در چین شمالی شرقی و سپس در چین شمالی، شرقی و مرکزی کمک کند. وی مجدانه به تعلیم و تجهیز سپاهیان گومیندان پرداخت و مقداری عظیمی اسلحه و سایر مواد جنگی به چانکایسک داد. در ماه ژوئن ۱۹۴۶ چانکایسک ۸۰ درصد نیروهای منظم گومیندان (بالغ بر ۲ میلیون نفر) را در جبهه حمله بر مناطق آزاد شده گرد آورده بود. بیش از ۵۴۰۰۰۰ نفر از این سپاهیان مستقیماً بوسیله کشتی های جنگی و هوا پیمای های قوای مسلح آمریکا حمل نقل شده بودند. در ماه ژوئیه، چانکایسک که ارایش قوای خود را بپایان رسانیده بود به جنگ ضد انقلابی بمقیاس ملی دست زد. سپس ژرژ مارشال و ل. استوارت، سفیر آمریکا در چین در ۱۰ اوت به انتشار اظهاریه مشترکی پرداخت شکست " وساطت " را اعلام داشتند تا به چانکایسک آزادی کامل برای جنگ داخلی بدهند.

۲ - اشاره است به قرارداد مربوط به چین که در دسامبر ۱۹۴۵ در کنفرانس وزیران امور خارجه اتحاد شوروی، آمریکا و انگلستان در مسکو منعقد شد. سه وزیر امور خارجه در اعلامیه کنفرانس " موافقت خود را با سیاست عدم مداخله در امور داخلی چین تایید میکردند ". وزیران امور خارجه اتحاد

شوروی و آمریکا موافقت کردند که نیروهای شوروی و آمریکا باید هر چه زود تر از چین خارج شود . اتحاد شوروی این قرارداد را صدیقانه مراعات کرد . فقط در اثر تقاضای مکرر دولت گومیندان بود که نیرو های مسلح اتحاد شوروی از چین شمال شرقی بپایان رسید . اما دولت آمریکا هیچیک از وعده های خود را نگه نداشت ، از تخلیه نیروهای خود امتناع ورزید و مداخله خویش را در امور داخلی چین شدت داد .

۳ - چانکاشک دوباره ، یکی در ژوئن و دیگری در اوت ۱۹۴۶ ، " پنج مطالبه " خویش را نزد حزب کمونیست چین فرستاد و اظهار داشت که گومیندان به قطع جنگ داخلی رضایت نخواهد داد مگر آنکه حزب کمونیست چین آنها را بپذیرد . پنج مطالبه مذکور متضمن آن بود که ارتش آزادیبخش توده ای چین نقاط زیرین را تخلیه مند : ۱- کلیه مناطق جنوب راه آهن لون های ؛ ۲- تمام خط آهن چینگ دانو - جی نان ؛ ۳- چن ده و منطقه جنوب این شهر ؛ ۴- قسمت اعظم چین شمال شرقی ؛ ۵- کلیه مناطق که از ۷ ژوئن ۱۹۴۶ بعد در استانهای شان دون و شان سی بوسیله نیروهای مسلح توده ای مناطق آزاد شده از تسلط سپاهیان پوشالی آزاد گردیده بود . حزب کمونیست چین همه این مطالبه ضد انقلابی را بکلی رد کرد .

۴ - طبق تصمیم کنفرانس سیاسی مشورتی که در ژانویه ۱۹۴۶ تشکیل شد مجلس ملی میبایست مجلسی دموکراتیک و مبتنی بر وحدت باشد که احزاب مختلف سیاسی در آن شرکت جویند و نمایانست دعوت شود مگر بعد از اجرای موافقت نامه هائی که در کنفرانس سیاسی مشورتی بتصویب رسیده است ، زیرا نظر دولتی که تجدید سازمان شده باشد . روز ۱۱ اکتبر ۱۹۴۶ سپاهیان گومیندان جان جیا کو را اشغال کردند . این " پیروزی " موجب سرگیجه دارودسته چانکاشک شد . بعد از ظهر همان روز دارو دسته چانکاشک مواد قطعنامه کنفرانس سیاسی مشورتی را خود سرانه نقض و فرمان دعوت " مجلس ملی " تفرقه افکن ، استبداد منشی و تحت نظارت انحصاری گومیندان را صادر کردند . این " مجلس ملی " که روز ۱۵ نوامبر ۱۹۴۶ رسماً در نانکن گشایش یافت از طرف حزب کمونیست چین ، احزاب دموکراتیک و قاطبه خلق چین مورد اعتراض شدید قرار گرفت و تحریم شد .

۵ - مراجعه شود به « تعرض چانکاشک را با جنگ دفاع از خود در هم بشکنیم » ، یادداشت ۱ ،

جلد حاضر .

۶ - همانجا ، یادداشت ۲ ، جلد حاضر .

تراز نامه سه ماهه

(۱ اکتبر ۱۹۴۶)

۱ - رهنمود کمیته مرکزی مورخ ۲۰ ژوئیه در باره اوضاع کنونی (۱) تصریح میکند: "ما میتوانیم بر چانکایشک پیروز شویم. تمام حزب باید نسبت باین موضوع اطمینان کامل داشته باشد." نبرد های ژوئیه، اوت و سپتامبر صحت این حکم را ثابت کرده اند.

۲ - صرفنظر از تضاد های اساسی سیاسی و اقتصادی که چانکایشک قادر بحل آنها نیست و علت اصلی پیروزی حتمی ما وشکست ناگزیر چانکایشک محسوب میشوند، عرصه نظامی بین خط جبهه چانکایشک که بیش از اندازه گسترش یافته و کمبود سپاهیان وی، تضاد حادی بروز کرده است. این تضاد مسلماً علت پیروزی ما وشکست چانکایشک خواهد شد.

۳ - مجموعه سپاهیان منظم چانکایشک که به مناطق آزاد شده حمله میکنند، بدون در نظر گرفتن واحد های پوشالی، واحد های امنیت عمومی و واحد های پلیس ارتباطات، به صد و نود و چند تیپ بالغ میگردد. بغیر از این عده، دشمن میتواند حد اکثر بخشی از سپاهیان خود را بعنوان نیروهای امدادی از جنوب بشمال انتقال دهد، ولی پس از آن اعزام هر گونه نیروی امدادی دیگر برای او دشوار خواهد بود. از این صد و نود و چند تیپ، ۲۵ تیپ آن در ظرف سه ماه اخیر از طرف ما نابود شده

متن حاضر رهنمودی است برای حزب که از طرف رفیق مائو تسه دون برای کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تهیه و تدوین شده است. این رهنمود تجارب سه ماه نبرد را که پس از آغاز جنگ داخلی در مقیاس ملی در ژوئیه ۱۹۴۶ روی داد، بتفصیل تراز بندی میکند، اصول عملیاتی و وظایف آتی نظامی ارتش آزادیبخش توده ای را مطرح مینماید و خاطر نشان میسازد که ما پس از گذاشتن از دوره دشواریها در جنگ آزادیبخش توده ای حتماً پیروزی را بدست خواهیم آورد. دوره دشواریها در این سند همچنین مسائلی را که برای پشتیبانی و همسوئی با جنگ آزادیبخش توده ای ضرورتاً مبیایستی حل کند، مانند اصلاحات ارضی، بسط تولید در مناطق آزاد شده، تقویت رهبری در مبارزات توده ای در مناطق تحت حکومت گومیندیان و سایر مسایل مربوط، بطور اصولی تشریح میکند.

اند. این عدد شامل آن نیروهائی نیست که ما از فوریه تا ژوئن در شمال شرقی نابود ساخته ایم.

۴ - تقریباً نیمی از این صد و نود و چند تیپ چانکایشک باید وظایف پادگانی انجام بدهند، فقط کمی بیش از نصف آنها میتوانند به عملیات صحرائی بپردازند. وکته نیروهای صحرائی باین یا آن منطقه برسند، ناگزیر قسمتی از آنها و یا اکثر شان به وظایف پادگانی گماشته خواهند شد. پس تعداد نیروهای صحرائی دشمن در حالیکه جنگ ادامه مییابد، اجباراً بتدریج کاهش مییابد زیرا از یکطرف ما پیوسته آنها را نابود میسازیم و از طرف دیگر بسیاری از آنها باید به انجام وظایف پادگانی بپردازند.

۵ - از ۲۵ تپیی که ما در عرض سه ماه اخیر نابود ساختیم، ۷ تیپ بفرماندهی تان ئن بوه (سابقاً بفرماندهی لی مو ان) بود، ۲ تیپ بفرماندهی سیوه یوه، ۷ تیپ بفرماندهی گو جو تون (سابقاً بفرماندهی لیو جی)، ۲ تیپ بفرماندهی حون زون نان، ۴ تیپ بفرماندهی ین سی شان، ۲ تیپ بفرماندهی وان بائو او و یک تیپ بفرماندهی دو یو مین. فقط چهار گروه تحت فرمان لی زون ژن، فو زوه ای، ماهون کوی و چن چیان هنوز از ارتش ما ضربات کاری نخورده اند. بر بقیه ۷ گروه ضربات نسبتاً سنگین و یاسبک وارد آمده است. گروه هائی که ضربات سنگین دیده اند، عبارتند از گروه های دو یو مین (با در نظر گرفتن نبرد هائی که از فوریه تا ژوئن سال جاری در شمال شرقی روی داده)، تان ئن بوه، گو جو تون و ین سی شان. آنهائی که ضربات نسبتاً سبک خورده اند، عبارتند از گروه های سیوه بوه حو زون نان و وان یائو او. همه اینها ثابت میکنند که ارتش ما میتواند بر چانکایشک پیروز شود.

۶ - وظیفه ما در دوره آینده عبارت از اینستکه ۲۵ تیپ دیگر از دشمن را نابود کنیم. انجام این وظیفه بما امکان خواهد داد که تعرض چانکایشک را متوقف سازیم و بخشی از سرزمینهای از دست رفته را باز ستانیم. میتوان پیش بینی کرد که ارتش ما پس از نابود ساختن ۲۵ تیپ دیگر از دشمن بطور قطعی خواهد توانست ابتکار استراتژیک را بدست آورد و از دفاع به تعرض بپردازد. در آنموقع وظیفه ما نابود ساختن سومین ۲۵ تیپ دشمن خواهد بود. اگر ما در این کار موفق شویم، خواهیم توانست بخش بزرگی از سرزمینهای از دست رفته و حتی تمام آنها را دوباره باز ستانیم و مناطق آزاد شده را توسعه بخشیم. و آنگاه مسلماً تغییری شگرف در تناسب قوای نظامی بین گومیندان و حزب کمونیست روی خواهد داد. برای نیل باین هدف باید موفقیتهای برجسته سه ماه اخیر، یعنی نابودی ۲۰ تیپ دشمن را ادامه

دهیم و در حدود ۲۵ تیپ دیگر دشمن را در عرض سه ماه آینده نابود کنیم . کلید تغییر تناسب قوا بین دشمن و ما در اینجاست (۲) .

۷ - در عرض این سه ماه اخیر ما چند ده شهر کوچک و متوسط مانند حوای بین ، حه زه ، و جی ده و جی نین را از دست دادیم . ترک اغلب این شهر ها ناگزیر بود و ترک موقتی آنها بابتکار خودمان نیز صحیح بود . پاره ای از این شهر ها را ما مجبور شدیم که ترک بگوئیم زیرا خوب نجنگیده بودیم . بهر حال ما خواهیم توانست سرزمینهای از دست رفته را باز ستانیم ، مشروط بر اینکه خوب بجنگیم . ممکن است که در آینده نیز نتوانیم از اشغال بعضی سرزمینها بوسیله دشمن جلوگیری کنیم ولی بعداً خواهیم توانیست همه آنها را باز ستانیم . کلیه مناطق باید به بررسی انتقادی تجارب نبرد های خویش پردازند تا آن درس گیرند و از تکرار اشتباهات بپرهیزند .

۸ - در عرض این سه ماه اخیر ، ارتش آزادیبخش دشتهای مرکزی در غلبه بر دشواریها و سختی ها استقامت بیسابقه ای از خود نشان داده است . بغیر از بخشی از این ارتش که به مناطق آزاد شده قدیم وارد شده ، نیروهای عمده اش دو پایگاه پاتیزانی در جنوب شنسی و مغرب حوبه ایجاد کرده اند (۳) . بعلاوه واحدهای ما در مشرق و مرکز حوبه پیگیرانه بجنگ پارتیزانی ادامه میدهند . همه اینها به عملیات در مناطق آزاد شده قدیم کمک فراوان کرده و میکنند و نقش باز هم مهمتری در جنگ طولانی آینده ایفا خواهند کرد .

۹ - عملیات سه ماه اخیر ، چند دسته از واحدهای زبده ایرا که چانکایشک ابتدا در نظر داشت به شمال شرقی اعزام دارد ، در جنوب دیوار بزرگ میخکوب کرد و بالنتیجه ما در شمال شرقی فرصت یافتیم که به استراحت و تقویت واحدهای خویش و بسیج توده ها پردازیم . این نیز برای مبارزات آتی ما دارای اهمیت بزرگی است .

۱۰ - تمرکز نیروهای برتر برای نابود ساختن یکایک نیروهای دشمن ، یگانه شیوه صحیح نبرد است ، شیوه ای که ما در عرض سه ماه اخیر برای نابود ساختن ۲۵ تیپ دشمن بکار بردیم . فقط با تمرکز نیروهائی که شش ، چهار و یا لااقل سه برابر نیرو دشمن باشند ، میتوانیم دشمن را بطور مؤثر نابود سازیم و این شیوه هم در عملیات اپراتیو و هم در عملیات تاکتیکی صادق است . فرماندهان ارشد همچنین کادر های متوسط و پائین باید این شیوه نبرد را عمیقاً فرا گیرند .

۱۱ - ارتش ما در عرض سه ماه اخیر علاوه بر ۲۵ تیپ منظم دشمن ، تعداد قابل توجهی از نیروهای ارتجاعی مانند واحدهای پوشالی ، واحدهای امنیت عمومی و

واحدهای پلیس ارتباطات را نیز نابود ساخته است. این نیز موفقیت بزرگی است. ما باید همچنان به نابود ساختن تعداد کثیری از اینگونه نیروهای ارتجاعی ادامه دهیم.

۱۲ - تجربه این سه ماه اخیر ثابت کرده که نابود ساختن ۱۰۰۰۰ سرباز دشمن بقیمت از دست دادن ۲۰۰۰ یا ۳۰۰۰ نفر از سربازان خودی تمام میشود. و این امری اجتناب ناپذیر است. برای از پیش بردن جنگ طولانی (در کلیه مناطق باید همه چیز را با محاسبه چنین جنگی مورد نظر قرار داد) باید ارتش را در آینده منظم‌تر توسعه داد، نیروهای عمده را پیوسته تکمیل کرد و تعداد کثیری کادرهای نظامی تربیت نمود. ما باید طبق نقشه معین امور تولیدی را رونق بخشیم و امور مالی را منظم گردانیم و برای این کار باید اصول زیرین را با قطعیت بکار ببریم: توسعه اقتصاد و تأمین نیازمندیها، رهبری واحد و اداره غیر متمرکز، ملحوظ داشتن نیازمندیهای ارتش و همچنین نیازمندیهای اهالی، ملحوظ داشتن منافع عمومی و همچنین منافع فردی.

۱۳ - تجربه این سه ماه اخیر ثابت کرده است که واحد هائی که هنگام وقفه عملیات از ژانویه تا ژوئن، طبق رهنمودهای کمیته مرکزی (که بارها بمناطق مختلف سفارش میکرد تعلیمات نظامی، کار تولیدی و صلاحات ارضی را سه وظیفه مرکزی خود بشمارند) مساعی خویش را جهت تعلیمات نظامی افزایش داده اند، در نبرد به نتیجه بمراتب بهتری از واحد هائی که باین کار نپرداخته اند، رسیده اند. از این پس در همه مناطق باید از فواصل بین نبردها برای افزایش تعلیمات نظامی استفاده شود. کار سیاسی باید در کلیه واحدهای ارتشی تقویت یابد.

۱۴ - تجربه این سه ماه اخیر ثابت کرده است که در هر جا که «رهنمود ۴ مه» (۴) کمیته مرکزی با قاطعیت و با سرعت بکار برده شده و مسئله ارضی بطور ریشه ای و کامل حل گشته است، دهقانان در کنار حزب و ارتش ما قرار گرفته اند و در برابر حملات سپاهیان چانکایشک بمقاومت پرداخته اند. اما در هر جا که «رهنمود ۴ مه» با قطعیت بکار برده نشد، در هر جا که اقدامات لازم در اجرای آن با تأخیر زیاد صورت گرفته، و یا در هر جا که کار در این زمینه بطور مکانیکی بمراحل مختلف تقسیم شده و یا اصلاحات ارضی بهانه گرفتاریها نظامی از دیده فرو گذاشته شده است، دهقانان در حالت انتظار ماندند. در ماههای آینده کلیه مناطق هر قدر هم که گرفتار جنگ باشند، باید توده های دهقانان را در حل مسئله ارضی با قاطعیت رهبری کنند و براساس اصلاحات ارضی دست باقدماتی بزنند که تولید را در سال آینده بمقیاس وسیع توسعه بخشد.

۱۵ - تجربه این سه ماه اخیر ثابت کرده است که در هر جا که نیروهای مسلح محلی مشتمل بردستجات چریک توده ای ، واحد های پاتیزانی و گروه های مسلح کار بخوبی سازمان یافته اند ، ما توانسته ایم بر مناطق روستائی وسیعی نظارت داشته باشیم ، اگر چه بسیاری از نقاط و خطوط آن سرزمین ها موقتاً در تصرف دشمن بودند . اما در هر جا که نیروهای مسلح محلی ضعیف بودند و رهبری آنها تعریفی نداشت ، شرایط مساعدی برای دشمن فراهم گردید . از این ببعد ما باید رهبری حزب را تقویت کنیم ، در کلیه مناطقی که موقتاً بوسیله دشمن اشغال شده اند ، نیروهای مسلح محلی را توسعه بخشیم ، جنگ پارتیزانی را پیگیرانه تعقیب کنیم ، از منافع توده ها دفاع نمائیم و فعالیت مرتجعین را خنثی سازیم .

۱۶ - سه ماه جنگ ، نیروهای ذخیره گومیندان را تقریباً تحلیل برده و از قدرت نظامی او در مناطق تحت حکومتش بسیار کاسته است . در عین حال گومیندان دوباره به سربازگیری و وصول مالیات جنسی (۵) پرداخته و این امر موجب ناخشنودی اهالی گردیده است و باین طریق زمینه بسط و توسعه مبارزه توده ای را مساعد ساخته است . تمام حزب باید رهبری مبارزات توده ای را در مناطق تحت حکومت گومیندان تقویت کند و بر مساعی خویش برای از هم پاشیدن ارتش گومیندان بیفزاید .

۱۷ - مرتجعین گومیندان باشاره آمریکا موافقت نامه متارکه و قطعنامه های کنفرانس مشورتی سیاسی ژانویه سال جاری را نقض کرده اند و بقصد نابود ساختن نیروهای دموکراتیک توده ای تصمیم به برانگیختن جنگ داخلی گرفته اند . همه سخنان زیبای آنان چیزی جز فریب و نیرنگ نیست . ما باید کلیه دسایس آمریکا و چانکایشک را افشا کنیم .

۱۸ - در عرض این سه ماه ، در مناطق گومیندان ، وسیعترین قشر های خلق و از آنجمله بورژوازی ملی بسرعت و بهتر دریافتند که گومیندان و دولت آمریکا با همدستی یکدیگر عمل میکنند و جنگ داخلی را برانگیخته و خلق را مورد ظلم و ستم قرار داده اند . تعداد کسانیکه باین حقیقت پی میبرند که میانجیگری مارشال ، نیرنگ است و گومیندان جنایتکار شماره یک جنگ داخلی است ، روز بروز افزایش مییابد توده های وسیع که تصورات واهی خود را نسبت به آمریکا و گومیندان بدور افکنده اند ، اینک به پیروزی حزب ما امیدوار کشته اند . این وضعیت سیاسی داخلی بسیار مساعدی است . سیاست ارتجاعی امپریالیسم آمریکا روز بروز بیشتر موجب ناخشنودی توده های وسیع خلق های کشور های جهان میگردد . سطح آگاهی

سیاسی خلقها بطور روزافزون بالا میرود . مبارزات دموکراتیک خلق ها در کلیه کشورهای سرمایه داری چنان بسط و توسعه مییابد و احزاب کمونیست کشورهای مختلف چنان نیروهای خود را افزایش داده اند که مرتجعین دیگر قادر به مهار کردن آنها نخواهد بود . قدرت اتحاد شوروی و حیثیت او در میان خلقها روزبروز بیشتر میشود . مرتجعین آمریکائی و مرتجعین تحت الحمایه آنها در کشورهای دیگر ناگزیر روز بروز منفرد تر خواهند گشت . این وضعیت سیاسی بین المللی وضعیت بسیار مساعدی است . اوضاع داخلی و بین المللی با اوضاع پس از جنگ جهانی اول بسیار فرق میکند . از جنگ جهانی دوم باینطرف ، نیروهای انقلابی بشدت افزایش یافته اند . ما قادریم بر مرتجعین چینی و بیگانه هر قدر هم که شرور باشند (این شرارت از لحاظ تاریخی ، اجتناب ناپذیر است و بهیچوجه تعجبی ندارد) پیروز شویم . رفقای رهبر در کلیه مناطق باید بآن عده از رفقای حزبی که در اثر عدم درک کافی وضعیت مساعد داخلی و بین المللی ، آئینده مبارزه را تاریک می بینند ، این مسئله را عمیقاً توضیح دهند و باید بخوبی در مد نظر داشت که دشمن هنوز قدرت دارد و ما هنوز دارای نقاط ضعفیم و مبارزه همچنان دیر پای و رنجبار است . ولی بیگمان ما میتوانیم پیروز شویم . این درک مسایل و این ایمان باید در سراسر حزب ما عمیقاً جایگیر شود .

۱۹ - چندماه آئینده دوره مهم و دشواری خواهد بود . ما باید فعالانه به بسیج سراسر حزب و به عملیات نظامی که دقیقاً تدارک دیده شده اند ، بپردازیم تا آنکه تغییری بنیادی در وضعیت نظامی بوجود آوریم . همه مناطق باید رهنمود های فوق را با قطعیت بموقع اجرا بگذارند و برای اینکه چنین تغییری در وضعیت نظامی ایجاد کنند ، مبارزه نمایند .

یادداشتها

- ۱- اشاره است به « تعرض چانکاشک را با جنگ دفاع از خود در هم بشکنیم » جلد حاضر .
- ۲- تکوین حوادث بعدی نشان داد که تناسب قوا بین دشمن و ما در ژوئیه ۱۹۴۷ رو بتغییر نهاد ، یعنی از موقعیکه ارتش آزادیبخش توده ای شان سی - سه به - شان دون - سه نان از رودخانه زرد بزور گذشت و بسوی کوه دایبه پیش رفت . ارتش آزادیبخش توده ای در این تاریخ مدت دوازده ماه نبرد کرد ، قریب ۱۰۰ تیپ دشمن را نابود ساخت که بطور متوسط ماهیانه ۸ تیپ میشود . رقمی مذکور بیش از پیش بینی ایست که در این ترازنامه آمده زیرا که چانکاشک بکمک امپریالیسم آمریکا همه نیروهائی را که در اختیار داشت ، برای تعرض بکار برده بود .

۳ - در آواخر ژوئن سال ۱۹۴۶ ارتش آزادیبخش توده ای دشتهای مرکزی ، بفرماندهی لی سیان نیان ، جن وی سان و سایر رفقا که در محاصره ۳۰۰۰۰۰ سرباز گومیندان افتاده بود ، بابتکار خود به انتقال استراتژیک دست زد و پیروزمندانه از محاصره دشمن در آمد . واحد هائی که رفیق مائوتسه دون نام برده و میگوید که بمناطق آزاد شده قدیم وارد شده اند ، واحد های تحت فرماندهی وان جن و سایر رفقا بودند که پس از درهم شکستن محاصره دشمن به ناحیه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا وارد شده بودند . منظور از پایگاه پارتیزانی جنوب شنسی پایگاهی است که بوسیله بخشی از نیرو هی عمده ارتش آزادیبخش توده ای دشتهای مرکزی برپا شد . پایگاه مذکور شامل میشد بر لوشی ، چوان در غرب حه نان ، و لوه نان و شان یان در جنوب شنسی . منظور از پایگاه پاتیزانی در مغرب حوبه پایگاهی است که بوسیله بخشی دیگر از همین ارتش برپا شده و مرکزش کوه اودان در شمال غربی حوبه بود .

۴ - اشاره است به « رهنمود در باره مسئله ارضی » که در ۴ مه ۱۹۴۶ از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست چین صادر شد . کمیته مرکزی پس از تسلیم ژاپن با توجه به خواست مبرم دهقانان در بدست آوردن زمین ، تصمیم گرفت که آن سیاست ارضی را که در زمان جنگ مقاومت تدوین کرده بود ، عوض کند یعنی بجای سیاست تقلیل بهره مالکانه و تقلیل ربح ، سیاست مصادره اراضی مالکان ارضی و تقسیم آنها را بین دهقانان در پیش گیرد . « رهنمود ۴ مه » نشان این تغییر بود .

۵ - اشاره است به مالیات ارضی که بصورت غلات وصول میشد .

درود بر اعتلاء نوین انقلاب چین

(۱ فوریه ۱۹۴۷)

۱ - اکنون کلیه احوال نشان میدهد که وضعیت چین به مرحله نوین تکامل خویش میرسد . این مرحله نوین مرحله ای خواهد بود که در آن مبارزه ضد امپریالیستی و ضد فئودالی بمقیاس ملی به یک انقلاب بزرگ توده ای نوین رشد و تکامل مییابد . ما در استانه این انقلابیم . وظیفه حزب ما عبارتست از تسریع اعتلاء انقلاب و پیروزی آن .

۲ - از هم اکنون وضعیت جنگی در جهت مساعد خلق تحول مییابد . ما در عرض ۷ ماه نبرد ، از ژوئیه گذاشته تا ژانویه امسال ، ۵۶ تیپ از نیرو های منظم چانکایشک را که بمناطق آزاد شده هجوم آورده بودند ، یعنی ماهیانه بطور متوسط ۸ تیپ را نابود ساخته ایم ، و این غیر از تعداد فراوانی از سپاهیان پوشالی و گارد امنیت عمومی است که نابود شده اند و غیر از سایر نیروهای منظم چانکایشک است که هزیمت یافته اند . تعرض چانکایشک در شان دون جنوبی و غربی ، در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا ، در طول بخش شمالی راه آهن بی پین - هان کو و در منچوری جنوبی ادامه ولی نسبت به پائیز گذشته خیلی ضعیف تر شده است . چانکایشک باندازه کافی سرباز در اختیار ندارد و نمیتواند تعداد نفرات خود را بحدی که در سربازگیری پیش بینی کرده است برساند . و این امر خطوط دراز جبهه های او و تلفات عظیمش در تضاد جدی است . روحیه ارتش او هر روز بیشتر پائین میآید . روحیه بسیاری از واحد هایش در طی نبرد های جدید در جیان سوی شمالی ، شان دو جنوبی و غربی ، بسطح بسیار نازلی تنزل کرد . در چندین جبهه ، ارتشهای ما در حال بدست گرفتن ابتکار و ارتشهای چانکایشک در حال از دست دادن آن اند . میتوان پیش بینی کرد که ما در عرض چند ماه آینده خواهیم توانست به هدف

رهنمود برای حزب که بوسیله رفیق مانوتسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم

شده است .

خویش نائل آئیم یعنی با حساب تیپ هائی که تا کنون نابود ساخته ایم ، مجموعاً ۱۰۰ تیپ چانکایشک را نابود سازیم . چانکایشک مجموعاً ۹۳ لشگر (سپاه) منظم پیاده و سواره دارد که مرکب است از ۲۴۸ تیپ (لشگر) و رویهمرفته ۱۹۱۶۰۰۰ نفر میشود . و این غیر از سپاهیان پوشالی ، پلیس ، گارد های محلی امنیت عمومی ، واحد های پلیس ارتباطات ، دوائر کارپردازی و واحدهای فنی است . نیروهائی که در حمله بر مناطق آزاد شده بکار افتاده اند ۷۸ لشگر (سپاه) اند مرکب از ۲۱۸ تیپ (لشگر) و مجموعاً ۱۷۱۳۰۰۰ تن یعنی تقریباً ۹۰ در صد سپاهیان منظم چانکایشک . در آن مناطق پشت جبهه که تحت نظارت چانکایشک میباشد بیش از ۱۵ لشگر باقی نیست که مرکب است از ۳۰ تیپ یعنی ۲۰۳۰۰۰ نفر و تقریباً ۱۰ در صد سپاهیان منظم چانکایشک است . پس چانکایشک دیگر نمیتواند واحد های مهمی که نبرد آزمائی شایسته ای داشته باشند از پشت جبهه برای حمله بر مناطق آزاد شده بیآورد . از ۲۱۸ تیبی که در حمله بر مناطق آزاد شده بکار افتاده اند بیش از یک چهارم نابود شده است . اگر چه بعضی از تیپ ها نفرات خود را تکمیل کرده و پس از نابود شدن بهمان نام نخستین احیا شده اند ولی نبرد آزمائیشان بسیار کم است . بعضی دیگر پس از تکمیل شدن دوباره نابود شده اند ، و بعضی دیگر حتی بتکمیل نفرات خویش نائل نیآمده اند . هرگاه ارتشهای ما بتوانند در طی چند ماه آینده باز هم ۴۰ تا ۵۰ تیپ را نابود سازند و باین طریق با حساب آنچه تاکنون نابود شده است مجموعاً ۱۰۰ تیپ نابود شود تغییر مهمی در وضعیت جنگی روی خواهد داد .

۳ - در عین حال جنبش توده ای عظیمی در مناطق چانکایشک در گسترش است . شورشهای توده ای در شانگهای که در اثر آنکه گومیندان دستفروشان را مورد تعقیب و آزار قرار داد از ۳۰ نوامبر سال گذشته آغاز شده است (۱) و جنبش دانشجویان بی پین که از ۳۰ دسامبر همانسال در اثر آنکه دختر دانشجوی چینی بوسیله سربازان آمریکائی هتک عصمت شد برپا گشته است (۲) نشانه اوج جدید مبارزات توده ای در مناطق تحت نظارت چانکایشک است . جنبش دانشجویان که در بی پین آغاز شد بسایر شهر های بزرگ کشور سرایت کرده است و صد ها هزار نفر در آن شرکت جسته اند . جنبش مذکور از حیث دامنه خود از جنبش دانشجویان که در ۹ دسامبر بر علیه امپریالیسم ژاپن برپا گردید (۳) در گذشته است .

۴ - پیروزیهای ارتش آزادیبخش توده ای در مناطق آزاد شده و گسترش جنبش توده ای در مناطق چانکایشک نوید میدهد که بدون شک انقلاب بزرگ توده ای نوین چین بر ضد امپریالیسم و ضد فئودالی نزدیک است ، انقلابیکه میتواند پیروز شود .

۵ - این وضعیت در حالی روی می‌دهد که امپریالیسم آمریکا و چاکر او چانکایشک بجای امپریالیست ژاپن و چاکر او وان جین وی نشسته سیاستی اتخاذ کرده اند که هدفش عبارتست از تبدیل چین به مستعمره آمریکا، برانگیختن جنگ داخلی و تقویت دیکتاتوری فاشیستی. در برابر چنین سیاست ارتجاعی امپریالیسم آمریکا و چانکایشک، خلق چین چاره دیگری جز مبارزه نداشت. هنوز هم در دوره کنونی مبارزه در راه استقلال، صلح و دموکراسی خواست اساسی خلق چین است. از همان آوریل ۱۹۴۵ هفتمین کنگره حزب ما که این سیاست ارتجاعی امپریالیسم آمریکا و چانکایشک را پیش بینی میکرد مشی سیاسی همه جانبه و کاملاً درستی برای غلبه بر آن تنظیم نمود.

۸ - این سیاست ارتجاعی امپریالیسم آمریکا و چانکایشک کلیه قشر های توده ای چین را واداشته است که بخاطر نجات خویش با یکدیگر متحد شوند. این قشر ها عبارتند از کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی شهری، بورژوازی ملی، متنفذین روشنبین، سایر میهن پرستان، اقلیتهای ملی و چینیان ماوراء بحار. این جبهه ای است متحد و بسیار وسیع که تمام ملت را دربر میگیرد. این جبهه نه فقط باندازه جبهه متحد دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی وسیع است بلکه پایه هائی عمیق تر از آن دارد. همه رفقای حزبی باید برای تحکیم و توسعه این جبهه مبارزه کنند. در مناطق آزاد شده در عین حال که سیاست "سیستم سه ثلث" (۴) باید محفوظ بماند. ما باید مانند گذشته علاوه بر کمونیستها عناصر مترقی خارج از حزب و عناصر وسط (مانند متنفذین روشنبین) را که بسیار آن در ارگانهای قدرت و سازمانهای اجتماعی شرکت دهیم. در مناطق آزاد شده کلیه افراد صرفنظر از تفاوت طبقاتی، جنسی و معتقدات مذهبی حق دارند انتخاب کنند و انتخاب شوند، بااستثنای خائنان و مرتجعان که بر ضد منافع خلق موضع گرفته و در معرض کینه تسکین ناپذیر وی قرار گرفته اند. پس از آنکه سیستم "زمین از آن کشتکار است" کاملاً اجرا گردید حق مالکیت خصوصی مانند گذشته برای خلق در مناطق آزاد شده تضمین خواهد شد.

۷ - از آنجا که دولت چانکایشک مدتهاست که سیاست مالی و اقتصادی ارتجاعی اجرا میکند، و از آنجا که سرمایه بوروکراتیک کمپرادور چانکایشک بموجب قرارداد رسوای بارزگانی چین و آمریکا (۵) که قرارداد خیانت ملی است با سرمایه امپریالیستی آمریکا درهم آمیخته تورم خطرناکی بسرعت توسعه مییابد. صنعت و تجارت. بورژوازی ملی چین روز بروز بیشتر ورشکسته میشود؛ وضعیت توده های زحمتکش، کارمندان و معلمان روز بروز بدتر میشود؛ بسیاری از عناصر طبقات متوسط شاهد آند که ذخائرشان رو بتحلیل میروود و تمام دارائی خویش را از دست

میدهند؛ و از اینجهت اعتصابات کارگران و دانشجویان و مبارزات دیگر پشت سرهم وقوع مییابد و بحرانی اقتصادی که وخامت آن در چین بی سابقه است همه قشر های مردم را تهدید میکند. چانکایشک برای اینکه بتواند جنگ داخلی را ادامه دهد دوباره سیستم بسیار مضر سربازگیری و جمع غله را که در دوره جنگ مقاومت معمولی بود برقرار ساخته و زندگی توده عظیم روستائیان و بویژه دهقانان بی برگ و نوا غیر ممکن گردیده است. از اینجهت شورشهای توده ای از هم اکنون آغاز شده و در حال گسترش است. بنابر این دارودسته حاکم ارتجاعی چانکایشک هر روز بیشتر از نزد توده های وسیع خلق بی اعتبار خواهد شد و با بحران های وخیم سیاسی و نظامی درگیر خواهد بود. وضعیت موجود از یکطرف جنبش توده ای ضد امپریالیستی و ضد فئودالی را در مناطق تحت نظارت چانکایشک هر زور بیشتری میدهد و از طرف دیگر روحیه سپاهیان چانکایشک را هر روز خرابتر میکند و امکانات پیروزی ارتش آزادیبخش توده ای را افزایش میدهد.

۸ - مجلس ملی غیر قانونی که عامل تفرقه است و چانکایشک بمنظور منفرد ساختن حزب ما و سایر نیروهای دموکراتیک دعوت کرد،. همچنین آن باصطلاح قانون اساسی که مجلس مذکور ساخته و پرداخته است هیچ اعتباری در نزد خلق ندارد. آن مجلس و این قانون اساسی بجای آنکه موجب منفرد شدن حزب ما و سایر نیروهای دموکراتیک گردند، باعث منفرد شدن خود دارودسته حاکم چانکایشک گردیدند. حزب ما و سایر نیروهای دموکراتیک از شرکت در باصطلاح مجلس ملی خودداری ورزیدند، و این سیاست کاملاً صحیحی بود. دارودسته حاکم مرتجع چانکایشک حزب جوانان (۶) و حزب دموکرات سوسیالیست (۷) یعنی دو حزب کوچکی را که هیچگاه کمترین وزنه ای در کشور نداشته اند و همچنین برخی از "شخصیتهای سرشناس" (۸) را بخود جلب کرده است و میتوان پیش بینی کرد که عده ای دیگر از عناصر میانه حال هم بارتجاع خواهند پیوست. دلیلش اینست که نیروهای دموکراتیک چین روز بروز افزایش مییابد و حال آنکه نیروهای ارتجاعی روز بروز منفرد تر میشوند، و این امر ایجاب میکند که خط تمایز میان ما و دشمن ما با چنین روشنی ترسیم شود. همه عناصری که بمنظور فریب خلق در جبهه دموکراتیک پنهان شده اند سرانجام چهره حقیقی خود را نشان خواهند داد و از طرف خلق رانده خواهند شد و صفوف ضد امپریالیستی و ضد فئودالی توده ها در اثر اینکه بین خود و این مرتجعان نقابدار خط تمایز روشنی ترسیم کرده اند باز هم بیشتر گسترش خواهند یافت.

۹ - تحول وضعیت بین المللی برای مبارزه خلق چین بسیار مناسب است . نیروی روزافزون اتحاد شوروی و کامیابیهای سیاست خارجیش ، گرایش خلقهای جهان باینکه روز بروز بیشتر به سمت چپ روی آورند و اعتلاء مداوم مبارزات آنها برعلیه نیروهای ارتجاعی داخلی و خارجی ، دو عامل بزرگ است که امپریالیسم آمریکا و چاکرائش را در کشور های مختلف به انفراد روز بروز کاملتر کشانیده و باز هم خواهد کشانید . اگر عامل بحران اقتصادی را که ناگزیر در آمریکا پیش خواهد آمد براین بیفزائیم دیده میشود که امپریالیسم آمریکا و چاکرائش اجباراً به وضعیتی بازهم و خیمتر دچار خواهد آمد . قدرت امپریالیسم آمریکا و چاکر او چانکایشک فقط موقت است . تعرضهای آنها در هم شکستنی است . این افسانه که تعرضهای مرتجعان را نمیتوان درهم شکست نباید هیچ اعتباری در صفوف ما داشته باشد . کمیته مرکزی چندین بار در این مورد تأکید کرده است و تحول وضعیت بین المللی و داخلی هر روز با روشنی بیشتر صحت این نظریه را تأیید میکند .

۱۰ - چانکایشک بمنظور آنکه فرصت لازم برای تکمیل سپاهیان خویش بدست آورد و تعرض تازه ای برانگیزد ، بمنظور آنکه از آمریکا وامهای دیگر و تجهیزات دیگر بگیرد و بمنظور آنکه خشم خلق را تسکین بخشد بحیله جدید مبادرت جسته خواستار از سرگرفتن باصطلاح مذاکرات صلح با حزب ما شده است (۹) سیاست حزب ما در این " مذاکرات " نیست بلکه استفاده از این فرصت است برای افشاء حیل چانکایشک .

۱۱ - ما برای درهم شکستن کامل تعرض چانکایشک باید در عرض چند ماه آینده بازهم ۴۰ تا ۵۰ تیب او را نابود سازیم . این جاست کلید حل همه مسائل . ما برای نیل باین هدف باید رهنمود کمیته مرکزی مورخ ۱ اکتبر سال گذشته را که مربوط به ترازنامه سه ماه است و رهنمود کمیسیون نظامی مورخ ۱۶ سپتامبر همان سال را که مربوط به تمرکز نیروها برای نابود ساختن یکایک نیروهای دشمن است کاملاً بموقع اجرا بگذاریم . در اینجا توجه رفقا را در کلیه مناطق بار دیگر بنکات زیرین جلب میکنیم :

الف - مسئله نظامی . ارتش ما در طی نبرد های سختی که در هفت ماه اخیر در گرفت ثابت کرد که بخوبی میتواند تعرض چانکایشک را درهم بشکند و به پیروزی نهائی برسد . ارتش ما هم ساز و برگ خود را و هم تاکتیک خود را بهبود بخشیده است . از این ببعد وظیفه مرکزی ما در ساختمان ارتش عبارتست از اینکه واحد های توپخانه و مهندسی را با کلیه وسائل خود تقویت کنیم . کلیه مناطق نظامی ، چه بزرگ و چه کوچک ، . کلید ارتشهای صحرائی باید مسائل مشخصی را که مربوط به

تقویت واحد های توپخانه و مهندسی است و در درجه اول دو مسئله آموزش کادر ها و تولید مهمات را حل کنند .

ب - مسئله ارضی و تقریباً در دو سوم سرزمین هر منطقه آزاد شده ، رهنمود کمیته مرکزی مورخ ۴ مه ۱۹۴۶ (۱۰) بموقع اجرا در آمده ، مسئله ارضی حل شده و سیاست " زمین از آن کشتکار است " عملی گردیده است . این پیروزی بزرگی است . معذک بر تقریباً یک سوم سرزمین ها باقی است که باید کوشش را برای بسیج کامل توده ها و عملی ساختن سیاست " زمین از آن کشتکار است " در آنجا بکار برد . در بعضی جا ها که این سیاست عملی گردیده هنوز نقایصی در کار است ، مسئله عمیقاً حل نشده است . و علت عمده اش اینست که توده ها خوب بسیج نشده اند . بالنتیجه مصادره و تقسیم زمین از ریشه صورت نگرفته و این امر موجب ناخشنودی توده ها گردیده است . در چنین جاهائی ما باید برسیدگی دقیق دست بزنیم و تعادل برقرار سازیم (۱۱) تا دهقانانی که زمین ندارند و یا کم زمین دارند زمین بگیرند و همه اشرف زیانکار و ستمکاران محلی کیفر ببینند . ما باید در تمام مدتی که سیاست " زمین از آن کشتکار است " در حالت اجرا است با دهقانان میانه حال مصممانه متحد شویم ؛ بهیچوجه قابل قبول نیست که منافع دهقانان میانه حال (و از آنجمله دهقانان میانه حال مرفه) پایمال گردد . اگر منافع دهقانان میانه حال لطمه دیده است باید جبران کرد و از آنها پوزش خواست . بعلاوه در طی اصلاحات ارضی و بعد از آن باید با در نظر داشتن « رهنمود ۴ مه » بطور کلی به وضع دهقانان مرفه و بوضع مالکان متوسط و کوچک ارضی ، در حدودی که توده ها رضایت بدهند ، توجه مناسب معطوف داشت . بطور خلاصه ما باید در طی جنبش اصلاح ارضی را تأیید میکنند متحد شویم و تعدادی اندک فئودالهای مرتجع را که با آن مخالف اند منفرد گردانیم بطوریکه بتوانیم سیاست " زمین از آن کشتکار است " را سرعت عملی سازیم .

ج - مسئله تولید . در کلیه مناطق باید همه چیز را برای مدت متمادی پیش بینی کرد و باید مجدانه بتولید پرداخت ، صرفه جوئی اکید بکار برد و بر اساس دو امر ضروری که یکی بسط تولید و دیگری مراعات صرفه جوئی است راه حل صحیحی برای مسئله مالی یافت . در اینجا اصل اول عبارتست از بسط تولید و تأمین نیازمندیها ، پس باید با این نظریه اشتباه آمیز مبارزه کرد که فقط بر امور مالی و بازرگانی تکیه میکند و تولید کشاورزی و صنعتی را از دیده فرو میگذارد . اصل دوم عبارتست از توجه به نیازمندیهای ارتش و مردم ، به منافع عمومی و فردی . پس باید با این نظریه اشتباه آمیز مبارزه کرد که فقط بیک طرف توجه دارد و طرف دیگر را از دیده فرو میگذارد . اصل سوم عبارتست از تمرکز رهبری در عین عدم تمرکز

مدیریت. پس جز در جایی که مستلزم مدیریت متمرکز است باید با این نظریه اشتباه آمیز مبارزه کرد که می‌خواهد همه چیز را بدون محاسبه اوضاع و احوال متمرکز گرداند. و جرأت ندارد به مدیریت غیر متمرکز میدان بدهد.

۱۲ - حزب ما و خلق چین همه اسباب پیروزی را در دست دارند. در این هیچ تردیدی نیست. ولی بآن معنا نیست که دیگر دشواری‌هایی در جلو ما نخواهد بود. مبارزه چین بر ضد امپریالیست و فئودالیسم مبارزه ای طولانی است، مرتجعان چینی و بیگانه با تمام نیرو خود به مخالفت با خلق چین ادامه خواهند داد، سلطه رژیم فاشیستی در مناطق تحت نظارت چانکایسک باز هم شدیدتر خواهد گشت، موقتاً برخی از سرزمینهای مناطق آزاد شده در اشغال دشمن خواهد افتاد و یا عرصه جنگهای پاتیزانی خواهد شد، ممکن است که در بخشی از نیروی انقلابی موقتاً تلفاتی وارد شود و البته ما در طی جنگ طولانی ضایعات انسانی و مادی خواهیم داشت. همه رفقای حزبی باید اینها را خوب بحساب بیاورند و آماده باشند که با اراده استوار منظمأ بر همه دشواریها فائق آیند. نیروهای ارتجاعی مشکلاتی دارند و ما هم مشکلاتی داریم. اما مشکلات نیروهای ارتجاعی غلبه پذیر نیست زیرا که آنها راهسپار نیستی اند و هیچ دورنمای آینده ای ندارند. مشکلات ما غلبه پذیر است زیرا که ما نیروهای جوان و روینده هستیم و آینده درخشانی از آن ماست.

یادداشتها

۱ - مقالات گومیندان در شانگهای از اوت ۱۹۴۶ کار. کسب دستفروشان محله حوان پو و لائو جا را غدنغ کردند. در دهه آخر نوامبر قریب هزار تن از دستفروشان که بکسب خویش ادامه داده بودند دستگیر شدند. در ۳۹ نوامبر سه هزار دستفروش بنمایش پرداختند و کلاتری محله حوان پو را بمحاصره در آوردند. مقامات گومیندان دستور تیراندازی دادند. ۷ تن از نمایش دهندگان بقتل رسیدند بسیاری دیگر زخمی و یا دستگیر شدند. روز اول دسامبر دستفروشان به مبارزه ادامه دادند. باآنکه ده نفر دیگر بقتل رسیدند. بیش از صد نفر زخمی شدند تعداد شرکت کنندگان به بیش از پنج هزار بالغ گردید. کلیه مغازه های شانگهای برای آنکه علاقه خویش را بدستفروشان نشان بدهند تخته کردند. باین ترتیب حادثه مذکور بصورت جنبش توده ای ضد چانکایسک در آمد، جنبشی که در سراسر شهر گسترش یافت.

۲ - این حادثه در ۲۴ دسامبر ۱۹۴۶ در بی پین روی داد. یک دوشیزه دانشجو دانشگاه پکن بوسیله سربازان آمریکائی هتک عصمت شد و در اثر آن در چندین ده شهر بزرگ و متوسط مناطق تحت نظارت چانکایسک دانشجویان از ۳۰ دسامبر و در تمام طول ژانویه ۱۹۴۷ به برپا کردن اعتصابات و

نمایشهای ضد آمریکا و ضد چانکایسک دست زدند و خروج ارتشهای آمریکا را از چین خواستار شدند .
 بیش از نیم میلیون دانشجو در این جنبش شرکت جستند .
 ۳ - اشاره است به جنبش میهن پرستانه دانشجویان که در ۹ دسامبر ۱۹۳۵ در بی پین روی داد .
 برای توضیح بیشتر مراجعه شود به « در باره تاکتیک های مبارزه علیه امپریالیسم ژاپن » ، یادداشت ۸ ،
 «منتخب آثار مائوتسه دون » ، جلد اول .

۴ - " سیستم سه ثلث " مظهر سیاست جبهه متحد در تشکیل ارگانهای قدرت در مناطق آزاد شده در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی بود ، سیاستی که حزب کمونیست چین دنبال میکرد . بموجب سیاست مذکور ارگانهای قدرت دموکراتیک ضد ژاپنی تشکیل میشد از اعضاء حزب کمونیست ، از مترقیان چپ و از عناصر وسط و غیره ، تقریباً بنسبت یک سوم از هر کدام .

۵ - « قرارداد بارزگانی چین و آمریکا » یعنی « قرارداد دوستی ، بازرگانی و دریانوردی چین و آمریکا » در ۴ نوامبر ۱۹۴۶ در نانکی بین دولت چانکایسک و دولت آمریکا منعقد شد . این قرارداد که قسمت بزرگی از حاکمیت چین را بآمریکا تفویض میکرد شامل سی ماده بود که مضمون عمده اش چنین است :

(۱) - اتباع آمریکا در " سراسر سرزمین " چین از حق اقامت ، مسافرت ، پرداختن بکار بازرگانی ، تولید و بعمل آوردن محصولات ، اشتغال بعلوم ، آموزش و پرورش ، مذهب ، و امور خیریه بهره منداند و همچنین حق دارند به تفحص منابع معدنی و بهره برداری از آنها مشغول شوند ، زمین اجاره کنند ، مالک زمین شوند و به سایر حرف و مشاغل دست برنند . اتباع آمریکا از لحاظ اقتصادی همان حقوقی را خواهند داشت که چینیها دارند .

(۲) محصولات آمریکائی در چین در زمینه مالیات و عوارضی ، فروش ، توزیع و مصرف ار شرایطی خواهند کرد که لا اقل باندازه شرایطی که برای محصولات کشوری دیگر و یا برای محصولات چینی معین شده است مساعد باشد . " هیچ ممنوعیت و هیچ محدودیتی " از طرف چین بر گیاهان کاشتی ، بر محصولات و مواد ساخته شده که از آمریکا وارد شود و یا بر محصولات و مواد چینی که بآمریکا صادر شود " برقرار نخواهد گشت " .

(۳) - کشتیهای آمریکائی آزاد خواهند بود که به کلیه بنادر ، نقاط و آبهای داخلی چین که بروی دریانوردی و بازرگانی خارجی باز است وارد شوند . سرنشینان و محصولات این کشتیها از آزادی ترانزیت در خاک چین " از مناسبترین راه ها " برخوردار خواهند بود . کشتیهای آمریکائی و از آنجمله کشتیهای جنگی میتوانند به بهانه " اولین علامت خطر " " بهریک از بنادر ، نقاط و آبهای داخلی " چین " که بروی دریانوردی و بازرگانی خارجی باز نیست " وارد شوند .

گووی جیون که در آنموقع سفیر دولت چانگایشک در آمریکا بود با بیشرمی علنی گفت این قرار داد بمعنای " گشودن همه سرزمین چین بر روی بارزگانان آمریکا " است .

۶ - مراجعه شود به « تحلیل طبقات جامعه چین » یادداشت ۱ ، « منتخب آثار مائوتسه دون » جلد اول .

۷ - حزب دموکرات سوسیالیست در اوت ۱۹۴۶ از آمیزش " حزب مشروطه خواه دموکرات " و " حزب ناسیونال سوسیالیست " بوجود آمد . این حزب بطور عمده از ساستمداران ارتجاعی و فرومایه ترین افراد محافل فنودالی دوره دیکتاتورهای نظامی شمال تشکیل میشد .

۸ - اشاره است به سیاستمداران بی وجدانی نظیر وان یون او ، قوسی نیان و هو جن جی که خود را بعنوان شخصیتهای ناوابسته باحزاب جامیزدند و در واقع آرایشگر " مجلس ملی " ساخته و پرداخته چانکایشک بودند .

۹ - در ۱۶ ژانویه ۱۹۴۷ دولت گومیندان در اثر شکستهای پی در پی تعرضهای نظامی و خرابتر شدن مداوم وضعیت نظامیش بوسیله سفیر آمریکا در چین جان لیتون استوارت ، از حزب کمونیست چین اجازه خواست که نمایندگان خود را به ین ان برای " مذاکرات صلح " بفرستد و منظورش این بود که فرصتی برای تدارک تعرض جدید بدست آورد . این حیلہ جدی آمریکا و چانکایشک بیدرنگ بوسیله حزب کمونیست چین کاملاً افشا شد . حزب کمونیست چین اعلام داشت که مذاکرات را نمیتوان از سرگرفت مگر آنکه لاقبل دو شرط تحقق پذیرد : (۱) الغاء باصطلاح قانون اساسی که با نقض تصمیمات کنفرانس مشورتی سیاسی بوسیله چانکایشک ساخته و پرداخته شده است ؛ (۲) تخلیه همه سرزمینهای مناطق آزاد شده که سپاهیان گومیندان پس از آنکه موفقیت نامه متارکه ۱۳ ژانویه ۱۹۴۶ قوت قانونی یافته است تسخیر کرده اند . در غیر این صورت نمیتوان تضمین کرد که گومیندان موافقتنامه ای را که در اثر " مذاکرات " جدید منعقد شود دوباره از هم نخواهد درید . وقتیکه دولت گومیندان دریافت که حیلہ " صلح " وی در نمیگیرد در روزهای ۲۷ و ۲۸ فوریه به کلیه نمایندگان حزب کمونیست چین که در نانکن ، شانگهای و چون چینگ برای مذاکره و برقراری ارتباط اقامت داشتند دستور داد آنجا را ترک کنند . قطع شدن نهائی مذاکرات میان گومیندان و حزب کمونیست چین را اعلام داشت .

۱۰ - اشاره است به « رهنمود در باره مسئله ارضی » صادر از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مورخ ۴ مه ۱۹۴۶ . مراجعه شود به « ترازنامه سه ماهه » یادداشت ۴ مه ، جلد حاضر .

۱۱ - " برقراری تعادل " در مناطق آزاد شده قدیم که اصلاح ارضی نسبتاً کاملی در آنجا ها اجرا شده بود بعنوان یک اقدام سیاسی عملی گردید . هدفش عبارت بود از حل مسئله کمبود ارضی و سایر افزارهای تولید که بعضی از دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی بدان دچار بودند و همچنین سایر مسایلی که در موقع اصلاح ارضی معلق مانده بود . باین طریق که

بوضع زمین و سایر افزارهای تولید در چارچوب نسبتاً محدودی تجدید نظر میشد تا ترتیب منطقی تری داده شود؛ از کسانی که بهترش را داشتند میگرفتند و بکسانی میدادند که بآن خوبی نداشتند؛ ار کسانی که زیاد داشتند میگرفتند و بکسانی میدادند که کم داشتند.

در باره ترک موقت ین ان و دفاع از منطقه

مرزی شنسی - گان سو نین سیا

- دو سند از کمیته مرکزی

حزب کمونیست چین

(نوامبر ۱۹۴۶ و آوریل ۱۹۴۷)

۱ - رهنمود ۱۸ نوامبر ۱۹۴۶

چانکایشک در بن بست افتاده است . او از دور راه میخواید بر حزب ما ضربه بزند و خود را تقویت کند : از راه دعوت " مجلس ملی " و از راه حمله بر ین ان . ولی در واقع به نتیجه معکوس خواهد رسید . خلق با آن " مجلس ملی " که سراپا ساخته و پرداخته چانکایشک میباشد و هدفش تجزیه ملت است قطعاً مخالف است . روز افتتاح این مجلس آغاز انهدام دارو دسته چانکایشک است . اینک که ما ۳۵ تیپ (۱) از سپاهیان چانکایشک را نابود ساخته ایم و قدرت تعرضی آنها رو به زوال است اگر هم ین ان را با حمله ناگهانی بتصرف در آوردند این امر بهیچوجه دورنمای کلی پیروزی در جنگ آزادیبخش توده ای را نیره نمیسازد و چانکایشک را از فرجامی که در انتظار اوست رهائی نخواهد بخشید . خلاصه چانکایشک در طریق هلاک رهسپار

این دو سند را رفیق مائوتسه دون تهیه کرده است . سند نخستین در ین ان در زمستان ۱۹۴۶ ، در هنگامی که سپاهیان گومیندان برای حمله بر ین ان آماده میشدند ، نوشته شده است ، سند دوم در چینگ یان چا ، در شهرستان حن شان ، درشنسی شمالی ، بیست روز پس از اشغال ین ان بدست سپاهیان گومیندان که در ۱۹ مارس ۱۹۴۷ صورت گرفت . چانکایشک پس از آنکه نقشه تعرض عمومی وی بر مناطق آزاد شده با شکست روبرو شد بمنظور نجات رژیم محتضر خویش با اقدامات جنون آمیز دست زده باصطلاح مجلس ملی را دعوت کرد ، نمایندگان حزب کمونیست چین را از مناطق گومیندان راند ، و به حمله بر ین ان ، جایگاه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مبادرت ورزید . همانطور که در

است ؛ همه فریبکاری او از روی این بازی دوگانه آشکار میشود : دعوت " مجلس ملی " و حمله برین آن ، و این امر به پیشرفت جنگ آزادیبخش توده ای کمک خواهد کرد . ما باید در هر منطقه بمردم ، اعم از عضو حزب و غیر آن ، این دو اقدام چانکایشک را بخوبی توضیح دهیم : دعوت " مجلس ملی " و حمله برین آن ، و باید همه حزب ، همه ارتش و همه خلق را در مبارزه برای درهم شکستن تعرض چانکایشک و برای ساختمان چین دموکراتیک متحد سازیم .

۲ - بخشنامه ۹ آوریل ۱۹۴۷

گومیندان بمنظور نجات رژیم محتضر خویش نه فقط باصطلاح خود مجلس ملی دعوت کرده ، نه فقط چیزی بنام قانون اساسی ساخته و پرداخته ، هیئتهای

این اسناد پیش بینی شده است اقدامات چانکایشک به اضمحلال خود او در عرصه سیاسی منجر گردید . در عرصه نظامی ، چانکایشک در صد بر آمد به " حملات متمرکز " دست بزند و نیروهای خویش را در جناحهای شرقی و غربی مناطق آزاد شده یعنی منطقه آزاد شده شان دون و منطقه آزاد شده شنسی - گان سو نین سیا گرد آورد . در آنجا نیز شکست کامل نصیب وی شد . سپاهیان گومیندان که بر منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا حمله می آوردند بیش از ۲۳۰۰۰۰ تن بودند و حال آنکه شماره ارتش آزادیبخش توده ای شمال غربی در این منطقه فقط اندکی از ۲۰۰۰۰ تجاوز میکرد . از اینجهت نیروهای دشمن توانستند بین آن و کلیه مراکز شهرستان های این منطقه را که ما بابتکار خویش ترک میکردیم بتصرف در آوردند . مذک دشمن که میخواست دستگاههای مرکزی حزب کمونیست چین و ارتش آزادیبخش توده ای شمال غربی را نابود سازد و یا آنها را به گذار به مشرق رودخانه زرد مجبور گرداند بهدف خود نائل نیامد ، برعکس ، ارتش ما بارها ضربات سخت بر وی وارد آورد ؛ دشمن تقریباً ۱۰۰۰۰۰ نفر از دست داد و سرانجام بحالت فلاکت باری از منطقه مرزی گریخت و حال آنکه ارتش ما برای آزادی سراسر شمال غربی پیروز مندانه به تعرض می پرداخت . بعلاوه ، ارتش ما در صحنه شمال غربی پیروز مندانه به تعرض می پرداخت . بعلاوه ، ارتش ما در صحنه شمال غربی با نیروهای اندک ، واحد های مهمی از نیروهای عمده دشمن را بسوی خویش جلب و آنها را نابود کرد و از این راه به سپاهیان ما که در سایر صحنه ها به پیکار مشغول بودند و بویژه به سپاهیان صحنه شان سی - حه به - شان دون - حه نان پشتیبانی نیرومند رسانید و یاری داد که زود تر به تعرض بپردازند . رفیق ماو تسه دون ، کمیته مرکزی حزب کمونیست چین و ستاد کل ارتش آزادیبخش توده ای ، از مارس ۱۹۴۷ که ارتش ما ازین ان بیرون رفت تا لحظه ای که یک سال بعد به تعرض در شمال غربی پرداختیم ، پیوسته دو منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا باقی ماندند . این امر اهمیت سیاسی

نمایندگی حزب ما را از ناکن، شانگهای و چون چینگ رانده و قطع پیوند میان گومیندان و حزب کمونیست چین را اعلام داشته است (۲) بلکه برین ان، جایگاه کمیته مرکزی حزب ما و ستاد کل ارتش آزادیبخش توده ای، و همچنین بر منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا حمله ور شده است.

اگر گومیندان باین اقدامات دست میزند بهیچوجه نشانه آن نیست که رژیمش نیرومند است بلکه نشانه آنست که بحران رژیمش بسیار عمیق شده است. حمله او برین ان و منطقه مرزی شنسی - گان سو نین سیا کوشش ناخردانه ای است که بآن وسیله میخواهد نخست مسئله شمال غربی را حل کند، بازوی راست حزب ما را ببرد، کمیته مرکزی حزب ما و ستاد کل ارتش آزادیبخش توده ای را از شمال غربی براند و سپس سپاهیان خود را به حمله بر چین شمالی بگمارد و از این طریق بمنظور خویش که نابود ساختن جز بجز نیروهای ماست نائل آید.

در چین احوالی کمیته مرکزی مقرر میدارد که:

۱ - ما باید به دفاع مصممانه و پیکارجویانه از منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا و مناطق آزاد شده شمال غربی و به گسترش آنها بپردازیم، و مسلماً میتوانیم باین هدف نائل آئیم.

۲ - کمیته مرکزی حزب ما و ستاد کل ارتش آزادیبخش توده ای باید در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا باقی بمانند. سرزمین این منطقه چنان است که دشمن بسختی میتواند بر آن گذر یابد، ما در آنجا پایگاههای خوبی در میان توده ها

عظیمی داشت و اراده نبرد و ایمان به پیروزی را در ارتش و خلق در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا و سایر مناطق آزاد شده کشور بر انگیخت و نیرو داد. رفیق مائوتسه دون هنگامی که در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سی بود نه فقط همچنان به رهبری جنگ آزادیبخش توده ای در کلیه جبهه های کشور میپرداخت بلکه شخصاً فرماندهی جبهه شمال غربی را نیز بر عهده داشت. بدین ترتیب هدفی که در سند حاضر عرضه شده است یعنی "دفاع مصممانه و پیکار جویانه از منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا و مناطق آزاد شده شمال غربی و گسترش آنها" موفقانه تحقق یافت. در مورد عملیات صحنه شمال غربی مراجعه شود به «رهنمود هائی برای عملیات در صحنه جنگ شمال غربی» و «در باره پیروزی بزرگ در شمال غربی و جنبش طراز نوین برای تربیت ایدئولوژیک در ارتش آزادیبخش»، جلد حاضر.

داریم ، در آنجا فضای وسیعی برای مانور وجود دارد و امنیت ما در آنجا کاملاً تضمین میشود .

۳- در عین حال بمنظور آسان ساختن کار خودمان یک کمیسیون کار در جنوب کمیته مرکزی تشکیل داده ایم و وظیفه اش اینست که به شان سی شمال غربی و با نقاط مناسب دیگر برود تا وظائفی را که کمیته مرکزی باو محول ساخته است بآنجام برساند .

این سه تصمیم که در ماه گذشته اتخاذ شده اکنون بموقع اجرا در آمده است . سند حاضر ، شما را در جریان میگذارد .

یادداشتها

۱- این آمار مربوط است با دوره بین آغاز ژوئیه و ۱۳ نوامبر ۱۹۴۹ .

۲- در ۲۷ و ۲۸ فوریه ۱۹۴۷ ، همه اعضای هیئتهای نمایندگی حزب کمونیست چین و کارکنان آن که بمنظور مذاکره و انجام وظائف ارتباط در نانکن ، شانگهای و چون چینگ بسر میبردند از طرف دولت گومیندان مجبور شدند که محللهای خویش را در مهلت معین ترک گویند . روز ۱۵ مارس کمیته اجرائی مرکزی گومیندان پلنوم سوم خویش را تشکیل داد و در آنجا چانکایشک قطع پیوند میان گومیندان و حزب کمونیست چین را اعلام داشته ، گفت که مصمم است جنگ را تا پایان دنبال کند .

رهنمود هائی برای عملیات در صحنه جنگ شمال غربی

(۱۵ آوریل ۱۹۴۷)

۱ - اینک دشمن بسیار خسته شده ولی هنوز کاملاً از تاب و توان نیفتاده است . دشمن در تأمین خوار بار با مشکلات قابل ملاحظه ای روبرو است و مشکلاتش فوق العاده زیاد نیست . اگر چه ارتش ما پس از نابود ساختن تیپ سی و یکم دشمن (۱) نیروی مهمی از دشمن را نابود نساخته است ، اما طی بیست روز اخیر توانسته است بهدفع خویش یعنی فرسودن شدید دشمن و کاستن شدید خواربار او نایل آید و باین طریق شرایط مساعدی برای ناتوان کردن دشمن ، قطع خواربار و نابودی نهائی او را فراهم آورد .

۲ - در حال حاضر ، دشمن علیرغم خستگی و کمبود خواربار اصل عملیاتش عبارت از اینستکه نیروهای عمده ما را به گذار بمشرق رود خانه زرد مجبور سازد و سپس سوی ده سی جی را به محاصره در آورد و نیروهای خود را برای " پاک کردن " سرزمین بچند ستون تقسیم کند . دشمن در ۳۱ مارس به چینگ جیان رسید ولی فوراً بسوی شمال پیش رفت ؛ مقصود دشمن این بود که گذارگاهی برای ما بگذارد . دشمن که بسوی مغرب یعنی وایائو بائو پیش میرفت ، میخواست که ما را بسوی ده و می جی براند . اینک که واحدهای ما را کشف کرده است ، بسوی جنوب و مغرب و ایائو بائو میچرخد و سپس دوباره بسوی این شهر کوچک باز خواهد گشت تا ما را بسوی شمال براند .

۳ - اصل عملیات ما عبارتست از ادامه اجرای شیوه ای که تا کنون بکار برده ایم ، باین معنی که دشمن را باز تامدتی (قریب یک ماه) در همان منطقه ای که هست ، به حرکت واداریم تا او را از خستگی خورد کنیم ، او را گرفتار قحطی گردانیم و سپس

تلگرافی است که از طرف رفیق مائوتسه دون به ارتش صحرائی شمال غربی مخابره شده است . ارتش در آنموقع مرکب بود از ارتش آزادبخش توده ای مناطق آزاد شده شنسی - کان سو - نین سیا و شان سی - سوی یوان تحت فرماندهی گون ده هوای ، حه لون ، سی جون سیوت و سایر رفقا .

منتظر فرصت باشیم تا او را نابود کنیم . لازم نیست که نیروهای عمده ما برای حمله به ئی لین بسوی شمال و یا برای قطع مسیر عقب نشینی دشمن بسوی جنوب بشتابند . باید برای فرماندهان و رزمندگان و همچنین برای توده های مردم روشن ساخت که شیوه ای که ارتش ما برگزیده ، یگانه راهی است که بشکست نهائی دشمن میانجامد . بدون آنکه دشمن را از خستگی خورد کنیم و بدون آنکه او را کاملاً گرسنه گردانیم ، نمیتوانیم به پیروزی نهائی نایل آئیم . این شیوه را میتوان تاکتیک " فرسودن " نامید یعنی دشمن را چنان خسته میکنیم که از رمق بیفتد و آنگاه او را نابود میکنیم .

۴ - چون شما اینک در مناطق شرقی و شمالی و ابائو مستقرید ، بهتر اینستکه دشمن را بسوی ناحیه شمال این شهر کوچک جلب کنید زیرا آنگاه میتوانید بر قسمت ضعیف نیروهای لیائو ان (۲) حمله ور شوید و دشمن را بسوی مشرق جلب کنید و سپس خود بسمت ان سای بیچید و دشمن را دوباره بسوی مغرب جلب کنید .

۵ - ولی شما باید در عرض چند روز به تیپ ۳۵۹ (در ترکیب کامل خودش) دستور دهید که آمادگی خود را برای تعرض غافلگیرانه بجنوب بیابان برساند تا در عرض یک هفته از تاریخ امروز بتواند بجنوب برود و به منطقه ای که در جنوب خط یین چان - یین ان و در شمال خط ای چوان - لوه چوان قرار دارد ، بطور ناگهانی حمله کند و خط انتقال خوار بار دشمن را قطع نماید .

۶ - خواهشمندیم عقیده خود را درباره نظرات فوق اعلام دارید .

یادداشتها

۱ - ارتش آزادبخش توده ای شمال غربی ، پس از آنکه یین ان را با بتکار خود تخلیه کرد ، تعداد کمی از نیروهای خود را برای جلب توجه نیروهای عمده دشمن و کشاندن آنها تا ان سای واقع در شمال غربی یین ان گماشت و نیروهای های عمده خویش را در منطقه چینگ هوا بیان واقع در شمال شرقی یین ان در کمین گذاشت تا دشمن را در لحظه مقتضی نابود سازند . در ۲۵ مارس ۱۹۴۷ یک هنگ گومیندان از تیپ سی و یکم لشگر بیست و هفتم از لشگر های تجدید سازمان یافته حوزون نان برهبری ستاد تیپ در این دام افتاد و در نبردی که کمی بیش از یک ساعت طول کشید ، بکلی از طرف قوای ما نابود شد .

۲ لیائو ان ، فرمانده هفتاد و ششمین لشگر تجدید سازمان یافته نیروهای مسلح گومیندان بود که تحت فرماندهی حوزون نان قرار داشت . او بعد ها در نبردی در چینگ جیان در ۱۱ اکتبر ۱۹۴۷ بدست نیروهای مسلح ما اسیر شد .

دولت چانکایشک در محاصره

تمام خلق است

(۳۰ مه ۱۹۴۷)

دولت چانکایشک که خصم عموم خلق است اینک میبیند که در محاصره عمومی خلق افتاده است. این دولت، در جبهه نظامی و نیز در جبهه سیاسی، بشکست‌هایی دچار آمده، از طرف نیروهائی که آنها را دشمن خود خوانده در محاصره قرار گرفته است و هیچ را گریزی نمییابد.

دارودسته خائن چانکایشک و خداوندگاران آنها، امپریالیستهای آمریکا، وضعیت را غلط ارزیابی کردند. آنها به نیروی خویش پر بها دادند و نیروی خلق را کم انگاشتند. آنها در این تصور بودند که چین و جهان، پس از جنگ دوم جهانی، مانند سابق باقی مانده اند؛ هیچ تغییری را نمی پذیرفتند و بهیچ کس اجازه نمیدادند بر ضد اراده آنان قد برافرازد. آنان پس از تسلیم شدن ژاپن تصمیم گرفتند نظام کهن را دوباره در چین برقرار سازند. دولت خائن چانکایشک، بوسیله نیرنگ سازی هائی نظیر مشورت سیاسی و وساطت نظامی، فرصت بدست آورد و دو میلیون سرباز جمع کرد و به تعرض عمومی پرداخت.

اینک در چین دو جبهه وجود دارد. جبهه اول عبارتست از جنگ میان نیروهای تجاوزکار چانکایشک و ارتش آزادیبخش توده ای. و اکنون جبهه دومی ظهور کرده که عبارتست از مبارزه حاد میان جنبش بزرگ و محقانه دانشجویان و دولت ارتجاعی چانکایشک (۱). شعار جنبش دانشجویان اینست: "خوراک، صلح، آزادی" و یا "برضد گرسنگی، بر ضد جنگ داخلی، بر ضد ستمگری". چانکایشک به اعلام «تدبیر موقت بمنظور تأمین نظم عمومی» (۲) دست زده است. در همه جا ارتش او،

متن حاضر تفسیری است که رفیق مائوتسه دون برای خبرگزاری سین هوا نوشته است. این تفسیر اشعار میدارد که حوادث چین زودتر از آنچه پیش بینی میشد بسط مییابد، و از خلق دعوت میشود که کلیه شرایط ضروری پیروزی انقلاب چین در مقیاس سراسر کشور را سریعاً تدارک ببیند. صحت این پیش بینی بزودی باثبات رسد. تفسیر فوق و «رهنمود هائی برای عملیات در صحنه جنگ شمال غربی» هر دو در وان جیاون از شهرستان جین بیان در شنسی شمالی، نوشته شده است.

پلیس او ، زاندارم ها و عمال مخفی او با توده های دانشجو دست بگریبان اند . چانکایشک در برابر دانشجویان بی سلاح بزور توسل جست آنان را در معرض بازداشت ، حبس ، شکنجه و کشتار قرار داده است ، و بالنتیجه جنبش دانشجویان روز بروز گسترش مییابد . کلیه محافل اجتماعی با دانشجویان همدردی دارند . چانکایشک و چاکرائش یکباره منفرد شده اند ، و چهره درنده چانکایشک بکلی بی نقاب گردیده است . جنبش دانشجویان بخشی از مجموعه جنبش توده ای است . مسلماً اعتلاء جنبش دانشجویان موجب اعتلاء مجموعه جنبش توده ای خواهد شد . شاهد این امر تجربه تاریخی جنبش ۴ مه ۱۹۱۹ و جنبش ۹ دسامبر ۱۹۳۵ است .

چون امپریالیسم امریکا و چاکر او چانکایشک بر جای امپریالیسم ژاپن و چاکر او وان جین وی نشسته و سیاستی در پیش گرفته اند که هدفش تبدیل چین به مستعمره آمریکا و برانگیختن جنگ داخلی و تقویت دیکتاتوری فاشیستی است آنان باین طریق خودشان را دشمن عموم خلق چین اعلام کرده و همه قشر های مردم کشور را بر لبه پرتگاه گرسنگی و مرگ کشانده اند . واقعیت مذکور کلیه این قشر ها را واداشته است که در مبارزه مرگ و زندگی بر ضد دولت ارتجاعی چانکایشک با یکدیگر متحد شوند و موجب گسترش سریع این مبارزه گردیده است . چاره دیگری برای خلق کشور نیست . همه قشر های مردم چین که از سیاست ارتجاعی دولت چانکایشک ستم میبینند و برای نجات خویش متحد شده اند عبارتند از کارگران ، دهقانان ، خرده بورژوازی شهری ، بورژوازی ملی ، متنفذین روشنبین ، سایر عناصر میهن پرست ، اقلیتهای ملی و چینی های ماوراء بحار . این جبهه متحد ملی بسیار پرامنه ای است .

سیاست بسیار ارتجاعی مالی و اقتصادی که مدتهاست دولت چانکایشک در پیش گرفته اینک در اثر قرارداد بازرگانی چین و آمریکا که قرارداد بیمانند خیانت بمنافع ملی است بازهم بیشتر تقویت شده است . بر اساس قرارداد مذکور ، سرمایه انحصاری آمریکا و سرمایه بوروکراتیک - کمپرادور چانکایشک از نزدیک بهم پیوند یافته و زندگی اقتصادی سراسر کشور را تحت نظارت گرفته است . این امر موجب تورم بی اندازه ، ترقی بیسابقه قیمتها ، ورشکستگی روزافزون بنگاههای صنعتی و بازرگانی بورژوازی ملی ، بد شدن مداوم شرایط زندگی توده های زحمتکش ، کارمندان و معلمان گردیده است . در چنین شرایطی راه دیگری برای هیچیک از قشر های خلق کشور وجود ندارد مگر آنکه متحد شوند و برای هستی خویش مبارزه کنند .

سرکوب نظامی و فریبکاری سیاسی، دو شیوه عمده چانکایشک در حفظ سلطه ارتجاعی خویش بوده است. امروز مردم شاهد ورشکستگی سریع این دو شیوه است. ارتش چانکایشک در تمام عرصه های نبرد دچار شکست شده است. در عرض یازده ماهی که از ژوئیه پارسال میگذرد فقط از میان سپاهیان منظم چانکایشک قریب نود تیپ نابود شده اند. سپاهیان مذکور دیگر آن نخوتی را که سال گذشته در موقع اشغال چان چون، چن ده، جان جیا کو، حه زه حوای یین، ان دون و یا حتی همین امسال در موقع گرفتن لین ای و یین ان داشتند ندارند. چانکایشک و چن چن نیروی ارتش آزادیبخش توده ای و شیوه های نبرد او را غلط ارزیابی کردند؛ عقب نشینی های ما را بخطر ناشی از ترسوئی دانستند و ترک بعضی از شهرها را از طرف ما شکست پنداشتند و در عالم پر مدعائی خویش امیدوار شدند که نخست در جنوب دیوار بزرگ در مدت سه یا شش ماه و سپس در شمال شرقی بکار ما پایان دهند. اما ده ماه گذشته است و همه نیروهای تجاوز کار چانکایشک به بن بست افتاده اند. آنها از هر سو در محاصره مردم مناطق آزاد شده و ارتش آزادیبخش توده ای هستند و دشواریهای بزرگی برای فرار از این محاصره در پیش خواهند داشت.

از آنجا که خبر شکستهای سپاهیان چانکایشک هر روز بیشتر و بیشتر به پشت جبهه میرسد، توده های وسیع خلق که در زیر ستم دولت ارتجاعی چانکایشک بخفقان افتاده اند هر روز امید بیشتری میابند که پایان رنج های خویش را به بینند و برهائی برسند. و درست در این لحظه است که کلید نیرنگهای چانکایشک در عالم سیاست زود نقش بر آب میشود همانطور که زود بآن توسل میجوید. پس همه چیز بر خلاف انتظار مرتجعان روی داده است. حيله هائی مانند دعوت "مجلس ملی" بمنظور تصویب "قانون اساسی" تجدید سازمان دولت و تبدیل آن از صورت دولت حزب واحد به "دولت احزاب گوناگون" هدف دیگری جز منفرد ساختن حزب کمونیست چین و سایر نیروهای دموکراتیک نداشت. ولی نتیجه معکوس داد: حزب کمونیست چین و سایر نیروهای دموکراتیک منفرد نشدند بلکه خود مرتجعان منفرد شدند. از این بعد خلق چین بتجربه دریافته است که "مجلس ملی" چانکایشک، "قانون اساسی" او و "دولت احزاب گوناگون" او در واقع چه معنی میدهد. سابقاً بسیاری از چینیان و بطور عمده عناصری از قشرهای بینابینی در باره این مانورهای چانکایشک کم و بیش پندارهائی در سر داشتند. در باره "مذاکرات صلح" او نیز چنین بود. اینک که او چندین موافقتنامه رسمی متارکه را بیکباره از هم دریده، اینک که او سر نیزه های را بسوی توده دانشجویانی که هوادار صلح و مخالف جنگ داخلی اند بلند کرده است، هیچکس به مذاکرات ادعائی وی در باره صلح باور

نمیکنند ، مگر کسانی که قصد راسخ به فریب افراد دارند و یا بکلی فاقد تجربه سیاسی اند .

همه حوادث در اثبات صحت ارزیابی های ماست . ما پیوسته خاطر نشان ساخته ایم که دولت چانکایشک چیز دیگری جز دولت خیانت ملی ، دولت جنگ داخلی و دیکتاتوری نیست . او در تلاش است که حزب کمونیست چین و همه نیروهای دموکراتیک دیگر را با جنگ داخلی نابود گرداند تا چین را به مستعمره آمریکا مبدل سازد و رژیم دیکتاتوری خویش را نگهدارد . از آنجا که وی این سیاست ارتجاعی را در پیش گرفته از لحاظ سیاسی کلیه حیثیت و کلیه نیروی خود را از دست داده است . قدرت دولت چانکایشک قدرتی گذارا و سطحی است ؛ این دولت اگر ظاهراً توانست واقعاً ناتوان است . تعرض های او را در هر جا و در هر جبهه ای میتوان در هم شکست . فرجامی که در انتظار اوست اینست که هوادارانش او را رها کنند ، پیروانش بگریزند و ارتش هایش بکلی از هم بپاشند . صحت این ارزیابی ها را کلیه حوادث اثبات کرده است و همچنان اثبات خواهند کرد .

پیشرفت حوادث در چین سریع تر از آن است که پیش بینی میشد . از یک سو پیروزی های ارتش آزادیبخش توده ای و از سوی دیگر اعتلاء مبارزه توده ای در سرزمین های تحت نظارت چانکایشک ، و پیشرفت در هر دو سو خیلی سریع است . خلق چین باید در تدارک کلیه شرایط ضروری برای ایجاد چین نوین که از صلح ، دموکراسی و استقلال برخوردار باشد تسریع کند !

یادداشتها

۱- جنبش دموکراتیک و میهن پرستانه توده های عظیم دانشجوی برضد گرسنگی، جنگ داخلی و ستمگری در مناطق تحت نظارت گومیندان پس از دسامبر ۱۹۴۶ و بموازات گسترش جنگ آزادیبخش توده ای باعث اعتلاء نوینی رسید و بتدریج در مبارزه بر ضد سلطه ارتجاعی چانکایشک بصورت جبهه دوم در آمد . از پایان دسامبر ۱۹۴۶ تا آغاز ژانویه ۱۹۴۷ بیش از ۵۰۰۰۰۰ دانشجوی در ده ها شهر بزرگ و متوسط و از آن جمله در بی پین ، تیانزین ، شانگهای و نانکن دست باعصاب زدند و بعنوان اعتراض بر هتک عظمتی که از طرف سربازان آمریکائی نسبت به یک دو شیزه دانشجوی دانشگاه پکن روی داده بود و برای مطالبه خروج نیروهای مسلح آمریکا از چین نمایش دادند . این مبارزه بیدرنگ مورد پشتیبانی کارگران ، معلمان و سایر توده ای خلق واقع شد . روز ۴ مه ۱۹۴۷ دانشجویان شانگهای بر ضد جنگ داخلی بنمایش پرداختند . در عین حال ۸۰۰۰ کارگر دانشجوی شانگهای کلانتری مرکزی گومیندان را در محاصره گرفتند . این جنبش میهن پرستانه بزودی در نانکن ، بی پین ، حان جو ، شن یان ، چینگ دانو ، کای فون و بسیاری از شهرهای دیگر گسترش یافت . مرتجعان گومیندان بسرکوبی بسیار وحشیانه جنبش دموکراتیک و میهن پرستانه دانشجویان مبادرت جستند . روز ۲۰ مه بیش از

۱۰۰ نفر دانشجوی در نانکن و تیانزین زخمی و دستگیر شدند. اینست آنچه به " حادثه خونین ۲۰ مه " معروف است. اما جنبش میهن پرستانه دانشجویان که بوسیله توده های وسیع خلق پشتیبانی میشد از پای در نیامد. اعتصابات و نمایش های دانشجویان در زیر شعار " برضد گرسنگی، بر ضد جنگ داخلی، بر ضد ستمگری " و مبارزات توده ای بر ضد آمریکا و چانکایسک، مانند اعتصابات کارگران و معلمان به پیش از ۶۰ شهر بزرگ و متوسط سرایت کرد. در مه ۱۹۴۸ دانشجویان شانگهای باتفاق کارمندان محافل فرهنگی، مطبوعاتی و سایر محافل اجتماعی جنبشی میهن پرستانه بر ضد پشتیبانی آمریکا از احیاء نیروهای تجاوز کار ژاپن برانگیختند. این جنبش نیز بزودی شهر های متعددی را فرا گرفت. باین طریق مبارزات میهن پرستانه دانشجویان تا آنگاه که پیروزی در سراسر کشور بدست آمده هرگز قطع نشد و ضربات سختی بر گومیندان وارد ساخت.

۲- این تدابیر که در ۱۸ مه ۱۹۴۷ بوسیله دولت چانکایسک اعلام شد هرگونه داد خواستی را که بیش از ده نفر پای آن را امضاء کرده باشند و همچنین کلیه اعتصابات کارگران و دانشجویان و نیز هر میتینگ و نمایش را موکداً قذغن میکرد. بعلاوه به دولتهای محلی گومیندان اجازه میداد که بمنظور سرکوب خونین جنبش های میهن پرستانه و دموکراتیک خلق به اتحاد " تدابیر لازم " و " اقدامات فوری " بپردازند.

استراتژی سال دوم

جنگ آزادیبخش

(۱ سپتامبر ۱۹۴۷)

۱- ما طی سال اول جنگ (از ژوئیه سال گذشته تا ژوئن امسال) ۹۷ تیپ و نیم واحد های منظم دشمن بالغ بر ۷۸۰۰۰۰ نفر، واحد های پوشالی و واحد های امنیت عمومی و سایر واحد ها بالغ بر ۳۴۰۰۰۰۰ نفر یعنی مجموعاً ۱۱۲۰۰۰۰۰ نفر را نابود ساختیم. این پیروزی بزرگی بود. این پیروزی ضربه ای سنگین بر دشمن وارد ساخت، باعث شیوع وسیع روحیه شکست طلبی در اردوگاه دشمن گردید، خلق را در سراسر کشور بشور و شوق در آورد و پایه و اساس نابودی کامل ارتش دشمن بوسیله ارتش ما و نیل به پیروزی نهائی را بنا نهاد.

۲- دشمن طی سال اول جنگ با ۲۱۸ تیپ از ۲۴۸ تیپ منظم خود، یعنی با بیش از ۱۶۰۰۰۰۰ نفر و تقریباً با یک میلیون نفر از واحد های ویژه (نیروی دریائی، هوائی، توپخانه، واحد های مهندسی و رزه پوش) و واحد های پوشالی، واحد های پلیس ارتباطات و واحد های امنیت عمومی به تعرض پردامنه ای به مناطق آزاد شده دست زد. ارتش ما استراتژی مبتنی بر عملیات در خطوط داخلی را بدرستی بکار برد، و برای بدست آوردن ابتکار عمل در هر زمان و هر مکان، از اینکه بیش از ۳۰۰۰۰۰ نفر تلفات دهد و سرزمین های وسیعی باشغال دشمن در آیند، دریغ نورزید. نتیجه این شد که ما موفق به نابود کردن ۱۱۲۰۰۰۰۰ تن از افراد دشمن شدیم، دشمن را مجبور کردیم که قوای خویش را پراکنده سازد، ارتش خودمان را آبدیده و تقویت نمودیم، و در شمال شرقی، ژه هه، مشرق حه به، جنوب شان سی شمال حه نان به تعرض

این دستور درون حزبی از طرف رفیق مانوتسه دون که در آنموقع با کمیته مرکزی حزب در جو گوان جای از شهرستان جیا سیان واقع در شمال سنی مستقر بود، بنام کمیته مرکزی تنظیم شده است. این دستور وظیفه اساسی سال دوم جنگ آزادیبخش را معین کرد؛ وظیفه مذکور عبارت بود از کشاندن جنگ بوسیله نیروهای عمده ما بمناطق گومیندان و گذار از عملیات در خطوط داخلی به عملیات در خطوط خارجی، یعنی گذار از مرحله دفاع استراتژیک بمرحله تعرض استراتژیک. ارتش آزادیبخش توده ای طبق نقشه استراتژیک رفیق مانوتسه دون از ژوئیه تا سپتامبر ۱۹۴۷ در سراسر کشور به تعرض دست زد. ارتش صحرائی شانسی - حه به - شان دون - حه نان در ۳۰ ژوئن در ناحیه جنوب غربی شان

استراتژیک پرداختیم. در آنجا سرزمینهای پهناوری را پس گرفتیم و نواحی وسیع جدیدی را آزاد ساختیم (۱).

۳ - در دومین سال جنگ وظیفه اساسی ارتش ما عبارتست از اقدام به تعرض متقابل در سراسر کشور، یعنی بکار انداختن نیروهای عمده برای نبرد بسوی خطوط خارجی، کشاندن جنگ بمناطق گومیندان، نابود ساختن تعداد کثیری از افراد دشمن در خطوط خارجی و بر هم زدن کامل استراتژی ضد انقلابی گومیندان که عبارتست از ادامه کشاندن جنگ بنواحی آزاد شده، صدمه زدن و فرسودن بیشتر منابع انسانی و مادی ما تا آنکه ما نتوانیم مدت طولانی پایداری کنیم. در دومین سال جنگ وظیفه فرعی ارتش ما عبارت از اینستکه قسمتی از نیروهای عمده و تعداد کثیری از واحد های محلی را برای تعقیب عملیات در خطوط داخلی بکار اندازد، دشمن را در آنجا نابود سازد و زمینهای از دست رفته را باز ستاند.

۴ - در بکار بردن این اصل یعنی عملیات در خطوط خارجی، کشاندن جنگ بمناطق گومیندان، ارتش ما بیگمان با دشواریهای فراوانی روبرو خواهد شد. زیرا که برای استقرار پایگاههای جدید در مناطق گومیندان وقت لازم است و ما نمیتوانیم پایگاههایی محکمی برقرار کنیم مگر آنکه تعداد کثیری از افراد دشمن را طی عملیات متحرک متعددی که گاهی پیشروی، گاهی عقب نشینی دارد، نابود سازیم، توده ها را بسیج نمائیم، زمینها را تقسیم کنیم، ارگانهای قدرت سیاسی خود را مستقر گردانیم و نیروهای مسلح خلق را سازمان دهیم. تا آن هنگام، دشواریهای زیاد

دوین از رودخانه زرد بزور گذشت و در دهه اول ماه اوت از خط راه آهن لون های عبور کرد و وارد کوهستان دابیه شد. واحد های تای یوه از ارتش صحرائی شان سی حه به - شان دون - حه نان در دهه آخر ماه اوت در جنوب شان سی از رودخانه زرد بزور گذاشتند و وارد ناحیه غربی حه نان شدند. ارتش صحرائی چین شرقی در آغاز سپتامبر پس از آنکه حمله متمرکز دشمن را عقب زد، وارد جنوب غربی شان دون شد. در همین ماه واحدهای شان دون از ارتش صحرائی چین شرقی بر ضد دشمن در شان دون شرقی به تعرض دست زدند. ارتش صحرائی شمال غربی در دهه آخر اوت به تعرض متقابل پرداخت. ارتش صحرائی شانسی - چاهار - حه به در آغاز سپتامبر در طول ناحیه شکالی خط آهن بی پین - حان کو تعرض بر ضد دشمن را آغاز کرد. ارتش صحرائی شمال شرقی بلافاصله پس از تعرض تابستانی خویش در سراسر شمال شرقی، از همان سپتامبر به تعرض پائیز بمقیاس وسیع در ناحیه چان چون - جی لین - سی پین و در منطقه جین سی - ای سیان، در روی خط آهن بی پین - لیائو نین دست زد. تعرض هائی که در کلیه این صحنه های عملیات صورت میگرفت، تعرض عمومی ارتش آزادیبخش توده ای را تشکیل میداد. این تعرض به مقیاس وسیع، جنگ آزادیبخش را به نقطه عطف رسانید و تغییری ریشه ای در وضعیت جنگ بوجود آورد. رجوع شود به «اوضاع کنونی و وظایف ما»، جلد حاضر.

خواهند بود. اما میتوان و باید بر آنها غلبه کرد. زیرا که دشمن مجبور خواهد شد باز هم بیشتر پراکنده شود، و سرزمینهای پهناوری برای تشکیل عرصه عملیات متحرک ارتش ما فراهم خواهند آمد و باین ترتیب ما خواهیم توانست بجنگ متحرک دست بزنیم؛ در این سرزمینها توده های وسیع خلق از گومیندان نفرت دارند و از ارتش ما پشتیبانی میکنند؛ و اگر چه بخشی از نیروهای دشمن هنوز قدرت رزمی نسبتاً زیاد دارد، ولی بطور کلی روحیه دشمن و قدرت رزمی اش نسبت بسال گذشته بمراتب پائین تر و ضعیفتر گشته است.

۵ - کلید پیروزی عملیات ما در مناطق گومیندان، اینستکه اولاً موقع مناسب برای نبرد را بخوبی بشناسیم، بیباک و مصمم باشیم و هر چه بیشتر پیروزی بدست آوریم؛ ثانیاً سیاست جلب توده ها را با قطعیت بکار بریم، به توده های وسیع امکان بدهیم که منافع بدست آورند تا جانب ارتش ما را بگیرند. اگر این دو نکته تحقق پذیرد، پیروزی ما حتمی خواهد بود.

۶ - تا پایان اوت امسال وضع نیروهای دشمن و از آنجمله نیروهائی که نابود شده و با ضربات شکننده خورده اند، باین ترتیب بود: ۱۵۷ تیپ در جبهه جنوب، ۷۰ تیپ در جبهه شمال و ۲۱ تیپ در پشت جبهه گومیندان، مجموعه نیروهای دشمن در سراسر کشور کمافی السابق ۲۴۸ تیپ و تعداد واقعی نفراتشان تقریباً ۱۵۰۰۰۰۰ بود؛ تعداد افراد واحد های ویژه، سپاهیان پوشالی، واحد های پلیس ارتباطات و واحد های امنیت عمومی و غیره تقریباً ۱۳۰۰۰۰۰ نفر بود؛ تعداد افراد غیر نظامی در ارگانهای نظامی پشت جبهه تقریباً ۱۰۰۰۰۰۰۰ نفر، و باین ترتیب نیروهای دشمن مجموعاً بالغ بر ۳۷۰۰۰۰۰ نفر میشد. در میان واحد های جبهه جنوب، ۱۱۷ تیپ متعلق به گروه گوجو تون، ۷ تیپ به گروه چن چیان و دیگران، و ۳۳ تیپ به گروه حوزون نان. از ۱۱۷ تیپ گروه گوجو تون ۶۳ تیپ نابود شده و یا ضربات شکننده خورده اند. از میان آنها، بعضی ها هنوز به تکمیل نفرات خویش نپرداخته اند؛ بعضی دیگر چه باین کار اقدام کرده اند، ولی از لحاظ نفرات کم و از لحاظ قدرت رزمی ضعیفند؛ و بعضی دیگر اگر چه از لحاظ نفرات و اسلحه نسبتاً خوب تأمین شده اند و تا حدودی قدرت رزمی خویش را باز یافته اند، ولی از گذشته بمراتب ضعیفترند. فقط ۵۴ تیپ باقی مانده اند که تا کنون نابود نشده و یا ضربات شکننده نخورده اند. از مجموع نیروهای گوجو تون ۸۲ تا ۸۵ تیپ به خدمات پادگانی مشغولند و یا فقط میتوانند برای مانور های محلی مورد استفاده قرار گیرند. فقط ۳۲ تا ۳۵ تیپ میتوانند در کانور های استراتژیک بکار روند. ۷ تیپ گروه چن چیان و دیگران بطور کلی میتوانند فقط در خدمات پادگانی مورد استفاده قرار گیرند و یکی از آنها دیگر ضربه

شکونده خورده است. از ۳۳ تیپ گروه حو رون نان (و از آنجمله تیپهائی که در مشرق لان جو و در جنوب نین سیا و یولین و در مغرب لین فن و لوه یان مستقرند) ۱۲ تیپ نابود شده و یاضربات شکونده خورده اند . فقط ۷ تیپ میتوانند در مانورهای استراتژیک مورد استفاده قرار گیرند ، بقیه به خدمات پادگانی گماشته میشوند . در جبهه شمال ، دشمن مجموعاً ۷۰ تیپ دارد که از آنها گروه شمال شرقی شامل ۲۶ تیپ است که ۱۶ تای آنها نابود شده و یا ضربات شکونده خورده اند ؛ گروه سون لیان جون ۱۹ تیپ دارد که ۸ تای آنها نابود شده و یا ضربات شکونده خورده اند ؛ فو زوه ای ۱۰ تیپ در اختیار دارد که ۲ تای آنها ضربات شکونده خورده اند ؛ ین سی شان ۲۵ تیپ تحت فرماندهی دارد که ۹ تای آنها نابود شده و یا ضربات شکونده خورده اند . اکنون این واحد های دشمن بطور عمده در حالت دفاعی هستند و فقط بخش کوچکی از آنها میتواند به عملیات متحرک دست بزند . گومیندان در پشت جبهه خود فقط ۲۱ تیپ برای خدمات پادگانی در اختیار دارد . از آنها ۸ تیپ در سی جیال و در غرب گان سو ، ۷ تیپ در سی چوان و سی کان ، ۳ تیپ در یون نان ، ۲ تیپ در گوان دون (یعنی لشکر ۶۹ که نابود شد) و ۲ تیپ در تایوان مستقر اند . در ۶ استان حوانان ، گوام سی ، گوی جو ، فوجیان ، جه جیان و جیان سی واحد های منظم وجود ندارد . گومیندان در نظر دارد که امسال باکمک آمریکا یک میلیون نفر سرباز بگیرد تا نیروهای مسلح جبهه را تکمیل کند و تعدادی از تیپهای جدید و هنگهای تکمیلی را تعلیم و تربیت دهد . اما اگر ارتش ما بتواند همانطور که در سال اول جنگ عمل کرده ، ماهیانه بطور متوسط ۸ تیپ دشمن را نابود سازد ، یعنی در سال دوم ۹۶ تا ۱۰۰ تیپ دیگر را از بین ببرد (هم اکنون در ژوئیه و اوت ۱۶ تیپ و نیم نابود شده اند) ، در آنصورت ارتش دشمن باز هم ضعیفتر خواهد شد ، نیروهای ذخیره استراتژیک وی بحدافل خواهند رسید و بدون شک مجبور خواهند شد که در سراسر کشور حالت دفاعی بخود بگیرند و از هر سو مورد حمله ما قرار خواهند گرفت . گرچه گومیندان در نظر دارد که یک میلیون سرباز بگیرد و تیپهای جدید و هنگهای تکمیلی را تعلیم دهد ، ولی این هیچ کمکی باو نخواهد کرد . از آنجا که گومیندان بزور و از طریق استخدام مزدور سرباز میگیرد ، مسلماً جمع آوری یک میلیون سرباز برایش مشکل خواهد بود و بعلاوه تعداد زیادی از آنها فرار خواهند کرد . از طرف دیگر ارتش ما که اصل عملیات در خطوط خارجی را بکار میبرد ، خواهد توانست از منابع انسانی و مادی دشمن بکاهد .

۷ - اصول عملیات نظامی ارتش ما همان است که قبلاً معین شده است :

باید نخست به نیروهای پراگنده و منفرد دشمن حمله کرد (این اصل در مورد عملیات بزرگ نابود کننده که در عین حال علیه چندین تیپ صورت میگیرد ، نیز صادق است ، مانند عملیات لای او (۲) در فوریه و عملیات جنوب غربی شان دون (۳) در ژوئیه امسال) و سپس به نیروهای متمرکز و نیرومند دشمن .

باید نخست شهر های کوچک و متوسط . مناطق وسیع روستائی را تصرف کرد و سپس شهر های بزرگ را .

باید نابودی نیروی مؤثر دشمن را هدف عمده خود قرار داد ، نه حفظ یا تصرف شهر ها و سرزمینها را . حفظ با تصرف شهر ها و سرزمینها نتیجه نابودی نیرو مؤثر دشمن است ، و غالباً یک شهر یا یک منطقه زمانی میتواند بخوبی حفظ و یا بطور نهائی تصرف شود که چند باز دست بدست گشته باشد .

باید در هر نبرد نیروهای نظامی مطلقاً برتر را متمرکز ساخت ، باید قوای دشمن را از چهار طرف بحلقه محاصره انداخت ، سعی در نابودی کامل آن نمود و نگذاشت حتی یک نفر هم فرار کند . در شرایط خاص باید از شیوه فرود آوردن ضربات خرد کننده بر دشمن استفاده کرد ؛ بدین معنی که ما باید با تمرکز تمام نیرو از روبرو بدشمن حمله کنیم و در عین حال بیک یا دو جناح آن نیز حمله برین ، البته باین هدف که بخشی از نیروهای دشمن را نابود ساخته و بخش دیگر را تارو مار کنیم تا ارتش ما بتواند بسرعت واحد های خود را برای درهم کوبیدن سایر نیروهای دشمن بکار اندازد .

از یکطرف ، باید توجه داشت که بدون آمادگی قلبی و بدون اطمینان به پیروزی بهیچ نبردی دست نزد ؛ قبل از هر نبرد باید تمام مساعی را برای تهیه تدارکات لازم و تضمین پیروزی در شرایط موجود بین خود و دشمن بکار برد ؛ از طرف دیگر باید شیوه پسندیده رزمی خود - یعنی تهور داشتن در نبرد ، نترسیدن از قربانی ، بی اعتنا بودن بختگی و استقامت در پیکارهای مداوم (بمفهوم نبردهای متوالی در مدت کوتاه) را شکوفا ساخت .

باید کوشید که دشمن به جنگ متحرک کشیده شود ، ولی در عین حال باید به آموختن تاکتیک های حمله موضعی و تقویت توپخانه و واحد های مهندسی اهمیت خاص داد تا به تصرف تعداد کثیری از نقاط استحکامی و شهر های دشمن نایل آمد .

باید تمام آن نقاط استحکامی و شهر های دشمن را که نیروی دفاعی ضعیف دارند ، بدون لحظه ای تأمل تصرف نمود . فرصت مناسب باید تمام نقاط استحکامی و شهر های دشمن را که داری نیروی دفاعی متوسط اند ، در

صورتیکه شرایط اجازه دهد، تصرف کرد، در مورد تمام آن نقاط استحکامی و شهرهای دشمن که قدرت دفاعی نیرومند در اختیار دارند، باید منتظر ماند تا شرایط برای تصرف آنان آماده گردد.

باید قدرت خود را با تمام سلاحها و تجهیزاتی که از دشمن به غنیمت گرفته شده و همچنین یا قسمت اعظم اسرای جنگی (۸۰ تا ۹۰ درصد سربازان و عده قلیلی از افسران جزء) تکمیل کرد. باید بکوشیم نیروهای خود را بطور عمده از قبل دشمن و از نواحی گومیندان تکمیل کنیم و فقط قسمتی از آنها را از نواحی آزاد شده قدیم بدست آوریم. این مطلب بخصوص در مورد ارتشهای جبهه جنوب صادق است.

در کلیه مناطق آزاد شده، خواه جدید و خواه قدیم، باید اصلاحات ارضی را مصمانه عملی گردانیم (این اساسی ترین شرط برای از پیش بردن جنگ طولانی و بدست آوردن پیروزی در سراسر کشور است)، تولید را بسط دهید، جداً صرفه جوئی کنیم و صنایع جنگی را تقویت کنیم - همه چیز برای پیروزی در جبهه. تنها از این طریق است که ما خواهیم توانست جنگ طولانی را از پیش ببریم و در سراسر کشور پیروز شویم. اگر واقعاً چنین عمل کنیم، مسلماً خواهیم توانست جنگ طولانی را از پیش ببریم و در سراسر کشور پیروز شویم.

۸ - آنچه که در بالا تشریح شد، ترازنامه نبرد های سال اول و اصول نبرد های آینده است. از رفقای رهبری در مناطق مختلف خواستاریم که مضمون آنرا در ارتش با اطلاع کلیه کادرها از مرتبه هنگ ببالا، در محل از مرتبه کمیته نواحی ویژه حزب ببالا و همچنین از مرتبه کمیساریای نواحی ویژه ببالا برسانند، تا آنکه هر کس بخوبی بداند وظیفه اش چیست و آنرا با استواری تزلزل ناپذیر بانجام برساند.

یادداشتها

۱ - تعرض متقابل استراتژیک ارتش ما در شمال شرقی، ژه هه، مشرق حه به، تعرض تابستانی ۱۹۴۷ بود که بوسیله ارتش آزادیبخش توده ای شمال شرقی صورت گرفت و این ارتش از ۱۳ ماه مه در این جبهه ها همزمان به تعرض دست زد و تا اول ژوئیه بیش از ۸۰۰۰۰ تن از سپاهیان دشمن را نابود ساخت و بیش از ۴۰ مرکز شهرستان را دوباره بتصرف در آورد. باین طریق نقشه دشمن که در نظر داشت مناطق آزاد شده شمال شرقی چین را از هم مجزا گرداند، نقش بر آب گشت. نیروهای دشمن که بدرون دو دالان تنگ در طول راه آهن چان چون چینی و راه آهن بی چین - لیائو نین رانده شده بودند، مجبور شدند باصطلاح به "دفاع از نقاط کلیدی" بپردازند. بالتبجیه وضعیت شمال شرقی چین بکلی تغییر یافت. تعرض متقابل استراتژیک در جنوب شان سی و شمال حه نان شامل است بر تعرضهایی که از مارس تا مه ۱۹۴۷ بوسیله ارتش آزادیبخش توده ای شان سی - حه به - شان دون -

حه نان در شمال حه نان و در دو طرف خط راه آهن داتون - چو جو در جنوب شان سی صورت گرفت . سپاهیان ما در شمال حه نان در ۲۳ مارس شروع بحمله کردند و پس از آنکه یین جین ، یان او ، پو یان و فون چو را یکی پس از دیگری بتصرف در آوردند ، بسوی شمال تاختند تا از این کامیابها بهره برداری کنند . آنها تا ۲۸ مه مراکز شهرستانهای چی سیان ، جیون سیان ، هوا سیان و تان یین را نیز بتصرف در آوردند و بیش از ۴۵۰۰۰ تن از سپاهیان دشمن را نابود ساختند . سپاهیان ما در جنوب شان سی در ۴ آوریل به تعرض دست زدند و تا ۴ مه ۲۲ مرکز شهرستان و از آنجمله چیوره ، سین جیان و یون جی و همچنین دو لشکرگاه مهم رود خاتنه زرد یعنی یو من گو و فون لین دو را بتصرف در آوردند و بیش از ۱۸۰۰۰ تن از سپاهیان دشمن را نابود ساختند .

۲ - عملیات لای او نبرد متحرکی است که بوسیله ارتش آزادیبخش توده ای چین شرقی در منطقه لای او (در جنوب شرقی جی نان) از استان شان دون صورت گرفت . در اواخر ژانویه ۱۹۴۷ سپاهیان گومیندان همزمان از جنوب و شمال به تعرض به مناطق آزادشده شان دون دست زدند . از جنوب ، ۸ لشکر تجدید سازمان یافته گومیندان در سه ستون در طول رودخانه های ای شو بسمت شمال ، بسوی لین ای روان شدند . از شمال ، ۳ سپاه گومیندان از گروه لی سیان جو ، در هماهنگی با ۸ لشکر مذکور از مین شوی ، زی چوان و بوه شان بسمت جنوب بسوی لای او سین تای حرکت کردند . این واحد ها در صدد بودند که با نیروهای عمده ارتش آزادیبخش توده ای چین شرقی در منطقه کوهستانی ای مون به نبرد قطعی بپردازند . ارتش ما بخشی از سپاهیان خود را برای مسدود کردن راه دشمنی که از جنوب میآید ، فرستاد ، ولی نیروهای عمده خویش را بسوی شمال بطرف لای او برای نابود ساختن گروه لی سیان جو اعزام داشت . واحد های دشمن که بیش از ۶۰۰۰۰ تن بودن ، در نبردی که ۲۰ فوریه آغاز شده و در بعد از ظهر ۲۳ فوریه بیابان رسید ، بکلی نابود گشتند . لی سیان جو ، معاون فرماندهی دومین منطقه استقرار آرامش وابسته به اداره استقرار نظم و آرامش در سیو جو اسیر شد و ۱۳ شهر مسترد گردید .

۳ - عملیات جنوبی غربی شان دون نبردی است که در ژوئیه ۱۹۴۷ بوسیله ارتش آزادیبخش توده ای شان سی - حه به شان دون - حه نان در منطقه حه زه ، یون چن ، جیویه ، دین تاتو ، جین سیان و تساتو سیان واقع در جنوب غربی استان شان دون صورت گرفت . در این نبرد ۴ ستاد لشکر و ۹ تیپ و نیم از نیروهای گومیندان و مجموعاً بیش از ۵۶۰۰۰ نفر نابود شدند .

مانیفست ارتش آزادیبخش توده ای چین

(اکتبر ۱۹۴۷)

ارتش آزادیبخش توده ای چین پس از در هم شکستن تعرض چانکایشک ، اینک به تعرض متقابل پردامنه ای دست زده است . ارتش های جبهه جنوب ما بسوی حوضه رود خانه یان تسه و ارتش های جبهه شمال بسوی راه آهن چان جون چینی و راه آهن بی پین - لیائو نین یورش کنان پیش میروند . هر جا سپاهیان ما قدم میگذارند ، دشمن با هرج و مرج پا بفرار مینهد و خلق با کف زدنهای پرشور از ما استقبال میکند . وضعیت دشمن و ما نسبت بیک سال پیش تغییر اساسی یافته است . هدف جنگی که ارتش ما دنبال میکن ، همانطور که بارها در برابر خلق و جهان اعلام گردید ، عبارتست از آزاد ساختن خلق چین و ملت چین . و امروز ، هدف ما عبارتست از برآورده ساختن خواست های مبرم خلق سراسر کشور یعنی سرنگون ساختن چانکایشک این آتش افروز عمده جنگ داخلی ، تشکیل دولت دموکراتیک ائتلافی برای نیل بهدف عمومی خویش که آزادی خلق و ملت است .

خلق چین برای کسب آزادی و استقلال ملی مدت هشت سال متمادی علیه امپریالیسم ژاپن قهرمانانه پیکار کرده است . خلق پس از تسلیم ژاپن تشنه صلح بود ، اما چانکایشک کلیه مساعی خلق را در راه صلح بر باد داد و مصیبت جنگ داخلی بیمانندی را بوی تحمیل نمود . از اینجهت در برابر قشر های خلق کشور ما جز آنکه برای سرنگونی ساختن چانکایشک باهم متحد شوند ، راه دیگری باقی نمی ماند . سیاست جنگ داخلی کنونی چانکایشک بهیچوجه تصادفی نیست بلکه نتیجه ناگزیر ان سیاست ضد حلقی است که خود او و دارو دسته ارتجاعیش همواره دنبال

این مانیفست سیاسی بوسیله رفیق مائو تسه دون برای فرماندهی کل ارتش آزادیبخش توده ای چین تهیه و تدوین گردیده است . رفیق مائوتسه دون در این مانیفست وضع سیاسی چین را در آن دوره تحلیل کرد ، شعار " سرنگون ساختن چانکایشک و آزاد ساختن سراسر چین " را مطرح نمود سیاست اساسی هشت ماده ای ارتش آزادیبخش توده ای چین را که در عین حال سیاست حزب کمونیست چین نیز بود ، اعلام داشت . این مانیفست که در ۱۰ اکتبر ۱۹۴۷ انتشار یافت ، به « مانیفست ۱۰ اکتبر » معرف گردید است . این مانیفست در شن چی یوان بانو از شهرستان جیان سیان در شمال شنسی تهیه و تدوین شده است .

کرده اند . در سال ۱۹۲۷ نیز چانکایشک با حق ناشناسی تمام باتحاد انقلابی گومیندان و حزب کمونیست و همچنین بسه اصل انقلابی خلق و بسه اصل اساسی سیاسی سون یاتسن خیانت ورزید و از آن پس دیکتاتوری را بر پا نمود ، در برابر امپریالیسم تسلیم شد و مدت ده سال تمام بجنگ داخلی پرداخت که به تجاوز راهزنان ژاپنی انجامید . حزب کمونیست چین در حادثه سی آن (۱) در سال ۱۹۳۶ بدی را با نیکی پاسخ داد و ژنرال جان سیوه لیان و ژنرال یان هو چن را بر آن داشت که چانکایشک را رها کنند ، باین امید که وی نادم شود ، خود را اصلاح کند و بمبارزه برضد تجاوزکاران ژاپنی بپیوندد . ولی او بار دیگر نمک نشناسی کرد ، در مبارزه بر ضد تجاوزکاران ژاپنی همچنان غیر فعال باقی ماند ، و در عوض فعالانه به سرکوب خلق پرداخت و نسبت به حزب کمونیست شدیداً کینه ورزی نمود . دو سال پیش (در سال ۱۹۴۵) ژاپن تسلیم شد و خلق چین بار دیگر چانکایشک را بخشید و از وی خواست که بجنگ داخلی ایکه بر پا ساخته پایان دهد ، دموکراسی را اجرا کند و در امر صلح و ساختمان ملی با کلیه احزاب متحد گردد . اما پس از آنکه موافقت نامه متارکه که بامضاء رسید ، قطعنامه های کنفرانس مشورتی سیاسی تصویب شد و تعهدات چهارگانه (۲) اعلام گردید ، چانکایشک این اعجوبه عهد شکنی فوراً زیر همه اینها زد . خلق بخاطر مصلحت عمومی چندین بار از خود شکیبائی و مماشات نشان داد ، ولی چانکایشک که از امپریالیسم آمریکا کمک میگرفت ، مصمم بود که بدون توجه به سرنوشت کشور و ملت بر ضد خلق به تعرض عمومی پردامنه بمانندی دست بزند . از ژانویه سال گذشته (۱۹۴۶) که موافقت نامه متارکه اعلام شد ، تا امروز چانکایشک بیش از ۲۲۰ تیپ از واحد های منظم و قریب یک میلیون نفر از سربازان واحد های ملغمه را تجهیز کرده و به حملات پردامنه ای بر مناطق آزاد شده که خلق چین بقیمت نبرد های خونین از امپریالیسم ژاپن ستانده است ، دست زده و یکی پس از دیگری شهر های شن یان ، فوشون ، بن سی ، سی پین ، چان چون ، یون جی ، جن ده ، جی نین ، جان جیا کو ، حوای یین ، چه زه ، لین ای ، این ان ، ین تای و مناطق وسیع روستائی را بتصرف در آورده است . سپاهیان چانکایشک هر جا که میروند ، میکشند ، آتش میزنند ، هتک ناموس میکنند ، غارت میکنند ، سیاست تمام سوزاندن تمام کشتن و تمام غارت کردن را عملی میسازند و رفتار شان عیناً مانند راهزنان ژاپنی است . در نوامبر سال گذشته چانکایشک باصطلاح مجلس ملی را دعوت کرد و باصطلاح قانون اساسی را اعلام داشت و در مارس سال جاری نمایندگان حزب کمونیست را از مناطق گومیندان راند . در ژوئیه سال جاری چانکایشک فرمان

بسیج همگانی بر ضد خلق صادر کرد (۳) در مورد جنبش عادلانه توده ای که در نقاط مختلف کشور بر ضد جنگ داخلی، گرسنگی و تجاوز امپریالیسم آمریکای گسترش می یابد و همچنین در مورد مبارزه ای که کارگران، دهقانان، دانشجویان، اهالی شهرها، کارمندان و معلمان بخاطر زندگی خود در پیش گرفته اند، سیاست چانکایشک سیاست سرکوب، توقیف و کشتار است. او در مورد اقلیتهای ملی سیاست شوینیسیم عظمت طلبانه ملت حان را عمل میسازد و با تمام وسایل ممکن به تعدیب و سرکوب متوسل میشود. در تمام مناطق تحت سلطه چانکایشک فساد حکومت میکند، مأمورین خفیه قدرت مطلق دارند، مالیات طاقت فرسا و بعناوین مختلف وصول میشود، قیمت ها قوس صعودی طی میکنند، اقتصاد دچار ورشکستگی است، کلیه معاملات راکد است، سربازگیری اجباری و مصادره غلات معمولی است، فریاد شکایت از همه جا بلند است. اکثریت عظیم خلق کشور باین طریق در ورطه رنج و بدبختی فرو افتاده است. ولی الیگارشی مالی، مأمورین فاسد و مختلس، مستبدین محلی و متنفذین شیر و در رأس همه آنها چانکایشک ثروتهای کلانی انداخته اند. چانکایشک و همالانش این ثروتها را در سایه قدرت دیکتاتوری خویش از طریق وصول جبری مالیات و از راه خدمت بمنافع خصوصی خویش در زیر پرده خدمت بمنافع عمومی گرد آورده اند. چانکایشک بمنظور حفظ دیکتاتوری خویش و ادامه جنگ داخلی دریغ نورزید از اینکه حق حاکمیت کشور ما را به امپریالیسم بیگانه بفرشد، با نیروهای آمریکائی تباری نماید تا آنکه آنها در چینگ دائو و نقاط دیگر باقی بمانند، از آمریکا مستشارانی بیآورد تا آنکه در هدایت جنگ داخلی و تعلیم واحد های ارتش برای کشتار هم میهنانش شرکت کنند. مقادیر عظیم هواپیما، تانک، توپ و مهمات برای جنگ داخلی از آمریکا وارد میشود. از آمریکا مبالغ هنگفتی برای جنگ داخلی وام گرفته میشود. چانکایشک پاسبان الطافی که از امپریالیسم آمریکا دیده، به امپریالیسم آمریکا پایگاههای نظامی و حق پرواز و بحر پیمائی تعویض کرده و با آن قرار داد تجاری اسارت آور (۴) منعقد ساخته است؛ این خیانت هائی که او مرتکب شده همگی بمراتب شدید تر از خیانت های یوان شی کای است. خلاصه آنکه این بیست سال سلطه چانکایشک چیز دیگری جز خیانت به کشور، دیکتاتوری و مبارزه بر ضد خلق نبوده است و اینک اکثریت عظیم خلق چین خواه در شمال و خواه در جنوب، خواه جوان و خواه پیر بر جنایات فجیح چانکایشک وقوف یافته اند و امیدوارند که ارتش ما سریعاً به تعرض متقابل بپردازد تا آنکه چانکایشک را واژگون و سراسر چین را آزاد سازد.

ما ارتش خلق چین هستیم و در اقدام بهر کاری از اراده خلق چین پیروی میکنیم .
سیاستی که ارتش ما دنبال میکند، بازتاب خواستههای مبرم خلق چین است . این
سیاست بطور عمده شامل مواد زیرین میباشد :

۱ - متحد ساختن کلیه طبقات ستمکش - کارگران ، دهقانان ، سربازان ،
روشنفکران و بازرگانان - کلیه سازمانهای توده ای ، کلیه احزاب دموکراتیک ، کلیه
اقلیت های ملی ، کلیه مهاجرین چینی و سایر میهن پرستان ؛ تشکیل جبهه متحد
ملی ؛ سرنگون ساختن حکومت دیکتاتوری و تشکیل دولت دموکراتیک ائتلافی .

۲ - دستگیری و محاکمه و مجازات جنایتکاران جنگ داخلی و در رأس آنها
چانکایشک .

۳ - برانداختن رژیم دیکتاتوری چانکایشک ، تحقق بخشیدن به سیستم
دموکراسی توده ای و تضمین آزادی بیان ، مطبوعات ، اجتماعات و اتحادیه ها برای
خلق .

۴ برانداختن سیستم پوسیده رژیم چانکایشک ، برکنار کردن مأمورین فاسد و
مختلس و برقراری حکومتی پاک و صدیق .

۵ - مصادره اموال چهار خانواده بزرگ - چانکایشک ، سون زی وین ، کون سیان
سی و برادران چن لی فو و همچنین مصادره اموال سایر جنایتکاران عمده جنگ ؛
مصادره سرمایه بوروکراتیک ، توسعه صنعت و تجارت بورژوازی ملی ، بهبود بخشیدن
به زندگی کارگران و کارمندان و کمک کردن به آسیب دیدگان و نیازمندان .

۶ - برانداختن سیستم استثمار فئودالی و برقراری این سیستم که زمین از آن
کشتکار است .

برسمیت شناختن تساوی حقوق اقلیتهای ملی و حق خودمختاری برای آنها در
سراسر خاک چین .

۸ - طرد سیاست خارجی خائنانه حکومت استبدادی چانکایشک ، لغو قرارداد
های خیانت ملی و اعراض از رسمیت شناختن هر وامی که چانکایشک در دوران
جنگ داخلی از کشور های خارجی گرفته است ؛ طلبیدن از حکومت آمریکا که واحد
های ارتش خویش را که در چین مستقرند و استقلال چین را تهدید میکنند ، بیرون
برد ؛ مخالفت با هر کشور خارجی که به چانکایشک در ادامه جنگ داخلی یاری
برساند و یا سعی کند نیروهای تجاوزکار ژاپنی را احیا نماید ؛ انعقاد قرارداد های
بازرگانی و دوستی با کشور های خارجی بر اساس تساوی حقوق و منافع متقابل ؛
اتحاد با کلیه ملل جهان که با ما رفتاری برابرانه دارند در مبارزه مشترک .

اینست سیاست اساسی ارتش ما. این سیاست در هر جا که ارتش ما قدم بگذارد، بیدرنگ بموقع اجرا گذاشته خواهد شد. این سیاست با خواست بیش از ۹۰ درصد اهالی کشور ما مطابقت دارد.

ارتش ما تمام کسانی را که در جانب چانکایشک هستند، طرد نمیکند بلکه سیاستش عبارتست از رفتار مختلف برحسب موارد مختلف و عبارات دیگر: جنایتکاران عمده قطعاً مجازات خواهند شد، کسانی که از روی اجبار در جرمی شریک هستند، تعقیب نخواهند شد و کسانی که خدمات شایسته ای انجام دهند، پاداش خواهند دید. اما در مورد چانکایشک این آتش افروز عمده جنگ داخلی که شنیع ترین جنایات را مرتکب شده است و در مورد همدستان استوار وی که خلق را زیر سم ستوران خود لگدمال کرده و توده های وسیع بریشانی آنها داغ جنایتکار جنگ زده اند - ارتش ما همه آنها را دنبال خواهد کرد اگر چه در آن سر دنیا باشند، تا آنکه طبق قانون محاکمه و مجازات شوند. ارتش ما بکلیه افسران و سربازان ارتش چانکایشک، بهمه کارمندان حکومت چانکایشک و بهمه اعضای حزب چانکایشک اخطار میکند: کسانی که هنوز دستشان از خون بیگناهان رنگین نیست، نباید از پیوستن باین جنایتکاران خودداری ورزند. کسانی که کار بد کرده اند، باید بیدرنگ از آن دست بردارند، نادم شوند، خود را اصلاح کنند و از چانکایشک بپروند. ما بآنها امکان خواهیم داد که جنایات خویش را با انجام خدمات شایسته تلافی کنند. ارتش ما هیچیک از افسران و سربازان ارتش چانکایشک را که اسلحه بزمین بگذارند، نخواهد کشت و با هیچیک از آنها بد رفتاری نخواهد کرد، بلکه آنها را اگر مایل باشند، در صفوف خود خواهند پذیرفت و اگر مایل باشند، بخانه هایشان خواهد فرستاد. آن واحد های چانکایشک که بشورش برخیزند و بارتش ما بپیوندند و کسانی که آشکار یا مخفی برای ارتش ما کار کنند، پاداش خواهند یافت.

برای آنکه امر سرنگون ساختن چانکایشک و تشکیل دولت دموکراتیک ائتلافی در آینده نزدیک صورت گیرد، ما از همه هموطنان خود در هر محیطی که هستند، دعوت میکنیم که در آنجا که ارتش ما حضور دارد، با وی بمنظور ریشه کن کردن نیروهای ارتجاعی و استقرار نظم دموکراتیک فعلانه همکاری کنند، و در آنجا که هنوز ارتش ما حضور ندارد، خودشان اسلحه بدست بگیرند، در برابر سربازگیری اجباری و مصادره غلات مقاومت نشان دهند، به تقسیم اراضی بپردازند، از پرداخت کلیه وام هائی که گرفته اند شانه خالی کنند و از نقاط ضعف مناطقی که تحت نظارت دشمن است، استفاده نمایند و جنگ پارتیزانی را توسعه بخشند.

برای آنکه امر سرنگون ساختن چانکایشک و تشکیل دولت دموکراتیک ائتلافی در آیند نزدیک صورت گیرد ، ما از مردم نواحی آزاد شده دعوت میکنیم که اصلاحات ارضی را بانجام برسانند ، پایه های دموکراسی را استوار سازند ، تولید را توسعه بخشند ، جداً صرفه جوئی کنند ، قدرت نیروهای مسلح توده ای را افزایش دهند ، آخرین تکیه گاههای دشمن را بر اندازند و بجنگ در جبهه کمک برسانند .

همه رفقای فرمانده و جنگجوی ارتش ما ! مهمترین و پرافتخارترین وظیفه تاریخ انقلاب کشور بر دوش ماست . ما برای انجام این وظیفه باید مساعی خویش را دو چندان کنیم . فرا رسیدن آن روزی که میهن کبیر ما از تاریکی بدرآید وهم میهنان عزیز ما زندگی شایسته انسانی داشته باشند و بتوانند حکومتی بدلخواه خویش برگزینند ، وابسته بمساعی ماست . همه افسران و سربازان ارتش ما باید مهارت نظامی خویش را کامل سازند ، در این جنگ که پیروزی ما در آن حتمی است متهورانه به پیش روند ، و کلیه دشمنان را با قطعیت ، از بیخ و بن و بطور تمام و کمال نابود سازند . همه آنها باید سطح آگاهی خویش را بالا ببرند و در دو زمینه یعنی نابود ساختن نیروهای دشمن و بیدار کردن توده ها ماهر گردند ، با جان و دل به توده ها پیوندند و مناطق تازه آزاد شده را سریعاً تکامل بخشند تا از آنها مناطق مستحکم بوجود آید . آنها باید روحیه انضباطی خود را تقویت بخشند ، فرمان ها را با قطعیت اجرا کنند ، سیاست ما را بکار برند ، سه اصل بزرگ انضباطی و هشت ماده مقرراتی را عملی گردانند ، و وحدت ارتش و خلق ، وحدت ارتش و دولت ، وحدت افسران و سربازان و وحدت تمام ارتش را تحقق بخشند و به هیچگونه نقض انضباطی راه ندهند . همه افسران و سربازان ما باید پیوسته در خاطر داشته باشند که ما ارتش کبیر آزادیبخش توده ای هستیم ، سپاهیان هستیم که حزب کبیر کمونیست چین ما را رهبری میکند . اگر ما رهنمود های حزب را همواره مراعات کنیم ، بیگمان پیروز خواهیم شد .

مرده باد چانکایشک !

زنده باد چین نوین !

یادداشتها

۱ - مراجعه شود به « اعلامیه در باره اعلامیه چانکایسک » یادداشت ۱ ، « منتخب آثار مائوتسه دون » ، جلد اول .

۲ - اشاره است به " تعهدات چهارگانه « که چانکایسک در جلسه گشایش کنفرانس مشورتی سیاسی در سال ۱۹۴۶ پذیرفت و عبارت بودن از : تضمین آزادیهای خلق ، تضمین وضع قانونی احزاب سیاسی ، اجرای انتخابات عمومی و آزادی زندنیان سیاسی .

۳ - در ۴ ژوئیه ۱۹۴۷ حکومت ارتجاعی گومیندان " طرح بسیج همگانی " را که چانکایسک پیش کشیده بود، تصویب و بیدرنگ باصطلاح «فرمان بسیج همگانی برای سرکوب شورش راهزنان کمونیست» را صادر کرد . در واقع چانکایسک از مدتها پیش به بسیج همگانی برای جنگ داخلی ضد انقلابی دست زده بود . از همان زمان ارتش آزادیبخش توده ای چین تعرض متقابل را در سراسر کشور شروع کرده بود . خود چانکایسک اعتراف کرد که رژیمش دستخوش " بحران وخیم " گردیده است . « فرمان بسیج همگانی » فقط نشانه واپسین تلاشهای مذبوحانه وی بود .

۴ - اشاره است به باصطلاح « قرارداد دوستی ، بازرگانی و دریانوردی چین آمریکا » که در ۴ نوامبر ۱۹۴۶ بین دولت چانکایسک و دولت آمریکا منعقد گردیده و حاکمیت چین را به آمریکا میفروخت . مراجعه شود به « درود بر اعتلاء نوین انقلاب چین » یادداشت ۵ ، جلد حاضر .

درباره انتشار مجدد
سه اصل بزرگ انضباطی و هشت ماده
مقرراتی - دستور ستادکل ارتش
آزادبخش توده ای چین

(۱۰ اکتبر ۱۹۴۷)

۱- ارتش ما سال هاست "سه اصل انضباطی" و هشت ماده مقرراتی "را بکار برده است (۱)، اما مضمون آنها بر حسب واحد های مناطق مختلف کمی تغییر یافته است. اکنون باین اصول شکل واحد میبخشیم و آنرا مجدداً منتشر میکنیم. انتظار می رود که این نسخه برای آموزش عمیق و اجرای اکید بعنوان نسخه معتبر تلقی گردد. در مورد مسایل دیگری که باید مورد توجه قرار گیرند، فرماندهان عالیرتبه نیروهای مسلح در مناطق مختلف بر حسب اوضاع و احوال مشخص آن مناطق میتوانند موادی وضع کنند و با اجرای آنها فرمان دهند.

۲- سه اصل بزرگ انضباطی عبارتند از:

- (۱) - از فرامین در کلیه عملیات خود اطاعت کنید؛
- (۲) - از توده ها حتی یک سوزن و یا یک رشته نخ هم نگیرید؛
- (۳) همه غنایم را تحویل دهید.

۳- هشت ماده مقرراتی عبارتند از:

- (۱) - مؤدبانه صحبت کنید؛
- (۲) - هر چه میخرید بهایش را منطفانه پردازید؛
- (۳) - هر چه بامانت میگیرید، پس دهید؛
- (۴) - هر خسارتی که وارد میآورید، جبران کنید؛
- (۵) - مردم را کتک نزنید، بآنها دشنام ندهید؛
- (۶) به محصول زیان نرسانید؛
- (۷) به زنان جسارت و بر احترامی نکنید؛
- (۸) - با اسراء بد رفتاری نکنید.

یادداشتها

۱ - سه اصل بزرگ انضباطی و هشت ماده مقرراتی عبارتند از اصول انضباطی ایکه توسط رفیق مائوتسه دون در دوران دومین جنگ انقلابی داخلی برای ارتش سرخ کارگری - دهقانی چین تدوین گردیده است . اجراء این اصول بخش مهمی از کار سیاسی ارتش سرخ را تشکیل میداد و در ساختمان ارتش توده ای ، حل صحیح مسئله روابط داخلی ارتش ، تحقق وحدت با توده های مردم و تعیین سیاست صحیح ارتش توده ای نسبت به اسراء جنگی نقش بزرگی ایفا کرد . از همان ابتدای زندگی ارتش سرخ ، رفیق مائو تسه دون طلب کرد که سربازان با توده ها مؤدبانه صحبت کنند ، هر چه میخرند بهایش را منصفانه بپردازند ، هیچوقت مردم را به بیگاری نگمارند ، کتک زنند و بآنها دشنام ندهند . در بهار سال ۱۹۲۸ زمانیکه ارتش سرخ کارگری - دهقانی در کوهستان جین گان مستقر بود ، رفیق مائوتسه دون این سه اصل انضباطی را معین کرد : (۱) از فرامین در عملیات خود اطاعت کنید ؛ (۲) - از کارگران و دهقانان چیزی نگیرید ؛ (۳) - هر چیزی که از مستبدین محلی گرفته اید ، تحویل دهید . در تابستان سال ۱۹۲۸ رفیق مائو تسه دون شش ماده مقرراتی مطرح کرد که عبارت بودن از (۱) - درهائی را که برداشته و بجای تخت خواب مورد استفاده قرار داده اید ، مجدداً بجای خود بگذارید ؛ (۲) - گاهی را که بعنوان تشک مورد استفاده قرار داده اید ، مجدداً بجای خود باز گردانید ؛ (۳) - مؤدبانه صحبت کنید ؛ (۴) - هر چه میخرید ، بهایش را منصفانه بپردازید ؛ (۵) - هر چه بامانت میگیرید ، پس دهید ؛ (۶) - هر خسارتی که وارد میآورید ، جبران کنید . بعد از سال ۱۹۲۹ رفیق مائوتسه دون در این اصول تغییراتی چندی بوجود آورد . اصل انضباطی دوم بدین شکل در آمد : " از توده ها حتی یک سوزن و یا یک نخ هم نگیرید " و اصل انضباطی سوم باین شکل در آمد : " تمام پولهائی را که گرفته اید ، تحویل دهید " . اصل بعداً بدین شکل تغییر یافت : همه غنائیم را تحویل دهید ؛ " به شش ماده مقرراتی این دو ماده افزوده شد : " در مقابل چشم زنان آب تنی نکنید" و " جیب اسراء جنگی را نگردید " . چنین بود منشاء سه اصل بزرگ انضباطی و هشت ماده مقرراتی .

اوضاع کنونی و وظایف ما

(۲۵ دسامبر ۱۹۴۷)

۱

جنگ انقلابی خلق چین اکنون به نقطه چرخشی رسیده است، بدین معنی که ارتش آزادیبخش توده ای چین حملات قوای نظامی ارتجاعی چندین میلیونی چانکایشک - این سگ زنجیری ایالات متحده آمریکا - به تعرض رونهاده است. ارتش آزادیبخش توده ای در نخستین سال جنگ، یعنی از ژوئیه سال ۱۹۴۶ تا ژوئن سال ۱۹۴۷، حملات چانکایشک را در چند جبهه در هم شکست و اورا مجبور به اتخاذ مواضع دفاعی نمود. و در سه ماه اول سال دوم جنگ، یعنی از ژوئیه تا سپتامبر سال ۱۹۴۷ در مقیاس تمام کشوری ارتش آزادیبخش توده ای به تعرض روی آورد و

اثر حاضر متن گزارشی است که رفیق مائو تسه دون به جلسه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین که از تاریخ ۲۵ تا ۲۸ دسامبر ۱۹۴۷ در یان جیا گو از شهرستان می جی واقع در شمال استان شنسی تشکیل یافته بود، تقدیم نموده است. علاوه بر اعضاء و کاندیداهای کمیته مرکزی که میتوانستند شرکت کنند، رفقای منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا و شان سی سوی یوان نیز در جلسه حضور داشتند. جلسه این گزارش را همراه با اثر دیگری از رفیق مائو تسه دون تحت عنوان «چند ارزیابی از وضع بین المللی کنونی» (رجوع شود بجلد حاضر ۱۱۹) مورد بحث قرار داد و بتصویب رسانید. در قراردادهای جلسه در مورد گزارش رفیق مائو تسه دون تصریح شده است: " این گزارش در تمام دوره واژگون دارودسته حاکم و ارتجاعی چانکایشک و استقرار چین دموکراتیک نوین برای کار سیاسی، نظامی و اقتصادی سندی برنامه ای است. تمام حزب و ارتش باید پیرامون این سند و همچنین در ارتباط با آن پیرامون کلیه اسناد منتشره در تاریخ ۱۰ اکتبر ۱۹۴۷ (منظور «مانیفست ارتش آزادیبخش توده ای چین»، « شماره های ارتش آزادیبخش توده ای چین»، « دستور در باره تجدید انتشار سه اصل بزرگ انضباطی و هشت ماده مقرراتی»، « برنامه قانون ارضی چین» و « قرار کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در باره اعلام برنامه قانون ارضی چین»)، بیک کار آموزشی عمیق دست زنند و آنرا رهنمون کار عملی خود قرار دهند. در اجرای سیاستها در محلهای مختلف، هرگونه عدول از اصول اساسی این گزارش باید بلافاصله اصلاح شود." سایر قراردادهای مهم این جلسه عبارتند از:

۱ - از هیچگونه کوششی برای ادامه بلاانقطاع جنگ انقلابی خلق چین تا پیروزی کامل نباید فروگذار کرد، بدشمن نباید اجازه داد تاکتیک دفع الوقت (مذاکرات صلح) برای هجوم دو باره بخلق فرصت نفس کشیدن بیابد.

و نقشه ضد انقلابی چانکایسک را دائر بر ادامه گسترش دامنه جنگ به مناطق آزاد شده برای از نابودی کامل این مناطق نقش بر آب ساخت. اکنون دیگر عرصه جنگ مناطق آزاد شده نیست ، بلکه در مناطق تحت حکومت گومیندان است ؛ نیروهای عمده ارتش آزادیبخش توده ای دامنه نبرد را به مناطق تحت حکومت گومیندان کشانده اند (۱) . ارتش آزادیبخش توده ای چین هم اکنون در خاک چین چرخ ضد انقلاب امپریالیسم آمریکا و نوکرانش - دارودسته راهزنان چانکایسک - را بعقب بر گردانده و آنها را بسراشیب نابودی سوق داده است و در عین حال چرخ خویش - چرخ انقلاب را در شاهراه پیروزی به پیش هدایت نموده است. این نقطه چرخشی در تاریخ است. این نقطه ای است که نمودار تغییر سلطه بیست ساله ضد انقلابی چانکایسک .سلطه بیش از صد ساله امپریالیستها در چین از رشد به زوال است. این رخداد عظیمی است، و بدینجهت عظیم است که در یک کشور با جمعیت ۴۷۵ میلیون نفری رخ میدهد، و چنانچه رخ دهد، حتماً به پیروزی سرتاسری کشور می انجامد. و باز، عظیم است بدینجهت که در مشرق زمین صورت میگیرد، یعنی در منطقه ایکه بیش از یک میلیارد نفر (نیمی از جمعیت جهان) زیر یوغ ظلم و ستم امپریالیسم رنج میبرند. گذار جنگ آزادیبخش خلق چین از دفاع به تعرض مسلماً شادی و خرسندی این ملل ستمدیده را بر می انگیزد و بآنها الهام میبخشد. در عین حال، بمثابة کمکی است به خلقهای ستمدیده کشورهای مختلف اروپا و آمریکا که اکنون در حال مبارزه اند.

۲

ما از همان روزیکه چانکایسک جنگ ضد انقلابی را بر پا ساخت، گفتیم که باید چانکایسک را در هم بکوبیم و بخوبی نیز قادر باجام این امر هستیم ما

۲ - زمان تشکیل دولت انقلابی مرکزی هنوز فرا نرسیده است. این مسئله فقط وقتی میتواند مطرح شود که ارتش ما به پیروزیهای باز هم بزرگتری رسیده باشد. وحتی اعلام قانون اساسی نیز مسئله ایست مربوط به آینده.

جلسه علاوه بر این مسئله وجود بعضی از گرایشهای ناسالم درون حزبی و همچنین برخی از سیاستهای مشخص در مورد اصلاحات ارضی و جنبش توده ای را بطور دقیق مورد بحث قرار داد. نتایج این بحث بعدها از طرف رفیق مائو تسه دون در مقاله ای تحت عنوان « در باره برخی از مسائل مهم سیاست کنونی حزب » جمع آوری گردید (رجوع شود بجلد حاضر ، صفحه ۲۶۵) تمام نوشته هائی از متن حاضر گرفته تا « بخشنامه دوباره وضع حاضر » نوشته شده در ۲۰ مارس ۱۹۴۸ همگی در یان جیاگو از شهرستان می جی واقع در شمال استان شنسی نگارش یافته است .

باید چانکایشک را شکست دهیم زیرا جنگی که او بر پا کرده، جنگی است ضدانقلابی که از طرف امپریالیسم آمریکا علیه استقلال ملی چین و آزادی خلق چین هدایت میشود. پس از پایان جنگ جهانی دوم و شکست امپریالیسم ژاپن، وظایف خلق چین عبارت بودند از انجام اصلاحات دموکراتیک نوین در شئون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، تحقق وحدت و استقلال کشور و تغییر چین از یک کشور فلاحتی بیک کشور صنعتی. ولی در چنین موقعی، پس از پیروزی دومین جنگ جهانی ضد فاشیستی، امپریالیسم آمریکا و نوکرانش در کشورهای مختلف بر جای امپریالیسم آلمان و ژاپن و نوکرانشان نشستند و با تشکیل یک اردوگاه ارتجاعی علیه اتحاد شوروی، علیه کشورهای دموکراتیک توده ای اروپا، علیه جنبش های کارگری کشورهای سرمایه داری، علیه نهضت های ملی مستعمرات و نیمه مستعمرات و علیه آزادی خلق چین قدا علم نمودند. در همین موقع بود که مرتجعین چین بسرکردگی چانکایشک - درست همانند وان جین وی، این سک زنجیری امپریالیست های ژاپن - بصورت عاملین امپریالیست های آمریکا در آمدند و چین را به ایالات متحده آمریکا فروختند و بمنظور جلوگیری از پیشرفت امر آزادی خلق چین آتش جنگ را علیه خلق چین مشتعل ساختند. در چنین شرایطی، اگر ما از خود ضعف نشان میدادیم و یا پا پس میکشیدیم و جرأت نمیکردیم با جنگ انقلابی مبارزه قاطعانه علیه جنگ ضد انقلابی برخیزیم، چین به محاق ظلمت و تاریکی فرو میرفت و آینده ملت ما تباه میگردد. ارتش آزادیبخش توده ای چین تحت رهبری حزب کمونیست در مقابل حملات چانکایشک با عزم راسخ در راه جنگ انقلابی میهن پرستانه و عادلانه گام نهاده است. حزب کمونیست چین با ارزیابی دقیق اوضاع بین المللی و داخلی بر اساس علم مارکسیسم - لنینیسم دریافته که نه فقط باید بلکه بخوبی میتوان حملات مرتجعین داخلی و خارجی را در هم شکست. هنگامیکه آسمان را پوششی از ابرهای سیاه فرا گرفته بود، ما یادآور شدیم که این فقط پدیده ای موقتی است، ظلمت و تاریکی بزودی و داع خواهد گفت و سپیده صبحگاهی مژده ورود خواهد داد. ژوئیه سال ۱۹۴۶ هنگامیکه دسته راهزنان چانکایشک جنگ ضد انقلابی را در سراسر کشور برپا ساختند، تصور میکردند که میتوانند ارتش آزادیبخش توده ای را فقط در ظرف سه تا شش ماه در هم بشکنند. آنها حساب میکردند که نیروئی بالغ بر چهار میلیون نفر در اختیار دارند که عبارتست از دو میلیون نفر ارتش منظم، بیش از یک میلیون نفر ارتش غیره منظم و متجاوز از یک میلیون نفر کارمند در مؤسسات نظامی و واحدهای مسلح در پشت جبهه، بعلاوه آنها حساب میکردند برای تکمیل تدارکات تعرض از فرصت استفاده کرده اند؛ شهرهای

بزرگ را دوباره تحت کنترل خود در آورده اند، جمعیتی بالغ بر ۳۰۰ میلیون نفر در اختیار دارند، تمام تجهیزات ارتش یک میلیون نفری تجاوزی ژاپن را تصاحب نموده اند و از دولت آمریکا کمکهای نظامی و مالی هنگفتی اخذ کرده اند. آنها باز چنین میپنداشتند که ارتش آزادیبخش توده ای چین پس از هشت سال جنگ مقاومت ضد ژاپنی سخت فرسوده گشته و از نظر تعداد نفرات و تجهیزات بهیچوجه بیای ارتش گومیندان نمیرسد، و علاوه بر این مناطق آزادشده چین فقط کمی بیش از صد میلیون نفر جمعیت دارد و بخش وسیعی از آن هنوز از وجود نیروهای ارتجاعی فئودالی پاک نشده است و اصلاحات ارضی هم در آنجا هنوز بطور عموم و تمام و کمال انجام نیافته است، در یک کلام ارتش آزادیبخش توده ای فاقد پشتگاه مستحکمی میباشد. درست در نتیجه یک چنین ارزیابی بود که دارودسته راهزنان چانکایسک آرزوی خلق چین را به صلح نادیده گرفت، سرانجام قرار داد متارکه جنگ منعقد در ژانویه سال ۱۹۴۶ بین گومیندان و حزب کمونیست را نقض کرد و تصمیمات متخذه کنفرانس مشورتی سیاسی همه احزاب را زیر پا نهاد و جنگ ماجراجویانه را بر پا ساخت. ما در همان موقع گفتیم که برتری قوای نظامی چانکایسک فقط پدیده ای است گذارا و عاملی است که فقط میتواند نقشی موقتی داشته باشد؛ کمک امپریالیسم آمریکا نیز بهمین ترتیب عاملی است که فقط میتواند نقشی موقتی داشته باشد، حال آنکه خصلت ضد خلقی جنگ چانکایسک و احساسات مردم عواملی هستند که نقش دائمی دارند. در این زمینه ارتش آزادیبخش توده ای در موضع برتر قرار گرفته است. ارتش آزادیبخش توده ای بجنگی میهن پرستانه و عادلانه و انقلابی برخاسته است، که مسلماً از پشتیبانی مردم سراسر کشور برخوردار خواهد بود. چنین است اساس سیاسی پیروزی ما بر چانکایسک. تجربیات ۱۸ ماه اخیر جنگ صحت این قضاوت ما را کاملاً ثابت کرده اند.

۳

در نتیجه پیکارهای ۱۷ ماه اخیر (از ژوئیه ۱۹۴۶ تا نوامبر ۱۹۴۷، آمار دسامبر هنوز در دست نیست) یک میلیون و ششصد و نود هزار نفر از ارتش منظم و غیرمنظم چانکایسک کشته، مجروح یا اسیر شده اند که از میان ۶۴۰ هزار نفر کشته یا مجروح و یک میلیون و پنجاه هزار نفر اسیر گردیده اند. بدینسان ارتش ما توانست حملات چانکایسک را دفع کند و قسمت عمده مناطق آزادشده را حفظ

نماید و خود به تعرض رو آورد. اگر مسئله را از نظر نظامی بررسی کنیم، ما باین علت توانستیم موفق شویم که استراتژی صحیحی را اجرا کرده ایم. اصول نظامی ما بدینقرارند:

۱- باید نخست به نیروئی پراکنده و منفرد دشمن حمله برد و سپس به نیروهای متمرکز و نیرومند دشمن .

۲- باید نخست شهرهای کوچک و متوسط و مناطق وسیع روستائی را تصرف کرد و سپس شهرهای بزرگ را.

۳- باید نابود ساختن نیروی زنده دشمن را هدف عمده خود قرار داد، نه حفظ یا تصرف شهرها و سرزمین ها را . حفظ و تصرف شهرها و سرزمینها نتیجه نابود ساختن نیروی زنده دشمن است، و معمولاً یک شهر یا یک منطقه زمانی میتواند بخوبی نگهداری یابطور نهائی تصرف شود که چند بار دست بدست گشته باشد.

۴- باید در هر نبرد نیروهای نظامی مطلقاً برتر را متمرکز ساخت (دو، سه، یا چهار و گاهی حتی پنج یا شش برابر نیروهای دشمن)، قوای دشمن را باید از چهار طرف بحلقه محاصره در آورد سعی در نابودی کامل آن نمود، بطوریکه حتی یک نفر هم فرصت فرار نیابد. در شرایط خاص باید از شیوه فرود آوردن ضربات خرد کننده بر دشمن استفاده کرد، بدین معنی که ما باید با تمرکز تمام نیرو از روبرو بدشمن حمله کنیم و در عین حال بیک یا دو جناح آن نیز حمله بریم، البته با این هدف که بخشی از نیروهای دشمن را نابود ساخته و بخش دیگر را تارومار کنیم تا ارتش ما بتواند بسرعت واحدهای خود را برای درهم کوبیدن سایر نیروهای دشمن بکار اندازد. ما باید از پیکارهای فرساینده ای که در آن برد ما از باخت ما کمتر و یا برد و باخت ما مساوی هستند، اجتناب ورزیم. بدین ترتیب با وجود اینکه ما در مجموع (از نظر تعداد) ضعیف هستیم، در جرء و در هر عملیات اپراتیو مشخص برتری مطلق داریم و این خود ضامن پیروزی ما در عملیات اپراتیو است. ما با گذشت زمان، در مجموع برتری خواهیم یافت و سرانجام کلیه نیروهای دشمن را نابود خواهیم ساخت.

۵- نباید بدون آمادگی قبلی و بدون اطمینان به پیروزی به هیچ نبردی دست زد؛ قبل از هر نبرد باید تمام مساعی را برای تهیه تدارکات لازم و تضمین پیروزی در شرایط موجود بین خود و دشمن بکار برد.

۶- باید شیوه رزمی خود - یعنی تهورداشتن در نبرد، نترسیدن از قربانی، بی اعتنا بودن بختستگی و استقامت داشتن در پیکارهای مداوم (بمفهوم نبرد های متوالی در مدت کوتاه و بدون استراحت) را شکوفا ساخت.

- ۷- باید کوشید تا دشمن را در حین حرکت نابود کرد. در عین حال باید به تاکتیک حمله موضعی و تصرف نقاط استحکامی شهری دشمن نیز توجه داشت.
- ۸- در مورد حمله به شهرها، باید تمام آن نقاط استحکامی و شهرهای دشمن را که نیروی دفاعی ضعیفی دارند، مصممانه تصرف نمود. در فرصت مناسب باید تمام نقاط استحکامی و شهرهای دشمن را که دارای قدرت دفاعی متوسط اند، در صورتیکه شرایط اجازه دهد، تصرف کرد؛ در مورد تمام آن نقاط استحکامی و شهرهای دشمن که قدرت دفاعی نیرومندی در اختیار دارند، باید منتظر ماند تا شرایط برای تصرف آنان آماده گردد.
- ۹- باید قدرت خود را با تمام سلاحها و تجهیزاتی که از دشمن به غنیمت گرفته شده، و همچنین با قسمت اعظم اسرای جنگی تکمیل کرد. منبع عمده ذخایر نیروی انسانی و مادی ارتش ما جبهه های جنگ است.
- ۱۰- باید از فاصله بین دو عملیات جنگی برای استراحت، تعلیم و تقویت واحدهای نظامی بخوبی استفاده کرد. مدت استراحت، تعلیم و تقویت واحدها برای اینکه بدشمن امکان نفس کشیدن داده نشود، معمولاً نباید زیاد طولانی باشد.
- اینها همه متد های عمده ای هستند که ارتش آزادیبخش توده ای جهت در هم کوبیدن چانکایشک بکار برده است. این متدها در نتیجه آبدیدگی ارتش آزادیبخش توده ای در جریان مبارزه مسلحانه طولانی علیه دشمنان داخلی و خارجی بدست آمده اند و با شرایط کنونی ما کاملاً مطابقت دارند. دارودسته راهزنان چانکایشک و پرسنل نظامی امپریالیستهای آمریکا در چین این متدهای نظامی ما را بخوبی میشناسند. چانکایشک برای یافتن طرقی جهت مقابله با این متدها، بارها به تعلیم نظامی ژنرالها و افسران ارشد خود پرداخته و نشریات نظامی ما و اسنادیکه در جریان جنگ از ما به غنیمت گرفته بود، برای مطالعه بین آنها توزیع کرده است. پرسنل نظامی آمریکا برای نابودی ارتش آزادیبخش توده ای استراتژی و تاکتیکهای گوناگونی به چانکایشک پیشنهاد میکردند، قوای نظامی او را تعلیم میدادند و بآنها تجهیزات نظامی میرسانیدند. ولی هیچیک از این تلاشها نتوانست دارودسته راهزنان چانکایشک را از شکست نجات دهد. زیرا استراتژی و تاکتیک ما بر اساس جنگ توده ای مبتنی است؛ هیچ ارتش ضد خلقی قادر به استفاده از استراتژی و تاکتیک ما نیست. ارتش آزادیبخش توده ای کار سیاسی انقلابی پرتوان خود را بر اساس جنگ توده ای و بر اساس اصل وحدت ارتش و مردم، وحدت فرماندهان و رزمندگان و همچنین تلاشی ارتش دشمن رشد تکامل داده است؛ و این خود یکی از عوامل مهم

تأمین پیروزی ما بر دشمن است. زمانیکه ما بخاطر مصون ماندن از ضربات مرگبار نیروی برتر دشمن تغییر مکان قوای نظامی خود جهت نابود ساختن دشمن در حین حرکت بسیاری از شهرها را بابتکار خود رها کردیم، دشمنان ما از فرط شادی سر از پا نمیشناختند. آنها این عمل را پیروزی خود و شکست ما بحساب میآوردند و از باده این " پیروزی " موقتی سخت سرمست شده بودند. چانکایشک بعد از ظهر همان روزیکه شهر جان جیا کو را به اشغال در آورد. فرمان تشکیل مجلس ملی ارتجاعی خودش را صادر کرد، گوئی از این پس حکومت ارتجاعی وی چون کوه تای مستحکم گردیده است. امپریالیستهای آمریکا نیز از شدت خوشحالی در پوست خود نمیگنجیدند، مثل اینکه توطئه شوم آنها در تبدیل چین به مستعمره آمریکا دیگر بدون هیچ مانع و رادعی میتواند تحقق بیابد. ولی با گذشت زمان، لحن چانکایشک و اربابان آمریکائی او رو به تغییر نهاد. اکنون بدبینی مفروطی بردشمنان داخلی و خارجی مستولی است. آنها با آه و ناله از بحران موجود شکوه و شکایت میکنند و دیگر اثری از وجد و شعف در سیمایشان خوانده نمیشود. طی ۱۸ ماه اخیر اکثریت فرماندهان عالیرتبه چانکایشک در جبهه های مختلف بعلت شکست از کار معذول گردیده اند. در میان آنها لیو جی (در جن جو)، سیوه یوه (در سیو جو)، او چی وی (در شمال جیان سو)، تان ئن بوه (در جنوب شان دون)، وان جون لیان (در شمال حه نان)، دو یو مین و سیون شی هوی (در شن یان) و سون لیان جون (در بی پین) هستند. چن جن رئیس ستاد کل چانکایشک که فرماندهی کل عملیات را بر عهده داشت، نیز از کار برکنار شد و به فرماندهی جبهه شمال شرقی تنزل مقام یافت (۲)، ولی درست در همان وقتیکه چانکایشک بجای چن جن شخصاً فرماندهی کل را بدست گرفت، اوضاع روبه تغییر نهاد و ارتش چانکایشک مجبور شد از حالت تعرضی به حالت دفاعی برود، در صورتیکه ارتش آزادیبخش توده ای از دفاع به تعرض رو آورد. اکنون دارودسته مرتجع چانکایشک و اربابان آمریکائی آنها باید به اشتباهات خود پی برده باشند. آنها تمام کوشش هائی را که حزب کمونیست چین، بمثابه بیان کننده آرزوها و آمال خلق چین، مدت مدیدی پس از تسلیم ژاپن بخاطر صلح و علیه جنگ داخلی بخرج میداد، نشانه ترس و ضعف وی میدانستند. آنها به نیروی خود پربها و به نیروی انقلاب کم بها میدادند و سر انجام با بر افروختن آتش جنگ ماجراجویانه در دامی که خود گسترده بودند، سرنگون گردیدند. محاسبات استراتژیک دشمنان ما کاملاً غلط از آب در آمد.

در حال حاضر پشترگاه ارتش آزادیبخش توده ای چین از ۱۸ ماه پیش بمراتب محکمتر گردیده است. علت اینستکه حزب ما با قطعیت تمام در صف دهقانان ایستاده و اصلاحات ارضی را بمرحله اجرا در آورده است. در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی، بخاطر تشکیل جبهه متحد ضد ژاپنی با گومیندان و وحدت کلیه افرادیکه در آلمان میتوانستند علیه امپریالیسم ژاپن مبارزه کنند، حزب ما سیاست ارضی گذشته خود را دایر بر مصادره زمینهای مالکین برای تقسیم بین دهقانان به تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود تغییر داد. این عملی کاملاً لزومی بود. پس از تسلیم ژاپن، دهقانان مصرانه طلب زمین میکردند و ما بموقع تصمیم گرفتیم سیاست ارضی خود را دایر بر تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود به مصادره ارضی طبقه مالکین برای تقسیم بین دهقانان تغییر دهیم. رهنمود مورخ ۴ ماه ۱۹۴۶ (۳) کمیته مرکزی حزب ما نشاندهنده این تغییر است. سپتامبر سال ۱۹۴۷ حزب ما با تشکیل کنفرانس ارضی سرتاسری کشور برنامه قانون ارضی چین (۴) را بتصویب رساند که بلادرنگ در تمام نقاط کشور بموقع اجرا گذاشته شد. این اقدام نه تنها اصول « رهنمود ۴ مه ۱۹۴۶ » را تأیید میکرد، بلکه برخی از جنبه های ناپیگیری سند مزبور را هم قاطعانه بر طرف ساخت. برنامه قانون ارضی چین که اصل تقسیم سرانه و یکسان زمین را پیش بینی میکند، بر اساس اصل لغو سیستم ارضی استثمار فئودالی و نیمه فئودالی و استقرار سیستم ارضی " زمین از آن کشت کار " استوار است (۵). این کاملترین شیوه ای است که نظام فئودالی را ریشه کن میسازد و به بهترین وجهی با خواسته های توده های وسیع دهقانان چین مطابقت میکند. بمنظور اجرای قطعی و کامل اصلاحات ارضی، نه فقط باید در روستاها اتحادیه های دهقانی میانه حال را دربر میگردد، و همچنین کمیته های منتخب آنها را تشکیل داد، بلکه باید قبل از همه انجمن های دهقانان فقیر متشکل از دهقانان فقیر و دهقانان مزدور و کمیته های منتخب آنها که هسته رهبری کننده تمام مبارزات دهقانی هستند، ایجاد کرد. این اتحادیه های دهقانی و انجمنهای دهقانان فقیر بمثابة ارگانهای قانونی در اجرای اصلاحات ارضی محسوب میشوند. سیاست ما چنین است: اتکاء به دهقانان فقیر، اتحاد پایدار با دهقانان میانه حال و الغاء سیستم استثمار فئودالی و نیمه فئودالی طبقه مالکین و دهقانان مرفه طراز کهن. به مالکین و دهقانان مرفه نباید بیش از سهم توده های دهقانان ملک و دارائی داده شود. اما آن سیاست نادرست چپ افراطی سالهای ۱۹۳۱

– ۱۹۳۴، یعنی " به مالکین زمین داده نشود و به دهقانان مرفه زمین نامرغوب داده شود " نیز دیگر بهیچوجه نباید تکرار شود . با آنکه نسبت جمعیت مالکین و دهقانان مرفه در نقاط مختلف روستائی یکی نیست ، مع الوصف در مجموع از ۸ در صد (بر حسب خانوار) تجاوز نمیکند ، در حالیکه املاک آنها معمولاً ۷۰ تا ۸۰ در صد تمام مساحت زمین را تشکیل میدهند . از اینرو اصلاحات ارضی ما فقط علیه معدودی متوجه است؛ آن خانواده دهقانی که میتوانند و باید در جبهه متحد اصلاحات ارضی شرکت کنند ، تقریباً بیش از ۹۰ در صد جمعیت روستاها را تشکیل میدهند . در اینجا باید دو اصل اساسی مورد توجه قرار گیرد : اولاً ، تأمین خواستههای دهقانان فقیر و دهقانان مزدور، و این اساسی ترین وظیفه اصلاحات ارضی است ؛ ثانیاً ، اتحاد محکم با دهقانان میانه حال و حفظ مصالح آنان در مقابل تجاوز . چنانچه ما از این دو اصل اساسی پیروی کنیم ، مسلماً قادر خواهیم بود وظایف خود را در اصلاحات ارضی بطور موفقیت آمیز انجام دهیم . علت اینکه زمینهای اضافی و بخشی از دارائی دهقانان مرفه طراز کهن باید طبق اصل تقسیم یکسان تقسیم شوند ، اینستکه در چین دهقانان مرفه بطور کلی و تا اندازه زیادی دارای خصلت استثماری فئودالی و نیمه فئودالی هستند و اکثر آنها از طریق اجاره دادن زمین و رباخواری و اجیر کردن دهقانان مزدور تحت شرایط نیمه فئودالی امرار معاش میکتند (۶) . بعلاوه از آنجا که دهقانان مرفه بالنسبه زمینهای بیشتر و بهتری را صاحبند (۷) ، لذا خواستههای دهقانان فقیر و دهقانان مزدور تنها با تقسیم این زمینها میتواند تأمین شود . معهداً طبق مقررات برنامه قانون ارضی ، باید بین دهقانان مرفه و مالکین بطور کلی فرق گذاشته شود . دهقانان میانه حال در اصلاحات ارضی به اصل تقسیم یکسان زمین روی موافق نشان میدهند، زیرا این به منافع آنها صدمه ای وارد نمیآورد . با اجرای اصل تقسیم یکسان ، زمینهای عده ای از دهقانان میانه حال بدون تغییر باقی میماند و بر زمینهای عده دیگر افزوده خواهد شد ؛ فقط بخشی از دهقانان میانه حال مرفه هستند که کمی زمین اضافی دارند ، ولی اینها هم حاضر به واگذار کردن زمینهای اضافه خود هستند، زیرا در چنین صورتی از بار مالیات آنها بر زمین کاسته خواهد شد . معذک در اجرای تقسیم یکسان زمین در نقاط مختلف باید به نظرات دهقانان میانه حال توجه کرد و در صورت عدم موافقت آنها ، از خود گذشت نشان داد . در حین مصادره و تقسیم زمین و دارائی و اموال طبقه فئودالی باید نیازمندیهای بعضی از دهقانان میانه حال را نیز مورد توجه قرار داد . هنگام تعیین تعلق طبقاتی باید دقت شود تا دهقانان میانه حال اشتباهاً بجای دهقانان مرفه بحساب نیایند . دهقانان میانه حال فعال را باید به شرکت در کار کمیته های اتحادیه دهقانی و ارگانهای

حکومتی جلب نمود. در تعیین میزان مالیات بر زمین و کمک بامر جنگ باید رعایت عدل و انصاف گردد. اینها رهنمودهای مشخصی هستند که حزب ما باید در امر وحدت استوار با دهقانان میانه حال برای اجرای وظیفه استراتژیک خود اتخاذ کند. تمام حزب باید درک کند که اصلاحات ارضی ریشه ای یکی از وظایف اساسی انقلاب چین در مرحله کنونی است. چنانچه بتوانیم بطور همه جانبه و کامل مسئله ارضی را حل کنیم، اساسی ترین شرط را جهت شکست کلیه دشمنان بدست خواهیم آورد.

۵

برای اجرای قطعی و کامل اصلاحات ارضی و استحکام پشنگ ارتش آزادیبخش توده ای، تربیت و تجدید سازمان صفوف حزب ما ضرور است. جنبش اصلاح سبک کار در درون حزب در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی بطور کلی با موفقیت انجام پذیرفت. نمودار موفقیت عمده آن پی بردن بیشتر ارگانهای رهبری و بخش عظیمی از کادرها و اعضای حزب ما به این اصل اساسی، یعنی وحدت حقیقت عام مارکسیسم - لنینیسم با پراتیک مشخص انقلاب چین است و حزب ما در اینمورد با مقایسه با مراحل تاریخی قبل از جنگ مقاومت ضد ژاپنی گام بلندی بجلو برداشته است. اما در سازمانهای محلی و بخصوص در سازمانهای بنیادی روستائی حزب هنوز مسئله آلودگی ترکیب طبقاتی صفوف و سبک کار ما حل نشده است. طی مدت ۱۱ سال - از سال ۱۹۳۷ تا سال ۱۹۴۷ - تعداد اعضای حزب ما از چند هزار نفر به دو میلیون و ۷۰۰ هزار نفر رسیده است و این خود جهش بسیار بزرگی به پیش است. این امر حزب ما را به نیرومندترین حزب سیاسی در تاریخ چین تبدیل کرده است. و بدینجهت بود که ما توانستیم امپریالیسم ژاپن را از پا در آوریم، حملات چانکایشک را دفع کنیم، رهبری مناطق آزاد شده با جمعیتی بیش از ۱۰۰ میلیون نفر را بکف بگیریم و ارتش آزادیبخش توده ای دو میلیونی را رهبری کنیم. ولی نواقص و کمبودهایی هم پیدا شده اند. بسیاری مالکین، دهقانان مرفه و اراذل و اوباش با استفاده از فرصت به درون حزب ما رخنه کرده اند. آنها در مناطق روستائی در بسیاری از سازمانها حزبی، ارگانهای دولتی و توده ای قدرت را بچنگ گرفته و بمیل خود هر کاریکه بخواهند میکنند، بر مردم تحکم میکنند و سیاست حزب را تحریف مینمایند و بدین ترتیب این سازمانها را از توده های مردم جدا ساخته و از اجرای کامل اصلاحات ارضی جلوگیری مینمایند. درست همین وضع وخیم است که وظیفه تربیت

و تجدید سازمان صفوف حزب را در برابر ما قرار میدهد. ما بدون انجام این وظیفه قادر به پیشبرد کار خود در روستاها نخواهیم بود. کنفرانس کشوری حزب در باره مسئله ارضی پس از بررسی کامل این مسئله تدابیر و شیوه های مناسبی تدوین نمود. اکنون این تدابیر و شیوه ها همراه با قرار درباره تقسیم یکسان زمین در نقاط مختلف با قطعیت تمام بموقع اجرا گذاشته میشود. در اینجا مهمترین نکته بسط و گسترش انتقاد و انتقاد از خود در درون حزب، افشای کامل اشتباه آمیز و وضع وخیم سازمانهای محلی است که از مشی حزب منحرف گردیده اند. کلیه رفقای حزبی باید باین نکته آگاه باشند که تصفیه سازمانهای حزبی و تربیت و تجدید سازمان صفوف حزب حلقه تعیین کننده رنجبره حل مسئله ارضی و پشتیبانی از جنگ طولانی است که بحزب امکان میدهد تا همپای وسیعترین توده های زحمتکش در یک جهت به پیش رود و آنها را هدایت کند.

۶

مصادره زمین های طبقه فئودال و واگذار کردن آنها به دهقانان؛ مصادره سرمایه انحصاری که در صدر آن چانکایسک، سون زی وین، کون سیان سی و چن لی فو قرار دارد و واگذار کردن آن به دولت دموکراتیک نوین؛ حمایت از صنایع بازرگانی بورژوازی ملی - اینست سه سیاست عمده اقتصادی انقلاب دموکراتیک نوین. چهار فامیل بزرگ - چانکایسک، سون زی وین، کون سیان سی و چن لی فو - طی بیست سال حکومت خود ثروت هنگفتی بالغ بر ۱۰ تا ۲۰ میلیارد دلار آمریکائی بهم زده اند و تمام رشته های حیاتی اقتصادی کشور را به انحصار خود در آورده اند. این سرمایه انحصاری با آمیختن با قدرت دولتی به سرمایه داری انحصاری دولتی مبدل شده است. این سرمایه داری انحصاری با پیوند نزدیکی که با امپریالیسم خارجی، طبقه مالکان و دهقانان مرفه طراز کهن داخلی یافته است، به سرمایه داری انحصاری دولتی کمپرادوری و فئودالی بدل گردیده است. این است پایه اقتصادی قدرت سیاسی ارتجاعی چانکایسک. این سرمایه داری انحصاری دولتی نه فقط به کارگران و دهقانان بلکه به خرده بورژوازی شهری ستم روا میدارد و نیز به بورژوازی متوسط خساراتی وارد میآورد. در طول جنگ مقاومت ضد ژاپنی و بعد از تسلیم ژاپن این سرمایه داری انحصاری دولتی به حد اکثر رشد خود رسید و شرایط مادی کاملی برای اجرای انقلاب دموکراتیک نوین فراهم آورد. این سرمایه در چین معمولاً سرمایه بوروکراتیک خوانده میشود و این بخش از سرمایه داران معرف به سرمایه داران

بوروکراتیک را بورژوازی بزرگ چین مینامند . وظایف انقلاب دموکراتیک نوین در داخل کشور علاوه بر لغو امتیازات امپریالیستها در چین عبارت است از برانداختن استثمار و مظلّم طبقه مالکان و سرمایه داران بوروکراتیک (بورژوازی بزرگ) ، تغییر مناسبات تولیدی کمپرادور - فئودالی و آزاد کردن نیروهای مولده . قشر های فوقانی خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط که از این طبقات و حاکمیت دولتی رنج و خسران میبرند ، علی رغم تعلقی که با بورژوازی دارند ، میتوانند در انقلاب دموکراتیک نوین شرکت جویند یا بیطرف بمانند. اینان که با امپریالیسم پیوندی نداشته و یا پیوند سستی دارند ، بورژوازی ملی واقعی را تشکیل میدهند . قدرت سیاسی دولت دموکراتیک نوین در هر جا که مستقر شود ، باید این قشر ها را با قطعیت و بدون چون چرا مورد حمایت قرار دهد . در مناطق تحت حکومت چانکایسک عده قلیلی از افراد قشر های فوقانی خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط - عناصر دست راست این قشر ها - دارای گرایشهای سیاسی ارتجاعی بوده و با اشاعه تصورات واهی نسبت به امپریالیسم آمریکا و دارودسته مرتجع چانکایسک علیه انقلاب دموکراتیک خلق قد علم میکنند . ما بمحض مشاهده نفوذ این گرایشهای ارتجاعی در میان توده ها باید با عریان ساختن ماهیت واقعی آنان در برابر توده ها نفوذ سیاسی آنها را در میان مردم خنثی کرده و توده ها را از بند آن نجات دهیم . ولی حملات سیاسی و نابودی اقتصادی دو موضوع کاملاً گوناگونند ؛ این خطا خواهد بود اگر ما این دو را باهم مخلوط کنیم . انقلاب دموکراتیک نوین تنها فئودالیسم و سرمایه داری انحصاری - طبقه مالکین و بورژوازی بوروکراتیک (بورژوازی بزرگ) - را از میان بر میدارد ، ولی هدفش از میان برداشتن سرمایه داری بطور اعم و قشر های فوقانی خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط نیست . بعلت عقب ماندگی اقتصادی چین ، حتی پس از پیروزی انقلاب در سراسر کشور نیز وجود یک بخش کاپیتالیستی اقتصاد ملی متعلق به قشر فوقانی خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط برای مدت طولانی هنوز مجاز خواهد بود و بعلاوه طبق اصل تقسیم کار اقتصادی ملی ، رشد و توسعه معین کلیه آن عناصر بخش کاپیتالیستی که بنفع اقتصادی ملی است ، لزومی خواهد بود ؛ این بخش کاپیتالیستی جزء لاینفک اقتصاد ملی خواهد بود . قشر فوقانی خرده بورژوازی که در اینجا بدان اشاره شد ، صاحبان مؤسسات کوچک صنعتی و بازرگانی هستند که کارگر و یا فروشنده اجیر میکنند . علاوه بر این ، عده زیادی از پیشه وران مستقل و تجار خرده پا هم وجود دارند که نه کارگری اجیر میکنند و نه فروشنده ای ، و بدیهی است که باید آنها را مورد حمایت کامل قرار داد . پس از پیروزی انقلاب در سراسر کشور ،

مؤسسات دولتی بزرگ که از بورژوازی بوروکراتیک گرفته شده اند و بر تمام رشته های حیاتی اقتصادی ملی نظارت میکنند ، بمالکیت دولت دموکراتیک نوین در خواهد آمد ؛ بعلاوه ، یک اقتصاد کشاورزی آزاد از فئودالیسم وجود خواهد داشت که هر چند برای مدتی طولانی اساساً بطور پراکنده و منفرد اداره خواهد شد ، ولی در آینده بتدریج بسوی کئوپراتیوه شدن خواهد رفت . در چنین شرایطی ، موجودیت و رشد این بخش از سرمایه داری کوچک و متوسط هیچگونه خطری ندارد . در مورد اقتصاد دهقانان نو مرفه که الزاماً بعد از اصلاحات ارضی در روستاها پدید میاید ، نیز اصل فوق صادق است . و بهیچوجه نباید آن سیاست چپ افراطی نادرست را نسبت به بخش اقتصادی قشر فوقانی خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط تکرار کنیم که حزب ما در دوره ۱۹۳۱-۱۹۳۴ در پیش گرفته بود (مانند تقاضای های بیمورد برفع کارگران ؛ مالیات در در آمد بیش از حد ؛ تجاوز به منافع صاحبان صنایع و بازرگانان در جریان اجرای اصلاحات ارضی ؛ و اتخاذ سیاست کوتاه نظرانه و یکجانبه برای باصلاح " رفاه زحمتکشان " بعوض اتخاذ سیاسی جهت رشد و توسعه تولید ، اعتلای اقتصادی ، توجه کردن به منافع عمومی و خصوصی و تأمین منافع کار و سرمایه) . مسلم است که تکرار این اشتباهات به منافع توده های زحمتکش و همچنین به منافع دولت دموکراتیک نوین زیان میرساند . یکی از مواد برنامه قانون ارضی چین میگوید : " دارائی و اموال و فعالیت قانونی صاحبان صنایع و بازرگانی باید از تجاوز مصون بمانند . " در اینجا مقصود از صاحبان صنایع و بازرگانان تمام پیشه وران مستقل و تجار کوچک و همچنین کلیه سرمایه داران کوچک و متوسط است . بطور کلی ، ترکیب اقتصاد چین نوین بدینقرا خواهد بود : ۱- اقتصاد دولتی بمثابه بخش رهبری کننده ؛ ۲ - اقتصاد کشاورزی که بتدریج از شکل انفرادی به شکل کلکتیو رشد مییابد ؛ ۳ - بخش پیشه وران مستقل و تجار کوچک و همچنین اقتصاد سرمایه داری شخصی کوچک و متوسط . اینها همه در مجموع تشکیل دهنده اقتصاد ملی دموکراتیک نوین هستند . اما اصول هدایت کننده در اقتصاد ملی دموکراتیک نوین باید مستقیماً به هدف عمومی دایر بر رشد و توسعه تولید ، اعتلای اقتصاد ، توجه کردن به منافع عمومی و خصوصی و تأمین منافع کار و سرمایه خدمت کند . هرگونه رهنمود ، سیاست و تدبیر دیگری که مغایر این هدف عمومی باشد ، نادرست است .

ارتش آزادیبخش توده ای در اکتبر سال ۱۹۴۷ مانیفستی انتشار داد که در قسمتی از آن گفته میشود:

متحد ساختن کلیه طبقات ستمکش - کارگران ، دهقانان ، سربازان ، روشنفکران و بازرگانان - ، کلیه سازمانهای توده ای ، کلیه احزاب دموکراتیک ، کلیه اقلیت های ملی ، کلیه مهاجرین چینی و سایر میهن پرستان ؛ تشکیل جبهه متحد ملی ؛ سرنگون ساختن حکومت دیکتاتوری چانکایشک و تشکیل دولت دموکراتیک ائتلافی .

این برنامه سیاسی اساسی ارتش آزادیبخش توده ای و حزب کمونیست چین است . ظاهراً چنین به نظر میرسد که اکنون جبهه متحد ملی انقلابی ما در مقیاس با دوره جنگ مقاومت ضد ژاپنی کوچک تر شده است . ولی در حقیقت درست در مرحله کنونی ، پس از آنکه چانکایشک منافع ملی را تسلیم امپریالیسم آمریکا نمود و جنگ ضد خلقی داخلی را در سراسر کشور بر پا ساخت ، و پس از آنکه جنایات و تباهیهای امپریالیستهای آمریکا و دارودسته حاکم مرتجع چانکایشک در برابر خلق چین کاملاً افشاء گردیده اند ، جبهه متحد ملی ما واقعاً وسعت پیدا کرده است . چانکایشک و گومیندان در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی هنوز نفوذ و اعتبار خود را در میان مردم چین کاملاً از دست نداده بود و هنوز برای همراه کردن خلق چین امکانات بسیاری در اختیار داشت . ولی در حال حاضر وضع دیگر تغییر یافته است و اعمال آنان که نشاندهنده کذب گفتار شان است ، آنها را از توده های مردم بکلی جدا ساخته و به انفراد مطلق کشانده است . حزب کمونیست چین ، بعکس گومیندان ، نه تنها در مناطق آزاد شده از اعتماد کامل توده های وسیع مردم برخوردار است ، بلکه مورد پشتیبانی توده های وسیع مردم مناطق و شهر های بزرگ تحت حکومت گومیندان نیز واقع شده است . اگر در ۱۹۴۶ در مناطق تحت حکومت چانکایشک هنوز بخشی از روشنفکران قشر فوقانی خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط امیدی بیک باصطلاح "راه سوم" (A) داشته بودند ، اکنون دیگر این امید نقش بر آب شده است . حزب ما بعلت اتخاذ یک سیاست ارضی کامل از پشتیبانی صمیمی توده های دهقانی بمراتب وسیعتر از دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی برخوردار است . تجاوز امپریالیسم آمریکا ، مظالم چانکایشک و سیاست صحیح حزب ما در حفظ قاطع منافع توده های مردم سبب شده است که حزب ما در مناطق تحت حکومت

گومیندان از همدردی و علاقه توده های وسیع طبقه کارگر ، طبقه دهقان ، خرده بورژوازی شهری و بورژوازی متوسط برخوردارشود . توده های مردم بعلت وجود گرسنگی ، ستم سیاسی و جنگ داخلی ضد خلقی چانکایشک که تمام امکانات زندگی را بروی آنها بسته است ، پیگیرانه علیه امپریالیسم آمریکا و حکومت ارتجاعی چانکایشک به مبارزه برمیخیزند ؛ و شعارهای اساسی خود را علیه گرسنگی، علیه ستمگری ، علیه جنگ داخلی ، علیه مداخله ایالات متحده آمریکا در امور داخلی چین متوجه میسازند . آگاهی آنها چه در دوران قبل از جنگ مقاومت ضد ژاپنی و چه در اثنای جنگ و چه بعد از تسلیم ژاپن ، هیچگاه به درجه امروزی نرسیده بود . بدین لحاظ است که ما میگوئیم امروز جبهه متحد انقلابی دموکراتیک نوین وسیعتر و مستحکمتر از هر زمان دیگر گردیده است . این واقعیت فقط در نتیجه سیاست ما در روستا ها و شهر ها بوجود نیامده است ، بلکه به اوضاع عمومی سیاسی یعنی به پیروزی ارتش آزادیبخش توده ای ، گذار واحد های نظامی چانکایشک از تعرض به دفاع و گذار ارتش آزادیبخش توده ای از دفاع به تعرض و همچنین اوج جدید انقلاب چین نیز مستقیماً مربوط است . اکنون مردم بچشم خود می بینند که اضمحلال رژیم چانکایشک امری اجتناب ناپذیر است و از اینرو تمام امید خود را به حزب کمونیست چین و ارتش آزادیبخش توده ای می بندند ، و این امری طبیعی است . پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در چین بدون وجود وسیعترین جبهه متحد اکثریت قاطع مردم کشور امکان پذیر نیست . علاوه ، این جبهه متحد باید تحت رهبری استوار حزب کمونیست چین قرار گیرد و بدون رهبری استوار حزب کمونیست چین هیچ جبهه متحد انقلابی قادر به کسب پیروزی نیست . در سال ۱۹۲۷، هنگامیکه لشکر کشی بشمال به نقطه اوج خود رسیده بود ، تسلیم طلبان در دستگاه رهبری حزب ما داوطلبانه از رهبری توده های دهقانی ، خرده بورژوازی شهری و بورژوازی متوسط و بخصوص از رهبری نیروهای مسلح دست کشیدند و بدینترتیب انقلاب را دستخوش شکست ساختند . در دوران جنگ مقاومت ضد ژاپنی حزب ما علیه نظراتی نظیر اینگونه نظرات تسلیم طلبانه مبارزه کرد ، یعنی علیه نظرات کسانیکه نسبت به سیاست ضد خلقی گومیندان گذشت میکردند ، به گومیندان بیشتر از توده های خلق اعتماد داشتند ، به بسیج بی پروای توده ها برای مبارزه و به توسعه مناطق آزاد شده و افزایش نیروهای مسلح خلق در مناطق اشغالی ژاپنیها جرأت نمیکردند و رهبری جنگ مقاومت ضد ژاپنی را بدست گومیندان میسپردند . حزب ما علیه این نظرات پوسیده و سست پایه که مغایر اصول مارکسیسم - لنینیسم میباشد ، قاطعانه مبارزه کرد و مشی سیاسی " توسعه نیروهای مترقی ،

جلب نیروهای بینا بینی و منفرد ساختن نیروهای سرسخت " را بطور قطع اجرا نمود و با قطعیت تمام مناطق آزادشده و ارتش آزادیبخش توده ای را بسط و توسعه داد . این امر نه تنها پیروزی حزب ما را بر امپریالیسم ژاپن هنگام تجاوزش تأمین کرد ، بلکه تضمین نمود که حزب ما بتواند در دوران پس از تسلیم ژاپن ، یعنی هنگامیکه چانکایسک به جنگ انقلابی دست زد ، با موفقیت و بدون تلفات در راه جنگ انقلابی خلق علیه جنگ ضد انقلابی چانکایسک قدم گذارد و در مدت کوتاهی پیروزیهای عظیمی کسب کند . کلیه رفقای حزبی باید این درسهای تاریخی را همواره بخاط داشته باشند .



دارودسته مرتجعین چانکایسک که در سال ۱۹۴۶ جنگ داخلی ضد خلقی را در سراسر کشور برپا کرده اند ، بدین علت جرأت اقدام بیک چنین ماجراجویی جنگی را یافتند که علاوه بر اتکاء به قدرت برتر نظامی خود ، بطور عمده به امپریالیسم آمریکا که بمب اتمی در اختیار دارد و به تصور آنها " فوق العاده مقتدر " و " شکست ناپذیر " است ، تکیه میکردند . آنها از یک طرف گمان میکردند که امپریالیسم آمریکا میتواند بطور مستمر احتیاجات نظامی و مالی آنها را بر طرف سازد ؛ و از طرف دیگر با گستاخی تمام به تبلیغ درباره " ناگزیر جنگ بین ایالات متحده آمریکا و اتحادشوروی " و " ناگزیری سومین جنگ جهانی " میپرداختند . بعد از جنگ جهانی دوم وجه مشترک کلیه نیروهای ارتجاعی جهان را یک چنین وابستگی نسبت به امپریالیسم آمریکا تشکیل میدهد . این منعکس کننده ضربات سختی است که در جنگ جهانی دوم بر سرمایه داری جهانی وارد آمده و همچنین نمودار ترس و وحشت و ضعف و عدم اطمینان نیروهای ارتجاعی کلیه کشورها و تجلی بخش قدرت نیروهای انقلابی جهان است - این عوامل همگی باعث میشوند که مرتجعین همه کشورها در برابر خود راه دیگری بجز اتکاء به کمک امپریالیسم آمریکا نبینند . ولی آیا امپریالیسم آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم واقعاً آنقدر مقتدر شده است که چانکایسک و مرتجعین کشورهای مختلف تصور میکنند ؟ آیا امپریالیسم آمریکا واقعاً قادر به تأمین مستمر احتیاجات چانکایسک و مرتجعین کشورهای مختلف است ؟ خیر ، بهیچوجه . قدرت اقتصادی امپریالیسم آمریکا که در اثنای جنگ جهانی دوم رشد یافته بود ، با بی ثباتی و انقباض دائمی بازارهای داخلی و خارجی مواجه

شده است و انقباض آتی این بازارها ناگزیر موجب انفجار بحران اقتصادی خواهد گردید. پیشرفت و ترقی ایالات متحده آمریکا نیز پدیده‌ای فقط سطحی و گذراست. تضادهای حل‌نشدنی داخلی و خارجی، چون کوه آتش فشان، امپریالیسم آمریکا را همه روزه مورد تهدید قرار می‌دهند. امپریالیسم آمریکا درست بر قله این کوه آتش فشان نشسته است. این اوضاع و احوالی است که امپریالیستهای آمریکا را به تدوین نقشه اسارت جهان واداشته است. آنها چون درندگان به اروپا و آسیا و سایر نقاط جهان یورش می‌برند و با تجمع نیروهای ارتجاعی کشورهای مختلف - این تفاله‌های مورد تنفر خلقها - و با متشکل ساختن اردوگاه امپریالیستی و ضد دموکراتیک که علیه کلیه نیروهای دموکراتیک و در رأس آنها اتحاد شوروی متوجه است، به تدارک جنگ می‌پردازند بامید اینکه شاید در آینده دور روزی موفق به برافروختن آتش سومین جنگ جهانی جهت نابودی نیروهای دموکراتیک گردند. این نقشه‌ای جنون‌آمیز است. نیروهای دموکراتیک جهان موظف به عقیم گذاشتن این نقشه هستند و مسلماً هم بدان قادر خواهند بود. قدرت اردوگاه ضد امپریالیستی جهان بر قدرت اردوگاه امپریالیستی پیشی جسته است. اکنون این ماهستیم که برتری یافته‌ایم، نه دشمن اردوگاه ضد امپریالیستی و در رأس آن اتحاد شوروی، دیگر تشکیل یافته است. اتحاد شوروی سوسیالیستی که عاری از بحران است و در راه رشد و ترقی سیر میکند، از پشتیبانی و علاقه توده‌های وسیع مردم جهان برخوردار است و قدرتش بر قدرت آمریکای امپریالیستی که مورد تهدید جدی بحران قرار گرفته، رو به اضمحلال نهاده و با مخالفت توده‌های وسیع مردم جهان روبرو گشته است، تفوق جسته است. کشورهای دموکراتیک توده‌ای اروپا استحکام درونی مییابند و با یکدیگر متحد میشوند. در کشورهای سرمایه‌داری اروپا نیروهای ضد امپریالیستی به پیشآهنگی خلقهای فرانسه و ایتالیا بسط و توسعه مییابند. در ایالات متحده آمریکا نیروهای دموکراتیک خلق روز بروز نیرومند میگردند. خلقهای آمریکای لاتین نیز دیگر برده مطیع امپریالیسم آمریکا نیستند. سراسر آسیا را جنبش عظیم آزادیبخش ملی فرا گرفته است. کلیه نیروهای اردوگاه ضد امپریالیستی در اتحاد با یکدیگر به پیش‌گام برمی‌دارند. احزاب کمونیستی و کارگری نه‌کشور اروپائی به تشکیل یک بوروی اطلاعاتی اقدام کرده‌اند و به خلقهای سراسر جهان برای برخاستن علیه نقشه‌های اسارت آور امپریالیستی پیامی صدر کرده‌اند (۹). این پیام به خلقهای ستمدیده سراسر جهان الهام بخشیده، سمت مبارزه آنها را روشن ساخته و اعتماد آنها را به پیروزی تقویت کرده است. بعکس مرتجعین جهان از این پیام سخت بوحشت افتاده‌اند. در کشورهای مشرق زمین نیز کلیه نیروهای ضد

امپریالیستی باید بمنظور مبارزه علیه ظلم و ستم امپریالیسم و ارتجاع داخلی با یکدیگر متحد شوند و آزادی بیش از یک میلیارد انسانهای ستمدیده مشرق زمین را هدف مبارزه خود قرار دهند. سرنوشت ما مسلماً باید بدست خودمان افتد. ما باید صفوفمانرا از هر گونه روحیه سستی و ناتوانی پاک کنیم. کلیه نظراتی که به نیروهای دشمن پریها داده و به نیروهای خلق کم بها میدهد، نادرست است. چنانچه ما همدوش کلیه نیروهای دموکراتیک جهان تمام سعی و کوشش خود را بکار بندیم، مسلماً قادر خواهیم بود نقشه های اسارت آورد امپریالیستی را خنثی سازیم و از وقوع جنگ جهانی سوم جلوگیری نمائیم و طومار سلطه همه مرتجعین را بر چینیم و به صلح پایدار بشریت دست یابیم. ما بخوبی واقفیم که در راه پیشرفت ما موانع و مشکلات گوناگونی موجود است و باید آماده روبرو شدن با مقاومت سرسختانه و مبارزه تا امیدانه کلیه دشمنان داخلی و خارجی خود شویم. ولی فقط در صورت تسلط بر علم مارکسیسم - لنینیسم، اعتماد به توده های مردم، ایجاد وحدت فشرده با توده ها و رهبری آنها در شاهراه پیشرفت و ترقی، کاملاً قادر به رفع هرگونه مانع و مشکلی خواهیم شد. قدرت ما شکست ناپذیر است. دوران تاریخی کنونی دورانی است که در آن سرمایه داری و امپریالیسم در سراسر جهان بسوی اضمحلال میگراید و سوسیالیسم و دموکراسی توده ای در سراسر جهان بسوی پیروزی گام برمیدارد؛ طلوع شفق صبح نزدیک میشود، ما باید یا تمام نیرو و کوشش کنیم.

یادداشتها

۱ - درباره اینکه ارتش آزادیبخش توده ای چین چگونه در جبهه های مختلف متوالیاً به تعرض روی آورد و دامنه نبرد را به مناطق تحت حکومت گومیندان کشاند، رجوع کنید به « در باره پیروزی بزرگ در شمال غربی و جنبش طراز نوین برای تربیت ایدئولوژیک در ارتش آزادیبخش »، یادداشت ۲، جلد حاضر.

۲ - لیو جی رئیس اداره استقرار نظم و آرامش گومیندان در جن جو (از استان حه نان) بعلت شکستی که در سپتامبر ۱۹۴۶ در نبرد دین تائو (جنوب غربی شان دون) متحمل شد، در نوامبر ۱۹۴۶ از کار برکنار گردید. سیوه یوه رئیس اداره استقرار نظم و آرامش در سیو جو (از استان جیان سو) نیز بعلت شکستهای سختی که قوای نظامی تحت فرماندهی وی در نبرد شمال سوسیان (از استان جیان سو) در دسامبر ۱۹۴۶ و در نبرد جنوب شان دون در ژانویه ۱۹۴۷ و در نبرد لای او (شان

مکتبخانه حزب کمونیست افغانستان

دون مرکزی) در فوریه ۱۹۴۷ متحمل شده بودند، در مارس ۱۹۴۷ از مقام خود معزول گردید. او چی وی معاون رئیس آن اداره هم بعلت شکست در نبرد شمال سو سیان (بتاریخ دسامبر ۱۹۴۶)، در مارس ۱۹۴۷ از شغل خود منصرف شد. تان ئن بوه فرمانده ارتش اول گومیندان بعلت نابود شدن لشکر ۷۴ جدید گومیندان (در ماه مه ۱۹۴۷) در نبرد مون لیان گو، (جنوب شان دون) در ژوئن ۱۹۴۷ تغییر مقام یافت. وان جون لیان فرمانده ارتش چهارم گومیندان در ماه اوت ۱۹۴۷ بعلت شکست در نبرد جنوب غربی شان دون (در ماه ژوئیه) از خدمت معزول گردید. دو بو مین فرمانده ستاد کل امنیت گومیندان در شمال شرقی و سیون شی هوی رئیس ستادکل ژنرالیم در شمال شرقی بعلت اینکه ارتش آزادبخش توده ای طی تعرض تابستانی خود در ماه ژوئن ۱۹۴۷ در شمال شرقی شکستهای خورد کننده ای به آنها وارد آورده بود، از کار برکنار گشتند. سون لیان جون فرمانده منطقه جنگی شماره ۱۱ گومیندان بریاست اداره استقرار نظم و آرامش در بائو دین تنزل مقام یافت، زیرا در نبرد چینگ - تسان و نبرد سیو شوی واقع در شمال بائو دین در ماه ژوئن ۱۹۴۷ شکست خورده بود. چن چن رئیس ستادکل چانکایسک نیز در اوت ۱۹۴۷ به حکمرانی استانهای شمال شرقی تنزل رتبه یافت، زیرا در تمام نبردهائیکه تحت فرماندهی او در استان شان دون انجام یافتند، دچار شکست گردیده بود.

۳ - این مربوط به « رهنمود در باره مسئله ارضی » است که از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در چهارم ماه مه ۱۹۴۶ انتشار یافته است. مراجعه شود به « ترازنامه سه ماهه » یادداشت ۴، جلد حاضر.

۴ - کنفرانس ارضی سرتاسری کشور حزب کمونیست چین در سپتامبر ۱۹۴۷ در دهکده سی بای پوه واقع در شهرستان پین شان از استان حه به تشکیل گردید. «برنامه قانون ارضی چین» که در تاریخ ۱۳ سپتامبر بتصویب کنفرانس رسیده بود، از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در ۱۰ اکتبر ۱۹۴۷ انتشار یافت. در این قانون مواد ذیل قید شده است:

الغای سیستم استثمار فئودالی و نیمه فئودالی ارضی و استقرار سیستم زمین از آن کشتکار؛
مصادره تمام زمینهای مالکین دولت در روستاها از طرف اتحادیه های دهقانی و محل و تقسیم یکسان آنها بضمیمه تمام زمینهای دیگر بین همه اهالی روستاها از جنس و سن آنها؛
ضبط حیوانات بارکش، ابزار کشاورزی، مسکن، غله و بقیه ثروت و دارائی مالکین از طرف اتحادیه های دهقانی دهکده ها، مصادره مازاد مال و ثروت دهقانان مرفه و تقسیم آنها بین دهقانان و سایر مردم فقیر و محتاج و تخصص سهمیه مساوی به مالکین.

برنامه قانون ارضی اصل " مصادره زمینهای مالکین و تقسیم آنها بین دهقانان " را در « رهنمود چهارم مه » سال ۱۹۴۶ تأیید میکند و علاوه بر این نقایص موجود در آن دستورات را دایر بر توجه از حد به بعضی از مالکین، اصلاح مینماید.

۵ - در عمل تغییرات چندی در طرز تقسیم یکسان زمین طبق « برنامه قانون ارضی چین » صورت گرفت. در فوریه ۱۹۴۸ کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در « دستورات در باره اجرای اصلاحات ارضی و تحکیم حزب در مناطق قدیم و نسبتاً قدیم » تصریح نمود که در این مناطق که سیستم فئودالی دیگر واژگون گردیده است، احتیاجی به تقسیم مجدد زمین نیست، بلکه در صورت لزوم باید به دهقانان فقیر و دهقانان مزدور که هنوز بطور کامل از قید یوغ فئودالی خلاص نشده اند، مقداری زمین و سایر وسایل تولید داده شود که از محل ضبط زمین و وسایل تولید اضافی و یا مرغوب تر دیگران تأمین میشود. بعلاوه باید به دهقانان میانه حال اجازه مالکیت زمین بیشتری از آنچه دهقانان

فقیر بطور متوسط دارا هستند ، داده شود . در مناطقی که سیستم فئودالی هنوز موجود است ، تقسیم یکسان بطور عمده به زمینها و دارائی و ثروت مالکین و مازاد زمینها و ثروت دهقانان مرفه قدیمی محدود میشود . در تمام این مناطق مصادره مازاد زمین دهقانان میانه حال و دهقانان مرفه نوین بمنظور تنظیم تقسیم یکسان تنها در صورت لزوم و با موفقیت صاحب ملک انجام می یابد ، در جریان اصلاحات ارضی در مناطق تازه آزاد شده از دهقانان میانه حال زمینی گرفته نمیشود .

۶ - مسئله دهقانان مرفه در جریان اصلاحات ارضی مسئله و یژه ای بود که از شرایط مشخص تاریخی و اقتصادی چین سرچشمه میگرفت . دهقانان مرفه چین از دو جنبه با دهقانان مرفه بسیاری از کشور های سرمایه داری متفاوتند : آنها بطور کل و باندازه زیاد دارای خصلت استثمار فئودالی بودند و بعلاوه این اقتصاد دهقانی مرفه در اقتصاد مشاورزی کشور موضع چندان مهمی را اشغال نمیکرد . توده های وسیه دهقانان فقیر و دهقانان مزدور در مبارزه علیه استثمار فئودالی طبقه مالکین چین خواستار برانداختن استثمار فئودالی و نیمه فئودالی دهقانان مرفه نیز بودند . سیاست حزب کمونیست چین در طول جنگ آزادیبخش عبارت بود از مصادره مازاد زمین و ثروت دهقانان مرفه برای تقسیم بین دهقانان بمظور تأمین خواست توده های دهقانان فقیر و دهقانان مزدور ، و این خود وسیله ای بود که پیروزی در جنگ آزادیبخش توده ای را تضمین میکرد . در ماه فوریه سال ۱۹۴۸ ، وقتیکه مبارزه به فرجام ظفرنمون خود نزدیک میشد ، کمیته مرکزی حزب کمونیست چین رهنمود های نوینی برای اصلاحات ارضی در مناطق تازه آزاد شده اتخاذ کرد که میبایستی در دو مرحله اجرا شوند : مرحله اول دهقانان مرفه را بیطرف میساخت و ضربه اصلی را بر مالکین و بخصوص بر مالکین بزرگ متمرکز میساخت ؛ در مرحله دوم زمینهای مالکین و همینطور زمینهای که دهقانان مرفه اجاره میکردند و مازاد زمینهای آنها تقسیم میشد ، ولی در این مرحله نیز طرز برخورد با دهقانان مرفه با مالکین تفاوت داشت (مراجعه سود به « نکات اساسی در باره اصلاحات ارضی در مناطق آزاد شده جدید » ، جلد حاضر) . پس از تشکیل جمهوری توده ای چین ، دولت توده ای مرکزی در ماه ژوئن سال ۱۹۵۰ قانونی در باره اصلاحات ارضی بتصویب رسانید که در آن تصریح مشیود تنها زمینهای که دهقانان مرفه در اجاره دارند ، بطور قسمتی و یا کاملاً مصادره میشوند ، در حالیکه از بقیه املاک و ثروت آنان محافظت خواهد شد . در مرحله آتی انقلاب سوسیالیستی اقتصاد دهقانی مرفه یا تعمیق جنبش برای کثوبراتیوه کردن اقتصاد کشاورزی و رشد اقتصادی روستائی از میان رفت .

۷ - این بمعنای آنستکه کمیت و کیفیت زمینهای یک خانواده دهقانی مرفه بطور متوسط بیشتر و بهتر از یک خانواده دهقان فقیر بوده است . در مقیاس کشوری مالکیت بر وسایل تولید از طرف دهقانان مرفه و کمیت کشاورزی آنها ناچیز بود . اقتصاد دهقانی مرفه موضع مهمی در اقتصاد کشاورزی چین اشغال نمیکرد .

۸ - بعضی از شخصیتهای دموکراتیک در اوایل جنگ آزادیبخش توده ای گمان میکردند که میتوانند بجز دیکتاتوری مالکین بزرگ و بورژوازی بزرگ بهرهبری گومیندان و بجز دیکتاتوری دموکراتیک خلق بهرهبری حزب کمونیست چین ، راه باصطلاح سومی بجویند . ولی این راه در واقع هیچ چیز دیگری بجز راه دیکتاتوری بورژوازی طبقه الگوی انگلستان و آمریکا نبود .

۹ - در سپتامبر ۱۹۴۷ بروی اطلاعاتی احزاب کمونیستی و کارگری در کنفرانس ورشو تشکیل گردید که در آن نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری بلغارستان ، رومانی ، مجارستان ، لهستان ،

اتحادشوروی ، فرانسه ، چکسلواکی ، ایتالیا و یوگوسلاوی شرکت داشتند . چندی بعد ، در کنفرانسی که در ماه ژوئن ۱۹۴۸ در رومانی تشکیل یافت ، بورو ، حزب کمونیست یوگوسلاوی را که بر نظرات ضد مارکسیستی - لنینیستی خود پافشاری میکرد و موضع خصمانه ای نسبت به اتحاد شوروی و اردوگا سوسیالیستی اتخاذ کرده بود ، اخراج نمود . پیامی که بوروی اطلاعاتی به خلقهای سراسر جهان جهت مبارزه علیه نقشه های اسارت آور امپریالیستی فرستاده بود و در اینجا مورد اشاره رفیق مائوتسه دون قرار گرفته ، «اعلامیه در باره اوضاع بین المللی » بوده است که از طرف بوروی اطلاعاتی در نشست سپتامبر ۱۹۴۷ خود بتصویب رسیده است .

در باره برقراری سیستم گزارش دهی

(۷ ژانویه ۱۹۴۸)

بمنظور اینکه اطلاعات بموقع به کمیته مرکزی برسد تا وی بتواند کلیه مناطق را، خواه پیش از اقدام و خواه پس از آن، در اجتناب از خطاها و یا در کاهش تعداد آنها یاری دهد و باین طریق پیروزی های باز هم بزرگتری در جنگ انقلابی بدست آید از امسال ببعد سیستم گزارش دهی برقرار میشود که چنین است:

۱- دبیر هر بورو و هر سوبوروی کمیته مرکزی باید هر دو ماه یک گزارش عمومی به کمیته مرکزی و صدر آن تسلیم کند (که بوسیله خود او تنظیم شده باشد نه بوسیله معاونانش). گزارش مذکور برای هر منطقه باید شامل باشد بر فعالیت در زمینه های نظامی، سیاسی، اصلاحات ارضی، تحکیم حزب، اقتصاد، تبلیغات و فرهنگ، مسائل و گرایش هایی که در این فعالیت ها بظهور رسیده و شیوه هایی که برای حل آنها بکار رفته است. هر گزارش محدود خواهد بود به قریب هزار کلمه، و جز در مورد خاص نباید از دو هزار کلمه تجاوز کند. و اینکه گزارش نخستین فقط شامل برخی از مسائل خواهد بود و از سایر مسائل باختصار یاد خواهد کرد و گزارش بعدی بطور عمده شامل مسائل اخیر خواهد بود و از مسائل نخستین باختصار خواهد گذشت. گزارش عمومی باید منحصر بمطالب اساسی باشد و با سبکی منسجم نگاشته شود. گزارش عمومی، مسائل و یا نکات مورد اختلاف را متذکر خواهد شد. این گزارش باید در ده روزه اول هر یک از ماههای فرد (۱) نوشته و بوسیله تلگراف ارسال گردد. اینست گزارش منظم و درخواست راهنمایی که دبیر هر بورو و یا سوبورو شخصاً موظف است به کمیته مرکزی و صدر آن تسلیم کند. هر گاه برای رهبری عملیات نظامی بجهت رفته باشد باید علاوه بر گزارش هایی که شخصاً میدهد

رهنمود برای حزب که بوسیله رفیق مائوتسه دون بنام کمیته مرکزی حز کمونیست چین تنظیم شده است. سیستم گزارش دهی که در این رهنمود مقرر گردیده نشانه آن بود که مبارزه متمادی کمیته مرکزی، در حراست جازمانه مرکزیت دموکراتیک و جلوگیری از گرایش به بی انضباطی و آنارشیزم در شرایط تازه توسعه یافته است. این مسئله در آن موقع اهمیتی خاص داشت زیرا که در وضعیت انقلابی پیشرفت های عظیمی روی داده بود: بسیاری از مناطق آزاد شده بهم پیوند یافته و منطقه واحدی بوجود آورده بودند، بسیاری از شهرها آزاد شده و یا نزدیک به آزاد شدن بودند، ارتش آزادیبخش توده ای باز هم بیشتر جنبه ارتش منظم یافته بود، جنگ آزادیبخش توده

دبیر موقت و یا معاون خود را موظف گرداند که که گزارش هائی در باره فعالیت های پشت جبهه تنظیم نمایند. گزارش های و درخواست های راهنمایی که بوروها و سوبوروها در موقع مختلف مانند سابق به کمیته مرکزی تسلیم خواهند کرد مشمول تصمیمات بالا نمیشود.

ما این سیستم گزارش دهی در باره سیاست حزب را، این گزارش های عمومی منظم و درخواست های راهنمایی را مقرر داشتیم زیرا که از کنگره هفتم حزب ما تا امروز هنوز بعضی (فقط بعضی) از رفقای بوروها و سو بوروها ضرورت و اهمیت گزارش دهی به کمیته مرکزی و درخواست راهنمایی از او را خواه پیش از اقدام و خواه پس از آن، در نیافته اند و فقط در باره مسائل تکتیکی به ارسال گزارش و درخواست راهنمایی دست میزنند. نتیجه این شد که چون کمیته مرکزی در باره فعالیت ها و اقدامات سیاسی مهمی که آنها بعمل آورده بودند (صحبت بر سر فعالیت ها و اقدامات سیاسی که در درجه دوم اهمیت تند و یا جنبه تکتیکی دارند نیست) روشن نبود و یا باندازه کافی روشن نبود مواردی پیش آمد که اصلاح آنها امکان نداشت و یا دشوار بود و نیز مواردی پیش آمد که بما صدمه زد و حال آنکه اصلاح آنها امکان پذیر بود. برعکس، بوروها و سو بوروهائی که قبلاً راهنمایی خواسته و پس از هر اقدام گزارش داده آن از این گونه صدمات برکنار مانده و یا از آنها کاسته اند. از امسال باید ارگانهای رهبری حزب در کلیه مدارج این رسم معیوب را که پیش از هر اقدام از مقامات بالاتر راهنمایی نخواهند و پس از هر اقدام بآنها گزارش ندهند ترک گویند. بورو ها و سو بوروها که ارگانهای هستند که بوسیله کمیته مرکزی منصوب شده و وظایف محوله از طرف کمیته مرکزی را بنام وی بموقع اجرا میگذارند باید نزدیک ترین تماس را با کمیته مرکزی حفظ کنند. همچنین کمیته های ایالتی یا منطقه این حزب باید با بوروها و سوبورو های کمیته مرکزی تماس نزدیک داشته باشند. اینک که انقلاب بمرحله نوینی از اعتلا رسیده است کاملاً ضروری است که این ها تقویت شود.

ای باز هم بیشتر بصورت جنگ منظم در آمده بود، و پیروزی در مقیاس سراسر کشور چشم میخورد. این وضعیت ایجاب میکرد که حزب هرگونه بی انضباطی یا آناارشی را در درون خویش و در ارتش بسرعت از میان بردارد و هر قدرتی را که تمرکزش ضروری و ممکن بود در دست کمیته مرکزی متمرکز گرداند. برقراری سیستم اکید گزارش دهی، اقدامی مهمی بود که از طرف حزب برای نیل باین هدف اتخاذ شد. در این باره همچنین مراجعه شود به « کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب در ۱۹۴۸ » بخش ۶، و بخش نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در باره جلسه سپتامبر، « ماده ۴، جلد حاضر.

۲ - رفقای رهبری ارتش های صحرائی و مناطق نظامی علاوه بر اینکه در موقع ضروری به تسلیم گزارش ها و درخواستهای راهنمایی در باره اصول عملیات میپردازند و علاوه بر اینکه طبق ترتیب سابق به گزارش های ماهیانه درباره پیروزی ها در نبرد، تلفات افراد و صرف مصالح و درباره قدرت واقعی سپاهیان خویش مبادرت میجویند از امسال باید هر دو ماه گزارش عمومی در باره سیاست حزب و نیز در خواست راهنمایی تنظیم کنند. این گزارش ها و درخواستهای راهنمایی بویژه راجع خواهد بود به انضباط سپاهیان، شرایط زندگی آنها، روحیه فرماندهان و جنگجویان، انحرافات که در صفوف آنان روی داده و شیوه هایی که برای اصلاح آنها بکار رفته است، جلو رفتن یا عقب رفتن تکنیک و تاکتیک، نقاط قوت و نقاط ضعف نیروهای دشمن و حالت روحی آنها، کار سیاسی ارتش ما، اجرای سیاست ارضی، سیاست در شهرها و سیاست نسبت باسیران جنگ، شیوه های اصلاح انحرافات که در این زمینه ها پیش آمده است، روابط میان ارتش و خلق و همچنین گرایش های قشر های مختلف اهالی. طول این گزارش ها، طرز تنظیم آنها و موقع ارسال آنها همان باید باشد که در مورد گزارش های بوروها و سوبوروهای کمیته مرکزی ذکر شد. هرگاه در موقعیکه گزارش باید ارسال شود (یعنی در ده روز اول هر یک از ماههای فرد) نبرد های شدیدی در جریان باشد میتوان ارسال آن را چند روز به جلو یا به عقب انداخت، اما دلائل را باید ذکر کرد. آن قسمت از گزارش که مربوط به کار سیاسی است باید بوسیله رئیس اداره سیاسی هر ارتش تنظیم شود، بوسیله فرمانده و کمیسر سیاسی مورد بررسی و اصلاح قرار گیرد و بامضاء هر سه برسد. این گزارش ها به صدر کمیسیون نظامی حزب تلگراف خواهد شد. این گزارش عمومی در باره سیاست حزب دلائلی خواسته میشود که از بوروها و سو بوروها خواسته شده است.

یادداشتها

۱ - یعنی ژانویه، مارس، مه و غیره... مترجم

در باره بعضی مسائل مهم

سیاست کنونی حزب

(۱۸ ژانویه ۱۹۴۸)

۱ - مبارزه با گرایش های نادرست در درون حزب

باید با پریها دادن به نیروی دشمن مبارزه کرد . مثلاً ترس از امپریالیسم آمریکا ؛ ترس از جنگیدن در مناطق گومیندان ، ترس از برانداختن سیستم کمپرادور - فئودال ، از دست زدن به تقسیم اراضی مالکین ارضی و مصادره سرمایه بوروکراتیک ؛ ترس از جنگ طولانی وغیره . آنها همه نادرست است . امپریالیسم در سراسر جهان و حکومت دارودسته ارتجاعی چانکایشک در چین پوسیده است ، آینده ندارد . جا دارد که ما آنها را حقیر شماریم و ما یقین و اطمینان داریم که بر تمام دشمنان خلق چین چه داخلی . چه خارجی غلبه خواهیم کرد . اما در هر وضع خاص و در هر مبارزه مشخص (اعم از مبارزه نظامی ، سیاسی ، اقتصادی یا ایدئولوژیک) ما مطلقاً نباید دشمن را حقیر بشماریم ، بر عکس باید او را جداً بحساب بگذاریم و همه نیروهای خود را در مبارزه بخاطر نیل به پیروزی متمرکز سازیم . از نظر استراتژی ما بدرستی خاطر نشان میکنیم که باید دشمن را حقیر شمرد اما در هیچ وضع خاص و در هیچ مسئله مشخص ما هرگز نباید او را حقیر بشماریم . اگر از نظر کلی ما به نیروی دشمن پریها دهیم و در نتیجه جرأت نکنیم او را سرنگون سازیم یا بر او پیروز گردیم ما مرتکب اشتباه اپورتونیسم راست خواهیم شد . اگر در هر وضع خاص ، در هر مسئله مشخص ما با حزم و احتیاط عمل نکنیم ، فن مبارزه را مطالعه و تکمیل ننمائیم ، تمام نیروهای خود را در نبرد متمرکز نسازیم و نکوشیم که تمام متحدینی را که میتوانند متحد ما باشند (دهقانان میانه حال ، پیشه وران و کسبه مستقل ، بورژوازی متوسط ، دانشجویان ، آموزگاران ، استادان و روشنفکران بطور کلی ، کارمندان بطور کلی ، افرادمشاغل آزاد ، متنفذین روشن بین) را به آرمان خود جلب نکنیم ، مرتکب اشتباه اپورتونیسم " چپ " خواهیم شد .

رهنمودی برای حزب که رفیق مائوتسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین آنرا نگاشته است . رجوع شود به توضیح عنوان « اوضاع کنونی و وظایف ما » ، جلد حاضر .

برای مبارزه با انحرافات "چپ" و راست در درون حزب ما باید سیاست خود را بر حسب اوضاع و احوال مشخص تعیین کنیم. مثلاً هنگامی که ارتش ما به پیروزی‌هایی نائل می‌آید باید از انحراف "چپ" برحذر بود و هنگامیکه دچار شکست‌هایی می‌شود یا در نبرد‌های اندکی کامیابی بدست می‌آورد آنگاه از انحرافات راست باید برحذر بود. در کار اصلاحات ارضی ما باید در آنجا که توده‌ها هنوز واقعاً بپا نخاسته‌اند، مبارزه هنوز دامنه نیافته است با انحراف راست مبارزه کنیم و در آنجا که توده‌ها واقعاً بپا خاسته‌اند و مبارزه گسترش یافته است از انحرافات "چپ" برحذر باشیم.

۲- بعضی مسائل مشخص سیاست ما

در اصلاحات ارضی و جنبش‌های توده‌ای

۱- باید منافع دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی و همچنین نقش محرک سازمانهای دهقانان فقیر را در درجه اول قرار داد. حزب ما باید اصلاحات ارضی را با دست دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی گسترش دهد و کاری کند که آنها در اتحادیه‌های دهقانی و ارگانهای قدرت در روستا نقش محرک بازی کنند. این نقش محرک عبارتست از تحقق اتحاد با دهقانان میانه حال برای اینکه به اشتراک عمل کنند. و نه اینکه دهقانان میانه حال را کنار بگذارند و تمام کار را بخود انحصار دهند. در مناطق آزاد شده قدیم که دهقانان میانه حال اکثریت دارند و دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی اقلیت دارند دهقانان میانه حال موقعیت بویژه مهمی را اشغال میکنند. این شعار که میگوید "دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی کوهها و رودها را تصرف کرده و بر آنها حکومت خواهند کرد" غلط است. در روستا این دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی، دهقانان میانه حال و دیگر زحمتکش‌ان هستند که متحداً در زیر رهبری حزب کمونیست چین باید "رودها و کوهها را تصرف و بر آنها حکومت نمایند" و نه فقط دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی. در مقیاس کشور این کارگران، دهقانان (منجمله دهقانان مرفه جدید)، پیشه‌وران و کسبه مستقل، سرمایه‌داران متوسط و کوچک که از نیروهای ارتجاعی ستم‌کشیده و صدمه‌دیده‌اند، دانشجویان، آموزگاران، استادان و روشنفکران بطور کلی، افراد مشاغل آزاد، متنفذین روشن بین، کارمندان بطور کلی، اقلیت‌های ملی ستم‌دیده و چینی‌های ماوراء بحار هستند که همه متحداً در زیر رهبری طبقه کارگر (از راه حزب کمونیست) باید "رودها و کوهها را تصرف کرده و بر آنها حکومت نمایند"، نه فقط اقلیتی از مردم.

۲ - باید از هرگونه سیاست ماجراجویانه در قبال دهقانان میانه حال دوری جست . هر گونه سیاست ماجراجویانه در قبال دهقانان میانه حال دوری جست . هرگونه اشتباهی در تعیین تعلق طبقاتی دهقانان میانه حال و کسانی از قشرهای اجتماعی دیگر باید تصحیح شود و اموالی که بخطا تقسیم شده اند باید تا سرحد امکان مسترد گردند . این گرایش که دهقانان میانه حال را در صقوق نمایندگان دهقانان و در کمیته های اتحادیه های دهقانی راه نمیدهد و همچنین این گرایش که در مبارزه بخاطر اصلاحات ارضی دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی را در مقابل دهقانان میانه حال میگذارد باید تصحیح شود . دهقانانی که از استثمار کار دیگری در آمدی بدست میآورند ، هرگاه این در آمد کمتر از ۲۵ درصد (یکربع) مجموع در آمد آنها باشد در زمره دهقانان میانه حال بشمار خواهد آمد ، هرگا بیشتر از این رقم باشد در ردیف دهقانان مرفه (۱) و ارضی دهقانان میانه حال مرفه را نباید بدون رضایت مالک آنها تقسیم کرد .

۳ - باید از هرگونه سیاست ماجراجویانه در قبال صنعت گران و بازرگانان متوسط و کوچک احتراز جست . سیاست حمایت و تشویق هر گونه صنعت و بازرگانی خصوصی که بسود اقتصاد ملی است و در گذشته در مناطق آزاد شده اجرا شد سیاستی است صحیح و باید آنرا همچنان دنبال کرد. سیاست تشویق مالکین ارضی و دهقانان مرفه به اینکه فعالیت خود را در جهت صنعت و بازرگانی سوق دهند همان سیاستی که در دوران تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود دنبال میشد بنوبه خود صحیح است ؛ اشتباه است اگر این تغییر فعالیت با بمثابة "دگرگونی" ماهرانه ای قلمداد کنند، در نتیجه با آن بمقابله برخیزند و اموالی را که بدین ترتیب بکار افتاده است مصادره و تقسیم نمایند . مؤسسات صنعتی و تجارتي مالکین ارضی و دهقانان مرفه باید بطور کلی مورد حمایت واقع گردند . فقط مؤسسات صنعتی و تجارتي مشمول مصادره ، آنهایی که سودمند بحال اقتصاد ملی میباشند پس از آنکه بمالکیت دولت و خلق در میآیند باید کار خود را همچنان ادامه دهند ، باید از برجیدن این مؤسسات یا بستن آنها جلو گرفت . مالیاتی که از رقم معاملات مربوط به صنعت و تجارت ، آن صنعت و تجارتي که سودمند بحال اقتصاد ملی اند برداشت میشود نباید به نرخی باشند که به رشد آنها زیان رساند . در هر مؤسسه دولتی بخاطر بهبود اداره آن ، مدیریت و سندیکا باید یک کمیته اداری مشترک ایجاد کنند بدین منظور که قیمت تولید اجناس را پائین آورند ، تولید را افزایش دهند و منافع عمومی را همراه با منافع فردی در نظر گیرند . مؤسسات سرمایه داری خصوصی نیز باید این شیوه را آزمایش کنند تا قیمت تولید اجناس را پائین آورند ، تولید را افزایش دهند و منافع کار و

منافع سرمایه هر دو را تأمین نمایند. باید شرایط زندگی کارگران را بطرز مناسبی بهبود بخشید و در عین حال از افزایش بی تناسب دستمزد و امتیازات احتراز جست. ۴ - باید از هرگونه سیاست ماجراجویانه در قبال دانشجویان آموزگاران، استادان، کارمندان محافل علمی و هنری و روشنفکران بطور کلی احتراز ورزید. تجربه جنبش های دانشجویی و مبارزات انقلابی در چین ثابت کرده است که آنها در اکثریت عظیم خود میتوانند در انقلاب شرکت جویند یا بیطرف بمانند؛ ضد انقلابیون سر سخت فقط اقلیت ناچیزی را تشکیل میدهند. از اینرو حزب ما باید از هرگونه بی احتیاطی نسبت به دانشجویان، آموزگاران، استادان، کارمندان محافل علمی و هنری و روشنفکران بطور کلی پرهیز کند. ما باید برحسب هر مورد خاص با آنها متحد شویم و با آنها آموزش دهیم و آنها را بکار جلب نماییم و فقط با تعداد بسیار کمی از آنها که ضد انقلابیون سرسختی میباشد باید آنطور که در خورد آنها است رفتاری بر اساس مشی توده ای در پیش گیریم.

۵ - در باره متنفذین روشن بین. در دوران جنگ مقاومت علیه ژاپن همکاری حزب ما با متنفذین روشن بین در ارگانهای قدرت در مناطق آزاد شده (شورا های مشورتی و ارگانهای حکومتی) کاملاً لازم و ثمربخش بود. ما باید در مورد مقتضی و بشرط آنکه به اصلاحات ارضی لطمه ای وارد نیاید به آن متنفذین روشن بین که همراه با حزب ما روز های سختی را گذرانده و واقعاً بما کمک شایسته ای رسانیده اند ارج بگذاریم. اگر روش سیاسی آنها نسبتاً خوب است و شایستگی دارند باید در ارگانهای عالی حکومتی باقی بمانند و کارمناسبی دریافت دارند. اگر روش سیاسی آنها نسبتاً خوب است ولی استعدادی ندارند باید وسائل زندگی آنها را تأمین کرد. اگر آنها از خانواده مالکین ارضی یا دهقانان مرفه برخاسته اند اما خلق احساس کینه عمیقی نسبت به آنها ندارد باید زمین ها و اموال فئودالی آنها را بر طبق قانون ارضی تقسیم نمود، ولی مراقب بود که آنها هدف مبارزه توده ها قرار نگیرند. مالکانی را که به ارگانهای قدرت راه یافته اند اما در واقع همیشه عناصر زیانکاری بوده، نمیتوانند هیچ فایده ای بخلق برسانند و ضمناً کینه تسکین ناپذیر توده های وسیع بر علیه خود برانگیخته اند باید مانند مستبدین محلی برای محاکمه و مجازات به دادگاه های توده ای سپرد.

۶ - باید میان دهقانان مرفه جدید و قدیم (۲) فرق گذاشت. تشویقی که در دوران تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود از دهقانان مرفه جدید و دهقانان میانه حال مرفه بعمل آمد تاثیرات نیکوئی بخشید از این جهت که دهقانان میانه حال را مطمئن ساخت و موجب رشد تولید کشاورزی در مناطق آزاد شده گردید. پس از تقسیم

متساوی زمین باید از دهقانان دعوت کرد که تولید را رشد دهند بقسمی که بتوانند بخوبی بپوشند و بخورند. باید به آنها توصیه کرد که در کار کشاورزی سازمانهای تعاون. همکاری ایجاد کنند مانند گروه های مبادله کار، گروه های تعاونی و گروه های مبادله زحمت و غیره. در تقسیم متساوی زمین باید با دهقانان مرفه جدید مناطق آزاد شده قدیم مانند دهقانان میانه حال مرفه رفتار کرد. زمین های آنها نباید بدون رضایت مالک تقسیم شود.

۷ - در میان مالکان ارضی و دهقانان مرفه که طرز زندگی آنها از زمان تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود در مناطق آزاد شده قدیم تغییر یافته است، آن مالکان ارضی که اقل مدت پنج سال با بازوان خود کار کرده اند و آن دهقانان مرفه که لا اقل از سه سال پیش در شرایط زندگی دهقانان میانه حال و دهقانان فقیر بسر میبرند چنانچه رفتار آنها پسندیده باشد میتوانند تعلق طبقاتی خود را برحسب شرایط کنونی خود تغییر دهند. اگر هنوز مازاد مالک آنها بسیار است (و نه اندک) باید آنها بر طبق مطالبات دهقانان واگذار کنند.

۸ - وظیفه مرکزی اصلاحات ارضی عبارتست از تقسیم متساوی زمین های طبقه فئودالها و اموال دیگر آنان مانند غله، دام و افزار کشاورزی (دهقانان مرفه فقط اموال اضافی خود را واگذار میکنند): نباید در مبارزه بخاطر بیرون کشیدن اموالی که در زیر خاک مدفون کرده اند (۳) اصرار ورزید و بویژه نباید وقت زیادی به اینکار اختصاص داد بطوری که بزبان کار اصلی تمام شود.

۹ - ضمن اتخاذ تصمیمات نسبت به مالکان ارضی و دهقانان مرفه باید بر طبق مفاد قانون ارضی میان آنها فرق گذاشت.

۱۰ - در عین مراعات اصل تقسیم متساوی زمین ها باید میان مالکان ارضی بزرگ و متوسط و کوچک و همچنین میان مالکان ارضی و دهقانان مرفه که در عداد مستبدین محلی اند و آنهایی که نیستند فرق گذاشت.

۱۱ - باید مستی جنایتکار را که واقعاً مرتکب زشت ترین سیاهکاریها شده اند، پس از آنکه داد گاه های آنها را جداً محاکمه و محکوم کردند و مقامات صلاحیت دار (کمیته هائی که از طرف حکومت های محلی در مقیاس بخش و شهرستان تشکیل شده است) این احکام را تأیید نمودند تیرباران کرد و اعدام آنها را بهمگان اعلام نمود. مصلحت نظام انقلابی چنین امری را ایجاب میکند. این یک جنبه مسئله است. جنبه دیگر آنکه ما باید اصرار ورزیم که کمتر اعدام کنند اکیداً قذغ کنیم که کسی را بدون تمایز نکشند. این اندیشه که باید هر چه بیشتر یا حتی بدون تمایز اعدام کرد اندیشه ای کاملاً نادرست است. چنین عملی فقط به این نتیجه میانجامد:

هواداران حزب را از خود میراند، حزب را از توده ها جدا میسازد و به انفراد میکشاند. محاکمه و محکومیت این جنایتکاران از طرف دادگاه های توده ای شکلی از مبارزه است که مفاد قانون ارضی آنرا پیش بینی کرده است، باید آنرا اکیداً مراعات کرد. این قانون سلاحی نیرمندی است در دست توده های دهقانی برای اینکه در جمع مالکین ارضی و دهقانان مرفه سیاه ترین عناصر را در هم کوید، این قانون همچنین امکان میدهد که از اشتباهات در زمینه کوبیدن و کشتن بدون تمایز اجتناب ورزید. در موقع مناسب (پس از اعتلاء مبارزه ارضی) باید دورنمای منافع توده های را برای آنها توضیح داد، بقسمی که آنها آن مالکان ارضی و دهقانان مرفه را که نمیکوشند در کار جنگ و اصلاحات ارضی خربکاری کنند و تعداد آنها در سراسر کشور به چند ده میلیون میرسد (تقریباً ۳۶ میلیون از مجموع سکنه دهات که در حدود ۳۶۰ میلیون است) بمثابه نیروی کار مفید برای کشور تلقی نمایند، نیروئی که باید حفظ کرد و از نوتریت نمود. وظیفه ما عبارتست از محو سیستم فئودالی و برانداختن مالکان ارضی بمثابه طبقه و نه بمثابه افراد. ما باید بر طبق قانون ارضی بهر یک از آنها وسائل زندگی بدهیم اما این وسائل نباید از آنچه که یک دهقان دریافت میکند بیشتر باشد.

۱۲ - ما باید کادر ها و اعضای حزب را که مرتکب خطا های سنگین شده اند و همچنین عناصر نایاب را در میان توده های کارگر و دهقانان مورد انتقاد قرار دهیم و با آنها به مبارزه پردازیم. باید توده ها را متقاعد ساخت که در این انتقاد و در این مبارزه به طریق و اشکال صحیح توسل جویند و از اعمال خصومت آمیز احتراز ورزند. این یک جنبه مسئله است. جنبه دیگر آنکه باید این کادر ها، این اعضای حزب و این عناصر نایاب را متعهد ساخت که علیه توده ها به انتقام جوئی دست نزنند. باید اعلام کرد که توده ها نه فقط حق دارند از آنها آزادانه انتقاد کنند بلکه چنانچه لازم باشد حق دارند آنها را از مقامات خود خلع کنند و یا پیشنهاد عزل آنها و یا اخراج آنها را از حزب بدهند و حتی زیان مندترین عناصر را بدادگاه های توده ای تسلیم نمایند برای آنکه محکمه و مجازات شوند.

۳ - در باره قدرت دولتی

۱ - قدرت دولتی دموکراسی نوین قدرت دولتی ضد امپریالیستی و ضد فئودالی توده های خلق است که طبقه کارگر آنرا رهبری میکند. توده های خلق در اینجا عبارتند از طبقه کارگر، طبقه دهقان، خرده بورژوازی شهری و بورژوازی ملی که از طرف امپریالیسم و رژیم ارتجاعی گومیندان و طبقاتی که این رژیم نماینده آنها است

یعنی بورژوازی بورو کراتیک (بورژوازی بزرگ) و طبقه مالکان ارضی تحت فشار قرار گرفته و لطمه دیده است، بخش عمده توده ها از کارگران، دهقانان (سربازان در اکثریت خود دهقانی هستند که به لباس سربازی در آمده اند) و زحمتکشان دیگر تشکیل شده است. توده های خلق دولت خود (جمهوری توده ای چین) را تشکیل میدهند و حکومتی را که نماینده این دولت است (حکومت مرکزی جمهوری توده ای چین) مستقر میسازد، طبقه کارگر از راه پیشآهنگ خود، حزب کمونیست چین این دولت توده ای و حکومت آنرا رهبری میکند. دشمنان جمهوری توده ای و حکومت آن عبارتند از امپریالیسم خارجی و در داخل کشور ارتجاعیون گومیندان و طبقاتی که این ارتجاعیون نماینده آنها است. بورژوازی بوروکراتیک و مالکان ارضی.

۲- ارگانهای قدرت جمهوری توده ای چین عبارتند از کنفرانس های نمایندگان خلق در مدارج مختلف و حکومت های منتخب این کنفرانس ها در مدارج مختلف.

۳- در دوران کنونی ما میتوانیم و باید بنابر تقاضای دهقانان جلسات دهقانی را در روستاها دعوت کنیم تا به انتخاب حکومت ده مبادرت ورزند و کنفرانس های دهقانی بخش را دعوت کنیم تا حکومت بخش را انتخاب کنند. از آنجائی که حکومت در مقیاس شهرستان و شهر و بالاتر نه فقط نماینده دهقانان در ده، بلکه نماینده تمام قشرها و تمام صرّفه ها در شهرها و مراکز شهرستان و مراکز استان و شهرهای بزرگ صنعتی و تجارّتی نیز میباشد، لذا ما باید کنفرانس های نمایندگان خلق را در مدارج شهرستان، شهر، استان و منطقه مرزی دعوت کنیم تا در هر یک از این مدارج حکومتی انتخاب کنند. بعداً وقتی که انقلاب در سراسر کشور پیروز گردید حکومت مرکزی و حکومت های محلی در کلیه مدارج باید از طرف کنفرانس های نمایندگان خلق مربوطه انتخاب گردند.

۴- روابط میان رهبری کنندگان و رهبری شوندهگان

در جبهه متحد انقلابی

طبقه رهبری کننده و حزب رهبری کننده فقط بدو شرط زیر میتوانند رهبری خود را بر طبقات، قشرها، احزاب سیاسی و سازمانهای توده ای زیر رهبری خود اعمال کنند:

۱- آنهایی را که رهبری میشوند (متحدین را) مصممانه علیه دشمن مشترک به مبارزه بکشانند و به پیروزیهای دست یابند:

۲ - برای آنهایی که رهبری میشوند امتیازات مادی تحصیل کنند یا لا اقل به منافع آنان زیان نرسانند و در عین حال به آنان پرورش سیاسی بدهند .

چنانچه این دو شرط یا یکی از این دو موجود نباشد اعمال رهبری امکان پذیر نیست . مثلاً برای اعمال رهبری بر دهقانان میانه حال حزب کمونیست باید آنها را در کنار خود مصممانه علیه طبقه فئودال به مبارزه بکشاند و پیروزیهای بدست آورد (از بین بردن نیروهای مسلح مالکان ارضی و تقسیم زمین های آنها) ، چنانچه مبارزه با قاطعیت انجام نگیرد با مبارزه به پیروزی نیانجامد ، دهقانان میانه حال به تردید میافتند . بعلاوه باید قسمتی از زمین ها و اموال دیگر مالکان ارضی را میان دهقانان میانه حال که نسبتاً فقیراند تقسیم نمائیم . اما در مورد دهقانان میانه حال مرفه ما باید از زیان زدن به منافع آنان احتراز جوئیم . ما باید فعالین دهقانان میانه حال را در اتحادیه های دهقانی و حکومت های دهستان و بخش وارد کنیم و تعداد مناسبی از مقامات نمایندگی (مثلاً یک سوم از اعضای کمیته ها) را برای آنها تأمین نمائیم . در موقع تعیین تعلق طبقاتی دهقانان میانه حال مرتکب اشتباه نشویم ، در مورد مالیات ارضی و خدمات مربوط به جنگ با آنها عادلانه رفتار کنیم و در عین حال فراموش نکنیم که به آنان پرورش سیاسی بدهیم . اگر ما اینکارها را انجام ندهیم پشتیبانی دهقانان میانه حال را از دست خواهیم داد . در شهر ها نیز برای تأمین رهبری طبقه کارگر و حزب کمونیست بر بورژوازی متوسط ، احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده ای که از طرف نیروهای ارتجاعی تحت فشار قرار گرفته و لطمه دیده اند باید بر طبق همین اصول عمل کرد .

یادداشتها

- ۱- برای مالکهای تعیین تعلق طبقاتی در مناطق روستائی رجوع شود به « چگونگی تعیین تعلق طبقاتی در روستا » ، « منتخب آثار مائوتسه دون » ، جلد اول و « انقلاب چین و حزب کمونیست چین » فصل ۲ ، بخش ۴ ، « منتخب آثار مائوتسه دون » ، جلد ۲ .
- ۲ - منظور از دهقانان مرفه جدید ، دهقانان میانه حال و فقیری هستند که در مناطق پایگاه های انقلابی از راه کار خود به دهقانان مرفه تبدیل شده اند ؛ منظور از دهقانان مرفه قدیم ، دهقانانی هستند که بیش از استقرار پایگاه های انقلابی دهقانان مرفه بوده اند . دهقانان مرفه قدیم معمولاً تا درجه زیادی دارای خصلت استثمارگران فئودالی و نیمه فئودالی بودند . دهقانان مرفه جدید غالباً باندازه ناچیز باسثمار دست میزدند . - مترجم
- ۳ - منظور ثروتهای است که مالکان ارضی در زیر زمین پنهان میکردند .

جنبش دموکراتیک در ارتش

(۳۰ ژانویه ۱۹۴۸)

سیاستی که برای کار سیاسی واحد های ارتش ما در نظر گرفته شده ، عبارتست از بسیج بی پروای توده سربازان و فرماندهان و کلیه کارمندان تا آنکه بتوان از طریق جنبش دموکراتیک تحت رهبری متمرکز بسه هدف عمده نائل آمد : درجه عالی از وحدت سیاسی ، بهبود شرایط زندگی و سطح بالائی از تکتیک نظامی . جنبش "سه رسیدگی" و "سه اصلاح" (۱) که هم اکنون در واحد های ارتش ما با شور و حرارت فراوان جریان دارد ، درست باین منظور بر پا گردیده که از طریق بسط اسلوبهای دموکراتیک سیاسی و اقتصادی بدو هدف اول از هدف های فوق الذکر دست یافته شود .

دموکراسی در زمینه اقتصادی عبارت از اینستکه باید به نمایندگان منتخب سربازان حق داده شود در اداره امور مربوط به خوار بار و تغذیه گروهان ، فرمانده گروهان را دستگیری کنند (البته نباید از حدود دستگیری تجاوز کنند) .

دموکراسی در زمینه نظامی عبارت از اینستکه باید شیوه آموزش متقابل بین افسران و سربازان و بین خود سربازان هنگام تعلیمات نظامی عملی گردد. هنگام نبرد گروهانهائی که در جبهه هستند ، باید جلسات گوناگون بزرگ و کوچک تشکیل دهند . سربازان باید تحت رهبری فرمانده گروهان درباره چگونگی حمله و تصرف مواضع دشمن و طرز انجام مأموریت های جنگی به بحث برانگیخته شوند و چنانچه پیکار چند روز متوالی بطول انجامد ، این جلسات نیز باید چندین بار تشکیل شوند . این نوع دموکراسی نظامی در نبرد پن لون (۲) در شمال شنسی و در نبرد شی جیا جوان (۳) در ناحیه شان سی - چاهار - حه به با موفقیت زیاد عملی شد این نشان میدهند که چنین رسمی جز سود چیز دیگر ندارد و هیچ زبانی نمیتواند داشته باشد .

سربازان باید حق داشته باشند خطا ها و جرایم عناصر زبناکار کادر ها را فاش سازند . باید اطمینان داشته باشیم که سربازان همه کادر های خوب و یا نسبتاً خوب را دوست دارند . بعلاوه سربازان باید در موقع لازم حق داشته باشند از میان خود

این رهنمود درون حزبی توسط رفیق مائوتسه دون بنام کمیسیون نظامی انقلابی کمیته مرکزی

حزب کمونیست چین تنظیم شده است .

افراد مورد اعتماد خویش را بعنوان کادر درجات پائین نامزد کنند و بمقام بالاتر برای تصویب پیشنهاد نمایند. این رسم در موقعیکه از حیث کادریهای درجات پائین کمبود زیاد موجود است، بسیار مفید میباشد. معذلتک نباید آنرا بصورت قاعده در آورد بلکه باید آنرا فقط در موقع ضروری بکار برد.

یادداشتها

۱ - "سه رسیدگی" و "سه اصلاح" جنبش مهمی را برای تحکیم حزب و تربیت ایدئولوژیک در ارتش تشکیل میداد که در رابطه با اصلاحات ارضی طی جنگ آزادیبخش توده ای از طرف حزب ما برانگیخته شده بود. "سه رسیدگی" در محلها مربوط میشد به منشاء طبقاتی، ایدئولوژیک و سبک کار؛ در واحد های مسلح "سه رسیدگی" مربوط میشد به منشاء طبقاتی، حس وظیفه شناسی و اراده به مبارزه. "سه اصلاح" عبارت بود از استحکام تشکیلاتی، تربیت ایدئولوژیک و اصلاح سبک کار.

۲ - پن لون شهر کوچکی است در شمال شرقی ین ان. در ماه مه ۱۹۴۷ ارتش آزادیبخش توده ای شمال غربی بیش از ۶۷۰۰ تن از سپاهیان حوزون نان را در آنجا محاصره و نابود کرد.

۳- شی جیا جوان در ۱۲ نوامبر ۱۹۴۷ بدست واحد های ارتش آزادیبخش توده ای ناحیه مرزی شان سی - چاهار - حه به آزاد شد. پادگان دشمن که بیش از ۲۴۰۰۰ تن بود، بکلی نابود شد. این نخستین شهر مهمی بود که در شمال چین بوسیله ارتش ما آزاد گردید.

تاکتیکهای مختلف برای اجرای قانون ارضی در مناطق مختلف

(۳ فوریه ۱۹۴۸)

در اجرای قانون ارضی باید سه نوع منطقه را از یکدیگر تشخیص داد و در مورد هر یک تاکتیک دیگری بکار برد .

۱ - مناطق آزاد شده قدیم که بیش از تسلیم ژاپن بوجود آمده اند . در این مناطق بطور کلی تقسیم زمین مدتها پیش صورت گرفته و فقط جرح و تعدیلهای قسمی لازم است . کار ما در اینجا ها باید معطوف بآن باشد که از راه کوشش مشترک حزب و عناصر بیرون از حزب ، بر طبق تجربه شهرستان پین شان (۱) صفوف حزب را تحکیم بخشیم و تضاد های میان حزب و توده ها را حل کنیم . در این مناطق آزاد شده قدیم وظیفه ما آن نیست که زمینها را بر اساس قانون ارضی یک بار دیگر تقسیم کنیم و یا بطور ساختگی و علی رغم میل آنها دهقانان فقیر را بمنظور رهبری اتحادیه های دهقانی در سازمان های دهقانان فقیر متشکل سازیم . وظیفه ما آن است که در داخل اتحادیه های دهقانی به متشکل ساختن گروه های دهقانان فقیر بپردازیم . عناصر فعال این گروه ها میتوانند مقامات رهبری در اتحادیه های دهقانی و ارگان های قدرت در روستا ها بدست آورند . ولی نباید این را بصورت قاعده در آورد که پسته های مذکور متعلق به دهقانان فقیر است و دهقانان میانه حال را بآنها دسترس نیست . در مناطق مذکور مقامات رهبری در اتحادیه های دهقانی و ارگان های قدرت در روستا ها باید بر عهده عناصر فعالی از دهقانان فقیر و میان حال باشد که نظرات درست دارند و در گرداندن کار ها جانب انصاف را میگیرند . در مناطق مذکور اکثر دهقانان فقیر سابق بصورت دهقانان میانه حال در آمده اند که اینک اکثریت جمعیت روستائی را تشکیل میدهند ؛ پس ما باید عناصر فعال دهقانان میانه حال را در کار رهبری روستا ها شرکت دهیم .

۲ - مناطقی که در فاصله میان تسلیم ژاپن و تعرض متقابل همگانی یعنی در طی دو سالی که بین سپتامبر ۱۹۴۵ و وات ۱۹۴۷ قرار داشت ، آزاد شده اند . این مناطق اکنون بزرگترین بخش مناطق آزاد شده اند و میتوان آنها را مناطق آزاد شده نسبتاً

قدیم نامید. در این مناطق در اثر دو سال مبارزه در راه تصفیه حساب و همچنین در اثر اجرای « رهنمود ۴ مه » (۲) سطح آگاهی سیاسی و درجه تشکل توده ها باندازه زیادی ترقی کرده و نخستین گامها در حل مسئله ارضی برداشته شده است. معذک سطح آگاهی سیاسی و درجه تشکل توده ها هنوز خیلی بالا نیست و حل مسئله ارضی عمیقاً صورت نگرفته است. پس در این مناطق قانون ارضی کاملاً قابل اجراست و تقسیم زمین باید کاملاً و در همه نقاط انجام یابد و اگر این وظیفه در مرتبه اول بخوبی صورت نگرفته باید آماده تقسیم جدید بود، و در هر صورت یک یا دو بار رسیدگی لازم است. در این مناطق دهقانان میانه حال در اقلیت اند و در حالت انتظار بسر میبرند. دهقانان فقیر در اکثریت اند و در آرزوی تحصیل زمین میسوزند. پس باید در اینجا ها سازمان های دهقانان فقیر را بوجود آورد و بآنها در اتحادیه های دهقانی و ارگانهای قدرت در روستا ها مقام رهبری داد.

۳- مناطقی که بتازگی پس از تعرض متقابل همگانی آزاد شده اند. در این مناطق هنوز توده ها بحرکت در نیامده اند، گومیندان، مالکان ارضی و دهقانان مرفه هنوز نفوذ بسیار دارند و ما هنوز در هیچ زمینه ای ریشه نگرفته ایم. پس نباید در صدد باشیم که قانون ارضی را یکمرتبه اجرا کنیم بلکه باید آن را در دو مرحله بموقع اجرا در آوریم. در مرحله اول باید دهقانان مرفه را بیطرف ساخت و فقط بر مالکان ارضی ضربه زد. خود این مرحله نیز بابد بچند بخش تقسیم شود: تبلیغ، سازماندهی ابتدائی، تقسیم اموال منقول (۳) مالکان بزرگ ارضی، تقسیم زمینهای مالکان بزرگ و متوسط با در نظر داشتن منافع مالکان ارضی کوچک، و بلاخره تقسیم زمینهای همه طبقه مالکان ارضی و در طی این مرحله، باید سازمان های دهقانان فقیر را بعنوان استخوان بندی رهبری تشکیل داد. اتحادیه های دهقانی نیز میتوان بوجود آورد که رکن اصلی آن مرکب از توده دهقانان فقیر باشد. در مرحله دوم باید زمینهای را که دهقانان مرفه بزارعه داده اند، زمینهای مالکان ارضی را که در مرحله اول کاملاً تقسیم نشده است تقسیم کرد. مرحله اول باید تقریباً دو سال و مرحله دوم باید یک سال بطول انجامید. مسلماً شتابزدگی نتیجه خوبی نخواهد بخشید. اصلاحات ارضی و تحکیم حزب در مناطق آزاد شده قدیم و نسبتاً قدیم نیز باید در طول سه سال (از تاریخ ژانویه سال جاری) انجام یابد. در اینجا هم شتابزدگی بجائی نخواهد رسید.

یادداشتها

- ۱- شهرستان پین شان ، واقع در ناحیه غربی استان حه به ، در آن موقع جزء منطقه آزاد شده شنسی - چاهار - حه به بود . تجربه پین شان که در اینجا بآن اشاره میشود چنین بود که در هنگام اصلاحات ارضی از اشخاص خارج از حزب برای شرکت در جلسات حزب دعوت بعمل آوردند تا اینکه به تحکیم سازمان ها بنیادی حزب در مناطق روستائی کمک شود .
- ۲ - اشاره است به « رهنمود در باره مسئله ارضی » که در ۴ مه ۱۹۴۶ از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست چین صادر شد . مراجعه شود به « ترازنامه سه ماهه » یادداشت ۴ ، جلد حاضر .
- ۳ - منظور در اینجا غلات ، پول ، پوشاک و غیره است .

رفع اشتباهات انحراف آمیز " چپ " در زمینه تبلیغ برای اصلاحات ارضی

(۱۱ فوریه ۱۹۴۸)

در ماههای اخیر خبرگزاری ما و روزنامه های ما در بسیاری از منطقه ها اخبار و مقالاتی که حاوی اشتباهات انحراف آمیز رفع اشتباهات انحراف آمیز " چپ " است انتشار داده اند بدون آنکه درست و نادرست را از هم جدا کنند و مورد تحلیل قرار دهند . اینک چند نمونه :

۱ - در این خبرها و مقالات بجای شناساندن این مشی سیاسی که باید برای برانداختن سیستم فئودالی به دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی تکیه کرد و با دهقانان میانه حال استوارانه متحد شده به تبلیغی یک جانبه برای مشی دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی پرداخته میشود . در این خبرها و مقالات بجای تبلیغ این اندیشه که پرولتاریا برای برانداختن سلطه امپریالیسم و فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک و برای استقرار جمهوری توده ای چین و حکومت دموکراتیک توده ای باید با کلیه زحمتکشان ، بورژوازی ملی ستم دیده ، روشنفکران و سایر میهن پرستان (و از آنجمله متنفذین روشن بینی که مخالف اصلاحات ارضی نیستند) متحد گردد باین تبلیغ یکجانبه پرداخته میشود که گویا دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی باید " رود ها و کوهها را بتصرف در آورند و بر آنها فرمانروائی کنند " و یا اینکه دولت دموکراتیک باید منحصراً دولت دهقانان باشد و یا فقط به کارگران ، دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی گوش فرا دهد در حالیکه از دهقانان میانه حال ، پیشه وران و سایر زحمتکشان فردی ، بورژوازی ملی و روشنفکران اصلاً نامی در میان نیست . این خطای اصولی خطیر است . معذک این گونه خبرها از طرف بوروهای خبرگزاری ما ، روزنامه های ما و ایستگاههای رادیوئی ما پخش شده است ، و بخشهای تبلیغات کمیته های حزبی در مناطق مختلف این اشتباهات را حتی با اطلاع مقامات بالاتر نیز نرسانده اند . این قبیل تبلیغات در ماههای اخیر اگرچه دامنه وسیعی ندارد ولی آن اندازه شایع است که اشخاصی باشتباه تصور کنند که اندیشه

رهنمود برای حزب که بوسیله رفیق مائوتسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است .

صحیح رهبری چنین است. بعلاوه چون ایستگاه رادیوئی شنسی شمالی اخبار نادرستی پخش کرده است بعضی ها حتی پنداشته اند که این نظریات مورد تأیید کمیته مرکزی است.

۲ - در مورد تحکیم حزب، در بعضی از مناطق نه بر علیه این نظریه که منشاء طبقاتی از دیده فروگذار شود و نه بر علیه این نظریه که فقط منشاء طبقاتی در نظر گرفته شود تبلیغ مجدانه نشده است. و حتی به تبلیغ اشتباه آمیز بسود اینکه فقط منشاء طبقاتی در نظر گرفته شود پرداخته اند.

۳ - در مورد اصلاحات ارضی، در برخی از مناطق، تبلیغ بر علیه دو دلی و بر علیه شتابزدگی را بخوبی در دست گرفته اند. اما در بسیاری از مناطق دیگر به ترغیب شتابزدگی پرداخته و حتی مقالاتی در ستایش آن نوشته اند. در مورد روابط میان رهبران و توده ها، در برخی از مناطق، مراقبت شده است که هم بر علیه دستور دهی و هم بر علیه دنباله روی تبلیغ شود. ولی در بسیاری از مناطق دیگر بخطا بر روی "انجام دادن هر آنچه توده ها میخواهند" تکیه کرده و با اندیشه های اشتباه آمیزی که در توده ها بظهور رسیده است راه سازگاری در پیش گرفته اند. و حتی تا آنجا رفته اند که اظهار غلطی را که نه از توده ها بلکه فقط از برخی از افراد است بدون برخورد انتقادی پذیرفته اند. این نفی نقش رهبری حزب است، تشویق دنباله روی است.

۴ - در مورد سیاست مربوط به صنعت و بازرگانی، و همچنین مربوط به جنبش کارگری، در برخی از مناطق آزاد شده، انحرافات خطیر "چپ" را یا مورد ستایش قرار داده و یا ندیده گرفته اند.

بطور کلی، در طی ماههای اخیر، کار تبلیغی ما مبارزات عظیم جنگ، اصلاحات ارضی، تحکیم حزب، تولید، پشتیبانی از جبهه را بدرستی انعکاس بخشیده و راهنمایی کرده و به کامیابی های بزرگ آنها یاری داده است. این جنبه عمده کار تبلیغاتی ماست که قبل از هر چیز باید مورد قبول قرار گیرد. ولی باید وجود اشتباهات و نقایص را نیز متذکر شد. اشتباهات و نقایص مذکور خصلت چپ روانه دارد. بعضی از آنها بکلی با اصول مارکسیسم - لنینیسم مغایر است و یکباره از مشی کمیته مرکزی دور میشود. امیدواریم که بوروها و سوبوروهای کمیته مرکزی، بخش های تبلیغات آنها، خبرگزاری سین هوا و شعب محلی آن و رفقائی که در روزنامه های ما کار میکنند با تکیه بر اصول مارکسیسم - لنینیسم و مشی کمیته مرکزی به بررسی کار تبلیغی ماههای اخیر خواهند پرداخت، کامیابی های خود را گسترش خواهند داد، اشتباهات خود را رفع خواهند کرد بطوری که کار آنها بتأمین پیروزی در مبارزات بزرگ - جنگ، اصلاحات ارضی، تحکیم حزب، جنبش کارگری، و همچنین پیروزی در سراسر انقلاب ضد امپریالیستی و ضد فئودالی یاری برساند. بخش های تبلیغات کمیته های حزبی در کلیه مناطق و بوروی مرکزی خبرگزاری سین هوا باید مسئولیت اصلی این بررسی را بر عهده گیرند و بنام خودشان گزارش های سیاسی در باره نتایج این بررسی به بخش تبلیغات کمیته مرکزی ارسال دارند.

نکات اساسی اصلاحات ارضی

در مناطق آزاد شده جدید

(۱۵ فوریه ۱۹۴۸)

۱ - شتابزدگی نداشته باشید . سرعت اصلاحات ارضی باید بر حسب اوضاع و احوال ، سطح آگاهی سیاسی توده ها و ظرفیت کار کادر های رهبری تنظیم شود . در صدد برنیائید که اصلاحات ارضی را در چند ماه بپایان برسانید بلکه آماده شوید که آن را در هر منطقه در عرض دو یا سه سال انجام دهید . این امر در مورد مناطق آزاد شده قدیم و نسبتاً قدیم نیز صادق است .

۲ - اصلاحات ارضی در مناطق آزاد شده جدید باید در دو مرحله انجام گیرد . در طی مرحله اول بر مالکان ارضی ضربه زنی و دهقانان مرفه را بیطرف سازید . خود این مرحله بچند بخش تقسیم میشود : باید نخست برمالکان ارضی بزرگ ضربه زد ، سپس به سایر مالکان ارضی . باید با کسانی که مستبدانند و آنهایی که چنین نیستند، رفتار های مختلف داشت . همچنین باید با مالکان بزرگ ، متوسط و کوچک ارضی با شیوه های مختلف رفتار کرد . مرحله دوم عبارتست از مرحله تقسیم متساوی زمین ها ، و از آنجمله زمین هایی که بوسیله دهقانان مرفه بزمزارعه داده شده است و زمینهای زائد آنان و معذک نباید با دهقانان مرفه مانند مالکان ارضی رفتار کرد . بطور کلی بخشی که بر آن حمله میشود مجموعاً نباید بیش از ۸ درصد خانوار ها و با ۱۰ درصد اهالی باشد . شیوه های مختلف رفتار ، و دامنه کلی حمله در مناطق آزاد شده نسبتاً قدیم همین خواهد بود . این مسائل در مناطق آزاد شده قدیم مطرح نیست و در آنجا ها بطور کلی فقط باید به جرح و تعدیل پرداخت (۱) .

۳ - نخست سازمانهای دهقانان فقیر و سپس ، چند ماه بعد ، اتحادیه های دهقانی را تشکیل دهید . جداً مانع شوید که مالکان ارضی و دهقانان مرفه در اتحادیه های دهقانی و سازمانهای دهقانان فقیر راه یابند . عناصر فعال سازمانهای دهقانان فقیر باید استخوان بندی رهبری اتحادیه های دهقانی را تشکیل دهند . ولی باید عده ای از عناصر فعال دهقانان میانه حال را نیز در کمیته های اتحادیه های دهقانی وارد کرد . باید دهقانان میانه حال را در مبارزه برای اصلاحات ارضی شرکت داد و بمنافع آنان توجه داشت .

رهنمود برای حزب که بوسیله رفیق مائوتسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است .

۴- یکمترتبه در همه جا کار را شروع نکنید ، بلکه کادر های صلاحیت داری را برگزینید که نخست در بعضی از جا ها دست بکار شوند تا تجربه بدست آید و شما در حالیکه کار را مانند امواج پیاپی گسترش می دهید بتدریج به تعمیم تجربه ها میپردازید و این قاعده در باره هر منطقه استراتژیک و نیز درباره هر شهرستان صادق است . همچنین در مناطق آزاد شده قدیم و نسبتاً قدیم نیز صدق میکند .

۵ - میان مناطق آزاد شده ثابت و بخشهای پاتیزانی فرق بگذارید . در مناطق آزاد شده ثابت اصلاحات ارضی را بتدریج گسترش دهید . در بخشهای پاتیزانی به کار تبلیغات ، به سازماندهی مخفی و به تقسیم مقادیری از اموال منقول اکتفاء ورزید . در اینجا ها سازمانهای توده ای را آشکارا تشکیل ندهید ، به اصطلاحات ارضی دست نزنید ، تا مبادا دشمن به آزار توده ها دست بزند .

۶ - دسته های مسلح ارتجاعی مالکان ارضی و دوائر مخفی ارتجاعی باید از میان برده شود و نباید مورد استفاده قرار گیرد .

۷ - باید مرتجعان را سرکوب کرد ولی اکیداً ممنوع است که کسی بدون تشخیص گناه کشته شود . هر چه کمتر بکشیم بهتر است . محکومیتهای اعدام باید از طرف کمیسیونیه که در سطح شهرستان تشکیل میشود مورد رسیدگی و تأیید قرار گیرد . قضاوت و صدور حکم درباره متهمان سیاسی با کمیسیونهائی است که در سطح کمیته حزبی بخش قرار دارند . این نکته در مورد مناطق آزاد شده قدیم و نسبتاً قدیم نیز صادق است .

۸ - روشنفکران و نیمه روشنفکران انقلابی محلی که از خانواده های مالکان ارضی و یا دهقانان مرفه برخاسته اند ولی طرفدار اصلاحات ارضی اند به شرکت در استقرار تکیه گاهها دعوت خواهند شد . ولی باید کار آموزشی خود را در میان آنها توسعه دهیم و آنها را از قبضه کردن قدرت و جلوگیری از اصلاحات ارضی باز داریم . بطور کلی نباید بگذاریم که آنها در همان زادو بوم خویش کار کنند . باید توجه اصلی را به استفاده از روشنفکران یا نیمه روشنفکران که از خانواده های دهقانی برخاسته اند معطوف داشت .

۹ « باید در حمایت صنعت و بازرگانی توجه جدی بکار برد . باید نقشه های اقتصادی و مالی برای آینده ای طولانی تنظیم کرد . باید نیروهای مسلح و حکومت های بخش و دهستان از اسراف خودداری ورزند .

یادداشتها

۱-مراجعه شود به « درود بر اعتلاء نوین انقلاب چین » یادداشت ۱۱ ، جلد حاضر .

در باره سیاست در زمینه صنعت و بازرگانی

(۲۷ فوریه ۱۹۴۷)

۱ - در بعضی جاها سازمانهای حزب برخلاف سیاست کمیته مرکزی در زمینه صنعت و بازرگانی عمل کرده و لطمات سترگ در این دو مورد وارد ساخته اند . باید این اشتباهات را سریع رفع کرد . در جریان رفع این اشتباهات کمیته های حزبی در نقاط مذکور باید از نقطه نظر اصول رهبری و نیز از نقطه نظر شیوه های رهبری به بررسی مجدانه کار خود پردازند .

۲ - اصول رهبری . نخست باید از این اشتباه برحذر بود که همان اقداماتی که در روستا ها در مبارزه بر علیه مالکان ارضی و دهقانان مرفه و در برانداختن نیروهای فئودالی بکار می رود در شهر ها نیز عملی شود . باید تفاوت جدی گذشت میان لغو استثمار فئودالی که بوسیله مالکان ارضی و دهقانان مرفه صورت میگیرد و حمایت بنگاههای صنعتی و بازرگانی آنان . همچنین باید تفاوت جدی گذاشت میان سیاست صحیح توسعه تولید ، شکوفاندن اقتصاد ، دوگانه منافع عمومی و خصوصی ، ملاحظه دوگانه منافع کار و سرمایه ، و سیاست یکجانبه و نزدیک بینانه " معاضدت " که بنام " رفاه " زحمتکشان است ولی در واقع به صنعت و بازرگانی صدمه میزند و به امر انقلاب توده ای زیان میرساند . باید در میان رفقای عضو سندیکا ها و در میان توده های کارگر به کار آموزش پرداخت تا بآنها حالی شود که نباید فقط منافع آبی و قسمی را ببینند و منافع عمومی و دراز مدت طبقه کارگر را از یاد ببرند . باید کارگران و سرمایه داران را قانع ساخت که تحت رهبری دولتهای محلی به تشکیل کمیته های مختلط برای اداره تولید دست بزنند و همه کوششهای خود را در راه کاهش بهای تولید ، افزایش تولید و تسهیل فروش فرآورده ها بکار برند بطوری که به هدفهای زیرین نائل آیند : ملاحظه دوگانه منافع عمومی و خصوصی ، ملاحظه دوگانه منافع کار و سرمایه ، و کمک به جنگ . در بسیاری از جاها اشتباهاتی که روی داده در اثر آن بوده است . که نتوانسته اند اصول رهبری نامبرده ، خواه تمام آنها ، خواه اکثر آنها و خواه برخی از آنها را بدرستی بکار بندند . بوروها و سوبوروهای کمیته مرکزی باید این مسئله را بروشنی مطرح سازند ، بتخلیل و بررسی آن پردازند ، اصول سیاسی درستی

رهنمود برای حزب که بوسیله رفیق مائوتسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است .

تنظیم و رهنمود هائی برای حزب صادر کنند، و تصویب نامه هائی بامضای دولتها برسانند.

۳ - شیوه های رهبری. بوروها و سوبوروهای کمیته مرکزی پس از آنکه اصول سیاسی را تنظیم و رهنمودها را صادر کردند باید با کمیته های حزبی منطقه ای و ولایتی و یا با کمیسیون های کار که خود به محل اعزام داشته اند از راه تلگراف یا تلفن، از راه چاپارهای دوچرخه سوار یا اسب سوار و از راه مذاکرات خصوصی در ارتباط نزدیک باقی بمانند، و باید از روزنامه بمثابه افزار بسیار مهم کار سازمانی و رهبری استفاده کنند. باید همواره در جریان کار باشند، به تبادل تجربه ها بپردازند، و اشتباهات را مرتفع سازند نباید منتظر شوند که پس از ماه ها پس از شش ماه و یک سال در جلسات نتیجه گیری به بررسی عمومی و تصحیح کلی اشتباهات اقدام کنند. انتظار موجب خسارات عظیم خواهد گشت ولی اگر بتدریج که اشتباهات رخ میدهد برفع آنها اقدام شود. خسارات کمتری عاید خواهد شد. در شرایط عادی، هر بروی کمیته مرکزی باید بکوشد که با سازمانهای زیردست خود در تماس نزدیک باشد، پیوسته مراقبت کند که میان آنچه باید بشود و آنچه نباید بشود بروشنی فرق بگذارد و تشخیص خود را همواره به سازمان های زیردست یادآور گردد تا آنکه آنها هرچه ممکن است کمتر اشتباه کنند. همه این مسائل مربوط به شیوه های رهبری است.

۴ - همه رفقای حزبی باید دریابند که دشمن اکنون کاملاً منفرد شده است. اما منفرد شدن دشمن بآن معنی نیست که ما دیگر پیروز شده ایم. اگر در سیاست خود مرتکب اشتباهات شویم بازم به پیروزی نخواهیم رسید و بعبارت واضحتر، اگر ما در یکی از پنج زمینه سیاست خود - در جنگ، در تجکیم حزب در اصلاحات ارضی، در صنعت و بازرگانی، در سرکوب ضد انقلاب - دچار اشتباهات اصولی گردیم و بعداً برفع آنها نائل نیائیم در آن صورت شکست خواهیم خورد. سیاست، مبداء هر اقدام عملی حزب انقلابی است و در پروسه و در سرانجام اقدامات آن حزب نمایان میگردد. هر اقدام حزب انقلابی اجرای سیاست اوست. اگر حزب سیاست صحیحی را اجرا نکند، سیاست نا صحیحی را اجرا میکند؛ اگر حزب سیاستی را آگاهانه اجرا نکند کورکورانه اجرا میکند. آنچه ما تجربه مینامیم عبارتست از پروسه اجرای یک سیاست و سرانجام آن. فقط در اثر عمل خلق، یعنی در اثر تجربه است که ما میتوانیم بیازمائیم که آیا سیاستی صحیح یا ناصحیح است و تعیین کنیم که تا چه اندازه صحیح یا ناصحیح است. اما عمل انسان ها و بویژه عمل حزب انقلابی و توده های انقلابی ضرورتاً وابسته است به این یا آن سیاست. پس ما پیش از آنکه باقدامی دست بزنیم باید سیاستی را که در پرتو شرایط معین تنظیم کرده ایم بروشنی به اعضای حزب و توده ها توضیح بدهیم. و گر نه اعضای حزب و توده ها از رهبری سیاسی حزب ما دور خواهند شد، کورکورانه عمل خواهند کرد و مجری سیاستی ناصحیح خواهند بود.

درباره مسئله بورژوازی ملی

و متنفذین روشن بین

(۱ مارس ۱۹۴۸)

انقلاب چین در مرحله کنونی دارای خصلت انقلاب توده های پهناور خلق، تحت رهبری پرولتاریا، بر علیه امپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک است. منظور از توده های پهناور خلق کلیه کسانی هستند که از امپریالیسم فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک ستم میکشند، خسارت میبینند و یا گرفتار محدودیت میشوند، یعنی کارگران، دهقانان، سربازان، روشنفکران، بازرگانان و سایر میهن پرستان، بطریقی که در مانیفست ارتش آزادیبخش توده ای چین (۱) منتشر در اکتبر ۱۹۴۷ بروشنی بیان شده است. در این مانیفست، "روشنفکران" اشاره به کلیه روشنفکرانی است که دچار آزار و محدودیت دیده بورژوازی ملی یعنی بورژوازی متوسط و خرده بورژوازی است. "سایر میهن پرستان" بطور عمده اشاره به متنفذین روشن بین است. انقلاب چین در مرحله کنونی انقلابی است که کلیه کسانی که نام بردیم بهم میپیوندند تا جبهه متحدی بر علیه امپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک بوجود آورند و نیروی عمده آن خلق زحمتکش است. منظور از خلق زحمتکش عبارت است از زحمتکشان یدی (مانند کارگران، دهقانان، پیشه وران) و زحمتکشان فکری که بزحمتکشان یدی نزدیک اند و استثمار شوندند اند نه استثمار کننده. هدف انقلاب چین در مرحله کنونی لغو سرمایه داری بطور کلی نیست، بلکه سرنگون ساختن سلطه امپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک و استقرار جمهوری دموکراتیک نوین توده های پهناور خلق است که نیروی عمده آن زحمتکشان اند.

ما نباید متنفذین روشن بینی را که با ما همکاری کرده اند و امروز همچنان همکاری میکنند و با مبارزه ما بر علیه آمریکا و چانکایسک و نیز با اصلاحات ارضی موافق اند رها سازیم. برای نمونه اشخاصی مانند لیو شائو بای از منطقه مرزی شان سی - سوی یوان ولی دین مین از منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا را در نظر میگیریم (۲). اینان در جنگ مقاومت بر ضد ژاپن و پس از آن در لحظات دشوار

رهنمود برای حزب که بوسیله رفیق مائوتسه دون بنام کمیته مرکزی حزب منونیست چین تنظیم شده است.

بما کمک قابل توجهی دادند و بعداً هنگامیکه ما دست باصلاحات ارضی زدیم جلوی آن را نگرفتند و با اجرای آن بمخالفت برخاستند ، پس ما باید در مورد آنها همچنان سیاست اتحاد را دنبال کنیم . ولی متحد شدن با آنها بآن معنا نیست که آنها را نیروی تعیین کننده خصلت انقلاب چین بشماریم . آنچه خصلت انقلاب را معین میکند از یک سو عبارتست از دشمنان عمده آن و از سوی دیگر عبارتست از نیروهای عمده انقلابی . امروز دشمنان عمده ما امپریالیسم ، فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک هستند و نیروهای عمده ما در مبارزه بر ضد این دشمنان عبارتند از کلیه زحمکشان یدی و فکری که ۹۰ در صد جمعیت کشور را تشکیل میدهند . از اینجاست که انقلاب ما در مرحله کنونیش خصلت انقلابی دموکراتیک نوین ، انقلابی دموکراتیک توده ای دارد که از انقلاب سوسیالیستی مانند انقلاب اکتبر متفاوت است .

آن عده اندک از عناصر راست بورژوازی ملی که وابسته به امپریالیسم ، فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک و مخالف انقلاب دموکراتیک توده ای میباشد نیز دشمنان انقلاب اند ، و حال آنکه عناصر چپ بورژوازی ملی که وابسته به مردم زحمتکش و مخالف مرتجعان میباشند و همچنین آن اندک از متنفذین روشن بین که از طبقه فئودال ها جدا شده اند نیز انقلابی اند . اما نه آن اولیهای نیروی عمده دشمن اند و نه دومیهای نیروی عمده انقلابیون اند . هیچیک از آنها نمیتوانند تعیین کننده خصلت انقلاب باشند . بورژوازی ملی طبقه ای است از لحاظ سیاسی بسیار ضعیف و سخت متزلزل . اما اکثریت اعضاء آن از آنجا که از جانب امپریالیسم ، فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک گرفتار آزار و محدودیت اند میتوانند یا بانقلاب دموکراتیک توده ای بپیوندند و یا موضعی بیطرف اختیار کنند . آنها بخشی از توده های پهناور خلق اند ، ولی نه نیروی عمده این توده ها هستند و نه نیروی تعیین کننده خصلت انقلاب . معذک نظر باینکه اهمیت اقتصادی دارند و میتوانند یا به مبارزه بر علیه آمریکا و چانکایسک بپیوندند و یا در این مبارزه بیطرف بمانند برای مامکن و لازم است که آنها را با خویش متحد گردانیم . پیش از ظهور حزب کمونیست چین گومیندان تحت رهبری سون یاتسن نماینده بورژوازی ملی بود و نقش رهبر در انقلاب چین در آن دوره (انقلاب دموکراتیک ناپیگیر ار طراز کهن) داشت . اما همینکه حزب کمونیست چین پدید آمد و شایستگی های خود را نمایاند گومیندان دیگر نتوانست رهبری انقلاب چین (انقلاب دموکراتیک نوین) را بر عهده داشته باشد . بورژوازی ملی به جنبش انقلابی ۱۹۲۴ - ۱۹۲۷ پیوست ، سپس در طی سالهای ۱۹۲۷ - ۱۹۳۱ (پیش از حادثه ۱۸ سپتامبر ۱۹۳۱) بخش مهمی از عناصر وی جانب ارتجاع تحت رهبری چانکایگ را گرفتند . اما از اینجا بهیچوجه نتیجه نمیشود

که ما نمی‌بایست در طی این دوره میکوشیدیم تا بورژوازی ملی را در عرصه سیاسی جلب کنیم و در عرصه اقتصادی مورد حمایت قرار دهیم. از اینجا بهیچوجه نتیجه نمی‌شود که سیاست بسیار چپ روانه آن زمان در مورد بورژوازی ملی سیاستی ماجراجویانه نبوده است. برعکس، در آن دوره نیز ما می‌بایست معذک سیاست حمایت از بورژوازی ملی و جلب وی را بکار می‌بردیم تا بتوانیم کوششهای خود را در مبارزه برعلیه دشمنان عمده خویش متمرکز گردانیم. در دوران جنگ مقاومت، بورژوازی ملی در عین حال که بین گومیندان و حزب کمونیست در نوسان بود در جنگ شرکت جست. در مرحله کنونی، کثرت این طبقه کینه روزافزونی از آمریکا و چانکایسک در دل دارد. عناصر چپ وی به حزب کمونیست می‌پیوندند و عناصر راستش به گومیندان. اما عناصر وسطش در حال انتظار بسر می‌برد و بین دو حزب مردد اند و در چنین احوالی برای مالازم و ممکن است که اکثریت بورژوازی ملی را جلب کنیم و اقلیت آن را منفرد سازیم. و بمنظور نیل به این هدف باید در مورد آنچه مربوط به موقعیت اقتصادی این طبقه است با احتیاط عمل کنیم و علی‌الاصول سیاست عمومی حمایت وی را در پیش گیریم. و گرنه دچار اشتباهات سیاسی خواهیم شد.

متنفذین روشن بین، عناصر قلیلی هستند از طبقه مالکان ارضی و دهقانان مرفه که صاحب تمایلات دموکراتیک اند. اینان با سرمایه داری بوروکراتیک و امپریالیسم و همچنین تا حدودی با مالکان ارضی و دهقانان مرفه فئودال تضاد هائی دارند. ما با اینان متحد می‌شویم نه از آنجهت که نیروی سیاسی بزرگی هستند، نه از آنجهت که اهمیت اقتصادی دارند (زمینهای که بر اساس سیستم فئودالی در دست آنهاست باید با رضایت خودشان بدهقانان واگذار و تقسیم شود) بلکه از آنجهت که اینان در هنگام جنگ مقاومت بر ضد ژاپن و در مبارزه بر علیه آمریکا و چانکایسک بما کمک سیاسی قابل ملاحظه ای رسانند. در دوران اصلاحات ارضی، موافقت عده قلیلی از متنفذین روشن بین برای اصلاحات ارضی در سراسر کشور مفید خواهد بود و بخصوص بما در جلب روشنفکران (روشنفکران چین غالباً از خانواده های مالکان ارضی و یا دهقانان مرفه برخاسته اند)، بورژوازی ملی (اعضاء بورژوازی ملی چین با زمین وابستگی دارند) و متنفذین روشن بین سراسر کشور (که تعداد شان چند صد هزار است) و در منفرد ساختن دشمن عمده انقلاب چین یعنی دارودستهار تجاعی چانکایسک کمک خواهد کرد. درست باین علت که متنفذین روشن بین میتوانند چنین نقشی بازی کنند و در جبهه متحد انقلابی ضد امپریالیسم، ضد فئودالیسم و ضد سرمایه داری بوروکراتیک نیز شرکت دارند موضوع اتحاد ما با آنها باید مورد

توجه ما باشد. در دوران جنگ مقاومت بر ضد ژاپن، آنچه از متنفذین روشن بین میخواستیم هواداری از مقاومت بر ضد ژاپن، از دموکراسی (با حزب کمونیست مخالفت نکردن) و از تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود بود. در مرحله کنون آنچه از آنها میخواستیم هواداری از مبارزه بر ضد امریکا و چانکایسک، از دموکراسی (با حزب کمونیست مخالفت نکردن) و از اصلاحات ارضی است. اگر آنها مطالبات ما را برآورده سازند باید با آنها بدون استثناء متحد شویم و در عین حال بآنها آموزش دهیم.

یادداشتها

۱ - مراجعه شود به اصل نخستین از اصول سیاسی هشتگانه که در «مانیفست ارتش آزادیبخش توده ای چین» یاد شده است، جلد حاضر.

۲ - لیو شائو بای، متنفذ روشن بین منطقه مرزی شانسی - سوی یوان، مقاومت صدر مجلس نمایندگان موقت منطقه مرزی شان سی - سوی یوان انتخاب شد. لی دین مین متنفذ روشن بین شنسی شمال، بمعاونت صدر دولت منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا انتخاب شد.

درباره پیروزی بزرگ در شمال غربی و جنبش طراز نوین برای تربیت ایدئولوژیک در ارتش آزادیبخش

(۷ مارس ۱۹۴۸)

سخنگوی ستاد کل ارتش آزادیبخش توده ای در تفسیر پیروزی بزرگی که اخیراً ارتش آزادیبخش توده ای شمال غربی بدست آورده ، چنین اظهار داشت : این پیروزی وضعیت شمال غربی را عوض کرده است و در وضعیت دشتهای مرکزی تاثیر خواهد گذاشت . این پیروزی ثابت کرده است که ارتش آزادیبخش توده ای با برانگیختن جنبش طراز نوین تربیت ایدئولوژیک که از طریق " حکایت رنج ها " و " سه رسیدگی " عملی میگردد ، میتواند بصورت ارتشی غلبه ناپذیر در آید .

سخنگوی گفت : این بار ارتش آزادیبخش توده ای شمال غربی یک تیپ از واحد های دشمن را در ای چوان ناگهان محاصره کرد و حو زون نان به لیو کان فرمانده سپاه ۲۹ خود دستور داد از خط لوه چوان - ای جیون با ۴ تیپ از لشگر تجدید سازمان یافته ، یعنی با تیپ ۳۱ و ۴۷ از لشگر تجدید سازمان یافته ۲۷ و تیپ ۵۳ و ۶۱ از لشگر تجدید سازمان یافته ۹۰ که مجموعاً بیش از ۲۴۰۰۰ نفر بودند ، برای کمک به ای چوان بشتابد ؛ این تیپها روز ۲۸ فوریه به جنوب غربی ای چوان رسیدند . ارتش آزادیبخش توده ای شمال غربی به نبرد نابود کننده دست زده و در عرض سی ساعت یعنی از روز ۲۹ فوریه تا اول مارس این نیروهای امدادی را بکلی نابود ساخت ، بدون آنکه بگذارد یکنفر بگریزد . در این نبرد بیش از ۱۸۰۰۰ تن اسیر ، ۵۰۰۰ تن کشته و یا زخمی شدند . خود لیو کان و یین مین فرمانده لشگر ۹۰ و برخی دیگر از افسران نیز کشته شدند . و سپس روز ۳ مارس ای چوان را گرفتیم و بیش از ۵۰۰۰ تن از تیپ ۲۴ از لشگر ۷۶ تجدید سازمان یافته را که از آن شهر دفاع میکردند ، نابود

متن حاضر تفسیری است که از طرف رفیق مائوتسه دون بنام سخنگوی ستاد کل ارتش آزادیبخش توده ای چین تنظیم گردیده است . در آن هنگام تعرض دشمن در صحنه عملیات شمال غربی درهم شکسته شده و ارتش ما به تعرض پرداخته بود . این تفسیر وضعیت شمال غربی را تحلیل میکند و وضعیت سایر عرصه های عملیات نظامی کشور ما را در خطوط کلی نشان میدهد . مهمترین عنصر این تفسیر آنستکه اهمیت بزرگ جنبش طراز نوین برای تربیت ایدئولوژیک در ارتش را که از طریق " حکایت رنج ها " و " سه رسیدگی " عمل میگردد ، تأکید میکند . این جنبش طراز نوین نشانه

ساختیم. دشمن در جریان این عملیات یک ستاد سپاه، ۲ ستاد لشگر و ۵ تیپ و مجموعاً ۳۰۰۰۰ نفر را از دست داد. این نخستین پیروزی بزرگ ما در صحنه عملیات شمال غربی است.

سخنگو در تحلیل وضعیت صحنه عملیات شمالی غربی اظهار داشت: از ۲۸ تیپ باصطلاح "ارتش مرکزی" تحت فرماندهی مستقیم حوزون نان، ۸ تیپ به ۳ لشگر زبده یعنی به لشگرهای تجدید سازمان یافته ۱ و ۳۶ و ۹۰ تعلق داشتند. از میان آنها، تیپ یکم از لشگر یکم تجدید سازمان یافته قبلاً یک مرتبه در سپتامبر ۱۹۴۶ در فوشان واقع در جنوب شان سی نابود شده بود. در ماه مه سال گذشته نیروهای عمده تیپ ۱۶۷ همین لشگر در پن لون واقع در شمال شنسی، نیز گرفتار همین سرنوشت گردیدند. در ماه اوت همین سال تیپ ۱۲۳ و ۱۶۵ از لشگر تجدید سازمان یافته ۳۶ یکبار در شاجیا دیان از شهرستان می جی واقع در شمال شنسی نابود شده بود. این مرتبه لشگر تجدید سازمان یافته ۹۰ کاملاً نابود شد. از میان نیروهای عمده باقیمانده حوزون نان فقط تیپ ۷۸ از لشگر یکم تجدید سازمان یافته و تیپ ۲۸ که لشگر ۳۶ تجدید سازمان یافته هنوز نابود نشده اند. پس میتوان گفت که ارتش حوزون نان عملاً از واحد های زبده محروم شده است. بعد از نبرد نابود کننده ایکه در ای چوان روی داد، از ۲۸ تیپ از واحد های منظم تحت فرماندهی مستقیم حوزون نان، فقط ۲۳ تیپ باقی مانده که در نواحی زیرین تقسیم شده اند: یک تیپ در لین فن واقع در جنوب شان سی در تنگنا افتاده است؛ ۹ تیپ در مرز شنسی - حه نان و در طول خط لوه یان - تون گوان بمقابله با ارتش صحرائی ما که تحت فرماندهی چن گن و سیه فوجی است، مشغولند؛ یک تیپ در جنوب شنسی از ناحیه حان جون محافظت میکند؛ و تغییر از آن ۱۲ تیپ دیگر در طول راه های ارتباطی بشکل "T" از تون گوان تا بائو جی و از سیان یان تا این پخش شده اند. از میان آنها ۳ تیپ باز گشته از جبهه " (۱) هستند که تماماً از سربازان جدید تشکیل شده اند؛ دو تیپ از آنها قبلاً از طرف ارتش ما بکلی نابود گشته بودند و اخیراً تکمیل یافته اند؛ دو تیپ

رشد و تکامل پر اهمیت کار سیاسی و جنبش دموکراتیک در درون ارتش آزادیبخش توده ای و انعکاسی بود در ارتش از جنبش اصلاحات ارضی و جنبش تحکیم حزب که در آن زمان در کلیه مناطق آزاد شده با جنب و جوش جریات مییافت. جنبش مذکور آگاهی سیاسی، انضباط و قدرت رزمی کلیه افسران و سربازان را بوجه قابل ملاحظه ای بالا برد و در عین حال به مؤثر ترین وجهی این پروسه را تسریع کرد که عده کثیری از سربازان گومیندان که اسیر شده بودند، از نو تربیت شوند و بصورت سربازان ارتش آزادیبخش در آیند، علاوه بر این در تحکیم و

دیگر از دست ما ضربات شکننده خورده اند و ۵ تیپ نسبتاً کم ضربه خورده اند. از اینجا میتوان نتیجه گرفت که این واحدها نه فقط خیلی ضعیفند بلکه اکثر آنها بخدمت پادگانی مشغولند. علاوه بر ارتش حوزون نان، ۲ تیپ تحت فرماندهی دو بانو شان از بولین دفاع میکند و ۹ تیپ دیگر فرماندهی ماهون کوی از استان نین سیا و ما بوفان از استان چینگ های در مناطق سان بیان و لون دون پخش شده اند. همه واحدهای منظم فوقالذکر که بترتیب تحت فرماندهی حوزون نان، دن بانو شان، ماهون کوی و ما بوفان قرار دارند و از آنجمله واحدهائی که یکی دوباره نابود شده و از نو تکمیل یافته اند، مجموعاً ۳۴ تیپ را تشکیل میدهند.

اینست وضعیت دشمن در شمال غربی و حال برگردیم به تیپهائی که در راههای ارتباطی بصورت "T" گسترده شده اند. از این تیپها ۵ تیپ نسبتاً کم ضربه خورده اند، دو تیپ درین ان برای دفاع از آن شهر میخکوب شده اند و سه تیپ در منطقه گوان جون بزرگ مستقرند؛ بقیه اکثراً تیپهائی هستند که بتازگی تکمیل شده اند و بعضی ها واحدهائی هستند که ضربات شکننده خورده اند. عبارت دیگر نیروهای دشمن در سراسر منطقه گوان جون بزرگ و بویژه در استان گان سو سخت ضعیف گشته و نمیتوانند جلو تعرض ارتش آزادیبخش توده ای را بگیرند. این وضعیت مسلماً در آرایش قسمتی از نیروهای چانکایشک در جبهه جنوب و در درجه اول در آرایش نیروهای وی در مرز حه نان - شنسی برای مقابله با ارتش صحرائی ما فرماندهی چن گن و سیه فوجی تاثیر خواهد گذاشت. ارتش آزادیبخش توده ای شمال در یورش کنونی خویش بسوی جنوب همینکه درفش خود را باهتزاز در آورد، به پیروزی رسید، شهرت فراوان یافت و در شمال غربی تناسب قوا میان دشمن و ما را تغییر داد. ولی از این پس در هماهنگی با واحدهای ارتش آزادیبخش توده ای که در صحنه های جنگ جبهه جنوب عمل میکنند، با اثر بخشی باز هم بیشتری خواهد جنگید.

سخنگوی اظهار داشت: از تابستان و پائیز گذشته سه ارتش صحرائی ما بترتیب تحت فرماندهی لیو بوه چن و دن سیائوپین، چن ای و سو یو، پن گن و سیه فوجی پس از عبور از رود خانه رزد بسوی جنوب پیشترفتند و در سرزمین های بین

توسعه ارتش آزادیبخش توده ای و در پیروزیهای وی در عرصه نبرد نقش مهمی ایفا نمود. در باره اهمیت این جنبش رجوع شود به « جنبش دموکراتیک در ارتش »، « سخنرانی در کنفرانس کادرهای منطقه آزاد شده شان سی - سوی یوان » و « بخشنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در باره جلسه سپتامبر »، جلد حاضر.

رودخانه های یانه تسه ، حوای ، زرد و حان بتاخت تاز پرداختند و تعدادی زیادی از واحد های دشمن را نابود ساختند ، تقریباً ۹۰ تیپ از صد و شصت و چند تیپی را که چانکایشک در جبهه جنوب در اختیار داشت ، بحرکت در آورده و آنها را بدور خویش جلب کردند، ارتشهای چانکایشک را بموضع غیر فعال انداختند و باین طریق نقش استراتژیک قاطعی بازی نمودند و مورد تحسین و تشویق خلق سراسر کشور قرار گرفتند (۲) . ارتش صحرائی شمال شرقی ما در تعرض زمستانی خود از سرمای شدید ۳۰ درجه زیر صفر پروا نکرد، قسمت بزرگی از سپاهیان دشمن را نابود ساخت، شهر های مهم را یکی پس از دیگری گرفت و در سراسر کشور شهرت یافت (۳) .

ارتشهای صحرائی ما در منطقه شانسی - چاهار - حه به ، در شان دون ، شمال جیان سو و در منطقه شان سی - حه به - شان دون - حه نان پس از آنکه در سال گذشته عده کثیری از سپاهیان دشمن را طی نبرد های قهرمانانه نابود ساختند (۴) ، در زمستان سال گذشته وظیفه خویش را در کار تعلیمات و تقویت صفوف خود بپایان رساندند و بزودی به تعرض بهاره دست خواهد زد (۵) . بررسی مجموعه اوضاع ، این حقیقت باثبات میرسد : تا زمانیکه ما علیه محافظه کاری ، علیه ترس از دشمن و دشواریها مصممانه مبارزه میکنیم ، تا زمانیکه از مشی عمومی استراتژیک کمیته مرکزی حزب و دستور ان در باره دو اصل مهم عملیات نظامی (۶) پیروی میکنیم ، میتوانیم دامنه تعرضهای خود را گسترش دهیم ، سپاهیان دشمن را بتعداد زیاد نابود سازیم و به نیروهای دارودسته راهزنان چانکایشک چنان ضرباتی وارد آوریم که یا فقط موقتاً قابل دفع باشد و بآنها امکان تلافی ندهد و یا اصولاً برایشان قابل دفع نباشد و آنها را یکی پس از دیگری نابود سازد . سخنگوی تاکید کرد : قدرت رزمی ارتش صحرائی شمال غربی ما بمراتب بیشتر از سال گذشته شده است (۷) . ارتش صحرائی شمال غربی در نبرد های سال گذشته فقط میتوانست در عین حال حداکثر ۲ تیپ دشمن را نابود سازد ، حال آنکه اینک طی نبرد ای جوان توانسته است در آن واحد ۵ تیپ دشمن را از پای در آورد . کسب این پیروزی درخشان دارای علل مختلف است که آنچه باید ذکر شود ، بقرار زیر است : فرماندهی متین . با نرمش رفقای رهبری در جبهه ، پشتیبانی فعال رفقای رهبری و توده های وسیع در پشت جبهه ، انفراد نسبی سپاهیان دشمن و موقعیت مساعد زمین . ولی علتی که بیش از همه شایان توجه است ، عبارتست از جنبش طراز نوین تربیت ایدئولوژیک در ارتش که در زمستان گذشته طی مدتی بیش از دو ماه از طریق "حکایت رنج ها" و "سه رسیدگی" عملی گردید . رشد صحیح جنبش برای "حکایت رنج ها" (جور و ستمی که از طرف جامعه کهن و مرتجعین نسبت به مردم زحمتکش اعمال شده) و

سه رسیدگی" (منشاء طبقاتی، حس وظیفه شناسی و اراده بمبارزه) آگاهی سیاسی فرماندهان و رزمندگان سراسر ارتش را در مبارزه بخاطر آزادی توده های زحمتکش استثمار شده، بخاطر اصلاحات ارضی در سراسر کشور و نابودی دشمن مشترک خلق یعنی دارودسته راهزنان چانکاپشک بمیزان قابل ملاحظه ای بالا برده است. در ضمن، جنبش مذکور همبستگی استوار کلیه فرماندهان و رزمندگان را تحت رهبری حزب کمونیست بشدت تحکیم نموده است. ارتش بر این اساس در صفوف خود بپاکیزگی بیشتری رسیده، انضباط خود را تقویت نموده، جنبش توده ای برای تعلیمات نظامی برپا کرده و دموکراسی را در عرصه سیاسی، اقتصادی و نظامی و تحت رهبری صحیح و بطور منظم رشد و قوام داده است. از اینرو ارتش ما چون تنی واحد بهم پیوسته است، بطوریکه همه کس فکر و نیروی خود را بکار میاندازد. ارتش ما از قربانی نمیهراسد، قادر به غلبه بر مشکلات مادی است و سرشار از روحیه قهرمانی توده ای و جرأت به نابود ساختن دشمن است؛ چنین ارتشی شکست ناپذیر است.

سخنگو اظهار داشت: فقط در شمال غربی نیست که جنبش طراز نوین تربیت ایدئولوژیک در ارتش برپا شده است، این جنبش در سراسر ارتش آزادیبخش توده ای نیز جریان یافته و یا جریان دارد. این جنبش که در فاصله میان نبرد ها عملی میشود، عملیات نظامی را دچار وقفه نمیسازد. این جنبش با جنبش تحکیم حزب و جنبش اصلاحات ارضی که در لحظه کنونی از طرف حزب ما بوجه صحیحی توسعه داده شده اند، در پیوند است؛ این جنبش با سیاست درست حزب ما مبنی بر اینکه دامنه حمله باید محدود شود - یعنی مبارزه فقط علیه امپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک، منع زدن و کشتن بدون تشخیص (هرچه کمتر بکشند، بهتر است) و همچنین پیوند محکم با توده های وسیع خلق که بیش از ۹۰ درصد اهالی کشورند - هماهنگ است؛ این جنبش با اجرای سیاست صحیح حزب ما در شهرها و باسیاست قاطع ما مبتنی بر حمایت و بسط صنایع و تجارت ملی هماهنگی دارد. باین طریق جنبش مذکور بیگمان ارتش آزادیبخش توده ای ما را غلبه ناپذیر خواهد ساخت. دارودسته راهزنان چانکاپشک و اربابش، امپریالیسم آمریکا هر چه بر ضد مبارزه عظیم خلق چین در راه انقلاب دموکراتیک نومیدانه بکوشند، باز مسلماً پیروزی از آن ما خواهد بود.

یادداشتها

۱ - منظور از تیپ های باز گشته از جبهه ، آن تیپ های گومیندان است که بخش اعظم آنها در میدان جنگ از طرف ارتش آزادیبخش توده ای چین نابود شده و برای تکمیل به پشت جبهه انتقال میبایند ، ولی نمره های آنها عوض نمیگردند . مترجم

۲ - از ۲۰ ژاوئن ۱۹۴۷ هفت ستون از ارتش صحرائی شان سی - حه به - شان دون - حه نان بفرماندهی لیو بوه چن ، دن سیائو پیین و رفقای دیگر از رودخانه زرد بزور گذشتند و بسوی کوه دابیه پیش راندند و بدین ترتیب تعرض استراتژیک ارتش آزادیبخش توده ای را آغاز کردند . تا آخر مارس ۱۹۴۸ بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر از واحد های دشمن نابود شدند و در مرز حوبه - حه نان ، در مغرب ان هوی ، در منطقه کوهستانی تون بای و در دشتهای بین رود خانه های یان تسه و حان پایگاههایی برپا گردیدند . در اوت ۱۹۴۷ هشت ستون از ارتش صحرائی چین شرقی بفرماندهی چن ای ، سویو و رفقای دیگر حمله متمرکز دشمن بر استان شان دون را درهم شکستند و سپس به جنوب غربی شان دون و منطقه مرزی حه نان - ان هوی - جیان سو سرازیر شدند ، مجموعاً بیش از ۱۰۰۰۰۰ تن از سپاهیان دشمن را نابود ساختند ، منطقه آزاد شده حه نان - ان هوی - جیان سو را توسعه دادند و مراکز استراتژیک دشمن یعنی کای فون و جن جو را منفرد گرداندند . در اوت ۱۹۴۷ دو ستون و یک سپاه از ارتش تای یوه از منطقه شان سی - حه به به شان دون - حه نان بفرماندهی جن گن ، سیه فو جی و رفقای دیگر در جنوب شان سی از رودخانه زرد بزور گذشتند ، وارد مغرب حه نان شدند ، بیش از ۴۰۰۰۰ تن از سپاهیان دشمن را نابود ساختند و در مرز حه نان - شنسی - حوبه و در جنوب شنسی پایگاههایی بر پا کردند ، لوه یان را که مرکز استراتژیک دشمن در مقرب حه نان بود ، بکلی منفرد گرداندند و تون گوان را مورد تهدید قرار دادند .

۳ - از ۱۵ دسامبر ۱۹۴۷ تا ۱۵ مارس ۱۹۴۸ ، ۱۰ ستون و ۱۲ لشکر مستقل ارتش صحرائی شمال شرقی بفرماندهی لین بیائو ، لوه ژون هوان و رفقای دیگر طی نود روز نبرد مداوم در طول منطقه سی پین جیه - داشی چیائو از راه آهن چان چون چینی و در طول منطقه شان های گوان - شن یان از راه آهن بی پین - لیائو نین به تعرض زمستانی پر دامنه و بیسابقه ای دست زدند ، بیش از ۱۵۶۰۰۰ تن از سپاهیان دشمن را نابود ساختند و مرکز استراتژیک سی پین جیه را که استحکاماتی نیرومند داشت و هجده شهر دیگر را به تصرف در آوردند ، یک لشکر دشمن که پادگان بین کو را تشکیل میداد ، بقیام برخاست و بصوف ما پیوست . نیروهای دشمن که از شهر جی لین دفاع میکردند ، شهر را ترک کرده و بسوی چان چون گریختند . بدین ترتیب منطقه تحت اشغال دشمن در شمال شرقی به یک صدم این منطقه تقلیل یافت و پناهگاههایش در شهر های طول خط چان چون - شن یان - جین جو منفرد گردیدند .

۴ - از آغاز سپتامبر تا نیمه نوامبر ۱۹۴۷ پنج ستون از ارتش صحرائی شان سی - چاهار - حه به بفرماندهی نیه ژون جن و رفقای دیگر متوالیا به نبرد هایی در شمال رود خانه دا چینگ و منطقه چینگ فون دیان و همچنین به نبرد برای آزاد ساختن شی جیا جون دست زدند ، قریب ۵۰۰۰۰ نفر از سپاهیان دشمن را نابود ساختند و مناطق آزاد شده شان سی - چاهار حه به ، شانسی - حه به به شان دون - حه نان را بهم متصل گردانده و بصورت سرزمین واحد در آوردند . از سپتامبر تا دسامبر ۱۹۴۷ سه ستون از ارتش شان دون متعلق به ارتش صحرائی چین شرقی و نیروهای مسلح محلی تحت

فرماندهی سیو شی یو ، تن جن لین و رفقای دیگر به نبرد مشرق شان دون دست زدند ، بیش از ۶۳۰۰۰ تن از سپاهیان دشمن را نابود ساختند ، بیش از ۱۰ مرکز شهرستان را دوباره بتصرف در آوردند که در نتیجه وضعیت استان شان دون بکلی تغییر یافت . از اوت تا دسامبر ۱۹۴۷ واحد هائی از ارتش صحرائی چین شرقی در شمال جیان سو متوالیاً به نبرد هائی در ین چن ، لی باؤ و غیره دست زدند که بدشمن بیش از ۲۴۰۰۰ تن تلفات وارد ساخت . آنها نواحی وسیعی را در شمال جیان سو دوباره بتصرف در آوردند . در دسامبر ۱۹۴۷ واحد هائی از ارتش صحرائی شان سی - حه به - شان دون - حه نان بفرماندهی سیو سیان چیان و سایر رفقای در هماهنگی با واحد های ارتش صحرائی شمال غربی به یون چن مله ور گشتند و آنرا بتصرف در آوردند . دشمن بیش از ۱۳۰۰۰ تن تلفات داد . تمام نیروهایش در جنوب غربی شان سی نابود شدند و واحدهای او که در لین فن مستقر بودند ، منفرد گردیده .

۵ - در بهار ۱۹۴۸ ارتشهای صحرائی ارتش آزادبیش توده ای پس از سر دو ران تعلیمات و تقویت واحد ها در زمستان سال گذشته یکی بعد از دیگری به تعرض بهاره دست زدند . از مارش تا مه ارتش صحرائی شان سی - چهار - حه به و واحد هائی از ارتش صحرائی شان سی - حه به - شان دون - حه نان و ارتش صحرائی شان سی - سوی یوان به نبرد هائی در جنوب چهار ، مشرق سوی یوان و در منطقه لین فن پرداختند که بیش از ۴۳۰۰۰ تن بر دشمن تلفات وارد ساخت و منجر به باز ستاندن سرزمینهای وسیعی گردید . از ۸ مارس تا ۲۹ مه واحد هائی از ارتش صحرائی دشتهای مرکزی و ارتش صحرائی چین شرقی متوالیاً به نبردهائی در لوه یان ، سون هه ، در غرب و شرق نان ون دست زدند . دشمن بیش از ۵۶۰۰۰ تن تلفات داد و سیستم دفاعی اش در دشتهای مرکزی در هم شکسته شد و منطقه آزاد شده آنجا توسعه و تحکیم یافت . از ۱۱ مارس تا ۸ مه ارتش شان دون از ارتش صحرائی چین شرقی نخست در بخش غربی راه آهن چینگ دائو - جی نان ، سپس در وی سیان به نبرهائی پرداخت که بدشمن بیش از ۸۴۰۰۰ تن تلفات وارد ساخت . باین طریق استن شان دون جز چند تکیه گاه از قبیل جی نان ، چینگ دائو ، لین ای و ین جو که در دست گومیندان باقی ماندند ، آزاد گردید . در ماه مارس ارتش شمال جیان سو به نبردی موفقیت آمیز در ای لین دست زد .

۶ - در باره ده اصل عملیات نظامی رجوع شود به « اوضاع کنونی و وظایف ما » بخش ۳ ، جلد حاضر .

۷ - نیروهای عمده ایکه در تابستان ۱۹۴۷ از طرف ارتش صحرائی شمال غربی بفرماندهی پون ده هوای ، حه لون ، سی جون سیون و رفقای دیگر در نبردهای شمال شنسی بکار افتادند ، مرکب بودند از ۲ ستون تیپ مجموعاً بیش از ۲۵۰۰۰ تن . این نیروها در بهار به پنج ستون با تعدادی متجاوز از ۷۵۰۰۰ تن رسیدند . توده های وسیع افسران و سربازان در اثر یک سال مبارزه و در اثر جنبش طراز نوین تربیت ایدئولوژیک که در زمستان ۱۹۴۷ جریان یافت ، آبدیده تر شدند و سطح آگاهی سیاسی و قدرت رزمی واحد های خویش را بطور بیسابقه بالا بردند . باین طریق شرایط لازمی بوجود آمد که بارتش صحرائی شمال غربی اجازه داد در مارس ۱۹۴۸ بعمليات در خطوط خارجی روی آورد . این ارتش پس از پیروزی بزرگ ای چون در ۱۲ آوریل به نبردهائی در سی فو (واقع در مغرب سی ان و بین رود خانه های جین و وی) و مشرق گان سو دست زد ، به ناحیه وسیعی بین رود خانه های جین و وی وارد شد ، جاده شوسه سی ان - لان جو را قطع کرد و در ۲۲ آوریل ین ان را باز ستاند .

بخشنامه در باره وضع حاضر

(۲۰ مارس ۱۹۴۸)

۱ - کمیته مرکزی حزب در ماههای اخیر همه کوشش خود را بر آن مصرف داشته است تا مسایل مربوط به سیاست و تاکتیک خاص اصلاحات ارضی ، صنعت و بازرگانی، جبهه متحد ، تحکیم حزب ، کار در مناطق آزادشده جدید را در شرایط نو ظهور حل کند و همچنین بمبارزه با انحرافات راست و " چپ " و بویژه انحرافات " چپ " در درون حزب بپردازد . تاریخ حزب ما نشان میدهند که خطر پیدایش انحرافات راست در موقعی ظهور کرده که حزب ما باگومیندان جبهه متحد داشته است ، حال آنکه خطر پیدایش انحرافات " چپ " آنگاه پدید آمده که بین حزب ما و گومیندان جدائی افتاده است . امروزه مضمون انحرافات " چپ " بطور عمده عبارتست از : منافع دهقانان میانه حال را پامال کردن ، بمنافع بورژوازی ملی لطمه زدن ، در جنبش کارگری فقط بر منافع آنی کارگران تکیه کردن ، در رفتار بامالکان ارضی و دهقانان مرفه و همچنین در رفتار با مالکان ارضی بزرگ ، متوسط و کوچک ، و نیز در رفتار با مالکان ارضی که مستبداند و آنها که مستبد نیستند تفاوت نگذاشتن ، و سایل لازم برای امرار معاش را برخلاف اصل تقسیم متساوی زمین ها از مالکان ارضی گرفتن ، در مبارزه برای سرکوب ضد انقلاب از حدودی که سیاست ما مقرر داشته است فراتر رفتن ، احزاب سیاسی نماینده بورژوازی ملی را راندن ، متنفذین روشن بین را طرد کردن ، اهمیت این تاکتیک را که در نواحی آزاد شده جدید باید بخش مورد حمله ما محدود باشد از دیده فرو گذاشتن (یعنی به بیطرف ساختن دهقانان مرفه و مالکان کوچک ارضی بی اعتنا بودن) ، و بلاخره در اجرای منظم کار شکیب نداشتن . اینگونه انحرافات " چپ " تقریباً از دو سال باین طرف بدرجات مختلف در کلیه مناطق آزاد شده ظهور کرده و گاهی بصورت تمایلات ماجراجویانه خطرناک در آمده است . خوشبختانه رفع آنها خیلی دشوار نیست و

بخشنامه برای حزب که بوسیله رفیق مائو تسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است . کمیته مرکزی پس از صدور این بخشنامه از منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا حرکت کرده پس از عبور از منطقه آزاد شده شان سی - سوی یوان به منطقه آزاد شده شان سی - چاهار - حه به منتقل شد و در مه ۱۹۴۸ به دهکده سی بای پوه از شهرستان پین شان واقع در مغرب استان حه به رسید .

بطور کلی در طی ماههای اخیر یا رفع شده و یا در حال رفع شدن اند. معذک لازم است که رهبران در کلیه مراتب مجدانه باقدام بپردازند تا اینگونه انحرافات یکباره رفع گردند. مضمون انحرافات راست بطور عمده عبارتست از پر بها دادن به نیروی دشمن، بیمناک شدن از گزافی کمک امریکا به چانکایشک، احساس خستگی کردن از دیر پائیدن جنگ، بشک افتادن در قدرت نیروهای دموکراتیک جهانی، بیجراتی در تجهیز بمقیاس توده ها برای برانداختن سیستم فئودالی، لاقیدی نسبت به آلودگی هائی که در درون حزب در ترکیب طبقاتی و شیوه کار پدید میآید. معذک این انحرافات راست اکنون مهمترین انحرافات نیستند و رفع آنها نیز دشوار نیست. حزب ما طی ماههای اخیر به کامیابی هائی در جنگ، اصلاحات ارضی، تحکیم حزب، آموزش ایدولوژیک ارتش، توسعه مناطق آزاد شده جدید، و جلب احزاب دموکراتیک نائل آمده و بخصوص انحرافات را که در این زمینه ها بظهور رسیده رفع کرده و یا در حال رفع کردن است. این امر به جنبش انقلابی چین امکان خواهد داد که در راه تکامل سالم رهسپار گردد. فقط آنگاه که تمام سیاست و تمام تاکتیک های حزب بدرستی معین شود انقلاب چین میتواند به پیروزی نائل آمده. سیاست و تاکتیک، عین زندگی حزب است رفقای رهبری در کلیه مراتب باید به آنها توجه بسیار مبذول دارند و هرگز نباید در این زمینه مسامحه ورزند.

۲ - برخی از شخصیت های دموکراتیک تصور کرده بودند که گویا هنوز امکان راه سومی (۱) وجود دارد و موضعی بینابینی در وسط گومیندان و حزب کمونیست چین اختیار کرده بودند زیرا که هنوز پندار هائی در باره آمریکا و چانکایشک داشتند و در این موضوع که حزب ما و خلق دارای آنچنان نیروئی باشند که بر همه دشمنان داخلی و خارجی فائق آیند در تردید بودندو این شخصیت ها در برابر تعرض ناگهانی گومیندان گرفتار عدم تحرک شدند. سرانجام در ژانویه ۱۹۴۸ شعار های حزب ما را پذیرفتند و مخالفت خود را با چانکایشک و امریکا و هواداری خود را از اتحاد با حزب کمونیست و با اتحاد شوروی اعلام داشتند (۲). ما باید نسبت باینان سیاست اتحاد داشته باشیم و در عین حال از نظریات اشتباه آمیز شان بطور شایسته انتقاد کنیم. لازم و مفید است که در آینده، در موقع تشکیل دولت توده ای مرکزی، از بعضی از اینان برای شرکت در دولت دعوت شود. خصوصیت این اشخاص اینست که هرگز نخواستند با توده های زحمتکش تماس داشته باشند، و بعلاوه چون بزندگی در شهر های بزرگ خو گرفته اند باسانی حاضر نمیشوند بمناطق آزاد شده بیایند. ولی آن پایه اجتماعی که اینان نماینده آن اند، یعنی بورژوازی ملی، دارای اهمیت است که نمیتوان ندیده گرفت. از اینجهت جلب اینان ضرورت دارد. میتوان پیش بینی

کرد که آنگاه که ما به پیروزی های بزرگتر نائل آئیم و عده ای از شهر هائی مانند شن یان ، بی پین و تیانزین را تسخیر کنیم و پیروزی حزب کمونیست برگومیندان کاملاً روشن گردد این اشخاص اگر بشرکت در دولت توده ای مرکزی دعوت شوند شاید حاضر خواهند بود که برای همکاری با ما به مناطق آزاد شده بیایند .

۳ - ما در نظر نداریم امسال دولت توده ای مرکزی تشکیل دهیم زیرا که هنگام آن فرا نرسیده است . وقتیکه امسال باصطلاح مجلس ملی چانکایسک را به ریاست جمهوری برگزیند (۹۳ و او باز هم بیشتر بی اعتبار گردد ، وقتی که ما به پیروزی های بزرگتر نائل آئیم و سرزمین های خویش را بیشتر توسعه دهیم ، و بویژه پس از تسخیر یک یا دو شهر از بزرگترین شهر های کشور ، و وقتیکه چین شمال شرقی ، چین شمالی ، شان دون ، جیان سوی شمالی ، حه نان ، حوبه و ان هوی بهم پیوندند و منطقه واحدی بوجود آورند تشکیل دولت توده ای مرکزی کاملاً ضروری خواهد بود . ظاهراً این موقع در ۱۹۴۹ فرا خواهد رسید . عجلتاً ما مشغول عملی ساختن وحدت مناطق آزاد شده شان سی - چاهار - حه به ، شان سی حه به - شان دون - حه نان و منطقه بوه های از استان شان دون هستیم تا آنها را تحت رهبری کمیته حزبی واحد (بوروی چین شمالی) ، دولت واحد و فرماندهی نظامی واحد قرار دهیم (۴) (پیوستن منطقه بوه های ممکن است چندی بعقب افتد) . این سه منطقه شامل است بر زمین های وسیعی در شمال خط آهن لون های ، در مغرب خط آهن تیانزین - پوکو و خلیج بوه های ، در مشرق خط آهن دا تون - یو جو و در جنوب خط آهن بی پین - سوی یوان . سه منطقه مذکور سرزمین بهم پیوسته ای را شامل ۵۰ میلیون نفر تشکیل میدهد و وحدت آن ظاهراً بزودی بیایان خواهد رسید . این امر بما امکان خواهد داد که عملیات در جبهه جنوب را قویاً پشتیبانی کنیم و عده کثیری از کادر های ما آزاد شوند تا آنها را بمناطق آزاد شده جدید اعزام داریم . مرکز رهبری این منطقه متحد عبارت خواهد بود از شی جیا جوان . کمیته مرکزی نیز در تدارک آن است که به چین شمالی منتقل شود تا در آنجا با کمیسیون کار خود بهم پیوندند .

۴ - نیروهای ما در جبهه جنوب یعنی ۹ تیپ از ارتش های شان دون ، ۷ تیپ از ارتش های جیان سوی شمالی ، ۲۱ تیپ از ارتش های منطقه بین رودخانه های زد و حوای ، ۱۰ تیپ از ارتش های منطقه حه نان - حوبه - شنسی ، ۱۹ تیپ از ارتشهای منطقه بین رودخانه های یان تسه حوای و حان شوی ، ۱۲ تیپ از ارتش های شمال غربی و ۱۲ تیپ از ارتش های شان جنوبی و حه نان شمالی همگی در طی دوره بین دسامبر و فوریه باستراحت پرداختند ، آموزش دیدند و تحکیم شدند ، بااستثنای نیروهای عمده ارتش های منطقه بین رودخانه های یان تسه ، حوای و حان شوی ،

تحت فرماندهی لیو بوه چن و دن سیائو چین که چون بای چون سی سپاهیان جمع کرد و بر کوهستان دابیه حمله آورد (۵) ، فقط در پایان فوریه توانستند تعدادی از واحد های خود را به شمال رود خانه هوای برای استراحت ، آموزش دیدن و تحکیم شدن بفرستند . در طی بیست ماهه اخیر نبرد این نخستین بار است که سپاهیان ما با چنین مقیاس وسیعی با استراحت پرداختند ، آموزش دیدند و تحکیم شدند . ما باین منظور شیوه های زیرین را بکار بردیم : حکایت رنج های توده ها (افشاء مصائبی که از طرف جامعه کهم و مرتجعان بر سر توده های زحمتکش آمده است) ، سه رسیدگی (مربوط به تعلق طبقاتی ، حس وظیفه شناسی و اراده نبرد) ، و آموزش توده ها (افسران به سربازان می آموزند ، سربازان به افسران می آموزند و سربازان بیکدیگر می آموزند) . ما بوسیله این شیوه ها شور عظیم انقلابی در فرماندهان و جنگجویان در سراسر ارتش برانگیختیم ، عناصری از طبقات مالکان ارضی و دهقانان مرفه و سایر عناصر زیانکار را که در ارتش راه یافته بودند تجدید تربیت کردیم و یا کنار زدیم ، انضباط را تقویت کردیم ، سیاست های گوناگون مربوط به اصلاحات ارضی و مربوط به صنعت و بازرگانی و همچنین مربوط به روشنفکران را بروشنی توضیح دادیم ، اسلوب کار دموکراتیک در ارتش را گسترش بخشیدیم و سطح تکنیک و تاکتیک نظامی خود را بالا بردیم . نتیجه این شد که قدرت نبرد ارتش ما بسیار بالا رفت . با استثنای بخشی از سپاهیان بفرماندهی لیو بوه چن و دن سیائو چین که هنوز در دوره استراحت ، آموزش و تحکیم اند نیروهای ما در جبهه جنوب از اواخر فوریه یا اوایل مارس پشت سرهم به عملیات تازه دست زده و در عرض دو هفته ۹ تیپ دشمن را نابود ساخته اند . در میان سپاهیان ما که در جبهه شمال اند ، یعنی ۴۶ تیپ از ارتش های شمال شرقی ، ۱۸ تیپ از ارتش های منطقه شان سی - چاهار - حه به و ۲ تیپ از ارتش های منطقه شان سی - سوی یوان ، قسمت اعظمشان در تمام زمستان جنگیده اند و بقیه در دروره استراحت ، آموزش و تحکیم بسر برده اند . ارتش های ما در شمال شرقی با استفاده از یخ بندان رود خانه لیائو مدت سه ماه با دشمن نبرد کردند ، ۸ تیپ دشمن را نابود و یکی را بما ملحق ساختند ، جان او ، فاکو ، سین لی تون ، لیائو یان ، ان شان ، بین کو و سی پین جیه را تسخیر کردند و جی لین را باز ستاندند . اینک این ارتش ها وارد دوره استراحت ، آموزش و تحکیم شده اند . پس از پایان این دوره ، یا بر چان چون یا بر نیروهای دشمن که در طول راه آهن بی پین - لیائو نین موضع گرفته اند حمله خواهند برد . ارتش های منطقه شان سی - چاهار - حه به بیش از یک ماه به استراحت ، آموزش و تحکیم پرداختند و اینک بسوی خط آهن بی پین - سوی یوان رهسپاراند . ارتش های منطقه شان سی - سوی یوان

نفرات کمتری دارند و وظیفه اساسی آنها عبارتست از میخکوب کردن سپاهیان ین سی شان . بطور کلی اکنون ما در جبهه های شمال و جنوب دارای ۱۰ قسمت هستیم که از لحاظ نفرات با یکدیگر یکسان نیستند و شامل اند بر ۵۰ ستون از سپاهیان منظم (که هر یک از آنها با یک لشگر تجدید سازمان شده گومیندان برابر است) یا ۱۰۶ تیپ (که هر یک از آنها با یک تیپ تجدید سازمان شده گومیندان برابر است) ، یعنی مجموعاً بیش از ۱۳۲۲۰۰۰ نفر ، از قرار هر تیپ (۳ هنگ) بطور متوسط ۸۰۰۰ نفر . بر این عده باید سپاهیان غیر منظم را که بیش از ۱۱۶۸۰۰۰ نفراند (و ۸۰۰۰۰۰ نفر آنها سپاهیان جنگجویند) افزود . این سپاهیان ترکیب میشوند از قسمت ها و واحد هاس محلی ، دسته های پاتیزان ها ، ارگان های نظامی و مدارس نظامی پشت جبهه . باین طریق مجموع نیروهای ما بر بیش از ۲۴۹۱۰۰۰ تن بالغ میگردد ، ولی در ژوئیه ۱۹۴۶ هنوز فقط ۲۸ ستون از سپاهیان منظم یا ۱۱۸ تیپ یعنی مجموعاً کمی بیش از ۶۱۲۰۰۰ نفر ، از قرار هر تیپ (۳ هنگ) بطور متوسط کمتر از ۵۰۰۰ نفر ، در اختیار داشتیم . با افزایش بیش از ۶۶۵۰۰۰ تن از سپاهیان غیر منظم تعداد مجموع سپاهیان ما اندکی از ۱۲۷۸۰۰۰ نفر متجاوز میشد . اینک بخوبی دیده میشود که نیروهای ما رشد کرده اند . تعداد تیپ ها زیاد افزایش نیافته ولی نفرات هر تیپ خیلی زیاد شده است . پس از بیست ماه جنگ ، قدرت نبرد ما نیز بسیار فزونی گرفته است .

۵ - از ژوئیه ۱۹۴۶ تا تابستان ۱۹۴۷ ارتش منظم گومیندان از ۹۳ لشگر یعنی ۲۴۸ تیپ تشکیل میشد . اینک ارتش مذکور طبق نمره بندی هایش ۱۰۴ لشگر یعنی ۲۷۹ تیپ دارد . آرایش آنها از این قرار است : ۲۹ لشگر یعنی ۹۳ تیپ در جبهه شمال است و مجموعاً قریب ۵۵۰۰۰۰ نفر دارد (۱۳ لشگر یعنی ۴۵ تیپ بفرماندهی وی لی هوان در شن یان ، ۱۱ لشگر یعنی ۳۳ تیپ بفرماندهی فو زوه ای در بی پین ، ۵ لشگر یعنی ۱۵ تیپ بفرماندهی ین سی شان در تای یوان) . در جبهه جنوب ۶۶ لشگر است که مرکب از ۱۵۸ تیپ و مجموعاً ۱۰۶۰۰۰ نفر دارد (۳۸ لشگر یعنی ۸۶ تیپ بفرماندهی گوجو تون در جن جو ، ۱۴ لشگر یعنی ۳۳ تیپ بفرماندهی بای چون سی در جیو جیان ، ۱۴ لشگر یعنی ۳۹ تیپ بفرماندهی حوزون نان در سی ان) . در خط دوم ۹ لشگر یعنی ۲۸ تیپ است که مجموعاً قریب ۱۹۶۰۰۰ نفر دارد (۴ لشگر یعنی ۸ تیپ در منطقه شمال غربی یعنی منطقه واقع در غرب لان جو ، ۴ لشگر یعنی ۱۰ تیپ در منطقه جنوب غربی یعنی استانهای سی جوان ، سی کان ، یون نان ، گوی جو ، ۸ تیپ در منطقه شرقی یعنی استان های جنوب رود خانه یان تسه ، و ۱ لشگر یعنی ۲ تیپ در تایوان) . دلیل اینکه تعداد واحد های نمره بندی شده سپاهیان منظم گومیندان افزایش یافته از قرار زیرین است : پس از آنکه تعداد کثیری از

سپاهیان گومیندان نابود شده و سپاهیان مذکور از اعراض استراتژیک به دفاع استراتژیک در آمدند ، گومیندان کمبود نفرات را سخت احساس کرد و آنگاه مراتب تعداد کثیری از واحد های محلی . پوشالی را ارتقا داده و یا آنها را تجدید سازمان داد تا در ارتش های منظم خویش وارد کند . باین طریق در جبهه شمال ۳ لشگر مرکب از ۱۴ تیپ به ارتش های تحت فرماندهی وی لی هوان اضافه شده ، و ۲ لشگر مرکب از ۶ تیپ به ارتش های تحت فرماندهی فو زوه ای ؛ در جبهه جنوب ۶ لشگر یعنی تیپ بارتش های تحت فرماندهی گوجو تون اضافه شد و ۲ تیپ بارتش های حوزون نان . مجموع افزایش ها عبارت بود از ۱۱ لشگر یعنی ۳۱ تیپ . از اینجا چنین نتیجه شد که اینک ارتش گومیندان بجای ۹۳ لشگر ۱۰۴ لشگر و بجای ۲۴۸ تیپ ۲۷۹ تیپ دارد . اما اولاً آن ۶ لشگر یعنی ۲۹ تیپی که ما در ماههای اخیر (تا ۲۰ مارس) نابود ساختیم چون فرصت نیافتند خود را احیا و یا تکمیل کنند فقط اسماً وجود دارند و ظاهراً برخی از آنها هیچگاه به احیا و یا تکمیل خود نائل نخواهد شد . پس در لحظه کنونی ارتش گومیندان در واقع بیش از ۹۸ لشگر مرکب از ۲۵۰ تیپ ندارد یعنی از تابستان گذشته فقط ۵ لشگر اسمی و ۲ تیپ واقعی بر آن اضافه شده است . ثانیاً از ۲۵۰ تیپی که واقعاً وجود دارند فقط ۱۱۸ تیپ ضربات خورد کننده نخورده اند ؛ ۱۳۲ تیپ دیگر یک ، دو و حتی سه بار بوسیله ارتش ما نابود و سپس دوباره تکمیل شده اند ، و یا اینکه یک ، دو و حتی سه بار ضربات خورد کننده خورده اند (نابود کردن تیپ عبارتست از منهدم ساختن کامل آن یا قسمت اعظم آن . ضربه خورد کننده زدن بر تیپ عبارتست از منهدم ساختن یک یا بیشتر از هنگ هایش و نه نیروهای عمده اش) . روحیه آنها بسیار تنزیل کرده و قدرت نبرد آنها بسیار کاسته است . از ۱۱۸ تیپی که ضربات خورد کننده نخورده اند بعضی ها از سربازان جدیدی تشکیل یافته اند که در خط دوم جبهه تعلیمات دیده اند ، بعضی دیگر سپاهیان محلی و پوشالی اند که مرتبه آنها را ارتقاء داده و یا آنها را تجدید سازمان کرده اند . قدرت نبرد آنها خیلی کم است . ثالثاً نیروهای مسلح گومیندان از لحاظ تعداد هم کم شده است . نیروهای مذکور در ژوئیه ۱۹۴۶ مرکب بود از دو میلیون نفر از سپاهیان منظم ، ۷۳۸۰۰۰ نفر از سپاهیان غیر منظم ، ۳۶۷۰۰۰ نفر در واحد های ویژه ، ۱۹۰۰۰۰ نفر در نیروی دریائی و هوائی ، ۱۰۱۰۰۰۰ نفر در ادارات کارپردازی و مدارس نظامی ، مجموعاً ۴۳۰۵۰۰۰ نفر . در فوریه ۱۰۴۸ گومیندان در سپاهیان منظم ۱۸۱۰۰۰۰ نفر ، سپاهیان غیر منظم ۵۶۰۰۰۰ نفر ، در واحد های ویژه ۲۸۰۰۰۰ نفر ، در نیروی دریائی و هوائی ۱۹۰۰۰۰ نفر در ادارات کار پردازی و مدارس نظامی ۸۱۰۰۰۰ نفر داشت که مجموعاً ۳۶۵۰۰۰۰ نفر میشدند . یعنی تعداد نفراتش ۶۵۵۰۰۰ تن تقلیل یافته بود . ارتش ما

در طی ۱۹ ماه از ژوئیه ۱۹۴۶ تا ژانویه ۱۹۴۸ تلفاتی بالغ بر ۱۹۷۷۰۰۰ تن بر سپاهیان گومیندان وارد ساخته است (آمارهای فوریه و نخستین نیمه ماه مارس هنوز روشن نیست ولی تعداد تلفات گومیندان در این مدت تقریباً ۱۸۰۰۰۰ نفر خواهد بود). عبارت دیگر گومیندان نه فقط بیش از یک میلیون از افرادی را که در طی جنگ بسربازی گرفته بود از دست داده بلکه قسمت مهمی از سپاهیان را که در اصل داشت نیز فاقد شده است. گومیندان در چنین شرایطی بسیاستی معکوس سیاست ما توسل جسته باین معنی که در صدد بر نیآمده است تا نفرات تیپ های خویش را بتعداد کامل برساند بلکه نفرات هر تیپ را تقلیل داد و شماره گذاری تیپ ها را افزایش بخشیده است. اگر در ۱۹۴۶ یک تیپ گومیندان بطور متوسط تقریباً شامل ۸۰۰۰ تن بود اینک فقط شامل ۶۵۰۰ تن است. از این پس سرزمین های اشغالی ارتش ما پیوسته توسعه خواهد یافت و منابع گومیندان از لحاظ انسان و خواربار هر روز رو بکاهش خواهد گذاشت. بعقیده ما پس از یک سال دیگر نبرد یعنی در بهار آینده ارتش ما و ارتش گومیندان از لحاظ تعداد تقریباً با هم برابر خواهند شد. سیاست ما عبارت از اینست که با گام های محکم به پیش برویم و ضربه های کاری بزنیم و فقط در پی نتایج فوری نباشیم. کافی است که ماهیانه بطور متوسط قریب ۸ تیپ و سالیانه ۱۰۰ تیپ از ارتش منظم گومیندان را نابود سازیم. در واقع تلفات گومیندان از زمستان گذشته باین طرف از این رقم تجاوز کرده است و بدون شک باز هم بیشتر تجاوز خواهد کرد. پس ممکن است کلیه نیروهای گومیندان را تقریباً در عرض ۵ سال (از تاریخ ژانویه ۱۹۴۶) نابود ساخت (۶).

۶ - اینک دشمن در دو بخش از جبهه های شمال و جنوب دارای نیروی ذخیره مهمی برای کارزارهای تعرضی است و این امر باعث میشود که سپاهیان ما در آنجا موقتاً در وضعیتی دشوار قرار گیرند. بخش نخستین در کوهستان دایبه است که دشمن در آنجا تقریباً ۱۴ تیپ ذخیره دارد. بخش دوم در شمال رود خانه حوای است که دشمن در آنجا تقریباً ۱۲ تیپ ذخیره دارد. سپاهیان گومیندان در این دو بخش ابتکار را حفظ کرده اند (در بخش شمال رود خانه حوای ابتکار را حفظ کرده اند زیرا که ما ۹ تیپ از سپاهیان کارزاری خویش را از آنجا فرا خواندیم تا بشمال رود خانه زرد برای استراحت، آموزش و تحکیم بفرستیم و سپس در بخش های دیگر بکار اندازیم). ولی در سایر صحنه های عملیات در موضع غیر فعال قرار گرفته و در معرض حملات ما هستند. آن صحنه های عملیات که وضعیت شان برای ما بویژه مساعد میباشد عبارتست از صحنه شمال شرقی، شان دون، شمال غربی، جیان سوی شمالی ف منطقه شان سی - چاهار - حه به، منطقه شان سی - حه به - شان

دون - حه نان ، و همچنین سرزمین های وسیعی که در مغرب خط آهن جن جو - حان کو ، در شمال رودخانه یان تسه و جنوب رود خانه رزد گسترده شده اند .

یادداشتها

۱ - مراجعه شود به « اوضاع کنونی و وظایف ما » یادداشت ۸ ، جلد حاضر .

۲ - در اکتبر ۱۹۴۷ دولت ارتجاعی گومیندان بانحلال جامعه دموکراتیک فرمان داد. بعضی از عناصر متزلزل این جامعه تحت فشار دارو دسته ارتجاعی گومیندان انحلال وی و توقف فعالیتهای وی را اعلام داشتند . در این دوره سایر احزاب دموکراتیک نیز تحت تعقیب دارودسته ارتجاعی گومیندان بودند و امکان نداشتند در مناطق تحت نظارت گومیندان با اقدامات آشکار دست بزنند . در ژانویه ۱۹۴۸ شن جیون ژو و سایر رهبران جامعه دموکراتیک جلسه ای در در هونگ کنگ دعوت کردند و تصمیم گرفتند که ارگان رهبری جامعه را از نو تشکیل داده و فعالیت جامعه را از سر گیرند . در همان ماه لی جی شن و سایر اعضاء گروه دموکراتیک گومیندان در هونگ کنگ کمیته انقلابی گومیندان را بوجود آوردند . این دو جمعیت ، نظرات حزب کمونیست چین را درباره اوضاع آن روز پذیرفتند ، اعلامیه ای صادر کردند و خود را هوادار اتحاد با حزب کمونیست چین و سایر احزاب دموکراتیک ، هوادار سرنگونی قدرت دیکتاتوری چانکایشک و مخالفت مداخله مسلحانه آمریکا در امور داخلی چین خواندند . آنگاه عناصر متزلزل جامعه دموکراتیک نیز این شعار ها را پذیرفتند .

۳ - مرتجعان گومیندان از ۲۹ مارس تا ۱ مه ۱۹۴۷ در نانکن باصطلاح "مجلس ملی" تشکیل دادند که چانکایشک و لی زون ژن را بترتیب به ریاست جمهوری "و معاونت ریاست جمهور" "انتخاب کرد" .

۴ - در مه ۱۹۴۸ مناطق آزاد شده شان سی - چاهار - حه به و شان سی - حه به - شان دون - حه نان بهم پیوستند و شورای اداری متحد چین شمالی و همچنین منطقه نظامی چین شمالی را بوجود آوردند . در اوت همان سال شورای اداری متحد چین شمالی نام دولت توده ای چین شمالی بخود گرفت .

۵ - بای چون سی حمله بر کوهستان دابیه را در دسامبر ۱۹۴۷ با ۳۳ تیپ آغاز کرد .

۶ - در آن موقع مدت لازم برای نابودی ساختن کلیه نیروهای گومیندان پنج سال تخمین زده میشود . این مدت در پیش بینی های بعدی به سه سال و نیم تقلیل یافت . مراجعه شود به «تغییر عظیم در وضعیت نظامی چین» ، جلد حاضر .

مکتب از: ژوب کوریت (آرشیو) افغانستان

سخنرانی در کنفرانس کادرهای منطقه آزاد شده شان سی - سوی یوان

(۱ آوریل ۱۹۴۸)

رفقا! امروز میخواهم بطور عمده درباره چند مسئله مربوط به کارمان در منطقه آزاد شده شان سی - سوی یوان و سپس درباره چند مسئله مربوط به کارمان در مجموعه کشور با شما حرف بزنم.

۱

بعقیده من کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب که از یک سال باین طرف تحت رهبری سوبوری کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در شان سی سوی یوان در این منطقه صورت گرفته با کامیابی قرین بوده است.

این کامیابی را میتوان از دو جنبه مشاهده کرد. از یک سو سازمان حزب در شان سی - سوی یوان، با انحرافات راست مبارزه کرده، توده ها را بمبارزه کشانده، کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب را در میان دو میلیون و چند صد هزار نفر از سکنه محل که اندکی بیش از ۳ میلیون نفراند بپایان رسانده و یا در حال بپایان رساندن است. از سوی دیگر انحرافات "چپ" را که در طی این جنبش پیش آمد رفع کرده و باین طریق مجموع کار خود را براه رشد سالم انداخته است. من کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب را در منطقه آزاد شده شان سی - سوی یوان از این دو نظر موفقیت آمیز میشمارم.

مردم منطقه آزاد شده شان سی - سوی یوان میگویند: "از این پس دیگر هیچکس جرأت ندارد روش فئودالی داشته باشد، دیگر هیچکس جرأت ندارد با اشخاص بدرفتار کند، دیگر هیچکس جرأت ندارد به فساد بگراید." اینست نتیجه ای که مردم از کار ما در زمینه اصلاحات ارضی و تحکیم حزب میگیرند. وقتیکه مردم میگویند: دیگر هیچکس جرأت ندارد روشن فئودالی داشته باشد" منظور شان اینست که مردم با مبارزه ای که تحت رهبری ما درگیر شده است سیستم استثمار فئودالی را در مناطق آزاد شده جدید و آخرین بقایای آن را در مناطق آزاد شده قدیم و نسبتاً قدیم برانداخته اند و یا در حال برانداختن اند. وقتیکه مردم

میگویند: و دیگر هیچکس جرأت ندارد با اشخاص بدرفتاری کند، دیگر هیچکس جرأت ندارد به فساد بگراید " باین پدیده خطیر اشاره میکنند که مقداری آلودگی در ترکیب طبقاتی و یا در شیوه کار سازمان های حزبی و ارگانهای دولتی ما بوجود آمده بود، عده ای از عناصر زیانکار در سازمانهای حزبی و ارگانهای دولتی راه یافته بودند، عده ای از افراد بشیوه بوروکراتیک کار دست زده، بسو استفاده از قدرت خویش و بدرفتاری با اشخاص پرداخته، اسلوب های زور گویانه و قدرت فروشانه در اجرای وظایف بکار برده و بالنتیجه ناخشنودی توده ها را برانگیخته بودند، و یا اینکه دستخوش فساد شده و یا بمنافع توده ها لطمه زده بودند. این وضعیت در اثر یک سال کار در راه اصلاحات ارضی و تحکیم حزب از ریشه عوض شده است.

یکی از رفقای حاضر در کنفرانس بمن گفت: " آنچه برای ما هلاکت آورد بود اکنون رفع شده است و آنچه تا امروز نداشتیم اکنون بدست آمده است. " از آنچه برای ما هلاکت آور بود منظورش پدیده خطیر مقداری آلودگی است که در ترکیب طبقاتی و یا در شیوه کار سازمان های حزبی و ارگانهای دولتی ما وجود داشت و عدم رضایتی که این امر در میان توده ها بر میانگیخت. اینک این پدیده بکلی از میان رفته است. آنچه تا امروز نداشتیم و کنون بدست آوردیم اشاره است به سازمان های دهقانان فقیر، اتحادیه های جدید دهقانی، کنفرانس های خلق در مرتبه بخش یا ده و محیط تازه ای که در اثر اصلاحات ارضی و تحکیم حزب در روستاها حکمفرماست. بعقیده من این انعکاس مطابق واقعیت است.

اینست کامیابی بزرگ کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب در منطقه آزاد شده شان سی - سوی یوان. این جنبه اول کامیابی ماست. فقط بر این پایه است که سازمان حزبی شان سی - سوی یوان توانسته در عرض یک سال کار عظیمی در راه خدمت بارتش و برای پشتیبانی از جنگ کبیر آزادیبخش توده ای انجام دهد. بدون کامیابی هائی که در کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب بدست آمده است مشکل بود که چنین وظیفه سترگی از لحاظ نظامی بخوبی اجرا شود.

از طرف دیگر سازمان حزبی شان سی - سوی یوان چند انحراف "چپ" را که در جریان کارش بظهور رسید بود رفع کرده است. بطور عمده سه انحراف از این گونه وجود داشته است. نخست اینکه در بسیاری از جاها در موقع تعیین تعلق طبقاتی، تعداد کثیر از زحمتکشانی را که هرگز باستثمار فئودالی دست نزده و یا باندازه ناچیز دست زده بودند بغلط از نوع مالکان ارضی و دهقانان مرفه بشمار آوردند. بالنتیجه بخش مورد حمله را بغلط بیش از اندازه توسعه دادند و این اصل فوق العاده مهم استراتژیک را از یاد بردند که ما میتوانیم و باید در اصلاحات ارضی قریب ۹۲ در صد

خانواده های و قریب ۹۰ در صد اهالی نواحی روستائی یعنی همه خلق زحمتکش دهات را با خود متحد سازیم تا جبهه متحدی بر علیه سیستم فئودالی بوجود آوریم . اکنون این انحراف رفع شده است . بالنتیجه اهالی اطمینان خاطر بسیار یافته اند و جبهه متحد انقلابی استوار تر گشته است . دوم اینکه در طی اصلاحات ارضی ، منافع نگاههای صنعتی و بازرگانی که متعلق به مالکان ارضی و دهقانان مرفه باشد صدمه دید ؛ در طی مبارزه ای که برای فاش ساختن فعالیت های ضد انقلابی در زمینه اقتصادی صورت گرفت از حدود مقرر تجاوز بعمل آید ؛ در سیاست مالیاتی بر صنعت و بازرگانی لطمه خورد . اینها بود انحرافات "چپ" در مورد صنعت و بازرگانی و اینک انحرافات مذکور نیز رفع شده است و این امر به صنعت و بازرگانی امکان میدهد که سر پای خود بایستد و رشد یابد . سوم اینکه در طی مبارزه حادی که از یک سال به این طرف در راه اصلاحات ارضی جریان یافت سازمان حزبی شان سی - سوی یوان نتوانست در اجرای سیاست حزب که زدن و کشتن بدون تشخیص گناه را اکیداً ممنوع میسازد استوار و بی تزلزل باشد و بطوری که در بعضی از جاها در هنگام اصلاحات ارضی عده ای از مالکان ارضی و دهقانان مرفه بدون ضرورت اعدام شدند و عناصر زیانکار روستاها برای تلافی جوئی از وضعیت استفاده کرده و عده ای از زحمتکشان را وحشیانه بقتل رساندند . البته ما میدانیم که کاملاً لازم و صحیح است که جنایتکاران بزرگی که بطور فعال و جدی با انقلاب دموکراتیک توده ای بمبارزه برخاسته و در اصلاحات ارضی خرابکاری کرده اند یعنی ضد انقلابی ها و مستبدین محلی که مرتکب فجایع بزرگ شده اند بوسیله دادگاه های توده ای و مقامات دموکراتیک با اعدام محکوم گردند . در غیر این صورت نمیتوان نظام دموکراتیک را بر پا ساخت . ولی اعدام بلاتشخیص فرمانبران ساده گومیندان ، مالکان ارضی عادی و دهقانان مرفه عادی و دهقانان مرفه عادی که گناه کمتری دارند ممنوع است . بعلاوه دادگاه های توده ای و مقامات دموکراتیک نباید در بازجوئی جنایتکاران به فشار جسمانی توسل جویند . انحرافات از این گونه که از یک سال باین طرف در منطقه شان سی - سوی یوان بظهور رسیده نیز رفع شده است .

از آنجا که همه این انحرافات بطور شایسته رفع شده است با دلائل کافی میتوان گفت که مجموعه کاری که سوبوروی کمیته مرکزی در شانسسی سوی یوان انجام میدهد در راه رشد سالم سیر میکند .

شیوه اساسی کار که باید در ذهن هر کمونیستی جایگیر شده باشد اینست که رهنمود های خود را بر طبق وضعیت واقعی معین کنیم . اینست که رهنمود های خود را بر طبق وضعیت واقعی معین کنیم بررسی اشتباهات نشان میدهد که همه آنها

ناشی از این امر است که ما وضعیت واقعی را آنطور که در زمان و مکان معین وجود داشته است بحساب نیاورده ایم و در موقه تعیین رهنمود های کار خود بطور ذهنی عمل کرده ایم . همه رفقا باید از این درس بگیرند .

در مورد تحکیم سازمان های بنیادی حزب ، شما برطبق رهنمود کمیته مرکزی درباره کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب در مناطق آزاد شده قدیم و نسبتاً قدیم (۱) از تجربه شهرستان پین شان از منطقه آزاد شده شان سی - چاهار - حه به استفاده کرده اید باین معنی که میان توده ها از عناصر فعال خارج از حزب برای شرکت در جلسات حوزه های حزب دعوت بعمل آوردید در آنجا بانتقاد و انتقاد از خود پرداختید تا به آلودگی در ترکیب طبقاتی و یا در شیوه کار سازمان های حزبی خاتمه داده شود و از این راه به حزب امکان دادید که پیوند های خویش را با توده ها استوار سازد . این امر بشما توانائی خواهد بخشید که همه کار تحکیم سازمان های حزب را بخوبی بانجام برسانید .

آن اعضاء حزب و کادرهایی که مرتکب خطا شده ولی هنوز در خور تجدید تربیت اند و در شمار علاج ناپذیران نیستند نباید رانده شوند بلکه باید همه آنها را ، هر منشاء طبقاتی که داشته باشند ، از نو تربیت کرد . جای خوشوقتی است که این اصل را بکار برده اید و یا اینکه بکار میبرید .

یکی از ارزنده ترین تجاربی که در مبارزه بر علیه فئودالی بدست آمده اینست که بر اساس سازمان دهقانان فقیر و اتحادیه های دهقانی ، کنفرانسهای نمایندگان خلق در بخش ها و دهات (دهستانها) تشکیل شده است . فقط کنفرانسی که بر اراده توده های واقعاً وسیع متکی باشد کنفرانس واقعی نمایندگان خلق است . اینک امکان آن فرا رسیده است که کنفرانسها از این نوع در کلیه مناطق آزاد شده بوجود آید . چنین کنفرانس همینکه بوجود آمد باید بصورت ارگان محلی قدرت توده ای درآید و این کنفرانس و شورای دولتی برگزیده او باید از تمام اختیارات لازم برخوردار گردند . آنموقع سازمانهای دهقانی فقیر و اتحادیه های دهقانی دستیار این کنفرانس و شورا های دولتی خواهند بود . نظر ما آن بود فقط آنگاه کنفرانس نمایندگان خلق را در مناطق روستائی بوجود آوریم که اصلاحات ارضی علی الاصول تمام شده باشد . اینک که تجربه شما و تجربه سایر مناطق آزاد شده این نکته را باثبات رسانیده که ممکن و لازم است که این کنفرانس و شورای دولتی برگزیده او در مبارزه اصلاحات ارضی در مقیاس بخش و ده بوجود آید ، شما باید باین کار ادامه دهید . در تمام مناطق آزاد شده باید اینطور عمل شود . پس از اینکه کنفرانس نمایندگان خلق در همه بخش ها و ده ها بر پا شده میتواند کنفرانس شهرستانی

تشکیل داد. پس از اینکه کنفرانسهای نمایندگان خلق در همه شهرستانها و در درجات پائین تر تشکیل شد ایجاد کنفرانس در مقیاس بالاتر از شهرستان آسان خواهد بود. کنفرانسهای نمایندگان خلق در درجات مختلف باید حتی الامکان شامل نمایندگان کلیه قشرهای دموکراتیک - کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و سایر زحمتکشان فردی، دارندگان مشاغل آزاد، روشنفکران، صنعت‌داران و بازرگانان بورژوازی ملی، متنفذین روشن بین - باشند. البته نباید کوشید که بهر طوری که هست همه این قشرها نماینده در کنفرانس داشته باشند. باید میان آن مناطق روستائی که جنبه شهری میدارند و آن مناطق روستائی که فاقد این جنبه اند، میان درجات مختلف این جنبه، میان شهرها و مناطق روستائی فرق گذاشت و وظیفه متحد ساختن کلیه قشرهای دموکراتیک را بطور طبیعی و نه مکانیکی انجام داد.

در طی مبارزه عظیم توده‌ای برای اصلاحات ارضی و تحکیم حزب، ده‌ها هزار عضو فعال و کادر آموزش و پرورش یافتند. اینان با توده‌ها در پیوند اند و سرمایه بسیار گرانبهای جمهوری توده‌ای چین بشمار می‌آیند. ما باید از این پس برکوشش خود برای آموزش آنها بیفزائیم تا پیوسته در کار خویش به پیشرفت نائل گردند. در عین حال باید آنها را از اینکه در اثر پیشرفت‌ها و ستایش‌ها مغرور و از خود راضی باشند برحذر بداریم.

براین اساس، بر اساس پیشرفت‌هایی که در این زمینه‌های مختلف بدست آمده میتوان گفت که منطقه آزاد شده شان سی - سوی یوان امروز از هر وقت دیگر استوارتر است. سایر مناطق آزاد شده که بهمین طریق کار کرده‌اند نیز استوار گردیده‌اند.

۲

علل کامیابی‌های منطقه آزاد شده شان سی - سوی یوان، در آنجا که مربوط به رهبری است، بطور عمده از این قرار است:

۱ - سوبوروی شان سی - سوی یوان با کمک گرفتن از کاری که رفیق کان شن در بهار و تابستان ۱۹۴۷ در دهکده اداری حائو جیا پو از شهرستان لین سیان انجام داده بود در ژوئن سال گذشته کنفرانسی از دبیران کمیته‌های حزبی ولایتی ترتیب داد. کنفرانس انحرافات راست را که قبلاً در کار وجود داشت انتقاد کرد، این واقعیت خطیر را روشن ساخت که بطریق گوناگون از مشی حزب جدائی حاصل شده است، و این سیاست را اتخاذ کرد که یکدلانه به کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب پردازد. کنفرانس مجموعاً موفقیتی بشمار می‌آید. چنین نهضت وسیع اصلاحات ارضی و

تحکیم حزب بدون این کنفرانس نمیتوانست بگامیابی برسد. معذک کنفرانس مذکور نقایصی نیز داشت که چنین است: کنفرانس میان رهنمودهای کاری که در مناطق آزاد شده مختلف، در مناطق آزاد شده قدیم و نسبتاً قدیم و جدید بر طبق شرایط خاص منطقه باید عمل شود فرق نگذاشت. کنفرانس در تعیین تعلق طبقاتی، سیاسی چه روانه اتخاذ کرد. کنفرانس در مسئله وسائلی که برای نابود ساختن سیستم فئودالی باید بکار برده شود بیش از اندازه در کشف اموالی که مالکان ارضی دفن کرده اند اصرار ورزید. کنفرانس در این مسئله که در برابر مطالبات توده ها چه روشی باید اتخاذ کرد بدون آنکه به تحلیل روشنی پردازد شعار "آنچه توده ها میخواهد انجام دهیم" را بطور مبهم به پیش کشید. مسئله اخیر را که مسئله ارتباط میان حزب و توده ها است باید چنین فهمید: حزب باید توده ها را در عملی ساختن کلیه نظریات درست آنان بر طبق شرایط مختلف رهبری کند؛ حزب باید به توده ها بیاموزد تا نظریات نادرستی را که در صفوفشان بظهور رسیده است اصلاح کنند. کنفرانس فقط تکیه کرد بر اینکه حزب باید نظریات توده ها را عملی سازد ولی از دیده فرو گذاشت که حزب همچنین باید به توده ها بیاموزد و توده ها را رهبری کند. بعداً این غفلت بر روی رفقای بعضی از مناطق اثر زیانمندی گذاشت و اشتباه دنباله روی آنها را عمیق تر ساخت.

۲ - سوبورووی شان سی - سوی یوان در ژانویه گذشته تصمیمات مناسبی برای رفع انحرافات "چپ" اتخاذ کرد. این تصمیمات پس از بازگشت رفقای سوبورو که در جلسه دسامبر کمیته مرکزی (۲) شرکت جسته بودند بموقع اجرا گذاشته شد. سوبورو در این مورد رهنمودی در پنج ماده (۳) صادر کرد. این تصمیمات اصلاحی آنچنان با خواست های توده ها مطابق بود و آنچنان با سرعت و آنچنان بدقت بموقع اجرا در آمد که در اندک مدتی تقریباً همه انحرافات "چپ" رفع گردید.

۳

مشی رهبری سازمان حزب در شان سی - سوی یوان در هنگام جنگ مقاومت ضد ژاپنی اصولاً درست بود. مظاهر این درستی را در اینجا میتوان مشاهده کرد که بهره مالکانه و نرخ سود تقلیل یافت، تولید کشاورزی، نخ ریزی و بافندگی خانگی، صنایع جنگی و برخی از رشته های صنایع سبک تا اندازه های قابل توجهی مجدداً مستقر شده و توسعه یافت، شالوده سازمان های حزب افکنده شده، دولت دموکراتیک بوجود آمد، ارتش توده ای قریب صد هزار نفری تشکیل گردید. با تکیه بر این کارها بود که ما توانستیم در جنگ مقاومت ضد ژاپنی پیروزی بدست آوریم و

حملات بن سی شان و سایر مرتجعان را دفع کنیم. بدیهی است که حزب و دولت در این دوره نقایصی میداشتند؛ این نقایص، همانطور که اینک بروشنی دیدیم، عبارت بود از درجه ای از آلودگی در ترکیب طبقاتی صفوف ما و در شیوه کار ما، نیز اثرات زیانمندی که از این آلودگی در کار ما بظهور رسید. اما کاری که در دوره جنگ مقاومت صورت گرفت مجموعاً ثمر بخش بود و این امر شرایط مساعدی برای ما فراهم آورد تا پس از تسلیم ژاپن به درهم شکستن حملات ضد انقلابی چانکایشک بپردازیم. نقایص و اشتباهات رهبری سازمان حزبی در شان سی - سوی یوان در دوره جنگ مقاومت در اصول ناشی از آن بود که رهبری نتوانست بر وسیع ترین توده ها تکیه کند تا آن اندازه آلوده گی را که در ترکیب طبقاتی و شیوه کار سازمان های حزبی و ارگان های دولتی بظهور رسید بود و همچنین اثرات زیانمند آن را در کار خویش رفع کند. شما اینک این وظیفه را انجام داده اید. یکی از علل چنین وضعی این بود که بعضی از رفقای که آن روز شان سی - سوی یوان را رهبری میکردند بسیاری از جنبه های وضعیت واقعی حزب و توده ها را در نیافته بودند. این نیز باید برای رفقای ما درسی باشد.

۴

اکنون وظیفه سازمان حزبی شان سی - سوی یوان اینست که تا میتواند بکوشد که کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب را پایان برساند، همچنان به جنگ آزادیبخش توده ای و پشتیبانی از آن پردازد، از افزایش بار مالیاتی خلق بپرهیزد و بطور مناسب آن را تخفیف دهد، تولید را مستقر سازد و توسعه دهد. اینک شما کنفرانسی در باره تولید ترتیب داده اید. در سال آینده، هدف استقرار و توسعه تولید عبارت خواهد بود از بهبود بخشیدن زندگی خلق از یک طرف و پشتیبانی از جنگ آزادیبخش توده ای از طرف دیگر. کشاورزی و صنعت پیشه وری شما بسیار گسترده است. چند صنعت سبک و سنگین نیز دارید که با ماشین میچرخند. من امیدوارم که شما این بنگاههای تولیدی را خوب رهبری خواهید کرد، و گر نه مارکسیستهای خوبی نخواهید بود. در کشاورزی، گروه های مبادله کار و کئوپراتیوهائی (۴) که در دست عناصر انباشته از بوروکراسی بودند و جز زیان رساندن بخلق نتیجه ای نداشتند همه بر باد رفته اند. این کاملاً قابل درک است و بهیچوجه تأسف ندارد. وظیفه شما آنست که آن گروه های مبادله کار کئوپراتیو ها و اشکال دیگر سازمان های لازم اقتصادی را که مورد پشتیبانی توده ها قرار گرفته اند حفظ کنید و توسعه بخشید و شکل آنها را در همه جا بر پا سازید.

۵

ذهن رفقای ما متوجه وضعیتی است که در سراسر کشور برقرار است. پس از آنکه کنفرانس کشوری ارضی حزب که سال گذشته تشکیل شد سیاست جدیدی برای توسعه کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب اتخاذ کرد کنفرانس های بزرگی از کادرها برای همین دو موضوع تقریباً در همه مناطق آزاد شده بر پا گشت. در این کنفرانس ها افکار انحرافی راست که در حزب وجود داشت مورد انتقاد قرار گرفت این واقعیت خطیر روشن شد که ترکیب طبقاتی صفوف ما و شیوه کار ما تا درجه ای آلودگی یافته است. از این ببعد در بسیاری منطقه ها تصمیمات مقتضی اتخاذ شده و انحرافات "چپ" رفع گردید و یا در حال رفع گردیدن است. باین طریق حزب ما در مواجهه با وضعیت سیاسی جدید و وظیفه سیاسی جدید توانست کار خویش را در مجموع کشور براه رشد سالم بیندازد. در ماه های اخیر تقریباً کلیه واحدهای ارتش آزادیبخش توده ای از فاصله میان نبرد ها برای کار پر دامنه در زمینه آموزش و تحکیم استفاده کرده اند. این کار باشیوه دموکراتیک ولی در عین حال با رهبری صحیح و نظم کامل صورت گرفته است. در نتیجه این کار شور انقلابی توده های وسیع فرماندهان و جنگجویان در اثر درک روشن از هدف جنگ بالا رفته، برخی از گرایش های خطای ایدئولوژیک و برخی از پدیده های زیانمندی که در ارتش بظهور رسیده بود خاتمه داده است. کادرها و سربازان آموزش دیده اند و قدرت نبرد ارتش افزایش بسیار یافته است. ما باید این جنبش آموزش ایدئولوژیک در ارتش را که جنبش دموکراتیک توده ای طراز نوین است همچنان بسط دهیم. خوب توجه دارید که دشمن ما، گومیندان، نمیتواند از عهده هیچیک از این وظائف که اهمیت بزرگ تاریخی دارد - تحکیم حزب، آموزش ایدئولوژیک ارتش، اصلاحات ارضی - و ما انجام داده ایم برآید. ما مجدانه به غلبه بر نقایص مشغولیم و طوری کرده ایم که همه حزب و همه ارتش مانند تن واحدی متحد باشند. همه حزب و همه ارتش با توده های خلق پیوند نزدیک برقرار کرده اند، کلیه رهنمود های سیاسی و کلیه تاکتیک هائی که از طرف کمیته مرکزی حزب ما معین میشود بوجه مؤثر بموقع عمل در میآید و جنگ آزادیبخش توده ای مظفرانه به پیش میرود. ولی در نزد دشمنان ماکاملاً برعکس است. آنان آنقدر فاسد اند، آنقدر در اثر تضاد های تسکین ناپذیر و روزافزون داخلی خود از هم گسیخته اند، آنقدر مورد انکار خلق اند و در چنان افراد کامل افتاده اند و آنقدر در عرصه نبرد بشکست خورده اند که مسلماً رهسپار نیستی اند. اینست بطور کلی دو منظره متضاد انقلاب و ضد انقلاب در چین.

در برابر چنین وضعیتی ، کلیه رفقای حزبی باید با عزم راسخ از مشی عمومی حزب که مشی انقلاب دموکراتیک نوین است پیروی کنند . این انقلاب هر انقلابی نیست ، این انقلاب فقط میتواند و باید انقلاب توده های وسیع خلق تحت رهبری پرولتاریا و بر ضد امپریالیسم ، فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک باشد . بآن معنی که رهبری این انقلاب نمیتواند و نباید در دست طبقه دیگر و حزب دیگر جز پرولتاریا و حزب کمونیست چین باشد . بآن معنی که جبهه متحد کسانی که در این انقلاب شرکت میجویند خیلی پهناور است و شامل میشود بر کارگران ، دهقانان ، پیشه وران و سایر زحمتکشان فردی ، دارندگان مشاغل آزاد ، روشنفکران ، بورژوازی ملی و عده قلیلی از متنفذین روشن بین که از طبقه مالکان ارضی بریده اند . اینها مجموعه ای را تشکیل میدهند که ما توده های وسیع خلق مینامیم . حکومت و دولتی که این توده های وسیع خلق باید بنیاد نهند عبارتست از جمهوری توده ای چین و دولت دموکراتیک ائتلافی برهبری پرولتاریا و بر اساس اتحاد همه طبقات دموکراتیک . دشمنانی که سرنگونی آنها هدف این انقلاب است جز امپریالیسم ، فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک نمیتوانند باشند و نباید باشند . مظهر جامع کلیه این دشمنان عبارتست از رژیم ارتجاعی گومیندان چانکایشک .

فئودالیسم دستیار امپریالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک . پایه سلطه آنهاست . از اینجهت مضمون اساسی انقلاب دموکراسی نوین در چین عبارتست از فرم سیستم ارضی . مشی عمومی اصلاحات ارضی مشعر است بر تکیه بر دهقانان فقیر و اتحاد با دهقانان میانه حال تا آنکه سیستم استثمار فئودالی بطور منظم و با شیوه های گوناگون برافتد و تولید کشاورزی بسط یابد . آن نیروی اصلی که ما در طی اصلاحات ارضی بر آن تکیه میکنیم نمیتواند و نباید نیروی دیگری باشد مگر دهقانان فقیر . این قشر از دهقانان با مزدوران کشاورزی رویهم رفته قریب ۷۰ در صد جمعیت روستای چین را تشکیل میدهد . وظیفه عمده و عاجل اصلاحات ارضی عبارتست از برآوردن مطالبات توده های دهقانان فقیر و نیز مزدوران کشاورزی . در اصلاحات ارضی ، اتحاد ما با دهقانان میانه حال ضروری است . دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی باید با دهقانان میانه حال که قریب ۲۰ در صد جمعیت روستا هستند متحد شوند تا جبهه متحد استواری بوجود آورند . در غیر این صورت دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی منفرد خواهد شد و اصلاحات ارضی با شکست بوبرو خواهد گردید . یکی از وظایف اصلاحات ارضی عبارتست از برآوردن مطالبات عده ای از دهقانان میانه حال و باید به بخشی از آنها اجازه داد که هر نفرشان بیش از آن اندازه زمین داشته باشد که دهقانان فقیر بطور متوسط دریافت میدارند . اگر ما از مطالبه

دهقانان مبنی بر تقسیم متساوی زمین پشتیبانی میکنیم برای آنست که بجنبش در آوردن توده های وسیع دهقانان را بمنظور برانداختن سریع سیستم مالکیت ارضی طبقه مالکان فئودال آسان گردانیم و برای آن نیست که به برابر سازی مطلق مبادرت جوئیم . کسی که هوادار برابر سازی مطلق است خطا میکند . اینک چنین نظریه ای در دهات متداول شده است که به صنعت و بازرگانی زیان میرساند و مبلغ برابر سازی مطلق در تقسیم زمین است . این نظریه ، ارتجاعی است ، عقب مانده است ، قهقرائی است و ما باید از آن انتقاد کنیم . در طی اصلاحات ارضی ، آماج ما فقط سیستم استثمار فئودالی است که از طرف طبقه مالکان ارضی و دهقانان مرفه نوع قدیم عملی میشود و نباید جز این باشد و نباید بمنافع بورژوازی ملی و منافع بنگاههای صنعتی و بازرگانی که بدست مالکان ارضی و دهقانان مرفه اداره میشود لطمه زد . بویژه باید مراقب بود که برمنافع آن دهقانان میانه حال ، پیشه وران و سایر زحمتکشان فردی ، دارندگان مشاغل آزاد و دهقانان مرفه نوع جدید که کار دیگران را استثمار نمیکند و یا کم استثمار میکنند صدمه وارد نشود . هدف اصلاحات ارضی عبارتست از برانداختن سیستم استثمار فئودالی یعنی برانداختن مالکان ارضی فئودالی بمنزله طبقه و نه بمنزله افراد . از همین جهت باید بهر مالک ارضی همانقدر زمین و مال داد که بیک دهقان . باید باو کار مولد آموخت و او را در زندگی اقتصادی ملی شریک ساخت . لازم است در باره همه کس ، بااستثنای ضد انقلابی ها و مستبدان محلی که مرتکب بزرگترین فجایع شده و کینه تسکین ناپذیر توده های وسیع خلق را بخود جلب کرده اند و اگر گناهشان ثابت شود ممکن است و باید مورد مجازات قرار گیرند ، سیاست اغماض اعمال گردد . زدن و کشتن بدون تشخیص گناه ممنوع است . سیستم استثمار فئودالی باید بطور منظم یعنی بر طبق تاکتیک ار بین برده شود . وقتیکه بمبارزه دست میزنیم باید تاکتیک خود را برحسب اوضاع و برحسب درجه آگاهی سیاسی و درجه تشکل توده های دهقان معین کنیم . نباید در صدد بود که تمام سیستم استثمار فئودالی یک روزه برافتد . با در نظر گرفتن شرایط مشخص سیستم استثمار فئودالی ، بشکلی که در دهقات چین برقرار است ، مجموعه بخشی که در طی اصلاحات ارضی مورد حمله قرار میگیرد بطور کلی نباید بیش از تقریباً ۸ در صد خانوار ها و یا بیش از تقریباً ۱۰ در صد اهالی روستا را شامل شود . این صدانه در مناطق آزاد شده قدیم و نسبتاً قدیم باید از این هم کمتر باشد . خطرناک است که بخش مورد حمله اشتباهاً توسعه داده شود و واقعیت از دیده فروگذار گردد . از طرف دیگر در مناطق آزاد شده جدید باید میان محل های مختلف و مراحل مختلف اینست که در آنجائی که میتوانیم محکم مستقر شویم کوشش های خود را بر روی اصلاحات

ارضی مناسبی که مطابق آرزوی توده های خلق باشد متمرکز سازیم ولی در آنجائی که عاجلتاً نمیتوان محکم مستقر شد تا موقع تغییر وضعیت ، به اجرای وظائفی که عملی است و در شرایط موجود بسود توده هاست اکتفا ورزیم و در اقدام باصطلاحات ارضی شتاب نکنیم . منظور از فرق گذاشتن میان مراحل مختلف اینست که در آنجائی که تازه باشغال ارتش آزادببخش توده ای در آمده است تاکتیک بیطرف ساختن دهقانان مرفه و همچنین مالکان ارضی متوسط و کوچک را به پیش بکشیم و بکار بندیم و حملات خویش را به نبود گردانیدن نیروهای مسلح ارتجاعی گومینندان محدود سازیم و فقط برمالکان بزرگ و مستبدان محلی ضربه بزنیم . ما باید همه مساعی خویش را بر روی اجرای این وظیفه بمنزله مرحله اول کار در مناطق آزاد شده جدید متمرکز سازیم . سپس بتدریج که سطح آگاهی سیاسی و تشکل توده ها بالا می آید ما بسمت مرحله لغو کامل سیستم فئودالی پیش خواهیم رفت . ما باید در مناطق آزاد شده جدید اموال منقول و زمین ها را فقط آنجا تقسیم کنیم که وضع نسبتاً ثابت شده باشد و اکثریت عظیم توده ها کاملاً بسیج شده باشند . در غیر این صورت کار ما متضمن خطر خواهد بود ، نامطمئن و زیانمند خواهد بود . ما باید در مناطق آزاد شده جدید تجربه ای را که در طی جنگ مقاومت بدست آورده ایم بخوبی مورد استفاده قرار دهیم . وقتیکه میگوئیم برانداختن سیستم فئودالی باید با شیوه های گوناگون انجام گیرد منظورمان ضرورت این امر است که باید میان مالکان ارضی و دهقانان مرفه ، میان مالکان ارضی بزرگ و متوسط و کوچک ، میان کسانی از مالکان ارضی و دهقانان مرفه که مستبداند و کسانی که مستبد نیستند فرق گذاشت . ما در عین حال که اصل عمده تقسیم متساوی زمین و برانداختن سیستم فئودالی را مراعات میکنیم نباید درمورد این اشخاص تصمیمات یکسان اتخاذ کنیم بلکه باید شیوه برخورد ما با هرکدام برحسب شرایط مختلف باشد . اگر باین طریق عمل کنیم همه خواهند دید که عمل ما کاملاً مطابق عقل سلیم است . هدف عاجل اصلاحات ارضی عبارتست از بسط تولید کشاورزی و فقط لغو سیستم فئودالی میتواند شرایط فئودالی برانداخته شد و اصلاحات ارضی پایان رسید و حزب و دولت دموکراتیک بایداستقرار و بسط تولید کشاورزی را در دستور روز بگذارند ، کلیه نیروهای موجود در ده را بر روی این وظیفه متمرکز سازند ، کئوپراسیون و کمک متقابل را سازمان دهند ، تکتیک کشاورزی را تکامل بخشند ، زبده کردن بذر را تشویق کنند ، مامور آبیاری بپردازند ، و همه این کار ها را بمنظور افزایش تولید انجام دهند . سازمان های حزب در مناطق روستائی باید بیشترین نیروهای خویش را در راه استقرار و بسط تولید کشاورزی و نیز تولید صنعتی مراکز شهرستانها بکار اندازند . برای اینکه این

استقرار و این بسط تسریع شود ما باید در طی مبارزه ای که بمنظور لغو سیستم فئودالی انجام میدهیم با تمام قوا بکوشیم تا کلیه وسایل قابل استفاده تولید و وسائل قابل استفاده معاش حتی الامکان حفظ شود و در مورد هرکس که آنها را از بین ببرد و یا باسراف دست بزند تصمیمات جدی بگیریم و با زیاده روی در خورد و خوراک مخالفت ورزیده ، صرفه جوئی شدیدی را مراعات کنیم . برای اینکه تولید کشاورزی بسط یابد ما باید دهقانان توصیه کنیم که بتدریج و بر پایه اصل داوطلبی در انواع کثورتیو های تولید و مصرف بر اساس مالکیت خصوصی و در چارچوب شرایط اقتصادی کنونی متشکل گردند . لغو سیستم فئودالی و بسط تولید کشاورزی پایه ای خواهد بود برای بسط تولید صنعتی و تبدیل کشاورزی ما به کشور صنعتی . اینست هدف نهائی انقلاب دموکراسی نوین .

شما رفقا میدانید که حزب ما مشی عمومی و سیاست عمومی انقلاب چین را تعیین کرده و همچنین مشی های مشخص مختلف برای کار و رهنمود های سیاسی مشخص نیز مقرر داشته است . مذکور غالباً اتفاق میافتد که بسیاری از رفقا مشی های مشخص کار و رهنمود های مشخص سیاسی را فرا میگیرند و مشی عمومی و سیاست عمومی حزب را از یاد میبرند . چنانچه واقعاً ما مشی عمومی و سیاست عمومی حزب را فراموش کنیم انقلابیونی نابینا ، ناپخته و کور ذهن خواهیم بود و در موقعی که مشی های مشخص کار و یا رهنمود های سیاسی مشخص را عملی میگردانیم سمت حرکت را گم خواهیم کرد ، گاهی بچپ ، گاهی بر راست خواهیم افتاد و بکارمان صدمه خواهیم زد .

اجازه دهید بار دیگر تکرار کنم :

انقلاب توده های پهناور خلق در زیر رهبری پرولتاریا ، بر ضد امپریالیسم ، فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک - اینست انقلاب دموکراسی نوین در چین ، اینست مشی عمومی و سیاست عمومی حزب کمونیست چین در مرحله تاریخی کنونی .

تکیه بر دهقانان فقیر ، اتحاد با دهقانان میانه حال ، لغو سیستم استثمار فئودالی بطور منظم و با شیوه های گوناگون و بسط تولید کشاورزی - اینست مشی عمومی و سیاست عمومی حزب کمونیست چین در کار اصلاحات ارضی در دوره انقلاب دموکراسی نوین .

یادداشتها

۱- این رهنمود کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در ۲۲ فوریه ۱۹۴۸ صادر شد. رهنمود مذکور تجربه ای را که در طی کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب در مناطق آزاد شده مختلف بدست آمده بود تراز بندی کرد، یک سلسله رهنمود های سیاسی و شیوه هائی برای اصلاحات ارضی و تحکیم حزب مقرر داشت و بخصوص انحرافات " چپ " را که در جریان اجرای دو وظیفه فوق در برخی از مناطق روی داده بود برانداخت.

۲- اشاره است به « رهنمود در باره رفع اشتباهاتی در تعیین تعلق طبقاتی و در باره اتحاد با دهقانان میانه حال » که در ۱۳ ژانویه ۱۹۴۸ از طرف سو بوروی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در شان سی - سوی یوان صادر شد. این رهنمود به پنج بخش تقسیم شده و نکات اساسی آن از این قرار است:

(۱) - از آنجا که ملاک های تعیین تعلق طبقاتی بروشنی معلوم نگردیده است بعضی از اشخاص بنابر خواست خود بخود دهقانان، باشتباه در شمار مالکان ارضی ورشکسته و یا دهقانان مرفه گذاشته شده اند. بویژه دهقانان میانه حال مرفه باشتباه در ردیف دهقانان مرفه بقلم رفته اند. این امر مانع اتحاد با دهقانان میانه حال میگردد و اشتباه بود.

(۲) باید اقدامات مقتضی برای اقناع مجدانه دهقانان برفع این اشتباهات بعمل آید. اموالی که صادره شده است باید باندازه لازم بصاحبان آنها مسترد گردد.

(۳) باید بدهقانان و به کادر ها توضیح داد که یگانه ملاک تشخیص تعلق طبقاتی باید ملاک مبتنی بر روابط استثمار باشد. اشتباهاتی که در تعیین تعلق طبقاتی روی داده باید از میان برداشته شود.

(۴) اصل تکیه بر دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی و اتحاد با دهقانان میانه حال باید مراعات گردد. دهقانان میانه حال باید بتوانند بنسبت تقریباً یک سوم در کنفرانسهای نمایندگان دهقانان و در ارگان های رهبری اتحادیه های دهقانی شرکت جویند. در اخذ مالیات و در اصلاحات ارضی باید منافع آنان را بطور شایسته در نظر گرفت.

(۵) - کادر های مسئول باید سیاست طبقاتی حزب را در مناطق روستائی مورد بررسی جدی قرار دهند. هر اشتباهی که در مورد دهقانان میانه حال روی داده است باید بر طبق سیاست حزب در این زمینه اصلاح شود و این کار باید با عمل توده ها انجام گیرد.

سوبروی شان سی - سوی یوان همزمان با رهنمود پنج ماده ای مذکور « رهنمود در باره حفظ صنعت و تجارت » را بمنظور اصلاح انحرافات که در طی اصلاحات ارضی بر صنعت و تجارت صدمه وارد میساخت صادر کرد.

منظور در اینجا کثورتیوهای تدارکات و فروش است.

گفتگو با همت تحریریه روزنامه

«جین سوی ژیبائو»

(۲ آوریل ۱۹۴۸)

باید سیاست ما را نه فقط بر رهبران و کادر ها بلکه بر توده های وسیع نیز روشن ساخت . تبلیغات مربوط به سیاست ما بطور کلی باید بوسیله روزنامه ها و مجلات حزب صورت گیرد . ما به اصلاح سیستم ارضی دست زده ایم و تدابیر سیاسی مربوط به اصلاحات ارضی باید بوسیله روزنامه ها و رایو انتشار یابد تا توده های وسیع از آنها آگاه شوند . همینکه توده ها بحقیقت پی ببرند و هدف مشترکی پیدا کنند یکدل عمل خواهند کرد . مثل جنگ : برای کامیابی در نبرد نه فقط افسران بلکه سربازان نیز باید یکدلانه بمیدان در آیند . پس از آن که ارتش های ما در شنسی شمالی آموزش دیدند و امور خود را تحکیم کردند و به جنبش حکایت رنج های روزگار قدیم پرداختند سطح آگاهی سربازان ارتقاء یافت و دریافتند که چرا میجنگند و چگونه باید بجنگند ، همگی برای نبرد دامن بر کمر زدند ، روحیه شان بالا رفت و همینکه وارد عمل گردیدند به پیروزی نائل آمدند. آنگاه که توده ها یکدلانه وارد عمل میشوند همه کار آسان میگردد. یکی از اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم اینست که چنان کنیم که توده ها منافع خویش را باز شناسد و در مبارزه در راه منافع خویش متحد شوند . نقش روزنامه و آنچه باو نیرو می بخشد اینست که برنامه و مشی حزب ، اصول و تدبیر سیاسی حزب ، وظایف و سبک های کار حزب را به سریع ترین و گسترده تربیت وجهی باصلاح توده ها برساند .

در بعضی از نقاط ، عده ای از اعضاء ارگانها رهبری ما می پندارند که اطلاع رهبران از سیاست حزب به تنهایی کافی است و لازم نیست که سیاست مذکور با اطلاع توده ها برسد . یکی از دلائل اصلی اینکه بخشی از کار ما بخوبی انجام نیافته همین است . بیش از بیست سال است که حزب ما هر روز به کار توده ای میپردازد و در طی ده سال اخیر هر روز از مشی توده ای صحبت میدارد . ما همیشه بر آن بوده ایم که انقلاب باید بر توده های مردم تکیه کند و شرکت هر فرد را بحساب بیاورد . ما همیشه مخالف آن بوده ایم که فقط به کسانی که صادرکننده دستوراند اکتفاء شود . معذک برخی از رفقا هنوز مشی توده ای را در فعالیت خود عمیقاً بکار نمی بندند ، همیشه فقط عده قلیلی را بحساب میآورند در انفرادی بیروح بسر میبرند . یکی ار

دلالتش اینست که رفقای مذکور هر کاری که انجام بدهند از توضیح دقیق آن با افراد تحت رهبری خویش اجتناب دارند و نمیدانند که چگونه باید ابتکار و نیروی آفرینندگی اینان را گسترش داد. از لحاظ ذهنی خواستار آنند که همه کس در کار شرکت جوید ولی بدیگران حالی نمی کنند که چه کاری باید انجام گیرد و چگونه باید انجام گیرد. در این صورت چگونه توقع دارید که همه بکار پردازند و کار بخوبی اجرا شود؟ البته راه حل اساسی مسئله آنست که باین رفقا در مورد مشی توده ای، آموزش ایدئولوژیک داده شود ولی در عین حال باید بسیاری از سبک های مشخص کار را بآنها آموخت. یکی از این سبک های مشخص عبارتست از استفاده عمیق از روزنامه ها. روزنامه را بدرستی رهبری کردن، آن را پر مطلب و جالب ساختن، در آن به تبلیغ صحیح اصول و تدابیر سیاسی حزب دست زدن و بوسیله آن پیوند حزب را با توده ها تحکیم بخشیدن، مسله ای است که در کار حزب حائز اهمیت اصولی است و نباید از دیده فروگذار شود.

رفقا! شمار روزنامه نویسید. وظیفه شما همین است که بتوده ها آموزش بدهید، منافع توده ها، وظایف آنها، اصول و تدابیر سیاسی حزب را بآنها بشناسانید. اداره روزنامه مانند هر کار دیگر است: برای اینکه روزنامه خوب بشود، برای اینکه جاندار باشد باید در کار آن اهتمام ورزید. برای چرخاندن روزنامه ها نیز ما باید به همگان، به توده های، به مجموعه حزب، و نه فقط به عده قلیلی از اشخاص که در محیط سر بسته بکار مشغول اند تکیه کنیم. روزنامه های ما هر روز از مشی توده ای صحبت میدارند ولی در کار خود روزنامه ها غالباً اتفاق میافتد و علتش فقط اینست که این کار را جدی نگرفته و به اصطلاح آن همت نگماشته اند. اگر میخواهید در این مورد سبک مشی تودهای را بکار بندید باید در صورت پیدایش غلطها فقط بمنظور بحث درباره آنها کارمندان روزنامه را گرد هم آورید، توضیح دهید که غلطها کدام است، چرا غلطها روی داده است و چگونه نمیتوان آنها را از بین برد، و از یکایک افراد بخواهید که باین امر توجه معطوف دارد. پس از سه تا پنج مرتبه که بدین ترتیب عمل شود مسلماً اجتناب از این غلطها امکان پذیر خواهد شد. این نکته، هم در مورد امور کوچک صادق است و هم در مورد بزرگ.

سیاست حزب را در عمل توده ها متجلی ساختن، نه فقط کادر های رهبری بلکه همچنین توده های وسیع مردم را بدرک یکایک جنبش ها و یکایک مبارزات ما و به پیشبرد شایسته آنها رهنمون شدن، چنین است هنر رهبری مارکسیستی - لنینیستی. و همین امر است که نشان میدهد که آیا ما میتوانیم در کار خویش از خطا بپرهیزیم یا نه. اگر هنگامی که توده ها هنوز باگاهی نرسیده اند در صدد تعرض

برآئیم مرتکب ماجراجوئی شده ایم. اگر بخواهیم توده ها را بر خلاف دلخواه آنها بعملی واداریم بدون شک با شکست روبرو خواهیم شد. اگر هنگامی که توده ها خواستار پیشروی اند به پیش نرویم به اپورتونیسیم راست گرفتار آمده ایم. خطای اپورتونستی چن دو سیو همانا در آن بود که از لحاظ آگاهی سیاسی از توده ها عقب ماند، نتوانست آنها را بحلو رهبری کند و حتی با پیشروی آنها مخالفت ورزید. هنوز بسیاری از رفقا این موضوعات را در نمی یابند. روزنامه های ما باید بوجهی شایسته به تبلیغ این نظریات همت بگمارند بطوری که همه کس بدرک آنها نائل آید.

رفقائی که در جراید کار میکنند برای آنکه بتوده ها آموزش بدهند باید نخست از آنها آموزش بگیرند. شما، رفقا، همگی روشنفکرید و روشنفکران غالباً مسائل عملی را در نمی یابند، در مسائل عملی کم تجربه دارند و یا بهیچوجه تجربه ندارند. رساله «چگونگی تعیین تعلق طبقاتی در روستا» که در ۱۹۳۳ بطبع رسیده است تماماً برای شما قابل درک نیست. در این مورد دهقانان از شما قویتر اند زیرا همینکه بآنها توضیح داده شد بی درنگ میفهمند. بیش از صد و هشتاد نفر از دهقانان دو بخش از شهرستان گوه سیان مدت پنج روز نشستند و مسائل عدیده ای را در مورد تقسیم اراضی حل کردند. اگر قرار بود هیئت تحریریه شما این مسائل را موضوع بحث قرار دهد تصور میکنیم که چنانچه دو هفته هم بحث مینشستید آنها را حل نمی کردید. و دلیلش خیلی ساده است: شما این مسائل را در نمی یابید. برای گذار از ندانستن به دانستن باید عمل کرد و نظاره کرد، این همان است که آموختن نامیده میشود. رفقائی که در جرائد کار میکنند باید بنوبه در مدت معینی در کار توده ای، در کار اصلاحات ارضی شرکت جویند. این بسیار لازم است. وقتی هم که در کار توده ای شرکت ندارید باید در باره جنبش های توده ای، بسیار بشنوید و بسیار بخوانید و در مطالعه اسناد مربوط بآنها جداً اهتمام ورزید. شعار ما در مورد آموزش سپاهیان چنین است: "افسران سربازان میآموزند، سربازان بافسران میآموزند و سربازان بیکدیگر می آموزند." سربازان از تجارب عملی عظیمی در باره نبرد برخوردارند. افسران باید از آنان بیآموزند و هر اندازه که تجربه دیگران را بیشتر فراگیرند به همان اندازه شایسته تر خواهند شد. رفقائی که در جراید کار میکنند نیز باید با مطالعه اسنادی که از پائین میآید پیوسته بیآموزند، معلومات عملی خود را بتدریج غنی سازند و بصورت افرادی درآیند از لحاظ تجربه توانگر. فقط باین طریق میتواند کار خود را خوب انجام دهد و از عهده وظیفه آموزش توده ها برآید.

روزنامه «جین سوی ژبائو» پس از کنفرانس دبیران کمیته های ولایتی حزب که در ژوئن سال گذشته تشکیل شد به پیشرفت های بسیار بزرگی نائل آمد، از

لحاظ مضمون غنی بود، تند و تیز بود، گزنده و جاندار بود، مبارزات عظیم توده‌ها را منعکس میساخت و برای توده‌ها سخن میگفت. من با کمال میل آن را میخواندم. ولی از ژانویه امسال که ما به اصطلاح انحرافات "چپ" دست زدیم بنظر میرسد که روزنامه شما از نفس افتاده است، دیگر آن روشنی بیان را ندارد، دیگر آنطور تند تیز نیست، کمتر خبر میدهد و زیاد برای خواننده جالب نیست. اکنون که شما به بررسی کار و ترازبندی تجارب خویش مشغولید، این خیلی خوبست. وقتیکه تجارب خود را در مبارزه با انحراف راست و "چپ" ترازبندی کنید و نظر روشن تری در آن باره داشته باشید به بهبود کار نائل خواهید گشت.

مبارزه‌ای که روزنامه «جین سوی ژیبائو» از ژوئن سال گذشته باین طرف بر ضد انحرافات راست در پیش گرفت کاملاً درست بود. شما در این مبارزه به کاری بسیار دقیق پرداختید و جنبش توده‌ای را در کلیه جوانبش بدرستی منعکس ساختید. شما در باره نظریات و اسنادی که اشتباه‌آمیز تشخیص میدادید به انتقاداتی بصورت تذکرات هیئت تحریریه دست زدید. با آنکه در برخی از تفسیرات اخیر شما نقایصی دیده میشود دقت شما شایان تحسین است. نقص عمده کار شما آن بود که زه کمان را زیاد از اندازه کشیدید وقتیکه زه کمان را زیاد از اندازه بکشند میگسلد. در قدیم میگفتند: "قاعده شاهان وین و او عبارت بود از توالی کشیدن و رها کردن." (۱) حالا اندکی "رها کنید"، آنگاه رفقا دید روشن‌تر خواهند داشت. شما در کار خود به پیشرفت‌هایی نائل آمده‌اید، ولی نقایصی نیز در کارتان بظهور رسیده که بطور عمده انحرافات "چپ" است. اینک به ترازبندی کلی مشغولید و موقعیکه انحرافات "چپ" را اصلاح کنید، به پیشرفت‌های بزرگتر نائل خواهید آمد.

آنگاه که ما به اصلاح انحرافات دست میزدیم بعضی‌ها می‌پندارند که کار گذشته مطلقاً بی‌ثمر و پرداختن بآن بکلی غلط بوده است. این صحیح نیست. این اشخاص نمی‌بینند که حزب ما دهقانان بیشماری را در مبارزه بخاطر تحصیل زمین و برانداختن فئودالیسم رهنمون شده، سازمان‌های خود را استحکام و سبک‌کار کادرها با بهبود بخشیده و اینک انحرافات "چپ" را نیز اصلاح کرده و کادرها و توده‌ها را آموزش داده است. آیا اینها کامیابی‌های بزرگ نیست؟ ما باید کار خود و اقدامات توده‌ها را با روحیه تحلیل‌مورد ارزیابی قرار دهیم نه اینکه همه چیز را یکجا محکوم کنیم. سابقاً انحرافات "چپ" از آن جهت روی داد که تجربه نبود. بدون تجربه، بدشوار میتوان از اشتباه برکنار ماند. بین بی‌تجربگی و تجربه، مرحله‌ای است که باید پیموده شود. در طی دوران کوتاه پس از ژوئن سال گذشته تا امروز، در اثر

مبارزه با انحرافات راست و "چپ"، این نکته فهمیده شد که مبارزه با انحراف راست و مبارزه با انحراف "چپ" بچه معنی است. این نکته بدون پیمودن آن مرحله فهمیده نمیشد.

پس از آنکه شما کار خود را بررسی و تجارت خویش را ترازبندی کنید اطمینان دارم که کار روزنامه را باز هم بیشتر بهبود خواهید داد. روزنامه شما باید شایستگی سابق خویش را دوباره بدست آورد. روزنامه شما باید تند و تیز، گزنده و روشن باشد، و با نهایت دقت اداره شود. ما باید در دفاع از حقیقت استوار باشیم و حقیقت ایجاب میکند که موضعی صریح اختیار کنیم. ما کمونیستها پوشاندن نظریات خود را پیوسه شرم آور شمرده ایم. روزنامه های تحت رهبری حزب ما و مجموعه کار تبلیغاتی ما باید جاندار باشند، موضع صریح داشته باشند، تیز و برا باشد و هرگز نباید در ابهام بمانند. برای ما، برای پرولتاریای انقلابی، سبک پیکارجویانه لازم است. ما که میخواهیم شناخت حقیقت را بخلق بیآموزیم و او را بمبارزه بخاطر رهائی خودش برانگیزیم به چنین سبک پیکارجویانه ای نیازمندیم. تیغی که برائی ندارد بکار نیاید.

یادداشتها

۱ - مراجعه شود به کتاب «آداب»، "لطائف گوناگون".

تلگراف به فرماندهی جبهه لوه یان

پس از بازگرفتن آن شهر

(۸ آوریل ۱۹۴۸)

لوه یان باز گرفته شده (۱) و این بار احتمال می‌رود که ما خواهیم توانست آن را محکم نگهداریم. در مورد سیاست ما در شهر باید بنکات زیرین توجه کرد:

۱- در انحلال ارگان های رژیم گومیندان احتیاط بسیار روا دارید، فقط مرتجعان عمده را دستگیر سازید و تعداد زیادی از اشخاص را مورد تعقیب قرار ندهید.

۲- سرمایه بوروکراتیک را دقیقاً تعریف کنید. کلیه بنگاههای صنعتی و بازرگانی را که بوسیله اعضاء گومیندان اداره می‌شده اند در شمار سرمایه بوروکراتیک نیاورید و مصادره نکنید. باید این اصل را برقرار ساخت که دولت دموکراتیک کلیه بنگاههای صنعتی بازرگانی را که یقین دارد بوسیله دولت مرکزی و یا دولت های ایالتی، ولایتی و شهرداری های گومیندان اداره می‌شده اند یعنی آن بنگاههای صنعتی و بازرگانی را که کاملاً بوسیله ارگان های دولتی بهره برداری می‌شده اند در دست می‌گیرد و اداره میکند. اما اگر دولت دموکراتیک هنوز وقت تصرف آنها را ندارد و یا باین جهت برای این کار آماده نیست باید مسئولیت اداره موقت بنگاهها مذکور را بر عهده اشخاصی که بر سر کاراند گذاشت بطوری که بنگاههای بطریق معمولی کار کنند تا آنگاه که دولت دموکراتیک اشخاصی را برای تصرف آنها مأمور گرداند. باید کارگران و تکنیسینهای این بنگاههای صنعتی و بازرگانی را متشکل ساخت تا آنان در اداره بنگاهها شرکت جویند و باید بصلاحت آنها اعتماد داشت. اگر کارمندان گومیندان گریخته اند و بنگاه از کار افتاده است باید کمیته مدیریت مرکب از نمایندگان منتخب کارگران و تکنیسینها تشکیل داد تا آنگاه که مسئولان و مدیرین از طرف دولت دموکراتیک بیایند و مدیریت را با اشتراک کارگران در دست گیرند. در مورد بنگاههایی که بدست بوروکراتهای بزرگ و سرشناس گومیندان اداره میشوند باید اصول و مقررات

تلگرافی است که بوسیله رفیق مائو تسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است. نظر باینکه مضمون آن نه فقط در مورد لوه یان بلکه علی الاصول در مورد کلیه شهرهای بتازگی آزاد شده صادق بود، تلگراف مذکور در عین حال برقهای رهبری در سایر جبهه ها و در سایر مناطق نیز فرستاده شد.

مذکور در فوق را معمول داشت. ولی بنگاههای صنعتی و بزرگانی که بدست بوروکرات های کوچک و یا بدست مالکان ارضی اداره میشوند مشغول مصادره نخواهند گردید. هرگونه تجاوز نسبت به هر بنگاهی که بدست بورژوازی ملی اداره میشود اکیداً ممنوع است.

۳ - قدغن کنید که سازمان های دهقانی برای دستگیری مالکان ارضی و تصفیه حساب آنها بشهر نروند. مالکان ارضی که زمین هایشان در ده است و خودشان در شهر اند باید از طرف دولت دموکراتیک شهر بر طبق قانون مورد تعقیب قرار گیرند و کسانی از آنها که مرتکب فجیع ترین جنایات شده اند ممکن است بنابر تقاضای سازمان های دهقانی برای محاکمه به ده خویش فرستاده شوند.

وقتیکه وارد شهری میشوید بیحساب به پخش شعار هائی برای افزایش دستمزد ها و کاهش ساعات کار نپردازید. در دوران جنگ همین که تولید ادامه یابد، ساعات کار و سطح دستمزد ها ثابت بماند مایه خوشوقتی است. اینکه بعد ها کاهش ساعات کار و افزایش دستمزد ها بمیزان مناسب گردد، وابسته به شرایط اقتصادی یعنی به رونق بنگاهها خواهد بود.

۵ - در بسیج اهالی شهر ها برای مبارزه در راه اصلاحات دموکراتیک و در راه بهبود شرایط زندگی شتاب نوزید. این مسائل را بطریق مقتضی و مناسب با شرایط نمیتوان حل کرد مگر آنگاه که اداره شهر بطور شایسته صورت گیرد، مگر آنگاه که اهالی آرامش خاطر یافته باشند، پژوهش های دقیق انجام گرفته، وضعیت روشن شده و اقدامات لازم بعمل آمده باشد.

۶ - اکنون در شهر های بزرگ، خواربار و سوخت مسئله اساسی است که باید بطور منظم حل شود. وقتیکه شهری تحت اداره ما در میآید مسئله شرایط زندگی بینوایان را باید بتدریج و منظم حل کرد. به بخش این شعار مبادرت نجوئید که: "انبار ها را برای کمک به تهیدستان بگشائید" این گرایش را در نزد تهیدستان بوجود نیآورید که فقط به کمک دولت چشم داشته باشند.

۷ - باید کوشید و همه اعضاء گومیندان و جامعه جوانان سه اصل خلق را چنانکه باید یافت و نام آنان را ثبت کرد.

۸ - باید همه چیز را برای مدت طولانی پیش بینی کرد. از بین بردن وسائل تولید، خواه در مالکیت عمومی و خواه در مالکیت خصوصی باشد، و همچنین اسراف در مواد مصرفی اکیداً قدغن است. باید از زیاده روی در خورد و خوراک خوداری ورزید و همت به صرفه جوئی گماشت.

۹- کسانی را به دبیری کمیته های حزبی شهر ها و به مقام شهرداری منصوب سازند که سیاست حزب را خوب فرا گرفته اند و لیاقت ایفاء وظیفه خویش را دارند . این اشخاص باید همه کارمندان خویش را آموزش دهند و تصمیمات سیاسی و تاکتیکی را که باید در شهر ها بکار رود برای آنان تشریح کنند . اینک که شهر متعلق بمردم است همه چیز باید بر اساس این اصل صورت گیرد که خود خلق عهده دار اداره شهر است . بکلی نادرست است که آن سیاست و تاکتیکی که ما در مورد شهر های تحت اداره گومیندان بکار میبردیم در مورد شهری که تحت اداره خود خلق است بکار برده شود .

یادداشتها

۱ - لوه یان تکیه گاه مهم سپاهیان گومیندان در بخش غربی استان چه نان بود . ارتش آزادیبخش توده ای نخستین بار شهر لوه یان را در ۱۴ مارس ۱۹۴۸ بتصرف در آورد . سپس آن را بابتکار خویش و بمنظور اسان ساختن انحاء نیرو های مؤثر دشمن تخلیه کرد . در ۵ آوریل ۱۹۴۸ آن را باز ستانید .

مسائل تاکتیکی کار در ده در مناطقی آزاد شده جدید

(۲۴ مه ۱۹۴۸)

مسائل تاکتیکی کار در ده در مناطق آزاد شده جدید باید در مجموعه خود مورد بررسی قرار گیرد. با استفاده کامل از تجربه ای که در دوران جنگ مقاومت علیه ژاپن بدست آمده، ما باید پس از آزادی این مناطق برای مدتی نسبتاً طولانی، در زمینه اجتماعی سیاست تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود را دنبال کنیم و بطور متناسب به تعدیل ذخائر بذر و غلات پردازیم و در زمینه مالی سیاست توزیع منصفانه مالیاتها را در پیش گیریم، هدف ضربات ما، درست مانند دوران جنگ مقاومت که فقط خائنین را توقیف مینمودیم و اموالشان را مصادره میکردیم، باید بطور عمده ضد انقلابیون سرشناس باشند که از لحاظ سیاسی جانب گومیندیان را میگیرند و عنودانه با حزب ما و ارتش ما مخالفت میورزند. ما نباید بلافاصله سیاست اصلاحات اجتماعی را دایره تقسیم اموال منقول و زمین بکار بندیم. دلیل آن اینست که فقط عده خیلی از بی پرواترین عناصر از توزیع نابهنگام اموال منقول خشنود میگردند در حالی که توده های اساسی چیزی بدستشان نمیرسد و ناراضی میشوند. بعلاوه بخش شتابزده ثروتهای اجتماعی عامل نامساعدی بحال ارتش است. تقسیم نابهنگام زمین تمام مخارج احتیاجات نظامی را بجای آنکه بردوش مالکین ارضی و دهقانان مرفه بگذارد، از همان آغاز بدهقانان تحمیل میکند. بنابر این در زمینه اصلاحات اجتماعی بجای تقسیم اموال منقول و زمین بهتر است در همه جا بهره مالکانه و نرخ سود تقلیل یابد تا دهقانان امتیازات محسوسی بدست آورند. در سیاست مالی ما باید مخارج را منصفانه سرشکن کنیم بطوری که مالکین ارضی و دهقانان مرفه بیشتر پردازند و بدین ترتیب ثروتهای اجتماعی پراکنده نخواهند شد و نظم عمومی ثبات بیشتری خواهد یافت و این خود بما کمک خواهد کرد که تمام مساعی خود را در راه از بین بردن مرتجعان گومیندیان متمرکز سازیم. پس از گذشت یک یا دو سال یا حتی سه سال، هنگامیکه در پایگاه های وسیع مرتجعان گومیندیان از میان رفتند، هنگامیکه وضع تثبیت گردید و توده ها آگاه و متشکل گردیدند، هنگامی که جنگ به مناطق دوردست برده شد، آنگاه ما خواهیم توانست اصلاحات ارضی یعنی تقسیم اموال

منقول و زمین را ، آنگونه که در شمال چین صورت گرفت آغاز کنیم . در هیچیک از مناطق آزاد شده جدید ، از مرحله تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود نمیتوان طفره رفت . در غیر اینصورت اشتباهاتی روی خواهد داد . تاکتیک فوق الذکر باید همچنین در مناطق آزاد شده وسیع شمال چین ، شمال شرق و شمال غرب ، در قسمت هائی که در مجاورت سرزمین های اشغالی دشمن است اعمال گردد.

کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب در ۱۹۴۸

(۲۵ مه ۱۹۴۸)

لازم است به فصول سال توجه داشت . در مناطقی که بوروها و سوپورو های کمیته مرکزی تعیین کرده اند در تمام طول پائیز و زمستان آینده یعنی ظرف هفت ماه از سپتامبر امسال تا مارس آینده ، باید به انجام وظائفی که بترتیب در زیر آمد پرداخت :

- ۱- در وضع دهات به تحقیق پرداخت .
- ۲- بر طبق سیاست صحیح به نخستین کار جهت تحکیم حزب دست زد . هیئت کار یا گروه کاری که از طرف مقام بالاتری به منطقه روستائی اعزام میشود باید نخست با تمام عناصر فعال و دیگر اعضای شایسته حوزه محلی حزب متحد شود تا به معیت آنان کار اصلاحات ارضی را رهبری کند .
- ۳- سازمانهای دهقانی فقیر و اتحادیه های دهقانی تشکیل داد یا آنها را تجدید سازمان کرد و تقویت نمود و مبارزه را بخاطر اصلاحات ارضی آغاز کرد .
- ۴- تعلق طبقاتی را بر طبق ملاکهای صحیح تعیین نمود .
- ۵- زمینها و اموال فئودالها را بر طبق سیاست صحیح تقسیم کرد . نتیجه نهائی تقسیم باید طوری باشد که تمام قشر های عمده آنها صحیح و عادلانه بشمارند و مالکین ارضی نیر پی ببرند که آنها نیز وسیله ای مطمئن برای زندگی دارند .
- ۶- بتأسیس کنفرانسهای نمایندگان خلق در مقیاس دهستان (یا دهکده) ، بخش و شهرستان دست زد و شوراهای حکومتی در سه درجه فوق انتخاب کرد .
- ۷- برای تسجیل حق مالکیت بر ارضی بتوزیع اسناد مالکیت پرداخت .
- ۸- به تعدیل نرخهای مالیات کشاورزی (یعنی غله ای که باید بدولت تسلیم شود) و یا به تجدید نظر در آنها دست زد . این نرخها باید با اصل مراعات منافع همگانی و منافع خصوصی مطابق باشد ، بعبارت دیگر این نرخها باید از یکسو پشتیبانی از مساعی جنگ را میسر سازد و از سوی دیگر دهقانان را به احیا و رشد

رهنمود برای حزب که رفیق مانوتسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین نگاشته است .

و رشد تولید علاقه مند گرداند و این خود به بهبود شرایط زندگی آنها کمک خواهد کرد .

۹ - در زمینه سازمانی ، کار تحکیم حوزه های حزبی را بر طبق سیاست صحیح بیابان رسانید .

۱۰ - برای مبارزه مشترک بخاطر احیا و رشد تولید کشاورزی ، مرکز کار خود را از اصلاحات ارضی به متحد ساختن تمام زحمکشان ده و سازمان دادن نیرو کار مالکین ارضی و دهقانان مرفه انتقال داد . بر اساس اصول شرکت داوطلبانه و مبادله ارزشهای مساوی به ایجاد گروه های کوچک مبادله کار و واحد های دیگر کئوپراتیوی پرداخت ، بذر ، کود و سوخت تهیه کرد ؛ برای تولید نقشه هائی تدوین نمود ؛ اگر لازم و ممکن باشد با اعطاء اعتبارات کشاورزی موافقت کرد (بطور عمده وام برای تحصیل و سائل تولید که قابل پرداخت است و با کمکهای مالی دیگر بکلی فرق دارد) ؛ برای ساختمان مؤسسات آبیاری در جائی که چنین ساختمانی ممکن است نقشه هائی تنظیم نمود .

اینست جریان کامل کار از اصلاحات ارضی گرفته تا تولید ، جریانی که باید به تمام رفقائی که مستقیماً در اصلاحات ارضی شرکت دارند فهمانید بقسمی که آنها بتوانند از نظرات یکجانبه در کار خود بپرهیزند و تمام وظائف فوق الذکر را بدون آنکه هیچ فصلی را از دست بدهند ، طی پائیز و زمستان آینده انجام دهند .

۲

برای نیل به این هدفها لازم است طی سه ماه آینده از ژوئن تا اوت کار زیر را بیابان رسانید :

مناطق اصلاحات ارضی را تعیین کرد . در هر یک از این مناطق باید سه شرط زیر موجود باشد :

الف - تمام نیروهای مسلح دشمن نابود شده باشند و وضع در منطقه ثبات داشته باشد . منطقه بی ثبات جنگهای پاتیزانی را نباید تعیین نمود .

ب - تقسیم زمین باید خواست اکثریت عظیم توده های اصلی (مزدوران کشاورزی ، دهقانان فقیر و دهقانان میانه حال) باشد و نه فقط خواست یک اقلیت .

ج - کادر های حزب باید صلاحیت دار و بتعداد کافی باشند تا بتوان کار اصلاحات ارضی را در دست گرفت . کادر ها نباید این کار را بعمل خود بخود توده ها واگذارند .

منطقه ای را که فاقد یکی از این سه شرط باشد نباید برای اصلاحات ارضی سال ۱۹۴۸ تعیین نمود . مثلاً آن قسمتهائی از مناطق آزاد شده در شمال ، شرق ، شمال شرقی و شمالی غربی چین که مجاور سرزمین اشغالی دشمن است بعلت فقدان شرط اول نباید در برنامه اصلاحات ارضی امسال گنجانیده شود همینطور است قسمت اعظم منطقه میان رود خانه یان تسه ، رود خانه حوای ، رود خانه زرد و رود خان حان شوی ، منطقه ای که در حیطه اختیار بوروی کمیته مرکزی برای جلگه های مرکزی است . گنجانیدن این مناطق در برنامه سال آینده بازم به اوضاع و احوال بستگی دارد . در این مناطق با استفاده کامل از تجربه دوران جنگ مقاومت علیه ژاپن ما باید در زمینه اجتماعی سیاست تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود را دنبال کنیم و بطور متناسب به تعدیل ذخائر بذر و غلات بپردازیم و در زمینه مالی سیاست توزیع منصفانه مالیاتها را درپیش گیریم تا تمام آن نیروهای اجتماعی را که میتوان متحد و یا بیطرف ساخت با خود متحد سازیم با بیطرف نگاه داریم ، به ارتش آزادببخش توده ای کمک کنیم که کلیه نیروهای مسلح گومیندان را نابود سازد و به مستبدین محلی که از لحاظ سیاسی ارتجاعی ترین عناصرند ضرباتی وارد آوریم . در این مناطق نه زمین و نه اموال منقول نباید تقسیم شود زیرا که این مناطق بتازگی آزاد شده اند و در مجاورت سرزمینهای اشغالی دشمن قرار دارند . چنین تقسیمی در انجام وظیفه اساسی یعنی نابود کردن نیروهای ارتجاعی گومیندان بسود اتحاد و یا بیطرف ساختن آن نیروهای اجتماعی که بتوان آنها را با خود متحد ساخت و یا بیطرف نگاه داشت نیست .

۲ - موفقیت کنفرانسهای کادر را تأمین کرد . در این کنفرانسهای کادرکه به کار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب اختصاص دارند ، کلیه تصمیمات سیاسی مربوط به این دو وظیفه را باید عمیقاً توضیح داد و لازم است بطور وضوح آنچه را که مجاز است از آنچه که مجاز نیست تمیز داد . همه کادر هائی که بکار اصلاحات ارضی و تحکیم حزب می پردازند باید اسناد مهم صادره کمیته مرکزی را با جدیت مطالعه کرده و از آنها درک صحیحی داشته باشند ؛ آنها باید این اسناد را در تمام نکات خود مراعات کنند و رأساً کوچکترین تغییری در آنها ندهند ؛ در موردی که برخی قسمتهای این اسناد پاسخگوی شرایط محلی نباشند میتوان و باید مواد اصلاحی پیشنهاد کرد ، اما هرگونه تغییر باید با تأیید کمیته مرکزی باشد . ارگانهای رهبری عالی مناطق مختلف

باید برای کنفرانس کادری که امسال در مدارج مختلف تشکیل میشود تدارکات لازم و مناسب را بعمل آورند. یعنی پیش از دعوت کنفرانس عده کمی از رفقا (که یکی از آنها مسئولیت عمده را بر عهده میگیرد) باید با یکدیگر بمشاوره پردازند، مسائل را طرح و تحلیل کنند، کتباً طرح بریزند، این طرح را در مضمون و شکل آن بدقت منقح گردانند (باید مطمئن شد که این طرح روشن و منسجم است و از بیهوده گوئی احتراز جست). سپس گزارش را به کنفرانس عرضه میدارند که موضوع مباحثه دامنه داری قرار میگیرد، در پرتو نظراتی که در جریان مباحثات ابراز شده، این طرح اصلاح و تکمیل میشود و تا آنجا که ممکن است در روزنامه ها انتشار می یابد. باید جلساتی که به شیوه تجربی تشکیل میشود مبارزه کرد، یعنی جلساتی که بدون تدارک قبلی جریان مییابد، بدون آنکه مسائل قبلاً طرح و تحلیل شده باشند، بدون آنکه گزارشی به کنفرانس کادر ها عرضه شود، گزارشی که با دقت تهیه شده و مضمون و انشاء آن با تعمیم سبک و سنگین شده باشد، بالاخره جلساتی که در آنها شرکت کنندگان به پرگوئی و حاشیه روی می پردازند بقسمی که دوره اجلاس به بدرازا میکشد و به نتیجه دقیق و مطالعه شده ای نمی انجامد. باید مراقب بود که این شیوه تجربی و مضر، اگر در کار رهبری بعضی بوروها و سوبورو های کمیته مرکزی یا در بعضی کمیته های منطقه ای، ایالتی و ولایتی بکار می رود، برانداخته شود. در کنفرانسهائی که به بحث در سیاست اختصاص دارند نباید افراد زیادی را شرکت داد و در صورتیکه این کنفرانسهها بخوبی تدارک شوند میتوان مدت آنها را کوتاه کرد. بطور کلی میتوان کنفرانسهائی مرکب از ده تا بیست نفر یا بیست تا سی یا چهل تا پنجا نفر برای مدت یک هفته ترتیب داد، تعداد افراد بر حسب اوضاع و احوال تغییر میکند. در جلساتی که هدف آنها شناساندن سیاست ماست میتوان افراد بیشتری را شرکت داد ولی مدت آنها نباید زیاد طولانی باشد. فقط در کنفرانسههای کادرهای بالا و متوسط که مقصد آنها تحکیم حزب است افراد بیشتری میتوانند شرکت جویند و مدت آنها میتواند طولانی تر باشد.

۳ - کلیه کادر هائی که مستقیماً در کار اصلاحات ارضی شرکت میجویند باید از پانزده روز اول سپتامبر یا حداکثر در پانزده روز دوم آن بدهات برسند و بلافاصله کار خود را آغاز کنند. در غیر اینصورت ممکن نیست از پائیز و زمستان آینده برای اتمام اصلاحات ارضی و تحکیم حزب و ایجاد ارگانهای قدرت و برای تهیه کشت بهاره بطور کامل استفاده کرد.

۳

در کنفرانسهای کادر و در جریان کار باید به کادرها آموخت که چگونه شرایط کنکرت را تحلیل کنند و چگونه بر اساس شرایط کنکرت در مناطق مختلف و با توجه به شرایط تاریخی مختلف وظائف و طرق کار خود را در مکان معین و زمان معین تعیین نمایند. باید میان شهر و ده میان مناطق آزاد شده قدیم، مناطق آزاد شده نیمه قدیم، مناطق مجاور سرزمینهای اشغال دشمن و مناطق آزاد شده جدید فرق گذاشت. در غیر اینصورت ما مرتکب اشتباهاتی خواهیم شد.

۴

در مناطق که سیستم فئودالی از ریشه برانداخته شده و دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی همه تقریباً حد متوسط زمینی را که باید بهر یک از آنها و سهم یک دهقان میانه حال وجود دارد (و این خود قابل قبول است) زیاد نیست، در این مناطق مسئله ارضی را باید حل شده دانست و اصلاحات ارضی را دیگر مطرح نکرد. در این مناطق وظیفه مرکزی عبارتست از احیا و رشد تولید، اتمام تحکیم حزب، تأسیس ارگانهای قدرت و همچنین پشتیبانی از جبهه. اگر در بعضی از دهات این مناطق تقسیم زمین هنوز خاتمه نیافته یا باید در آن جرح و تعدیل بعمل آید، اگر در تعلق طبقاتی بعضی عناصر هنوز باید تجدید نظر کرد و اگر هنوز باید به توزیع پاره ای اسناد مالکیت مبادرت ورزید، طبیعتاً این وظائف را باید بر طبق شرایط واقعی بپایان رسانید.

۵

در تمام مناطق آزاد شده اعم از آنکه اصلاحات ارضی در آنها خاتمه یافته باشد یا نه، باید دهقانان را راهنمایی کرد که در پائیز به کشت گندم بپردازند و قسمتی از زمینها را شخم بزنند. در زمستان باید از دهقانان دعوت کرد که کود جمع آوری کنند. اینها همه برای تولید کشاورزی و برای محصول سال ۱۹۴۹ در مناطق آزاد شده دارای اهمیت اساسی است و باید بکمک اقدامات اداری هم آهنگ با کار توده ها آنها بمرحله عمل در آورد.

۶

باید با قاطعیت به پاره تظاهرات ناشی از بی انضباطی و هرج و مرج که در بسیاری از نقاط وجود دارد خاتمه بخشید. در واقع رفقائی هستند که بدون اجازه سیاست و تاکتیک مصوب کمیته مرکزی یا کمیته های حزب را در مدارج بالا تغییر میدهند و سیاست و تاکتیکی فوق العاده زینابخش اعمال میکنند که برخلاف اراده و انضباط همگانی است ولی آنها آنرا صحیح می پندارند. رفقای دیگری هستند که به بهانه زیادی کار روشن نادرستی اتخاذ میکنند و پیش از آنکه بعملی اقدام نمایند دستور نمیگیرند و پس از آن گزارش نمیدهند؛ آنها منطقه ای را که اداره میکنند، اقلیم مستقلی می‌شمارند. اینها همه برای منافع انقلاب بشدت زیانمند است. کمیته های حزب در تمام مدارج خود باید بیش از یکبار به بحث در این مسئله بپردازند، برای غلبه بر چنین بی انضباطی و چنین هرج و مرج با جدیت بکوشند و تمام اختیاراتی را که میتوان و باید متمرکز ساخت در دست کمیته مرکزی و ارگانهای نماینده (۱) آن متمرکز سازند.

۷

کمیته مرکزی، بوروهایش (یا سوپور ها)، کمیته های منطقه ای (یا ایالتی)، کمیته های ولایت، شهرستان و بخش تا حوزه های حزب باید با یکدیگر تماس نزدیک برقرار کنند تا بطور کامل در جریان گرایشهای جنبشهای مختلف باشند، در هر لحظه بمبادله اطلاعات و تجارب بپردازند، بموقع اشتباهات را اصلاح کنند و کامیابی ها را توسعه بخشند؛ برای دست یافتن به این هدفها آنها بطور کامل استفاده خواهند کرد از وسائل ارتباط مانند رادیو، تلگراف، تلفن و پست و نامه های خصوصی، از وسائل مشورت مانند جلسات (مرکب از چهار یا پنج نفر)، کنفرانسهای منطقه ای (مرکب از چند شهرستان) و مذاکرات خصوصی، از دوره های بازرسی که یا بوسیله گروه های کوچک (سه تا پنج نفر) یا انفرادی، از طرف آن اعضای کمیته که دارای وجهه و اعتبارند صورت میگیرد؛ بالاخره از آژنس خبرگزاری ما و روزنامه های ما. یک سازمان مادون نباید چندین ماه، نیمی از سال و یا حتی بیشتر منتظر بماند برای آنکه گزارش اجمالی خود را به سازمان بالاتر عرضه بدارد. همینطور یک سازمان مافوق نباید برای انتقال رهنمود های عمومی به مدارج پائین تر اینگونه عمل کند. زیرا که این گزارشها و رهنمود ها غالباً فعلیت خود را از دست

میدهند و دیگر کلاً یا جزئاً مفید فایده نخواهند بود. و اشتباهاتی روی خواهند داد بدون آنکه بتوان آنها را بموقع اصلاح نمود، و این موجب زیانهای شدیدی میگردد. آنچه که سراسر حزب بدان احتیاج مبرم دارد گزارشها و رهنمودهای زنده، مشخص و بموقع است.

۸

بورو ها و سوبورو های کمیته مرکزی، کمیته های حزب در منطقه، ایالت، ولایت و شهرداری در رهبری خود باید به کار در شهر مانند کار در روستا، بوظائف تولید صنعتی مانند وظائف تولید کشاورزی توجه شایان مبذول دارند. بعضی آنها نباید بعلت اینکه اصلاحات ارضی و تولید کشاورزی را رهبری میکند از رهبری کار در شهر ها و کار تولید صنعتی غفلت ورزند و مساعی خود را در این زمینه فرو گذارند. اکنون که ما شهر های متعدد بزرگ، متوسط و کوچک. یک شبکه وسیع مؤسسات صنعتی و معدنی و خطوط ارتباطی داریم، چنانچه ارگانهای رهبری مربوط از خود غفلت نشان دهند و مساعی خود را در این زمینه فروگذارند ما مرتکب اشتباهاتی خواهیم شد.

یادداشتها

۱- در اینجا منظور بوره ها و سوبورو های کمیته مرکزی است.

رهنمود هائی برای

عملیات اپراتیو لیائوسی - شن یان (۱)

(سپتامبر و اکتبر ۱۹۴۸)

۱ - تلگراف ۷ سپتامبر

ما در نظر داریم تقریباً در ۵ سال (از تاریخ ژوئیه ۱۹۴۶) (۲) گومیندان را بطور قطعی از پا در آوریم. این ممکن است. اگر ما هر سال تقریباً ۱۰۰ تیپ از سپاهیان منظم گومیندان، یعنی در عرض ۵ سال تقریباً ۵۰۰ تیپ را نابود سازیم، به هدف خود خواهیم رسید. طی دو سال اخیر ارتش ما مجموعاً ۱۹۱ تیپ از سپاهیان منظم دشمن، یعنی بطور متوسط سالیانه ۹۵ تیپ و نیم و ماهیانه تقریباً ۸ تیپ دشمن را نابود ساخته است. در عرض سه سال آینده از ارتش ما خواسته میشود بیش از ۳۰۰ تیپ از سپاهیان منظم دشمن را نابود سازد. امیدواریم که از ژوئیه امسال تا ژوئن سال آینده بتوانیم تقریباً ۱۱۵ تیپ از سپاهیان منظم دشمن را نابود سازیم. این مجموعه بین ارتشهای صحرائی و ارتشهای دیگر تقسیم میشود (۳). از ارتش صحرائی چین شرقی خواسته میشود که تقریباً ۴۰ تیپ (از آنجمله ۷ قبلاً در ماه ژوئیه نابود ساخته است) را نابود سازد و جی نان و تعدادی از شهرهای بزرگ،

این تگرافها خطاب به لین بیاو، لوه ژون هوان و سایر رفقا از طرف رفیق مائو تسه دون بنام کمیسیون نظامی انقلابی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است. رهنمود هائی که در اینجا برای عملیات اپراتیو لیائوسی - شن یان از طرف رفیق مائو تسه دون داده شده است، بعد ها با موفقیت کامل اجرا گردید. نتایج عملیات اپراتیو نامبرده از اینقرار است:

۱- نابود ساختن ۴۷۰۰۰ تن از ارتش دشمن، همراه با پیروزیهای ارتش آزادیبخش توده ای که در همین دوره در سایر صحنه های عملیات بدست آمد، باین ارتش نسبت به ارتش گومیندان برتری عادی نیز بخشید.

۲- تمام سرزمین شمال شرقی چین آزاد شده و شرایط آزادی بی پین، تیانزین، و سراسر شمال چین فراهم آمد.

۳- ارتش ما در این فن که جنگ نابود کننده را بمقیاس وسیع چگونه اجرا کند، تجربه بدست آورد.

متوسط و کوچک را در شمال جیان سو ، مشرق حه نان و شمال ان هوی بگیرد . از ارتش صحرائی دشتهائی مرکزی خواسته میشود که تقریباً ۱۴ تیپ (از آنجمله ۲ تیپی که قبلاً در ماه ژوئیه نابود ساخته است) را نابود سازد و تعدادی از شهر های استان حوبه ، حه نان و ان هوی را بگیرد . از ارتش صحرائی شمال غربی خواسته میشود که تقریباً ۱۲ تیپ (از جمله یک تیپ و نیم که قبلاً در ماه اوت نابود ساخته است) را نابود سازد . از ارتش شمال چین بفرماندهی سیو سیان چیان و جوشی دی خواسته میشود که تقریباً ۱۴ تیپ از سپاهیان پن سی شان (و از آنجمله ۸ تیپی که قبلاً در ماه ژوئیه نابود ساخته است) را نابود سازد و تای یوان را بگیرد . از شما خواسته میشود که در هماهنگی با دو ارتش تحت فرماندهی لوه ژوی چینگ و یان چن او تقریباً ۳۵ تیپ از سپاهیان وی لی هوان و سپاهیان فو زوه ای (و از آنجمله تیپی که بوسیله یان چن او در ماه ژوئیه نابود شد) را نابود سازید و کلیه شهر های واقع در طول خطوط راه آهن بی پین - لیائو ، بی پین - سوی یوان ، بی پین - چن ده و بی پین - بائو دین ، باستثنای بی پین ، تیانزین و شن یان را بگیرید . عوامل تعیین کننده برای رسیدن باین هدف عبارتند از آرایش صحیح نیروها و فرماندهی صحیح نیرو ها در عملیات اِپراتیو و تناسب صحیح میان دوره نبرد و دوره استراحت . اگر در عرض دو ماه سپتامبر و اکتبر و و یا کمی دیرتر بتوانید دشمن را در طول راه آهن جین جو - تان شان نابود سازید و جین جو ، شان های گوان و تان شان را بگیرید ،

۴ - آزادی شمال شرقی چین پشت جبهه استراتژیک محکمی با پایگاه نسبتاً خوب صنعتی برای جنگ ازادببخش تأمین کرد و شرایط مساعدی برای حزب و خلق بوجود آورد که بتوانند اقتصادیات کشور را بتریح احیا کنند .

عملیات اِپراتیو لیائو سی شن یان نخستین عملیات اِپراتیو از سه عملیات اِپراتیو قطعی و بزرگ در جنگ ازادببخش توده ای چین بود . در عملیات اِپراتیو دیگر عبارت بودند از عملیات اِپراتیو حوای های و بی پین - تیانزین . در این سه عملیات اِپراتیو بزرگ که چهار ماه و نوزده روز طول کشید ، ۱۴۴ لشگر (یا تیپ) از سپاهیان منظم دشمن و ۲۹ لشگر از سپاهیان غیر منظم وی یعنی مجموعاً ۱۵۴۰۰۰ تن نابود شدند . در همین دوره ارتش ازادببخش توده ای در سایر جبهه ها نیز به تعرض هائی دست زد و عده کثیری از سپاهیان دشمن را نابود ساخت . ارتش ازادببخش توده ای چین در دو سال اول جنگ بطور متوسط هر ماه ۸ تیپ دشمن را نابود کرد . ولی در این دوره متوسط مذکور نه ۸ تیپ بلکه ۳۸ تیپ در ماه بود . این سه عملیات اِپراتیو بزرگ واحد های زنده ای را که گومیندان بوسیله آنها جنگ داخلی ضد انقلابی را برانگیخته بود ، بطور عمده نابود ساخت و پیروزی جنگ ازادببخش را در سراسر کشور بسیار تسریع کرد . در مورد عملیات اِپراتیو حوای های و عملیات اِپراتیو بی پین - تیانزین رجوع شود به « رهنمود هائی برای عملیات اِپراتیو حوای های و « دهنمود هائی برای عملیات اِپراتیو بی پین - تیانزین » جلا حاضر .

خواهید توانست تقریباً ۱۸ تیپ دشمن را نابود سازید. این منظور باید از هم اکنون آماده باشید که نیروهای عمده خود را بروی این خط بکار اندازید، بدون آنکه به سپاهیان دشمن در چان چون و شن یان بپردازید. ولی در عین حال باید آماده شوید که نیروهای دشمن را که ممکن است در موقع حمله شما بر جین جو از شن یان و چان چون بکمر این شهر بیایند، نابود سازید. از آنجا که نیروهای دشمن در جین جو، شان های گوان و تان شان و در اطراف این شهرها از یکدیگر مجزا هستند، کامیابی حملات شما برای نابود ساختن آنها تقریباً مسلم است. امید زیاد هست که با درهم کوبیدن نیروهای امدادی دشمن، در تسخیر جین جو موفق شوید. برعکس اگر نیروهای عمده خود را برای حمله به نیروهای دشمن که ممکن است از چان چون و شن یان بکمر بیایند در سین مین و در شمال این شهر بگمارد، این نیروها چون مورد تهدید شدید شما قرار میگیرند، شاید هرگز جرأت بیرون آمدن نکنند. پس از یکطرف دشمن در چن چون و شن یان ممکن است بیرون نیاید و از طرف دیگر چون تعداد نیروهائی که شما بسوی جین جو، شان های گوان و تان شان اعزام میدارید، کم است، ممکن است دشمن از این سه شهر و از حوالی آنها (یا ۱۸ تیپ) خود را به جین جو و تان شان بکشد و حمله باو دشوار گردد، حال آنکه شما مجبور خواهید شد باو حمله کنید و وقت و انرژی زیادی تلف کنید و باین ترتیب شاید خود را بیک موضع پاسیو بیندازید. از اینجهت بهتر است که به سپاهیان دشمن در چان چون و شن یان نپردازید بلکه توجه خویش را روی سپاهیان که در جین جو، شان های گوان و تان شان مستقرند، متمرکز سازید. نکته دیگر: طی ده ماه، از سپتامبر امسال تا ژوئن آینده، باید خود را برای سه عملیات اپراتیو بزرگ آماده سازید و برای هر عملیات تقریباً دو ماه و برای عملیات اپراتیو بزرگ آماده سازید و برای هر عملیات تقریباً دو ماه و برای هر سه مجموعاً شش ماه وقت بگذارید و بقیه چهار ماه را به استراحت اختصاص دهید. اگر طی عملیات اپراتیو جین جو - شان های گوان - تان شان (نحستین عملیات اپراتیو بزرگ) دشمن در چان چون و شن یان همه نیروهای خود را برای رهائی جین جو و ار لانه بیرون بیاورید (اینکه نیروهای عمده شما نه در سین مین بلکه در حوالی جین جو قرار خواهند گرفت، وی لی هوان را برای کمک بآمدن باین شهر تحریض خواهد کرد)، شما خواهید توانست بدون آنکه خط جین جو - شان های گوان - تان شان را ترک گوئید نیروهای امدادی دشمن را بتعدادی زیاد یکی بعد از دیگر نابود سازید و باید کوشید که کلیه سپاهیان وی لی هوان را سرجای خود نابود سازید. البته این بهترین وضعیت خواهد بود. از اینجهت باید بنکات زیرین توجه کنید:

- ۱- اراده کنید که به جین جو ، شان های گوان و تان شان حمله و آنها را تسخیر کنید و بر سراسر این خط نظارت نمائید .
- ۲- اراده کنید که به نبرد نابود کننده بمقیاس وسیعتر از نبرد های پیشین دست بزنید ، یعنی وقتیکه تمام ارتش وی لی هوان بکمک جین جو آمد ، جرأت کنید با آن در گیر شوید .
- ۳- با توجه این دو اراده ، نقشه عملیاتی خود را دو باره از نظر بگذرانید ، تأمین نیازمندیهای نظامی کلیه واحدها (خواربار ، مهمات ، سربازان جدید و غیره) را تدارک ببینید و مسئله اسرای جنگی را حل کنید .
خواهشمندیم مطالب فوق را بررسی و نظریات خود را تلگراف نمائید .

۲ - تلگراف ۱۰ اکتبر

- ۱- از روزی که شما حمله به جین جو را آغاز کنید ، دورانی فرا خواهد رسید که وضعیت جبهه خیلی متشنج گردد . انتظار داریم که هر دو یا هر سه روز یکبار از وضعیت دشمن (قدرت مقاومت نیروهای او که از جین جو دفاع میکنند ، پیشروی نیروهای امدادی که از حو لو دائو و جین سی و یا از شن یان میآیند و حرکات و نیات سپاهیان چان چون) و همچنین از وضعیت خود ما (پیشرفت ما در حمله بشهر ، تلفات در این حمله و در متوقف ساختن نیروهای امدادی دشمن) یا رادیو بما اطلاع دهید .
- ۲- همانطور که اظهار داشته اید ، احتمال زیاد می رود که وضعیت جبهه در این دوران برای شما بسیار مساعد گردد ، یعنی امکان یابید که نه فقط نیروهای دشمن را که از جین جو دفاع میکنند ، بلکه بخشی از نیروهای امدادی وی را نیز که از حو لو دائو و جین سی میرسند و همچنین قسمتی و یا اکثریت نیروهایش را که از چان چون میگریزند ، نابود سازید . اگر نیروهای امدادی دشمن که از شن یان میآیند ، درست بعد از سقوط جین جو تا منطه شمال رود خانه دالین پیش روند و شما هم بتوانید نیروهای خود را برای محاصره آنها نقل و انتقال دهید ، در آنصورت امکان نابودی این نیروهای امدادی وجود خواهد داشت . کلید همه اینها در اینستکه شما بکوشید جین جو را تقریباً در ظرف یک هفته تسخیر کنید .

۳- بر حسب اینکه پیشرفت ارتش ما در حمله به جین جو و همچنین پیشرفت نیروهای امدادی دشمن از شرق و از غرب چگونه باشد ، باید در باره طرز آرایش

سپاهیان خود برای متوقف ساختن آنها تصمیم بگیرید. اگر نیروهای امدادی دشمن از شن یان بکندی پیشرفت کنند (هرگاه طی حمله شما به جین جو، دشمن که در چان چون محاصره شده است، از محاصره بیرون بزند ولی بوسیله ستون ۱۲ و سایر نیروهای ما به نبرد کشیده شود و در هم کوبیده گردد، نیروهای امدادی دشمن که از شن یان میآیند، ممکن است چنانچه بیخود بشوند که بکندی پیشروی کنند و یا متوقف شوند و یا برای کمک به نیروهای چان چون بعقب برگردند)، بسرعت پیشروی کنند، شما باید آماده باشید که نیروهای ذخیره عمومی خود را بکار اندازید تا آنها باتفاق ستونهای ۴ و ۱۱ بخشی از نیروهای امدادی دشمن را نابود سازند و قبل از هر چیز پیشرفت آنها را متوقف کنند. اگر نیروهای امدادی دشمن که از حولو دائو و جین سی میآیند، بوسیله ستون های ۴ و ۱۱ و سایر نیروهای ما میخکوب شوند و بالنتجه خیلی کند پیشروی کنند و یا متوقف گردند، چنانچه نیروهای دشمن در چان چون خط محاصره را نشکنند، اگر نیروهای امدادی دشمن که از شن یان میآیند، بسرعت پیشروی کنند، و اگر اکثر نیروهای دشمن در جین جو نابود شده باشند و تصرف شهر مسلم شود، در آنصورت باید بگذارید نیروهای دشمن که از شن یان میآیند با عماق منطقه شمال رود خانه دالین نفوذ کنند تا بتوانید بموقع با انتقال نیروهای خویش آنها را محاصره و در فرصت مناسب نابود سازید.

۴ - برای اینکه جین جو را هر چه زود تر تصرف کنید، باید توجه خویش را بر روی عملیات در این شهر متمرکز سازید. حتی اگر هیچیک از هدفهای دیگر بدست نیاید و فقط جین جو تسخیر شود، ابتکار عمل باز بدست شما خواهد افتاد؛ و این پیروزی بزرگی خواهد بود. امید است که شما بنکات فوق الذکر توجه کنید. بویژه در نخستین روزهای نبرد جین جو که نیروهای امدادی دشمن که از شرق و غرب میآیند، بحركات مهمی دست نخواهند زد، باید تمام قوه خود را در عملیات جبهه جین جو بکار اندازید.

یادداشتها

۱ - عملیات اپراتیو لیائو سی - شن یان، عملیات اپراتیو برزگی بود که از ۱۲ سپتامبر تا ۲ نوامبر سال ۱۹۴۸ بوسیله ارتش آزادیبخش توده ای شمال شرقی در مغرب استان لیائو و نین و در ناحیه شن یان - چان چون صورت گرفت. در آستان این عملیات اپراتیو نیروهای گومیندان در شمال شرقی مجموعاً شامل ۴ ارتش مرکب از ۱۴ سپاه یا ۴۴ لشکر میشد. این نیروها به سه ناحیه مجزا از یکدیگر عقب کشیده بودند: چان چون، شن یان و جین جو. ارتش آزادیبخش توده ای شمال شرقی برای نابود کردن کامل سپاهیان دشمن در همان شمال شرقی و آزاد ساختن سریع تمام این سرزمین پس از

آنکه نیروهای عمده خود را که مرکب از ۱۲ ستون و یک ستون توپخانه بودند، متمرکز ساخت و نیز سپاهیان محلی را جمع کرد (یعنی در مجموع ۵۳ لشکر یا بیش از ۷۰۰۰۰۰ سپاهی)، با پشتیبانی توده های وسیع مردم محلی در سپتامبر سال ۱۹۴۸ عملیات اپراتیو لیائو سی - شن یان را آغاز کرد. چین جو واقع در کنار خط آهن بی پین - لیائو نین گره استراتژیکی بود که شمال شرقی و شمال چین را بهم متصل میساخت. نیروهای دشمن در پادگان جین جو مشتمل میشد بر ۸ لشکر با بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر تحت فرماندهی فان هان جیه، معاون رئیس ستاد کل شمال شرقی گومیندان برای "سرکوب راهزنان". تسخیر جین جو کلید پیروزی در عملیات اپراتیو لیائو سی - شن یان بود. طبق دستورات رفیق مائو تسه دون، ارتش آزادیبخش توده ای شمال شرقی با یک ستون و ۷ لشکر مستقل به محاصره چان چون ادامه داد، ۶ ستون و یک ستون توپخانه و یک گردان تانک را برای محاصره جین جو و حمله بان بکار برد و ۲ ستون را در ناحیه تا شان گائو چیاو در جنوب غربی جین جو و حمله و ۳ ستون را در ناحیه حی شان، دا هو شان و جان او گماشت تا از کلیه کمک‌هائی که ممکن بود دشمن از طرف جین سی و حولو دائو و یا از طرف شن یان به جین جو بفرستد، جلوگیری کند. نبرد در ناحیه جین جو در تاریخ ۱۲ سپتامبر آغاز شد. در هنگامیکه ارتش ما پس از تسخیر ای سیان، حوالی جین جو را از وجود دشمن پاک میکرد، چانکایشک با عجله بشمال شرقی پرواز کرد تا شخصاً رهبری عملیات را بعهده بگیرد، با فوریت ۵ لشکر از ستاد کل شمال چین گومیندان برای "سرکوب راهزنان" که در خط بی پین - لیائو نین مستقر شده بود و نیز دو لشکر از شان دون بکمک آورد و این لشگرها با ۴ لشکر جین سی یعنی مجموعاً ۱۱ لشکر از دهم اکتبر بحملات شدیدی علیه مواضع ما در تاشان پرداختند ولی نتوانستند در خطوط ما شکافی ایجاد کنند. در این اثنا نهمین ارتش گومیندان بفرماندهی لیائو یائو سیان که ۱۱ لشکر ۳ تیپ سواره نظام داشت و از شن یان بکمک جین جو میرفت، در شمال شرقی حی شان و دا هوشان بوسیله قوای ما متوقف گردید. ارتش ما در ۱۴ اکتبر به هجوم بر جین جو پرداخت و پس از سی و یک ساعت نبرد شدید، نیروهای دشمن را بکلی نابود ساخت، فان هان جیه معاون ستاد کل شمال شرقی گومیندان برای "سرکوب راهزنان"، لوجیان چیاو، فرمانده ششمین ارتش و همچنین بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر از نیروهای آنها را باسارت گرفت. آزادی جین جو قسمتی از سپاهیان دشمن در چان چون را واداشت که قیام کنند و بما بپیوندند و بقیه تسلیم شوند. از آنموقع دیگر ناپودی کامل نیروهای گومیندان در شمال شرقی قطعی شد. اما چانکایشک که هنوز خیال پس گرفتن جین جو و برقراری ارتباطات میان شرقی و شمال چین را در سر می پروراند، به ارتش لیائو یائو سیان اکیداً فرمان داد که بحرکت بسوی جین جو ادامه دهد. ارتش آزادیبخش توده ای شمال شرقی پس از تسخیر جین جو بیدرنگ بسوی شمال شرقی از گشت و ارتش لیائو یائو سیان را در جناح شمال و جنوبی در حی شان و دا هو شان بمحاصره انداخت. ارتش آزادیبخش توده ای در ۲۶ اکتبر موفق شد که دشمن را در منطقه حی شان - دا هو شان - سین مین محاصره کند و قوای دشمن را پس از دو روز و یک شب نبردهای سخت بکلی نابود سازد و لیائو یائو سیان فرمانده ارتش دشمن، لی تائو، سیان فون او و جن تین جی فرماندهان سپاه و بیش از ۱۰۰۰۰۰ تن را اسیر نماید، ارتش ما با استفاده از این پیروزی بسرعت به تعقیب دشمن پرداخت و شن یان بین کو را در دوم نوامبر آزاد ساخت، بیش از ۱۴۹۰۰۰ تن از نیروهای دشمن را از میان برد. باین طریق تمام شمال شرقی آزاد شد. طی این عملیات اپراتیو مجموعاً بیش از ۴۷۰۰۰۰ نفر از نیروهای دشمن نابود شدند.

۲ مراجعه شود به «بخشنامه در باره وضع حاضر» یادداشت ۶، جلد حاضر.

۳ ت در اول نوامبر ۱۹۴۸ کمیسیون نظامی انقلابی کمیته مرکزی طبق تصمیمات متخذه در جلسه سپتامبر بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین ، نیروهای مسلح مناطق بزرگ استراتژیک را بواحد های صحرائی ، واحدهای محلی و واحد های پاتیزانی تقسیم بندی کرد . واحد های صحرائی بصورت ارتشهای صحرائی سازمان یافتند . یک ارتش صحرائی مرکب بود از چند ارتش . هر ارتش مرکب بود از چند سپاه (که در اصل ستون نامیده میشد) ، هر سپاه از چند لشگر ، هر لشگر از چند هنگ . ارتشهای صحرائی بر حسب منطقه اقامت خویش بنام های زیرین خواند میشدند : ارتش صحرائی شمال غربی ، ارتش صحرائی دشتهای مرکزی ، ارتش صحرائی چین شرقی ، ارتش صحرائی شمال شرقی و ارتش صحرائی چین شمالی ارتش آزادیبخش توده ای چین تعداد ارتشها ، سپاهیان و لشگر های هر ارتش صحرائی بر حسب شرایط خاص هر منطقه بزرگ استراتژیک تغییر میکرد . بعدها ارتش صحرائی شمال غربی و ارتش صحرائی یکم موسوم شد و مشتمل بر ۳ ارتش بود . ارتش صحرائی چین شرقی نام ارتش صحرائی چهارم موسوم گردید و مشتمل بر ۴ ارتش بود . سه ارتشی که ارتش صحرائی چین شمالی را مشتمل میدادند ، تحت فرماندهی مستقیم ستاد کل ارتش آزادیبخش توده ای چین قرار داشتند .

درباره تقویت سیستم کمیته حزبی

(۲۰ سپتامبر ۱۹۵۸)

سیستم کمیته حزبی سیستم حزبی مهمی است برای تضمین رهبری جمعی و جلوگیری از هر فردی که بخواهد رتق و فتق امور را به انحصار خود در آورد. اخیراً دیده شده است که در برخی از ارگانهای رهبری (البته نه در همه آنها) انحصار رتق و فتق امور و تصمیم گیری درباره مسائل مهم بوسیله یک فرد بصورت عادت در آمده است. مسائل مهم نه از طرف جلسات کمیته های حزبی، بلکه از طرف یک فرد حل میشوند. از عضویت در کمیته حزبی بجز نام چیز دیگری بجا نمانده است. اختلافات نظر میان اعضای کمیته حزبی نمیتواند از بین رود و مدتها همچنان لاینحل باقی میماند. در میان اعضای کمیته حزبی نه وحدت واقعی بلکه وحدت ظاهری وجود دارد. این وضع باید تغییر یابد. از این پس باید در تمام ارگانهای رهبری - از بوروی کمیته مرکزی گرفته تا کمیته های حزبی ولایتی، از کمیته های حزبی جبهه ها گرفته تا کمیته های حزبی تیپ ها و مناطق نظامی (سو کمیسیونهای کمیسیون نظامی انقلابی با گروه های رهبری)؛ و همچنین در گروه های رهبری حزبی ارگان های دولتی، سازمان های توده ای، خبر گزاریها و ادارات روزنامه ها - سیستم سالم برای برگزاری جلسات کمیته های حزبی معمول گردد. تمام مسائل مهم (البته نه مسائل کم اهمیت و ناچیز و یا مسائلی که در باره آنها پس از بحث در جلسات تصمیم گرفته شده و فقط باید اجرا شوند) باید برای بحث به کمیته ها ارجاع شوند و اعضای حاضر در کمیته ها باید نظرات خود را تماماً بیان کنند و به تصمیمات مشخص برسند تا آنکه سپس توسط اعضای مربوطه به مرحله اجرا در آید. عین همین روش باید از طرف کمیته های پائین تر از کمیته حزبی ولایتی و تیپها نیز بکار بسته شود. در ارگان های رهبری بالاتر نیز باید جلسات کادرهای رهبری شعبه ها (مثلاً شعبه تبلیغات و شعبه تشکیلات)، کمیسیون ها (مثلاً کمیسیون کار، کمیسیون زنان و کمیسیون جوانان)، مدارس حزبی، مؤسسات (مثلاً مؤسسات تحقیقی) تشکیل یابد. البته برای اینکه جلوی پیشرفت کار گرفته نشود، باید توجه کرد که جلسات بدرازا نکشند و یا زیاد

متن حاضر قرار است که از طرف رفیق مانو تسه دون برای کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تهیه و تدوین شده است.

تکرار نشوند و غرق در بحث راجع به مسایل جزئی نگردند. گذشته از این، در باره مسائل مهم و بغرنج، مسائلی که روی آنها اختلاف نظر موجود است، برای آنکه افراد خود در آن باره بیاندیشند، باید قبل از تشکیل جلسه بطور خصوصی مشورت شود تا اینکه تصمیمات جلسه بصورت فرمالیته در نیایند و یا تصمیم گرفتن در جلسه تعلیق بمحال نگردد. جلسات کمیته های حزبی بدو نوع تقسیم میشوند: جلسات کمیته دائمی و جلسات پلنوم که آنها را نباید با هم مخلوط کرد. بعلاوه باید توجه داشت تا بیش از اندازه نه بر رهبری جمعی بزبان مسؤلیت فردی و نه بمسؤلیت فردی بزبان رهبری جمعی تکیه شود. در ارتش شخصیتکه در مقام فرماندهی است، حق دارد هنگام نبرد و چنانچه موقعیت ایجاب نماید، تصمیمات فوری اتخاذ کند.

بخشنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین درباره جلسه سپتامبر

(۱۰ اکتبر ۱۹۴۸)

۱ - در سپتامبر ۱۹۴۸ بوروی سیاسی کمیته مرکزی جلسه ای تشکیل داد که در آن هفت عضو بوروی سیاسی ، چهارده عضو و کاندیدای عضویت کمیته مرکزی و ده نفر از رفقا که دارای مسؤولیت های مهمی بودند و از آنجمله رهبران عمده حزب و ارتش در شمال چین ، در شرق چین ، در جلگه های مرکزی و در شمال غربی چین شرکت جستند . این جلسه وسیعترین جلسه ای است که کمیته مرکزی از تاریخ تسلیم ژاپن تشکیل داده است . در این جلسه کار دوران گذشته مورد بررسی قرار گرفت و وظایف دوران آینده تعیین گردید .

۲- از زمان هفتمین کنگره کشوری حزب ، در آوریل ۱۹۴۵ ، کمیته مرکزی و کادر های رهبری در سراسر حزب بیشتر از دوران جنگ مقاومت علیه ژاپن از خود وحدت نشان داده اند . این وحدت بحزب ما امکان داد که در عرض سه سال تمامی که از تسلیم ژاپن میگذرد با حوادث مهم بسیاری چه در داخل کشور و چه در خارج از آن مقابله کند و در جریان این حوادث انقلاب چین را گام بزرگی پیش راند ، نفوذ سیاسی امپریالیسم آمریکا را در میان توده های وسیع مردم چین در هم شکند ، با خیانت تازه گومیندان (۱) بمقابله پردازد ، حملات نظامی او را دفع کند و ارتش آزادیبخش توده ای را در حالتی قرار دهد که از دفاع به تعرض بپردازد .

در جریان دو سال اخیر جنگ ، از ژوئیه ۱۹۴۶ تا ژوئن ۱۹۴۸ ارتش آزادیبخش توده ای تلفاتی بالغ بر ۲۴۶۰۰۰۰ نفر بدشمن وارد آورده که ۶۳۰۰۰۰ نفر از آنها اسیر شده اند . غنایم جنگی ظرف این دو سال بطور عمده عبارتند از قریب ۹۰۰۰۰۰ تفنگ ، بیش از ۶۴۰۰۰۰ مسلسل سنگین و سبک ، ۸۰۰۰ عدد توپ سبک ، ۵۰۰۰۰ عدد توپ پیاده نظام و ۱۱۰۰ توپ سنگین کوهستانی و صحرائی . در همین دوره نفرات ارتش آزادیبخش توده ای از ۱۲۰۰۰۰۰۰ نفر به ۲۸۰۰۰۰۰۰ نفر افزایش یافته است . سپاهیان منظم ما از ۱۱۸ تیپ به ۱۷۶ تیپ یعنی از ۶۱۰۰۰۰ نفر به ۱۴۹۰۰۰۰ نفر رسیده است ؛ وسعت مناطق آزاد شده اکنون به ۲۳۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع بالغ میگردد یعنی ۲۴/۵ در صد مساحت کل چین که ۹۵۹۷۰۰۰ کیلومتر مربع است ؛ جمعیت این مناطق ۱۶۸

میلیون نفر است یعنی ۳/۳۵ در صد جمعیت کل کشور که ۴۷۹ میلیون است ؛ این مناطق شامل ۵۸۶ شهر بزرگ و متوسط و کوچک (مراکز شهرستان و بالاتر) است یعنی ۲۹ در صد از ۲۰۰۹ شهری که در کشور وجود دارد .

از آنجای که حزب ما با قاطعیت دهقانان را در راه رفورم سیستم ارضی رهبری نمود ، در مناطق که سکنه آنها در حدود صد میلیون نفر میباشد مسئله ارضی بطور کامل حل شده و زمین های مالکین ارضی و دهقانان مرفه از نوع قدیم تقریباً به تساوی میان سکنه روستا و در و هله اول میان دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی تقسیم گردیده است .

تعداد اعضای حزب ما که در مه سال ۱۹۴۵ ۱۲۱۰۰۰۰ نفر بود اکنون به ۳۰۰۰۰۰۰ نفر بالغ گردیده است (در ۱۹۲۷) پیش از آنکه گومیندان به انقلاب خیانت ورزد تعداد آنها ۵۰۰۰۰ نفر بود . در همین سال ، پس از خیانت گومیندان این تعداد تقریباً تا ۱۰۰۰۰ نفر کاهش یافت ؛ در ۱۹۳۴ در نتیجه بسط موفقیت آمیز انقلاب ارضی این تعداد تا ۳۰۰۰۰۰ نفر بالا رفت ؛ در ۱۹۳۷ بر اثر شکست انقلاب در جنوب (۲) تقریباً تا ۴۰۰۰۰ نفر پائین آمد ؛ در ۱۹۴۵ بدنبال موفقیت‌هایی که در جنگ مقاومت علیه ژاپن بدست آمد این تعداد تا ۱۲۱۰۰۰۰ نفر افزایش یافت و اکنون که جنگ علیه چانکایسک و انقلاب ارضی با موفقیت پیش میرود به سه میلیون بالغ گردیده است) . از یکسو حزب طی یک سال اخیر بطور اساسی بر پدیده های ناسالمی که تا حدودی در صفوف آن دیده میشد مانند آلودگی در ترکیب طبقات (نفوذ مالکین ارضی و دهقانان مرفه) ، آلودگی در ایدئولوژی (ایدئولوژی مالکین ارضی و دهقانان مرفه) و آلودگی در اسلوب کار (بوروکراتیسم و دستور دهی) غلبه کرده و همچنان غلبه میکند و از سوی دیگر حزب طی همین مدت بر برخی اشتباهات " چپ " غلبه کرده و همچنان غلبه میکند . این اشتباهات در جریان مبارزه توده های دهقانی که در مقیاسی وسیع بخاطر حل مسئله ارضی بسیج شده بود پدید آمده بود و عبارت بود از پایمال کردن قسمی و مکرر منافع دهقانان میانه حال ، وارد آوردن خسارت در بعضی

بخشنامه حزبی نگارش رفیق مائو تسه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین . جلسه سپتامبر ۱۹۴۸ در دهکده سی بای پوه از شهرستان پین شان واقع در استان حه به تشکیل گردید . از زمان تسلیم ژاپن ، این جلسه کمیته مرکزی وسیعترین جلسه بود . قبلاً ممکن نبود جلساتی با شرکت تعدادی وسیعی از اعضاء ترتیب داد ، باین علت که اغلب اعضای کمیته مرکزی ، در مناطق مختلف آزاد شده پراکنده بودند و در این مناطق جنگ آزادیبخش را که در آنموقع بشدت جریات داشت رهبری مینمودند ، ارتباطات نیز فوق العاده دشوار بود .

از مؤسسات صنعتی و تجارتي خصوصی و در بعضی نقاط تجاوز از حدود سیاست حزب در زمینه سرکوب ضد انقلاب . مبارزات انقلابی عظیم و پرشوری که ظرف سه سال و بویژه از یک سال پیش جریان یافته همراه با اصلاح اشتباهات ما ، پختگی سیاسی را در سراسر حزب ما بمقیاس وسیعی افزایش داده است .

کار حزب در مناطق گومیندان با موفقیت های فراوانی روبرو گردیده است . این امر از اینجا مشهود است که ما در شهر های بزرگ توده های وسیع کارگران ، دانشجویان ، آموزگاران ، استادان ، کارمندان فرهنگی و اهالی شهر نشین و سرمایه داران ملی و همچنین مجموعه احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده ای را به سوی خود جلب کرده ایم و از اینراه توانستیم در برابر فشار و اختناق گومیندان ایستادگی کنیم و او را کاملاً منفرد سازم . در چندین منطقه وسیع جنوب (مناطق مرزی فوجیان - گوان دون - جیان سی و حوانان - گوان دون - جیان سی ، گوان دون - کوان سی ، کوان سی - یون نان جنوب یون نان ، منطقه مرزی این هوی - جه جیان - جیان سی و همچنین مشرق و جنوب جه جیان) پایگاه های جنگ پابیتزانی برقرار گردیده و نفرات نیروهای پاتیزانی به بیش از سی هزار نفر افزایش یافته است .

طی دو سال اخیر و بخصوص طی سال گذشته ما در ارتش آزادیبخش توده ای یک جنبش دموکراتیک با ترتیب منظم و با رهبری مناسب ایجاد کردیم که تمام جنگجویان و فرماندهان در آن شرکت جستند . در این جنبش ما انتقاد از خود را بسط دادیم ، بر بوروکراتیسم در ارتش غلبه کردیم و همچنان غلبه میکنیم ؛ ما سیستم کمیته حزبی را در مدارج مختلف ارتش و سیستم کمیته سربازان را در گروهان ها که هر دو از ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۳ نتایج نیکوئی بخشیده و بعداً منحل شده بودند برقرار نمودیم . اینها همه شور شوق و سطح آگاهی سیاسی فرماندهان و جنگجویان را بسیار بالا برد . قدرت نبرد و روح انضباط را در آنان تقویت کرد و بما کمک کرد که قریب ۸۰۰۰۰۰ سرباز گومیندان را که اسیر شده بودند بصوف خود جلب کنیم و آنها را به جنگجویان آزاد شده ای (۳) که سلاح خود را علیه گومیندان برگرداندند تادیل کنیم . طی دوسال اخیر در مناطق آزاد شده ما از میان دهقانانی که زمین دریافت کرده اند قریب ۱۶۰۰۰۰۰ نفر را برای ورود در ارتش آزادیبخش توده ای بسیج کردیم . ما هم اکنون تعداد نسبتاً زیادی راه آهن ، معادن و صنایع داریم و حزب ما برای آنکه اداره صنایع بازرگانی را بیاموزد فعالیت بسیاری بخرج میدهند . طی دوسال اخیر صنایع جنگی ما بطور وسیع رشد کرده ولی هوز قادر نیست به مطالعات جنگ پاسخ گوید . ما فاقد بعضی مواد اولیه و ماشین های مهم هستیم و عملاً هنوز نمیتوانیم فولاد تهیه کنیم .

در چین شمالی، در مناطق که سکنه آن به ۴۴ میلیون میرسد ما دولت توده ای متحدی برقرار کردیم که در آن حزب ما با دموکراتها در خارج از حزب همکاری میکند. برای تسهیل پشتیبانی از جبهه ما تصمیم گرفتیم به این دولت مأموریت دهیم که رهبری و اداره اقتصاد، دارائی، بازرگانی، بانک ها، ارتباطات و صنایع جنگی را در سه منطقه چین شمالی و چین شرقی (با ۴۳ میلیون سکنه) و چین شمال غربی (با ۷ میلیون سکنه) توحید بخشد و ما فکر میکنیم در آینده نزدیکی این توحید را بدو منطقه دیگر یعنی منطقه شمال شرقی و منطقه جلگه های مرکزی گسترش دهیم.

۳ - در پرتو موفقیت‌های ما در نبردهای دوسال اخیر و وضع عمومی ما و دشمن، جلسه بوروی سیاسی بر آن بود که در حدود پنج سال (از ژوئیه ۱۹۴۶) کاملاً ممکن است یک ارتش آزادیبخش توده ای پنج میلیون نفری بوجود آورد، مجموعاً قریب ۵۰۰ تیپ (یا لشکر) از سپاهیان منظم دشمن را (بطور متوسط تقریباً یکصد تیپ در سال) نابود ساخت، تلفاتی در حدود ۷۵۰۰۰۰۰ نفر به نیروهای منظم و غیر منظم و یواحد های مخصوص (بطور متوسط تقریباً ۱۵۰۰۰۰۰ نفر در سال) وارد آورد و سلطه ارتجاعی گومیندان را در اساس آن سرنگون کرد.

نیروی نظامی گومیندان در ژوئیه ۱۹۴۶ برابر ۴۳۰۰۰۰۰ نفر بود. در جریان دو سال اخیر ۳۰۹۰۰۰۰ تن از سربازان آن از صحنه نبرد خارج گردیده یا فراری شده اند، در حالی که ۲۴۴۰۰۰۰ سرباز جدید بخدمت گرفته است. بنابر این نیروی کنونی آن ۳۶۵۰۰۰۰ نفر است. پیش بینی میشود که ظرف سه سال آینده گومیندان خواهد توانست سه میلیون نفر دیگر را بخدمت سربازی در آورد و احتمالاً در حدود ۴۵۰۰۰۰۰ نفر از صحنه نبرد خارج خواهند شد و یا فراری خواهند گردید. بدین ترتیب پس از پنج سال جنگ برای نیروی نظامی گومیندان احتمالاً بیش از دو میلیون نفر باقی نخواهد ماند. ارتش ما اکنون مرکب از ۲۸۰۰۰۰۰ نفر است. در سه سال آینده ما در نظر داریم ۱۷۰۰۰۰۰ تن اسیر را تخمیناً ۶۰ درصد مجموع اسیرانی که ما خواهیم گرفت) به نیروهای خود ملحق سازیم و دو میلیون دهقان را برای ورود در ارتش بیسج نمائیم. با در نظر گرفتن تلفات، ارتش ما پی از پنج سال نبرد احتمالاً نزدیک به پنج میلیون نفر خواهد بود. چنانچه پنج سال نبرد چنین نتایج ببار آورد، آنگاه میتوان گفت که ما سلطه ارتجاعی گومیندان را در اساس خود واژگون نموده ایم.

ما باید برای انجام این وظیفه هر سال در حدود یکصد تیپ (یا لشکر ۹ از سپاهیان منظم دشمن را نابود سازیم که ظرف پنج سال مجموعاً قریب پانصد تیپ (لشکر) میشود. این است کلید حل تمام مسائل چون که سپاهیان منظم دشمن که

ما نبود کرده ایم از لحاظ نفرات در سال اول جنگ برابر ۹۷ تیپ (بالشگر) و در سال دوم برابر ۹۴ تیپ (یا لشگر) است ما میتوانیم به مقصد خود برسیم و حتی آنرا پشت سر گذاریم. از مجموع نیروهای نظامی کنونی گومیندان که ۳۶۵۰۰۰۰ تن است هفتاد در صد آن در جبهه مقدم است (در شمال خطی که رود خانه یان تسه با کوه های باشان تشکیل میدهد، در مشرق خط لان جو و کوه های حه لان و در جنوب خط چن دو - چان چون) و فقط قریب سی در صد آن در پست جبهه میباشد (از آنجمله خطی که رود خانه یان تسه با کوه های باشان تشکیل میدهد و در مغرب خط لان جو و کوه های حه لان) و از مجموع نیروهای منظم کنونی گومیندان که ۲۸۵ تیپ و یا ۱۹۸۰۰۰۰ نفر است ۲۴۹ تیپ یا ۱۷۴۲۰۰۰ نفر در جبهه مقدم اند (۹۹ تیپ یا ۶۹۴۰۰۰ نفر در جبهه شمال، ۱۵۰ تیپ یا ۱۰۴۸۰۰۰ نفر در جبهه جنوب) و فقط ۳۶ تیپ یا ۲۳۸۰۰۰ نفر در پشت جبهه اند. و اینها غالباً سپاهییانی هستند که بتازگی تشکیل شده اند و قدرت نبرد آنها ناچیز است. از اینرو کمیته مرکزی تصمیم گرفته است که تمام ارتش آزادبخش توده ای، طی سال دوم، در شمال رود خانه یان تسه و در شمال و شمال شرقی چین به عملیات خود ادامه دهد. برای انجام وظیفه خود یعنی نابود کردن دشمن علاوه برآنکه باید سکنه مناطق آزاد شده را بطور منظم و به اندازه لازم برای ورود به ارتش بسیج نمود لازم است از سربازان اسیر به تعداد زیاد استفاده کرد.

۴ - بعلت اینکه حزب ما ارتش ما مدتی طولانی در وضعی قرار داشت که دشمن میان ما جدائی افکند بود و ما در مناطق روستائی بودیم و جنگ پاتیزانی میکردیم، ما به ارگانهای رهبری حزبی و ارتش در مناطق مختلف خود مختاری وسیعی دادیم و این امر به سازمانهای حزبی و نیروهای مسلح امکان داد که ابتکار و شور شوق خود را بکار اندازند و دورانهای طولانی مشکلات حاد را از سر بگذارانند. اما در عین حال این امر موجب پیدایش بعضی تظاهرات بی انضباطی، هرج و مرج طلبی، محلی گری و روحیه پاتیزانی گردید که زیانمند به امر انقلاب بود. وضع کنونی ایجاب میکند که حزب ما تمام امکانات خود را برای برانداختن این پدیده ها بکار اندازه، تمام قدرتی را که ممکن است و باید تمرکز یابد در دست کمیته مرکزی و ارگانهای نمایندگان آن متمرکز سازد و انتقال از جنگ پاتیزانی بجنگ منظم را عملی نمایند، طی دو سال اخیر، ارتش و عملیات جنگی آن خصلت منظم تری یافته اند؛ اما این هنوز کافی نیست و در جریان سال سوم باید گام بزرگ جدیدی در این راه برداشته شود. بدین منظور ما باید همه امکانات خود را بکار بریم برای آنکه وسائل ارتباطات جدید مانند

خطوط آهن ، جاده ها ، کشتی های بخار را ترمیم کرده بکار اندازیم ، اداره شهر ها و اداره صنایع را تقویت کنیم تا بتدریج مرکز کار خود را از روستا به شهر انتقال دهیم .

۵ - وظیفه تصرف قدرت در سراسر کشور ایجاب میکند که حزب ما سریعاً و بطور منظم عده زیادی کادر تربیت کند که قادر باشند اداره امور نظامی ، سیاسی و اقتصادی و همچنین امور حزب ، فرهنگ و آموزش را در دست گیرند . در جریان سومین سال جنگ ما باید سی یا چهل هزار کادر ردیف پائین ، متوسط و بالا آماده داشته باشیم تا در جریان چهارمین سال جنگ آنها بتوانند هنگامی که ارتش پیشروی میکند همراه با آن پیش روند و مناطق آزاد شده جدید را که پنجاه تا صد میلیون سکنه دارند با نظم و ترتیب اداره کنند . چین دارای سرزمین وسیع و جمعیت کثیری است و جنگ انقلابی با سرعت زیادی گسترش مییابد ؛ اما ذخیره کادر ما بسیار ناکافی است ، این خود مشکل بسیار بزرگی است . برای تهیه کادر در جریان سومین سال جنگ باید اکثریت کادر ها را از مناطق آزاد شده قدیم بیرون کشید و در عین حال کادر هائی نیز از شهر های بزرگ زیر کنترل گومیندان بدست آورد . در شهر های بزرگ مناطق گومیندان کارگران و روشنفکران بسیاری هستند که میتوانند در کار ما شرکت کنند و سطح فرهنگی آنان بطور کلی بالاتر از سطح فرهنگی کارگران و دهقانان مناطق آزاد شده قدیم است . بااستثنای عناصر مرتجع ما باید به تعداد زیاد از آنهائی که در ارگانهای اقتصادی ، مالی ، فرهنگی و آموزشی گومیندان کار میکنند استفاده کنیم . در مناطق آزاد شده باید تحصیل در مدارس را برقرار کرد و توسعه داد .

۶ - شعار دعوت کنفرانس مشورتی سیاسی (۴) ، تمام احزاب دموکراتیک ، تمام سازمانهای توده ای و تمام دموکراتهای بی حزب مناطق گومیندان را در پیرامون حزب ما گرد آورده است . ما در حال اتخاذ ترتیباتی هستیم برای آنکه نمایندگان این احزاب و سازمانها بتوانند به مناطق آزاد شده بیایند ، ما در تدارک آن هستیم که در ۱۹۴۹ بمنظور تشکیل حکومت مرکزی موقت جمهوری توده ای چین کنفرانسی از نمایندگان تمام احزاب دموکراتیک ، تمام سازمانهای توده ای و دموکراتهای بی حزب دعوت کنیم .

۷ - در کوششی که ما بخاطر پشتیبانی از جنگ و غلبه بر مرتجعان گومیندان بعمل میآوریم ، احیاء و رشد تولید صنعتی و کشاورزی در مناطق آزاد شده حلقه مهمی را تشکیل میدهد . جلسه بوروی سیاسی بر آن بود که از یکسوارتش آزادبخش توده ای باید تعرض پیروزمندانه خود را در مناطق گومیندان بسط دهد و از ارتش ها و مناطق گومیندان منابع مهم مادی و انسانی لازم را برای ادامه جنگ

بدهست آورد و از سوی دیگر تمام مساعی باید بکار افتد تا در مناطق آزاد شده قدیم تولید صنعتی و کشاورزی احیاء شود و رشد کند و سطح آن اندکی بالا رود. تنها پس از انجام وظایف خود در این دو زمینه ما میتوانیم مطمئن باشیم که سلطه ارتجاعی گومیندان را سرنگون خواهیم نمود؛ در غیر اینصورت این کار ممکن نخواهد بود.

ما در انجام این وظایف به مشکلات بسیاری برخورد خواهیم کرد. هنگامی که ارتش های ما بدون آنکه بتوانند بر پشت جبهه یا پشت جبهه کافی تکیه کنند، در مناطق گومیندان عملیات خواهد پرداخت، آنها باید تمام قسمت بزرگی از احتیاجات خود را از محل مرتفع بسازند. ضمناً احیاء و رشد تولید صنعتی و کشاورزی مستلزم کار سازمانی صحیح، رهبری صحیح بازار در مناطق آزاد شده، نظارت بر بازرگانی با مناطق خارجی، حل مسائل ناشی از کمبود برخی ماشین ها و مواد اولیه و در درجه اول حل مسائل راجع به ارتباطات و حمل و نقل و ترمیم خطوط آهن، جاده و راه های رود خانه ای است. اکنون در وضع اقتصادی و مالی مناطق آزاد شده مشکلات بزرگی وجود دارد. این مشکلات بر مراتب از مشکلات گومیندان کوچکترند ولی در هر حال وجود دارند. این دشواریها بطور عمده ناشی از اینست که منابع انسانی و مادی ما تکافوی احتیاجات جنگ را نمیکند و بویژه در زمینه اقتصادی و مالی نیز از علل این مشکلات است. ما برآنیم که همه این مشکلات میتوان و باید غلبه کرد. بدین منظور ما باید با اسراف مبارزه کنیم و رژیم اقتصادی سختی برقرار نماییم. در جبهه ما باید مراقب باشیم که هر غنیمتی بمقامات رسمی تسلیم شود، ما باید در استفاده از نیروهای فعال خود زیاده روی نکنیم، از اسلحه بخوبی مواظبت نماییم، از اسراف در مهمات و بدرفتاری با اسیران بپرهیزیم. در پشت جبهه ما باید مخارج ادارات را تقلیل دهیم، در جائی که ضرورت مبرم نیست کمتر به بسیج کارگر و نیروی حیوانی بپردازیم. از وقت جلسات بکاهیم، فصول کشاورزی را از نظر دور نداریم تا کار در مزارع بموقع انجام گیرد. هزینه تولید صنعتی را کاهش دهیم، بازده کار را بالا ببریم، تمام حزب را بسیج کنیم تا اداره تولید صنعتی و کشاورزی را بیاموزد و کار بازرگانی را فراگیرد، کوشش فراوانی بکار بریم تا اقتصاد مناطق آزاد شده را بدرستی سازمان دهیم، بر هرج و مرج بازار غلبه کنیم و علیه محتکرین و قاچاقچیان بمبارزه لازم دست بزنیم. اگر جداً به انجام این وظایف کمر بر بندیم ما یقیناً خواهیم توانست بر مشکلات خود فائق آئیم.

۸ - ارتقاء سطح تنوریک کادر ها و بسط دموکراسی در حزب از حلقه های مهم انجام وظایف فوق الذکر است. جلسه بوروی سیاسی در باره بسط دموکراسی در حزب قطعنامه مخصوصی (۹۵) تصویب کرده است. این جلسه مسئله ارتقا سطح

تئوریک کادر ها را مورد بحث قرار داده و توجه تمام رفقای حاضر را به این مسئله جلب کرده است .

۹ - ششمین کنگره ملی کار با موفقیت جریان یافت و فدراسیون سندیکا های چین تأسیس گردید (۶) . در نیمه اول سال آینده کنگره ملی زنان دعوت خواهد شد تا فدراسیون ملی زنان دموکرات چین (۷) را بنا گذارد و کنگره ملی جوانان دعوت خواهد شد تا فدراسیون ملی جوانان چین (۸) را تشکیل دهد و سازمان جوانان دموکراسی نوین (۹) تأسیس خواهد شد .

یادداشتها

۱- اولین خیانت گومیندان در ۱۹۲۷ صورت گرفت منظور از « خیانت تازه » در اینجا جنگ داخلی ضد انقلابی است که گومیندان پس از پایان جنگ مقاومت علیه ژاپن در مقیاس ملی براه انداخت .
۲ - منظور شکست ارتش سرخ چین در مبارزه اش علیه پنجمین پیکار « محاصره و سرکوب گومیندان است ، شکستی که موجب گردید عمده قوای ما در ۱۹۳۴ از پایگاه های انقلابی جنوب عقب نشینی کند . این شکست نتیجه خط مشی انحرافی " چپ " بود که برای سومین بار در حزب بروز میکرد و نماینده آن وان مین بود .

۳ - منظور سربازان گومیندان است که توسط ارتش آزادیبخش توده ای اسیر و سپس آزاد شدند . آنها پس از آنکه پرورش سیاسی یافتند بصوف این ارتش پیوستند .

۴ - شعار دعوت کنفرانس مشورتی سیاسی از طرف رفیق مائو تسه دون به پیش کشیده شد . به پیشنهاد او یکی از « شعار های اول ماه مه » کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در ۱۹۴۸ چنین بود :
" بگذار تمام احزاب دموکراتیک و تمام سازمانهای توده ای و شخصیت های سرشناس ، هر چه زود تر یک کنفرانس مشورتی سیاسی ترتیب دهند ، و در باره دعوت یک کنفرانس نمایندگان خلق و تشکیل یک دولت ائتلاف دموکراتیک به بحث پردازند و آنرا عملی سازند . " این شعار فوراً در نزد احزاب دموکراتیک ، سازمان های توده ای و دموکراتهای غیر حزبی مناطق تحت کنترل گومیندان بگرمی انعکاس یافت . کنفرانس سیاسی بعداً بنام کنفرانس مشورتی سیاسی جدید و سپس بنام کنفرانس مشورتی سیاسی خلق چین نامیده شد . رجوع شود به « سخنرانی در جلسه کمیته تدارک کنفرانس سیاسی مشورتی جدید » یادداشت ۱ ، همین جلد .

۵ - منظور « قطعنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در باره دعوت کنگره های و کنفرانس های حزب در مدارج مختلف » است . این قطعنامه برای استقرار و رشد زندگی دموکراتیک عادی در درون حزب مراتب زیر را مقرر میداشت : کمیته های حزبی در مدارج مختلف باید کنگره ها و کنفرانس های مدارج مربوط خود را آنطور که اساسنامه حزب طلب میکند منظمأ تشکیل دهند . این کنگره ها و کنفرانسها باید از تمام اختیاراتی که در اساسنامه حزب پیش بینی شده برخوردار باشند . نقض این اختیارات بهیچوجه مجاز نیست . جلسات باید از پیش بخوبی تدارک شوند و گزارش مباحثات درون حزب باید فوراً و مطابق با واقع برای ارگان مافوق ارسال گردد ؛ مباحثات مهم باید به کمیته مرکزی گزارش شود . بعلاوه ده قطعنامه تصمیماتی نیز بسود تقویت سیستم کمیته حزبی اتخاذ گردیده و

مطالبه میشود که کمیته های حزب در تمام مدارج از سیستمی پیروی کنند که بنابر آن در مسائل مهم باید بطور جمعی و پس از بحث در کمیته حزبی تصمیم اتخاذ شود؛ در باره یک مسئله مهم از طرف یک فرد هیچ تصمیمی اتخاذ نمیشود؛ نباید بر روی رهبری جمعی یا مسئولیت فردی یکی بزبان دیگری بیش از اندازه تکیه شود.

۶ - ششمین کنگره ملی کار در اوت ۱۹۴۸ در حاربین تشکیل شد. در این کنگره فدراسیون سندیکا های چین، سازمان ملی متحد طبقه کارگر چین احیاء گردید. پنج کنگره سابق کار بترتیب در ۱۹۲۲، ۱۹۲۵، ۱۹۲۶، ۱۹۲۷، ۱۹۲۹ برگزار شده بود.

۷ - نخستین کنگره ملی زنان در مارس ۱۹۴۹ در بی پین تشکیل شد. در این کنگره فدراسیون ملی زنان دموکرات چین، ارگان رهبری سازمانهای زنان در سراسر کشور تأسیس گردید. این فدراسیون بعداً بنام فدراسیون ملی زنان جمهوری توده ای چین نامیده شد.

۸ - نخستین دوره اجلاسیه کنگره جوانان در مه ۱۹۴۹ در بی پین تشکیل شد. فدراسیون ملی جوانان دموکراتیک چین در این دوره اجلاسیه تأسیس گردید و بعداً بنام فدراسیون ملی جوانان چین نامیده شد.

۹ - سازمان جوانان دموکراسی نوین در ژانویه ۱۹۴۹ بر طبق تصمیم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تأسیس شد، نخستین کنگره خود را در آوریل ۱۹۴۹ در بی پین تشکیل داد. این سازمان در سومین کنگره خود در ۱۹۵۷ بنام سازمان جوانان کمونیست چین نامیده شد.

رهنمود هائی

برای عملیات اپراتیو حوای های

(۱۱ اکتبر ۱۹۴۸)

راجع به اقداماتی که باید در عملیات اپراتیو حوای های (۱) بعمل آید ، چند نکته زیرین را بتوجه شما میرسانیم :

۱ - وظیفه مرکزی مرحله اول این عملیات عبارتست از تمرکز قوا بخاطر نابود ساختن ارتش حوان بوه تائو ، ایجاد شکافی در مرکز و تسخیر سین ان جن ، ایستگاه راه آهن یون هه ، تسائو باجی ، ای سیان ، زائو جوان ، لین چن ، حن جوان ، شویان ، پسی سیان ، تن چن ، تایلجوان و لین ای . بمنظور نیل باین هدف باید برای نابود ساختن هر لشگر دشمن ۲ ستون بکار انداخت ، یعنی مجموعاً باید از ۶ تا ۷ ستون برای تجربه و نابود ساختن لشگر های ۲۵ ، ۶۳ و ۶۴ دشمن استفاده کرد . باید ۵ تا ۶ ستون برای متوقف کردن و درهم کوبیدن نیروهای امدادی دشمن بکار انداخت . باید ۱ تا ۲ ستون برای نابود ساختن یک تیپ لی می در منطقه لین چن - حن جوان بکار انداخت و برای اشغال این دو شهر کوشید و سیو جو را از سمت شما مورد تهدید قرار داد ، تاآنکه ارتشهای چيو چینگ چيوان ولی می جرأت نکنند با تمام نفرات خود بعنوان نیروی امدادی بطرف شرق حرکت کنند . باید با یک ستون باضافه واحد های محلی در جنوب غربی شان دون به بخش راه آهن سیو جو شان چيو ، به حمله جناحی پرداخت تا قسمتی از ارتش چيو چینگ چيوان را میخکوب کرد (از آنجا که ۳ لشگر تحت فرماندهی سون یوان لیان آماده حرکت بسوی مشرق اند ، امید است که لیوه بوه چن ، چن ای و دن سیائوین بیدرنگ واحد های خویش را آرایش داده و به خط جن جو - سیو جو حمله ور گردند تا ارتش سون یوان لیان را در آنجا میخکوب

این تلگراف خطاب به ارتشهای صحرایی چین شرقی و دستهای مرکزی و همچنین خطاب به بوروهای کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در این دو منطقه از طرف رفیق مانوتسه دون بنام کیسیون نظامی انقلابی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین تنظیم شده است . عملیات اپراتیو حوای های یکی از سه بزرگترین عملیات قطعی در جنگ آزادیبخش توده ای چین بود . این عملیات بوسیله ارتشهای صحرایی چین شرقی و دشتهای مرکزی و واحدهای محلی این دو منطقه متفقاً صورت گرفت . گویندگان طی این عملیات مجموعاً بیش از ۵۵۵۰۰۰ نفر تلفات داد . رهنمود هائی که بوسیله رفیق مانوتسه دون در این تلگراف مطرح شده است ، بموفقیت کامل انجامید . عملیات مذکور در شرایطی

کنند). باید تا ۲ ستون برای عملیات در منطقه سو چیان - سوی نین - لین یی بکار انداخت تا ارتش لی می را میخکوب نمایند. این آرایش قوا بآن معنی است که پیش از رسیدن بهدف خویش یعنی نابود ساختن ۳ لشکر از ارتش حوان بوه تائو باید بیش از نیمی از نفرات خود را برای میخکوب کردن، متوقف کردن و نابود ساختن قسمتی از ارتشهای تحت فرماندهی چيو چینگ چيوان ولی می بکار اندازیم. این آرایش قوا در خطوط کلی خود همانند آرایشی است که هدفش تسخیر جی نان و درهم کوبیدن نیروهای امدادی دشمن بود (۲) و در ماه سپتامبر صورت گرفت. در غیر اینصورت نمیتوان ۳ لشکر از ارتش جوان بوه تائو را نابود ساخت. باید کوشید که این مرحله اول دو سه هفته بعد از آغاز عملیات پایان یابد.

۲- طی مرحله دوم باید تقریباً ۵ ستون برای حمله کردن و نابود ساختن دشمن در نواحی حای جو، سین بو، لیان یئن گان و گوان بون، و گرفتن این شهرها بکار انداخت. میتوان پیش بینی کرد که در این مرحله لشگرهای ۵۴ و ۳۲ دشمن مستقر در چینگ دائو، با احتمال قوی از راه دریا بمنطقه حای جو - سین پو - لیان یون گان آورده شوند (۳). باین طریق در این منطقه مجموعاً ۳ لشگر دشمن وجود خواهد داشت که یکی از آنها هم اکنون در آنجا مستقر است. از اینجهت ما باید ۵ ستون را برای حمله بر آنها بکار اندازیم و بقیه نیروهای خویش (نیروهای عمده خویش) را برای میخکوب کردن ارتشهای تحت فرماندهی چيو چینگ چيوان ولی می مورد استفاده قرار دهیم و در این حال نیز برحسب همان اصل آرایش قوا که ماه سپتامبر برای تسخیر جی نان و درهم کوبیدن نیروهای امدادی دشمن بکار رفت، عمل کنیم. باید کوشید که این مرحله نیز در عرض دو سه هفته پایان یابد.

۳ - طی مرحله سوم میتوان پیش بینی کرد که نبرد در اطراف حوای یین و حوای ان صورت گیرد. تا آنموقع به نفرات دشمن تقریباً یک لشگر (لشگر ۸ تجدید سازمان یافته ازین تای بسوی جنوب رهسپار است) اضافه خواهد شد. پس ما نیز باید آماده باشیم که تقریباً ۵ ستون در حمله بکار اندازیم و بقیه نیروهای عمده خود را برای درهم کوبیدن و میخکوب کردن نیروهای امدادی دشمن مورد استفاده قرار دهیم. این مرحله نیز تقریباً دو سه هفته وقت خواهد گرفت.

مساعدهتر از آنچه پیش بینی میشد، جریان یافت و بالنتیجه پیروزی از آنچه پیش بینی شده بود، بزرگتر گردید و سریعتر بدست آمد. این عملیات، نانکن، پایتخت دولت ارتجاعی گومیندان در معرض تهدید مستقیم ارتش آزادیبخش توده ای قرار گرفت. عملیات اپراتیو هوای های روز ۱۰ ژانویه ۱۹۴۹ پایان پذیرفت و ۲۱ ژانویه چنکایشک اعلام داشت که "باز نشسته میشود". از این بعد دار و دسته ارتجاعی گومیندان در نانکن گرفتاری تلاشی کامل گردید.

هر سه مرحله مجموعاً قریب یک ماه و نیم تا دو ماه طول خواهد کشید .

۴ - شما باید عملیات اپراتیو حوای های را در عرض دو ماه یعنی در ماههای نوامبر و دسامبر بپایان برسانید ، سپاهیان خود را در ژانویه آینده استراحت بدهید و تقویت کنید . از ماه مارس تا ژوئیه باید باتفاق لیو بوه چن و دن سیائو پین به نبرد بپردازید تا آنکه دشمن را بنقاطی که در طول ساحل مقابل رودخانه یان تسه قرار دارد بعقب برانید و او را که در آنجا موضع خواهد گرفت بحالت دفاع ببندازید . احتمال می رود که در پائیز آینده نیروهای عمده شما برای عبور از رود خانه یان تسه بجنگ بپردازند .

یادداشتها

۱ - عملیات اپراتیو حوای های یکی از عملیات قطعی ارتش آزادیبخش توده ای بود این عملیات در سرزمینهای پهناوری صورت گرفت که مرکز آن در سیوجو بوده و از حای جو در مشرق تا شان چپو در مغرب و از لین چن (که نام کنونی اش سیوچن است) در شمال تا رود خانه حوای در جنوب گسترده شده است . نیروهای گومیندان که در این صحنه عملیات متمرکز شده بود ، شامل میشد بر ۵ ارتش و واحد های سه منطقه استقرار آرامش ، یعنی ۴ ارتش و واحد های سه منطقه استقرار آرامش تحت فرماندهی لیو جی و دو یو مین که بترتیب رئیس و معاون رئیس ستادکل گومیندان برای "سرکوب راهزنان " در سیو جو بودند ، و ارتش حوان وی که بعداً از چین مرکزی بکمک آنها آمد . ارتش آزادیبخش توده ای که بیش از ۶۰۰۰۰ تن در این عملیات بکار انداخت ، شامل واحد های زیر بود : ۱۶ ستون از ارتش صحرائی چین شرقی ، ۷ ستون از ارتش صحرائی دشتهای مرکزی و واحد های محلی منطقه نظامی چین شرقی ، منطقه نظامی دشتهای مرکزی و منطقه نظامی حه به - شان دون - حه نان (که در آنموقع جزء منطقه نظامی چین شمالی بود) . این عملیات شصت و پنج روز یعنی از ۶ نوامبر ۱۹۴۸ تا ۱۰ ژانویه ۱۹۴۹ بطول انجامید . ۲۲ سپاه یعنی ۵۶ لشگر از سپاهیان زبده گومیندان (که چهار لشگر و نیم آنها قیام کرده و بصوف ما پیوستند) با ۵۵۵۰۰۰ تن کاملاً نابود شدند . بعلاوه ارتشهای تحت فرماندهی لیو ژو مین و لی یین نیان که از نانکن بکمک میآمدند ، نیز دفع شدند . نتیجه این عملیات عبارت بود از آزادی تقریباً کامل چین شرقی و دشتهای مرکزی که در شمال رود خانه یان تسه قرار دارد . عملیات در سه مرحله بوقوع پیوست . طی مرحله نخستین ، از ۶ تا ۲۲ نوامبر ، ارتش صحرائی چین شرقی که در ارتباط با ارتش صحرائی دشتهای مرکزی عمل میکرد ، ارتش حوان بوه نائو را در بخش سین ان جن - نیان جوان واقع در مشرق سیوجو بمحاصره انداخت و نابود ساخت . حوان بوه تائو کشته شد . سرزمینهای پهناوری در دو طرف خط راه آهن لون های واقع در مشرق نیان جوان ، در دو طرف بخشی از خط راه آهن تیائوزین - پوکو که بین سیو جو و بان بو قرار دارد ، و همچنین در شمال و مغرب سیو جو آزاد شدند . در بخش تایلجوان - زائو جوان ۳ لشگر و نیم گومیندان از منطقه سوم استقرار آرامش با عده ای بیش از ۲۳۰۰۰ نفر قیام کردند و بصوف ما پیوستند . طی مرحله دوم یعنی از ۲۳ نوامبر تا ۱۵ دسامبر ارتش صحرائی دشتهای مرکزی که در ارتباط با نیروهای عمده ارتش صحرائی چین شرقی عمل میکرد ، ارتش حوان وی در بخش شوان دوی جی واقع در جنوب غربی

سوسیان بمحاصره انداخت و نابود ساخت و حوان وی و او شائو جو را که بترتیب فرمانده و معاون فرمانده این ارتش بودند ، باسارت در آورد . یک لشگر از این ارتش قیام کرد و بصفوف مایبوست . در این اثنا سپاهیان ما ارتش سون یوان لیان را که از سیو جو بسوی مغرب میگریخت ، نابود ساختند . فقط سون یوان لیان توانست بگریزد . طی مرحله سوم ، یعنی از ۶ تا ۱۰ ژانویه ۱۹۴۹ ارتش صحرائی چین شرقی که در ارتباط با ارتش صحرائی دشتهائی مرکزی عمل میکرد ، ارتشهای چپو چینگ چیوان ولی می را که مستقیماً بوسیله شخص دو یو مین رهبری میشدند و از سیو جو بسوی مغرب میگریختند ، در بخش چینگ لون جی - چن گوان جوان واقع در شمال شرقی یون چن بمحاصره در آورد و نابود ساخت . دیو مین اسیر شد . چپو چینگ چیوان بقتل رسید . فقط لی می توانست بگریزد . باین طریق عملیات اپراتیو وسیع هوای های با پیروزی بپایان رسید .

۲ - " تسخیر جی نان و در هم کوبیدن نیروهای امدادی دشمن " اشاره است بآن شیوه نبردی که ارتش آزادببخش توده ای در هنگام نبرد جی نان در اواسط سپتامبر ۱۹۴۸ بکار برد . جی نان نقطه استراتژیک گومیندان واقع در ناحیه شان دون بود که بوسیله پادگانی بیش از ۱۱۰۰۰۰ نفر از سربازان منطقه دوم استقرار آرامش نگهداری میشد . بعلاوه ۲۳ تیپ از نیروهای عمده گومیندان شامل ۱۷۰۰۰۰ نفر که در ناحیه سیو جو جا داشتند ، هر لحظه آماده بودند که بکمک جی نان بیایند . ارتش صحرائی چین شرقی گروهی مرکب از ۷ ستون ترتیب داد تا بشهر حمله کنند و گروه دیگر مرکب از ۸ ستون را برای در هم کوبیدن نیروهای امدادی گماشت . شب هنگام ۱۶ سپتامبر ۱۹۴۸ هجوم عمومی به یادگان دشمن در جی نان صورت گرفت . ۲۴ سپتامبر پس از هشت روز و هشت شب نبرد مداوم ، پادگان دشمن بکلی نابود شد (یک سپاه قیام کرد و بصفوف مایبوست) ، وان یائو او فرمانده منطقه دوم استقرار آرامش باسارت در آمد . نیروهای ما با چنان سرعتی جی نان را گرفتند که سپاهیان دشمن در سیو جو جرأت نکردند بسوی شمال برای کمک به جی نان بیایند .

۳ - در واقع این ۲ لشگر دشمن جرأت نکردند برای کمک بآن منطقه بروند .

نیرو های انقلابی سراسر جهان

متحد شوید و بر ضد تجاوز

امپریالیستی مبارزه کنید

(نوامبر ۱۹۴۸)

اکنون که طبقه آگاه کارگر و انقلابیون حقیقی سراسر جهان سی و یکمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر اتحاد شوروی را بشادمانی جشن میگیرند مقاله مشهوری که استالین در ۱۹۱۸، بمناسبت نخستین سالگرد انقلاب اکتبر نوشته است بیاد من میآید. استالین در آن مقاله چنین گفت است:

اهمیت بزرگ جهانی انقلاب اکتبر بطور عمده در آنست که این انقلاب:

۱ - دایره مسئله ملی را توسعه بخشید، آن را از صورت مسئله خاص مبارزه با یوغ ملی در اروپا بصورت عام رهایی خلق های ستمدیده و رهایی مستعمرات و نیمه مستعمرات از یوغ امپریالیسم در آورد.

۲ - امکانات پردامنه و راهای عملی برای این رهایی به پیش آورد و باین طریق امر رهایی خلق های ستم دیده باختر و خاور را بسیار تسهیل کرد و آنان را به مسیر عام مبارزه پیروزمند بر علیه امپریالیسم کشانید.

۳ - بهمین طریق میان باختر سوسیالیستی و خاور اسیر پل افکند و جبهه جدید از انقلابات بر علیه امپریالیسم جهانی بوجود آورد که از پرولتر های باختر تا خلق های ستمدیده خاور گسترده میشود و از انقلاب روسیه میگذرد. (۱)

تاریخ در سمتی تحول یافت که استالین نشان داد. انقلاب اکتبر امکانات پردامنه و راههای عملی برای رهایی خلق های جهان به پیش آورد. انقلاب اکتبر جبهه جدیدی از انقلاب بر علیه امپریالیسم جهانی بوجود آورد که از پرولترهای باختر تا خلق های ستمدیده خاور گسترده میشود و از انقلاب روسیه میگذرد. این

مقاله رفیق مائو تسه دون که بمناسبت سی و یکمین سالگرد انقلاب اکتبر برای روزنامه « برای صلح پایدار، برای دموکراسی توده ای » - ارگان بوروی اطلاعات احزاب کمونیستی و کارگری اروپا - نوشته شده است. این مقاله در شماره ۲۱ سال ۱۹۴۸ روزنامه مذکور بچاپ رسید.

جبهه انقلابات تحت رهبری روشن بینانه لنین و پس از مرکش استالین بوجود داشته باشد. بدون حزب انقلابی، بدون حزبی مبتنی بر تئوری انقلابی مارکسیستی - لنینیستی و سبک انقلابی مارکسیستی - لنینیستی ممکن نیست طبقه کارگر و توده های پهناور خلق را در مبارزه بر علیه امپریالیسم. چاکرانش به پیروزی رهبری کرد. در دوره پس از پیدایش مارکسیسم که کمی بیش از یک قرن است فقط بعد از آنکه بلشویکهای روس در رهبری انقلاب اکتبر و ساختمان سوسیالیسم و در پیروزی بر تجاوز فاشیسم نمونه بدست دادند احزاب انقلابی تراز نوین در جهان بوجود آمدند و توسعه یافتند. از زمان پدید آمدن این احزاب انقلابی، سیمای انقلاب جهانی دگرگون شده است. این دگرگونی بقدری عظیم بود که به تحولات جوشان و پرتنینی که در تصور افراد نسل کهن نمیگنجید منجر شد. حزب کمونیست چین نیز حزبی است که از روی نمونه حزب کمونیست اتحاد شوروی ساخته شده و رشد یافته است. با پیدایش حزب کمونیست چین انقلاب چین سیمای کاملاً نوینی یافت. آیا همه اینها واضح نیست؟

جبهه متحد انقلابی جهانی که اتحاد شوروی در رأس آن است بر آلمان، ایتالیا و ژاپن فاشیست و همچنین برچاکران آنها بدون انقلاب اکتبر، بدون حزب کمونیست اتحاد شوروی، بدون اتحاد شوروی، بدون جبهه متحد انقلابی ضد امپریالیستی باختر و خاور برهبری اتحاد شوروی، قابل تصور است؟ اگر انقلاب اکتبر امکانات پر دامنه و راههای عملی برای رهائی طبقه کارگر و خلقهای ستمدید سراسر جهان پیش آورد، پس پیروزی بر فاشیسم در جنگ دوم جهانی امکانات باز هم پر دامنه تر و راههای باز هم عملی تر برای رهائی آنان عرضه داشت. کم بها دادن به اهمیت پیروزی در جنگ دوم جهانی خطای فاحشی است.

پس از پایان پیروزمند جنگ دوم جهانی، امپریالیسم آمریکا با تفاق چاکرانی که در کشورهای مختلف دارد جای آلمان، ایتالیا و ژاپن فاشیست را گرفته است و دیوانه وار بتدارک جنگ جدید جهانی مشغول است و سراسر جهان را تهدید میکند. این امر انعکاسی از انحطاط کامل جهان سرمایه داری و وحشت وی در برابر فزای نزدیک است. این دشمن هنوز نیرومند است، پس کلیه نیروهای انقلابی در هر کشور باید متحد شوند، نیروهای انقلابی تمام کشورها باید متحد شوند و جبهه متحد ضد امپریالیستی که اتحاد شوروی در رأس آن باشند تشکیل دهند و سیاستی درست در پیش گیرند؛ والا پیروزی غیر ممکن است. این دشمن پایه های شکننده دارد، از درون در حال تلاشی است، جدا از خلق است و در بحران های بی مفر

اقتصادی غوطه میزند؛ پس میتوان بر او پیروز شد. پربها دادن به نیروی دشمن و کم بها دادن به نیروی انقلاب خطای فاحشی است.

در انقلاب بزرگ دموکراتیک خلق چین بر ضد تجاوز دیوانه وار امپریالیسم آمریکا به چین و بر ضد دولت ارتجاعی گومیندان که دولت مستبد خیانت ملی است و با بر پا داشتن جنگ به کشتار خلق چین مشغول میباشد اینک پیروزی های بزرگی تحت رهبری حزب کمونیست چین بدست آمده است. ارتش آزادیبخش توده ای تحت رهبری حزب کمونیست چین در عرض دو سال، از ژوئیه ۱۹۴۶ تا ژوئن ۱۹۴۸، حملات سپاهیان دولت ارتجاعی گومیندان را که تعدادشان به ۴۳۰۰۰۰۰ نفر میرسید در هم شکسته و از دفاع به تعرض پرداخته است. ارتش آزادیبخش توده ای در طی این دو سال پیکار (بدون در نظر گرفتن تحولاتی که پس از ژوئیه ۱۹۴۸ روی داده) ۲۶۴۰۰۰۰ تن از سپاهیان گومیندان را کشته، زخمی کرده و باسارت در آورده است. امروز مساحت مناطق آزاد شده چین به ۲۳۵۰۰۰۰ کیلو متر مربع یعنی به ۲۴ / ۵ در صد مساحت کل کشور که ۹۵۹۷۰۰۰ کیلومتر مربع است میرسد. مناطق مذکور ۱۶۸ میلیون جمعیت دارد یعنی ۳ / ۳۵ در صد جمعیت کل کشور که ۴۷۵ میلیون نفر است. تعداد شهر های مناطق مذکور ۵۸۶ یعنی ۲۹ در صد تعداد کل شهر های کشور میباشد که ۲۰۰۹ است. از آنجا که حزب ما دهقانان را در رفرم سیستم ارضی باستواری رهبری کرده مسئله ارضی در مناطقی با قریب ۱۰۰ میلیون نفر از سکنه بطور قاطع حل شده و زمین های مالکان ارضی و دهقانان مرفه از نوع قدیم در آنجا ها میان دهقانان و قبل از همه میان دهقانان فقیر و مزدوران کشاورزی تقریباً بتساوی تقسیم شده است. تعداد اعضاء حزب کمونیست چین که در سال ۱۹۴۵، ۱۲۱۰۰۰۰ بود امروز به ۳۰۰۰۰۰۰ رسیده است. وظیفه حزب کمونیست چین عبارتست از متحد ساختن نیروهای انقلابی سراسر کشور، راندن نیروهای تجاوزکار امپریالیسم آمریکا، سرنگون ساختن سلطه ارتجاعی گومیندان و تأسیس جمهوری توده ای دموکراتیک و واحد. ما میدانیم که دشواریهای فراوانی در پیش است. ولی از آنها نمپهراسیم. ما عقیده داریم که باید بر دشواریها فائق آمد و این کار خواهد شد.

انقلاب اکتبر بر ما پرتو افکن است. خلق چین که اینهمه رنج کشیده است باید برای رهایی خویش مبارزه کند و عقیده راسخ دارد که میتواند برهائی نائل آید. مبارزه انقلابی چین که پیوسته منفرد میماند پس از پیروزی انقلاب اکتبر از انفراد بدر آمد. احزاب کمونیست و طبقه کارگر سراسر جهان پشتیبان ما هستند. دکتر سون یاتسن، پیشگام انقلاب چین این وضعیت را دریافته بود. وی سیاست اتحاد با اتحاد شوروی را برای مبارزه با امپریالیسم طرح ریزی کرد. وی در بستر مرگ نامه

ای خطاب باتحاد شوروی نگاشت که بخشی از وصیت نامه اوست . این دارودسته راهزنان چانکایشک در گومیندان است که به سیاست سون یاتسن خیانت میورزد ، در جبهه امپریالیستی ضد انقلابی جای گرفته و به مخالفت با خلق کشور خویش برخاسته است . اما دنیا بزودی خواهد دید که خلق چین رژیم ارتجاعی گومیندان را یکباره بر خواهند انداخت . خلق چین دلیر است ، حزب کمونیست چین نیز دلیر است ، و اینها تصمیم دارند که سراسر چین را آزاد کنند .

یادداشتها

۱ - ژ. و . استالین : « انقلاب اکتبر و مسئله ملی » بخش ۳ ، " اهمیت جهانی انقلاب اکتبر " .

تغییر عظیم در وضعیت نظامی چین

(۱۴ نوامبر ۱۹۴۸)

وضعیت نظامی در چین به نقطه عطف جدیدی رسیده است ، یعنی در تناسب قوا میان طرفین جنگ تغییر ریشه ای بوقوع پیوسته است . ارتش آزادیبخش توده ای که از مدتها پیش برتری کیفی داشت ، اینک برتری عددی نیز پیدا کرده است . این نشانه آنستکه پیروزی انقلاب چین و تحقق صلح در چین نزدیک است .

در پایان سال دوم جنگ ، یعنی در پایان ماه ژوئن امسال ، تعداد نفرات ارتش گومیندان هنوز رویهمرفته بر ۳۶۵۰۰۰۰ نفر بالغ میشد . این تعداد از ۴۳۰۰۰۰۰ نفری که گومیندان در ژوئیه سال ۱۹۴۶ یعنی در لحظه برپا کردن جنگ داخلی سراسری در اختیار داشت ، ۶۵۰۰۰۰ نفر کمتر بود . ارتش گومیندان طی این دو سال جنگ قریب ۳۰۹۰۰۰۰ نفر نابود و اسیر شده و یا فرار کرده اند (که ۲۶۴۰۰۰۰ نفر از آنها کشته و زخمی و یا اسیر بودند) تقلیل نفراتش فقط به ۶۵۰۰۰۰ رسید . اما اخیر تغییری ناگهانی بوقوع پیوسته است . ارتش گومیندان در همان چهار ماه اول سال سوم جنگ یعنی از اول ژوئیه تا ۲ نوامبر که روز آزادی شن یان است ، ۱۰۰۰۰۰۰ نفر تلفات داد . هنوز آمار دقیقی در دست نیست که گومیندان نفرات خود را در عرض این چهار ماه تا چه اندازه تکمیل کرده ، ولی اگر فرض کنیم که توانسته باشد ۳۰۰۰۰۰۰ سرباز بگیرد ، در آنصورت تقلیل خالص تعداد نفرات او ۷۰۰۰۰۰۰ نفر خواهد بود . باین ترتیب مجموعه نیروهای نظامی گومیندان - نیروهای زمینی ، دریائی و هوائی ، سپاهیان منظم ، غیر منظم ، واحد های جنگنده و ادارات کارپردازی - اکنون به قریب ۲۹۰۰۰۰۰۰ نفر تقلیل یافته است . برعکس تعداد نفرات ارتش آزادیبخش توده ای که در ژوئن ۱۹۴۶ ۱۲۰۰۰۰۰۰ نفر بود ، در ژوئن ۱۹۴۸ به ۲۸۰۰۰۰۰۰ تن رسید و امروز به بیش از ۳۰۰۰۰۰۰۰ تن افزایش یافته است . پس ملاحظه میشود که برتری عددی که ارتش

این تفسیر از طرف رفیق مائو تسه دون برای خبرگزاری سین هوا تهیه شده است . رفیق مائو تسه دون در این تفسیر براساس وضعیت تازه ای که در اثر تغییر تناسب قوا بین ما و دشمن پس از عملیات اپراتیو لیائو سی - شن یان پدیدآمده بود ، در باره زمانیکه برای پیروزی جنگ آزادیبخش توده ای لازم است ، تخمین جدیدی زد و خاطر نشان ساخت که برای برانداختن سلطه ارتجاعی گومیندان قریب یک سال از تاریخ نوامبر ۱۹۴۸ کافی است . تکوین بعدی اوضاع نظامی چین پیش بینی رفیق مائو تسه دون را کاملاً تأیید کرد .

گومیندان مدت‌ها از آن برخوردار بود ، سرعت به فروتری مبدل شده است . این نتیجه پیکار های قهرمانانه ای است که ارتش آزادیبخش توده ای در چهار ماه اخیر در کلیه صحنه های عملیات انجام داده و بویژه نتیجه نبرد های سوی - چی (۱) و جی نان (۲) در جبهه جنوب . نبرد های جین جو ، چان چون ، لیائوسی و شن یان (۳) در جبهه شمال است . از آنجا که ارتش گومیندان با تلاش زیاد واحد های منظم خود را با واحد های غیر منظم ترمیم میکرد ، در اواخر ماه ژوئن امسال هنوز ۲۸۵ لشکر نمره دار در اختیار داشت . در چهار ماه اخیر مجموعه گردانها و واحد های بزرگ از گردان که بدست ارتش آزادیبخش توده ای نابود شده اند ، بر ۸۳ لشکر بالغ میشود که شامل ۶۳ لشکر کامل بودند .

بدین ترتیب پروسه جنگ از آنچه بدواً پیش بینی کرده بودیم ، خیلی کوتاه تر خواهد بود . طبق پیش بینی سابق ، ما میتوانستیم دولت ارتجاعی گومیندان را در حدود پنج سال - از ژوئیه سال ۱۹۴۶ بعد - بطور قطع از پای در آوریم . اما اینک چنین بنظر میرسد که ما از حال حاضر تا تقریباً یک سال دیگر میتوانیم آنرا بطور قطع از پای در آوریم . معذکب برای نابودی نیروهای ارتجاعی در کلیه اکناف کشور و تحقق آزادی خلق مدت نسبتاً طولانی تری لازم خواهد بود .

دشمن بسرعت از پای در میآید . ولی باز لازم است که کمونیستها ، ارتش آزادیبخش توده ای و قشر های مختلف خلق سراسر کشور چون تنی واحد بهم بیوندند و مساعی خویش را دو چندان کنند تا بتوان نیروهای ارتجاعی را بطور قطع و تماماً نابود ساخت و جمهوری توده ای واحد و دموکراتیکی در سراسر کشور بنا نهاد .

یادداشتها

۱ - نبرد سوی - چی که نبرد مشرق حه نان نیز نامیده میشود ، بوسیله ارتش آزادیبخش توده ای در منطقه کای فن ، سوی سیان و چی سیان درگرفت . نبرد مذکور در ۱۷ ژوئن ۱۹۴۸ آغاز شد . در ۲۲ ژوئن ارتش ما کای فن را تسخیر کرد . چانکایشک برای آنکه وضعیت بحران نظامی خود را بهبود بخشد ، بجبهه رفت و شخصاً فرماندهی را بدست گرفت ، ارتشهای تحت فرماندهی چيو چینگ چيوان ، او شونیان و حوان یوه تائو را گرد آورد و از جهات مختلف بحمله بر کای فن پرداخت . شش ستون از ارتش صحرائی چین شرقی و دو ستون از ارتش صحرائی دشتهائی مرکزی و ستون گوان دون - گوان سی ، ارتشهای او شو نیان و حوان یوه تائو را در منطقه سوی سیان - چی سیان بمحاصره انداختند و پس از ۹ روز و ۹ شب نبرد سخت (۲۷ ژوئن تا ۶ ژوئیه) دو لشکر شامل بر شش تیپ از ارتش او شو

نیان و همچنین بخشی از ارتش جوان بوه تائو ف مجموعاً بیش از ۹۰۰۰۰ تن را نابود ساختند. او شو نیان فرماندهی ارتش و همچنین شن چن نیان فرمانده هفتاد و پنجمین لشکر تجدید سازمان یافته گومیندان باسارت در آمدند.

۲- رجوع شود به « رهنمودهائی برای عملیات اپراتیو حوای های » ، یادداشت ۲ ، جلد حاضر .

۳- نبرد های جین جو ، چان چون ، لیائوسی و شن یان در شمال شرقی مجموعاً عملیات اپراتیو لیائوسی - شن یان نامیده میشوند . رجوع شود به « رهنمود هائی برای عملیات اپراتیو لیائوسی - شن یان » ، یادداشت ۱ ، جلد حاضر .

رهنمود هائی

برای عملیات اپراتیو بی پین - تیانزین (۱)

(۱۱ دسامبر ۱۹۴۸)

۱ - نیروهای دشمن در جان جیاکو ، سین بانو ان حوای لای و همچنین در سراسر منطقه بی پین ، تیانزین ، تان گو و تان شان - بااستثنای واحد هائی از قبیل بعضی از لشگر های سپاه ۳۵ ، ۶۲ و ۹۴ که قدرت رزمی شان در دفاع از مواضع استحکامی هنوز قابل توجه است - روحیه تعرض خیلی ضعیفی دارند و چون پرنده ای هستند که تازه کمان میلرزد ، بهراس میافتد . بویژه از هنگامیکه شما بجنوب دیوار بزرگ رسیدید ، چنین شده است . شما هیچگاه نباید بقدرت رزمی دشمن پربها دهید . بعضی از رفقای ما سابقاً از پربها دادن بقدرت رزمی دشمن صدمه دیدند ، ولی پس از آنکه مورد انتقاد قرار گرفتند ، به اشتباه خود پی بردند . اینک دشمن ، خواه در جان جیاکو . خواه در سین بانو آن ، عملاً در محاصره افتاده است و بااحتمال قوی مشکل بتواند خط محاصره را بشکند و فرار کند . تقریباً نیمی از نفرات سپاه ۱۶ بسرعت نابود شده است . سپاه ۱۰۴ دشمن در حوای لای سراسیمه بسوی جنوب میگریزد و احتمالاً امروز یا فردا نابود خواهد شد . پس از آنکه چنین شد ، شما باید آماده شوید که ستون ۴ را از جنوب غربی (۲) بشمال شرقی اعزام دارید تا بتواند رابطه میان نان کو و بی پین را قطع کند . بنظر ما این کار آسانی نخواهد بود زیرا که یا سپاه ۹۴ و بقایای سپاه ۱۶ بسرعت به بی پین عقب خواهند نشست و یا سپاههای ۹۴ ، ۱۶ و ۹۲ بمنظور دفاع مشترک در منطقه نان کو - چان پین - شاه جن متمرکز خواهند شد . معذک ستون ۴ با این مانور حومه شمال غربی و شمال بی پین را مستقیماً تهدید

این تن تلگرافی است که از طرف رفیق مائو تسه دون بنام کمیسیون نظامی انقلابی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین خطاب به لین بیاو ، لوه ژونهووان و سایر رفقا تنظیم شده است . عملیات اپراتیو بی پین - تیانزین آخرین عملیات از سه عملیات اپراتیو قطعی جنگ آزادیبخش توده ای چین بود . ما طی این عملیات بیش از ۵۲۰۰۰۰ تن از سپاهیان گومیندان را نابود ساختیم و یا تجدید سازمان دادیم ، شهر های مهمی مانند بی پین ، تیانزین ، جان جیاکو و غیره را آزاد کردیم و نبرد برای آزادی شمال چین را علی الاصول بپایان رساندیم . رهنمود هائی که در اینجا بوسیله رفیق مائو تسه دون تنظیم شده است ، با موفقیت کامل بکار بسته شدند .

خواهند کرد و این نیروهای دشمن را میخکوب خواهد نمود و بدین ترتیب آنها دیگر جرأت جنبیدن نخواهد داشت. ولی اگر جرأت کنند و بحرکت خویش بسوی غرب بمنظور کمک به سپاه ۳۵ ادامه دهند، شما میتواندید یا راه عقب نشینی آنها را مستقیماً قطع کنید. و یا بحمله مستقیم به بی پین بپردازید. از اینجهت آنها احتمالاً جرأت نخواهد کرد بحرکت خویش بسوی غرب ادامه دهند. ارتش شمال چین ما بفرماندهی یان ده جی، لوه ژوی چینگ و گن بیائو که هم اکنون ۹ لشکر برای محاصره ۳ لشکر از سپاه ۳۵ دشمن بکار برده است برتری مطلق دارد. آنها پیشنهاد کرده اند که این لشکرهای دشمن را هرچه زودتر نابود سازند. ولی ما از آنها میخواهیم عجالتاً حمله نکنند تا آنکه سپاهیان دشمن در بی پین و تیانزین بمانند و در تصمیم خود در باره فرار از راه دریا دچار تردید شوند. آنها دو ستون را برای محاصره سپاه ۳۵ بکار انداخته اند و یک ستون دیگر را برای جلوگیری از سپاه ۱۰۴ گمارده اند، و این هردو سپاه دشمن دفع شده اند.

۲ - ما با شما موافقیم که ستون پنجم را بیدرنگ بحوالی نان کو بفرستید تا دشمن را در بی پین، نان کو و حوای ژو از شمال شرقی تهدید کند. ستون مذکور در این منطقه باقی خواهد ماند تا آنکه بعداً (پس از ۱۰ تا ۱۵ روز که سپاه ۳۵ بوسیله ارتش شمال چین بفرماندهی یان ده جی، لوه ژوی چینگ و گن بیائو نابود شود) ستون ۴ شما آزاد گردد و در مشرق مورد استفاده قرار گیرد. از اینجهت فرمان بدهید که ستون پنجم از همین امروز حرکت خود را بسوی مغرب ادامه دهد.

۳ - ستون سوم در هیچ حالی نباید به نان کو برود بلکه باید طبق تگراف مورخ نهم ما بسوی منطقه مشرق بی پین و جنوب تون سیان حرکت نماید تا آنکه بی پین را از مشرق مورد تهدید قرار دهید، همراه ستون های ۴، ۱۱ و ۵ بمحاصره در آورد.

۴ - معذک هدف واقعی ما اول محاصره بی پین نیست بلکه محاصره تیانزین، تانگو، لوتای و تان شان است.

۵ - طبق پیش بینی های ما، ستونهای ۱۰، ۹، ۶، ۸ و همچنین ستون توپخانه و ستون ۷ شما در حوالی ۱۵ دسامبر در منطقه ای که بوتیان مرکز آنست، جمع خواهند شد. ما پیشنهاد میکنیم که با یک حرکت برق آسا در فاصله ۲۰ تا ۲۵ دسامبر شش ستون - ستون ۳ (که باید از حومه شرقی بی پین بسوی مشرق برود)، ۶، ۷، ۸، ۹، و ۱۰ را بکار اندازید تا دشمن را در تیانزین، تان گو، لوتای و تان شان محاصره کنند، البته مشروط بر اینکه در آنموقع وضعیت دشمن در این شهرها تقریباً مانند امروز باشد. شیوه عمل باید این باشد که ۲ ستون در منطقه لان فان - حه سی او - یان تسون که مرکز آن چینگ است گماشته شوند و ۵ ستون بصورت

گوه در شکافهای بین تیانزین ، تان گو ، لوتای ، تان شان و گویه فرو روند ، تا آنکه رابطه میان نیروهای دشمن قطع گردد. برای جلوگیری از فرار نیروهای دشمن باید هر یک از این ستون ها در دو جناح خویش موضع ممانعتی بگیرند ، و آنگاه باستراحت و تقویت پردازند و پس از آنکه خستگی در کردند ، بر چند گروه کوچک دشمن حمله برند و آنها را نابود سازند . در این اثنا ستون چهارم باید از شمال غربی بمشرق بی چین برود . پیش از آنکه ستون چهارم جابجا شود ، ارتش شمال چین بفرماندهی یان ده جی ، لیوه ژوی چینگ و گن بیائو باید دشمن در سین بائو ان را نابود کند . در مشرق ، بر حسب اوضاع و احوال باید کوشید در درجه اول دشمن در تان گو را نابود ساخت و این بندر را تحت نظارت در آورد . اگر این دو نقطه یعنی تان گو (مهترین نقطه) و سین بائو ان را بگیرید ، بر تمام عرصه جنگ مسلط خواهید شد . آرایش قوا بطرز فوق الذکر در واقع محاصره عمومی دشمن در جان جیا کو ، سین بائو ان ، نان کو ، بی پین ، حوای ژو ، شون ای ، تون سیان ، ون پین (جوه سیان ، لیان سیان از هم اکنون در دست ما هستند) فون تان ، تیانزین ، تان گو ، لوتای ، تان شان و کای پین است .

۶ - این شیوه در خطوط کلی مثل همان شیوه ای است که شما در موقع عملیات در طول خط ای سیان ، جین جو ، جین سی ، سین پن ، سوی جون ، شان های گوان و لوان سیان بکار بردید (۳) .

۷ - از امروز تا ۲ هفته دیگر (۱۱ - ۲۵ دسامبر) اصل عمده عبارتست از محاصره بدون در هم کوبیدن (در مورد جان جیاکو و سین بائو ان) و در بعضی موارد قطع رابطه بدون محاصره (در مورد بی پین ، تیانزین و تون جو باید محاصره استراتژیک را عملی ساخت و رابطه بین نیروهای دشمن را قطع کرد ، بدون هیچ گونه محاصره تاکتیکی) تا آنکه بتوان پس از تکمیل آرایش قوا نیروهای دشمن را یکایک نابود ساخت . بویژه نباید نیروهای دشمن در جان جیا کو ، سین بائو ان و نان کو را نابود سازید زیرا که این امر دشمن در مشرق نان کو را مجبور خواهد ساخت ، بیدرنگ تصمیم به گریز بگیرد . باین نکته باید پی ببرند .

۸ - برای اینکه چانکایشک در انتقال سپاهیان خویش از راه دریا از منطقه بی پین - تیانزین بسوی جنوب باتخاذ تصمیم سریع مجبور نشود ، به لیوه بوه چن ، دن سیائو پین ، چن ای و سو یو دستور خواهیم داد که پس از آنکه ارتش حوان وی را نابود ساختند ، به بقایای ارتشهای چیهو چینگ چیوان ولی می و سون یوان لیان تحت فرماندهی دو یو مین دست نزنند (تقریباً نیمی از آنها هم اکنون نابود شده اند) و تا مدت دو هفته برای آرایش قوا بمنظور نابودی نهائی آنها اقدام نکنند .

۹ - برای اینکه از فرار دشمن بسوی چینگ دائو ممانعت کنیم ، به نیروهای خویش در شان دون دستور خواهیم داد که تعدادی از واحد های خود را برای نظارت بر بخشی از رود خانه زرد واقع در نزدیکی جی نان متمرکز سازند و در طول خط راه آهن چینگ دائو - جی نان تدارک ببینند .

۱۰ - امکان اینکه دشمن بسوی سیو جو ، جن جو ، سی ان یا سوی یوان بگریزد ، منتفی است و یا تقریباً منتفی است .

۱۱ - یگانه ترس ما و یا ترس عمده ما اینستکه دشمن از راه دریا بگریزد . از اینجهت در دو هفته آینده بطور کلی باید به شیوه محاصره بدون در هم کوبیدن و یا قطع رابطه بدون محاصره دست زد .

۱۲ - این نقشه خارج از انتظار دشمن است و تا زمانیکه آرایش قوای شما بطور قطع صورت نگیرد ، برای او خیلی دشوار است که بتواند حدسی بزند . اکنون دشمن احتمالاً حساب میکند که شما به بی پین حمله خواهید کرد .

۱۳ - با آنکه دشمن چون پرنده ای است که تا زه کمان میلرزد، بهراس می افتد باز بفعالیت و تحرک ارتش ما کم بها میدهد و به نیروی خود بیش از آنچه که هست ، ارزش میگذارد . دشمن در بی پین و تیاتزین هرگز گمان نخواهد کرد که شما میتوانید آرایش قوا را بطرز بالا پیش از ۲۵ دسامبر عملی سازید .

۱۴ - برای آنکه این آرایش قوا پیش از ۲۵ دسامبر عملی گردد ، باید در عرض دو هفته آینده سپاهیان خود را تشویق کنید که خستگی را فراموش کنند ، از کم شدن نفرات نهراسند ، از سرما و گرسنگی باک نداشته باشند . و آنگاه که این آرایش قوا عملی گردد ، میتوانید باستراحت و تقویت واحد ها بپردازند و وقت کافی برای حمله داشته باشند .

۱۵ - حمله تقریباً باین ترتیب صورت خواهد گرفت : اول منطقه تان گو - لوتای ، دوم سین بائو ان ، سون منطقه تان شان ، چهارم مناطق تیاتزین و جان حیا کو و مرحلح آخر منطقه بی پین .

۱۶ - نظر شما در باره نقشه ای که در بالا مطرح شده چیست ؟ کمبود های آن کدام است ؟ چه مشکلاتی در اجرای این نقشه موجود است ؟ همه اینها را بررسی نمائید و جواب خود را تلگراف کنید .

مکتب ازاد ژوب کوریت (آرژست) افغانستان

یادداشتها

۱ - عملیات اپراتیو بی پین - تیانزین تحت فرماندهی لین بیائو ، لوه ژون هوان ، نیه ژون جن و رفقای دیگر بوسیله ارتش صحرایی شمال شرقی و دو ارتش چین شمالی ارتش آزادیبخش توده ای که متفقاً عمل میکردند ، صورت گرفت . این عملیات بلا فاصله پس از آنکه عملیات اپراتیو لیائوسی - شن یان در شمال شرقی با پیروزی پایان یافت ، در دهه اول ماه دسامبر ۱۹۴۸ آغاز گردید . طبق دستورات رفیق مانو تسه دون ارتش صحرایی شمال شرقی پس از آنکه مأموریت خویش را در رهائی شمال شرقی پیروزمندانه بیپایان رسانید ، بسرعت بجنوب دیوار بزرگ رفت و بارتشهای چین شمالی ارتش آزادیبخش توده ای پیوست تا سپاهیان گومیندان را در شمال چین بمحاصره در آورد و آنها را نابود سازد و سپاهیان گومیندان که بیش از ۶۰۰۰۰۰ تن و تحت فرماندهی فو زوه ای ، فرمانده کل ستاد گومیندان در چین شمالی برای " سرکوب راهزنان " قرار داشتند و از پیروزی ارتش آزادیبخش توده ای در شمال شرقی سراسیمه شده بودند ، شتابزده بکوتاه کردن خطوط دفاعی پرداختند ، باین خیال که از طریق دیرپا بسوی جنوب و یا از سمت مغرب بسوی استان سوی یوان بگریزند . ارتش ما با سرعت صاعقه آسا قوای دشمن را از هم تجزیه کرد و آنها را جدا جدا در ۵ نقطه اتکاء - بی پین ، تیانزین ، جان جیا کو ، سین بانو ان و تانگو - بمحاصره در آورد و باین طریق راه فرار دشمن را بسوی جنوب و مغرب مسدود ساخت . ۲۲ دسامبر ستاد کل و ۲ لشکر از سپاه ۳۵ که نیروهای عمده دشمن بودند ، در سین بانو ان بمحاصره در آمدند و نابود شدند . ۲۴ دسامبر جان جیاکو تصرف شد . ستاد کل یک سپاه و ۷ لشکر از ارتش ۱۱ دشمن یعنی مجموعاً ۵۴۰۰۰ نفر که پادگان شهر را تشکیل میدادند ، بکلی نابود گشتند . ۱۴ ژانویه ۱۹۴۹ پس از آنکه چن چان جیه فرمانده پادگان تیانزین از تسلیم اسلحه خود داری کرد ، سپاهیان ما که آن شهر را در محاصره داشتند ، به تعرض عمومی پرداختند . شهر پس از بیست و نه ساعت نبرد شدید آزاد شد ، تمام پادگان دشمن که بالغ بر ۱۳۰۰۰۰ تن میشد ، نابود و چن چان جیه اسیر گشت . در نتیجه تمام پادگان دشمن در بی پین که متجاوز از ۲۰۰۰۰۰ تن وسخت در محاصره سپاهیان ما بود ، به بن بست افتاد . پادگان دشمن در بی پین بفرماندهی ژنرال فو زوه ای در اثر کوششهای که در جلب او بکار بردیم ، حاضر شد بوجه مسالمت آمیز تجدید سازمان یابد . ۳۱ ژانویه سپاهیان ما وارد بی پین شدند و آزادی مسالمت آمیز آن شهر اعلام گردید . باین طریق عملیات اپراتیو بی پین تیانزین پیروز مندانه پایان یافت . طی این عملیات که فقط پادگان دشمن در تان گو بتعداد کمی بیش از ۵۰۰۰۰ تن توانست از راه دریا بگریزد ، ارتش آزادیبخش توده ای بیش از ۵۲۰۰۰۰ نفر از سپاهیان گومیندان در استان سوی یوان با تلگراف اطلاع دادند که قیام کرده و بصقوف ما می پیوندند و حاضرند که تجدید سازمان یابند .

۲ - اشاره است به منطقه جنوب غربی نان کو

۳ - در سپتامبر ۱۹۴۸ بمنظور جلوگیری از اینکه نیروهای دشمن در ای سیان ، جین جو ، جین سی ، سین چن ، سوی جون ، شان های گوان ، لوان سیان و چان لی بکوتاه کردن خطوط و متمرکز شدن دست بزنند ، ارتش صحرایی شمال شرقی که در آنموقع در طول راه آهن بی پین - لیائو نین که همه این شهر ها بر روی آن قرار دارند ، عمل میکرد ، شیوه ای را اتخاذ کرد که عبارت بود از بکار انداختن قسمتی از سپاهیان خود برای محاصره واحد های دشمن و قطع رابطه آنها بایکدیگر در شهر های نامبرد و سپس نابود ساختن یکایک آنها .

پیام به دو یو من و دیگران در دعوت آنها به تسلیم

(۱۷ دسامبر ۱۹۴۸)

ژنرال دو یو من ژنرال چيو چينک چيون ، ژنرال لی می و شما فرماندهان سپاه ها و هنگ های ارتشهای تحت فرماندهی ژنرال چو چینگ چيون و ژنرال لی می : شما در وضعیت بسیار اسفناک افتاده اید . ارتشهای جوان وی در شب ۱۵ بکلی نابود شده اند . ارتشهای لی یین نیان عقب گرد کرده و بسوی جنوب گریخته اند . دیگر هیچ امیدی نیست که شما بآنها پیوندید . آیا میخواهید محاصره را در هم بشکنید ؟ چطور خواهید توانست و حال آنکه ارتش آزادیبخش توده ای از هر سو شما را فرا گرفته است ؟ کوششهایی که این روز های آخر برای در هم شکستن محاصره بکار بردید چه نتیجه داد ؟ هوا پیمانها و تانک های شما نیز بیفایده اند . ما بیش از شما هوا پیمانها و تانک داریم . هوا پیمانها و تانک ما توپخانه ها و افزار های انفجاری است که مردم آنها را " هوا پیمانها و تانک ساخت خود " مینامند . آیا اینها ده مرتبه وحشتناک تر از هوا پیمانها و تانک های ساخت خارجه شما نیست ؟ کار ارتش های سون یوان لیان تمام است و در دو گروه دیگر از ارتشهای شما بیش از نیمی از افراد یا زخمی و یا اسیر شده اند . شما کارمندان کثیر و ناهمگون را که متعلق به ادارات مختلف بوده اند و تعدادی از دانشجویان جوان را از سیو جو آورده اید تا بروز در ارتش خویش جای دهید ، ولی چطور توقع دارید که اینان قادر به نبرد باشند ؟ مواضع شما که از ده . چند روز پیش در حلقه های محاصره ما در آمده و ضربات مکرر دیده بسیار کاهش یافته است . فضائی که شما در اختیار دارید بقدری تنگ است که بزحمت از ده لی در عرض و در عمق تجاوز میکند و بقدری آدم در این فضا جمع شده که تنها یک خمپاره ما میتواند عده کثیری را بقتل آورد . سربازان مجروح و همچنین خانواده هایی که بدنبال شما آمده اند به زاری افتاده اند سربازان شما و عده ای از کادر های شما نمیخواهند دیگر بجنگند . شما ، معاون فرماندهی کل ،

پیامی است که بوسیله رفیق مائو تسه دون بنام فرماندهی ارتش آزادیبخش توده ای دشت های مرکزی و چین شرقی تنظیم شده و از رادیو پخش گردید .

فرماندهان ارتش ها ، سپاه ها ، لشکر ها ، هنگ ها ، شما باید در اندیشه زبردستان خود و خانواده آنها باشید ، زندگی آنها با بیائید ، هر چه زودتر راه نجاتی برای آنها بیابید و از فرستادن آنها بمرگ بیهوده باز ایستید .

اینکه ارتشهای حوان وی کاملاً نابود شده و ارتشهای لی یین نیان بسوی بان بو گریخته اند ما میتوانیم برای حمله بر شما نیروهائی چندین برابر نیروهای شما متمرکز گردانیم . این بار ما فقط ۴۰ روز نبرد کرده ایم و هم اکنون شما ۱۰ لشگر بفرماندهی حوان بوه ناو ، ۱۱ لشگر بفرماندهی حوان وی ، ۴ لشگر بفرماندهی سون یوان لیان ، ۴ لشگر بفرماندهی فون جی ان ، ۲ لشگر بفرماندهی سون لیان چن ، ۱ لشگر بفرماندهی لیو زومین ، ۱ لشگر در سوسیان و ۱ لشگر در لین بی ، مجموعاً ۳۴ لشگر تمام از دست داده اید . از میان اینها ۳ لشگر و نیم برهبری حه جی فون و جان که سیا و یک لشگر برهبری لیائو یون جو سر به شورش برداشته و بما پیوستند . یک لشگر برهبری سون لیان چن و دو نیم لشگر که بترتیب تحت رهبری جانوی بی گوان و حوان زی هوا بودند تسلیم شدند و بما پیوستند (۱) . و ۲۷ لشگر و نیم دیگر بوسیله ارتش ما بکلی نابود شدند . شما بچشم خود سرنوشت خود سرنوشت ارتشهای حوان بوه ناو ، ارتشهای حوان وی و ارتشهای سون یوان لیان را دیده اید . شما باید از ژنرال جن دون گوه در چان چون (۲) و از فرمانده سپاه سون لیان چن و از فرماندهان لشگر جانوی بی گوان و حوان زی هوا در اینجا سرمشق بگیرید و بیدرتنگ بسپاهیان خود دستور دهید که اسلحه بزمین بگذارند و از مقاومت دست بردارند . زندگی و امنیت همه شما - فرماندهان عالیرتبه و همه افسران و سربازان محفوظ خواهد بود ، ارتش ما آن را ضمانت میکند . این یگانه راه نجات شماست . اگر آن را صحیح میدانید بدان عمل کنید . اگر باز هم در صدد زور آزمائی هستید بفرمائید . در هر صورت کار شما ساخته است (۳) .

فرماندهی ارتش آزادیبخش توده ای دشت های مرکزی
فرماندهی ارتش آزادیبخش توده ای چین شرقی

یادداشتها

۱ - حه جی فون و جان که سیا ، معاونان فرماندهی سومین منطقه استقرار آرامش از مناطق گومیندان در ۸ نوامبر ۱۹۴۸ در بخش جیا وان در شمال شرقی سیو جو در طی نخستین مرحله عملیات اپراتیو حوای های بر علیه گومیندان سر بشورش برداشتند و در رأس ستاد کل سپاه ، ۳ لشگر و یک هنگ یعنی مجموعاً ۲۰۰۰۰ نفر بارتش آزادیبخش توده ای پیوستند . لیائو یون جو فرمانده لشگر

۱۱۰ سپاه ۸۵ گومیندان در ۲۷ نوامبر ۱۹۴۸ در لوه جی در جنوب غربی سوسیان از استان ان هوی در طی دومین مرحله عملیات اپراتیو حوای های بر علیه گومیندان سر بشورش برداشت و در رأس ستاد کل لشگر خویش و ۳ هنگ یعنی مجموعاً ۵۵۰۰ نفر بارتش آزادیبخش توده ای پیوست . سون لیان چن معاون فرماندهی یکمین منطقه استقرار آرامش از مناطق گومیندان و فرمانده سپاه ۱۰۷ در ۱۳ نوامبر ۱۹۴۸ در شمال غربی سوی نین از استان جیان سو در طی نخستین مرحله عملیات اپراتیو حوای های تسلیم شد و در رأس ستاد کل سپاه خویش و یک لشگر یعنی مجموعاً ۵۸۰۰ نفر به ارتش آزادیبخش توده ای پیوست . جانو بی گوان ، فرمانده لشگر ۱۵۰ سپاه ۴۴ گومیندان در ۱۸ نوامبر ۱۹۴۸ در ناحیه نیان جوان در مشرق سیو جو از استان جیان سو ، در طی نخستین مرحله عملیات اپراتیو حوای های با بیش از ۲۰۰۰ نفر که سپاهیان باقی مانده تسلیم شده و به ارتش آزادیبخش توده ای پیوست . حوان زی هوا ، فرمانده لشگر ۲۳ سپاه ۸۵ گومیندان ، در دسامبر ۱۹۴۸ در شوان دوی جی در شمال شرقی مون چن از استان ان هوی ، در طی دومین مرحله عملیات اپراتیو حوای های تسلیم شده و در رأس ستاد کل لشگر و آنچه از ۲ هنگ باقیمانده بود به ارتش آزادیبخش توده ای پیوست .

۲ - چان چون از زمستان ۱۹۴۷ بمحاصره ارتش آزادیبخش توده ای شمال شرقی در آمد . پس از آنکه جین جو گرفته شد و آنگا که همه سپاهیان دشمن در شمال شرقی بتزلزل افتاده بودند جن دون گوه فرمانده سپاهیان گومیندان در چان چون و معاون ستاد کل شمال شرقی برای " امحای راهزنان " در رأس واحد ها و دوائری که مستقیماً تابع ستاد کل ارتش های یکم بودند و تحت فرماندهی او قرار داشتند و همچنین کلیه افسران و سربازان سپاه هفتم جدید در ۱۹ اکتبر ۱۹۴۸ اسلحه بزمین گذاشت .

۳ - با وجود توصیه هائی که در این پیام شده است دو یو مین معاون ستاد کل گومیندان برای " امحای راهزنان " در سیو جو ، چپو چینگ چیون ، فرمانده دومین گروه ارتش های گومیندان ، ولی می فرمانده سیزدهمین گروه ارتش های گومیندان به مقاومت نومیدانه ادامه دادند و این امر منجر شد به نابودی کلیه سپاهیان آنها بوسیله تعرض پرتوان ارتش ما . در یو مین اسیر شد . چپو چینگ چیون بقتل رسید . فقط لی می توانست بگریزد .

انقلاب را بسر انجام برسانیم

(۳۰ دسامبر ۱۹۴۸)

اکنون حتی دشمنان ما هم در اینکه خلق چین در جنگ کبیر آزادیبخش به پیروزی نهائی خواهد رسید، شک و تردیدی ندارد.

جنگ جریان پر فراز و نشیبی را پیموده است. هنگامیکه دولت مرتجع گومیندان جنگ ضد انقلابی را بر پا کرد، ارتشی تقریباً سه برابر و نیم ارتش آزادیبخش توده ای تحت فرمان داشت؛ تجهیزات نظامی و نیرو انسانی و ذخایر مادی ارتش آن بر ارتش آزادیبخش توده ای بمراتب میچربید و صنایع و وسایل حمل و نقل مدرنی در اختیار داشت که ارتش آزادیبخش توده ای فاقد همه آنها بود و علاوه بر این، کمکهای نظامی و اقتصادی هنگفتی از امپریالیسم آمریکا دریافت میکرد و از مدتها پیش خود را برای جنگ آماده کرده بود. بدینجهت در اولین سال جنگ (از ژوئیه سال ۱۹۴۶ تا ژوئن سال ۱۹۴۷) گومیندان در حال تعرض و ارتش آزادیبخش توده ای در حال دفاع بود. گومیندان در سال ۱۹۴۶ مناطق زیر را بتصرف خود در آورد: در شمال شرقی شهر شن یان، سی پین، چان چون، جی لین، ان دون و شهرهای دیگر و بخش اعظم استانهای لیائو نین، لیائو به و ان دون (۱)؛ در جنوب رود خانه زرد شهرهای حوای بین و حه زه و غیره و بخش اعظم مناطق آزاد شده حو به - حه نان - ان هوی، جیان سو - ان هوی، حه نان - ان هوی - جیان سو و جنوب غربی شان دون؛ در شمال دیوار بزرگ شهرهای چن ده، جی نین، جان جیا کو و شهرهای دیگر و بخش اعظم استانهای ژه هه، سوی یوان، چاهار. گومیندان سرمست از باده پیروزی پایکوبان چون قهرمانی فاتح بخود میباید. در چنین وضعی ارتش آزادیبخش توده ای با اتخاذ استراتژی صحیحی که هدف عمده اش تعویض حفظ و نگهداری مناطق تصرفی نابودی قوای مؤثر گومیندان بود، همه ماهاهه بطور متوسط تقریباً هشت تیپ (برابر با هشت لشکر کنونی) از ارتش منظم گومیندان را نابود ساخت. در نتیجه، گومیندان مجبور گردید که از نقشه حمله عمومی خودصرف نظر کند، و در نیمه اول سال ۱۹۴۷ ناگزیر گشت هدف اصلی حمله

اثر حاضر پیامی است که رفیق مائوتسه دون بمناسبت فرا رسیدن سال نو ۱۹۴۹ برای خبرگزاری سین هوا نوشته است.

خود را بدو جناح جبهه جنوبی یعنی شان دون و شمال شنسی محدود سازد و در سال دوم (از ژوئیه ۱۹۴۷ تا ژوئن ۱۹۴۸) تغییری ریشه ای در جریان جنگ پدید آمد. ارتش آزادیبخش توده ای پس از نابود ساختن تعداد کثیری از افراد ارتش آزادیبخش توده ای پس از نابود ساختن تعداد کثیری از افراد ارتش منظم گومیندان، در جبهه های جنوبی و شمالی از دفاع به تعرض پرداخت، در صورتیکه گومینندان مجبور شد از حمله بدفاع روی آورد. ارتش آزادیبخش توده ای نه فقط موفق شد اکثر مناطقی را که در شمال شرقی و شان دون و شمال شنسی از دست داده بود، باز ستاند، بلکه امکان یافت جبهه جنگ را به مناطق گومینندان یعنی بشمال رود خانه یان تسه و رود خانه وی بسط دهد. بعلاوه ارتش ما در جریان حمله و تصرف شهر های شی جیا جوان، یون چن، سی پین، لوه یان، ای جوان، بانوجی، وی سیان، لین فن و کای فون تاکتیک هجوم به استحکامات را فرا گرفت (۲). ارتش آزادیبخش توده ای در این موقع واحد های توپخانه و مهندسی خود را تشکیل داد. ولی فراموش نشود که ارتش آزادیبخش توده ای نه هوا پیمانی در اختیار داشت و نه تانکی، معذا پس از تشکیل واحد های توپخانه و مهندسی خود که بر واحدهای توپخانه و مهندسی گومیندان برتری داشتند، سیستم دفاعی گومیندان با تمام هوا پیمها و تانکهای ارزش خود را از دست داد. ارتش آزادیبخش توده ای علاوه بر جنگهای متحرک، اکنون قادر است به جنگهای موضعی نیز پردازد. در نیمه اول سومین سال جنگ (از ژوئیه تا دسامبر سال ۱۹۴۸) تغییر ریشه ای دیگری بوقوع پیوست. ارتش آزادیبخش توده ای که مدتها از نظر کمی ضعیف بود، در این زمینه نیز تفوق پیدا نمود و نه فقط موفق به تصرف شهر های مستحکم گومیندان گردید، بلکه توانست واحد های بزرگ صد هزار نفری و حتی چند صد هزار نفری نیروهای نظامی زنده گومینندان را یکجا محاصره و نابود سازد. جریان قلع و قمع نیروهای نظامی گومینندان بوسیله ارتش آزادیبخش توده ای بمراتب سریعتر انجام میگرفت. نظری به آمار واحد های منظم گومینندان - از گردان بالا - که بوسیله ما از پا در آمده اند (منجمله نیروهای نظامی دشمن که قیام کرده و بما ملحق گشته اند) نشان میدهد که در سال اول از ۹۷ تیپ ۴۶ و در سال دوم از ۹۴ تیپ ۵۰ و نیمه اول سال سوم طبق آمار تقریبی از ۱۴۷ لشکر ۱۱۱ لشگر بطور کامل منهدم گردیده اند (۳). در ظرف این شش ماه ۱۵ لشکر دشمن بیش از مجموعه تلفات دو سال اخیرش نابود شده اند. جبهه دشمن از نظر استراتژیک دیگر کاملاً در هم شکسته شده است. نیروهای نظامی دشمن در شمال شرقی بکلی نابود گردیده اند و در شمال چین نیز بزودی در هم کوبیده خواهند شد و فقط تعداد کمی از آنها در مشرق و در دشتهای

مرکزی چین هنوز باقی مانده اند. نابودی نیروهای عمده ارتش گومیندان در شمال درود خانه یان تسه، عبور ارتش آزادیبخش توده ای را از آن رود خانه و پیشروی آنرا بطرف جنوب برای آزادی سراسر چین خیلی آسانتر کرده است. در عین حال خلق چین همانطور که در زمینه نظامی پیروز گردیده، در جبهه های سیاسی و اقتصادی نیز موفقیت‌های شایان توجهی کسب نموده است. باین دلیل افکار عمومی سراسر جهان و حتی مطبوعات امپریالیستی هم دیگر هیچ شک و تردیدی در پیروزی سرتاسری جنگ آزادیبخش خلق چین ندارند.

دشمن خود بخود از بین نمی‌رود. نه مرتجعین چینی و نه نیروهای متجاوز امپریالیسم آمریکا در چین هیچکدام بدخواه خود از صحنه تاریخ خارج نخواهند شد. آنها درست باین علت که پی برده اند از طریق مبارزه صرفاً نظامی قادر به جلوگیری از پیروزی سرتاسری جنگ آزادیبخش خلق چین نیستند، روز بروز وزنه عمده مبارزه خود را بیشتر بر مبارزه سیاسی مینهند. مرتجعین چینی و متجاوزین آمریکائی از یکسو دولت فعلی گومیندان را برای اجرای توطئه های " صلح " خود مورد استفاده قرار میدهند و از سوی دیگر سعی میکنند از بعضی ها که هم با آنها و هم با اردوگاه انقلاب مربوطند، سوء استفاده نمایند، این اشخاص را به فعالیت‌های حيله گرانه تحریک و تهییج کنند تا بتوانند بداخل صفوف اردوگاه انقلاب رخنه کرده و در آنجا یک باصطلاح فراکسیون مخالف تشکیل دهند؛ منظور از این عمل حفظ نیروهای ارتجاع و نابودی نیروهای انقلاب است. طبق اخبار موثق دولت آمریکا تصمیم به انجام چنین توطئه ای گرفته و هم اکنون در چین مشغول اجرای آنست. دولت آمریکا سیاست پشتیبانی محض از جنگ ضد انقلاب گومیندان را با دو شکل جدید مبارزاتی عوض کرده است که عبارتند از:

۱ - تشکیل بقایای نیروهای نظامی گومیندان و باصطلاح نیروهای محلی برای ادامه مقاومت در برابر ارتش آزادیبخش توده ای در جنوب رود خانه یان تسه و در استانهای مرزی دور افتاده؛

۲ - تشکیل یک فراکسیون مخالف در داخل اردوگاه انقلاب بخاطر متوقف ساختن انقلاب در چاچوب کنونی با تمام مسایل ممکن و یا در صورت پیشرفت انقلاب تعدیل آن و جلوگیری از تجاوز بیش از حد بمنافع امپریالیستها و سگهای زنجیری آنان.

امپریالیستهای انگلیس و فرانسه هم از این سیاست آمریکا پشتیبانی میکنند. عمده زیادی هنوز بروشنی این وضع را درک نمیکنند، اما طولی نخواهد کشید که آنها هم متوجه شوند.

مسئله ای که اکنون در برابر خلق چین، کلید احزاب دموکراتیک و تمام سازمانهای توده ای قرار گرفته، اینست که آیا باید انقلاب را بسر انجام رسانید، یا اینکه باید در نیمه راه از آن دست کشید؟ اگر بایستی انقلاب باخر رسانده شود، آنوقت باید استفاده از طریق گوناگون انقلابی کلیه نیروهای ارتجاع را با قطعیت، از بیخ و بن و بطور تمام و کمال نابود سازیم و با پیگیری و استواری تمام در جهت اضمحلال امپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک کوشش کنیم، سلطه ارتجاعی گومیندان را در سراسر کشور بر افکنیم و جمهوری دیکتاتوری دموکراتیک خلق را تحت رهبری پرولتاریا و بر اساس اتحاد کارگران و دهقانان بنا نهیم. فقط از این طریق است که ملت چین میتواند با آزادی کامل دست یابد، کشور از یک نیمه مستعمره به کشوری کاملاً مستقل بدل گردد، خلق چین آزادی واقعی بیابد و ظلم فئودالی و ستم سرمایه بوروکراتیک (سرمایه انحصاری چینی) را برای همیشه ریشه کن کند و بدین ترتیب به صلحی بر اساس وحدت و دموکراسی دست یابد و شرایط لازم را بوجود آورد تا چین از یک کشور فلاحی به کشوری صنعتی تبدیل شود و بدینسان امکان گذار جامعه مبتنی بر بهره کشی انسان از انسان به جامعه سوسیالیستی فراهم گردد. ولی قطع انقلاب در نیمه راه بمعنای سربیزی از اراده مردم و تسلیم شدن در خواست تجاوز کاران خارجی و مرتجعین چینی و فرصت دادن به گومیندان برای التیام زخمهایش خواهد بود تا بتواند روزی با هجوم ناگهان خود انقلاب را خفه کند و سرتاسر کشور را مجدداً بمحاق تاریکی و حفقان افکند. پس اکنون مسئله کاملاً روشن و جدی بدینصورت مطرح میگردد: کدامیک از ایندو راه باید برگزید؟ هر حزب دموکراتیک و هر سازمان توده ای چین باید در این مسئله تعمق کند و با انتخاب یکی از این دو راه موضع خود را روشن نماید. همکاری صادقانه احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده ای چین بدون اینکه در نیمه راه از هم جدا شوند، بستگی دارد بنظر موافق آنان در این مسئله و آمادگی آنها برای وحدت عمل جهت درهم کوبیدن دشمن مشترک خلق چین. در اینجا نیاز به وحدت و همکاری است، نه ایجاد یک "فراکسیون مخالف" و یا برگزیدن یک "راه میانه" (۴). آیا در طول مدتی بیش از بیست سال یعنی از کودتای ضد انقلابی ۱۲ آوریل سال ۱۹۲۷ تاکنون هنوز باندازه کافی ثابت نشده است که مرتجعین چینی بسرکردگی چانکایشک جلدانی هستند که دستشان تماماً بخون انسانها آغشته و در آدمکشی از هیچ عملی ابا ندارند؟ آیا باندازه کافی اثبات نشده است که آنها سگهای زنجیری امپریالیسم و میهن فروشان حرفه ای هستند؟ خودتان قضاوت کنید، خلق چین چه پس از حادثه سی ان در دسامبر سال ۱۹۳۶ و چه از مذاکرات چون چینگ در اکتبر

سال ۱۹۴۵ و چه پس از کنفرانس مشورتی سیاسی در ژانویه سال ۱۹۴۶، بامید استقرار صلح داخلی، چقدر بزرگواری در حق این راهزنان بخرج داده است. ولی آیا این همه خوش نیتی و صداقت حتی باندازه سرموئی در خصلت طبقاتی آنها تغییر داده است؟ اصولاً تاریخ زندگی هیچیک از این راهزنان از امپریالیسم آمریکا جدا شدنی نیست. آنها با اتکاء بامپریالیسم آمریکا ۴۷۰ میلیون از هموطنان ما را به جنگ داخلی پر دامنه و سخت بیسابقه ای کشانده اند و میلیونها مرد و زن، پیر و جوان را با بمب افکن ها و هوا پیما های جنگنده، توپ و تانک، بازوگا و تفنگهای خود کار، بمبهای آتش زا و گاز های سمی و سایر سلاحهای کشنده ساخت آمریکا بقتل رسانده اند. امپریالیسم آمریکا با اتکا باین جانبان، برای خود حقوق ویژه ای نسبت بظاک چین، آبهای ساحلی و فضای کشور ما غصب کرده و کشتیرانی داخلی را با زور تحت کنترل خود در آورده، امتیازات فوق العاده ای در مورد امور تجارتي و در سیاست داخلی و خارجی چین تحصیل نموده و حتی حق یافته است در صورت ضرب و شتم مردم تا حد مرگ و قتل در نتیجه تصادف با اتومبیل و تجاوز بناموس زنان مصونیت قضائی داشته باشد. آیا در چنین وضعی میتوان از خلق چین که مجبور بجنگی طولانی و خونین گردیده، انتظار داشت که باز هم نسبت باین دشمنان شیر و منفور ار خود محبت و دوستی نشان دهد و همه آنها را منهدم و نابود نسازد و یا از کشور بیرون نراند؟ خلق چین فقط در صورتی میتواند باستقلال، دموکراسی و صلح دست یابد که مرتجعین چینی را کاملاً نابود کرده و نیروی متجاوز امپریالیسم آمریکا را از کشور بیرون رانده باشد. آیا حقیقت هنوز بقدر کافی روشن و واضح نیست؟

جالب توجه اینجاستکه اکنون همه دشمنان خلق چین ناگهان بتکاپو افتاده اند تا خود را بی آزار و حتی قابل ترحم جلوه دهند (خوانندگان باید توجه کنند که آنها در آینده هم چنین وانمود خواهند کرد). سون کا که بتازگی بریاست شورای اجرائی حکومت گومیندان منصوب شد، مگر در ژوئن سال گذشته اظهار نداشت: " بشرط آنکه در عرصه نظامی تا آخر مبارزه کنیم دیر یا زود مسئله حل خواهد شد " ولی همین شخص اکنون بمحض اینکه روی کار آمد، دم از یک حمله خود را بدو جناح جبهه جنوبی یعنی شان دون و شمال شنسی محدود سازد و در سال دوم (از ژوئیه ۱۹۴۷ تا ژوئن ۱۹۴۸) تغییری ریشه ای در جریان جنگ پدید آمد. ارتش آزادیبخش توده ای پس از نابود ساختن تعداد کثیری از افراد ارتش آزادیبخش توده ای پس از نابود ساختن تعداد کثیری از افراد ارتش منظم گومیندان، در جبهه های جنوبی و شمالی از دفاع به تعرض پرداخت، در صورتیکه گومیندان مجبور شد از حمله بدفاع روی آورد. ارتش آزادیبخش توده ای نه فقط موفق شد اکثر مناطقی را که در شمال

شرقی و شان دون و شمال شنسی از دست داده بود، باز ستاند، بلکه امکان یافت جبهه جنگ را به مناطق گومیندان یعنی بشمال رود خانه یان تسه و رود خانه وی بسط دهد. بعلاوه ارتش ما در جریان حمله و تصرف شهر های شی جیا جوان، یون چن، سی پین، لوه یان، ای چوان، بائوجی، وی سیان، لین فن و کای فون تاکتیک هجوم به استحکامات را فرا گرفت (۲). ارتش آزادیبخش توده ای در این موقع واحد های توپخانه و مهندسی خود را تشکیل داد. ولی فراموش نشود که ارتش آزادیبخش توده ای نه هوا پیمائی در اختیار داشت و نه تانکی، معذا پس از تشکیل واحد های توپخانه و مهندسی خود که برواحدهای توپخانه و مهندسی گومیندان برتری داشتند، سیستم دفاعی گومیندان با تمام هوا پیما ها و تانکهایش ارزش خود را از دست داد. ارتش آزادیبخش توده ای علاوه بر جنگهای متحرک، اکنون قادر است به جنگهای موضعی نیز بپردازد. در نیمه اول سومین سال جنگ (از ژوئیه تا دسامبر سال ۱۹۴۸) تغییر ریشه ای دیگری بوقوع پیوست. ارتش آزادیبخش توده ای که مدتها از نظر کمی ضعیف بود، در این زمینه نیز تفوق پیدا نمود و نه فقط موفق به تصرف شهر های مستحکم گومیندان گردید، بلکه توانست واحد های بزرگ صد هزار نفری و حتی چند صد هزار نفری نیروهای نظامی زنده گومیندان را یکجا محاصره و نابود سازد. جریان قلع و قمع نیروهای نظامی گومیندان بوسیله ارتش آزادیبخش توده ای بمراتب سریعتر انجام میگرفت. نظری به آمار واحد های منظم گومیندان - از گردان ببالا - که بوسیله ما از پا در آمده اند (منجمله نیروهای نظامی دشمن که قیام کرده و بما ملحق گشته اند) نشان میدهد که در سال اول از ۹۷ تیپ ۴۶ و در سال دوم از ۹۴ تیپ ۵۰ و نیمه اول سال سوم طبق آمار تقریبی از ۱۴۷ لشکر ۱۱۱ لشکر بطور کامل منهدم گردیده اند (۳). در ظرف این شش ماه ۱۵ لشکر دشمن بیش از مجموعه تلفات دو سال اخیرش نابود شده اند. جبهه دشمن از نظر استراتژیک دیگر کاملاً در هم شکسته شده است. نیروهای نظامی دشمن در شمال شرقی بکلی نابود گردیده اند و در شمال چین نیز بزودی در هم کوبیده خواهند شد و فقط تعداد کمی از آنها در مشرق و در دشتهای مرکزی چین هنوز باقی مانده اند. نابودی نیروهای عمده ارتش گومیندان در شمال درود خانه یان تسه، عبور ارتش آزادیبخش توده ای را از آن رود خانه و پیشروی آنرا بطرف جنوب برای آزادی سراسر چین خیلی آسانتر کرده است. در عین حال خلق چین همانطور که در زمینه نظامی پیروز گردیده، در جبهه های سیاسی و اقتصادی نیز موفقیتهای شایان توجهی کسب نموده است. باین دلیل افکار عمومی سراسر جهان و حتی مطبوعات امپریالیستی هم دیگر هیچ شک و تردیدی در پیروزی سرتاسری جنگ آزادیبخش خلق چین ندارند.

دشمن خود بخود از بین نمیرود. نه مرتجعین چینی و نه نیروهای متجاوز امپریالیسم آمریکا در چین هیچکدام بدخواه خود از صحنه تاریخ خارج نخواهند شد. آنها درست باین علت که پی برده اند از طریق مبارزه صرفاً نظامی قادر به جلوگیری از پیروزی سرتاسری جنگ آزادیبخش خلق چین نیستند، روز بروز وزنه عمده مبارزه خود را بیشتر بر مبارزه سیاسی مینهند. مرتجعین چینی و متجاوزین آمریکائی از یکسو دولت فعلی گومیندان را برای اجرای توطئه های " صلح " خود مورد استفاده قرار میدهند و از سوی دیگر سعی میکنند از بعضی ها که هم با آنها و هم با اردوگاه انقلاب مربوطند، سوء استفاده نمایند، این اشخاص را به فعالیتهای حيله گرانه تحریک و تهییج کنند تا بتوانند بداخل صفوف اردوگاه انقلاب رخنه کرده و در آنجا یک باصطلاح فراکسیون مخالف تشکیل دهند؛ منظور از این عمل حفظ نیروهای ارتجاع و نابودی نیروهای انقلاب است. طبق اخبار موثق دولت آمریکا تصمیم به انجام چنین توطئه ای گرفته و هم اکنون در چین مشغول اجرای آنست. دولت آمریکا سیاست پشتیبانی محض از جنگ ضد انقلاب گومیندان را با دو شکل جدید مبارزاتی عوض کرده است که عبارتند از:

۱ - تشکیل بقایای نیروهای نظامی گومیندان و باصطلاح نیروهای محلی برای ادامه مقاومت در برابر ارتش آزادیبخش توده ای در جنوب رود خانه یان تسه و در استانهای مرزی دور افتاده:

۲ - تشکیل یک فراکسیون مخالف در داخل اردوگاه انقلاب بخاطر متوقف ساختن انقلاب در چاچوب کنونی با تمام مسایل ممکن و یا در صورت پیشرفت انقلاب تعدیل آن و جلوگیری از تجاوز بیش از حد بمنافع امپریالیستها و سگهای زنجیری آنان.

امپریالیستهای انگلیس و فرانسه هم از این سیاست آمریکا پشتیبانی میکنند. عده زیادی هنوز بروشنی این وضع را درک نمیکند، اما طولی نخواهد کشید که آنها هم متوجه شوند

مسئله ایکه اکنون در برابر خلق چین، کلید احزاب دموکراتیک و تمام سازمانهای توده ای قرار گرفته، اینستکه آیا باید انقلاب را بسرانجام رسانید، یا اینکه باید در نیمه راه از آن دست کشید؟ اگر بایستی انقلاب باآخر رسانده شود، آنوقت باید استفاده از طریق گوناگون انقلابی کلیه نیروهای ارتجاع را با قطعیت، از بیخ و بن و بطور تمام و کمال نابود سازیم و با پیگیری و استواری تمام در جهت اضمحلال امپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک کوشش کنیم، سلطه ارتجاعی گومیندان را در سراسر کشور بر افکنیم و جمهوری دیکتاتوری دموکراتیک

خلق را تحت رهبری پرولتاریا و بر اساس اتحاد کارگران و دهقانان بنا نهیم . فقط از این طریق است که ملت چین میتواند با آزادی کامل دست یابد ، کشور از یک نیمه مستعمره به کشوری کاملاً مستقل بدل گردد ، خلق چین آزادی واقعی بیابد و ظلم فئودالی و ستم سرمایه بوروکراتیک (سرمایه انحصاری چینی) را برای همیشه ریشه کن کند و بدین ترتیب به صلحی بر اساس وحدت و دموکراسی دست یابد و شرایط لازم را بوجود آورد تا چین از یک کشور فلاحتی به کشوری صنعتی تبدیل شود و بدینسان امکان گذار جامعه مبتنی بر بهره کشی انسان از انسان به جامعه سوسیالیستی فراهم گردد. ولی قطع انقلاب در نیمه راه بمعنای سرپیچی از اراده مردم و تسلیم شدن در خواست تجاوز کاران خارجی و مرتجعین چینی و فرصت دادن به گومیندان برای التیام زخمهایش خواهد بود تا بتواند روزی با هجوم ناگهان خود انقلاب را خفه کند و سرتاسر کشور را مجدداً بمحاق تاریکی و حفقان افکند. پس اکنون مسئله کاملاً روشن و جدی بدینصورت مطرح میگردد : کدامیک از ایندو راه باید برگزید ؟ هر حزب دموکراتیک و هر سازمان توده ای چین باید در این مسئله تعمق کند و با انتخاب یکی از این دو راه موضع خود را روشن نماید . همکاری صادقانه احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده ای چین بدون اینکه در نیمه راه از هم جدا شوند ، بستگی دارد بنظر موافق آنان در این مسئله و آمادگی آنها برای وحدت عمل جهت درهم کوبیدن دشمن مشترک خلق چین . در اینجا نیاز به وحدت و همکاری است ، نه ایجاد یک " فراکسیون مخالف " و یا برگزیدن یک " راه میانه " (۴) . آیا در طول مدتی بیش از بیست سال یعنی از کودتای ضد انقلابی ۱۲ آوریل سال ۱۹۲۷ تاکنون هنوز باندازه کافی ثابت نشده است که " صلح شرافتمندانه " زد و اعلام کرد : " ولت تمام هم و کوشش خود را در راه صلح بکار بسته است و فقط باین علت که صلح هنوز نتوانسته برقرار شود ، اجباراً میجنگد ، ولی هدف نهائی از جنگ استقرار مجدد صلح است " . بلافاصله خبر گزاری « یوناتید پرس » در تاریخ بیست و یکم دسامبر از شانگهای پیش بینی کرد که اعلامیه سون کا " در محافل رسمی ایالات متحد آمریکا و در بین لیبرالهای گومیندان شدیداً مورد استقبال قرار خواهد گرفت " . در حال حاضر مقامات رسمی آمریکا نه فقط راغب " صلح " در چین میباشند ، بلکه بارها ادعا کرده اند که ایالات متحده آمریکا پس از کنفرانس وزیران امور خارجه اتحاد شوروی ، آمریکا و بریتانیا در دسامبر سال ۱۹۴۵ در مسکو " از سیاست عدم مداخله در امور داخلی چین " ، پیروی میکند . حال تکلیف ما با این آقایان " سرزمین جنتلمن ها " چیست ؟ در اینجا این افسانه باستانی یونان کاملاً مصداق می یابد : " روستازاده ای در یکی از روز های زمستان ، ماری را که از فرط سرما یخ زده

بود، پیدا کرد و از روی ترحم و دلسوزی روی سینه خود جای داد. مار در اثر گرما، دوباره جان گرفت و بنابر طبیعت ذاتی اش نیش کشنده ای در سینه ناجی خود فرو کرد. دهقان در حال احتضار زیر لب چنین گفت: ترحم کردن بیک موجود شریر، پاداشی به از این ندارد!" (۵) مار های سمی خارجی و چینی نیز برای خلق چین مرگی چون مرگ آن دهقان را آرزو میکنند و امیدوارند که حزب کمونیست چین و تمام انقلابیون دموکرات مانند آن دهقان درمقابل آنان بر سر رحم و شفقت آیند؛ ولی خلق چین، حزب کمونیست چین و تمام انقلابیون دموکرات واقعی آخرین سخنان آن زحمتکش را شنیده و برای همیشه در خاطر نگا خواهند داشت. علاوه بر این، مارهائیکه در قسمت اعظم خاک چین چمباتمه زده اند - چه بزرگ و چه کوچک، چه سیاه و چه سفید و چه دندان زهرآلود خود را نشان دهند و چه بصورت دخترکان زیبارو در آیند - با وجود آنکه سرمای زمستان را حس کرده اند، هنوز از شدت سرما خشک نشده اند.

خلق چین نسبت باین بی سیر تان مار صفت هرگز ترحمی بدل راه نخواهد داد و عمیقاً معتقد است بی سیر تان مار صفت هرگز ترحمی بدل راه نخواهد داد و عمیقاً معتقد است که کسانی که مزورانه ادعا میکنند باید نسبت باین اراذل دلسوزی و شفقت نشان داد و گرنه خلاف سنن چین و بزرگواری عمل شده است، نمیتوانند دوست صدیق خلق چین باشند. بکدام مجوزی باید باین مارصفتان رذل ترحم و ارفاق کرد؟ کدام کارگر و کدام دهقان و سربازی است که برای این اراذل درخواست رحم و شفقت بکند؟ بی شک بعضی "لیبرالهای گومیندان" و "یا" لیبرالهای "خارج از گومیندان هستند که بخلق چین پند و اندرز میدهند که پیشنهاد "صلح" آمریکا و گومیندان را بپذیرد، بعبارت دیگر باید از بقایای امپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک همچون اشاء مقدس نگاهداری شود و مراقب بود تا مبادا این گنجینه نابات از صحنه گیتی ناپدید گردد. ولی اینان قطعاً نه کارگران و دهقانان و سربازان اند و نه دوستان کارگر و دهقانان و سربازان.

ما معتقدیم که اردو گاه انقلابی خلق چین باید همچنان توسعه یابد و تمام آنکسانی را که در حال حاضر مایل بشکت در امر انقلابند، در بر گیرد. انقلاب خلق چین نیازمند یک ارتش اصلی است ولی به متحدینی نیز احتیاج دارد، زیرا یک ارتش بدون متحد قادر به درهم شکستن دشمن نخواهد بود. خلق چین که اکنون در قله انقلاب ایستاده، نیازمند دوست است و باید همیشه یاد دوستان خود را در خاطر زنده نگاهدارد و هرگز خاطره آنانرا فراموش نکند. شکی نیست که در چین دوستان زیادی هستند که بامر انقلاب خلق وفادارند و باکوشش تمام از منافع خلق دفاع

میکنند و از دفاع از منافع دشمن سرباز میزنند. فراموش کردن حتی یکی از این دوستان و یا بی اعتنائی نسبت به یکی از آنان هرگز روانیست. ما همچنین برانیم که اردوگاه انقلابی خلق چین باید همچنان مستحکم گردد و بهیچوجه نباید به عناصر خرابکار راه داده شود که بتوانند بداخل این اردوگاه نفوذ کنند و یا نظرات نادرست موضع مسلط یابند. خلق چین در این مرحله از اوج انقلاب نه فقط باید خاطره دوستان خود را در سینه محفوظ دارد، بلکه باید دشمنان خود و دوستان آنرا نیز هیچگاه از یاد دور ندارد. همانطور که در بالا گفتیم، از آنجا که دشمن مکارانه متد "صلح" و رخنه کردن به صفوف انقلابیون را بکار میبرد و سعی در حفظ و تحکیم موقعیت خویش دارد و از آنجا که منافع اساسی خلق ایجاب میکند که کلیه مرتجعین را کاملاً نابود کنیم و نیروهای تجاوز کار امپریالیسم آمریکا را از چین بیرون رانیم، لذا آنانیکه بخلق پند و اندرز میدهند بدشمن رحم و شفقت کند و از نیروی ارتجاعی حفاظت نماید، دوستان خلق نیستند، بلکه دوستان دشمن میباشند.

امواج توفنده انقلاب چین کلیه قشر های اجتماعی را مجبور بموضع گیری میکند. تناسب نیروهای طبقاتی در چین مجدداً تغییر میابد و هر روز توده های بیشتری از مردم قید و بند تاثیر و کنترل گومیندان را میگسلند و باردوگاه انقلاب میپویندند؛ ولی در مقابل، مرتجعین چینی که در بن نست سختی دست و پا میزنند، هم اکنون دیگر تنها و منفرد گشته اند. هر چه جنگ آزادیبخش توده های به پیروزی نهائی نزدیک میشود، همه خلق انقلابی و دوستان خلق پیوند اتحاد خود را محکمتر میسازند و تحت رهبری حزب کمونیست چین نابودی نهائی نیروهای ارتجاعی و گسترش قاطع نیروهای انقلاب را طلب میکنند تا در سراسر کشور یک جمهوری دموکراتیک خلق بنا شود و صلح بر اساس اتحاد دموکراسی بدست آید. بالعکس امپریالیستهای آمریکا و مرتجعین چینی و دوستان آنان با وجود اینکه قادر باتحاد استوار با یکدیگرند و متقابلاً بیکدیگر خیانت میکنند، معذک همه آنها در یک نکته متفق القولند: آنها با توسل بهر وسیله ای در راه نابودی نیروهای انقلاب و حفظ نیروهای ارتجاع خواهند کوشید و بدین خاطر از هر وسیله آشکار و پنهان، مستقیم و غیر مستقیم استفاده خواهند کرد. ولی ما با اطمینان تمام میتوانیم بگوئیم که دسیسه های سیاسی آنها با همان شکستی که حملات نظامی شان دچار شد، روبرو خواهد گشت. خلق چین و ستاد کل فرماندهی آن، حزب کمونیست چین که تجربیات کافی در اختیار دارند، مسلماً دسایس دشمن را خنثی خواهند کرد - کما اینکه حملات نظامی دشمن را درهم کوبیدند - و جنگ کبیر آزادیبخش توده ای

چین به جنوب رود خانه یان تسه پیشروی خواهد کرد و از سال ۱۹۴۸ پیروزیهای باز هم عظیمتری بدست خواهد آورد .

در سال ۱۹۴۹ موفقیت‌های ما در جبهه اقتصادی باز هم بیشتر از سال ۱۹۴۸ خواهند شد . میزان تولیدات کشاورزی و صنعتی ما از میزان کنونی بالاتر خواهد رفت . کلیه خطوط راه آهن و جاده های شوسه ترمیم خواهند شد . واحد های عمده ارتش آزادیبخش توده ای در عملیات جنگی خود بقایای روحیه پارتیزانی را بر طرف خواهند ساخت و به شکل عالیتر ارتش منظم خواهند رسید .

در سال ۱۹۴۹ کنفرانس مشورتی سیاسی بدون شرکت مرتجعین و بخاطر انجام وظایف انقلاب توده‌های تشکیل خواهد شد و جمهوری توده ای چین اعلام و دولت مرکزی جمهوری تاسیس خواهد گردید . این دولت یک دولت ائتلافی دموکراتیک تحت رهبری حزب کمونیست چین خواهد بود و افراد صالح که نمایندگان احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده ای میباشد ، در آن شرکت خواهند داشت .

اینها وظایف مهم و مشخص هستند که خلق چین و حزب کمونیست چین و تمام احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده ای چین در سال ۱۹۴۹ برای انجام آنها باید از هیچ سعی و کوششی فروگذار نکنند . ما از هیچ مشکلی نمیهراسیم و همه دوشادوش یکدیگر چون پیکری واحد در انجام این وظایف خواهیم کوشید .

ما در مبارزه خود ظلم چند هزار ساله فئودالی و ستم صد ساله امپریالیسم را برای همیشه از میان بر خواهیم داشت . سال ۱۹۴۹ سال پر اهمیتی خواهد بود و ما بایستی سعی و کوشش خود را چندین برابر کنیم .

یادداشتها

۱- پس از تسلیم ژاپن در سال ۱۹۴۵ ، دولت گومیندان سه استان شمال شرقی (یعنی لیاو نین ، جی لین ، حی لون جیان) را به نه استان تقسیم کرد که عبارت بودند از لیاو نین ، لیاو به ، ان دون ، جی لین ، حه جیان ، سون جیان ، حی لون جیان ، نن جیان ، سین ان ؛ ولی در سال ۱۹۴۹ کمیسیون اداری شمال شرقی ما این مناطق را به ۵ استان تقسیم کرد که عبارت بودند از لیاو دون ، لیاو سی ، جی لین ، حی لون جیان ، سوان جیان و از آن پس این استان بانضمام استان ژه هه بنام ۶ استان شمال شرقی معرف شدند . سال ۱۹۵۴ شورای دولت مرکزی توده ای از دو استان لیاو دون و لیاو سی ، استان لیاو نین و از دو استان سون جیان و حی لون جیان استان حی لون جیان را تشکیل داد ؛ استان جی لین همچنان باقی ماند . سال ۱۹۵۵ استان ژه هه منحل شد و به استانهای حه به و لیاو نین تقسیم شد .

۲- این مواضع کلیدی بقرار ذیل تحت اشغال در آمدند: شی جیا جوان در تاریخ ۱۲ نوامبر ۱۹۴۷، یون چن در تاریخ ۲۸ دسامبر ۱۹۴۷، سی پین در تاریخ ۱۳ مارس ۱۹۴۸، لوه یان ابتدا در تاریخ ۱۴ مارس ۱۹۴۸ و سپس جدداً در تاریخ ۵ آوریل ۱۹۴۸، ای چون در تاریخ ۳ مارس ۱۹۴۸، بانو جی در تاریخ ۲۶ آوریل ۱۹۴۸، وی سیان در تاریخ ۲۷ آوریل ۱۹۴۸، لین فن در تاریخ ۱۷ مه ۱۹۴۸، کای فون در تاریخ ۲۲ ژوئن ۱۹۴۸. کلیه این شهرها بوسیله قلاع متعدد و بعضی از آنها بوسیله دیوارهای مستحکم محافظت میشدند. بعلاوه این شهرها دارای استحکامات دفاعی و شبکه های سنگر بندی و سیمای خاردار و موانع چوبی نیز بودند. ارتش ما در آنزمان نه هواپیمائی داشت و نه تانکی، توپخانه هم اصلاً نداشت یا خیلی کم داشت. از اینرو ارتش ما در حمله و تصرف این شهرها برای اشغال این استحکامات یک سلسله تاکتیکهائی فرا گرفت که مهمترین آنها عبارت بودند از:

(۱) عملیات تخریبی متوالی - استفاده از مواد منفجره برای تخریب متوالی استحکامات دفاعی دشمن؛

(۲) نقب زنی - تونلهای مخفی تا زیر قلاع و یا دیوارهای شهر دشمن که سپس از آنرا بوسیله مواد منفجره منهدم میشدند و در تعقیب آن عملیات شدید شیخونی انجام میگرفت؛

(۳) سنگرهای طویل - حفر سنگرهای مخفی تا نزدیکی مواضع مستحکم دشمن و سپس شبخون زدن؛

(۴) پرتاب مواد منفجره - پرتاب مواد منفجره بوسیله راکت یا خمپاره انداز برای انهدام استحکامات دفاعی دشمن؛

(۵) تاکتیک "چاقو نوک تیز" تمرکز قوای نظامی و نیروی آتش در یک نقطه برای نفوذ در خطوط دشمن و متفرق ساختن نیروهای دشمن.

۳- مقصود از تیپ در اینجا تیپهائی است که پس از تجدید سازمان ارتش گومیندان تشکیل شدند، حال آنکه منظور از لشکر در اینجا لشکرهای قبل از تجدید سازمان ارتش گومیندان میباشد که در واقع برابر با تیپهای همین زمان است.

۴- "راه میانه" همان باصطلاح راه سوم بود. مراجعه شود به «اوضاع کنونی و وظایف ما» یادداشت ۸، جلد حاضر.

۵- «نیکی را با بدی جواب دادن» از افسانه ایسوب.

درباره تقاضای صلح از طرف جنایتکار جنگ

(۵ ژانویه ۱۹۴۹)

چانکایسک ، این جنایتکار شماره یک جنگ در چین و این سرکرده دارودسته راهزنان گومیندان ، بمنظور حفظ نیروهای ارتجاع چین و نیروهای تجاوزکار آمریکا در چین ، در روز اول سال اظهاریه ای داد و در آنجا خواهان صلح شد . چانکایسک ، این جنایتکار جنگ در آنجا چنین میگوید :

بشرط آنکه مذاکرات صلح باستقلال و تمامیت کشور زبان نرساند و بتواند به نیرو گرفتن خلق کمک کند ، بشرط آنکه قانون اساسی مقدس با اقدامات منقض نشود و به رژیم مشروط دموکراتیک لطمه ای وارد نیاید ، بشرط آنکه شکل دولتی جمهوری چین ضمانت شود و سیستم قضائی جمهوری چین دست نخورد ، بشرط آنکه نیروهای مسلح بطور مطمئن محفوظ بمانند و خلق بتواند شیوه آزاد زندگی خود را نگهدارد و حد اقل سطح زندگی کنونی خویش را حفظ کند ، من شخصاً تقاضای دیگر ندارم .

... بشرط آنکه صلح بتواند بصورت واقعیت در آید برای من یکسان است که در شغل خود بمانم و یا بکناری روم . من تسلیم اراده خلق خواهم بود .
در این فکر نیاشید که تقاضای صلح از طرف جنایتکار جنگ امری تمسخر انگیز است . در این فکر نباشید که چنین اظهاریه ای حاکی از تقاضای صلح واقعاً انزجار آور است . باید این نکته را دریافت که این واقعیت که جنایتکار شماره یک جنگ سرکرده دارو دسته رهزنان گومیندان شخصاً به تقاضای میپردازد و چنین اظهاریه ای صادر میکند برای خلق چین فایده آشکاری ندارد باین معنی که بوی امکان شناختن

متن حاضر نخستین تفسیر از سلسله تفسیر هائی است که بوسیله رفیق مائوتسه دون بمنظر افشاء گومیندان که از مذاکرات صلح برای حفظ نیروهای ضد انقلابی خویش استفاده میکرد برای خبرگزاری سین هوا نوشته شده است . متن های طبرین نیز در جزو سلسله تفسیر های مذکور میباشد : « چرا مرتجعان که در پراگندگی کامل افتاده اند هنوز بیهوده برای " صلح همگانی " جنجال میکنند ؟ » ، « مرتجعان گومیندان از " دعوت به صلح " به دعوت به جنگ روی آورده اند » ، « تفسیری در باره پاسخ های گوناگون گومیندان به مسئله مسئولیت جنگ » ، دولت نانکن بکجا میرود ؟ » .

توطئه ای را می‌دهد که دارودسته راهزنان گومیندان و امپریالیسم آمریکا طرح کرده اند. خلق چین می‌تواند از اینجا نتیجه بگیرد که آن "صلحی" که در پیرامونش اینهمه جنجال میکنند همان چیزی است که مورد احتیاج مبرم دارودسته آدمکشان چانکایشک و خداوندگاران آمریکائی آنهاست.

چانکایشک تمام نقشه دارو دسته خود را فاش ساخته است. اینک نکات اساسی این نقشه:

"... (که مذاکرات صلح) با استقلال و تمامیت کشور زیان نرساند" - این مطلب در درجه اول اهمیت است. باشد. ولی "صلحی" که به "استقلال و تمامیت" کشور در دست چهار خانواده بزرگ و طبقات کمپرادورها و مالکان ارضی زیان برساند هزار بار نباشد. "صلحی" که به موافقت نامه هائی نظیر موافقتنامه دوستی تجارت و دریانوردی چین و آمریکا، قرار داد حمل و نقل هوائی چین و آمریکا (۱) و قرارداد دوجانبه چین و آمریکا (۲) و یا به مزایائی که آمریکا در چین بدست آورده است - مانند حق نگهداری نیروی زمینی، دریائی و هوائی در چین، حق استقرار پایگاه‌های نظامی، حق بهره برداری از معادن و حق برخورداری از انحصار تجاری - زیان برساند و بامر تبدیل چین به مستعمره آمریکا لطمه وارد سازد غیر ممکن است. بطور خلاصه هر "صلحی" که یکی از وسائل حفظ "استقلال و تمامیت" دولت ارتجاعی چانکایشک را بخطر اندازد غیر ممکن است.

"... (که مذاکرات صلح) بتواند به نیرو گرفتن خلق کمک کند" - "صلح" باید به مترجعان چین که مغلوب گشته ولی هنوز نابود نشده اند کمک کند که نیرو بگیرند تا پس از نیرو گرفتن بتلافی برخیزند و انقلاب را درهم بشکنند. برای اینست که "صلح" میخواهند. دوسال و نیم است که جنگ ادامه یافته و آمریکائیه‌ها بخشم آمده اند زیرا که "سگ شکاری آنها دیگر از دویدن باز مانده است". یک راحت باش اگر چه خیلی کوتاه باشند بیموقع نیست.

"... که قانون اساسی مقدس با اقدامات من نقض نشود و برژیم مشروط دموکراتیک لطمه ای وارد نیاید، که شکل دولتی جمهوری چین ضمانت شود و سیستم قضائی جمهوری چین دست نخورد" - یعنی موقعیت مسلط طبقات و حکومت مرتجع چین ضمانت شود و "سیستم قضائی" این طبقات و این حکومت "دست نخورد". این "سیستم قضائی" هرگز نباید "دست بخورد" زیرا که خیلی خطرناک خواهد بود. این بمعنای حذف کامل طبقات کمپرادورها و مالکان ارضی، بمعنای فحای دارودسته راهزنان گومیندان، بمعنای دستگیری و مکافات کلیه جنایتکاران جنگ، اعم از بزرگ و متوسط و کوچک، خواهد بود.

"... که نیروهای مسلح بطور مطمئن محفوظ بمانند - نیروهای مسلح جان طبقات کمپرادورها و مالکان ارضی اند. اگر چه چند میلیون نفر از این سپاهیان بدست ارتش آزادیبخش توده ای، این ارتش منفور، نابود شده اند هنوز نیروئی باندازه یک میلیون و چند صد هزار نفر باقی است که باید "محفوظ" بماند و "بطورمطمئن" محفوظ بماند. اگر این نیرو "محفوظ" بماند ولی "بطور مطمئن" محفوظ نماند طبقات کمپرادور ها و مالکان ارضی سرمایه خود را از دست خواهند داد، "سیستم قضائی" در هر حال "دست" خواهد خورد، دارائی دسته راهزنان گومیندان در هر حال از میان برداشته خواهد شد و جنایتکاران جنگ، اعم از بزرگ و متوسط و کوچک، در هر حال دستگیر خواهند گردید. بمکافات خواهند رسید. همچنانکه حیات جیا بائو یو از "باغ خوش مناظر" به قطعه زبر جدی وابسته بود که وی برگردن داشت (۳) حیات گومیندان وابسته بارتش آن است. پس چگونه میتوان جرأت کرد و گفت که ارتش وی نباید "محفوظ" بماند و با اینکه "محفوظ" بماند ولی نه "بطور مطمئن"؟

"... که خلق بتواند شیوه آزاد زندگی خود را نگهدارد و حد اقل سطح زندگی کنونی خویش را حفظ کند" این به آن معناست که طبقات کمپرادورها و مالکان ارضی چین باید آزادی ستمکاری بر قاطبه خلق و استثمار وی را حفظ کنند و سطح زندگی کنونی مجلل و آمیخته به عیش و تن آسائی خویش را نگهدارند، در حالی که خلق زحمتکش چین باید آزادی خویش را در ستم دیدن و استثمار شدن حفظ کند و سطح زندگی کنونی خود را که مستلزم رنج کشیدن از سرما و گرسنگی است نگهدارد. اینست هدف نهائی جنایتکاران جنگ از تقاضای صلح. اگر جنایتکاران جنگ و طبقاتی که این جنایتکاران از آن برخاسته اند نتوانند آزادی خویش را در ستمکاری بر خلق و استثمار وی حفظ کنند و نتوانند سطح زندگی مجلل و آمیخته به عیش و تن آسائی خود را نگدارند صلح بچه کار میآید؟ برای حفظ اینها طبیعی است که کارگران، دهقانان، روشنفکران، کارمندان و معلمان باید "شیوه آزاد زندگی خود و حد اقل سطح زندگی" کنونی خود را که مستلزم رنج کشیدن از سرما و گرسنگی است نگهدارند. همینکه این شرط از طرف پرزیدنت محبوب ما چان مطرح شد ده ها میلیون کارگر، پیشه ور و دارنده مشاغل آزاد، صد ها میلیون دهقان، میلیون ها روشنفکر، کارمند و معلم وظیفه دیگری ندارند جز اینکه باتفاق کف بزنند و یا فریاد "زندباد پرزیدنت" را بر خاک بیفتند. هرگاه حزب کمونیست در رد صلح اصرار ورزد و از امکان حفظ این شیوه زندگی و این سطح درخشان زندگی جلو گیرد

هزار بار سزاوار مرگ است و " حزب کمونیست مسئول کلیه عواقبی محسوب خواهد شد که از آن ناشی گردد " .

ولی ما هنوز همه دروغ‌گوهر این اظهاریه اول ژانویه را که حاکی از تقاضای صلح از طرف جنایتکار جنگ است عرضه نداشته ایم . اینک یک دروغ‌گوهر دیگر : " نبرد قطعی در ناحیه نانکن - شانگهای " که چانکایشک در پیام اول سال خود از آن صحبت میدارد . نیروی لازم برای این " نبرد قطعی " کجاست ؟ چانکایشک میگوید : " بدانید که در هر عرصه ای ، خواه سیاسی ، و خواه اقتصادی ، نیروئی که امروز دولت در اختیار دارد چندین بار و حتی چندین ده بار از نیروی حزب کمونیست بیشتر است . " وای وای ! بطور ممکن است در برابر چنین نیروئی از ترس قالب تهی نکرد ! عرصه سیاسی اقتصادی را کنار بگذاریم و فقط " نیروی نظامی " را در نظر بگیریم : اکنون ارتش آزادیبخش توده ای بیش از ۳ میلیون نفر دراد و نیروئی که دو برابر او باشد میشود بیش از ۶ میلیون ، و اگر ده برابر او باشد میشود بیش از ۳۰ میلیون . پس نیروئی که " چندین ده بار " بیشتر از او باشد چه میشود ؟ فرض کنیم بیست برابر بیشتر باشد در آن صورت میشود بیش از ۶۰ میلیون نفر . بنابر این جای تعجب نیست هرگاه پرزیدنت چانکایشک میگوید که وی " از پیروزی در نبرد قطعی مطمئن است " ! پس چرا تقاضای صلح میکند ؟ هرگز باین علت نیست که دیگر نمیتواند بجنگد . کدام حزب کمونیست و یا کدام حزب دیگر در جهان که در زیر وزنه شصت میلیون نفر قرار گیرد میتواند شانس زنده ماندن داشته باشد ؟ مسلم است که همه خورد و خاکشی خواهند شد . بنابر این هرگاه پرزیدنت چانکایشک تقاضای صلح میکند واضح است که بهیچوجه علت دیگری ندارد جز اینکه " از جان مردم دفاع میکند " .

پس آیا همه چیز رو براه است و هیچ جای نقصی وجود ندارد ؟ بنظر میرسد که یک چیز رو براه نیست . کدام چیز پرزیدنت چانکایشک میگوید :

آنچه اینک مایه تأسف میباشد وجود بعضی از اشخاص در دولت ماست که تحت تاثیر تبلیغات زبان بخش حزب کمونیست قرار گرفته اند و تزلزلی در روحیه آنها روی داده که تقریباً اعتماد بنفش را از آنها سلب میکند . اینان که از تهدیدات حزب کمونیست هراسیده اند فقط نیروی دشمن را مبینند و توجه ندارند که ما نیروئی عظیم و چندین ده برابر بیشتر از دشمن در اختیار داریم .

عجب ! هر سالی همراه با خبرهائی است . ولی امسال واقعاً شگفت انگیز است : گومیندانیهای که بیش از ۶۰ میلیون افسر و سرباز در اختیار دارند چشمشان فقط به

ارتش آزادیبخش توده ای است که ۳ میلیون نفر دارد و ارتش خودشان را نمیبینند که ۶۰ میلیون نفر دست . آیا این خبر شگفت انگیز نیست ؟

این سؤال پیش میآید که : آیا چنین خبری هنوز خریدار دارد ؟ آیا هنوز شایسته آن است که مورد کمترین توجه قرار گیرد ؟ طبق خبری که از داخل شهر بی پین بدست آمده است " صبح روز اول سال قیمت ها اندکی تنزل کرد . ولی بعد از ظهر دوباره بجای خود برگشت " . و یک خبر گزاری خارجی میگوید : " واکنش شانگهای در برابر پیام اول سال چانکایشک سرد بود " . اینجاست جواب این سؤال که آیا سخنان چانکایشک ، این جنایتکار جنگ ، هنوز خریدار دارد یا نه . همانطور که ما از مدتها پیش گفته ایم چانکایشک بیجان شده است . او لاشه متحرکی بیش نیست و کسی باو باور ندارد .

یادداشتها

۱ - « قرارداد حمل و نقل هوایی چین و آمریکا » در ۲۰ دسامبر ۱۹۴۶ بین دولت چانکایشک و امپریالیسم آمریکا امضاء رسید . موجب این قرارداد ، چانکایشک حاکمیت چین را در عرصه فضائی وی یکجا فروخت . بموجب این قرارداد ، هواپیماهای آمریکا میتوانند بر روی سراسر خاک چین پرواز کنند ، بار بزنند ، بار خالی کنند ، بار عبور دهند ، و آمریکا بر روی کلیه حمل نقل هوایی چین تسلط مییافت . همچنین هوا پیمای آمریکا در خاک چین " حق فرود آمدن و غیر بازرگانی " داشتند که بمعنای حق فرود آمدن نظامی است .

۲ - « قرارداد دو جانبه چین و آمریکا » که به « قرار داد معاضدت اقتصادی چین و آمریکا » معروف است در ۳ ژوئیه ۱۹۴۸ در نانکن بین نمایندگان دولت چانکایشک و نمایندگان امپریالیسم آمریکا امضاء شد . بموجب مواد این قرارداد ، امپریالیسم آمریکا نظارت عالی و حق تصمیم بر روی مالیه و اقتصاد دولت چانکایشک میداشت و کارمندان آمریکائی که مستقیماً باعمال این نظارت در چین میپرداختند از " حق برون مرزی " برخوردار بودند . امپریالیسم آمریکا میتواند کلیه منابع استراتژیک مورد نیاز خود را از چین بدست آورد و دولت چانکایشک میبایست اطلاعات مربوط باین منابع را مرتباً در اختیار او بگذارد . دولت چانکایشک دمپینگ کالا های آمریکائی را در چین تضمین میکرد .

۳ - جیا بانو یو چهره ای است از زمان چینی قرن هجدهم بنام « رُیای کابین قرمز » . باغ خوش مناظر باغ خانواده گی جیا است . گفته میشود که جیا در هنگام تولد قطعه ای زبرجد در دهان داشت که مظهر زندگی وی بود و جیا بانو یو میبایست پیوسته آن را برگردن داشته باشد و هرگز از آن جدا نشود . از دست دادن زبر جد برای او در حکم " جان دادن بود " .

اظهاریه صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مائو تسه دون در باره وضع حاضر

(۱۴ ژانویه ۱۹۴۹)

از ژوئیه ۱۹۴۶ که دولت مرتجع گومیندان در نانکن ، بکمک امپریالیستهای آمریکا ، اراده خلق را نقض کرد ، قرارداد متارکه و تصمیمات کنفرانس مشورتی سیاسی را از هم درید و به جنگ داخلی ضد انقلابی در مقیاس ملی مبادرت جست دو سال و نیم گذشته است . در طی این دو سال و نیم جنگ ، دولت مرتجع گومیندان در نانکن ، برخلاف اراده خلق ، بدعوت باصطلاح مجلس ملی پرداخت ، بتصویب باصطلاح قانون اساسی دست زد ، باصطلاح رئیس جمهور انتخاب کرد و باصطلاح فرمانی در باره باصطلاح " بسیج برای سرکوب شورش انتشار داد ، حقوق ملی را یکجا به دولت آمریکا فروخت و از آن دولت وام هائی بالغ بر چندین میلیارد دلار آمریکائی گرفت . از نیروهای دریائی و هوائی آمریکا دعوت کرد که باشغال خام چین ، آبهای داخلی آن و فضای هوائی آن بپردازند ، تعداد زیادی موافقت نامه خیانت ملی با دولت آمریکا بامضاء رسانید و شرکت گروه مشاوران نظامی آمریکا را در جنگ داخلی چین پذیرفت ، و سرانجام بمنظور کشتار خلق چین از دولت آمریکا مقادیر هنگفتی هوا پیما ، تانک ، توپخانه سنگین و سبک ، مسلسل ، تفنگ ، خمپاره ، گلوله و سایر مهمات جنگی گرفت و بنابر این سیاست اساسی ارتجاعی خیانت ملی در مورد داخلی و خارجی بود که دولت مرتجع گومیندان در نانکن به میلیون ها سرباز فرمان داد که به حملات بیرحمانه بر مناطق آزاد شده توده ای و بر ارتش آزادیبخش توده ای چین دست به زنند . کلیه مناطق آزاد شده توده ای در چین شرقی ، در دشت های مرکزی ، در چین شمالی ، در شمال غربی و شمال شرقی ، بدون استثناء ، بدست سپاهیان گومیندان منهدم شد . شهر های عمده مناطق آزاد شده مانند ین ان ، جان جیاکو ، حوای بین ، جه زی ، دامین ، لین ای ، ین تای ، چن ده ، سی پین ، چان چون ، جی لین و ان دون در این یا آن زمان بتصرف این سپاهیان راهزن افتاد . هرجا که این سپاهیان رفتند کشتار کردند ، هتک ناموس کردند ، آتش زدند ، غارت کردند و از هیچ جنایتی باز نایستادند . دولت مرتجع گومیندان در نانکن در مناطق تحت سلطه خود کمر توده های پهناور کاگران ، دهقانان ، سربازان ، روشنفکران و بازرگانان را در زیر بار مصادره غلات ، در زیر بار مالیات و بیکاری که برای " سرکوب

شورش و امحاء راهزنان " ، بر آنها تحمیل میکند شکسته است و خون آنها را میمکد. دولت مرتجع گومیندان در نانکن کلیه آزادیها را از مردم سلب کرده است ، کلیه احزاب دموکراتیک و کلیه سازمانهای توده ای را زیر قشار میگذارد و آنها را غیر قانونی اعلام میدارد . جنبش بحق دانشجویان جوان را بر علیه جنگ داخلی ، گرسنگی و ستمگری ، بر علیه مداخله آمریکا در امور داخلی چین و بر علیه احیاء نیروهای تجاوز کار ژاپن بدست آمریکا ، سرکوب میکند . با انتشار اسکناس های جدید کشور را غرق در " فابی " و " جین یون جیوان " میسازد که باعث تباهی زندگی اقتصادی خلق است و توده های وسیع را بورشکستگی میکشاند . بخش ثروتهای ملی را از راه های مختلف غارتگری در دست سرمایه داران بورو کراتیکی که چهار خانواده بزرگ چان ، سون ، کون ، چن در رأس آنان هستند متمرکز میسازد . خلاصه آنکه دولت مرتجع گومیندان در نانکن با بر پا داشتن جنگ داخلی که مبتنی بر سیاست اساسی ارتجاعی خیانت ملی او در امور داخلی و خارجی میباشد قاطبه خلق را گرفتار مصائب جانکاء ساخته است . او بهیچوجه نمیتواند از مسئولیتی که تماماً بر دوش اوست شانه خالی کند . حزب کمونیست چین ، بر خلاف گومیندان ، از همان زمان تسلیم ژاپن ، هر چه در اختیار داشت بکار برد و از دولت گمیندان خواست که از جنگ داخلی جلو گیرد و بآن پایان بخشد و صلح داخلی را برقرار سازد . حزب کمونیست چین بر اساس چنین سیاستی با استقامت بمبارزه پرداخت و با پشتیبانی قاطبه مردم نخست در اکتبر ۱۹۴۵ به امضای خلاصه مذاکرات میان گومیندان و حزب کمونیست نائل آمد و سپس در ژانویه ۱۹۴۶ با گومیندان قرار داد متارکه امضاء کرد و با تشریک مساعی احزاب دموکراتیک گومیندان را به قبول قطعنامه های مشترک کنفرانس مشورتی سیاسی وادار ساخت . از این ببعده حزب کمونیست چین باتفاق احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده ای برای دفاع از این قرارداد و این قطعنامه ها بمبارزه دست زد . جای تأسف است که دولت مرتجع گومیندان اقدامات ما را در زمینه حفظ صلح داخلی و حقوق دموکراتیک خلق جدی ندانست بلکه ، بر عکس ، آنها را نشانه ضعف و نه در خور توجه تشخیص داد . دولت مرتجع گومیندان میبنداشت که میتوان خلق را مهار کرد ، که قرارداد متارکه و قطعنامه های مصوب کنفرانس مشورتی سیاسی را میتوان خودسرانه از هم درید ، که ارتش آزادیبخش توده ای به نخستین حمله از پای در خواهد آمد ولی سپاهیان چندین میلیونی خود او میتوانند بر سراسر کشور فرمانروائی کنند ، که کمک آمریکا بی پایان است . از این جهت دولت مرتجع گومیندان جرأت یافت که اراده قاطبه خلق را نقض کند و جنگ ضد انقلابی را بر پا داشت . در چنین احوالی حزب کمونیست

چین را دیگری نداشت جز آنکه مصممانه در برابر سیاست ارتجاعی دولت گومیندان قد راست کند و برای پاسداری از استقلال ملی و حقوق دموکراتیک خلق بپا خیزد. از ژوئیه ۱۹۴۶ بعد ارتش قهرمان آزادیبخش توده ای تحت رهبری حزب کمونیست چین در برابر حملات سپاهیان دولا مرتجع گومیندان که بالغ بر ۴۳۰۰۰۰۰ تن بودند مقاومت کرد، سپس به تعرض متقابل پرداخت، کلیه سرزمین های مناطق آزاد شده را که از دست رفته بود باز ستند و شهر های بزرگی مانند شی جییا جوان، لوه یان، جی نان، جن جو، کای فون، شن یان، سیو جو، تان شان را آزاد ساخت. ارتش آزادیبخش توده ای چین بر مشکلات بیمانند فائق آمد، نیرو گرفت و اینک مجهز به مقادیر هنگفتی اسلحه است که دولت آمریکا به دولت گومیندان داده است. ارتش آزادیبخش توده ای در عرض دو سال و نیم نیروهای عمده نظامی دولت مرتجع گومیندان و کلیه لشکر های زبده او را نابود گردانید. امروز ارتش آزادیبخش توده ای از لحاظ تعداد، از لحاظ روحیه و از لحاظ تجهیزات بر بقایای نیروهای نظامی دولت مرتجع گومیندان برتری دارد. بالاخره خلق چین نفس کشیدن آزاد را شروع کرده است. وضعیت کنونی کاملاً روشن است: اگر ارتش آزادیبخش توده ای به چند حمله نیرومند دیگر بر بقایای نیروهای گومیندان بپردازد تمام بنای رژیم مرتجع آن فرو خواهد ریخت و نابود خواهد شد. دولت مرتجع گومیندان که پیوسته از سیاست جنگ داخلی پیروی کرده است اینک ثمره بذر خود را بر میدارد: این دولت که هوادانش او را ترک گفته اند. پیروانش از او روی بر تاخته اند دیگر نمیتواند سرپا بایستد. در چنین احوالی چانکاشیک، این جنایتکار شماره یک جنگ در چین، این سرکرده دارودسته گومیندان و این باصطلاح رئیس جمهور نانکن، بمنظور حفظ سپاهیان که هنوز دولت گومیندان در اختیار دارد و بمنظور اینکه فرصتی بیابد تا دوباره دست بکار شود و نیروهای انقلابی را درهم شکنند روز اول ژانویه امسال اعلام داشت که حاضر است با حزب کمونیست چین به مذاکرات صلح بپردازد. حزب کمونیست چین این پیشنهاد را ریاکارانه می شمارد بدلیل اینکه چانکاشیک حفظ باصطلاح قانون اساسی، حفظ باصطلاح سیستم قضائی و حفظ نیروهای مسلح ارتجاعی را بعنوان بنای مذاکرات صلح پیشنهاد کرده است و این شرایطی است که خلق سراسر کشور نمیتواند بپذیرد. این شرایطی است برای ادامه جنگ و نه برای صلح. خلق در عرض دو روز اخیر در سراسر کشور اراده خود را بروشنی اعلام داشته است. وی مشتاقانه خواهان صلحی نزدیک است، ولی این باصطلاح صلح جنایتکاران جنگ را تأیید نمیکند. حزب کمونیست چین با تکیه بر اراده خلق اعلام میدارد: ارتش آزادیبخش توده های چین دارای نیروی کافی و مبانی لازم است که در مدتی

نسبتاً کوتاه بقایای نیروهای مسلح دولت مرتجع گومیندان را نابود سازد و کاملاً مطمئن است که از عهده بر خواهد آمد، معذک بمنتظر تسریع خاتمه جنگ و استقرار صلح حقیقی و بمنتظر سبک ساختن رنج های خلق، حزب کمونیست چین حاضر است با دولت مرتجع گومیندان در نانکن و یا با هر دولت محلی و یا با هر گروه نظامی گومیندان بر اساس شرایط زیرین وارد مذاکره شود:

۱- مجازات جنایتکاران جنگ؛

۲- الغای باصطلاح قانون اساسی؛

۳- الغای باصطلاح سیستم قضائی؛

۴- تجدید سازمان کلیه سپاهیان ارتجاعی بر حسب اصول دموکراتیک؛

۵- مصادره سرمایه بوروکراتیک؛

۶- رفرم سیستم ارضی؛

۷- الغای موافقت نامه های خیانت ملی؛

۸- دعوت کنفرانس مشورتی سیاسی بدون شرکت عناصر ارتجاعی و

تشکیل دولت دموکراتیک ائتلافی که کلیه قدرت را از دولت ارتجاعی گومیندان

در نانکن و دولت های محلی او در مدارج مختلف تحویل بگیرد. (۱)

حزب کمونیست چین عقیده دارد که شرایط فوق مبین اراده مشترک قاطبه خلق است و فقط صلحی که مبتنی بر این شرایط باشد صلحی دموکراتیک حقیقی خواهد بود. اگر اعضای دولت مرتجع گومیندان در نانکن خواستار نیل به صلح دموکراتیک حقیقی اند و نه صلح دروغین ارتجاعی، در آن صورت باید از شرایط ارتجاعی پیشنهادی خود چشم پیوشند و هشت شرط پیشنهادی حزب کمونیست چین را مبنای مذاکرات صلح بین طرفین قرار دهند. والا ثابت میشود که صلح ادعائی آنها چیز دیگری جز فریب نیست. ما امیدواریم که همه مردم، همه احزاب دموکراتیک و همه سازمان های توده ای بپا خواهند خاست و بر له صلح دموکراتیک حقیقی و بر علیه صلح دروغین ارتجاعی مبارزه خواهند کرد. میهن پرستان محافل دولتی گومیندان در نانکن نیز باید از این پیشنهاد صلح پشتیبانی کنند. رفقای فرمانده و جنگاور ارتش آزادیبخش توده ای دقت کنید: تا آنگاه که دولت مرتجع گومیندان در نانکن به صلح دموکراتیک حقیقی تن نداده و چنین صلحی عملی نشده است شما نباید بکمترین سستی در نبرد راه دهید. باید کلیه مرتجعانی را که جرأت مقاومت بکنند مصممانه، بطور قاطع و تمام و کمال نابود کنید.

یادداشتها

۱ - شرایط هشت گانه صلح که از طرف رفیق مانوتسه دون در این اظهاریه مطرح شد پایه مذاکرات صلح آوریل ۱۹۴۹ قرار گرفت که بین هیئت نمایندگی حزب کمونیست چین و هیئت نمایندگی دولت گومیندان برهبری جان جی جون جریان یافت . قرار داد صلح داخلی که در طی این مذاکرات تنظیم شده مقررات مشخصی را برای اجرای شرایط هشت گانه صلح مقرر داشت . برای جزئیات مراجعه شود به « فرمان به ارتش برای پیشروی عمومی در سراسر کشور » یادداشت ۱ ، جلد حاضر .

تفسیر سخنگوی حزب کمونیست چین درباره قطعنامه شورای اجرائی نانکن

(۲۱ ژانویه ۱۹۴۹)

خبرگزاری مرکزی که خبرگزاری رسمی دولت مرتجع گومیندان در نانکن میباشد روز ۱۹ ژانویه خبر داد که شورای اجرائی در جلسه خود در ساعت ۹ همان روز به بررسی وسیع اوضاع کنونی پرداخته و قطعنامه زیرین را تصویب کرده است :

دولت با احترام اشتیاقی که قاطبه مردم با استقرار سریع صلح دارند پس از ملاحظات دقیق بدین وسیله تمایل خود را باینکه نخست به‌مراه حزب کمونیست چین به قطع فوری و بدون شرط مخاصمه بپردازد و سپس طرفین نمایندگان خویش را برای مذاکرات صلح تعیین کنند اعلام میدارد.

سخنگوی حزب کمونیست چین چنین اظهار میدارد : این قطعنامه شورای اجرائی نانکن بهیچوجه به اظهاریه یکم ژانویه چانکایشک ، باصلاح رئیس جمهور نانکن که پیشنهاد مذاکرات صلح را در بردارد و نیز به اظهاریه ۱۴ ژانویه مائوتسه دون ، صدر حزب کمونیست چین که نیز حاوی پیشنهاد مذاکرات صلح است اشاره ای نمیکند . همچنین شورای اجرائی نانکن در این قطعنامه نشان نمیدهد که بکدام یک از این دو اظهاریه میبوندند و با کدام یک مخالف است بلکه پیشنهاد کاملاً دیگری را مطرح میسازد ، چنانکه گوئی نه گومیمدان و نه حزب کمونیست چین هیچکدام در ۱ و ۱۴ ژانویه پیشنهادی نداده اند . این بهیچوجه قابل درک نیست . در واقع شورای اجرائی نانکن نه فقط پیشنهاد حزب کمونیست چین مورخ ۱۴ ژانویه را کاملاً ندیده گرفته بلکه صریحاً پیشنهاد اول ژانویه باصلاح پرزیدنت را نفی کرده است . چانکایشک در پیشنهاد ۱ ژانویه خود چنین گفته بود :

همینکه حزب کمونیست تمایل صمیمانه به صلح داشته باشد و شواهد صریحی در این زمینه نشان دهد دولت با او با صمیمیت کامل رفتار خواهد کرد و حاضر خواهد بود درباره اقدامات مشخص بمنظور خاتمه مخاصمه و استقرار صلح بمذاکره بپردازد .

نوزده روز پس از این اظهاریه ، ارگانی از همین دولت یعنی " شورای اجرائی " اظهاریه " رئیس جمهور " را نفی میکند و بجای آنکه بگوید که دولت با حزب کمونیست " با صمیمیت کامل رفتار خواهد کرد و حاضر خواهد بود در باره اقدامات مشخص بمنظور خاتمه مخاصمه و استقرار صلح بمذاکره بپردازد " اینک از تمایل دولت باینکه " نخست (بهمراه حزب کمونیست چین) به قطع فوری و بدون شرط مخاصمه بپردازد و سپس طرفین نمایندگان خویش را برای مذاکرات صلح تعیین کنند " صحبت میدارد . ما میخواهیم از این آقایان " شورای اجرائی " نانکن بیرسیم: پیشنهاد معتبر کدام است ؟ پیشنهاد شما یا پیشنهاد " رئیس جمهور " تان ؟ شخص اخیر بر آن بود که " خاتمه مخاصمه و استقرار صلح " چیزی واحدی است و صمیمیت و تمایل خود را به مذاکره با حزب کمونیست چین در باره اقدامات مشخص بمنظور نیل بدان اعلام میداشت ، و حال آنکه شما بر آنید که قطع مخاصمه و استقرار صلح دو چیز جدا از هم است و نمیخواهید در مورد اقدامات مشخص بمنظور خاتمه دادن به مخاصمه نمایندگانی برای مذاکره با ما تعیین کنید . و چون دستخوش بیهوده ترین پندارها شده اید ، پیشنهاد میکنید که " نخست . . . به قطع فوری و بدون شرط مخاصمه " پرداخته شود و سپس نمایندگانی " برای مذاکرات صلح " تعیین گردند . اما بالاخره کدام پیشنهاد درست است ؟ پیشنهاد شما یا پیشنهاد " رئیس جمهور " تان ؟ بعقیده ما باصطلاح شورای اجرائی نانکن از اختیارات خود تجاوز کرده است . وی حق ندارد پیشنهاد باصطلاح رئیس جمهور را بکنار زند و خودسرانه پیشنهاد جدید بدهند . ما این پیشنهاد جدید را نامعتبر میشماریم . دو طرف متخاصم که در جنگی چنین طولانی ، چنین دامنه دار و چنین خونبار در گیر شده اند مسلماً باید نمایندگانی برای مذاکره در باره شرایط اساسی صلح و تنظیم قرارداد متارکه قابل قبول برای طرفین معین کنند . این یگانه وسیله متوقف ساختن جنگ است . این نه فقط خواست خلق است بلکه در گویندان نیز اشخاص زیادی تمایل خود را بآن ابراز داشته اند . اگر گویندان از " قطعنامه " بکلی بی اساس شورای اجرائی نانکن پیروی کند و به مذاکرات صلح پیش از قطع مخاصمه تن در ندهد در آن صورت تمایل صمیمانه او بصلح در کجاست ؟ با تصویب " قطعنامه " شورای اجرائی نانکن ، مذاکرات صلح فقط وقتی ممکن میشود که مخاصمه قبلاً قطع شده باشد . باین طریق

قطعنامه مذکور راه را بر صلح میبندد. اگر میل مذاکره در میان است در آن صورت فقط یک کار باید کرد و آن الغاء این "قطعنامه" بی اساس است، باین یا آن. اگر شورای اجرائی نانکن الغاء "قطعنامه" خود را نپذیرد این امر فقط نشان خواهد داد که دولت مرتجع گومیندان در نانکن تمایل صمیمانه به مذاکرات صلح با طرف دیگر ندارد. این سؤال پیش میآید: اگر نانکن صمیمیت دارد، پس چرا از مذاکره در باره شرایط مشخص صلح سرباز میزند؟ آیا این دلیل بر آن نیست که پیشنهاد صلح نانکن ریاکارانه است؟ سخنگوی حزب کمونیست چین اعلام میدارد: اینک نانکن در هرج و مرج غوطه ور است. باصطلاح رئیس جمهور یک پیشنهاد میدهد و باصطلاح شورای اجرائی پیشنهاد دیگر. با کی باید سر و کار داشت؟

فرمان بدولت ارتجاعی گومیندان
برای دستگیری مجدد یا سوژی اکامورا
فرمانده کل سابق نیروهای تجاوز کار ژاپن
در چین و دستگیری
جنایتکاران جنگ داخلی از گومیندان
— اظهاریه سخنگوی حزب کمونیست چین

(۲۸ ژانویه ۱۹۴۹)

خبرگزاری مرکزی دولت ارتجاعی گومیندان در نانکن روز ۲۶ ژانویه چنین خبر

داد :

یک سخنگوی دولت اظهار داشته است که : از یک ماه پیش ، دولت به تصمیمات و اقدامات گوناگونی دست زده است که هر چه زودتر جنگ را خاتمه دهد تا تخفیفی در مصائب خلق حاصل شود . بعلاوه دولت در روز ۲۲ ماه جاری بطور رسمی یک هیئت نمایندگی (۱) برای مذاکرات صلح تعیین کرده و از آن زمان منتظر است که حزب کمونیست چین نمایندگان خویش را تعیین کند و بر سر محل ملاقات برای مذاکره توافق بعمل آید . اما یک سخنگوی حزب کمونیست چین در اظهاریه ای که بوسیله خبرگزاری سین هوا روز ۲۵ ماه جاری از رادیو شنسی شمالی پخش شد (۲) ، در عین حال که در مذاکره با دولت بمنظور یافتن راه حل مسالمت آمیز اظهار تمایل کرد و به دشنام گوئی دست زد و کلمات نامعقولی بکار برد . و افزود که محل مذاکرات را نمیتوان معین کرد مگر پس از آزادی کامل بی پین . ما میخواهیم این سؤال را مطرح سازیم : اگر حزب کمونیست چین بیهانه اینکه منتظر آزادی کامل ادعائی بی پین میباشد بیدرنگ نمایندگان خویش را تعیین نمیکند ، بر سر محل ملاقات توافق ندارد ، عملیات نظامی را متوقف نمیسازد آیا این گذراندن زمان و ادامه مصائب جنگ نیست ؟ همه میدانند که قاطبه خلق چه اشتیاق سوزانی به خاتمه مصائب جنگ دارد . دولت برای نشان دادن صمیمیت کامل خویش بار دیگر اظهار امیدواری

میکند که حزب کمونیست چین این نکته را بخوبی دریابد که وی باید نجات خلق رامقدم بر ملاحظات دیگر بشمرد و بیدرنگ نمایندگان خویش را برای مذاکره برگزیند تا صلح هر چه زود تر برقرار گردد .
خبر گزاری مرکزی نانکن در گزارش دیگری روز ۲۶ ژانویه از شانگهای چنین خبر میدهد :

پس از تجدید نظری که روز ۲۶ از طرف دادگاه نظامی که در جنب وزارت دفاع ملی عهده دار محاکمه جنایتکاران جنگ است در پرونده ژنرال یا سوژی اکامورا ، ژنرال ژاپنی جنایتکار جنگ و فرمانده کل سابق نیروهای اعزامی ژاپن در چین ، بعمل آمد مشارالیه بموجب حکمی که در ساعت ۱۶ از طرف رئیس دادگاه شی سی یو خوانده شد تبرئه گردید . محیط متشنجی در سالین حکمروا بود . اکامورا که ایستاده بود و بدقت گوش میداد پس از پایان قرائت حکم لبخند خفیفی بر لب آورد .
سخنگوی حزب کمونیست چین با در نظر گرفتن آنچه در بالا گذشت مراتب زیرین را اعلام میدارد :

۱ - حزب کمونیست چین و فرماندهی کل ارتش آزادیبخش توده ای چین تأکید میکنند که قابل قبول نیست که دادگاه نظامی عهده دار محاکمه جنایتکاران جنگ بمأموریت از طرف دولت ارتجاعی گومیندان در نانکن ژنرال با سوژی اکامورا فرمانده کل سابق نیروهای اعزامی ژاپن در چین را که مهمترین جنایتکار جنگ (۳) در میان نیروهای اعزامی تجاوزکار ژاپن در چین است تبرئه کند . خلق چین پس از ایثار جان ها و مال های بیشمار در طی هشت سال جنگ مقاومت ضد ژاپنی بالاخره به پیروزی نائل آمده و این جنایتکار جنگ را دستگیر ساخت . اینک هرگز به دولت ارتجاعی گومیندان در نانکن اجازه نخواهد داد که وی را خود سرانه تبرئه نماید . همه مردم ، همه احزاب دموکراتیک و همه سازمان های توده ای و نیز میهن پرستانی که در دستگاه های مختلف دولت ارتجاعی گومیندان در نانکن هستند باید بیدرنگ بر علیه عمل جنایتکارانه این حکومت که بمنافع ملی خیانت میورزد و با میلیتاریست های فاشیست ژاپنی همدستی میکند بپاخیزند . باین آقایان دولت ارتجاعی نانکن این اخطار جدی ماست . شما باید بیدرنگ یاسوژی اکامورا را از نو دستگیر کنید و بی معطلی بزندان بیندازید . این امر با تقاضای شما مبنی بر مذاکره با ما وابستگی کامل دارد . بعقیده ما کلیه اقدامات کنونی شما توطئه ای بیش نیست که در پشت پرده مذاکرات صلح ریاکارانه بتدارکات جدید جنگ بپردازید و از آن جمله از مرتجعان ژاپنی دعوت کنید که بچین بیایند و در کشتار خلق چین بشما بیبوندند . باین منظور

است که شما یاسوژی اکامورا را آزاد ساخته اید. ما بشما اجازه نخواهیم داد که بچنین اعمالی دست بزنید. ما حق داریم بشما فرمان دهیم که یاسوزاکامورا را از نو دستگیر کنید و در زمانی و در مکانی که ما معین خواهیم کرد وی را به ارتش آزادبخش توده ای بسپارید. سایر ژاپنی های جنایتکار جنگ موقتاً تا دستور جدید در بازداشت شما خواهند ماند. قدغن است که آنها را خود سرانه آزاد کنید و یا بگذارید که بگریزند. هرکس این فرمان را نقض کند شدیداً تنبه خواهد شد.

۲ - اظهاریه ۲۶ ژانویه سخنگوی دولت ارتجاعی گویندگان در نانکن ما را با خبر ساخت که شما، آقایان نانکنی ها، با چه شوری، با چه حرارتی و با چه اصرار و شتابی خواستار مذاکرات صلحید و این گویا فقط ناشی از دلسوزی شما برای "کوتا کردن جنگ"، "تحقیف مصائب خلق" و "مقدم داشتن نجات خلق بر ملاحظات دیگر" است. اظهاریه مذکور همچنین ما را خبر ساخت که بنظر شما حزب کمونیست چین، برعکس، چقدر فاقد شور، فاقد حرارت، اصرار و شتاب در پاسخگویی به خواست شماست، "عملیات نظامی را متوقف نمیسازد" و این امر واقعاً "گذراندان زمان و ادامه مصائب جنگ" است. ما به شما آقایان نانکنی ها، صریحاً میگوئیم: شما جنایتکاران جنگ هستید و محاکمه خواهید شد. ما باظهارات شما در باره "صلح" و "اراده خلق" باور نداریم. شما بر نیروی آمریکا تکیه زدید، اراده خلق را نقض کردید، قرار داد متارکه و قطعنامه های کنفرانس مشورتی سیاسی را از هم بردیدید و این جنگ داخلی ضد تودهای، ضد دموکراتیک و ضد انقلابی را که از لحاظ درندگی بیمانند است برانگیختید. آن موقع شما آنقدر شور، حرارت، اصرار و شتاب نشان میدادید که نخواستید اندرز هیچکس را بپذیرید. و آنگاه که باصطلاح مجلس ملی را دعوت کردید، باصطلاح قانون اساسی را برشته تحریر در آوردید، باصطلاح رئیس جمهور را برگزیدید و باصطلاح فرمان "بیسج برای سرکوب شورش" را از تصویب گذراندید باز هم آنقدر شور، حرارت، اصرار و شتاب نشان میدادید که مانند همیشه نخواستید اندرز هیچکس را بپذیرید. در آن هنگام در شانگهای، در نانکن و در سایر شهر های بزرگ، شوراهای مشورتی، اطاق های بازرگانی، سندیکاهای کارگری، اتحادیه های دهقانی، سازمان های زنان و سازمان های فرهنگی که همه ساخته و پرداخته دولت شما هستند و یا بمنزله افزار سیاست شما بکار میروند و آنقدر جنجال بر سر "پشتیبانی از بسیج برای سرکوب شورش" و "امحاء راهزنان کمونیست" راه انداختند و یک بار دیگر آنقدر شور، حرارت، اصرار و شتاب نشان دادند که نخواستند اندرز هیچکس را بپذیرند و اینک دوسال و نیم گذشته است و در این مدت تعداد کسانی که بدست شما کشتار شده

اند به میلیون ها رسیده است ، روستاهائی که آتش زدید ، زنهائی که هتک ماموس کردید ، ثروت هائی که بغارت برید ، نفوس و اموالی که بوسیله هوا پیمای های شما تلف شدند از شمار بیرون اند . شما مرتکب فجیع ترین جنایت شدید و ما باید با شما تصفیه حساب کنیم . چنین مینماید که شما با مبارزه برای تصفیه حساب سخت مخالفید . اما این بار ما دلائل بسیاری برای این مبارزه داریم . باید حساب تصفیه شود ، باید مبارزه برای تصفیه آنها بعمل آید . شما مغلوب شده اید . شما خشم خلق را برانگیخته اید . قاطبه خلق بر علیه شما در مبارزه مرگ و زندگی دست زده است . خلق دوستدار شما نیست ، شما را محکوم میکند . اینک خلق بپا خاسته است و شما منفرد گشته اید . باین علت است که شما مغلوب شده اید . شما پنج شرط (۴) برای مذاکرات صلح پیشنهاد کردید و ما هشت شرط (۵) ، و خلق فوراً به هشت شرط ما پیوست نه به پنج شرط شما . شما نه میتوامید هشت شرط ما را رد کنید و نه میتوانید بر روی پنج شرط خویش اصرار ورزید . شما اظهار میدارید که هشت شرط ما بعنوان پایه مذاکرات می پذیرید . مگر این خوب نیست ؟ پس چرا نباید در مذاکراه عجله کرد ؟ باین طریق بنظر میرسد که شما سرشار از شور ، حرارت ، اصرار و شتاب هستید ، سخت طرفدار " صلح بدون شرط مخاصمه " اید ، خواستار جدی " کوتاه کردن جنگ " ، " تخفیف مصائب خلق " و " مقدم داشتن نجات خلق بر ملاحظات دیگر " اید . و اما ما ؟ بدیهی است که ما نه شور نشان میدهیم نه حرارت ، نه اصرار و نه شتاب . ما در صدد " گذراندن زمان و ادامه مصائب جنگ " هستیم . اما آقایان نانکنی ها ، صبر کنید . ما خواهیم توانست شور ، حرارت ، اصرار و شتاب نشان بدهیم . مسلماً دوره جنگ کوتاه خواهد شد و مصائب خلق تخفیف خواهد یافت . حالا که شما هشت شرط ما را بعنوان پایه مذاکرات می پذیرید کار های زیادی برای ما ، شما و ما ، پیش می آید . برای تحقق بخشیدن باین هشت شرط ، مشغله بسیاری در برابر ماست ، در برابر ما ، در برابر شما ، در برابر احزاب دموکراتیک ، سازمان های توده ای و اعضاء کلیه محافل است . ما تا چند ماه ، ششم ماه ، یک سال تمام ، چند سال کار داریم و تازه پس از آن هم شاید کار ما تمام نشود ! گوش فرا دهید آقایان نانکنی ها ! این هشت شرط مواد مجرد نیست . باید بآنها مضمون مشخصی بخشید . در دوران کوتاه کنونی لازم است که همه ما دست به تأمل زنیم . اگر این کار اندکی وقت بگیرد مردم ما را خواهند بخشود . بصراحت باید گفت که مردم خواستار آن اند که ما برای این مذاکرات آمادگی کامل داشته باشیم . مذاکرات باید انجام گیرد . هیچکس حق ندارد عقب بزند و از مذاکرات خود داری ورزد و از اینجهت نمایندگان شما باید آماده آمدن باشند . اما ما برای تکمیل آمادگی خود هنوز وقت لازم داریم و

نمیگذاریم که جنایتکاران جنگ تاریخ مذاکرات را بما تحمیل کنند. ما با خلق بی بین به کار مهمی مشغولیم: حل مسالمت آمیز مسئله بی بین بر اساس شرایط هشتگانه. آدم هائی که شما در بی بین دارید، مانند ژنرال فو زوه ای نیز در این کار که بموجب اعلامیه منتشره از طرف خبرگزاری شما (۶) مورد تأیید شماسست شرکت دارند. این کار نه فقط محلی برای مذاکرات صلح بما خواهد داد بلکه همچنین نمونه خواهد شد برای مسالمت آمیز مسئله نانکن، شانگهای، او هان، سی ان، تای یوان، گوی سوی، لان جو، دی هوا، چن دو، کون مین، چان شا، نان چان، حان جو، فوجو، گوان جو، تایوان، جزیره های نان و غیره. پس این کاری ستودنی است و شما، آقایان نانکنی ها، نباید آن را سرسری بگیرید. ما با احزاب دموکراتیک، سازمان های توده ای و دموکرات ها بی حزب در مناطق خویش و نیز در مناطق شما مشغول تبادل نظر هستیم تا فهرستی از جنایتکاران جنگ تهیه کنیم و باین طریق ماده اول از شروط هشت گانه را در جزئیات خود مشخص گردانیم. بدون تردید انتشار رسمی این فهرست طول نخواهد کشید. چنانکه شما آقایان نانکنی ها، میدانید ما هنوز فرصت نکرده ایم که این فهرست را با احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده ای مورد بحث قرار دهیم و آن را رسماً منتشر سازیم. خواهش میکنیم ما را معذور دارید. علتش اینست که تقاضای شما درباره مذاکرات صلح اندکی دیر صورت گرفت. اگر زودتر رسیده بود شاید ما تا کنون تدارکات لازم را انجام داده بودیم. معذک همینطور نیست که برای شما کاری نمانده باشد. شما باید علاوه بر دستگیری آن ژاپنی جنایتکار جنگ، یاسوژی اکامورا، بیدرنگ به دستگیری گروهی از جنایتکاران جنگ داخلی و در درجه اول به دستگیری کسانی که در نانکن، شانگهای، فون هوا و تایوان بسر میبرند و در جزو چهل و سه جنایتکاری هستند که در اظهاریه ۲۵ دسامبر ۱۹۴۸ یک شخصیت صراحت دار حزب کمونیست چین نام برده شده اند پردازید. مهمترین آنان عبارتند از چانکایشک، سون زی وین، چن چن، حه بین چینگ، گو جو تون، چن لی فو، چن گوه فو، جو جیا هوا، وان شی جیه، او کوه جن، دای چوان سیان، تان ئن بوه، جو جی ژئو، وان شو مین، گوی یون چنیگ (۷). در میان اینان چانکایشک دارای اهمیت خاصی است. این جنایتکار به فون هوا گریخته است و بسیار احتمال میرود که در صدد است به خارجه بگریزد و خود را زیر حمایت امپریالیسم آمریکا یا انگلستان گذارد. پس شما باید او را هرچه زود تر دستگیر سازید و نگذارید بگریزد. مسئولیت کامل این امر بر عهده شما است. اگر این جنایتکاران فرار کنند شما به جرم آزاد گذاشتن راهزنان مجرم شناخته خواهید شد و هیچ اغماض در باره شما

بعمل نخواهد آمد. تا هیچکس نگوید که ما باو قبلاً اخطار نکردیم! بعقیده ما فقط با دستگیری این جنایتکاران جنگ است که شما برای کوتاه کردن جنگ و تخفیف مصائب خلق کار جدی انجام خواهید داد. تا آزمان که جنایتکاران جنگ آزاداند جنگ ادامه خواهد یافت و مصائب خلق تشدید خواهد شد.

۳ - ما از دولت ارتجاعی نانکن میطلبیم به دو نکته فوق پاسخ دهد.

۴ - در باره تدارکاتی که طرفین باید در اجرای هفت شرط دیگر بعمل آورند به نانکن اطلاع داده خواهد شد.

یادداشتها

۱- هیئت نمایندگی که از طرف دولت ارتجاعی گومیندان برای مذاکرات صلح معین شد مرکب بود از: شائو لی زی، جان حی جون، حوان شائو هون، پون جانو سیان و جون تیان سین.

۲ - سخنگوی حزب کمونیست چین در اظهاریه ۲۵ ژانویه ۱۹۴۹ منسوب به مذاکرات صلح چنین گفته بود: " ما پذیرفته ایم که دولت ارتجاعی نانکن نمایندگانی برای مذاکرات صلح اعزام دارد، نه بر این اساس که ما هنوز این دولت را نماینده خلق چین می‌شماریم بلکه بر این اساس که وی هنوز بقایائی از نیروهای مسلح ارتجاعی در اختیار دارد. اگر این دولت، با توجه باینکه دیگر بهیچوجه از اعتماد خلق بهره ای ندارد و بقایای نیروهای مسلح ارتجاعی وی دیگر در برابر ارتش نیرومند آزادیبخش توده ای قادر به مقاومت نیستند، حاضر است شرط هشتمانه صلح را که حزب کمونیست چین پیشنهاد کرده بپذیرد در آن صورت البته بهتر است و بسود امر نجات خلق است که مسائل بمنظور تخفیف مصائب خلق از راه مذاکرات حل شود. " اظهاریه در باره محل ملاقات چنین تصریح کرده بود: " نمیتوان آن را معین کرد مگر پس از آزادی کامل بی پین و باحتمال قوی خود بی پین محل ملاقات خواهد بو. " سننگو در باره نمایندگان نانکن گفته بود: " پون شائو سیان یکی از رهبران عمده گروه CC گومیندان است که گستاخانه بجنگ افروزی پرداختند. وی جنایتکار جنگ بشمار میآید؛ حزب کمونیست چین نمیتواند چنین نماینده ای را بپذیرد. "

۳ - یاسوزی اکامورا یکی از ژاپنی های جنایتکار جنگ است که فهرست جنایاتشان در تاریخ تجاوز ژاپن به چین یلی از طولانی ترین و سیاه ترین فهرست هاست. وی از ۱۹۲۵ تا ۱۹۲۷ رایشن نظامی سون جوان فان، یکی از دیکتاتورهای نظامی شمال بود. در ۱۹۲۸ بعنوان فرمانده یکی از هنگ های پیاده ارتش ژاپن در حمله برای تسخیر جی نان شرکت جست و در حادثه خونین جی نان نقش دژخیم ایفا کرد. در ۱۹۳۲ معاون ستاد نیروهای اعزامی ژاپن در شانچهای بود و در حمله بر شانگهای و تسخیر آن شرکت داشت. در ۱۹۳۳ بعنوان نماینده دولت ژاپن " قرار داد تان گو " را با دولت خائن گومیندان بامضاء رسانید. از ۱۹۳۷ تا ۱۹۴۵ متوالیا فرمانده ارتش شماره ۱۱، فرمانده ارتش جبهه چین شمالی، فرمانده ارتش جبهه ششم و فرمانده کل نیروهای اعزامی ژاپن در چین بود. وی درنده ترین سیاست " پاک سوزاندن، پاک کشتن و پاک غارت کردن " را در چین بموقع اجرا گذاشت. وی در رأس فهرست ژاپنی های جنایتکار جنگ که در اوت ۱۹۴۵ در ین ان منتشر شد قرار داشت. در مدت جنگ آزادیبخش توده ای رایشن نظامی مخفی چانکایشک بود و نقشه های حمله بر مناطق آزاد

شده را برای چانکایسک تنظیم کرد. در ژانویه ۱۹۴۹ از طرف دولت ارتجاعی گومیندان تبرئه و آزاد و به ژاپن اعزام شد. در سال ۱۹۵۰ از طرف چانکایسک پست افسر مربی ارشد "انستیتیوی مطالعه پراتیک انقلابی" باو واگذار گردید. از ۱۹۵۵ به سازمان دادن جنگجویان سابق نیروهای زمینی و دریائی ژاپن در "اتحادیه همزمان" (که بعد ها نام اتحادیه همزمان باز نشسته بخود گرفت) پرداخت و در دسائس ارتجاعی برای احیاء میلیتاریسم ژاپن نقش فعال ایفاء کرد.

۴ - "شرایط پنجگانه" دولت ارتجاعی گومیندان در باره مذاکرات صلح در اظهاریه اول سال ۱۹۴۹ چانکایسک قید شده است باین مضمون: ۱- "... که (مذاکرات صلح) باستقلال و تمامیت کشور زبان نرساند". ۲- "... که (مذاکرات صلح) بتواند به نیرو گرفتن خلق کمک کند". ۳- "... که قانون اساسی مقدس با اقدامات من نقض نشود و به رژیم مشروطه دموکراتیک لطمه ای وارد نیاید، که شکل دولتی جمهوری چین ضمانت شود و سیستم قضائی جمهوری چین دست نخورد". ۴- "... که نیروهای مسلح بطور مطمئن محفوظ بمانند". ۵- "... که خلق بتواند شیوه آزاد زندگی خود را نگهدارد و حداقل سطح زندگی کنونی خویش را حفظ کند". رفیق مائوتسه دون بیدرنگ این پنج کاده را جداً رد کرد. مراجعه شود به «در باره تقاضای صلح از طرف جنایتکار جنگ» ، جلد حاضر

۵ - "شرایط هشتگانه" حزب کمونیست چین در باره مذاکرات صلح بوسیله رفیق مائو تسه دون در اظهاریه ۱۴ ژانویه ۱۹۴۹ که راجع به اوضاع آن هنگام میباشد تنظیم شد. مراجعه شود به «اظهاریه صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مائو تسه دون در باره وضع حاضر» ، جلد حاضر .

۶ - وزارت دفاع ملی دولت نانکن در اعلامیه ای که روز ۲۷ ژانویه ۱۹۴۹ بوسیله خیر گزاری مرکزی گومیندان منتشر شد چنین اعلام داشت: "در چین شمالی بمنظور کوتاه کردن جنگ، نیل به صلح، و حفظ بی پین، این پایتخت کهن سال، حفظ ثروت های فرهنگی و بنا های تاریخی آن، فرمانده کل فو زوه ای در اعلامیه ۲۲ ژانویه خویش قطع مخاصمه را از ساعت ۱۰ همان روز اعلام داشته است. اکثر سپاهیان ما که در بی پین مقرر داشتند بفرمان ستاد کل یکی پس دیگری از محیط شهر بیرون آمده رهسپار محل هائی شده اند که برای آنها معین گشته است." همین اعلامیه اشعار میداشت که "قطع مخاصمه در سوی یوان و دا تون نیز عملی خواهد شد."

۷ - سون زی وین، سرمایه دار بزرگ رژیم گومیندان، متوالیاً وزیر دارائی، رئیس شورای اجرایی، وزیر امور خارجه و فرستاده مخصوص دولت گومیندان به آمریکا بود. چن چن، رئیس کل سابق ستاد، در آن موقع از طرف دولت گومیندان فرماندار استان تایوان بود. چه بین چینگ رئیس کل ستاد و وزیر دفاع ملی گومیندان بود. گو جو تون در آن موقع رئیس کل ستاد ارتش گومیندان بود. چن لی فو ف چن گوه فو و جو جیا هوا رؤساء گروه CC گومیندان بودند. وان شی جیه قبلاً وزیر خارجه گومیندان بود. او گوه جن در آن موقع از طرف دولت گومیندان شهردار شانگهای بود. دای چوان سیان که نام دیگرش دای جی تائو میباشد، مدت مدیدی عضو هیئت رایزنان چانکایسک و در آن موقع عضو شورای دائمی کمیته اجرایی مرکزی گومیندان بود و تان فن بوه فرمانده کل پادگان گومیندان در منطقه نانکن - شانگهای - حان جو بود. جو جی ژئو فرمانده کل نیروی هوائی گومیندان بود. ان شو مین معاون فرمانده کل و رئیس ستاد نیروی هوائی گومیندان بود. گوی یون چینگ فرمانده کل نیروی دریائی گومیندان بود.

**اظهاریه سخنگوی حزب کمونیست چین
درباره اینکه مجازات ژاپنی های جنایتکار
جنگ و گومیندانی های جنایتکار جنگ
ضرورتاً باید در جزو و شرایط صلح
گنجانیده شود**

(۵ فوریه ۱۹۴۹)

سخنگوی دولت ارتجاعی و خائن گومیندان در ۳۱ ژانویه به جواب گوئی به اظهاریه مورخ ۲۸ ژانویه سخنگوی حزب کمونیست چین در باره مسئله مذاکرات صلح پرداخته است. وی در برابر موضوعاتی که سخنگوی حزب کمونیست چین مطرح ساخته به مقاله مبادرت جسته است. در مورد مطالبه حزب کمونیست چین که دولت ارتجاعی و خائن گومیندان باید مسئولیت دستگیری مجدد یاسوژی اکامورا، این جنایتکار عمده تجاوز ژاپن بر پین، و تسلیم وی به ارتش آزادیبخش توده ای، و بازداشت سایر ژاپنی های جنایتکار جنگ و مراقبت در منع فرار آنها را بعهده گیرد سخنگو گومیندان گفته است: این "مسئله قضائی است که هیچ ربطی با مذاکرات صلح ندارد و بطریق اولی نمیتوان آنرا شرط قبلی مذاکرات صلح قرار داد". در مورد مطالبه حزب کمونیست چین که دولت ارتجاعی و خائن گومیندان باید مسئولیت دستگیری چانکایسک و سایر جنایتکاران جنگ را بعهده گیرد سخنگوی گومینندان گفته است: "صلح حقیقی نباید شروط قبلی داشته باشد" و اضافه کرده که سخنگوی حزب کمونیست چین "ظاهراً برخورد جدی ندارد" و بعلاوه "موجب پیچیدگی کار میشود". سخنگوی حزب کمونیست چین باین مناسبت اظهار میدارد: ما هنوز در ۲۸ ژانویه به دولت ارتجاعی و خائن گومیندان دولت اطلاق میکردیم، از این حیث برخورد ما واقعاً جدی نبوده است. بالاخره آیا این باصطلاح "دولت" هنوز وجود دارد؟ آیا در نانکن است؟ دیگر در نانکن هیچ ارگان قوه مجریه موجود نیست. آیا در گوان جو است؟ هیچ رئیس دولتی در گوان جو نیست. آیا در شانگهای است؟ در شانگهای نه ارگان قوه مجریه هست و نه رئیس دولت. پس آیا در فون هوا است؟ ولی در فون هوا جز یک باصطلاح رئیس جمهور که "بازنشستگی" خویش را اعلام داشته هیچ کس دیگر نیست. پس ما برای اینکه جدی صحبت کرده

باشیم نمی‌بایست او را دولت تلقی میکردیم. او حد اکثر دولتی فرضی یا قراردادی است. معذک فرض کنیم که چنین "دولت" سخن بگوید. در آن صورت سخنگوی مذکور بای بفهمد که این دولت فرضی و قراردادی ارتجاعی و خائن گومیندان نه فقط کاری برای مذاکرات صلح انجام نداده بلکه واقعاً پیوسته موجب پیچیدگی کار میشود. مثلاً آیا شما که یاسوزی اکامورا را در لحظه ای که با چنان اشتیاقی خواهان مذاکره بودید ناگهان تبرئه کردید موجب پیچیدگی کار نشدید؟ پس از آنکه حزب کمونیست چین دستگیری دوباره او را مطالبه کرد آیا شما او را با ۲۶۰ نفر دیگر از ژاپنی های جنایتکار جنگ به ژاپن فرستادید دیگر بار موجب پیچیدگی کار نشدید؟ کی امروز بر ژاپن حکومت میکند؟ آیا میتوان گفت که خلق حکومت میکند و نه امپریالیستها؟ شما آنقدر ژاپن را دوست دارید که بعقیده شما ژاپنی ها جنایتکار جنگ در آنجا از امنیت و آسایش بیشتری برخوردار خواهند بود و رفتار شایسته تری خواهند دید تا در مناطق تحت سلطه شما. آیا این مسئله قضائی است؟ و اگر هست چرا مطرح میشود؟ آیا ممکن است شما حتی فراموش کرده باشید که تجاوزکاران ژاپنی مدت هشت سال تمام با ما جنگیده اند؟ آیا این امر هیچ ارتباطی با مذاکرات صلح ندارد؟ روز ۱۴ ژانویه که حزب کمونیست چین شرایط هشت گانه را برای مذاکرات صلح مطرح ساخت هنوز آزادی یاسوزی اکامورا صورت نگرفته بود. آزادی مذکور روز ۲۶ ژانویه صورت گرفت، پس این مسئله ای است که باید مطرح شود و با مذاکرات صلح در ارتباط است. شما باطاعت از فرمان ماکازتور، روز ۳۱ ژانویه ۲۶۰ ژاپنی جنایتکار جنگ را با یاسوزی اکامورا به ژاپن فرستادید. پس ارتباط این مسئله با مذاکرات صلح باز هم نزدیک تر میشود. شما چرا تقاضای مذاکرات صلح کردید؟ برای اینکه جنگ داخلی بر علیه خلق برانگیختید. و کی این جنگ داخلی را برانگیختید؟ پس از تسلیم ژاپن. و بر علیه کی این جنگ را برانگیختید؟ بر علیه ارتش آزادیبخش توده ای و مناطق آزادشده توده ای که در جنگ مقاومت ضد ژاپنی خدمات عظیمی انجام داده اند. و با چه وسیله ای باین جنگ داخلی پرداختید؟ علاوه بر کمک آمریکا، بوسیله افرادی که در مناطق تحت سلطه خویش از خانواده های خود جدا کردید و بوسیله ثروت هائی که از خلق آنجا بغارت بردید. بمحض اینکه پیکار عظیم قاطع خلق چین بر ضد تجاوزکاران ژاپنی تمام شد، بمحض اینکه جنگ خارجی پایان یافت شما جنگ داخلی را برانگیختید. شما مغلوب شدید و تقاضای مذاکره کردید و سپس ناگهان یاسوزی اکامورا، این ژاپنی جنایتکار عمده جنگ را تبرئه کردید. و همینکه ما به اعتراض پرداختیم و خواستار شدیم که او را از نو بزدان بیفکنید تا به ارتش آزادیبخش توده ای تحویل

داده شود ، شما وی را با ۲۶۰ ژاپنی جنایتکار دیگر جنگ با عجله به ژاپن فرستادید . آقایان اعضاء دولت ارتجاعی و خائین گومیندان ، عملی که شما مرتکب شده اید بیش از اندازه نامعقول است ، نقض بسیار فاحش اراده خلق است . اینک ما مخصوصاً کلمه " خائن " بر عنوان شما افزوده ایم و شما باید آنرا بپذیرید . دولت شما مدتهاست که دولت خائن است و فقط بمنظور اختصار بوده است که ما گاهی این کلمه را از قلم انداخته ایم ، حالا دیگر نمیتوانیم آنرا بقلم نیاوریم . شما علاوه بر کلیه خیانت هائی که در گذشته مرتکب شده اید اکنون خیانتی انجام داده اید که از فاحش ترین آنهاست ، و این نکته ایست که مسلماً باید ما طی مذاکرات صلح مورد بحث قرار دهیم . خواه شما بگوئید که این " موجب پیچیدگی کار میشود " و خواه نگوئید مسئله باید حتماً مورد بحث قرار گیرد . و از آنجا که این حادثه پس از ۱۴ ژانویه روی داده نمیتوانسته در شرایط هشت گانه که ما قبلاً تنظیم کرده بودیم مطرح باشد بنظر ما ضروری است که ماده جدیدی بر شرط نخستین اضافه شود بشرح زیرین : مجازات ژاپنیهای جنایتکار جنگ . باین طریق اینک شرط نخستین شامل دو ماده است : الف - مجازات ژاپنی های جنایتکار جنگ ؛ ب - مجازات جنایتکاران جنگ داخلی . ما حق داریم این ماده جدید را بیفزائیم ؛ این ماده مبین اراده قاطبه خلق است . خلق میطلبد که ژاپنی های جنایتکار جنگ تنه شوند . حتی در درون گومیندان نیز بسیار عقیده دارند که طبیعی است و عادلانه است که یاسوژی اکامورا و سایر ژاپنی های جنایتکار جنگ در ردیف چانکایشک و سایر جنایتکاران جنگ دداخلی بمجازات برسند . خواه شما بگوئید که اراده ما در کار صلح صمیمانه است و خواه نگوئید ، مسئله این دو دسته جنایتکار جنگ باید مورد بحث قرار گیرد و هر دو دسته باید تنبیه شوند . در مورد این مطالبه ما که شما باید قبل از شروع مذاکرات بدستگیری گروهی از جنایتکاران جنگ داخلی بپردازید و از فرار آنان جلو گیرید بعقیده شما صلح " نباید شرط قبلی داشته باشد " و آقایان اعضاء دولت ارتجاعی و خائین گومیندان ، این شرط قبلی نیست بلکه مطالبه ایست که بطور کاملاً طبیعی از پذیرش شرط مربوط به مجازات جنایتکاران جنگ ناشی میشود که شما آنرا بعنوان پایه ای برای مذاکرات پذیرفته اند . ما مأموریت دستگیری این جنایتکاران را برای مذاکره تمام نکرده بودیم شما در آتش اشتیاق مذاکره میسوختید و غصه دار بودید که کاری نیست تا انجام دهید . از اینجهت ما کار مناسبی برای شما معین کردیم . این جنایتکاران جنگ دستگیر خواهند شده . اگر بأخر دنیا هم بگریزند باید دستگیر شوند . شما که سر شار از شفقت هستید ، شما که خواهان " کوتاه کردن جنگ " ، " تحفیف مصائب خلق " و مقدم داشتن نجات خلق بر ملاحظات دیگر " میباشید و

همگی چنان قلب رئوفی دارید ، شما نباید نسبت به مسئولان کشتار میلیون ها نفر از هموطنان خویش اظهار ترحم کنید . آنقدر که از روی حن نیت شما در قبول مجازات جنایتکاران جنگ بعنوان یکی از پایه های مذاکرات میتوان قضاوت کرد بنظر میرسد که شما چندان ترحمی نسبت باین افراد ندارید . معذک چون اظهار میدارید که دستگیری فوری اینان برای شما محظوراتی به پیش می آورد لا اقل از فرارشان جلوگیری کنید . در هیچ حالی نباید بگذارید که بگریزند . فکر کنید آقایان ، پس از اینهمه زحمت که بخود دادید تا نمایندگانی برای بحث در مسئله مجازات جنایتکاران جنگ بنزد ما بفرستید اگر اینها گریخته باشند ما از چه صحبت خواهیم کرد ؟ آقایان نمایندگان شما چقدر سبک خواهند شد . در آن صورت نشانه آنهمه " تمایل صمیمانه به صلح " که شما دارید چه خواهد بود ؟ در آن صورت ، آقایان ، چگونه میتوانید ثابت کنید که شما واقعاً آرزومند " کوتاه مردن جنگ " ، تخفیف مصائب خلق " و " مقدم داشتن نجات خلق بر ملاحظات دیگر " هستید و بهیچوجه ریا نمیکنید ؟ سخنگوی گومیندان حرفهای نا معقول دیگر نیز بسیار زده است . اما این حرفها نمیتواند کسی را بفریبد و ما پاسخ گوئی بانها را بیفایده میدانیم . آقایان اعضاء " دولت " فرضی و قرار دادی ارتجاعی و خائن گومیندان (در نظر داشته باشید که کلمه دولت در گیومه است) در نانکن یا گوان جو یا فون هوا یا شانگهای ! اگر باز هم فکر میکنید که برخورد ما در این اظهاریه جدی نیست خواهش میکنیم ما را معذور دارید زیرا که این یگانه برخورد است که ما میتوانیم نسبت بشما داشته باشیم .

ارتش را به واحد کار مبدل کنید

(۸ فوریه ۱۹۴۹)

تلگراف مورخ چهارم فوریه شما را دریافت کردیم . اینکه در تعلیم و تقویت ارتش سرعت بخرج داده و آماده میشوید که یک ماه قبل از موعد مقرر وارد کارزار گردید(۱) ، شایان تقدیر است . امیدواریم باینکار ادامه دهید و از کوشش خود نگاهید. ولی شما عملاً باید در ماه مارس نیز همچنان به تعلیم و تقویت ارتش بپردازید ، معهداً باید تکیه آموزش را روی مشی های سیاسی بگذارید و خود را برای تسخیر شهر های بزرگ و اداره امور آنها آماده کنید . از این ببعد فرمولی را که طی بیست سال اخیر بکار میبردیم ، یعنی " اول دهات سپس شهر ها " ، معکوس میشود و باینصورت در میآید : " اول شهر ها سپس دهات " . ارتش فقط واحد نبرد نیست بلکه بطور عمده واحد کار است . کلیه کادر های ارتش باید چگونگی تسخیر شهر ها و اداره امور آنها را فرا گیرند ؛ باید بخوبی بدانند که رفتارشان در شهر ها با امپریالیستها و مرتجعین گومیندان و نحوه برخورد شدن با بورژوازی چگونه باید باشد . آنها باید در رهبری کارگران و سازماندهی سندیکا ها ، بسیج و سازماندهی جوانان ، در آمیختن با کادر های مناطق تازه آزاد شده و آموزش آنان ، اداره صنایع و تجارت ، رهبری مدارس ، روزنامه ها ، خبرگزاری ها و ایستگاههای رادیو ، پرداختن بامور خارجی ، فیصله دادن بمسائل مربوط به احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده ای ، تنظیم مناسبات بین شهر و ده ، حل مسایل خواربار و زغال و سایر مایحتاج و حل مسایل پولی و مالی وارد و قادر باشند . خلاصه از این ببعد کادر های ارتش و رزمندگان باید کلیه مسایل مربوط به شهر را که در گذشته با آنها آشنائی نداشتند ، بعهده بگیرند . شما در پیشروی خود چهار یا پنج استان را تسخیر خواهید کرد ، علاوه بر کار در شهر ها باید در مناطق روستائی پهناور نیز کار کنید . از آنجا که

متن تلگرافی که از طرف رفیق مانوتسه دون برای کمیسیون نظامی انقلابی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در جواب به ارتشهای صحرائی دوم و سوم تنظیم شده است . این تلگراف در عین حال به سایر ارتشهای صحرائی و به بورو هی کمیته مرکزی مربوط نیز فرستاده شد . رفیق مانوتسه دون با در نظر گرفتن اینکه پس از سه عملیات بزرگ لیائو سی - شن یان ، حوای های و بی پین - تیازین دوره نبردهای بزرگ بسر رسیده است ، بموقع در این تلگراف خاطر نشان ساخت که ارتش آزادبخش توده

مناطق روستائی در جنوب همگی بتازگی آزاد میشوند ، کار در این مناطق با کار در مناطق آزاد شده قدیم در شمال اساساً تفاوت دارد . در این مناطق در سال اول هنوز نمیتوان سیاست تقلیل بهره مالکانه و ربح را عملی ساخت . بهره مالکانه و ربح باید تقریباً مثل سابق پرداخته شود . شما تحت چنین شرایطی است که در دهات کار خواهید کرد . از اینجهت کار در روستا نیز اقتضا دارد که به کار آموزی جدیدی بپردازید . ولی کار در ده را از کار در شهر آسانتر میتوان فرا گرفت . کار در شهر دشوار تر است . و در حال حاضر باید موضوع عمده مطالعه شما قرار گیرد . اگر کادر های ما نتوانند طرز اداره امور شهر های را بسرعت بیآموزند ، ما با مشکلات فوق العاده زیادی روبرو خواهیم شد . بنابر این شما باید کلیه مسایل دیگر را در ماه فوریه حل کنید و تمام ماه مارس را بآموختن کار در شهر ها و در نواحی تازه آزادشده اختصاص دهید . گومیندان دیگر جز یک ارتش یک میلیون و چند صد نفری چیز دیگری در اختیار ندارد که آنهم در سرزمین خیلی پهناوری پراکنده است . البته ما هنوز نبرد های متعددی در پیش داریم . ولی احتمال وقوع نبرد های بزرگ مانند عملیات اپراتیو هوای های کم و حتی میتوان گفت که اصلاً وجود ندارد و دوران نبردهای سخت و بزرگ سپری گشته است . ارتش مانند گذشته واحد نبرد است و در این مورد هیچگونه اهمالی از جانب ما نباید صورت گیرد . اگر اهمالی کنیم ، دچار اشتباه خواهیم شد . معذک وظیفه ای که از هم اکنون در برابر ما قرار دارد اینستکه ارتش را بواحد کار بدل سازیم . چنانچه از هم اکنون چنین وظیفه ای را در برابر خود قرار ندهیم و باجرای آن همت نگماریم ، مرتکب اشتباه بسیار بزرگی خواهیم شد . ما آماده میشویم که قریب ۵۳۰۰۰ کادر همراه ارتش بجنوب اعزام داریم، ولی این تعداد خیلی کم است . هشت یا نه استان و ده ها شهر بزرگ که ما باید اشغال کنیم ، نیازمند عده کثیری کادر کارند ، و ارتش برای حل این مسئله باید بطور عمده بخود تکیه کند . ارتش یک مدرسه است ؛ ارتشهای صحرائی ما که شامل ۲۱۰۰۰۰ نفراند ، بمنظله چندین هزار دانشگاه و دبیرستان اند . ما برای تهیه کادر های کار باید بطور عمده به ارتش تکیه کنیم . این تکیه باید برای شما کاملاً روشن باشد . چون دوران نبرد های سخت و بزرگ بطور عمده دیگر بسر رسیده است ، باید تکمیل

ای فقط واحد نبرد نیست بلکه باید در عین حال واحد کار هم باشد و وظیفه عمده آن در شرایط معینی وظیفه واحد کار است . این رهنمود در آن دوره در حل مسئله کادرها در مناطق تازه آزاد شده و در توسعه بی وقفه انقلاب توده ای دارای اهمیت بزرگی بود . در باره اینکه ارتش آزادیبخش توده ای از نظر ماهیت در عین حال هم واحد نبرد و هم واحد کار است ، رجوع شود به « گزارش به دومین پلینوم هفتمین دوره کمیته مرکزی حزب کمونیست چین » ، بخش ۲ ، جلد حاضر .

نفرات ارتش و تأمین ساز و برگ آن در حد متناسب عملی گردد. نیاید در مورد کمیت و کیفیت و تمامیت آنقدر پر توقع بود که موجب بحران مالی شود. این نکته دیگری است که شما باید مورد توجه جدی قرار دهید. اصول فوق الذکر درباره ارتش صحرائی چهارم نیز کاملاً صدق میکند و از رفقا لین بیائو و لوه ژون هوان هم خواهش میشود که به آنها توجه نمایند. ما با رفیق کان شن مفصل گفتگو کردیم و از او خواستیم که حد اکثر تا دوازدهم این ماه به شما ملحق شود و در باره این مسایل با شما مذاکره کند. تقاضا میکنیم پس از مذاکره بیدرنگ نظریه خود و همچنین اقداماتیرا که میخواهید انجام دهید، تلگرافی بما اطلاع دهید. بوروی چین شرقی و ستاد کل منطقه نظامی چین شرقی باید فوراً به سیوجو منتقل شوند تا با کمیته عمومی جبهه (۲) و کمیته جبهه ارتش صحرائی سوم تشریک مساعی کنند و تمام هم خود را برای تدارک حرکت بسوی جنوب متمرکز سازند. تمام امور خود را در مورد پشت جبهه به شعبه بوروی شان دون بسپارید.

یادداشتها

ارتشهای صحرائی دوم و سوم در نظر داشتند که تاریخ گذار از رود خانه یان تسه را که قبلاً برای آوریل ۱۹۴۹ پیش بینی شده بود، یک ماه جلو بیندازند. این امر در اثر مذاکرات صلح با دولت ارتجاعی گومیندان به دهه آخر آوریل موکول گردید.

۲ - کمیسیون نظامی انقلابی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین برای اینکه به نیازمندیهای عملیات اپراتیو حوای های پاسخ دهد، در ۱۶ نوامبر ۱۹۴۸ تصمیم گرفت کمیته عمومی جبهه را مرکب از رفقا لیو بوه چن، چن ای، دن سیائو پین، سو یو و تن جن لین، بدبیری رفیق دن سیائو پین تشکیل دهد تا آنکه کمیته مذکور فرماندهی واحد ارتش صحرائی دشتهای مرکزی و ارتش صحرائی چین شرقی را بعهده گیرد و همچنین رهبری امور نظامی و عملیات را در جبهه حوای های عملی گرداند.

چرا مرتجعان که در پراکندگی کامل افتاده اند هنوز بیهوده برای " صلح همگانی " جنجال میکنند ؟

(۱۵ فوریه ۱۹۴۹)

رژیم ارتجاعی گومیندان زودتر از آنچه انتظار میرفت فرو میریزد . اندکی بیش از چهار ماه از موقعیکه ارتش آزادیبخش توده ای جی نان را گرفت و اندکی بیش از سه ماه موقعیکه وی شن یان را بتصرف در آورد نمیگذرد که کلیه بقایای نیروهای گومیندان رد عرصه نظامی ، سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و تبلیغات گرفتار تشست و تلاشی علاج ناپذیر گردیده است . فرو ریختن عمومی رژیم گومیندان با عملیاتهای اپراتیو لیائو سی - شن یان و بی پین - تیانزین در جبهه شمال و عملیات اپراتیو هوای های در جبهه جنوب آغاز شد . در عرض کمتر از چهار ماه ، از آغاز اکتبر سال گذشته تا پایان ژانویه امسال این سه عملیات اپراتیو برای گومیندان بقیمت بیش از ۱۵۴۰۰۰۰ نفر و از آن جمله ۱۴۴ لشگر کامل از ارتش منظم او تمام شد . فروریختن عمومی رژیم گومیندان ، فرجام اجتناب ناپذیر پیروزی های بزرگ خلق چین در جنگ آزادیبخش و در جنبش انقلابی است . ولی جنجال های " صلح " که از طرف گومیندان و خداوندگاران امریکائیش بر پا گردید نیز نقش نسبتاً مهمی در تسریع این فرو ریختن ایفاء کرد . از اول ژانویه امسال مرتجعان گومیندان به بلند کردن سنگ بنام " تعرض صلح " دست زدند تا آن را بر سر خلق چین پرتاب کنند ولی آن سنگ بروی پاهای خودشان افتاد . و بعبارت بهتر این سنگ گومیندان را خورد کرده . علاوه بر ژنرال فو زوه ای که با ارتش آزادیبخش توده ای در حل مسالمت آمیز مسئله بی بین همکاری کرده است عده کثیری از اشخاص در کشور خواهان حل مسالمت آمیز اند . آمریکائیان با خشم ناتوانی ناظر اوضاع اند و نسبت به دست پروردگانی که امید آنان را فریب داده اند سخت بر آشفته اند . در واقع تعرض صلح ، این سلاح سحر آسا ، از زرادخانه های آمریکا بیرون آمده و بیش از شش ماه پیش بوسیله آمریکائیان به گومیندان هدیه شده است . خود لیتون استوارت این سر را بروز داد و استوارت پس از آنکه چانکاپسک باصطلاح پیام اول سال خویش را منتشر ساخت به خبرنگار و خبر

گزاری مرکزی چنین اظهار داشت : اینست " آنچه خود من پیوسته در راه آن کوشیده ام ". بطوری که خبر گزاری های آمریکائی گرازش دادند خبرنگار مذکور چون این سخن را " که برای انتشار نبود " انتشار داد از نان خوردن محروم شد . دارو دسته چانکایسک تا مدتها بنابر علتی که صریحا در رهنمود شعبه تبلیغات کمیته اجرائی مرکزی گومیندان مورخ ۲۷ دسامبر ۱۹۴۸ بشرح زیرین بیان شده جرأت اطاعت از این امر را نداشت :

اگر ما نمیتوانیم بجنگیم به صلح هم نمیتوانیم مبادرت جوئیم . و اگر میتوانیم بجنگیم در آن صورت از صلح جز اینکه روحیه سپاهیان و روحیه خلق را خراب کند نتیجه دیگری نمیدهد . از اینجهت خواه بتوانیم یا نتوانیم صحبت از صلح برای ما زیان دارد و هیچ سود ندارد .

گومیندان در آن هنگام این رهنمود را منتشر ساخت زیرا که فراکسیونهایی از گومیندان به هواداری از صلح برخاسته بودند . در ۲۵ دسامبر گذشته بای چون سی و شورای مشورتی ایالتی حو به تحت رهبری او مسئله " حل مسالمت آمیز " (۱) را در برابر چانکایسک مطرح ساختند و وی مجبور شد که در اول ژانویه در طی اظهاریه ای از مذاکرات صلح بر اساس شرایط پنج گانه سخن بگوید . چانکایسک امیدوار بود که اختراع تعرض صلح را از بای چون سی بر باید و سلطه کهن خویش را در زیر عنوان جدید ادامه دهد . روز ۸ ژانویه جان چیون را به حان کو نزد بای چون سی فرستاد تا پشتیبانی او را بدست آورد و در همان روز از دولت آمریکا ، انگلیستان ، فرانسه و اتحاد شوروی خواستار شد که در جنگ داخلی چین مداخله کنند (۲) . اما همه این اقدامات با ناکامی روبرو شد . اظهاریه ۱۴ ژانویه مائوتسه دون صدر حزب کمونیست چین ضربه هلاک بر دسیسه صلح دروغین چانکایسک وارد آورد و وی را مجبور ساخت که یک هفته بعد " باز نشسته شود " و به پشت پرد برود . چانکایسک ، لی زون ژن و آمریکائیان همه گونه تدارک لازم برای این دسیسه چیده بودند و امیدوار بودند که بهمدستی یکدیگر نمایشنامه صامت جالبی بروی صحنه بیاورند . اما نتیجه برخلاف انتظار آنان بود : نه فقط تماشاگران سالن پیوسته کم شدند بلکه خود هنرپیشگان نیز یکی پس از دیگری صحنه را ترک گفتند . چانکایسک هنوز در فون هوا در همان " حالت باز نشستگی " برهبری بقایای نیروها مشغول است ولی وی موقعیت قانونی خویش را از دست داده است و کسانی که باو باور دارند روز بروز کمیاب تر میشوند . " شورای اجرائی " سون کا بابتکار خود " انتقال حکومت به گوان جو " را اعلام داشته و نه فقط در برابر " رئیس جمهور " و " کفیل ریاست جمهور " بلکه همچنین در برابر " شورای قانونگزاری " و " شورای تفتیش " پرچم استقلال

بر افرشته است. " شورای اجرائی " سون کا بجنگ دعوت میکند (۳) ولی "وزارت دفاع ملی" که عهده دار وظایف جنگ است نه در گوان چو است و نه در نانکن ، و یگانه اثری که از او مشاهده میشود اینست که سنخگوش در شانگهای است . باین طریق یگانه چیزی که لی زون ژن میتواند هنوز از فراز " شهر سنگی " ببیند ... آسمان است که

در خلاء بیکرانی که در هیچ جا راه را بر نگاه نمیبندد بر روی کشور وو و چو افتاده است (۴) .

از روز ۲۱ ژانویه که لی زون ژن بکار پرداخته هیچیک از فرمان هایش اجرا نشده است . اگر چه گومیندان دیگر "دولت " " همگانی " ندارد و در جا های بسیار اقدامات برای صلح محلی در جریات است سرسختان گومیندان با صلح محلی مخالفت میورزند و خواهان " صلح همگانی " اند . اما هدف حقیقی آنان اینست که صلح را بکناری زند باین امید که جنگ را دنبال کنند . آنان سخت بیمناک اند که مبدا این اقدامات صلح محلی بحدی دامنه یابد که نظارت آنان خارج شود . این مسخره که گومیندان پراگنده و متلاشی خواهان " صلح همگانی " است با اظهاریه ۹ فوریه دن وین ای ، این جنایتکار جنگ و رئیس شعبه کار سیاسی باصطلاح وزارت دفاع ملی در شانگهای باوج خود رسید . دن وین ای مانند سون کا اظهاریه ۲۲ ژانویه لی زون ژن را که هشت شرط حزب کمونیست چین را بعنوان پایه مذاکرات پذیرفته بود رد کرد و "صلح" بر پایه تساوی ، صلح همگانی " را علام داشت و گفت که در غیر اینصورت " ما از هیچ فداکاری دریغ نخواهیم ورزید و با کمونیست ها تا آخر مبارزه خواهیم کرد". ولی دن وین ای فراموش کرد که بگوید ما ، ما دشمنان وی ، اینک با چه کسی باید در باره " صلح بر پایه تساوی ، صلح همگانی " مذاکره کنیم . مراجعه به دن وین ای ظاهراً بجائی نخواهد رسید . اما مراجعه بشخص دیگر غیر از او نیز بجائی نخواهد رسید . اینست که انسان را دچار محظور میکند و بموجب خبر خبرگزاری مرکزی از شانگهای بتاريخ ۹ فوریه :

یکی از روزنامه نگاران از دن وین ای پرسید : " آیا کفیل ریاست جمهور لی شروط چهارگانه اظهاریه شما (۵) را تأیید کرده است ؟ " دن وین ای پاسخ داد : " موضع من موضع وزارت دفاع ملی است . شروط چهارگانه که امروز منتشر میشود قبلاً بنظر کفیل ریاست جمهور لی نرسیده است . "

در اینجا دن وین ای نه فقط موضع خاصی بنام موضع باصطلاح وزارت دفاع ملی اختراع کرده که غیر از موضع عمومی باصطلاح دولت گومیندان است بلکه در واقع

موضع خاص تری بنام موضع شعبه کار سیاسی باصطلاح وزارت دفاع ملی اختراع کرده که غیر از موضع خاص وزارت اخیر است. زیرا که دن وین ای با حل مسالمت آمیز مسئله بی پین آشکارا مخالفت ورزیده و بآن تاخته است، و حال آنکه باصطلاح وزارت دفاع ملی در ۲۷ ژانویه از این امر استقبال کرد و آن را اقدامی دانست که " کوتاه کردن جنگ و نیل به صلح، و حفظ بی چین، این پایتخت کهن سال، و حفظ ثروت های فرهنگی و بناهای تاریخی آن " را میسر میگرداند و اظهار داشت که در داتون، در سوی یوان و سایر جاها (۶) نیز بهمین طریق " قطع مخاصمه عملی خواهد شد ". از اینجا بر میآید که مرتجعانی که با حرارت بیشتر برای " صلح همگانی " جنجال میکنند درست همان هائی هستند که کمتر از همه موضع همگانی دارند. یک شعبه کار سیاسی وزارت دفاع ملی بخود اجازه میدهد که بمخالفت با وزارتخانه خویش و حتی کفیل ریاست جمهور سخن بگوید. امروزه این مرتجعان بزرگترین مانع تحقق صلح در چین اند. رؤیای آنها اینست که در پناه شعار " صلح همگانی " به تهیج به سود جنگ همگانی پردازند. سخن آنها عیناً اینست. " اگر جنگ است نباید جنگ همگانی باشد و اگر صلح است باید صلح همگانی باشد ". ولی در واقع نه آن نیرو را دارند که به صلح همگانی تحقق بخشند و نه آن نیرو که بجنگ همگانی دست بزنند. نیرو کاملاً در دست خلق چین است، در دست ارتش آزادیبخش توده ای چین، در دست حزب کمونیست چین و سایر احزاب دموکراتیک است، در دست گومیندان که در پراگندگی و تلاشی کامل افتاده است نیست. یک طرف تمام نیرو را در دست دارد و طرف دیگر در پراگندگی و تلاشی کامل علاج ناپذیری است. این نتیجه مبارزه طولانی خلق چین و نتیجه سلسله طولانی جنایات گومیندان است. هیچ صاحب نظری نمیتواند این واقعیت اساسی را در وضعیت سیاسی چین کنونی از دیده فرو گذارد.

یادداشتها

۱ - بای چون سی فرمانده ستاد کل گومیندان برای " امحاء راهزنان " در چین مرکزی، با استفاده از موقعیت بسیار نامناسبی که در آن دوره برای چانکایسک پیش آمده بود در ۲۵ دسامبر ۱۹۴۸ بوی پیشنهادی داد مبنی بر " حل مسالمت آمیز " مسئله جنگ داخلی باین قصد که چانکایسک را به کناره گیری از قدرت وادار سازد و موقعیت دار و دسته گوان سی که بای چون سی بآن وابسته بود تحکیم شود. باصطلاح شورای مشورتی ایالتی جوبه، تحت رهبری بای چون سی تلگرافی به چانکایسک فرستاد و بوی گوشزد کرد که " اگر این جنگ مخرب همچنان دامنه گیرد و اگر کوششی فوری برای

ترمیم وضعیت بعمل نیاید ، حکومت و خلق رهسپار فنا خواهند شد " و از او خواست که راه حل عادی سیاسی را دنبال کند و در جستجوی وسائلی برای از سرگرفتن مذاکرات صلح باشد "

۲ - تقاضای مداخله از طرف دولت آمریکا ، انگلستان ، فرانسه و شوروی رد شد . دولت آمریکا در " یادداشت " ۱۲ ژانویه به دولت گومیندان توضیح داد که امریکا تقاضای دولت گومیندان را رد میکند زیرا که از این کار " تصور نمیرود نتیجه مفیدی عاید گردد " . این رد تقاضا بآن معنی بود که دولت آمریکا در همان هنگام نیز حس میکرد که دیگر نمیتواند از فنای رژیم ارتجاعی چانکائیشک ، این رژیم مورد پشتیبانی خود ، جلو گیرد .

۳ - در روز های ۶ و ۷ فوریه ۱۹۴۹ سون کا رئیس باصطلاح شورای اجرائی دولت گومیندان ، در اظهاریه در گوان جو داد و در آنها با اظهاریه لی زون ژن در مورد قبول شرایط هشتگانه پیشنهاد حزب کمونیست چین بعنوان پایه مذاکرات صلح مخالفت ورزید . وی گفت : " دولت به گوان جو منتقل شده است و در آنجا عمل میکند و ما باید گذشته خویش را مورد بررسی انتقادی قرار دهیم " . همچنین وی اظهار داشت : " شرط مربوط به مجازات جنایتکاران جنگ که کمونیستها به پیش کشیده اند ابدأ پذیرفتنی نیست "

۴ - مستخرج از قطعه شعری است بعنوان « برباروی شهر سنگی » که بوسیله شاعر چینی قرن ۱۴ ، سعدلله ، در زمان سلسله یوان ها بر زمینه « نیان نو چیائو » ساخته شده است . " شهرسنگی " نام قدیم نانکن است . کشور وو و جو برترب در قسمت پائین و وسط رودخانه یان تسه قرار داشت .

۵ - دن وین ای در اظهاریه کتبی خویش راجع به « تحول صلح و جنگ » " چهار ماده " زیرین را اعلام کرد : ۱ - " دولت صلح میخواهد " ؛ ۲ - " حزب کمونیست چین جنگ میخواهد " ؛ ۳ - " صلح محلی در بی پین نرنگی شده است " ؛ ۴ - " ما از هیچ فداکاری دربع نخواهیم ورزید و با کمونیستها تا آخر مبارزه خواهیم کرد "

۶ - پس از آزادی تیانژین و بی پین فقط چند نقطه منفرد در دست نیروهای گومیندان در چین شمالی باقی ماند که از آن جمله عبارت بود از : تای یوان ، دا تون ، سین سیان ، ان یان ، گوی سوی . سپاهان دشمن در تای یوان در ۲۴ آوریل ۱۹۴۹ بکلی نابود شدند . سپاهیان دا تون در ۱ ماه مه به تجدید سازمان مسالمت آمیز تن در داند . سپاهیان سین سیان در ۵ ماه به ارتش آزادیبخش توده ای تسلیم شدند . سپاهیان آن یان در ۶ ماه مه نابود شدند . گوی سوی در ۱۹ سپتامبر از طریق مسالمت آمیز آزاد شد .

مرتجعان گومیندان از " دعوت صلح " بدعوت بجنگ روی آورده اند

(۱۶ فوریه ۱۹۴۹)

سرجنبانان دارودسته ارتجاعی گومیندان که پس از آنکه چانکایشک راهزن در روز ۱ ژانویه به تعرض صلح پرداخت پیوسته از اراده خویش مبنی بر " کوتا کردن جنگ " ، " تخفیف مصائب خلق " و مقدم داشتن نجات خلق بر ملاحظات دیگر " دم میزدند از دهه اول فوریه ناگهان ترجیع بند صلح را رها کردند و ذکر دیرینه خویش را از سر گرفته : " مبارزه با کمونیستها تا آخر " . این امر بخصوص در روزهای اخیر مشهود است . در «آموزشهای خاص برای تبلیغات» که در ۱۳ فوریه از طرف شعبه تبلیغاتی کمیته مرکزی گومیندان به " کلیه سازمانها و کلیه جرائد حزب " داده شده است چنین گفته میشود :

به جیان بین بانتشار تبلیغاتی برای مناطق پشت جبهه ما دست زده که بموجب آن حزب کمونیست چین صمیمانه خواستار صلح است . در عین حال اقدامات نظامی دولت را بعنوان نشانه عدم حسن نیت در امر صلح محکوم ساخته است . کلیه جرائد ما باید این اظهارات را مستقیم و غیر مستقیم بر طبق موارد زیرین مجدانه رد کنند .
آنگاه «آموزشهای خاص برای تبلیغات» یک سلسله دلیل برای این " رد کردن " می آورد :
بهتر است که دولت تا آخر مبارزه کند تا آنکه بدون شرط تسلیم شود .
شایط هشت گانه مائوتسه دون در اظهاریه ۱۴ ژانویه بمعنای فنانی ملت است .
دولت نمایست آنها را بپذیرد .

... حزب کمونیست چین ... باید مسئولیت بهم زدن صلح را بر عهده گیرد . ولی معذالک اکنون وی فهرستی از باصطلاح جنایتکاران جنگ تنظیم کرده که شامل کلیه رهبران دولت است ، و حتی خواسته است که دولت بدستگیری آنها آغاز کند ، این امر بصراحت میرساند که حزب کمونیست چین تا چه درجه مغرور و نابخرد است . اگر روش وی تغییر نپذیرد بدون تردید یافتن وسیله ای برای آغاز مذاکرات صلح دشوار خواهد شد .

دیگر اثری از آن بیتابی برای مذاکرات صلح که دو هفته پیش دیده میشد مشهود نیست . دیگر این کلمات مشهور که در همه جا پخش میشد و بدلهای مینشست بگوش نمیرسد : " کوتا کردن جنگ " ، " تخفیف مصائب خلق " و " مقدم داشتن نجات خلق بر ملاحظات دیگر " . اگر حزب کمونیست چین حاضر نیست " روش " خود را تغییر دهد و بر سر مجازات جنایتکاران جنگ اصرار میورزد مذاکرات صلح غیر ممکن خواهد شد . در این صورت کدام ملاحظه است که بر ملاحظات دیگر مقدم است ؟ نجات خلق یا نجات جنایتکاران جنگ ؟ اگر از روی

«آموزش‌های خاص برای تبلیغات» که بوسیله این سرجنابانان گومیندان تنظیم شده است قضاوت کنیم اینان نجات جنایتکاران جنگ را مقدم می‌شمرند. حزب کمونیست چین در مورد فهرست جنایتکاران جنگ همچنان با احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده ای مشغول مشورت است و هم اکنون نظریاتی از جوانب مختلف باو رسیده است. هیچیک از نظریاتی که تا امروز رسیده فهرستی که روز ۲۵ دسامبر گذاشته از طرف شخصیت صلاحیت دار حزب کمونیست چین مطرح شد موافق نیست. چنین اظهار عقیده میشود که فهرستی که فقط نام چهل و سه جنایتکار جنگ را در بر دارد خیلی کوتاه است؛ تعداد مسئولان برانگیختن جنگ ضد انقلابی و کشتار چندین میلیون انسان مسلماً به چهل و سه محدود نمیشود، باید از صد نفر بیشتر باشد. ما عجلتاً فرض کنیم که تعداد جنایتکاران جنگ بیش از صد نفر باشد. در این صورت میخواهیم از سرجنابانان گومیندان پرسیم: چرا با مجازات جنایتکاران جنگ مخالفت می‌ورزید؟ آیا خواهان " کوتاه کردن جنگ " و " تخفیف مصائب خلق " نیستید؟ اگر بعلت مخالفت شما جنگ ادامه باید آیا این گذراندن زمان و ادامه مصائب جنگ نیست؟ گذراندن زمان و ادامه مصائب جنگ " همان اتهامی بود که شما در اظهاریه ۲۶ ژانویه ۱۹۴۹ بنام سخنگوی دولت نانکن بر حزب کمونیست چین وارد می‌ساختید. آیا اینک میخواهید این اتهام را پس بگیرید و آنگاه آن را بر پلاکات نوشته بعنوان علامت افتخار برگردن خویش بیاویزید؟ شما از آن مردان سرشار از شفقت هستید که نجات خلق را بر ملاحظات دیگر مقدم می‌شمرند " پس چرا ناگهان تغییر روش میدهید و نجات جنایتکاران جنگ را بر ملاحظات دیگر مقدم میدارید؟ طبق آمار وزارت کشور شما جمعیت چین دیگر ۴۵۰ میلیون نیست بلکه ۴۷۵ میلیون است. این رقم را با رقم جنایتکاران جنگ که صد و چند دو نفر است مقایسه کنید: کدام یک بزرگتر است؟ شما سرجنابانان حساب میدانید. بخود زخمی بدهید و قبل از هرگونه نتیجه گیری از روی کتاب درسی خویش درست حساب کنید. اگر پیش از آنکه این حساب را درست انجام دهید با عجله به تغییر بیان نخستین خویش، یعنی " مقدم داشتن نجات خلق بر ملاحظات دیگر " یعنی بیان والائی که مورد قبول ما و قاطبه خلق است، بپردازید و بیان دیگر، یعنی " مقدم داشتن نجات صد و چند ده نفر جنایتکار جنگ بر ملاحظات دیگر " را بجای آن بگذارید در آن صورت نمیتوانید خودتان را سر پا نگه دارید. مواظب باشید. این اشخاص که پیوسته لزوم " مقدم داشتن نجات خلق بر ملاحظات دیگر " را تکرار میکردند، پس از آنکه چند هفته " صلاهی صلح " در دادند اینک از " صلاهی صلح " به صلاهی جنگ روی آورده اند. بد بختی سرسختان گومیندان در همین است که لجوجانه با خلق مخالفت می‌ورزند، خلق را پامال میکنند، و بدین جهت بر فرار معبد منفرد میمانند و تا نفس واپسین توبه نمیکنند. توده های وسیع خلق در حوضه یان تسه و در جنوب، شما ها، کارگران، دهقانان، روشنفکران، خرده بورژوازی شهری، بورژوازی ملی، متنفذین روشن بین و اعضای با وجدان گومیندان، گوش فرا دارید: عمر سرسختان گومیندان که شما را پامال کردند بی پایان رسیده است شما و ما در یک جانب قرار داریم. این یک مشت سرسخت بزودی از فراز معبد س اقط خواهند شد و چین توده ای قدم بعرضه خواهد گذاشت.

تفسیر در باره پاسخ های گوناگون گومیندان به مسئله مسؤلیت جنگ

(۱۸ فوریه ۱۹۴۹)

دولت که از همان پایان جنگ مقاومت باتخاذ سیاست صلح و ساختمان ملی دست زد کوشید که مسئله حزب کمونیست چین را از راه مسالمت آمیز حل کند . اما حز کمونیست چین در عرض یک سال و نیم کلیه قرار داد ها را نقض کرد . پس اوست که باید مسؤلیت بهم زدن صلح را بر عهده گیرد . ولی معذک اکنون وی فهرستی از باصطلاح جنایتکاران جنگ تنظیم کرده که شامل کلیه رهبران دولت است ، و حتی خواسته است که دولت بدستگیری آنها آغاز کند . این امر بصراحت میرساند که حزب کمونیست چین تا چه درجه مغرور و نابخرد است . اگر روش وی تغییر نپذیرد بدون تردید یافتن وسیله ای برای آغاز مذاکرات صلح دشوار خواهد شد .

اینست کلیه استدلالات مربوط به مسئله مسؤلیت جنگ که در « آموزش های خاص برای تبلیغات » مورخ ۱۳ فوریه ۱۹۴۹ صادر از شعبه تبلیغات کمیته اجرائی مرکزی گومیندان آمده است .

آورنده این استدلالات کس دیگر نیست مگر جنایتکار شماره یک جنگ ، چانگکایشک . اوست که در اظهاریه روز اول سال خود گفته بود :

من که پیرو پر شور سه اصل خلق و امانتدار آموزش های پدر جمهوری هستم نمیخواستم که عملیات نظامی برای امحاء رهنان را جانشین جنگ بر ضد زاین سازم و باین طریق موجب تشدید مصائب خلق شوم . از اینجهت همینکه جنگ مقاومت پایان یافت دولت ما سیاست صلح و ساختمان ملی را اعلام داشت و در صدد بر آمد که مسئله حزب کمونیست را از راه مشاوره سیاسی و وساطت نظامی حل کند . اما بر خلاف انتظار ما حزب کمونیست مدت یک سال و نیم منظمأ با کلیه قرارداد ها و طرح ها مخالفت ورزید بطوری که اجرای آنها بر طبق تصمیمات پیش بینی شده غیر ممکن گردید . بالاخره هم به شورش مسلح همگانی دست زد و حتی وجود حکومت را بمخاطره افکند . باین طریق دولت ما در برابر این ضرورت تأسف آور قرار گرفت که بااعلام بسیج همگانی برای سرکوب شورش مبادرت جوید .

روز ۲۵ دسامبر ۱۹۴۸ یعنی هفت روز بیش از آنکه چانکایشک این اظهاریه را بدهد ، شخصیت صلاحیت دار حزب کمونیست چین فهرستی از چهل و سه جنایتکار جنگ ارائه داد که نام چانکایشک در رأس آن میدرخشید . جنایتکاران جنگ که میخواهند هم تقاضای صلح کنند و هم مسئولیت را از گردن خویش بیفکنند راهی بهتر از آن نمیبینند که این مسئولیت را بعهده حزب کمونیست بگذارند . ولی این دو چیز باز هم سازگار نیست . اگر حزب کمونیست چین مسئولیت برانگیختن جنگ را برعهده دارد ، باید او را مجرات کرد . اگر کمونیستها " راهزن " اند باید به " امحاء راهزنان " و " سرکوب شورش " صد در صد عادلانه است . پس چرا باید از آن روی تافت ؟ پس چرا لعنت " راهزنان کمونیست " از روز زانویه ۱۹۴۹ در کلیه اسناد منتشره گومیندان جای خود را به " حزب کمونیست " داده است ؟

سون کا چون حس میکرد که یک جای کار عیب دارد در نطق رادیوئی خویش در شب همان روز اول سال که چانکایشک اظهاریه داد استدلال دیگری درمورد مسئولیت جنگ آورد . وی گفت :

بخاطر داریم که سه سال پیش در دوره ای که بلا فاصله پس از پایان پیروزمند جنگ مقاومت آغاز شد از آنجا که خلق به نیرو گرفتن و دولت به ساختمان مجددانه محتاج بود و احزاب مختلف هنوز درک مشترگی از این نیازمندیها داشتند ، ما نمایندگان محافل مختلف و سرشناسان را به کنفرانس مشورتی سیاسی دعوت کردیم . پس از سه هفته کوشش و بخصوص در اثر وساطت خیر خواهانه آقای مارشال ، نماینده مخصوص پرزیدنت ترمن ، ما بر سر برنامه صلح و ساختمان ملی و همچنین بر سر طرح های مشخصی برای حل اختلافات خویش توافق بعمل آوردیم . بآسانی میتوان تصور کرد که اگر ما این طرح ها را بموقع عملی ساخته بودیم امروز چین چقدر شگوفان بود و خلق چه سعادتی داشت ! متأسفانه در آن دوره هیچیک از طرف های ذینفع نخواست از منافع خود خواهانه خویش کاملاً بگذرد و قاطبه خلق هم بیشترین مساعی خود را در راه تسریع پیشرفت جنبش بسود صلح بکار نبرد . بالنتیجه مصیبت جنگ دوباره برخاست و خلق را در بینوائی و رنج غوطه ور ساخت .

سون کا اندکی " منصف " از چانکایشک است . چنانکه میبینید او مانند چانکایشک همه مسئولیت جنگ را بر عهده حزب کمونیست نمیافکند بلکه آن را بطور متساوی میان " طرفهای ذینفع " تقسیم میکند و شیوه " تساوی میان " طرفهای ذینفع " تقسیم میکند و شیوه " تساوی حقوق در مالکیت ارضی " را بکار میبرد . باین طریق گومیندان ، حزب کمونیست ، جامعه دموکراتیک و سرشناسان هر

یک سهمی دارند. بعلاوه، قاطبه خلق "هم سهمی دارد. هیچیک از ۴۷۵ میلیون نفر هموطنی ما نمیتواند شانه از زیر مسئولیت خالی کند. در حالیکه چانکایشک فقط حزب کمونیست را چوب میزند سون کا همه احزاب، همه بیحزب ها و همه هموطنان ما را چوبکاری میکند. حتی چانکایشک و شاید خود سون کا هم چوب بخورد. میبینید که در اینجا دو تن از گومیندان یعنی سون کا و چانکایشک در مقابل هم اند. شخص سومی از همین حزب پیش میآید و میگوید: نه، بعقیده من تمام مسئولیت باید بر عهده گومیندان بیفتد. نام این شخص لی زون ژن است. لی زون ژن در ۲۲ ژانویه ۱۹۴۹ بمثابة "کفیل ریاست جمهور" اظهاریه ای داد و در مورد مسئولیت جنگ چنین گفت:

جنگ داخلی سه ساله که بدنبال جنگ هشت ساله مقاومت در آمد نه فقط آخرین امیدی را که کشور پس از پیروزی در جنگ مقاومت با حیاء خود داشت یکباره از میان برد بلکه در جنوب و شمال رودخانه زرد خرابی افشاند، کشت گاهها و مسکن بیشماری را ویران ساخت، هزاران و هزاران بیگناه را کشت و زخمی کرد، خانواده ها را در همه جا پراکنده گردانید، ناله کسانی را که از گرسنگی و سرما رنج میکشند در آورد. این جانگاہ ترین مصیبتی است که در تاریخ جنگ های داخلی بر سر کشور ما آمده است.

لی زون در این اظهاریه هیچ نامی را ذکر نمیکند. او مسئولیت را نه بر گردن گومیندان میاندازد، نه بر گردن حزب کمونیست و نه بر گردن هیچ حزب یا گروه دیگر. ولی یک واقعیت را تصدیق میکند و آن اینست که "جانگاہ ترین مصیبت" در جای دیگری روی نداده است مگر "در جنوب و شمال رودخانه زرد" پس بررسی کنیم که چه کسی این "جانگاہ ترین مصیبت" را در مناطقی که در جنوب رودخانه زرد تا رود خانه یان تسه و در شمال رودخانه زرد تا رودخانه سون هوا جیان گستره شد برانگیخته است. آیا ممکن است که این "جانگاہ ترین مصیبت" در این مناطق بوسیله خلق و ارتش وی برانگیخته شده باشد که با یکدیگر بجنگ پرداخته اند؟ از آنجا که لی زون ژن سابقاً رئیس ستاد ژنرالایسم در بی پین بود و سپاهیان دارودسته گوان سی او سابقاً در کنار سپاهیان چانکایشک تا درون مناطق کوهستانی ای سون، در استان شان دون (۱) جنگیده اند، وی باید اطلاعات قابل اطمینانی در باره اینکه این "مصیبت" کجا و چگونه بوجود میآید داشته باشد و اگر نمیتوان هیچ چیز خوبی از لب زون ژن گفت در هر حال باید قبول کرد که در اینجا اظهاریه راستگویانه ای داده است. بعلاوه بجای آنکه از "سرکوب شورش" و "امحاء راهزنان" سخن بگوید وی

این جنگ را " جنگ داخلی " مینامد ، و میتوان گفت که این از جانب گومیندان یک چیز تازه است .

لی زون ژن بر حسب منطق خود در همین اظهاریه میگوید که " دولت حاضر بود بیدرنگ بر اساس شرایط هشتگانه پیشنهادی حزب کمونیست چین بمذاکره بپردازد " . لی زون ژن میداند که شرط اول این هشتگانه عبارتست از مجازات جنایتکاران جنگ ، و نام نامی او نیز در فهرست است . اینکه جنایتکاران جنگ باید بمجازات برسند نتیجه منطقی ناشی از " مصیبت " است . باین علت است که سرسختان گومیندان هم اکنون نیز لی زون ژن را با زبان الکن در پرده نکوهش میکنند و میگویند : " شرایط هشتگانه مائو تسه دون در اظهاریه ۱۴ ژانویه بمعنای فنای ملت است . دولت نمیبایست آنها را بپذیرد . "

بیدلیل نیست که سرسختان فقط با زبان الکن به نکوهش در پرده میبردازند و جرأت نکوهش آشکار ندارند . پیش از آنکه چانکایشک " باز نشسته شود " سرسختان در این فکر بودند که شرایط هشتگانه ما را رد کنند ولی چانکایشک پس از تأمل تصمیم گرفت که چنین نکند زیرا که ظاهراً باین عقیده رسید که رد کردن آنها هیچ مفری برای او باقی نخواهد گذاشت ، وضع در ۱۹ ژانویه باین منوال بود . آن روز صبح جان جیون مای در بازگشت از نانکن به شانگهای اعلام داشت که " دولت در جواب شرایط هشتگانه پیشنهادی حزب کمونیست چین بزودی اظهاریه دیگری خواهد داد " و همان شب خبر گزاری مرکزی در این باره بخشنامه ای اداری صادر کرد مشعر بر اینکه :

یادداشت زیرین را بر خبری که هم اکنون در باره اظهاریه جان جیون مای از شانگهای دادیم اضافه کنید : در مورد گفتار جان جیون مای حاکی از اینکه دولت بزودی اظهاریه دیگری خواهد داد ، خبرنگار خبرگزاری مرکزی از محافل صلاحیت دار کسب اطلاع کرده است که دولت چنین قصدی ندارد .

چانکایشک در اظهاریه ۲۱ ژانویه که از " بازنشستگی " خویش صحبت کرد کلمه ای در انتقاد از شرایط هشتگانه بر زبان نراند . حتی شرایط پنج گانه خویش را پس گرفت و بجای آنها این عبارت را گذاشت : " نیل به صلحی مبتنی بر اینکه حاکمیت و تمام ارضی باید حفظ شود ، میراث فرهنگی و نظم اجتماعی باید بر جای بماند و زندگی و آزادیهای خلق باید تأمین گردد " . چانکایشک دیگر جرأت نکرد مسایلی از قبیل قانون اساسی ، سیستم قضائی ، و ارتش را به پیش بکشد . از این جهت بود که روز ۲۲ ژانویه لی زون ژن جرأت کرد شرایط هشتگانه حزب کمونیست چین را بعنوان پایه

مذاکرات بپذیرد، و از این جهت است که سرسختان گومیندان جرأت نکرده اند آنها را آشکارا رد کنند و فقط با زبان الکن میگویند: "دولت نمیبایست آنها را بپذیرد." آیا سون گا پیوسته سیاست "تساوی حقوق در مالکیت ارضی" را مراعات کرده است؟ نه. وی پس از آنکه روز ۵ فوریه ۱۹۴۹ "دولت را به گوان جو انتقال داد" روز ۷ فوریه نطقی ایراد کرد و در باره مسئولیت جنگ چنین گفت:

در طی شش ماه اخیر، توسعه آفت جنگ موجب تغییراتی جدی در اوضاع شده و مصائب بیمانندی برای خلق ببار آورده است. ریشه همه اینها در خطاها، شکستها و نابخردیهای گذشته است. وخامت اوضاع کنونی نتیجه آن هاست ما همه ایمان داریم که سه اصل خلق برای چین ضروری است. تا این سه اصل تحقق نیابد مسائل چین حل نمیشود. بخاط بیآوریم که بیست سال قبل پیشوای حزب ما شخصاً به اصل خلق را بما وصیت کرد، باین امید که بتدریج به تحقق در آید. اگر بتحقق در آمده بود هرگز اوضاع چنین علاج ناپذیر پیش نمیآید.

بخوبی ملاحظه میشود که صدر شورای اجرائی دولت گومیندان در اینجا به تقسیم مسئولیت جنگ بسهام متساوی میان احزاب مختلف، میان همه هموطنان ما نمیردازد بلکه آن را بر عهده خود گومیندان میاندازد. جای خوشوقتی است که سون گا فقط بر سرین گومیندان چوب میزند. اما عقیداش در باره حزب کمونیست چیست؟ صدر سون میگوید:

میتوان دید که حزب کمونیست چین فقط با مطالبه تساوی حقوق در مالکیت ارضی که یکی از عناصر یکی از سه اصل خلق یعنی اصل رفاه خلق است توانست خلق را بفریبد و در خواب کند. ما میبایست از شرمساری سرخ میشدیم، بر هشیاری خویش میافزودیم.

متشکریم، صدر عزیز! اگر حزب کمونیست چین باز هم به جنایت "فریفتن و در خواب کردن خلق" متهم است لاقلاً جنایات فجیع تر دیگر مرتکب نشده و بنابر این از چوب خوردن جسته است و میتواند با سر و سرین سالم راه خود را در پیش گیرد. لطف صدر سون باینجا ختم نمیشود. وی باز در همین نطق میگوید:

توسعه کنونی نفوذ کمونیسم معلول این امر است که اصول که ما بآن ایمان داریم تحقق نیافت. بزرگترین خطای حزب ما در گذشته این بود که برخی از اعضای پرستنده زور بودند و بر سر قدرت با یکدیگر نزاع میکردند و باین طریق بدشمن فرصت میدادند که تخم نفاق در صفوف ما بیفشانند. پایان جنگ هشت ساله مقاومت فرصتی بود، فرصتی که یک بار در هزار سال بدست میآید، که وحدت مسالمت آمیز کشور عملی گردد. در آن موقع دولت نقشه ای داشت که

مکتب آزاد: ژوب کورنیت (انگلیسی) افغانستان

اختلافات داخلی را با وسائل سیاسی حل کند ولی متأسفانه این نقشه اجرا نشد . خلق پس از سالها جنگ و در هم ریختگی به احیاء فوری احتیاج داشت . آغاز مجدد جنگ ، زندگی را بر خلق غیر ممکن گردانید و مصائب عظیمی بر او وارد آورد . از اینجا بود که روحیه سپاهیان صدمه دید و شکست های مکرر نظامی را موجب گردید . پرزیدنت چانکایشک با احترام احساسات عمومی و با در نظر گرفتن اینکه وسائل نظامی به نتیجه نرسیده است روز اول سال پیامی بسود صلح انتشار داد .

بسیار خوب ! سون کا جنایتکار جنگ بدون آنکه دستگیر شده باشد و چوب بخورد در اینجا بمیل خود اعترافات صریح و مقرون به حقیقت کرده است . کیست که پرستنده زور بود ، جنگ را برانگیخت و فقط آنگاه از صلح دم زد که معلوم شد وسائل نظامی در حل مسئله ناتوان است ؟ خود گومیندان ، خود چانکایشک . وقتکه صدر سون میگوید " برخی از اعضای " حزب او پرستنده زور بودند کلمات خود را بدرستی انتخاب میکند . این با مطالبه حزب کمونیست چین مطابقت دارد که میخواهد فقط عده ای از اعضاء گومیندان ، نه بیشتر و بطریق اولی نه همه آنها ، بمجازات برسند و بعنوان جنایتکار جنگ شناخته شوند .

باین طریق بر سر تعداد بین سون و کا و ما اختلافی نیست . اختلاف فقط بر سر نتیجه ای است که باید گرفته شود . ما برآنیم که " برخی از اعضاء " گومیندان ، همان هائی که " پرستنده زور بودند " و موجب " آغاز مجدد جنگ " شدند که " زندگی را بر خلق غیر ممکن گردانید " باید بعنوان جنایتکار جنگ بمجازات برسند . اما سون کا موافق نیست و میگوید :

حزب کمونیست که تعیین نمایندگان خود را بتأخیر میاندازد و پیوسته دفع الوقت میکند نشان میدهد که او نیز پرستنده روز است ، نشان میدهد که وی بر آنستکه اینک بالش بقدر کافی قوی شده و قادر است سراسر کشور را بوسیله زور فتح نماید و بالنتیجه از آغاز قطع مخاصمه سرباز میزند . قصد او کاملاً روشن است . من رسماً اعلام میدارم که بمنظور نیل به صلح پایدار باید مذاکرات از دو طرف بر پایه تساوی شروع شود و شرایط باید درست و عادلانه و برای همه خلق پذیرفتنی باشد .

از اینجا معلوم میشود که صدر سون آنقدر هم بر سر لطف نیست . مسلماً وی بر این عقیده است که مجازات جنایتکاران جنگ ، شرط درست و عادلانه ای نیست . سخنان او در مسئله جنایتکاران جنگ شباهت بسیار به سخنانی دارد که در « آموزش های خاص برای تبلیغات » صادر از شعبه تبلیغات گومیندان مورخ ۱۳ فوریه دیده میشود .

او نیز دچار لکننت زبان است و جرأت ندارد مخالفت خویش را صریحاً اظهار کند . او از این حیث با لی زون ژن که جرأت میکند و مجازات جنایتکاران جنگ را بعنوان یک از شرایط اساسی مذاکرات می پذیرد تفاوت آشکار دارد .

معذک صدر سون آنقدر هم بی لطف نیست . البته بعقیده او حزب کمونیست " نیز پرستنده زور است " زیرا که " تعیین نمایندگان خود را بتأخیر میاندازد " و " از آغاز قطع مخاصمه سربازا میزند " و ولی معذک فرق بسیار است بین این حزب و گومیندان که از همان سال ۱۹۴۶ پرستنده زور بود و جنگی آنچنان جانکاء برانگیخت . بسیار خوب ، حزب کمونیست " تعیین نمایندگان خود را بتأخیر انداخته است " زیرا که تنظیم فهرستی از جنایتکاران جنگ کار سترگی است . باید این فهرست با واقعیت نمیخواند و ممکن نیست از طرف " قاطبه خلق " (بااستثنای جنایتکاران جنگ و همدستان آنان) پذیرفته شود . برای این کار باید با احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده ای بحث کرد و این امر تا اندازه ای موجب " دفع الوقت " گردیده و ما را از تعیین سریع نمایندگان خویش باز داشته و ناخشنودی سون کا و نظایر او را باعث شده است . اما از اینجا نمیتوان بطور قطع نتیجه گرفت که حزب کمونیست " نیز پرستنده زور است " . احتمال می رود که بزودی فهرست جنایتکاران جنگ منتشر شود ، نمایندگان ما تعیین گردند و مذاکرات بوقوع پیوندد . و آنگاه دیگر صدر سون نمیتواند بگوید که ما " پرستنده زوریم " .

در مورد اینکه حزب کمونیست " از آغاز قطع مخاصمه سرباز میزند " ، این روش صحیحی است که ما در مطابقت با پیام اول سال پرزیدنت چان برگزیده ایم . وی در این پیام گفته بود :

همینکه حزب کمونیست چین تمایل صمیمانه به صلح داشته باشد و شواهد صریحی در این زمینه نشان دهد دولت با او با صمیمیت کامل رفتار خواهد کرد و حاضر خواهد بود در باره اقدامات مشخص بمنظور خاتمه مخاصمه و استقرار صلح بمذاکره بپردازد .

ولی روز ۱۹ ژانویه شورای اجرائی سون کا قطعنامه ای بر خلاف پیام چانکابیشک انتشار داد و در آنجا تمایل خود را باینکه " نخست (بهمراه حزب کمونیست چین) به قطع فوری و بدون شرط مخاصمه بپردازد و سپس طرفین نمایندگان خویش را برای مذاکرات صلح تعیین کنند " اعلام داشت . روز ۲۱ ژانویه سخنگوی حزب کمونیست چین این قطعنامه نابخردانه را شدیداً انتقاد کرد (۲) . اما بر خلاف انتظار ماگوش صدر شورای اجرائی باین انتقاد بدهکار نبود . وی روز ۷ فوریه مجدداً بر خلاف عقل سلیم اظهار داشت که حزب کمونیست با " سرباز زدن از آغاز قطع مخاصمه " نشان میدهد

مجموعه از: ژوب کوریت (آرشیو) افغانستان

که او نیز " پرستنده زور است ". حتی چانکایشک جنایتکار جنگ خوب میدانند که قطع مخاصمه و استقرار صلح بدون مذاکره ممکن نیست . در این زمینه سون کا خیلی از چانکایشک عقب است .

چنانکه همه میدانند سو کا از آن جهت در جزو جنایتکاران جنگ است که پیوسته از چانکایشک در برانگیختن و ادامه جنگ پشتیبانی کرده است . وی هنوز در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۷ میگفت : " بشرط آنکه در عرصه نظامی تا آخر مبارزه کنیم دیر یا زود مسئله حل خواهد شد. " و نیز میگفت : " عجالتاً مسئله مذاکرات صلح نمیتواند مطرح باشد . دولت ملی باید حزب کمونیست را خورد کند ، و گر نه حزب کمونیست است که او را سرنگون خواهد ساخت. " (۳) سون کا یکی از آن " برخی از اعضاء " گومیندان است که پرستنده زور بودند . اینک وی در کناری ایستاده و سخنان بیهوده سر داده است ، توگوئی که خود او هرگز پرستنده زور نبوده و هیچ مسئولیتی در تحقیق نیافتن سه اصل خلق نداشته است . این شرافتمندانه نیست . سون کا ، خواه از لحاظ قانون کشور و خواه از لحاظ انضباط گومیندان ، نمیتواند از آن چوبکاری که سزاوار آن است بگریزد .

یادداشتها

۱ - اشاره است به منطقه کوههای ای شان و مون شان ، در استان شان دون . سپاه ۴۶ دارودسته گوان سی بهمراه سپاهیان چانکایشک بر این منطقه حمله آورد. این سپاه که از طریق دریا از جزیره های نان آمده و در اکتبر ۱۹۴۶ در چینگ دائو پیاده شده بود در فوریه ۱۹۴۷ در منطقه لای او از استان شان دون بکلی نابود گردید .

۲- مراجعه شود به « تفسیر سخنگوی حزب کمونیست چین در باره قطعنامه شورای اجرائی نانکن » ، جلد حاضر .

۳- اشاره به نظریاتی که سون کا ، معاون آن روز پرزیدنت دولت گومیندان ، در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۷ در مصاحبه با خبرنگار آسوشیتدپرس ، خبرنگار های روز نامه گومیندان موسوم به « جون یان ژیبائو » و روزنامه « سین مین بائو » در نانکن اظهار داشت .

مکتب ازاد: حزب کمونیست (اوپنیت) افغانستان

گزارش به دومین پلنوم هفتمین دوره کمیته مرکزی حزب کمونیست چین

(۵ مارس ۱۹۴۹)

۱

نیروی عمده ارتش گومیندان در اثر سه عملیات اپراتیو لیائو سی - شن یان ،
حوای های ، بی پین - تیانزین نابود شده است . از سپاهیان رزمنده گومینندان فقط
کمی بیش از یک میلیون نفر باقی مانده است که در نواحی وسیعی از سین جیان تا
تایوان در جبهه های بسیار عریضی پراکنده اند . از این پس برای تعیین سرنوشت این
سپاهیان گومیندان بیش از سه طریقه وجود ندارد: طریق تیانزین ، طریقه بی پین و
طریقه سوی یوان (۱) . نابود کردن دشمن از راه نبرد ، آنطور که ما در تیانزین انجام
دادیم ، باید کمافی السابق نخستین هدف توجه و کار تدارکاتی ما باشد . کلیه
فرماندهان و جنگجویان ارتش آزادیبخش توده ای هرگز نباید موجبات سستی اراده
رزمنده خویش را فراهم آورند ، هرگونه تفکری که باعث سستی اراده شود و بدشمن
کم بها دهد ، نادرست است . امکان حل مسئله از طریقه بی پین افزایش یافته است ،
بدین معنی که سپاهیان دشمن مجبور میشوند بطور مسالمت آمیز بر طبق سیستم
ارتش آزادیبخش توده ای تجدید سازمان سریع و کامل یابند و بصورت واحد های آن
ارتش در آیند . این راه حل برای محو سریع بقایای ضد انقلاب و برانداختن سریع
نفوذ سیاسی آن بخوبی حل مسئله از طریق نبرد نیست . اما این راه حل پس از
نابودی قسمت عمده نیروهای دشمن راه حلی است که حتما پیش خواهد آمد و اصولا

دومین پلنوم هفتمین دوره کمیته مرکزی حزب کمونیست چین از چنجم تا سیزدهم مارس
۱۹۴۹ در دهکده سی بای پوه واقع در شهرستان پین شان از استان حه به تشکیل یافت . در این پلنوم
سی و چهار عضو کمیته مرکزی و نوزده نامزد کمیته مرکزی شرکت داشتند . این جلسه که در استان
پیروزی انقلاب خلق چین در سراسر کشور دعوت شده بود ، جلسه فوق العاده مهمی بود . رفیق مانو تسه
دون در گزارشی که بجلسه تقدیم داشت ، آن رهنمود هائی را که برای تسریع پیروزی انقلاب در سراسر
کشور و برای تأمین این پیروزی لازم بود ، تشریح نمود . رفیق مانو تسه دون توضیح داد که در اثر این

ناگزیر است؛ از طرف دیگر راه حل مذکور بصره ارتش ما و خلق است، زیرا که اجتناب از تلفات و خربیهها را ممکن میسازد. از اینجهت رفقای رهبری ارتش های صحرائی مختلف باید توجه خویش را باین شکل از مبارزه معطوف دارند و بکار بردن آن را بیاموزند. این یک شکل مبارزه است، شکلی از مبارزه بدون خونریزی، ولی بآن معنا نیست که مسائل بدون مبارزه میتوانند حل شوند. طریقه سوی یوان اینست که عمداً بخشی از سپاهیان گومیندان را تماماً با بطور عمده دست نخورده بگذاریم، یعنی برای اینکه بتوانیم این سپاهیان را از لحاظ سیاسی آسانتر بطرف خود جلب کنیم و یا بیطرف سازیم، در مقابل آنها گذشت های موقتی نمائیم. ما بدینوسیله میتوانیم نیروهای خود را ابتدا برای نابود کردن قسمت عمده باقیمانده قوای گومیندان متمرکز سازیم و آنگاه پس از مدتی (مثلاً پس از چند ماه، شش ماه یا یک سال) سپاهیان مذکور را بر طبق سیستم ارتش آزادبخش توده ای تجدید سازمان دهیم و بصورت واحد آن ارتش در آوریم. این شکل دیگری از مبارزه است. این شکل مبارزه در قیاس با طریقه بی پین باقیمانده های ضد انقلاب و نفوذ سیاسی آنرا بیشتر و تامدتی طولانی تر حفظ خواهد کرد. ولی هیچ شکی نیست که این باقیمانده ها و این نفوذ بالاخره از میان برداشته خواهند شد. هرگز نباید پنداشت که نیروهای ضد

پیروزی مرکز ثقل کار حزب باید از ده بشهر انتقال یابد؛ وی آن سیاست اساسی را که حزب پس از پیروزی در سراسر کشور در عرصه سیاست، اقتصادی و دیپلماسی باید در پیش گیرد، معین کرد و وظایف عمومی و راه عمده ای را که باید تعقیب شود تا چین از صورت کشوری زراعتی بصورت یک کشور صنعتی، از جامعه دموکراسی نوین به جامعه سوسیالیستی تحول یابد، مقرر ساخت و بویژه وضع بخشهای مختلف اقتصاد چین آن روز و سیاست صحیحی را که حزب برحسب شرایط مذکور باید اتخاذ کند، تحلیل کرد، راهی را که چین برای تحقق تحول سوسیالیستی ضرورتاً باید بیپیماید، نشان داد، انحرافات رنگارنگ "چپ" و راست را در این مورد بیاد انتقاد گرفت، و اعتقاد محکم خود را مبنی بر اینکه اقتصاد چین با آهنگ نسبتاً سریع رشد خواهد کرد، بیان داشت. رفیق ماوتسه دون وضع جدید مبارزه زبقاتی در داخل و خارج کشور پس از پیروزی انقلاب دموکراتیک توده ای چین را ارزیابی کرد و بموقع خود هشدار باش داد که "گلوله های شکر آلود" بورژوازی بصورت خطر عمده برای پرولتاریا در خواهد آمد. همه اینها به سند حاضر برای یک دوره تاریخی طولانی اهمیت عظیم میبخشد. این گزارش مقاله «در باره دیکتاتوری دموکراتیک خلق» که وی در ژوئن همان سال نگاشته است، اساس سیاستهایی است که بر «برنامه مشترک» بیان شده، برنامه ای که بتصویب نخستین جلسه عمومی کنفرانس مشورتی سیاسی خلق چین رسیده و پس از تأسیس چین نوین نقش قانون اساسی موقت را ایفا کرده است. دومین پلنوم هفتمین دوره کمیته مرکزی حزب، براساس این گزارش رفیق ماوتسه دون قطعنامه ای به تصویب رسانید. پس از این جلسه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین از سی بای پوه واقع در شهرستان بین شان از استان حه به به بی پین انتقال یافت.

انقلاب همینکه مطیع ما شدند، انقلابی میشوند و عقاید و نیات ضد انقلابی آنها از بین میرود. نه، بهیچوجه اینطور نیست و بسیاری از ضد انقلابی ها تجدید تربیت می یابند، بخشی از آنان طرد میگردند و مشتى عناصر سرسخت ضد انقلابی سرکوب میشوند.

۲

ارتش آزادیبخش توده ای برای همیشه واحدی رزمنده باقی خواهد ماند. حتی بعد از نیل به پیروزی در سراسر کشور، در دوران تاریخی که هنوز طبقات در کشور ما برنیفتاده اند و سیستم امپریالیستی هنوز در جهان برجاست، ارتش ما همچنان واحدی رزمنده باقی خواهد ماند. در این مورد نباید هیچ گونه سوء تفاهم و تزلزل در میان باشد. ارتش آزادیبخش توده ای واحد کار هم هست؛ این بویژه در موردی صادق است که در مناطق مختلف جنوب برای حل مسائل طریقه بی بین و یا طریقه سوی یوان بکار رود. با کاهش تدریجی نبرد ها نقش ارتش آزادیبخش توده ای بمنزله واحد کار زیاد خواهد شد. امکان اینکه در عرض مدت قلیلی همه ارتش آزادیبخش توده ای بصورت واحد کار در آید، موجود است؛ ما باید این امکان را در نظر بگیریم. ۵۳۰۰۰ کادری که اینک حاضرند باتفاق ارتش بجنوب بروند، بهیچوجه برای مناطق جدید فوق العاده پهناوری که ما بزودی بدست آوریم، کافی نیستند؛ ما باید آماده شویم که کلیه ارتش های صحرائی ۲۱۰۰۰۰۰ نفری خود را بواحد های کار برگردانیم. باین طریق تعداد کادر ها کافی خواهد بود و میتوان کار را در مناطق وسیعی بسط داد. ما باید ارتش های صحرائی ۲۱۰۰۰۰۰ نفری را بمثابه مدرسه بسیار وسیع کادر در نظر بگیریم.

۳

از سال ۱۹۲۷ تاکنون، مرکز ثقل کار ما در دهات بوده است: ما در دهات نیرو جمع میگردیم، شهرها را از طریق دهات محاصره میگردیم و سپس تصرف مینمودیم. دوران این شیوه کار دیگر سپری گشته است. اکنون دوران «از شهر به ده» آغاز میشود که در آن شهر رهبر ده است. مرکز ثقل کار حزب از ده بشهر انتقال یافته است. در مناطق جنوبی، ارتش آزادیبخش توده ای نخست شهرها را تصرف خواهدکرد و سپس دهات را. باید هم به شهرها پرداخت و هم به دهات، و لازم است که کار در شهرها را با کار در دهات، کارگران را با دهقانان، صنایع را با کشاورزی

بطور محکم پیوند داد. بهیچوجه نباید دهات را کنار گذاشت فقط به شهرها پرداخت؛ چنین فکری بکلی خطا خواهد بود. معذک مرکز ثقل کار حزب و ارتش باید در شهر باشد؛ ما باید با تمام نیرو سعی کنیم راه اداره و ساختمان شهرها را یاد بگیریم، در شهرها ما باید راه مبارزه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را علیه امپریالیستها، گومیندان و بورژوازی و همچنین راه مبارزه دیپلماتیک علیه امپریالیستها را یاد بگیریم. ما باید طرز مبارزه علنی علیه آنها را یاد بگیریم؛ ما باید طرز مبارزه پنهانی علیه آنها را نیز یاد بگیریم. اگر ما باین مسائل توجه نکنیم، اگر نیاموزیم که این مبارزات را بر ضد این اشخاص از پیش ببریم و اگر به پیروزی در این مبارزات نائل نیائیم، قادر بحفظ قدرت سیاسی خود نخواهیم بود، قادر بایستادن بر روی دو پای خود نخواهیم بود و شکست خواهیم خورد. پس از نابودی دشمنان تفنگ بدست، دشمنان بدون تفنگ هنوز بر جا خواهند ماند و اینان مسلماً بر ضد ما به مبارزه مرگ و زندگی دست خواهند زد، ما هرگز نباید باین دشمنان کم بها دهیم. اگر ما این مسئله را امروز بدینسان طرح نکنیم و نفهمیم، مرتکب خطاهای بسیار بزرگی خواهیم شد.

۴

ما در مبارزات خود در شهرها بچه کسی باید تکیه کنیم؟ بعضی از رفقایکه دچار آشفتگی فکری اند، میبندارند که ما نه بطبقه کارگر، بلکه باید به توده تهیدستان تکیه کنیم. رفقا دیگر که دچار آشفتگی فکری بیشتری هستند، تصور میکنند که ما باید به بورژوازی تکیه کنیم. در مورد سمت تکامل صنایع، برخی از رفقائی که دچار آشفتگی فکری اند، بر این نظرند که ما باید بطور عمده به تکامل مؤسسات خصوصی یاری برسانیم و نه به تکامل مؤسسات دولتی. برخی دیگر، برعکس برآند که کافی است به مؤسسات دولتی توجه شود و مؤسسات خصوصی زیاد مهم نیستند. ما باید این نظرات آشفته را مورد انتقاد قرار دهیم. ما باید با تمام وجود بطبقه کارگر تکیه کنیم، سایر توده های زحمتکش را با خود متحد سازیم، روشنفکران را بسوی خود بکشیم و عناصر بورژوازی ملی و نمایندگان آنها را که میتوانند با ما همکاری کنند، به تعداد هرچه بیشتر بطرف خود جلب کنیم و یا آنها را به بیطرفی بکشانیم تا آنکه بتوانیم علیه امپریالیسم، گومیندان و بورژوازی بوروکراتیک بمبارزه ای مصممانه دست زنیم و قدم بقدم براین دشمنان چیره شویم. در عین حال ما کار ساختمان خود را آغاز خواهیم کرد، اداره شهرها را بتدریج فرا

خواهیم گرفت و تولید آنها را احیاء و تکامل خواهیم بخشید. در مورد مسئله احیاء و تکامل تولید باید مراتب زیرین را تصریح کرد: در درجه اول تولید پیشه وری. ما از همان روزیکه شهری را گرفتیم، باید توجه مانرا به احیاء و تکامل تولید آن شهر معطوف کنیم. مانبايد کورکورانه و بر حسب تصادف دست بکار شويم و وظیفه مرکزی خود را فراموش کنیم، والا چند ماه پس از تسخیر یک شهر، تولید و ساختمان آن شهر هنوز براه صحیح نمی افتند و حتی بسیاری از شاخه های صنعتی از کار باز میایستند و در نتیجه، موجب بیکاری کارگران، تنزل سطح زندگی آنها و نارضایتی از حزب کمونیست میگردد. چنین وضعی بهیچوجه مجاز و قابل تحمل نیست. از اینرو رفقای ما باید حد اکثر مساعی خود را بکار برند تا تکنیک های تولید و شیوه های مدیریت امور تولیدی را بیاموزند و با اموری که با تولید در ارتباط نزدیکند، مانند تجارت و بانکداری و غیره آشنا گردند. فقط در اثر احیاء و تکامل تولید در شهر ها و تبدیل شهر های مصرف کننده به شهر های تولید کننده است که قدرت سیاسی خلق میتواند استحکام یابد. وظایف دیگری که در شهر ها باید انجام گیرد - مثلاً کار تشکیلاتی حزبی، کار در ارگان های حکومتی، در اتحادیه های کارگری و سایر سازمانهای توده ای، کار در زمینه فرهنگ و آموزش، کار برانداختن ضد انقلابیون، کار در خبرگزاریها، روزنامه ها و رادیو - همه باید در حول وظیفه مرکزی یعنی تولید و ساختمان صورت گیرد و در خدمت آن باشد. اگر ما هیچ سر رشته ای از تولید نداشته باشیم و نتوانیم معلومات لازم را در این زمینه بسرعت کسب کنیم، اگر نتوانیم تولید را در کوتاه ترین مدت ممکن احیاء و تکامل بخشیم و به پیشرفت های واقعی نائل آئیم بطوریکه در درجه اول زندگی کارگران، سپس زندگی عموم مردم بهبود یابد، قادر بحفظ قدرت سیاسی خود، قادر بایستادن بر روی دو پای خود نخواهیم بود و شکست خواهیم خورد.

۵

در جنوب، شرایط با شمال فرق میکند و بالتجیغه وظایف حزب نیز در آنجا باید متفاوت باشد. جنوب هنوز هم زیر سلطه گومیندان است. در آنجا وظایف حزب و ارتش آزادیبخش توده ای عبارتند از نابود کردن قوای مسلح ارتجاع گومیندان در شهر و روستا، استقرار سازمانهای حزبی و ارگانهای قدرت سیاسی، بسیج توده های، ایجاد اتحادیه های کارگری و مجمع های دهقانی و سایر سازمانهای توده ای، سازماندهی نیروهای مسلح خلق، ریشه کن کردن بقایای نیروهای گومیندان و احیاء و

تکامل تولید. در دهات نخستین وظیفه ما اینستکه برای برانداختن راهزنان و قیام علیه مستبدان محلی یعنی آن بخشی از طبقه مالکان ارضی که در حکومت اند قدم بقدم وارد مبارزه شویم و تدارک لازم را برای تقلیل بهره مالکانه و ربح اتخاذ کنیم تا آنکه این تقلیل یک یا دو سال پس از ورود ارتش آزادیبخش تودهای عملی گردد و بدین ترتیب شرایط مقدماتی برای تقسیم اراضی فراهم آید. در عین حال باید مراقب بود که تولید کشاورزی حتی المقدور در سطح کنونی بماند و از آن تنزل نکند. در شمال، بااستثنای چند منطقه تازه آزاد شده، بکلی شرایط دیگری موجود است. در اینجا سلطه گومیندان واژگون شده و سلطه خلق بر پاگردیده و مسئله ارضی از ریشه حل شده است. در اینجا وظیفه مرکزی حزب عبارتست از بسیج کلیه نیروها برای احیاء و تکامل تولید؛ این باید مرکز ثقل همه کارهای ما باشد. بعلاوه باید کار فرهنگی و آموزشی را از نو سازمان داد و تکامل بخشید، بقایای نیروهای ارتجاعی را از میان برداشت، وضع سراسر شمال را مستحکم نمود و از ارتش آزادیبخش توده ای پشتیبانی کرد.

۶

ما در ساختمان اقتصادی خود کار پردامنه ای انجام داده ایم، سیاست اقتصادی حزب نیز بمرحله عمل در آمده و به پیشرفت های قابل ملاحظه ای رسیده است. ولی در این مسئله که چرا باید این سیاست اقتصادی ونه آن سیاست اقتصادی را پذیرفت، در این مسئله تئوریک و اصولی هنوز نظرات درهم و برهم بسیاری در درون حزب موجود است. چگونه باید باین مسئله پاسخ داد؟ بنظر ما پاسخ باین مسئله باید چنین باشد: پیش از جنگ مقاومت ضد ژاپنی، سهم صنایع و کشاورزی در اقتصاد ملی چین در مقیاس کشور عبارت بود از تقریباً ۱۰ درصد برای صنایع مدرن و ۹۰ درصد برای کشاورزی و پیشه وری. این نتیجه ستم امپریالیسم و فئودالیسم بر چین بود. این از لحاظ اقتصادی، مظهر خصلت نیمه مستعمره و نیمه فئودالی جامعه چین کهن بود؛ و در عین حال، منشاء اصلی کلیه مسائل دوران انقلاب چین و کلیه مسائل دوران نسبتاً طویلی است که پس از پیروزی انقلاب فرا میرسد. از اینجا یک سلسله مسائل مربوط به استراتژی، تاکتیک و سیاست حزب ما ناشی میشود. وظیفه مهم حزب ما در لحظه کنونی اینستکه بدرک روشن تری و حل این مسائل نائل آید. باین معنی:

۱ - چین هم اکنون دارای صنایع مدرنی است که تقریباً ۱۰ درصد اقتصاد آنرا تشکیل میدهد. این یک عامل ترقی است، این با عهد قدیم فرق دارد. و درست بهمین علت است که در چین طبقات جدید و احزاب سیاسی جدید پدید آمده اند: پرولتاریا و بورژوازی، حزب پرولتاریائی و حزب بورژوائی. پرولتاریا و حزب آن بعلت رنج و ستمی که از دشمنان رنگارنگ دیده است، آبدیده شده و برای رهبری انقلاب خلق چین شایستگی یافته است. کسیکه این واقعیت را از دیده فروگذارد و یا کوچک بشمارد، مرتکب اشتباهات اپورتونیستی راست خواهد شد.

۲ - چین هنوز دارای اقتصاد کشاورزی پراکنده و انفرادی است که تقریباً ۹۰ درصد تمام اقتصاد آنرا تشکیل میدهند. این یک عمل عقب ماندگی است و فرق زیادی با عهد قدیم ندارد - تقریباً ۹۰ درصد زندگی اقتصادی ما هنوز در سطح عهد قدیم است. ما مالکیت ارضی فئودالی را که از چین باستان بمانده است، لغو کرده و یا بزودی لغو خواهیم کرد. از این لحاظ ما با گذشتگان فرق داریم و یا بزودی فرق خواهیم داشت و امکان داریم و یا بزودی امکان خواهیم داشت که کشاورزی و پیشه وری خویش را بتدریج مدرنیزه کنیم. معذک اگر شکل عمده آنها را در نظر بگیریم، کشاورزی و پیشه وری ما امروز هنوز پراکنده و انفرادی است، ولی شبیه بآن شکلی است که در عهد قدیم بوده است و تا مدت نسبتاً طولی چنین خواهد ماند. کسیکه این واقعیت را از دیده فروگذارد و یا کوچک بشمارد، مرتکب اشتباهات اپورتونیستی "چپ" خواهد شد.

۳ - صنایع مدرن چین، اگرچه ارزش تولیدی اش فقط ۱۰ درصد ارزش کل تولید اقتصاد کلی است، بسیار متمرکز است؛ بزرگترین و عمده ترین قسمت سرمایه در دست امپریالیستها و چاکران آنها یعنی بورژوازی بوروکراتیک چین متمرکز شده است. مصادره این قسمت از سرمایه و انتقال آن به جمهوری توده ای که تحت رهبری پرولتاریا است، بوی امکان خواهد داد که شریان های حیاتی اقتصاد کشور را در دست بگیرد، و به اقتصاد دولتی امکان خواهد داد که بصورت بخش رهبری کننده تمام اقتصاد ملی در آید. این بخش از اقتصاد خصلتاً سوسیالیستی است نه سرمایه داری. کسیکه این واقعیت را از دیده فرو گذارد و یا کوچک بشمارد، مرتکب اشتباهات اپورتونیستی راست خواهد شد.

۴ - صنایع سرمایه داری خصوصی چین که در صنایع مدرن ما مقام دوم را میگیرد، نیروئی است که نباید ناپدید گرفته شود. بورژوازی ملی چین و نمایندگان که در فعالیت خود بوسیله امپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک تحت فشار قرار گرفته و یا محدود شده اند، غالباً در مبارزات انقلاب دموکراتیک توده ای

شرکت جسته و یا بیطرفی اختیار کرده اند. بنابراین دلایل و از آنجا که اقتصاد چین هنوز عقب مانده است، تا مدت نسبتاً مدیدی پس از پیروزی انقلاب لازم است که حتی المقدور از عوامل مثبت سرمایه داری خصوصی شهرها و دهات برای تکامل اقتصاد ملی استفاده شود. در این دوره باید به کلیه عناصر سرمایه داری شهری و روستائی که بحال اقتصاد ملی زیانمند نیستند بلکه سودمندند، امکان وجود و تکامل داد. این امر نه فقط اجتناب ناپذیر است، بلکه از لحاظ اقتصادی ضرور است. معذک وجود و تکامل سرمایه داری در چین چنان بدون مانع و محدودیت مانند کشورهای سرمایه داری نخواهد بود. سرمایه داری در چین از چند جنبه محدود خواهد شد - در میدان عمل آن، از راه سیاست مالیاتی، از راه قیمت های بازار و از راه شرایط کار. ما بر حسب شرایط خاص هر محل، هر ریشه و هر دوره، سیاست مناسب و نرمش پذیری بمنظور تحدید سرمایه داری از چند جانب، اختیار خواهیم کرد. برای ما لازم و مقید است که از شعار "تحدید سرمایه" که سون یاتست اعلام میداشت استفاده کنیم. ولی ما بخاطر منافع مجموعه اقتصاد ملی و بخاطر منافع حال و آینده طبقه کارگر و تمام مردم زحمتکش نباید اقتصاد سرمایه داری خصوصی را بوجه افراط آمیز و یا نرمش ناپذیر محدود کنیم؛ بلکه باید عرصه ای برای او بگذاریم تا بتواند در چارچوب سیاست اقتصادی و برنامه گزاری اقتصادی جمهوری توده ای وجود داشته باشد و تکامل یابد. سیاست تحدید سرمایه داری خصوصی ناگزیر بدرجات مختلف و بشکل های گوناگون یا مقاومت بورژوازی و مخصوصاً صاحبان بنگاههای بزرگ خصوصی یعنی سرمایه داران بزرگ برخورد خواهد کرد و تحدید و مخالفت با این تحدید، شکل عمده مبارزه طبقاتی در دولت دموکراسی نوین خواهد بود. این تصور که ما در لحظه کنونی احتیاج به تحدید سرمایه داری نداریم و میتوانیم شعار "تحدید سرمایه" را بدور افکنیم، بکلی غلط است و نظر است ناشی از اپورتونیسم راست. ولی عکس این نظر که ما باید بطور افراطی و نرمش ناپذیر سرمایه خصوصی را تحدید کنیم و یا اینکه ما حتی میتوانیم سرمایه خصوصی را خیلی سریع از میان برداریم، نیز بکلی غلط است و نظری است ناشی از اپورتونیسم "چپ" یا آوانتوریسم.

۵ - کشاورزی. پیشه وری پراکنده و انفرادی که ۹۰ در صد ارزش کل تولید اقتصاد ملی را تشکیل میدهند، ممکن است و باید در تکامل خود محتاطانه، تدریجی، ولی فعالانه بسوی مدرنیزه شدن و کلکتیوه شدن هدایت شوند؛ این نظر که میتوان آنها را بحال خود وا گذاشت، خطاست. از اینجهت باید کثورتیوهای تولید، مصرف و اعتبار را تشکیل داد و ارگانهای رهبری آنها را در مقیاس تمام کشور، استان، شهر، شهرستان و بخش بوجود آورد. اینگونه کثورتیوها سازمانهای اقتصادی جمعی توده

های زحمتکش هستند که بر اساس مالکیت خصوصی بر پا میشود و زیر اداره قدرت دولت که بوسیله پرولتاریا رهبری میشود، قرار دارند. این واقعیت که خلق چین از لحاظ فرهنگی عقب مانده است و در تشکیل کئوپراتیوها سنتی ندارد، ممکن است برای ما دشوار هائی به پیش آورد، ولی ما میتوانیم و باید کئوپراتیو ها را تشکیل دهیم و آنها را تعمیم و تکامل بخشیم. اگر ما فقط اقتصاد دولتی داشته باشیم، ولی فاقد اقتصاد کئوپراتیو باشیم، نخواهیم توانست اقتصاد انفرادی خلق زحمتکش را در راه گذار تدریجی به جمعی شدن رهبری کنیم، نخواهیم توانست از جامعه دموکراسی نوین به جامعه سوسیالیستی آینده بگذاریم و نخواهیم توانست هژمونی پرولتاریا را در قدرت دولت تحکیم کنیم. کسیکه این واقعیت را از دیده فرو گذارد و یا کوچک بشمارد، نیز مرتکب اشتباهات بسیار فاحش خواهد شد. اقتصاد دولتی که دارای خصلت سوسیالیستی است، اقتصاد کئوپراتیو که دارای خصلت نیمه سوسیالیستی است، باضافه اقتصاد سرمایه داری خصوصی، اقتصاد انفرادی و اقتصاد سرمایه داری دولتی که بوسیله دولت و سرمایه داران مشترکاً اداره میشود - همه بخشهای اصلی اقتصاد جمهوری توده ای خواهند بود و ترکیب اقتصادی دموکراسی نوین را تشکیل خواهند داد.

۶ - احیاء و تکامل اقتصاد ملی جمهوری توده ای بدون سیاست نظارت بر تجارت خارجی غیر ممکن است. حتی آن هنگام که امپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک و سلطه گومیندنان (که بیان فشرده امپریالیسم، فئودالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک است) در چین از میان بروند، مسئله بنای سیستم صنعتی مستقل و کامل هنوز حل نخواهد شد. این مسئله فقط زمانی بطور نهائی حل میشود که کشور ما به تکامل عظیم اقتصادی برسد و از صورت کشور کشاورزی عقب مانده بصورت کشور صنعتی پیشرفته در آید. نیل باین هدف بدون نظارت بر تجارت خارجی غیر ممکن است. پس از پیروزی انقلاب چین در سراسر کشور و حل مسئله ارضی، باز دو تضاد اساسی در چین همچنان برجای خواهند ماند. اولی تضادی داخلی است یعنی تضاد بین طبقه کارگر و بورژوازی است؛ دومی تضاد خارجی است یعنی تضاد بین چین و کشورهای امپریالیستی. از اینرو پس از پیروزی انقلاب دموکراتیک توده ای، قدرت دولت جمهوری توده ای که تحت رهبری طبقه کارگر قرار دارد، نباید تضعیف شود، بلکه بالعکس باید تقویت گردد و تحدید سرمایه در داخل کشور و نظارت بر تجارت خارجی، دو سیاست اساسی کشور ما در مبارزه اقتصادی خواهد بود. کسیکه این واقعیت را از دیده فرو گذارد و یا کوچک بشمارد، مرتکب اشتباهات بسیار فاحش خواهد شد.

۷- چین اقتصاد عقب مانده ای را بارش برده است . ولی خلق چین خلقی شجاع و زحمتکش است و با پیروزی انقلاب خلق چین و تأسیس جمهوری توده ای و با رهبری حزب کمونیست چین و نیز با کمک طبقه کارگر کشور های مختلف جهان و بطور عمده کمک اتحاد شوروی ، آهنگ ساختمان اقتصادی چین زیاد کند نخواهد بود ، بلکه میتواند نسبتاً تند باشد . روزی که چین به رونق و اعتدالی اقتصادی برسد ، چندان دور نیست . هرگونه بدبینی در مورد احیاء اقتصادی چین بی اساس است .

۷

چین کهن ، کشور بود نیمه مستعمره و زیر سلطه امپریالیسم . انقلاب دموکراتیک توده ای چین از آنجا که خصلت عمیقاً ضد امپریالیستی دارد ، مورد بغض و کینه شدید امپریالیستها واقع شد و آنها را بر آن داشت که با تمام نیرو به گومیندان کمک کنند . امپریالیستها با این عمل خشم و انزجار باز هم عمیق تر خلق چین را نسبت بخویش برانگیخته و آن یکذره حیثیتی را که در نزد خلق چین داشتند، از دست دادند . در عین حال سیستم امپریالیستی پس از دومین جنگ جهانی در مجموع بسیار ضعیف شد ، حال آنکه قدرت جبهه ضد امپریالیستی جهان که اتحاد شوروی در رأس آن قرار دارد ، بطور بی سابقه ای افزایش یافت . در چنین اوضاع و احوالی ما میتوانیم و باید سیاست تخریب سیستماتیک و کامل سلطه امپریالیسم را در چین در پیش گیریم . این سلطه امپریالیسم در زمینه های سیاست ، اقتصاد و فرهنگ بظهور میرسد . در هر شهر و در هر جا که ارتش گومیندان نابود میگردد و دولت گومیندان سرنگون میشود ، سلطه سیاسی امپریالیستها و بهمین ترتیب سلطه اقتصادی و فرهنگی آنها نیز بدنبال آن فرو میریزد . اما بنگاههای اقتصادی و فرهنگی که مستقیماً بدست امپریالیستها اداره میشود ، همچنان برجای هستند و کارمندان دیپلماتیک و روز نامه نگارانی که گومیندان پذیرفته است ، نیز همچنان برجا میمانند . ما باید همه این مسائل را بطور مناسب و بترتیب فوریت حل کنیم . خودداری از برسمیت شناختن وضع قانونی همه نمایندگی ها و کارمندان دیپلماتیک خارجی در دوره حکومت گومیندان و برسمیت نشناختن کلیه قرارداد های ان دوره که حاکی از خیانت ملی است ، حذف کلیه ارگانهای تبلیغاتی امپریالیستها در چین ، برقراری فوری نظارت بر تجارت خارجی و اصلاح سیستم گمرکی - اینهاست نخستین اقداماتی که ما باید در موقع ورود به شهر های بزرگ اتخاذ کنیم . خلق چین پس از آنکه این کارها را انجام داد ، در برابر امپریالیستها تمام قد خواهد ایستاد . در مورد سایر بنگاههای

اقتصادی و فرهنگی امپریالیستی، ما میتوانیم آنها را موقتاً باقی بگذاریم و تحت مراقبت و نظارت خود قرار دهیم تا آنکه پس از پیروزی در سراسر کشور این مسئله را حل نماییم. در مورد اتباع معمولی خارجی، منافع مشروع آنها حمایت خواهد شد و مورد تجاوز قرار نخواهد گرفت. در مورد مسئله برسمیت شناختن کشور ما از طرف کشور های امپریالیستی، نه فقط اکنون، بلکه حتی تا یک دوره نسبتاً طولانی پس از پیروزی در سراسر کشور نیز نباید در حل آن عجله کرد. ما حاضریم با کلیه کشورها بر پایه اصل برابری، روابط دیپلماتیک برقرار سازیم. اما امپریالیستها که همیشه خصم خلق چین بوده اند، مسلماً بزودی با ما به برابری رفتار نخواهد کرد. تا وقتیکه کشور های امپریالیستی روش خصمانه خود را ترک نگویند، ما در چین بآنها وضع قانونی نخواهیم داد. در مورد تجارت با خارجیان جای بحث نیست، جائیکه امکان تجارت باشد، ما تجارت میکنیم و از هم اکنون این کار را آغاز کرده ایم؛ بازرگانان چندین کشور سرمایه داری در این مورد با یکدیگر وارد رقابت شده اند. ما باید حتی المقدور در درجه اول با کشور های سوسیالیستی و کشور های دموکراسی توده ای تجارت کنیم؛ ما در عین حال با کشور های سرمایه داری هم تجارت خواهیم کرد.



کلیه شرایط برای دعوت کنفرانس مشورتی سیاسی و تشکیل دولت ائتلافی دموکراتیک فراهم آمده است آمده است. کلیه احزاب دموکراتیک، کلیه سازمانهای توده ای و کلیه دموکراتهای بی حزب، در صف ما هستند. بورژوازی شانگهای و حوزه رودخانه یان تسه در جستجوی برقراری ارتباط با ماست. حمل و نقل بحری و روابط پستی بین شمال و جنوب کشور از سرگرفته شده است. گومیندان که در درون خود دچار تشتت است، بکلی از توده ها جدا شده است. ما برای مذاکره با دولت ارتجاعی نانکن (۲) آماده میشویم. در دولت ارتجاعی نانکن نیروهائی که تحریم کننده مذاکره اند عبارتند از دیکتاتورهای نظامی دارودسته گوان سی، آن گروههائی از گومیندان که هوادار صلح اند و بورژوازی شانگهای. هدف آنها اینست که در دولت سهمی داشته باشند، حتی المقدور سپاهیان خود را نگهدارند، منافع بورژوازی شانگهای و جنوب را حفظ کنند و تمام کوشش خویش را بکار برند تا آنکه انقلاب به ملایمت بگراید. این اشخاص شروط هشت گانه ما را بعوان پایه مذاکرات می پذیرند، ولی میکوشید که چانه بزنند تا خساراتشان خیلی زیاد نشود. کسانی که سعی دارند این مذاکرات را بهم بزنند، عبارتند از چانکایسک و سوگند خورده هایش. چانکایسک هنوز در

جنوب رودخانه یان تسه ۶۰ لشگر در اختیار دارد که برای جنگ آماده میشوند . سیاست ما این نیست که از مذاکره سر بپیچیم ، بلکه اینست که بطلبیم طرف ما شروط هشت گانه را عیناً بپذیرد و هیچ چانه زدنی را قبول نکنیم در عوض ، ما به دارودسته گوان سی و فراکسیونهای دیگر گومیندان که هوادار صلح اند ، حمله نخواهیم کرد و حتی حاضریم که تجدید سازمان سپاهیان آنها را تقریباً یک بعقب بیندازیم ؛ ما به برخی از شخصیت‌های اولت نانکن اجازه خواهیم داد در کنفرانس مشورتی سیاسی و در دولت ائتلافی شرکت جویند و قبول خواهیم کرد که پاره ای از منافع بورژواری شانگهای و جنوب را حفظ کنیم . این مذاکرات جنبه تمام کشوری خواهد داشت و اگر این مذاکرات با موفقیت پایان یابد ، امتیاز بزرگش اینستکه موانع بسیاری را از جلو پیشروی ارتش ما بسوی جنوب و اشغال شهر های بزرگ جنوب بر میدارد . ولی اگر این مذاکرات با موفقیت بانجام نرسد ، آنگاه باید پس از پیشروی ارتش ما به مذاکرات جداگانه محلی دست زد . پیش بینی شده است که مذاکرات در دهه آخر مارس شروع میشود . ما امیدواریم که نانکن را در آوریل یا مه اشغال کنیم و آنگاه از کنفرانس مشورتی سیاسی در پی پین دعوت بعمل آوریم و دولت ائتلافی را تشکیل دهیم و پایتخت را در بی پین مستقر سازیم . ما از آنجا که مذاکرات را پذیرفته ایم ، باید منتظر مشکلاتی باشیم که پس از موفقیت مذاکرات بظهور خواهند رسید ؛ ما باید با ذهن روشن آماده باشیم تا با تاکتیکی که طرف بکار خواهد برد ، یعنی با تاکتیک سون او کون ، شاه میمونها که در شکم شاهزاده خانم بادبزن آهنین فرو خیزد تا در آنجا فتنه بپا کند ، مقابله کنیم (۳) . تا وقتی که ما از نظر روانی آمادگی کامل داریم ، میتوانیم بر هر میمون ابلیس سیرتی غلبه کنیم . ما باید در مذاکرات صلح چه در مقیاس تمام کشوری و چه در مقیاس محلی همیشه در برابر چنین احتمالاتی آماده باشیم . ما نباید بعلت ترس از زحمات و یا بعلت آرامش طلبی ، از مذاکرات روی برتاییم و همچنین نباید با افکار مبهم و در هم وارد مذاکره شویم . ما باید بر سر اصول ایستادگی کنیم و در عین حال هرگونه نرمشی را که اجرای اصول بما اجازه میدهد و ایجاب میکند ، بکار بریم .

۹

دیکتاتوری دموکراتیک خلق که تحت رهبری پرولتاریا و متکی بر اتحاد کادگان و دهقانان است ، ایجاب میکند که حزب ما صدیقانه با همه طبقات کارگر و دهقان و با توده های وسیع روشنفکران انقلابی وحدت یابد ؛ اینها نیروهای رهبر و اصلی این

دیکتاتوری اند. این دیکتاتوری بدون چنین وحدتی نمیتواند پا بر جا بماند. این دیکتاتوری در عین حال از حزب ما میطلبد که تعداد هر چه بیشتری از نمایندگان خرده بورژوازی شهری و بورژوازی ملی را که ممکن است با ما همکاری کنند و همچنین روشنفکران و گروه‌های سیاسی آنها را گرد خویش متحد سازد تا آنکه در طول دوران انقلاب بتواند نیروهای ضد انقلابی را منفرد نماید، نیروهای ضد انقلابی و نیروهای امپریالیستی را در چین کاملاً در هم بکوبد و سپس، وقتی که انقلاب پیروز شد، تولید را سریعاً احیا و تکامل بخشد، بمقابله با امپریالیسم خارجی پردازد، چین را با قدم‌های مطمئن از صورت کشوری کشاورزی بصورت کشوری صنعتی در آورد و از چین یک کشور بزرگ سوسیالیستی بسازد. بنابر این سیاست همکاری طولانی حزب ما با دموکراتهای خارج از حزب باید در فکر و در کار سراسر حزب ما بخوبی جایگیر شود. ما باید نسبت به اکثریت دموکراتهای خارج از حزب همانقدر توجه داشته باشیم که به کادر های حزب خود داریم. ما باید مسائلی را که مستلزم مشورت و حل هستند، با آنها با صمیمیت و صراحت کامل مشورت و حل کنیم، بآنها کار دهیم، مسئولیت و اختیاراتی که وابسته بمشاغلشان است واگذار کنیم و بآنها در احراز موفقیت در کار خویش یاری برسانیم. ما با داشتن آرزو وحدت با آنها باید بطرز جدی و مناسب خطاها و نقایص آنان را مورد انتقاد قرار دهیم و یا با آن خطاها و نقایص مبارزه کنیم تا آنکه بوحدت نائل آئیم. نادرست است اگر در مورد خطاها و یا نقایص آنها روش مماشات در پیش گرفته شود. همچنین نادرست است اگر در مورد آنها روش درهای بسته و یا روش صوری محض اتخاذ گردد. در هر شهر بزرگ یا متوسط، در هر منطقه استراتژیک و در هر استان، ما باید بعده ای از دموکراتهای خارج از حزب که نفوذ و اعتبار دارند و ممکن است با ما همکاری کنند، آموزش بدهیم. در برخورد با دموکراتهای خارج از حزب روش نادرستی که در حزب ما در اثر سبک باصطلاح در های بسته در هنگام جنگ انقلابی ارضی بوجود آمده بود، در هنگام جنگ مقاومت ضد ژاپنی کاملاً اصلاح نشد و در سال ۱۹۴۷ موقعیکه اصلاحات ارضی در پایگاه های ما به بحبوحه خود رسید، دوباره ظهور کرد. در نتیجه این روش جز این نیست که حزب ما را منفرد گرداند، تحکیم دیکتاتوری دموکراتیک خلق را غیر ممکن سازد و متحدینی به دشمنان ما بخشد. اینک که کنفرانس مشورتی سیاسی برای نخستین بار در چین تحت رهبری حزب ما بزودی تشکیل میشود، اینک که دولت دموکراتیک بزودی بوجود میاید و انقلاب در سراسر کشور بزودی به پیروزی میرسد، سراسر حزب ما باید به بررسی جدی و انتقادی این مسئله پردازد و آنرا بطور صحیح درک کند؛ باید با دو انحراف مبارزه کند: انحراف راست یعنی روش مماشات و انحراف "چپ"

یعنی روشن در های بسته و یا روش صوری محض ، و بدین ترتیب روش کاملاً درستی اتخاذ نماید .

۱۰

ما بزودی به پیروزی در سراسر کشور نائل خواهیم شد . این پیروزی جبهه خاوری امپریالیسم را در هم خواهد شکست و اهمیت بین المللی عظیمی خواهد داشت . دیگر برای بچنگ آوردن این پیروزی ، زمان و کوشش زیاد لازم نیست ، بلکه فقط برای تحکیم آن زمان و کوشش بسیار لازم است . بورژوازی در اینکه ما بتوانیم کشور خود را بسازیم ، تردید میکند . امپریالیستها منتظرند که ما بلاخره برای بقا خویش از آنها صدقه بخواهیم . در اثر پیروزی ممکن است در داخل حزب ما چنین روحیه هائی پیدا شود : تکبر و غرور ، تفرغن و بالیدن به خدمات گذشته ، رخوت و عدم تمایل پیشرفت و ترقی ، علاقه به لذایذ و خود داری از ادامه زندگی سخت گذشته . در اثر پیروزی خلق از ما سپاسگزار خواهد شد و بورژوازی بما تملق خواهد گفت . این دیگر ثابت شده است که دشمن نمیتواند با نیروی اسلحه بر ما چیره شود ، ولی امکان این هست که تملق های بورژوازی افراد ضعیف الاراده را در صفوف ما مغلوب سازد . ممکن است کمونیستهای پیدا شوند که در گذشته مغلوب دشمن تفنگ بدست نشده و بخاطر ایستادگی در برابر دشمن شایسته نام قهرمان باشند ، ولی اکنون نتوانند در مقابل گلوله های شکر الود تاب مقاومت بیاورند ؛ آنها مغلوب گلوله های شکر آلود خواهند شد . ما باید از وقوع اینگونه حالات پیشگیری کنیم . بچنگ آوردن پیروزی سراسری کشور ، تنها نخستین گامی است از یک راه پیمائی دوره و دراز ده هزار لی . اگر این گام شایسته افتخار هم باشند ، نسبتاً ناچیز است ، آنچه که بیشتر شایسته افتخار ما خواهد بود ، هنوز در در جلوی ماست . پس از چند ده سال دیگر اگر بعقب نگا کنیم ، پیروزی انقلاب دموکراتیک توده ای چنین چیز دیگری جز سر آغاز کوتاهی بر نمایشنامه ای طولانی بنظر نخواهد رسید . هر نمایشنامه با سر آغازی شروع میشود ، ولی سر آغاز نمایشنامه بحبوحه نمایشنامه نیست . انقلاب چین انقلاب کبیری است ، ولی پس از این انقلاب راهی که باید پیموده شود ، بسیار طولانی تر و کار ما بس خطیرتر و سختتر خواهد بود . این نکته ایست که باید از هم اکنون در حزب ما روشن گردد . رفقا باید کمک شود تا در سبک کار خود کمافی السابق فروتن ، با حزم و عاری از هرگونه تکبر و شتابزگی بمانند ، و شیوه زندگی ساده و مبارزه سرسختانه را حفظ کنند . ما سلاح مارکسیستی - لنینیستی

انتقاد و انتقاد از خود را در دست داریم . ما قادریم که اسلوبهای ناپسند را بدور افکنیم و اسلوبهای پسندیده را حفظ کنیم . ما آنچه را که سابقاً نمیدانستیم ، میتوانیم یاد بگیریم . ما نه فقط قادر به ویران ساختن جهان کهن هستیم ، بلکه بخوبی نیر میتوانیم جهان نوینی بر پا کنیم . خلق چین نه فقط میتواند بدون صدقه امپریالیستها به زندگی ادامه دهد ، بلکه زندگی بهتری از کشورهای امپریالیستی خواهد داشت .

یادداشتها

۱ - در ۱۹ سپتامبر ۱۹۴۹ دون چی او رئیس دولت گومیندان در استان سوی یوان ، و سون لان فون فرمانده گروه ارتشها سر بشورش برداشتند و با بیش از ۴۰۰۰۰ نفر بما پیوستند . تجدید سازمان این سپاهیان در ۲۱ فوریه ۱۹۵۰ تحت رهبری فرماندهی منطقه نظامی ارتش آزادیبخش توده ای در سوی یوان آغاز شد . در ۱۰ آوریل سپاهیان مذکور بصورت واحد های ارتش آزادیبخش توده ای تجدید سازمان یافت .

۲ - کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در مورد مذاکرات صلح با دولت ارتجاعی گومیندان در نانکن ، در ۲۶ مارس ۱۹۴۹ ، تصمیمات زیرین را اتخاذ کرد :

(۱) - تاریخ کشایش مذاکرات : اول آوریل .

(۲) - محل مذاکرات : بی پین .

(۳) - جوئن لای ، لین بوه چیوه ، لین بیائو ، یه جیان یین و لی وی هان بنمایندهای برای مذاکرات معین میشوند (کمیته مرکزی در اول آوریل تصمیم گرفت نیه ژون جن را بر لیست تمایندگان بیفزاید) . ریاست هیئت بعهدہ جوئن لای است . هیئت مأموریت دارد با هیئت نانکن بر اساس اعلامیه رفیق ماٹو تسه دون در باره اوضاع کنونی که در ۱۴ ژانویه صادر شد و بر اساس هشت شرطی که در اعلامیه آمده است ، مذاکره کند . گومیندان در نانکن ابلاغ خواهد شد تا هیئت نمایندگی خود را در روز مقرر بمحل فوق الذکر اعزام دارد . ضمناً بمنظور تسهیلی در مذاکرات ، کلیه اسناد لازم مربوط به شروط هشت گانه باید همراه آورده شود .

۳ - سون اون کون ، شاه میمون ها است که بصورت حشره کوچکی در آمد و به شکم شاهزاده خانم بادیزن آهین فرو هزید و از این راه بر وی شکست وارد ساخت . مراجعه شود به رمان چینی « سی یو جی » (زیارت مغرب) ، فصل ۵۹

شیوه های کار کمیته های حزبی

(۱۳ مارس ۱۹۴۹)

۱ - دبیر یک کمیته حزبی باید " سر جوخه " خوبی باشد . هر کمیته حزبی از ده تا بیست عضو تشکیل میشود ؛ کمیته حزبی چون جوخه ایست از ارتش و دبیر آن مانند یک " سر جوخه " است . براستی رهبری کردن صحیح این جوخه کار آسانی نیست . اکنون هر بوروی کمیته مرکزی یا هر شعبه ای از آن منطقه پهناوری را رهبری میکند و مسئولیت های سنگینی بعهده دارد . رهبری کردن تنها بمعنای تعیین مشی عمومی و سیاست مشخص نیست ، بلکه برگزیدن شیوه های صحیح کار نیز هست . حتی با وجود داشتن یک مشی عمومی و سیاست مشخص صحیح ، چنانچه به شیوه های کار توجه نشود ، ممکن است مشکلاتی پدید گردد . برای اینکه کمیته حزبی بتواند وظیفه رهبری خود را انجام دهد ، باید به " اعضای جوخه " خود تکیه کند و بآنان کمک نماید تا بتوانند نقش خود را بخوبی ایفاء کنند . برای اینکه دبیر حزبی " سر جوخه " خوبی باشد ، باید با پشتکار به آموزش و مطالعه پردازد . یک دبیر حزبی یا یک معاون دبیر حزبی ، چنانچه بکار تبلیغاتی و تشکیلاتی در میان " اعضای جوخه " خود توجه نکند ، مناسبات خود را با اعضای کمیته خوب تنظیم ننماید ، و یا طرز اداره موفقیت آمیز جلسات را فرا نگیرد ، در رهبری " جوخه " خود دچار اشکال خواهد شد . هرگاه " اعضای جوخه " همگام پیش نروند ، هرگز نمیتوان انتظار داشت که بتوانند توده های چند ده میلیونی مردم را در جنگ و در کار ساختمانی رهبری کنند . البته رابطه میان دبیر حزبی و اعضای کمیته بر اساس تعبیت اقلیت از اکثریت استوار است ؛ از اینرو با رابطه میان سر جوخه و افرادش فرق میکند . در اینجا ما فقط از تشابهی که میان ایندو بچشم میخورد صحبت میکنم .

۲ - مسائل را باید باز و آشکار مطرح کرد . نه تنها " سر جوخه " بلکه اعضای کمیته نیز باید اینطور عمل کنند . پشت سر مردم حرف نزنید . هر وقت مسئله ای پیش میآید ، جلسه ای فرا خوانید و مسایل را برای بحث باز و آشکار مطرح کنید و درباره آنها تصمیم بگیرید ، تا بتوان بدین ترتیب راه حلی برای مسایلی پیدا کرد . اگر

متن حاضر بخشی از نطق اختتامیه رفیق مائوتسه دون در دومین پلنوم هفتمین دوره کمیته مرکزی حزب کمونیست چین است .

مسایلی باشند، ولی بطور روشن مطرح نشوند، مدتها و حتی سالها همچنان لاینحل باقی خواهند ماند. "سرجوخه" و اعضای کمیته باید در مناسبات خود نسبت بیکدیگر بردباری نشان دهند و تفاهم داشته باشند. هیچ چیزی مهمتر از بردباری متقابل، تفاهم متقابل، پشتیبانی و دوستی متقابل میان بوروها و کمیته‌های حزبی منطقه ای نیست. در گذشته باین مسئله کم توجه میشد، ولی از هفتمین کنگره حزب بعد پیشرفت‌های زیادی در این زمینه حاصل شده و رشته‌های دوستی و یگانگی استحکام بیشتری یافته است. ماباید در آینده نیز باین نکته پیوسته توجه کنیم.

۳ - "مبادله اطلاعات". این بدان معنی است که اعضای کمیته حزبی باید یکدیگر را از مسائلی که به نظرشان میرسد، آگاه سازند و در باره آنها تبادل نظر کنند. این موضوع برای ایجاد یک زبان مشترک اهمیت بزرگی دارد. ولی بعضی‌ها چنین عمل نمیکنند، آنها بکسانی شباهت دارد که لاٹوزی در باره شان مینوسید: "با اینکه همیشه آواز خروسها و عوعوی سگها یکدیگر را میشنوند، ولی با تمام عمر با هم رفت و آمد ندارند" (۱) و نتیجه این میشود که با هم زبان مشترکی پیدا نمیکنند. در گذشته بعضی از کادرهای عالی‌رتبه ما بعلت عدم مطالعه کافی حتی در مورد مسائل اساسی تئوری مارکسیسم - لنینیسم هم زبان مشترکی نداشتند. امروز در حزب زبان نسبتاً مشترکی پیدا گشته، ولی مسئله هنوز کاملاً حل نشده است. فی‌المثل در مسئله اصلاحات ارضی هنوز در مورد مفاهیم "دهقانان میانه حال" و دهقانان مرفه" اختلاف نظر وجود دارد.

۴ - مطالبی را که نمیفهمید و یا نمیدانید، از رفقای پائین تر از خود پرسید و موافقت یا مخالفت خود را زود اعلام نکید. بعضی از اسناد پس از آنکه تدوین شدند، هنوز تا مدتی نباید پخش شوند، زیرا در آنها نکاتی هست که هنوز روشن نشده و بعلاوه لازم است که قبلاً با واحد‌های درجات پائین تر در باره آنها مشورت شود. آنچه را که ما نمیدانیم، هرگز نباید وانمود کنیم که میدانیم؛ ما "نباید از پرسیدن و آموختن از افراد پائین تر خجالت بکشیم" (۲)، بلکه باید با دقت به نظرات کادرهای درجات پائین تر گوش فرا دهیم. قبل از آنکه معلم شوی، شاگرد باش؛ پیش از آنکه دستوری صادر کنی، از کادرهای درجات پائین تر بیاموز. این نکات باید هنگام حل مسائل از طرف تمام بورو‌های کمیته مرکزی و کمیته‌های حزبی جبهه رعایت شود، البته بجز در موردیکه ضرورت نظامی ایجاب میکند یا هنگامیکه جواب مسئله دیگر روشن شده است. این کار نه اینکه حیثیت کسی را پائین نیآورد، بلکه بعکس آنرا بالا میبرد. از آنجا که تصمیمات ما نظرات صحیح کادرهای درجات پائین

تر را هم منعکس میسازد، طبعاً مورد پشتیبانی آنها قرار خواهد گرفت. آنچه کادر های درجات پائین تر میگویند، ممکن است صحیح یا غلط باشد، ولی ما در هر حال باید آنها را مورد تحلیل قرار دهیم. ما باید نظرات درست را بپذیریم و طبق آن عمل کنیم. راز رهبری صحیح کمیته مرکزی بطور عمده جمعبندی مدارک، گزارش ها و نظرات درستی است که از محل های مختلف میبرسند. صدور دستورات صحیح برای کمیته مرکزی دشوار میبود اگر محلهای مختلف مدارک و نظرات خود را در اختیارش نمیگذاشتند. به نظرات اشتباه آمیزیکه از پائین میآیند، نیز باید گوش داد؛ نادرست است چنانچه به آنها اصلاً وقعی نگذاریم. البته چنین نظراتی نباید بمرحله عمل درآیند، بلکه باید مورد انتقاد قرار بگیرند.

۵ - "پیانو زدن" را باید یاد بگیرید در نواختن پیانو تمام ده انگشت در حرکت است، و نمیشود بعضی انگشت ها را حرکت داد و بعضی ها را حرکت نداد. اما هرگاه تمام ده انگشت با هم یکباره روی پرده پیانو فشار بیآورند، نعمة ای بلند نخواهد شد. برای اینکه بتوان یک موزیک خوب خلق کرد، ده انگشت را باید بطور موزون و هماهنگ حرکت داد. یک کمیته حزبی باید بطور پیگیر در پی اجرای وظیفه مرکزی خود باشد و در عین حال نیز باید در پیرامون این وظیفه مرکزی به اجرای امور دیگر در زمینه های مختلف بپردازد. در حال حاضر ما باید در بسیاری از زمینه ها کار کنیم؛ ما باید به امور مناطق، واحد های مسلح و قسمت های مختلف توجه کنیم. ما نباید توجه مانرا فقط بر روی چند مسئله متمرکز سازیم و مسائل دیگر را کنار بگذاریم. هر جا که مسوله ای یافت میشود، باید روی آن انگشت بگذاریم؛ این شیوه ایست که باید آنرا بخوبی یاد گرفت. بعضی ها خوب پیانو میزنند و برخی بد و از اینرو اختلاف بزرگی میان آهنگ هائیکه میسازند، دیده میشود. اعضای کمیته حزبی باید "پیانو زدن" را خوب یاد بگیرند.

۶ - "محکم بد گرفتن" یعنی اینکه کمیته حزبی کار های عمده خود را نه فقط باید "بدست بگیرند" بلکه باید آنها را "محکم بدست بگیرند". تنها در صورتی میتوان چیزی را در دست نگهداشت که آنرا بدون اینکه انگشتان را اندکی شل کرد، محکم در دست نگهداشت. محکم بدست نگرفتن بمعنای اصلاً بدست نگرفتن است. بدیهی است که با دست باز نمیتوان چیزی را نگهداشت. وقتکه شخصی دست خود را مشت کند. چنین وانمود سازد که چیزی را نگاهداشته است، ولی انگشتان خود را محکم نبندد، در واقع هیچ چیزی را به دست نگرفته است. بعضی از رفقا ما کار های عمده را بدست میگیرند ولی چون آنرا محکم بدست نمیگیرند، نمیتوانند خوب از

عهده برآیند. اگر کارها را بدست نگیرید، کاری از پیش نخواهد رفت؛ اگر کارها را محکم بدست نگیرید، باز هم کاری از پیش نخواهد رفت.

۷ - "ارقام را در خاطر نگذارید". یعنی ما باید به جنبه کمی یک وضع یا یک مسئله توجه کنیم و تحلیلی کمی و اساسی از آن بعمل آوریم. هر کیفیتی در کمیت معینی تبلور مییابد، بدون کمیت کیفیت نیست. تا امروز هنوز بسیاری از رفقای ما پی نبرده‌اند که باید به جنبه کمی اشیاء و پدیده‌ها - به آمار اساسی، به در صد های عمده و به حد های کمی که کیفیت پدیده‌ها را تعیین میکنند - توجه نمایند. آنها "ارقام" را در خاطر ندارند و در نتیجه نمیتوانند از اشتباه کردن در امان بمانند. مثلاً برای اجرای اصلاحات ارضی باید ارقامی مانند در صد مالکان ارضی، دهقانان مرفه، دهقانان میانه حال و دهقانان فقیر و مقدار زمینی که در تصرف پایه ای است که ما میتوانیم سیاست صحیحی تدوین کنیم. چه کسی را باید دهقانان مرفه، و چه کسی را باید دهقان میانه حال مرفه نامید و چه اندازه در آمد از بهره کشی میتواند شخصی را در مقایسه با دهقانان میانه حال مرفه در ردیف دهقانان مرفه قرار دهد، در تمام این موارد نیز حد های کمی باید در نظر گرفته شوند. ما باید در تمام جنبش های توده ای تحقیق و تحلیلی اساسی از تعداد پشتیبانان فعال، مخالفان بیطرف ها بعمل آوریم و نباید در باره مسائل بطور ذهنی و بی پایه تصمیم بگیریم.

۸ - "اعلان کردن برای اطمینان خاطر مردم". اعلان جلسات، درست مانند صدور "اعلان برای اطمینان خاطر مردم"، برای اینکه همه بدانند در باره چه موضوعی بحث میشود و چه مسائلی باید حل شوند، باید قبل از تشکیل جلسات صورت گیرد تا همه بتوانند خود را بموقع آماده کنند. در بعضی جا ها جلسات کادر ها بدون اینکه قبلاً گزارش ها و طرح قطعنامه ها آماده شده باشند، فرا خوانده میشوند و فقط پس از آنکه همه جمع شدند، فی المجلس بطور سرروپا شکسته صحبتی میشود. این شیوه انسان را بیاد ضرب المثلی میاندازه که میگوید "قشون و اسب ها رسیده اند، اما اغذیه و علوفه هنوز حاضر نیست"؛ چنین کاری واقعاً پسندیده نیست. بدون آمادگی کامل قبلی نباید با شتاب جلسه ای را فرا خواند.

۹ - سپاهیان کمتر ولی بهتر و دستگاه اداری ساده تر "گفتگو ها، نطق ها، مقاله ها و قطعنامه ها همه باید فشرده باشند و حق مطلب را ادا کنند. جلسات نیز نباید بیش از حد طولانی باشند.

۱۰ به وحدت و همکاری با رفقاییکه با شما اختلاف نظر دارند، توجه کنید. این نکته را باید هم در ادارات محلی رعایت کرد و هم در ارتش. این در مورد مناسبات ما با مردم غیر حزبی نیز صادق است. ما که از نقاط مختلف کشور با اینجا آمده ایم،

باید قادر باشیم نه تنها با رفقائی که با ما همنظرند بلکه با رفقائی هم که با ما اختلاف نظر دارند، وحدت و همکاری کنیم. در میان ما هستند کسانی که دچار اشتباهات خیلی جدی شده اند؛ ما نباید نسبت به آنان غرض ورزی کنیم، بلکه باید حاضر باشیم بآنها مشترکاً کار کنیم.

۱۱ - از تکبر پرهیز کنید و این نکته برای همه کادرهای رهبری مسئله ایست اصولی و شرط مهمی است برای حفظ وحدت. حتی آنهایی هم که خطاهای جدی نداشته اند و در کار خود موفقیت های بزرگی بدست آورده اند، نباید متکبر باشند. برگزاری جشن تولد رهبران حزب ممنوع است. نام گذاری محل ها، خیابانها و مؤسسات به اسم رهبران حزب نیز ممنوع است. ما باید همچنان به شیوه ساده زیستن و کوشا کار کردن ادامه دهیم و از چاپلوسی و ثناگوئی های اغراق آمیز دوری جوئیم.

۱۲ - دو خط فاصل مشخص بکشید. نخست، میان انقلاب و ضد انقلاب، میان این و سی ان (۳). بعضی ها هنوز درک نمیکنند که باید چنین خط فاصلی بکشند. مثلاً هنگامیکه با بوروکراسی مبارزه میکنند، از این آن آنچنان سخن میگویند که گوئی در آنجا "هیچ چیز درستی وجود ندارد"؛ آنها بوروکراسی در یین آن را با بوروکراسی درسی آن مقایسه نمیکنند و آنها را از هم تمیز نمیدهند. این از اساس نادرست است. دوم، در درون صفوف انقلاب باید میان صحیح و ناصحیح، میان موفقیت ها و کمبودها خط فاصل مشخص کشید و بروشنی معین کرد که کدامیک از این دو اصلی و کدامیک فرعی است. فی المثل باید معین کرد که آیا موفقیت های سی در صد مجموع را تشکیل میدهند یا هفتاد در صد آنرا؟ نه کم بها دادن به آنها صحیح است و نه پر بها دادن. ما باید کار هر فرد را بطور اصولی برآورد کنیم و تعیین کنیم که آیا موفقیت های کار او سی در صد و کمبود های او هفتاد در صد بوده، یا اینکه برعکس. چنانچه موفقیت های او هفتاد در صد مجموع را تشکیل میدهند، باید کار او را بطور عمده مثبت بشمار آورد. همسنگ کردن کاری که موفقیت جنبه اصلی آنرا تشکیل میدهند با کاریکه اشتباه در آن غلبه دارد، کاملاً نادرست است. در برخورد با مسائل نباید مرزبندی مضمحل میان انقلاب و ضد انقلاب، میان موفقیت ها و کمبودها را از یاد ببریم. اگر ما ایندو مرزبندی را در خاطر داشته باشیم، همیشه قادر بحل مسائل خواهیم بود. در غیر انصورت در باره شناخت ماهیت مسائل دچار آشفتگی خواهیم شد. برای اینکه این مرزها را بخوبی مشخص کنیم، البته بررسی و تحلیل دقیق ضرور است. برخورد ما نسبت به هر فرد و هر پدیده باید برخورد باشد توأم با تحیل و بررسی.

من و رفقای بوروی سیاسی معتقدیم که تنها با بکار بردن شیوه‌های بالاست که کمیته‌های حزبی میتوانند کار خود را بخوبی انجام دهند. گذشته از برگزاری موفقیت آمیز کنگره‌های حزب، انجام صحیح امر رهبری نیز برای کمیته‌های حزبی درجات مختلف دارای اهمیت فوق‌العاده است. ما باید کوشش کنیم شیوه‌های کار را بررسی و کامل‌تر سازیم تا بتوانیم سطح رهبری کمیته‌های حزبی را بالا تر ببریم.

یادداستها

۱ - نقل از «لائوزی»، فصل ۸.

۲ - نقل از «سخنان کنفوسیوس»، کتاب پنجم «کون یه چان».

۳ - بین آن از ژانویه ۱۹۳۷ تا مارس ۱۹۴۷ مقرر کمیته مرکزی حزب کمونیست چین و سی‌ان مرکز سلطه ارتجاعی گو میندان در شمال غربی چین بود. رفیق مانو تسه دون از این دو شهر بمثابة سمبل انقلاب و ضد انقلاب یاد میکند.

دولت نانکن بکجا میرود؟

(۴ آوریل ۱۹۴۹)

در برابر دولت گومیندان در نانکن و در برابر کارمندان لشگری و کشوری او دوراه قرار دارد. یا اینکه در دارودسته چانکایشک که جنایتکاران جنگ اند و در خداوندگار او که امپریالیسم آمریکاست در آویزند یعنی همچنان دشمن خلق باقی بمانند و همراه این دارودسته در جنگ آزادیبخش توده ای بهلاکت برسند و یا اینکه روی بجانب خلق آورند یعنی از این دارو دسته و از امپریالیسم آمریکا بگردند و خدمات شایسته ای در جنگ آزادیبخش توده ای انجام دهند تا آنکه گناهان خویش را بخرند و باین طریق مورد اغماض و بخشایش خلق قرار گیرند. راه سوم وجود ندارد.

در دولت لی زون ژن و حه بین چینگ در نانکن (۱) اشخاص بر سه گروه اند. برخی در ادامه راه نخستین لجاج دارند. سخنان آنها هر چه زیبا باشد در عمل همچنان به تدارک جنگ، به فروش کشور، به ستمگری و کشتار خلق که خواستار صلح حقیقی است مشغول اند. اینان معتصبان چانکایشک اند. برخی دیگر خواهان پیمودن راه دوم اند ولی هنوز نتوانسته اند به اقدام قطعی دست بزنند. گروه سوم بر سر دو راه ایستاده، مردداند و هنوز نمیدانند بکدام سو رهسپار شوند. آنان نمیخواهند چانکایشک و دولت آمریکا را برنجانند و معدلک امیدوارند که مورد اغماض اردوی دموکراتیک توده ای قرار گیرند و در آن پذیرفته شوند. اما این پنداری بیش نیست، غیر ممکن است.

دولت لی زون ژن و حه بین چینگ در نانکن اساساً آمیزه ای از گروه اول و سوم است، تعداد گروه دوم در آنجا اندک است. امروز هم دولت مذکور افزاری در دست چانکایشک و دولت آمریکاست.

حادثه خونین اول آوریل در نانکن (۲) بهیچوجه تصادفی نیست بلکه نتیجه اجتناب ناپذیر کاری است که دولت لی زون ژن و حه بین چینگ برای حراست چانکایشک و متعصبانش و همچنین برای حراست نیروهای تجاوزکار آمریکا انجام داده است. این نتیجه جنجال نابخردانه ای است که دولت لی زون ژن و حه بین چینگ بهمداستانی با متعصبان چانکایشک در موضوع "صلح آبرومند بر پایه تساوی" بر پا کرده است تا با شرایط صلح هشت گانه تنظیمی حزب کمونیست چین و بویژه با مجازات جنایتکاران جنگ مخالفت ورزد. از آنجا که دولت لی زون ژن و حه

بین چینگ بمنظور مذاکرات صلح با حزب کمونیست چین هیئت نمایندگی به بی بین فرستاده و نشان داده که حاضر است شرایط هشت گانه حزب کمونیست چین را بعنوان پایه مذاکرات پذیرد، دولت مذکور اگر کمترین حسن نیتی میداشت میبایست رسیدگی به حادثه خونین نانکن را آغاز میکرد، مقصران اصلی یعنی چانکایشک، تان ئن بوه و جان یائو مین را دستگیر میساخت و بسختی مجازات میداد. آدمم کشان پلیس مخفی نانکن و شانگهای و نیز ضد انقلابی‌های عمده را که لجوجانه با صلح مخالفت میورزند، میکوشند تا مذاکرات صلح را بهم بزنند و بتدارک فعالانه مقاومت در برابر ارتش آزادیبخش توده ای که بسوی جنوب رود خانه یان تسه پیش می آید مشغول اند دستگیر میساخت و بسختی مجازات میداد. " تا چینگ فو زنده است مصائب کشور لو را پایانی نیست " (۳). تا جنایتکاران جنگ از میان برداشته نشده اند امکان ندارد صلح در کشور برقرار گردد. آیا امروز این حقیقت بخوبی روشن نیست؟

ما میخواهیم رسماً به دولت نانکن اخطار کنیم: اگر شما قادر بانجام این وظیفه نیستید باید لاقلاً به ارتش آزادیبخش توده ای که برای گذار از رودخانه یان تسه و پیشروی به سوی جنوب آماده میشود کمک کنید. موقع آن فرا رسیده است که از سخنان بیهوده دست بردارید و به کاری مثبت بپردازید تا گناهان خویش را با خدمات شایسته بخرید. در این صورت لازم نیست که بگریزید و در جستجوی پناهگاهی باشید، دیگر از جانب متعصبان چانکایشک آسیبی بشما نخواهد رسید، دیگر مطرود همیشگی خلق نخواهید بود. این آخرین فرصت شماست، نگذارید از دست بروید. ارتش آزادیبخش توده ای عازم پیشروی بسوی جنوب رود خانه یانه تسه است. این گزافه نیست. خواه شما قرارداد پذیرش شرایط هشت گانه را امضا بکنید یا نکنید ارتش آزادیبخش توده ای پیشروی خواهد کرد. اگر پیش از آن که ارتش ما پیشروی کند قرارداد بامضا برسد برای چندین طرف سودمند است: برای خلق، برای ارتش آزادیبخش توده ای، برای کلیه کسانی که در دستگاههای دولت گومیندان هستند و میخواهند گناهان خویش را با خدمات شایسته بخرند، و برای توده عظیم افسران و سربازان گومیندان و فقط برای چانکایشک، برای متعصبانش و برای امپریالیستها زیانمند است. اگر این قرارداد با مضا نرسد موجب تغییری در اوضاع نخواهد شد. راه حل هائی بوسیله مذاکرات محلی بدست خواهد آمد. ممکن است که باز هم نبرد هائی روی دهد ولی تعداد آنها دیگر نمیتواند زیاد باشد. از سین جیان تا تایوان، در مناطقی بدین پهناوری و در جبهه هائی باین عریضی، گومیندان بیش از قریب ۱۱۰۰۰۰۰ تن سپاهی جنگجو ندارد. از اینجهت دیگر نبرد های زیادی در پیش نخواهد

بود. خواه یک قرار داد همگانی و خواه بجای آن چندین قرار داد محلی بامضا برسد تغییر در وضع چانکایسک، در وضع متعصبان او، در وضع امپریالیسم آمریکا و بطور خلاصه در وضع هیچیک از مرتجعانی که تا دم واپسین لجاج میوزرند داده نخواهد شد. فنای آنان اجتناب ناپذیر است. شاید برای نانکن و نیز برای خود ما امضاء قرارداد همگانی از عدم امضاء آن اندکی مفید تر باشد. از اینجهت است که ما معذک بامضای آن میکوشیم. اما اگر این قرارداد همگانی امضا شود ما باید منتظر یک سلسله گرفتاری ها باشیم. برای ما بسیار ساده تر است که چندین قرار داد محلی امضا کنیم تا یک قرارداد همگانی. با وجود این ما همیشه حاضر بامضای این قراردادیم. اگر دولت نانکن و هیئت نمایندگی او نیز چنین تمایلی دارند در آن صورت باید در همین روز ها تصمیم بگیرند و از هر گونه پندار و پرچانگی دست بدارند. اما ما شما را باتخاذ چنین تصمیمی مجبور نمیکنیم. دولت نانکن و هیئت نمایندگیش آزادند که چنین تصمیمی بگیرند یا نگیرند. یعنی شما میتوانید یا به چانکایسک و لیتون استوارت گوش فرا دارید و برای همیشه در کنار آنان قرار گیرید و یا بما گوش فرا دارید و در جانب ما بایستید. شما در انتخاب آزادید. ولی دیگر وقت زیادی برای انتخاب ندارید. ارتش آزادیبخش توده ای عازم حرکت است و دیگر محل تردید برای شما نیست.

یادداشتها

- ۱ - در ۱۲ مارس ۱۹۴۹ در اثر استعفای سون کا از ریاست باصطلاح شورای اجرایی، حه بین چینگ از طرف لی زون ژن بجانیشینی او منصوب شد.
- ۲ - روز ۱ آوریل ۱۹۴۹ بیش از ۶۰۰۰ دانشجو از ۱۱ مؤسسه تعلیمات عالیه نانکن بمنظور آنکه شرایط هشت گانه حزب کمونیست چین در مورد صلح از طرف دولت ارتجاعی گومیندان پذیرفته شود دست بنمایش زدند. جان یائو مین، فرمانده کل پادگان گومیندان در نانکن، بدستور چانکایسک، به سپاهیان خود، به پلیس و به مأموران مخفی فرمان داد که دانشجویان را بیرحمانه بزنند. دو نفر از دانشجویان کشته و بیش از صد نفر زخمی شدند.
- ۳ - طبق «زوه جوان»، کتاب تاریخ باستان که حوادث عمده دوران بهار و پائیز (۷۷۰ - ۴۷۵ پیش از میلاد) را بررسی میکند، چینگ فو، یکی از بزرگان ولایت لو، چندین بار موجب اغتشاش شد و دو تن از شاهزادگان را بقتل آورد. ضرب المثلی که در متن آمده است در آن زمان بسیار رایج بود و نام چینگ فو غالباً بعنوان نمونه اغتشاش گر برده میشود.

فرمان به ارتش برای پیشروی عمومی در سراسر کشور

(۲۱ آوریل ۱۹۴۹)

رفقا فرمانده و رزمنده کلیه ارتشهای صحرائی! رفقای ارتش آزادیبخش توده ای در مناطق پاتیزانی جنوب!

موافقتنامه صلح داخلی که پس از مذاکرات متمادی بین هیئت نمایندگی حزب کمونیست چین و هیئت نمایندگی دولت گومیندان نانکن تنظیم گردیده بود، از طرف دولت مذکور رد شد (۱). اعضای مسؤل دولت گومیندان در نانکن موافقتنامه مذکور را از آن جهت رد کردند که آنها همچنان گوش به فرمان امپریالیسم آمریکا و چانکایشک، این سر دسته رهنان گومیندان دارند و میکوشند جلو پیشرفت امر آزادی خلق چین را بگیرند و مانع حل مسئله داخلی از طریق مسالمت آمیز گردند. موافقتنامه صلح داخلی که بوسیله دو هیئت نمایندگی طی مذاکرات تنظیم گردیده و شامل ۸ ماده و ۲۴ بند است، در فیصله دادن به مسئله جنایتکاران جنگ راه گذاشت در پیش گرفته و نسبت به افسران و سربازان ارتش گومیندان و کارمندان دولت گومیندان اغماض روا داشته و برای سایر مسایل با توجه بمنافع ملت و خلق راه حلهای

این فرمان توسط رفیق مائوتسه دون تنظیم شده است. پس از آنکه دولت ارتجاعی گومیندان از امضاء موافقتنامه صلح داخلی سرباز زد، ارتش آزادیبخش توده ای به پیروی از این فرمان صدر مائوتسه دون و فرمانده کل جو ده با مقیاس بیسابقه ای به پیشروی عمومی پر دامنه ای بسوی مناطق وسیع آزاد نشده کشور پرداخت. صبح ۲۱ آوریل ۱۹۴۹ ارتش صحرائی دوم برهبری لیو بو چن، دو سیائو پین و سایر رفقا و ارتش صحرائی سوم برهبری چن ای، سو یو، تن جن لین و سایر رفقا در جبهه ای بعرض بیش از ۵۰۰ کیلومتر که از حوکو (در شمال شرقی جیون جیان) در مغرب تا چیان یین در مشرق گسترده میشد، بزور از رود خانه یان تسه گذشتند، خط دفاعی دشمن را که که با زحمت بسیاری طی سه ماه و نیم در طول رود خانه کشیده بود، بکلی در هم شکستند. این نیروها نانکن را که مدت بیست و دو سال مرکز ساطه ضد انقلابی گومیندان بود، در ۲۳ آوریل آزاد ساختند و سقوط رژیم ارتجاعی گومیندان را اعلام داشتند. این نیروها سپس در چند ستون به پیشروی بسوی جنوب ادامه داده، حان جو را در ۳ مه و نان چان را در ۲۲ مه آزاد ساخته، بزرگترین شهر چین شانگهای را در ۲۷ مه بتصرف در آوردند. در ماه ژوئن به نفوذ در استان فوجیان پرداختند. فو جو را در ۱۷ اوت، سیامن را در ۱۷ اکتبر آزاد ساختند. در ۱۴ مه ارتش صحرائی چهارم، برهبری لین بیاو، لوه ژون هوان و سایر رفقا در جبهه ای بعرض بیش از ۱۰۰ کیلومتر در منطقه توان فون - او سیه در مشرق او هان بزور از رودخانه یان تسه گذاشت و

مناسبی یافته است. رد این موافقتنامه بدین معنی است که مرتجعین گومیندان مصمم اند جنگ ضد انقلابی را که خود آنها برافروخته اند، تا آخر ادامه دهند. رد این موافقتنامه بدین معنی است که مرتجعین گومیندان با طرح پیشنهادی مذاکره صلح در یکم ژانویه سال جاری فقط میخواستند از پیشرفت ارتش آزادیبخش توده ای جلوگیری کنند و باین طریق فرصت برای نفس کشیدن بدست آورند تا دو باره بمنظور خرد کردن نیروهای انقلابی بحمله پردازند. رد این موافقتنامه بدین معنی است که دولت لی ژن ژن در نانکن که ظاهراً هشت شرط صلح را از حزب کمونیست چین بمنزله پایه مذاکرات پذیرفت فقط از روی تزویر و ریا عمل کرده است. از آنجا که دولت مذکور قبلاً به مجازات جنایتکاران جنگ، به تجدید سازمان کلیه واحدهای ارتجاعی گومیندان بر حسب اصول دموکراتیک، بانتقال کلیه اختیارات دولت نانکن و دولت‌های تابع او در مراتب مختلف، و به سایر شرایط اساسی رضا داده است، هیچ دلیلی وجود ندارد که اقدامات مشخصی را که بر زمینه این شرایط اساسی طرح شده و مقرون به اغماض فراوان است، رد کند. در چنین شرایط بشما فرمان میدهیم:

۱- متهورانه به پیش بروید و در سراسر خاک چین کلیه مرتجعین گومیندان را که جرأت بمقاومت کنند، با قطعیت، از بیخ و بن و بطور تمام و کمال نابود سازید، همه خلق را رهائی بخشید، استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی چین را پاسداری کنید.

در ۱۶ و ۱۷ مه تعدادی از شهرهای چین مرکزی را که اهمیت استراتژیک دارند یعنی اوچان، حان یان و حان کو را آزاد ساخت و سپس به پیشروی بسوی جنوب ادامه داد و وارد استان حو نان شد. چن چیان، استاندار گومیندان در حونان و چن مین ژن فرمانده ارتش یکم در ۴ اوت قیام کرده و بصوف و پیوستند و این استان بوجه مسالمت آمیز آزاد گردید. ارتش صحرایی چهارم از سپتامبر تا اکتبر به عملیات اپراتیو جن یان - بائو چینگ دست زد. پس از آنکه نیروهای عمده سپاهیان گومیندان بفرماندهی بای چون سی را نابود ساخت، بییشروی بسوی استانهای گوان دون و گوان سی ادامه داد. گوان جو را در ۱۴ اکتبر، گوی لین را در ۲۲ نوامبر و نان نین را در ۴ دسامبر آزاد گرداند. هنگامیکه ارتشهای صحرایی دوم و سوم بروز از رود خانه یان تسه میگذاشتند، ارتشهای چین شمالی برهبری نیه ژون جن، سیو سیان چیان و سایر رفقا در ۲۴ آوریل تای یوان را بتصرف در آوردند. ارتش صحرایی یکم برهبری یون ده هوای، حه لون و سایر رفقا که در ۲۰ مه سی ان را آزاد ساخته بود، باتفاق ۲ گروه از ارتشهای چین شمالی به حرکت بسوی مناطق تحت حکومت گومیندان در شمال غربی ادامه داد. این نیروها لان جو را در ۲۶ اوت گرفتند، سی نین را در ۵ سپتامبر، بین چوان را در ۲۳ سپتامبر آزاد کردند، سپاهیان گومیندان بفرماندهی ما بوفان و ماهون کوی را تماماً نابود ساختند. در دهه آخر ما سپتامبر نانوجی یوه، فرمانده کل پادگان گومیندان در استان سین جیان و برهان استاندار قیام کرده و به صفوف ما پیوستند و سین جیان از راه مسالمت آمیز آزاد شده. در آغاز ماه نوامبر ارتش صحرایی دوم برهبری لیو بوه چن، دن سیائوپین و سایر رفقا، باتفاق ارتش شماره هجدهم از ارتش صحرایی چین شمالی و

- ۲ - متهوران به پیش بروید و کلیه جنایتکاران اصلاح ناپذیر جنگ را دستگیر کنید. آنها بهر جا که پنهانند، باید دستگیر و بدادگاه تسلیم شوند و طبق قانون بکیفر برسند. بویژه توقیف سر دسته این راهزنان یعنی چانکایشک توجه کنید.
- ۳ - طرح اصلاح شده و قطعی موافقتنامه صلح داخلی را برای اطلاع کلیه دولتهای محلی و گروههای نظامی محلی گومیندان منتشر سازید. شما میتوانید در کادر محلی طبق روح این موافقتنامه با کلیه کسانی که خواستار پایان بخشیدن به جنگ و حل مسایل از طریق مسالمت آمیز هستند، موافقتنامه امضا کنید.
- ۴ - هرگاه پس از آنکه نانکن بوسیله ارتش آزادیبخش توده ای محاصره شد، دولت رون ژن در نانکن هنوز نگرینخته یا پراکنده نشده باشد و حاضر باشد امضای خود را در زیر موافقتنامه صلح داخلی بگذارد، ما حاضریم بار دیگر باین دولت فرصت دهیم که آنرا امضا کند.

مائوتسه دون

صدر کمیسیون نظامی انقلابی خلق چین

جو ده

فرماندهی کل ارتش آزادیبخش توده ای چین

همچنین بخشی از ارتش صحرائی یکم که تحت رهبری چه لون، لی جین چیوان و سایر رفقا قرار داشتند، به پیشروی بسوی جنوب غربی چین مبادرت جستند گوی یان را در ۱۵ نوامبر و چون چینگ را در ۳۰ نوامبر آزاد ساختند. در ۹ دسامبر لوهان، استاندار گومیندان در یون نان، لیوه وین هوی استاندار گومیندان در سی کان، و همچنین دن سی هو و پن هوا معاونین رئیس بروی امور نظامی و اداری گومیندان در جنوب غربی قیام کرده و به صفوف ما پیوستند و باین طریق دو استان یون نان و سی کان از راه مسالمت آمیز آزاد شدند. در دهه آخر ماه دسامبر ارتش آزادیبخش توده ای که وارد جنوب غربی شده بود و به نبرد چن دو دست زده، سپاهیان گومیندان تحت فرماندهی حو زون نان را بکلی نابود ساخت و آن شهر را در ۲۷ دسامبر آزاد کرد. در پایان دسامبر ۱۹۴۹ ارتش آزادیبخش توده ای کلیه سپاهیان گومیندان را در خاک چین نابود ساخته و تمام سرزمین اصل چین را باستثناء تبت آزاد کرد.

یادداشتها

۱ - در اول آوریل ۱۹۴۹ هیئت نمایندگی دولت گومیندان برهبری جان جی جون بمنظور مذاکرات صلح با هیئت نمایندگی حزب کمونیست چین وارد بی پین شد . پس از پانزده روز مذاکره موافقتنامه صلح داخلی تنظیم گردید . هیئت نمایندگی حزب کمونیست چین در ۱۵ آوریل این موافقتنامه (طرح اصلاح شده و قطعی) را به هیئت نمایندگان دولت نانکن تسلیم داشت و این دولت در ۲۰ آوریل آنرا رد کرد . متن موافقتنامه (طرح اصلاح شده و قطعی) بقرار زیر است :

در سی و پنجمین سال جمهوری چین دولت ملی نانکن بکمک دولت آمریکا و علیرغم اراده خلق موافقتنامه متارکه و قطعنامه های کنفرانس مشورتی سیاسی را زیرا پا نهاد و به بهانه مبارزه با حزب کمونیست چین به جنگ داخلی علیه خلق چین و ارتش آزادیبخش توده ای چین در مقیاس سراسر کشور دست زد . این جنگ دو سال و نه ماه و نیم است که ادامه دارد و مردم سراسر کشور بدین سبب دچار مصایب فراوان گردیده اند . منابع مالی و مادی عظیم کشور بر باد رفته و صدمات تازه ای بر حاکمیت ملی وارد آمده است . قاطبه مردم از اینکه دولت ملی نانکن به " سه اصل انقلابی خلق " داکتر سون یاتسن و به سیاست صحیح او که مبتنی بر اتحاد با روسیه ، همکاری با حزب کمونیست و کمک به دهقانان و کارگران میباشد و همچنین به وصیای انقلابی او خیانت ورزیده است ، همواره ناخشنودی خود را ابراز داشته اند . قاطبه مردم بویژه با جنگ داخلی کنونی که بوسیله دولت ملی نانکن برافراشته شده و بمقیاس بیسابقه ای دنبال میشود و همچنین با سیاست و اقدامات اشتباه آمیزی که این دولت بعلت در پیش گرفتن جنگ داخلی ، در زمینه سیاسی ، نظامی ، مالی ، اقتصادی ، فرهنگی و امور خارجی اتخاذ کرده است ، مخالفت میورزند . دولت ملی نانکن دیگر بهیچوجه از اعتماد خلق برخوردار نیست . سپاهیان دولت ملی نانکن در این جنگ داخلی از ارتش آزادیبخش توده ای که تحت رهبری حزب کمونیست چین بفرماندهی کمیسیون نظامی انقلابی خلق چین قرار دارد ، شکست خورده اند . در چنین شرایطی دولت ملی نانکن در روز اول ژانویه سی و هشتمین سال جمهوری چین به حزب کمونیست چین پیشنهاد کرد که بمنظور متوقف ساختن جنگ داخلی و برقرار کردن صلح مذاکره بعمل آید . حزب کمونیست چین در ۱۴ ژانویه همین سال بیانیه ای مشعر بر قبول این پیشنهاد انتشار داد و ۸ شرط را بعنوان پایه مذاکرات صلح بین دو طرف مطرح ساخت . این هشت شرط از این قرار است :

مجازات جنایتکاران جنگ ، الغای باصطلاح قانون اساسی ، الغاء باصطلاح سیستم قضائی ، تجدید سازمان کلیه سپاهیان ارتجاعی بر حسب اصول دموکراتیک ، مصادره سرمایه بوروکراتیک ، اجرای اصلاحات ارضی ، الغاء موافقت نامه های خیانت ملی ، دعوت کنفرانس مشورتی سیاسی جدید بدون شرکت عناصر ارتجاعی و تشکیل دولت دموکراتیک ائتلافی که کلیه قدرت را از دولت ارتجاعی گومیندان در نانکن و دولتهای محلی او در مدارج مختلف تحویل بگیرد . این هشت شرط اساسی از طرف دولت ملی نانکن پذیرفته شد . بالنتیجه حزب کمونیست چین و دولت ملی نانکن هئیتهای نمایندگی خویش را بااختیارات تام برای مذاکره و عقد موافقتنامه معین کردند . نمایندگان طرفین در بی پین ملاقات کردند و قبل از هر چیز تأیید نمودند که دولت ملی نانکن باید مسؤلیت کامل جنگ داخلی کنونی و سیاست اشتباه آمیزی را که در زمینه های مختلف اعمال شده است ، بر عهده گیرد . آنان در انعقاد این موافقتنامه با یکدیگر توافق نمودند :

ماده اول

بند ۱ - هئیت نمایندگی حزب کمونیست چین و هئیت نمایندگی دولت مالی نانکن (که از این بعد طرفین نامیده میشوند) بمنظور تشخیص درست از نادرست و تعیین مسؤلیتها تأیید میکنند که علی الاصول جنایتکاران جنگ در دولت ملی نانکن که مسئول برافروختن و تعقیب جنگ داخلی کنونی هستند ، باید بکیفر برسند ولی رفتار با آنها بر حسب موارد زیرین مختلف خواهد بود :

(۱) - هر جنایتکار جنگ ، هر کسیکه باشد ، مشروط بر اینکه درست را از نادرست تشخیص دهد و مصمم باشد که از گذشته خود ببرد و صمیمیت کامل خود را در عمل نشان دهد و از این طریق به پیشرفت امر آزادی خلق چین و حل مسالمت آمیز مسئله داخلی مساعدت نماید ، ممکن است دیگر جزو جنایتکاران جنگ بشمار نیاید و نسبت باو اغماض شود .

(۲) هر جنایتکار جنگ ، هر کسیکه باشد ، اگر جلوی پیشرفت امر آزادی خلق را بگیرد و به حل مسالمت آمیز مسئله داخلی لطمه بزند و یا اینکه حتی بشورش متوسل گردد و باین طریق نشان دهد که علاج ناپذیر است ، باید شدیداً بکیفر برسد . کمیسیون نظامی انقلابی خلق مسئول سرکوب جنایتکاران جنگ که در رأس شورش قرار گیرند ، خواهد بود .

بند ۲ - طرفین تأیید میکنند که دولت ملی نانکن که در ۲۶ ژانویه سی و هشتمین سال جمهوری چین ژنرال یاسوژی اکامورا ، جنایتکار جنگ تجاوزی ژاپن علیه چین را تبرئه و آزاد ساخت و در ۳۱ ژانویه همان سال به ۲۶۰ ژاپنی دیگر از جنایتکاران جنگ اجازه بازگشت بژاپن را داد ، مرتکب خطا گردیده است . همینکه دولت دموکراتیک ائتلافی ، یعنی دولت مرکزی جدیدی که نماینده قاطبه مردم چین باشد ، تشکیل گردد ، مجدداً باید به وضعیت کلیه این جنایتکاران جنگ رسیدگی نماید .

ماده ۲

بند ۳ - طرفین تأیید میکنند که « قانون اساسی جمهوری چین » ، مصوب « مجلس ملی » که در نوامبر سی و پنجمین سال جمهوری چین از طرف دولت گومیندان در نانکن دعوت شد ، باید ملغی گردد .

بند ۴ - پس از آنگاه « قانون اساسی جمهوری چین » ملغی گردید ، آن قانون اساسی که حکومت و خلق باید از آن پیروی کنند ، بر طبق تصمیمات کنفرانس مشورتی سیاسی جدید و تصمیمات دولت دموکراتیک ائتلافی تنظیم خواهد شد .

ماده ۳

بند ۵ - طرفین تأیید میکنند که تمام سیستم قضائی دولت ملی نانکن باید ملغی شود .

بند ۶ - در مناطقی که ارتش آزادیبخش توده ای وارد شود و اداره امور آن مناطق را در دست گیرد ، و پس از تشکیل دولت دموکراتیک ائتلافی ، باید سیستم قضائی توده ای و دموکراتیک برپا گردد و کلیه قوانین فرمانهای ارتجاعی ملغی شود .

ماده ۴

بند ۷ - طرفین تأیید میکنند که کلیه نیروهای مسلح که تابع دولت ملی نانکن میباشند (نیروهای زمینی ، دریائی و هوائی ، واحدهای ژاندارم ، واحدهای پلیس ارتباطات ، واحدهای محلی ، مؤسسات و آکادمیها و کارخانه های نظامی ، ادارات کارپردازی در پشت جبهه و غیره) باید بر حسب اصول دموکراتیک تجدید سازمان یافته و بصورت واحدهای ارتش آزادیبخش توده ای در آیند . پس از امضای موافقتنامه صلح داخلی باید بیدرنگ یک کمیته ملی تجدید سازمان تشکیل شود که کار تجدید سازمان را بر عهده گیرد . کمیته تجدید سازمان مرکب از ۷ تا ۹ نفر خواهد بود که ۴ یا ۵ نفر آنها از طرف کمیسیون نظامی انقلابی خلق و ۳ یا ۴ نفر شان از طرف دولت ملی نانکن تعیین خواهند شد . صدارت کمیته بر عهده یکی از اعضای که از طرف کمیسیون نظامی انقلابی خلق معین میشود و معاونت کمیته برعهده یکی از اعضای که از طرف دولت ملی نانکن معین میشود ، خواهد بود . در منطقه ای که ارتش آزادیبخش توده ای وارد شود و اداره امور آنجا را در دست گیرد ، در صورت احتیاج ممکن است شعبه محلی کمیته تجدید سازمان تشکیل گردد . تناسب تعداد اعضاء طرفین در شعب مذکور و طرز عهده داری صدارت و معاونت آنها همان است که در مورد کمیته ملی تجدید سازمان ذکر شد . یک کمیته تجدید سازمان برای نیروهای دریائی و یک کمیته دیگر برای نیروهای هوائی باید بوجود بیاید . کلیه امور مربوط باینکه ارتش آزادیبخش توده ای به مناطقی که هنوز تحت اداره دولت ملی نانکن میباشد ، وارد شود و اداره امور آنجا را در دست گیرد ، طبق فرمان های کمیسیون نظامی انقلابی خلق چین صورت خواهد گرفت ، سپاهیان دولت ملی نانکن هنگام ورود ارتش آزادیبخش توده ای نباید هیچگونه مقاومتی نشان دهند

بند ۸ - طرفین موافقت میکنند که برنامه تجدید سازمان را در هر منطقه در دو مرحله بموقع اجرا در آورند :

(۱) - مرحله اول - تجمع و گروه بندی .

الف - کلیه واحدهای تابع دولت ملی نانکن (نیروهای زمینی ، دریائی و هوائی ، واحدهای ژاندارم ، واحدهای پلیس ارتباطات ، واحدهای محلی و غیره) باید جمع آوری و گروه بندی شوند . تجمع باید بر طبق اصل زیرین بعمل بیاید : کمیته تجدید سازمان با توجه به شرایط مناطق مختلف بنیروهای مناطقی که ارتش آزادیبخش توده ای بانجا وارد شده و اداره امور آنجا را در دست گرفته ، فرمان خواهد داد که منطقه بمنطقه و مرحله بمرحله به نقاط معین بروند تا بر حسب نمرات واحدهای خویش ، ساختمان خویش و تعداد نفرات اولیه خویش جمع آوری و گروه بندی شوند .

ب - کلیه سپاهیان تابع دولت ملب نانکن مسئولیت دارند که در محل استقرار خویش - در شهر های بزرگ و کوچک ، در طول خطوط عمده ارتباطی و رود خانه ها ، در بنادر و در دهات - تا موقعیکه ارتش آزادیبخش توده ای نرسد و اداره امور آنجا را در دست نگرفته ، نظم عمومی را حفظ کنند و از هر عمل تخریبی جلوگیری نمایند .

ج - موقعیکه ارتش آزادیبخش توده ای به محلهای مذکور میرسد و امور آنجا را اداره میکند ، سپاهیان تابع دولت ملی نانکن باید طبق دستور های کمیته تجدید سازمان و شعب آن کمیته بشیوه مسالمت آمیز نقل و انتقال یابند و به محلهای معین شده بروند . آنها وقتیکه بانجا میروند و وقتیکه بانجا میرسند باید انضباط را اکیداً مراعات کنند و نباید نظم عمومی آن محل را مختل سازند .

د - موقعیکه سپاهیان تابع دولت ملی نانکن نقاط اولیه استقرار خود را طبق فرمان کمیته تجدید سازمان و شعب آن ترک میگویند پلیس محلی و یا واحد های امنیت عمومی که در این نقاط مستقر شده اند ، نباید آنجا را تخلیه کنند بلکه باید در آنجا عهده دار حفظ امنیت عمومی شوند و از فرماندهی و از دستور ارتش آزادیبخش توده ای تبعیت کنند .

ه - کمیته تجدید سازمان و شعب آن و دولت های محلی مسئولیت تأمین نیازمندیهای نظامی مانند غلات ، علیق ، و سایل خواب و پوشاک کلیه سپاهیان تابع دولت ملی نانکن را در هنگام نقل و انتقال و تجمع آنان بر عهده خواهند داشت .

و - کمیته تجدید سازمان و شعب آن باید با توجه به شرایط مناطق مختلف به مقامات دولت ملی نانکن دستور دهند که کلیه ادارات و مؤسسات نظامی (دوایر ، مدارس ، کارخانه ها و انبارهای متعلق به وزارت دفاع ملی تا اداره کل کار پردازی عمومی در پشت جبهه) ، کلیه تأسیسات نظامی (بنادر نظامی ، دژها ، پایگاههای هوایی و غیره) و همچنین کلیه مصالح جنگی خود را منطقه بمنطقه و مرحله مرحله بارتش آزادیبخش توده ای و کمیسیون های کنترل نظامی آن در نقاط مختلف تحویل دهند .

(۲) مرحله دوم - تجدید سازمان منطقه بمنطقه .

الف - پس از آنکه نیروهای زمینی تابع دولت ملی نانکن (پیاده نظام ، سوار نظام ، واحد های ویژه ، واحد های ژاندارم ، واحد های پلیس ارتباطات و واحد های محل) منطقه بمنطقه و مرحله مرحله بنقاط معین شده رسیدند و جمع آوری و گروه بندی شدند ، کمیته تجدید سازمان باید با توجه بشرایط مناطق مختلف ، منطقه بمنطقه بر نامه هائی جهت تجدید سازماندهی تنظیم کند و تا موعد معین بموقع اجرا گذارد . اصل تجدید سازمان مشعر بر اینستکه کلیه نیروهای زمینی مذکور که جمع آوری و گروه بندی شده اند بر طبق سیستم دموکراتیک و ساختمان منظم ارتش آزادیبخش توده ای تجدید سازمان یابند تا بصورت واحد های منظم ارتش آزادیبخش توده ای در آیند . کمیته تجدید سازمان و شعب آن مسئولیت خواهد داشت که بوضع سربازانی که خواه بعلت کبر سن خواه بعلت معلول واقعاً قادر به خدمت نیستند و خواهان ترک خدمت اند و همچنین بوضع افسران درجه دارانی که مایل بترک خدمت و یا تغییر شغل اند رسیدگی کنند ، تسهیلات لازم را برای بازگشت آنان بسر خانه و زندگی خود فراهم آورند و بانان امکان تأمین معاش بدهند ، بطوریکه هرکس در وضعیت مناسبی قرار گیرد و هیچکس در اثر فقدان و سایل معیشت بارتکاب اعمال ناشایسته دست نزنند .

ب - نیروهای دریائی و هوائی تابع دولت نانکن پس از آنکه منطقه بمنطقه و مرحله مرحله بنقاط معین شده رفتند و جمع آوری و گروهبندی شدند ، طبق سیستم دموکراتیک ارتش آزادیبخش توده ای و برحسب نمرات اولیه واحد های خود ، ساختمان و نفرات اولیه خود ، بوسیله کمیته های تجدید سازمان نیروهای دریائی و هوائی تجدید سازمان خواهند یافت .

ج - کلیه نیروهای مسلح تابع دولت ملی نانکن همینکه تجدید سازمان یافته و بصورت واحدهای ارتش آزادیبخش توده ای در آمدند ، موظف اند که سه اصل بزرگ انضباطی و هشت ماده مقرراتی ارتش آزادیبخش توده ای را اکیداً مراعات کند و خود را با سیستم نظامی و سیاسی ارتش آزادیبخش توده ای صادقانه تطبیق دهند و بتخلف از آنها مبادرت نوزند .

د - افسران و سربازانی که پس از تجدید سازمان باز نشسته میشوند ، باید دولتهای توده ای محلی را محترم بدارند و از قوانین و فرمانهای دولت توده ای پیروی کنند . دولت های توده ای محلی و اهالی باید باین افسران و سربازان باز نشسته توجه کنند و هیچ گونه تبعیضی نسبت بانان روا ندارند .

بند ۹ - بعد از امضای موافقتنامه صلح داخلی ، کلیه نیروهای مسلح تابع دولت مالی نانکن باید از سربازگیری خوداری کنند . آنان مسئولیت خواهند داشت که کلیه مسالِح جنگ را سالم نگهدارند و در هیچ حالی نباید آنها را از بین ببرند ، پنهان کند ، منتقل سازند و یا بفروشند .

بند ۱۰ - بعد از امضای موافقتنامه صلح داخلی ، اگر هر یک از نیروهای مسلح تابع دولت ملی نانکن از اجرای برنامه تجدید سازمان سربپیچد ، دولت ملی نانکن باید با ارتش آزادیبخش توده ای کمک کند تا بروز بر برنامه مذکور تحقق بخشیده و اجرای تمام و کمال آنرا تأمین نماید .

ماده ۵

بند ۱۱ - طرفین موافقت میکنند که کلیه بنگاهها (از آنجمله بانک ها ، کارخانه ها ، معادن ، کشتی ها ، شرکتها ، و مغازه ها) و اموال سرمایه بوروکراتیک که تملک و یا غصب آنها در دوران سلطه دولت نانکن در اثر امتیازات سیاسی و قدرت خانواده های بزرگ حاصل شده است ، مصادره شوند و به تملک دولت در آیند .

بند ۱۲ - در مناطقی که هنوز ارتش آزادیبخش توده ای نرسیده و اداره امور آنجا را در دست نگرفته است ، دولت ملی نانکن مسئولیت دارد که مراقب بنگاهها و اموال سرمایه بوروکراتیک قید شده در بند ۱۱ باشد تا هرگونه فرار دادن ، پنهان ساختن ، آسیب رساندن بآنها ، انتقال و یا فروش نهائی آنها جلوگیری شود . اموالی که هم اکنون نقل مکان یافته اند ، باید در همان محلی که هست ، راکد بمانند . هیچگونه انتقال جدید ، هیچگونه فرار دادن آن اموال بخارجه یا از بین بردن آنها مجاز نیست . بنگاهها و اموال سرمایه بوروکراتیک که در خارجه است ، باید ملک دولت اعلام شود .

بند ۱۳ - در مناطقی که ارتش آزادیبخش توده ای رسیده و اداره امور آنجا را در دست گرفته است ، بنگاهها و اموال سرمایه بوروکراتیک قید شده در بند ۱۱ ، بوسیله کمیسیون های کنترل نظامی محلی و یا بوسیله ارگانهائی که دولت دموکراتیک ائتلافی بآنها مأموریت داده است ، مصادره خواهند شد . اگر سهام خصوصی در این بنگاهها وجود داشته باشد ، باید در باره آنها تحقیق بعمل آید و هرگاه بشبوت برسد که واقعاً سهام خصوصی هستند و سهام سرمایه بوروکراتیک که محرمانه انتقال یافته باشد ، نیستند ، باید بعنوان سهام خصوصی شناخته شوند و صاحبان آنها مجاز خواهند بود که سهامدار باقی بمانند یا سهم خود را بیرون بکشند .

بند ۱۴ - بنگاههای سرمایه بوروکراتیک که پیش از سلطه دولت ملی نانکن تأسیس شده اند و همچنین بنگاههایی از این قبیل که در زمان سلطه مذکور تأسیس شده ولی بزرگ نیستند و باقتصاد ملی و زندگی خلق زیان نمیرسانند ، مصادره نخواهند شد . ولی بنگاهها و اموالی که صاحبان آنها مرتکب اعمال جنایتکارانه گردیده اند ، از قبیل مرتجعین که جنایات فجیعیشان بوسیله مردم افشا شد و رسماً باثبات رسیده است ، باید مصادره شوند .

بند ۱۵ - در شهر هائی که هنوز ارتش آزادیبخش توده ای نرسیده و هنوز اداره امور آنجا را در دست نگرفته است ، مقامات دولتی استان ، شهر و شهرستان که تابع دولت ملی نانکن میباشد ، موظفند که از نیروهای دموکراتیک توده ای و از فعالیت آنها در این نقاط حمایت کنند . مقامات دولتی مذکور نباید این نیروها را تحت فشار قرار دهند و با آنها آسیب برسانند .

ماده ۶

بند ۱۶ - طرفین تأیید میکنند که سیستم فئودالی مالکیت ارضی در کلیه مناطق روستائی چین باید بتدریج تغییر یابد . بوطور کلی پس از رسیدن ارتش آزادیبخش توده ای در مرحله اول به تقلیل بهره مالکانه و ربج و سپس به تقسیم زمین اقدام خواهد شد .

بند ۱۷ - در مناطق که هنوز ارتش آزادیبخش توده ای نرسیده و هنوز اداره امور آنجا را در دست نگرفته است ، دولت‌های محلی تابع دولت ملی نانکن موظفند که از سازمانها و از فعالیت‌های توده های دهقان حمایت کنند . دولت‌های مذکور نباید آنها را تحت فشار قرار دهند و یا بآنها آسیب برسانند .

ماده ۷

بند ۱۸ - طرفین موافقت میکنند که کلیه قرارداد ها و موافقتنامه هائی که در دوران سلطه دولت ملی نانکن با دول خارجی انعقاد یافته و سایر اسناد و بایگانی های دیپلماتیک، خواه علنی و خواه سری باید بوسیله دولت ملی نانکن به دولت دموکراتیک ائتلافی تسلیم شود و از طرف دولت اخیر مورد رسیدگی قرار گیرد . کلیه قرار داد ها و موافقتنامه هائی که متضمن لطمه ای بر خلق چین و حکومت اوست و بویژه آنهایی که ماهیتاً حقوق حکومت را از وی سلب مینماید ، برحسب موارد مختلف ، یا ملغی میشود یا مورد تجدید نظر قرار میگردد و یا جای خود را به قرارداد ها و موافقتنامه های تازه میدهد .

ماده ۸

بند ۱۹ - طرفین موافقت میکنند که پس از امضاء موافقتنامه صلح داخلی و پیش از تشکیل دولت دموکراتیک ائتلافی ، دولت ملی نانکن و همچنین شوراها ، وزارتخانه ها ، کمیسیون ها ، و سایر ارگانها وی باید همچنان موقتاً به ایفاء وظایف خود مشغول باشند . ولی موظفند که در اداره امور با کمیسیون نظامی انقلابی خلق چین مشورت کنند و به ارتش آزادیبخش توده ای در تحول گرفتن کار ها و نقل و انتقال در مناطق مختلف کمک برسانند . پس از آنکه دولت دموکراتیک ائتلافی تشکیل شد دولت ملی نانکن بیدرنگ اختیارات خویش را بوی خواهد سپرد و انحلال خود را اعلام خواهد داشت .

بند ۲۰ - در موقعیکه دولت ملی نانکن و دولت های محلی مختلف و همچنین ارگانهای تابع آنها اختیارات خویش را تحویل میدهند ، ارتش آزادیبخش توده ای ، دولت‌های توده ای محلی و دولت دموکراتیک ائتلافی چین باید مراقب باشند که از میان کارمندان سابق کلیه کسانی را که میهن پرست اند و کلیه اشخاص مفید را در خدمت نگاه داشته و آموزش دموکراتیک بدهند و کارهای مناسب بآنها بسپارند بطور که بیکار و بیخانمان نمانند .

بند ۲۱ - پیش از آنکه ارتش آزادیبخش توده ای برسد و اداره امور را در دست گیرد ، دولت مالی نانکن و مقامات دولتی تابع آن در هر استان ، هر شهر و هر شهرستان وظیفه دارند که در محیط خویش پاسدار امنیت عمومی باشند ، کلیه ارگانهای دولتی و بنگاههای دولتی (از آنجمله بانک ها ، کارخانه ها ، معادن ، راه آهن ، دواتر پست و تلگراف و تلفن ، هوا پیمها ، کشتی ها ، شرکت ها ، انبار ها و وسایل ارتباطات) و سایر اموال منقول و غیر منقول متعلق به دولت را حفظ و حمایت کنند . از بین بردن ، خسارت آوردن

، انتقال دادن ، پنهان کردن و فروختن بهیچوجه مجاز نخواهد بود . کتابها بایگانی ها ، عتیقه ها ، اشیاء قیمتی ، طلا و نقره و سایر مسکوکات ، ارزی خارجی و کلیه اموال اشیائی که هم اکنون منتقل شده و یا مخفی گردیده اند باید بیدرتنگ در همانجا که هست راکد بمانند تا آنکه بمقامات صلاحیت دار تحویل داده شوند . دولت مالی نانکن مسئولیت دارد که آن اشیائی را که بخارجه فرستاده شده و یا قبلاً در خارجه بوده اند ، باز ستاند و تا موقع تحویل نگهدارد .

بند ۲۲ - در مناطقی که ارتش آزادیبخش توده ای رسیده و اداره امور آنجا را بدست گرفته است ، کمیسیون های کنترل نظامی محلی ، دولتهای توده ای محلی یا ارگانهای که از طرف دولت دمکراتیک ائتلافی معین شده اند ، باید کلیه اختیارات و همچنین کلیه اموال و دارائی دولت را بتصرف در آورند .

بند ۲۳ - پس از آنکه موافقتنامه صلح داخلی بوسیله هیئت نمایندگی دولت ملی نانکن امضا شد و بوسیله آن دولت بموقع اجرا در آمد ، هیئت نمایندگی حزب کمونیست چین بر عهده میگیرد که به کمیته تدارک کنفرانس مشورتی سیاسی جدید پیشنهاد نماید که دولت مالی نانکن مجاز باشد عده ای از میهن پرستان را بعنوان نماینده به کنفرانس مذکور اعزام دارد . در آنصورت نمایندگان دولت ملی نانکن خواهند توانست پس از دریافت موافقت کمیته تدارک کنفرانس مشورتی سیاسی جدید در آن کنفرانس شرکت جویند .

بند ۲۴ - پس از آنکه دولت ملی نانکن نمایندگان خود را به کنفرانس مشورتی سیاسی جدید اعزام داشت ، حزب کمونیست چین بر عهده میگیرد به کنفرانس پیشنهاد نماید که دولت ائتلافی عده ای از میهن پرستان دولت نانکن را نیز بخاطر مراعات همکاری در ترکیب خود وارد کند .

هیئتهای نمایندگی طرفین اعلام میدارند : ما بخاطر رهائی خلق چین و استقلال و آزادی ملت چین ، بخاطر آنکه جنگ در آینده نزدیک متوقف گردد . صلح برقرار شود تا شرایط مساعد برای پرداختن بکار های بزرگ تولیدی و ساختمان در سراسر کشور فراهم آید و به کشور ما و به خلق ما امکان دهد که با گام های مطمئن به شکوفای اقتصادی ، نیرومندی و آسایش برسند ، مسئولیت امضاء این موافقتنامه چون تنی واحد با یکدیگر متحد شوند . موافقتنامه حاضر بلافاصله پس از امضاء بموقع اجرا در خواهد آمد .

اعلان ارتش آزادیبخش توده ای چین

(۲۵ آوریل ۱۹۴۹)

مرتجعین گومیندان شرایط صلح را رد کرده و روی موضع ادامه جنگ جنایتکارانه بر ضد ملت و خلق لجاج میورزند. قاطبه مردم امیدوارند که ارتش آزادیبخش توده ای، مرتجعین گومیندان را با سرعت براندازد. ما با ارتش آزادیبخش توده ای، مرتجعین گومیندان را با سرعت براندازد. ما با ارتش آزادیبخش توده ای فرمان داده ایم که متهورانه به پیش رود، کلیه سپاهیان ارتجاعی گومیندان را که جرأت مقاومت نکنند نابود سازد، کلیه جنایتکاران اصلاح ناپذیر جنگ را دستگیر نماید، خلق سراسر کشور را آزاد کند، بدفاع از تمامیت ارضی، حاکمیت و استقلال چین پردازد و بوحدت حقیقی کشور که همه خلق مشتاقانه خواستار آنست، تحقق بخشد. ما امید فراوان داریم که بهر جا که ارتش آزادیبخش توده ای روی آورد، از پشتیبانی کلیه قشرهای مردم برخوردار شود. ما در اینجا قرار نامه ای را در هشت ماده اعلام میداریم و حاضریم آنرا بمعیت عموم خلق مراعات کنیم.

۱ - حراست از جان و اموال قاطبه مردم. امیدواریم که کلیه قشرهای مختلف مردم، صرفنظر از تعلق طبقاتی، معتقدات یا مشاغل خویش مراعات نظم عمومی را محترم بشمارند و با ارتش آزادیبخش توده ای همکاری کنند. ارتش آزادیبخش توده ای نیز همین روش را با کلیه قشرهای مختلف مردم در پیش خواهد گرفت. ضد انقلابیون و یا سایر خرابکارانی که با استفاده از فرصت به ایجاد اغتشاشات، به غارتگری و یا به خرابکاری دست بزنند، شدیداً کیفر خواهند دید.

۲ - حراست از بنگاههای صنعتی، تجاری، کشاورزی و دامداری که متعلق به بورژوازی ملی است. از همه کارخانه ها، مغازه ها، بانکها، انبارها، کشتیها، لنگرگاهها، فرمهای کشاورزی، فرمهای دامداری و غیره که در تملک خصوصی هستند، بدون استثناء در برابر هرگونه تعدی محافظت بعمل خواهد آمد. ما امیدواریم که کارگران و کارمندان کلیه مشاغل بکار تولیدی کماکان ادامه دهند و کلیه مغازه های باز بمانند.

۳ - مصادره سرمایه بوروکراتیک . کارخانه ها ، مغازه ها ، بانکها ، انبارها ، کشتی ها ، لنگرگاهها، راه آهنها ، دفاتر پست و تلگراف و تلفن ، بنگاههای برق و آب ، فرمهای کشاورزی ، فرمهای دامداری و غیره که بوسیله حکومت ارتجاعی گومیندان و بوروکراتهای بزرگ اداره و مورد بهره برداری قرار میگیرند ، بتصرف دولت توده ای در خواهند آمد . سرمایه داران ملی که در رشته های صنعت ، تجارت ، کشاورزی و دامداری اشتغال دارند ، چنانچه در این بنگاهها سهامی داشته باشند ، حق مالکیت آنها بر سهام مذکور ، پس از رسیدگی و اثبات برسمیت شناخته خواهد شد . کلیه کارکنان بنگاههای سرمایه بوروکراتیک باید تا موقعیکه بنگاههای مذکور بتصرف دولت توده ای در نیامده اند ، بر سر کار خویش باقی بمانند و باید مسئولیت حفظ اموال ، ماشینها ، تابلوها و گرافیک ها ، دفاتر حسابداری ، بایگانی ها و غیره را بعهده گیرند و صبر کنند تا آنکه دولت به سیاهه این بنگاهها رسیدگی نماید و آنها را بتصرف خود در آورد . هرکس که خدمت شایسته ای در این زمینه انجام دهد ، پاداش خواهد گرفت . افرادیکه کارشکنی یا خرابکاری کنند ، کیفر خواهند یافت به کسانیکه مایلند پس از آنکه بنگاههای مذکور بتصرف دولت توده ای در آمد، بکار خود ادامه دهند مشاغلی بر حسب استعدادشان واگذار خواهد شد تا بیکار و بیخانمان نمانند .

۴ - حراست از کلیه مؤسسات عمومی و خصوصی مانند مدارس ، بیمارستان ها ، مؤسسات فرهنگی و آموزشی ، اماکن ورزشی و سایر مؤسسات عام المنفعه . امیدواریم که کلیه کارکنان این مؤسسات بر سر کار خویش باقی بمانند . ارتش آزادیبخش توده ای از آنها در برابر هرگونه آسیبی محافظت خواهد کرد .

۵ - جز جنایتکاران اصلاح ناپذیر جنگ و ضد انقلابیونی که به جنایات فجیع دست زده اند ، هیچیک از کارمندان گومیندان از بالا تا ذیل که در دولت های مرکزی ، استانی ، شهری و شهرستانی کار میکنند ، هیچیک از نمایندگان "مجلس ملی" ، هیچیک از اعضای شوراهای قانونگزاری و تفتیش ، هیچیک از کارمندان دولتی بخش ها ، مراکز بخش ها ، و قصبه ها و هیچیک از مأمورین "باثو - جیا" تا وقتیکه به مقاومت مسلحانه دست نزنند و در صدد خرابکاری برنیایند ، از طرف ارتش آزادیبخش توده ای و دولت توده ای اسیر نخواهند شد ، توقیف نخواهند گردید ، مورد اهانت قرار نخواهند گرفت . کلیه این اشخاص موظفند که تا زمانیکه این ارگانها بتصرف دولت در نیا آمده اند ، بر سرکار خود باقی بمانند ، تابع فرمانها و دستورات ارتش آزادیبخش توده ای و دولت توده ای باشند ، مسئولیت محافظت از کلیه اموال و بایگانی های ارگانهای خویش را بر عهده گیرند . از میان این اشخاص آنهایی که لیاقت و مهارت در

مجله ارتش آزادیبخش توده ای چین

کار دارند و عمل ارتجاعی جدی و یا بد کرداری فاحش دیگری مرتکب نشده اند، از طرف دولت توده ای اجازه خواهند یافت مصدر شغلی گردند. کلیه کسانی که از فرصت استفاده کرده به خرابکاری، دردی و اختلاس بپردازند و یا فرار اختیار کرده و جوه و اموال عمومی و بایگانی ها را همراه خود ببرند و یا اینکه از اعتراف کردن خودداری ورزند، کیفر خواهند دید.

۶ - بمنظور استقرار امنیت در شهر ها و دهات و بمنظور حفظ نظم عمومی، کلیه سربازانی که پراکنده شده اند، باید خود را به ارتش آزادیبخش توده ای و یا دولت توده ای محل خویش معرفی کرده و ثبت نام کنند. کسانی که چنین عمل کنند و تمام اسلحه خویش را تسلیم دارند، مورد هیچگونه تعقیبی قرار نخواهند گرفت. آنهایی که از ثبت نام خود داری ورزند و یا اسلحه خویش را پنهان دارند، توقیف و بازجوئی خواهد شد. هرکس که سربازان پراکنده را مخفی سازد و بمقامات دولتی اطلاع ندهد، بوجه شایسته تنبیه خواهد شد.

۷ - سیستم فئودالی مالکیت ارضی در نواحی روستائی غیر عادلانه است و باید ملغی گردد. اما برای الغای آن باید مقدماتی فراهم آید و مرحله بمرحله اقدام شود. بطور کلی باید از تقلیل بهره مالکانه و ربح شروع کرد و سپس به تقسیم اراضی پرداخت. فقط پس از آنکه ارتش آزادیبخش توده ای بمحلی رسیده و مدت نسبتاً مدیدی در آنجا بکار پرداخته باشد، میتوان از حل جدی مسئله ارضی سخن راند. توده های دهقان باید متشکل شوند و ارتش آزادیبخش توده ای را در اجرای رفرم های بدوی مختلف یاری رسانند. توده های مذکور در عین حال باید مجدانه بکار در مزرعه مشغول باشند تا آنکه سطح کنونی تولید کشاورزی پائین نیاید و سپس باید بتدریج آنرا بالا برند و باین طریق زندگی خویش را بهبود بخشند و غله کالائی اهالی شهر ها را تامین کنند. حل مسئله زمین و خانه در شهر ها مانند حل مسئله ارضی در نواحی روستائی نیست.

۸ - حراست از جان و اموال اتباع خارجی. امیداوریم که همه اتباع خارجی باشتغلات عادی خود بپردازند و نظم عمومی را مراعات کنند. آنها موظفند که طبق فرمانها و دستورهای ارتش آزادیبخش توده ای و دولت توده ای رفتار نمایند. آنها نباید به عملیات جاسوسی و یا بفعالیت علیه انقلابیون و سایر جنایتکاران چینی را تخت حمایت خود قرار دهند، آنها هرگاه تخلف کنند، از طرف ارتش آزادیبخش توده ای و دولت توده ای طبق قانون مجازات خواهند شد.

ارتش آزادیبخش توده ای از انضباطی اکید برخوردار است ، این ارتش هر چه میخرد ، بهایش را منصفانه میپردازد و مجاز نیست حتی یک سوزن و یا یک رشته نخ از اهالی بگیرد . امیدواریم عموم خلق با آرامش به زندگی و کار خود بپردازند و به شایعات توجه نکنند و یا بیهوده دچار وحشت نشوند . اعلان حاضر باید اکیداً مراعات شود .

مائو تسه دون

صدر کمیسیون نظامی انقلابی خلق چین

جو ده

فرمانده کل ارتش آزادیبخش توده ای چین

اظهاریه سخنگوی ستاد کل ارتش آزادبخش توده ای چین در باره اعمال متعدیانه کشتی های جنگی انگلستان

(۳۰ آوریل ۱۹۴۹)

ما اظهارات بیمنطق چرچیل جنگ افراز را محکوم میکنیم (۲). روز ۲۶ آوریل چرچیل در مجلس مبعوثان از دولت انگلستان خواست که دو هوا پیما بر بعنوان " نیرو موثر تلافی " به خاور دور اعزام دارد. آقای چرچیل، در چه مورد میخواهد " تلافی " کنید؟ ناوگان جنگی انگلیستان که در کنار کشتی های جنگی گومیندان در حرکت بوده اند بزور وارد منطقه دفاعی ارتش آزادیبخش توده ای چین شده با تیراندازی بروی این ارتش، ۲۵۲ نفر از جنگجویان صدیق و دلیر ما را کشته و زخمی کرده اند. از آنجاکه انگلیسی ها وارد خاک چین شده و بچنین عمل جنایتکارانه خطیری دست زده اند ارتش آزادیبخش توده ای چین کاملاً حق دارد از دولت انگلستان بخواهد که وی به خطای خویش معترف شود، پوزش بطلبد و تاوان بپردازد. آیا شما نبایستی بجای اینکه بمنظور " تلافی " از ارتش آزادیبخش توده ای چین به چین قشون بفرستید چنین کاری بکنید؟ اظهارات نخست وزیر اتلی نیر اشتباه آمیز است (۳). وی گفته است که دولت انگلستان حق دارد ناوگان جنگی به آبهای یان تسه بفرستد. یان تسه رود خانه ای چینی است. چه حقی ممکن است شما انگلستان در فرستادن ناوگان جنگی بانجا داشته باشید؟ چنین حقی ندارید. خلق چین از سرزمین و از حاکمیت چین دفاع خواهد کرد و بهیچ تعدی از جانب دولتهای خارجی تن نخواهد داد. اتلی همچنین گفته که ارتش آزادیبخش توده ای " حاضر بود به کشتی، آمیتست، اجازه نداد که به نانکن برود. ارتش آزادیبخش توده ای برای عبور از یان تسه و برای هیچ اقدام دیگر به نیروی مسلح هیچ کشور بیگانه تکیه نمیکند. بر عکس، ارتش

اظهاریه ای که بوسیله رفیق مائو تسه دون بنام سخنگوی ستاد کل ارتش آزادیبخش توده ای چین تنظیم شده است. این اظهاریه موضع صحیح خلق چین را که از هیچ تهدیدی مرعوب نمیشود و مصممانه در برابر تجاوز امپریالیستی بر میخیزد رسماً بیان میدارد. وی همچنین سیاست خارجی چین نوین را که در حال ظهور بود تعیین میکند.

آزادببخش توده‌ای خواستار است که نیروهای مسلح انگلستان، آمریکا و فرانسه - ناوگان جنگی، هواپیماهای نظامی، تفنگداران دریایی که در کنار رودخانه‌های یان تسه و حوان پو، و سایر نقاط چین مستقر شده‌اند - بیدرنگ از آبهای داخلی، از آبهای مرزی، از خاک و از فضای هوایی چین بروند. از یاری دشمنان خلق چین در ادامه جنگ داخلی دست باز ندارند. کمیسیون نظامی انقلابی خلق چین و دولت توده‌ای تا امروز با هیچ دولت خارجی روابط دیپلماتیک برقرار نکرده‌اند، معذک می‌خواهد از اتباع خارجی که در چین به مشاغل قانونی می‌پردازند حمایت کنند و آماده‌اند که مسائل مربوط به برقراری روابط دیپلماتیک با کشورهای بیگانه را مورد بررسی قرار دهند. روابط مذکور باید بر اساس تساوی، مزایای متقابل، احترام متقابل به حاکمیت و تمامیت ارضی استوار باشد. روابط مذکور قبل از هر چیز مقتضی آن است که این کشور های بیگانه از یاری مرتجعان گومیندان دست باز دارند. کمیسیون نظامی انقلابی خلق چین و دولت توده‌ای بهیچ عمل ارباب‌آمیز از طرف هیچ دولت بیگانه تن نخواهند داد. هر دولت خارجی که بخواهد با ما روابط دیپلماتیک برقرار کند قبلاً باید روابط خود را با بقایای رژیم گومیندان ببرد و نیروهای مسلح خود را از خاک چین فراخواند. اتلی شکایت دارد که حزب کمونیست چین که با کشورهای بیگانه روابط دیپلماتیک برقرار نکرده است مایل به داشتن تماس با کارمندان قدیم دیپلماتیک دولتهای خارجی (کنسولهای مورد پذیرش گومیندان) نیست. چنین شکایتی بی پایه است. در طی سالهای اخیر دولت آمریکا، انگلستان، کانادا و سایر کشورهای بیگانه گومیندان در پیکار بر ضد ما یاری داده‌اند. آیا آقای اتلی فراموش کرده است؟ کدام است آن کشوری که کشتی رزهی سنگین "چین چینگ" (۴) را که اخیراً غرق شده به گومیندان داد؟ آیا این را هم آقای اتلی فراموش کرده است؟

یادداشتها

۱ - از ۲۰ تا ۲۱ آوریل ۱۹۴۹، در هنگامی که ارتش آزادیبخش توده‌ای برای گذار از یان تسه به نبرد مشغول بود، چهار کشتی جنگی انگلیستان، و از آن جمله "آمتیست"، وارد این رودخانه داخلی چین شده و بمعیت ناوگان جنگی گومیندان بروی ارتش ما تیراندازی کردند و موجب قتل و جرح ۲۵۲ نفر شدند. ارتش آزادیبخش توده‌ای باین تیراندازی پاسخ داد، "آمتیست" که آسیب دید مجبور شد در نزدیک جن جیان لنگر بیندازد. سه کشتی دیگر انگلیسی موفق بفرار گردیدند. مقامات انگلیسی خواستار شدند که از عزیمت "آمتیست" جلوگیری بعمل نیاید و ناخدای کشتی، بر حسب دستور بریند، فرمانده کل جهازات انگلستان در خاور دور، با نماینده ارتش ما وارد مذاکره شد. انگلیسی‌ها در طی این مذاکرات طفره میزدند و از اینکه به تجاوز جنایتکارانه خویش اعتراف کنند امتناع میورزیدند. در

موقعی که مذاکرات در جریان بود، در شب ۳۰ ژوئیه، "آمتیست" از اینکه کشتی مسافربری "جیان لین آزاد" از رودخانه پائین میآید و از جن جیان میگذشت استفاده کرده و بزور در کنار وی قرار گرفت تا در پناه وی بگریزد. وقتی که ارتش ما به "آمتیست" فرمان توقف داد وی به تیراندازی پرداخت، به چندین زورق تنه زده آنها را غرق کرد و از یان تسه گریخت.

۲ - روز ۲۶ آوریل ۱۹۴۹ چرچیل لیدر حزب محافظه کار در مجلس مبعوثان، انگلیستان عمل ارتش آزادیبخش توده ای را در مقابله با حمله ناوگان جنگی انگلستان مقترانه "عمل متعدیانه" نامید و خواستار شد که دولت انگلستان "بعنوان نیروی مؤثر تلافی، دو و یا لاقفل یک هواپیما بر بابه‌های چین بفرستد.

۳ - روز ۲۹ آوریل ۱۹۴۹ اتلی نخست وزیر انگلستان در مجلس مبعوثان اظهار داشت که "کشتی های جنگی بریتانیا برای اجرای مأموریت مسالمت آمیز خویش حق گذار بروی رودخانه یان تسه دارند. زیرا که این اجازه از طرف دولت گومیندان بآنها داده شده است". در عین حال در موقع صحبت از مذاکرات میان نماینده گان ارتش آزادیبخش توده ای چین بدروغ متوسل شد و مدعی گردید که ارتش آزادیبخش توده ای "حاضر بود به کشتی "آمتیست" اجازه بدهد که راه خویش را در پیش گرفته به نانکن برود، فقط مشروط بر اینکه وی به ارتش آزادیبخش توده ای در عبور از یان تسه کمک کند".

۴ - دولت انگلستان بود که در فوریه ۱۹۴۸ کشتی رزهی سنگین موسوم به "چون چینگ" را که بزرگترین کشتی رزهی دریائی گومیندان بود بوی هدیه کرد. در ۲۵ فوریه ۱۹۴۹ افسران و ملوانان این کشتی سر بشورش برداشتند، از دولت ارتجاعی گومیندان بریدند و به نیروی دریائی توده ای چین پیوستند. روز ۱۹ مارس همان سال امپریالیستهای آمریکائی و راهزنان گومیندان این کشتی را در نزدیک حولو دائو در خلیج لیائو دون در شمال چین بوسیله بمب افکنهای سنگین غرق کردند.

سخنرانی در جلسه کمیته تدارک کنفرانس سیاسی مشورتی جدید

(۱۵ ژوئن ۱۹۴۹)

آقایان نمایندگان!

امروز کمیته تدارک کنفرانس سیاسی مشورتی جدید ما (۱) گشایش مییابد. وظیفه این کمیته عبارتست از تمام کردن کلیه تدارکات ضروری و دعوت سریع کنفرانس سیاسی مشورتی جدید که دولت ائتلافی دموکراتیک را تشکیل خواهد داد و دولت ائتلافی دموکراتیک قاطبه خلق را در کوشش برای براندختن هرچه سریعتر بقایایارتجاعی گومیندان، برای وحدت بخشیدن به سراسر چین و پرداختن منظم و با نقشه به کار ساختمانی در مقیاس ملی در زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دفاع ملی رهنمون خواهد شد. اینست آنچه همه مردم از ما انتظار دارند، و اینست آنچه ما باید انجام دهیم.

دعوت کنفرانس سیاسی مشورتی جدید در اول ماه مه ۱۹۴۸ از طرف حزب کمونیست چین به مردم سراسر کشور پیشنهاد شد (۲). اسن پیشنهاد بزودی مورد موفقیت احزاب دموکراتیک، سازمانهای توده ای و شخصیتهای دموکراتیک کلیه محافل و اقلیت های ملی و نیز چینیان آنسوی دریا ها قرار گرفت. حزب کمونیست چین، احزاب دموکراتیک، سازمانهای توده ای، شخصیتهای دموکرات کلیه محافل، اقلیتهای ملی و چینیان آنسوی دریا ها همگی بر اینند که باید سلطه امپریالیسم، فئودلیسم، سرمایه داری بوروکراتیک و مرتجعان گومیندان را برانداخت، کنفرانسی سیاسی مشورتی از نمایندگان کلیه احزاب دموکراتیک، کلیه سازمانهای توده ای، شخصیتهای دموکرات کلیه محافل، اقلیتهای ملی و چینیان آنسوی دریا ها دعوت کرد، تأسیس جمهوری توده ای چین را اعلام داشت و دولت ائتلافی دموکراتیک که نماینده آن باشد انتخاب کرد. این یگانه چاره است که به میهن بزرگ ما امکان میدهد از سرنوشت نیمه مستعمرگی و نیمه فئودالی خویش رهایی یابد و براه استقلال، آزادی، صلح، وحدت و قدرت و شگوفانی در آید. این مبنای سیاسی مشترک ماست. این مبنای سیاسی وحدت و مبارزه است که بین حزب کمونیست چین، احزاب دموکراتیک، سازمانهای توده ای، شخصیتهای دموکرات کلیه محافل، اقلیتهای ملی و چینیان آنسوی دریا ها مشترک است. این مبنای سیاسی وحدت و مبارزه است که

بین همه خلق نیز مشترک است. این مبنای سیاسی بقدری استوار است که هیچ حزب دموکراتیک، هیچ سازمان توده ای و هیچ دموکرات حقیقی کمترین اختلاف نظری درباره آن بیان نداشته و همه عقیده دارند که این یگانه راه درست است، راهی که بحل کلیه مسائل چین میانجامد.

مردم سراسر کشور که از ارتش خویش، ارتش آزادیبخش توده ای، پشتیبانی میکردند در جنگ پیروزی شدند. این جنگ بزرگ آزادیبخش توده ای که در ژوئیه ۱۹۴۶ آغاز شد هم اکنون سه سال بطول انجامیده است. با کمک امپریالیسم خارجی بود که مرتجعان گومیندان این جنگ داخلی را برانگیختند. آنان قرارداد متارکه و قطعنامه های کنفرانس سیاسی مشورتی ژانویه ۱۹۴۶ را عهد شکنانه از هم دریدند و این جنگ داخلی را بر ضد خلق بر پا کردند. ولی فقط در عرض سه سال از طرف ارتش آزادیبخش توده ای قهرمان مغلوب شدند. اخیراً، پس از آنکه دسائس مرتجعان گومیندان که در زیر پرده صلح صورت میگرفت افشاء شد ارتش آزادیبخش توده ای بیباکانه پیش رفت و از رود خانه یان تسه گذشت. اکنون نانکن، پایتخت مرتجعان گومیندان در دست ماست. شانگهای، حان جد، نان چان، او هان وسی ان آزاد شده است. اینک ارتشهای صحرائی ما به پیشروی عظیمی بسوی استانهای جنوب و شمال غربی دست زده اند که تاریخ چین بی سابقه است. ارتش آزادیبخش توده ای در عرض سه سال تلفانی بالغ به ۵۵۹۰۰۰۰ تن بر سپاهیان ارتجاعی گومیندان وارد آورد. اینک نیروهای باقیمانده گومیندان، شامل بر سپاهیان منظم و غیر منظم و همچنین دستگاه ها و مدارس نظامی پشت جبهه، بیش از قریب ۱۵۰۰۰۰۰ تن نیست. هنوز باید چندی بگذارد که این خورده ریز های قوای دشمن از میان برداشته شود ولی این کار طول نخواهد کشید.

این پیروزی قاطبه خلق چین است، همچنین پیروزی همه خلقهای جهان است. این پیروزی بزرگ خلق چین شور شوق خلقهای سراسر جهان را بااستثنای امپریالیستها و مرتجعان ممالک مختلف برانگیخته است. مبارزه خلق چین بر ضد دشمنانش و مبارزه خلقهای جهان بر ضد دشمنانشان دارای مضمون واحدی است. خلق چین و خلقهای سراسر جهان این واقعیت را مشاهده کردند که مرتجعان چینی بامپریالیستها با خلق چین بمبارزه بیرحمانه دست زده اند و جنگی ضد انقلابی برانگیختند و خلق چین با برخاستن به جنگ انقلابی بر ارتجاع پیروز شد.

در اینجا لازم میدانم توجه را باین نکته معطوف دارم که امپریالیستها و چاکرانشان، مرتجعان چینی با شکست خویش در این خاک چین نخواهند ساخت. آنها همچنان بهمدستی یکدیگر با کلیه وسایل ممکن بمخالفت با خلق چین مبادرت

خواهند جست مثلاً عوامل خود را خواهند فرستاد که در داخل چین نفوذ کنند تا در آنجا نفاق بیفشانند و آشفتگی بوجود آورند. این مسلم است، آنها هرگز از این گونه اعمال دست نخواهد کشید. یا اینکه امپریالیستها مرتجعان چینی را به محاصره بنادر چین بر خواهند انگیخت و حتی با نیروهای خویش به این ان کمک خواهند داد. آنها تا هر وقت که میتوانند باین کار خواهند پرداخت. بعلاوه آنها اگر هنوز تشنه ماجراجوئی اند سپاهییانی برای نفوذ در مناطق مرزی ما اعزام خواهند داشت. این نیز ناممکن نیست. ما باید همه اینها را کاملاً بحساب بیاوریم. پیروزی بهیچوجه نباید موجب سستی هشیاری ما نسبت به دسائس جنون آمیز امپریالیستها و چاکران آنها گردد که در صدد انتقام جوئی اند. هر کس از هوشیاری خویش بکاهد از لحاظ سیاسی خلع سلاح خواهد شد و در موضع غیر فعال خواهد افتاد. با در نظر گرفتن این شرایط، قاطبه خلق باید متحد شود تا کلیه دسائس را که امپریالیستها و چاکرانشان، مرتجعان چینی، بر علیه خلق چین میچینند مضممانه، قاطعانه و تمام و کمال در هم بشکنند. چین باید مستقل باشد، چین باید آزاد بشد، امور چین باید بوسیله خود خلق چین اداره و حل شود و به هیچ مداخله ای، هر قدر ناچیز، از طرف هر کشور امپریالیستی که باشد، اجازه داده نخواهد شد.

انقلاب چین انقلاب توده های وسیع همه ملت است. همه کس دوست ماست مگر امپریالیستها، فئودالها، سرمایه داران بوروکراتیک، مرتجعان گومیندان و همدستان آنها؛ ما دارای جبهه متحد انقلابی پهناور و استواری هستیم. این جبهه متحد آنقدر پهناور است که طبقه کارگر، طبقه دهقان، خرده بورژوازی شهری و بورژوازی ملی را در بر میگیرد. این جبهه متحد آنقدر استوار است که برای غلبه بر هر دشمنی و فائق آمدن بر هر مشکلی اراده جازم و نیروی بیزوال دارد. دورانیکه ما در آن بسررمیبریم دورانی است که امپریالیسم بسوی اضمحلال کامل روان است. امپریالیستها در بحرانی افتاده اند که هرگز از ان بیرون نخواهد آمد، و هر کوششی که بر علیه خلق چین بکار برند، وی پیوسته وسیله ای برای نیل به پیروزی نهائی خواهد یافت.

در عین حال ما در برابر همه جهانیان اعلام میداریم که آنچه ما با آن مبارزه میکنیم، فقط سیستم امپریالیستی و دسائس امپریالیسم بر ضد خلق چین است. ما حاضریم با هر دولت خارجی بمنظور بر قراری روابط دیپلماتیک مبتنی بر اصول تساوی، مزایای متقابل، مراعات متقابل حاکمیت و تمامیت ارضی یکدیگر وارد مذاکرات شویم، مشروط بر اینکه آن دولت حاضر باشد روابط خود را با مرتجعان چینی ببرد، از شرکت در دسائس آنها و یا کمک بآنها دست باز دارد و نسبت به چین توده ای روشی دوستانه که حقیقی و نه دورویانه باشد در پیش گیرد. خلق چین

حاضر است با خلقهای همه کشور های دوستانه همکاری کند ، بازرگانی خارجی را بسود بسط تولید و شکوفانی اقتصاد مستقر سازد و توسعه دهد .
آقایان نمایندگان ! کلیه شرایط برای دعوت کنفرانس سیاسی مشورتی جدید و تشکیل دولت ائتلافی دموکراتیک فراهم است . خلق در سراسر کشور بیتابانه مشتاق آنست که ما این کنفرانس را دعوت کنیم این دولت را تشکیل دهیم . من اطمینان دارم که کارهای ما که اینک آغاز میشود باین آرزو تحقق خواهد داشت : ۱ - برانداختن بقایای مرتجعان و سرکوب دسائس آنها . ۲ - استفاده از تمام قدرت خود و بکار بردن تمام کوشش خود برای احیاء و توسعه اقتصاد خلق و نیر فرهنگ و آموزش توده ای .

خلق چین خواهد دید که چگونه ، همینکه سرنوشت کشور بدست خلق افتاد ، چین مانند آفتابی که از خاور بر میآید سرزمین های پهناور را بنور درخشان خود روشن خواهد ساخت ، گل و لائی را که از دولت ارتجاعی باقی مانده است بزودی خواهد سترد ، زخمهای جنگ را مرهم خواهد گذاشت و جمهوری توده ای نوین نیرومند و شکوفانی ، سزاوار نام خلق چین ، بنا خواهد کرد .

زنده باد جمهوری توده ای چین !

زنده باد دولت ائتلافی دموکراتیک !

زنده باد وحدت سترگ سراسر خلق !

یادداشتها

۱ - کمیته مذکور از ۱۵ تا ۱۹ ژوئن ۱۹۴۹ با شرکت ۱۳۴ عضو از ۲۳ حزب ، گروه و سازمان که از آن جمله نمایندگان حزب کمونیست چین ، احزاب دموکراتیک ، سازمانهای توده ای ، شخصیتهای دموکرات کلیه محافل ، اقلیتهای ملی و چینی های آنسوی دریا ها بودند ، در بی پین تشکیل شد . کمیته مذکور در طی این اجلاس « آئین نامه سازمان کمیته تدارک کنفرانس سیاسی مشورتی جدید » و « مقررات در باره احزاب ، گروه ها و سازمانهایی که در کنفرانس سیاسی مشورتی جدید شرکت میجویند و میزان نمایندگی هر یک از آنها » را بتصویب رسانیده و یک کمیته دائمی بریاست صدر مائو تسه دون برگزید . باین کنفرانس نام کنفرانس سیاسی مشورتی جدید داده شد تا از کنفرانس سیاسی مشورتی که در ۱۰ ژانویه ۱۹۴۶ در چون چینگ گشایش یافت مشخص باشد . کنفرانس مذکور در نخستین جلسه کامل خود که در ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۹ تشکیل شد نام خویش را تغییر داده و خود در کنفرانس سیاسی مشورتی خلق چین نامید .

۲ - مراجعه شود به « بخشنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در باره جلسه سپتامبر » یادداشت ۴ ، جلد حاضر .

در باره دیکتاتوری دموکراتیک خلق

بمناسبت بیست و هشتمین سالگرد

تأسیس حزب کمونیست چین

(۳۰ ژوئن ۱۹۴۹)

روز ۱ ژوئیه ۱۹۴۹ که فرا میرسد بیست و هشت سال از عمر حزب کمونیست چین میگذرد. حزب سیاسی نیز مانند موجود بشری، دوران کودکی، جوانی، کهنوت و پیری دارد. حزب کمونیست چین دیگر نه یک کودک و نه یک جوان نارس بلکه سالمند است. وقتی که انسان به پیری میرسد رو به پایان عمر میرود. در مورد حزب سیاسی نیز همینطور است. وقتیکه طبقات از میان بر خیزند، آنگاه کلیه افزارهای مبارزه طبقاتی، احزاب سیاسی، ماشین دولت که دیگر نقشی و ضرورتی ندارد بتدریج زوال خواهند یافت، برسالت تاریخی خود پایان خواهند داد و جامعه بشری به مرحله بالاتری گام خواهد نهاد. ما در نقطه مقابل احزاب سیاسی بورژوازی قرار داریم. آنها میترسند از اینکه از محو شدن طبقات و قدرت دولتی و احزاب سیاسی سخن بگویند. ولی ما بر عکس، باز و آشکارا اعلام میکنیم که مبارزه مجدانه ما همانا بمنظور فراهم آوردن شرایطی است که به محو شدن همه اینها بینجامد. اعمال رهبری از طرف حزب کمونیست و وجود قدرت دولتی دیکتاتوری خلق، تشکیل دهنده چنین شرایطی است. کسی که این حقیقت را نپذیرد کمونیست نیست. شاید رفقای جوانی که بدون مطالعه مارکسیسم - لنینیسم بتازگی به حزب ما پیوسته اند هنوز این حقیقت را در نیابند. آنها برای اینکه جهان بینی صحیحی داشته باشند باید آنرا دریابند. آنها باید بفهمند که راه محو طبقات، محو قدرت دولتی و محو احزاب سیاسی راهی است که تمام بشریت در پیش خواهد گرفت؛ مسئله فقط بر سر زمان و شرایط است. کمونیستهای سراسر جهان بر بورژوازی برتری دارند زیرا که قوانین هستی و تکامل اشیاء و پدیده ها را میشناسند، دیالکتیک میدانند و دورتر را میبینند. اگر بورژوازی این حقیقت را نپذیرد از آن جهت است که نمیخواهد سرنگون شود. تصور سرنگون شدن، آنطور که دارودسته ارتجاعی گومیندان بدست ما سرنگون شد و یا آنطور که امپریالیسم ژاپن بدست ما و خلق های سایر مملکت سرنگون شد برای آنهاست که باید سرنگون شوند دردناک و وحشتناک است. اما در برابر طبقه کارگر، خلق زحمتکش و حزب کمونیست مسئله سرنگون شدن مطرح

نیست؛ آنها باید بردبارانه در تلاش ایجاد شرایطی باشند که طبقات، قدرت دولتی و احزاب سیاسی بطور طبیعی از میان بروند و بشریت به دنیای صلح و صفا (۱) گام گذارد. این دورنمای های بعید پیشرفت بشری از آن جهت در اینجا یاد شد تا مسائلی که بعداً مورد بحث قرار خواهد گرفت روشن گردد.

آری، بیست و هشت سال از عمر حزب ما میگذرد. همانطور که همه میدانند حزب ما این سالها را نه در صلح بلکه در میان حوادث رنجبار بسر برده است؛ ما میبایست با دشمنان داخلی و خارجی و با دشمنان در درون برون حزب برزمیم. ما از مارکس، انگس، لنین و استالین سپاسگزاریم که با ما اسلحه ای داده اند. اما این اسلحه مسلسل نیست بلکه مارکسیسم - لنینیسم است.

لنین در اثر خویش بنام «مرض بچگانه "چپ روی" در کمونیسم» که در ۱۹۲۰ نوشته شده است حکایت میکند که چگونه روس ها در جستجوی تئوری انقلابی بودند (۲). آنها فقط پس از ده سال رنج و محنت مارکسیسم را یافتند. بین چین و روسیه پس از انقلاب اکتبر خیلی چیزهای یکسان و یا شبیه وجود داشت: همان ستم فئودالی و تقریباً همان عقب ماندگی اقتصادی و فرهنگی در هر دو جا دیده میشد. هر دو کشور عقب مانده بودند، چین باز هم بیشتر. وجه مشترک دیگر آنها عبارت از این بود که مردان ترقیخواهی که آرزوی احیاء کشور خویش را در دل داشتند در جستجوی حقیقت انقلابی از هیچ مبارزه ای حتی سخت ترین مبارزه ها باز نایستادند.

پس از شکست چین در جنگ تریاک در ۱۸۴۰ ترقیخواهان چین که حقیقت را در کشور های غربی میجستند مصائب بی پایانی را از سر گذراندند. خون سیو چیوان، کان یو وی (۳)، ین فو (۴) سئن یاتسن نماینده کسانی هستند که بیش از پیدایش حزب کمونیست چین در جستجوی حقیقت به غرب روی آوردن بودند. در آن دوره چینی های تشنه ترقی هر کتابی را همینقدر که حاوی افکار جدید غرب بود میخواندند. تعداد دانشجویانی که به ژاپن، انگلستان، آمریکا، فرانسه و آلمان اعزام میشدند شگفت انگیز بود. در خود کشور سیستم امتحانات امپراطوری برافتاد و مدارس جدید (۵) مانند جوانه های خیزران که پس از باران بهاری میروید بظهور رسید؛ تلاش بسیار میشد که از غرب بیاموزند. من هم در جوانی باین تحصیلات پرداخته ام. این تحصیلات عبارت بود از فرهنگ دموکراسی بورژوازی غربی که "علوم جدید" مینامیدند شامل بر مکاتب اجتماعی و علوم طبیعی آن دوران، در برابر فرهنگ فئودالی چین که "علوم قدیم" خوانده میشد. کسانی که این علوم جدید را آموختند تا مدتها همچنان معتقد بودند که میتوان با آنها چین را نجات داد.

غیر از پیروان مکتب قدیم، کمتر کسی از هواداران مکتب جدید در این امر شک داشت. یگانه را نجات چین در نو ساختن آن بود و برای نو ساختن میبایست از کشورهای خارجی آموخت. و در میان کشورهای خارجی آن دوران فقط ممالک سرمایه داری غرب مظهر ترقی بودند؛ آنها توانسته بودند دولت های بورژوازی مدرن بسازند. ژاپنی ها نتایج خوبی از آموزش غرب بدست آورده بودند و چینی ها آزر و داشتند که از ژاپنی ها نیز بیاموزند. در نظر چینی های آن دوران، روسیه کشوری عقب مانده بود و کسانی که به آموزش از وی تمایل نشان میدادند نادر بودند. چنین بود چینی ها پس از سال های ۴۰ قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیستم چگونه از کشورهای خارجی آموختند.

تجاوز کاری امپریالیستها آن خواب شیرین چینی ها را که در تلاش آموزش از غرب بودند برباد داد. مطلب شگفت انگیز این بود که چرا استادان پیوسته به تجاوز بر شاگردن خویش دست میزدند. چینی ها خیلی چیز ها از غرب آموخته بودند ولی هیچکدام بکاربستی نبود و آرمان های آنان باز هم تحقق نمی پذیرفت. مبارزات مکرر آنان و از آن جمله انقلاب ۱۹۱۱ که نهضتی در مقیاس تمام کشور بود همگی با شکست روبرو شد. وضع کشور هر روز بدتر میشد، زندگی غیر ممکن گردید. پس تردید هائی بوجود آمد، پرورش و گسترش یافت. جنگ جهانی اول سراسر کره زمین را لرزانید، روس ها به انقلاب اکتبر دست زدند و نخستین دولت سوسیالیستی جهان را بنیاد نهادند. نیروی انقلابی پرولتاریای کبیر و خلق زحمتکش کبیر روسیه، آن نیروئی که تا آن زمان در حالت کمون و از انظار خارجیان پوشیده مانده بود تحت رهبری لنین و استالین بناگاه مانند آتشفشان بیرون زد و چینی ها و تمام جهانیان با چشم دیگری به روس ها نگریستند. آنگاه، و فقط آنگاه، دوران کاملاً نوینی در تفکر و در زندگی چینی ها پدید آمد. چینی ها مارکسیسم - لنینیسم، این حقیقت عام و جهانشمول را کشف کردند و سیمای چین رو به دگرگونی نهاد.

باز رابطه روس ها بود که چینی ها مارکسیسم را کشف کردند. پیش از انقلاب اکتبر نه فقط لنین و استالین بلکه مارکس و انگلس هم در نزد چینی ها نا شناخته بودند. شیلک توپهای انقلاب اکتبر برای ما مارکسیسم لنینیسم آورد. انقلاب اکتبر به ترقیخواهان چین و سراسر جهان یاری داد که جهانی بینی پرولتری را بمتابه وسیله ای برای بررسی سرنوشت هر کشور بپذیرند و بر آن اساس در مسائل خاص خویش تجدید نظر کنند. باید براه روس ها رفت - چنین بود نتیجه گیری آنها. چین در ۱۹۱۹ جنبش ۴ مه را از سر گذرانید. در ۱۹۲۱ حزب کمونیست چین قدم به هستی گذاشت. سون یاتسن که بکلی دستخوش نومیدی بود خود را با انقلاب اکتبر و حزب کمونیست چین روبرو دید. وی به انقلاب اکتبر تهنیت گفت، از کمک روس ها به چینی ها استقبال

کرد و همکاری حزب کمونیست چین را پذیره شد. سپس سون یاتسن در گذشت و چانکایشک بقدرت رسید. وی پس از بیست دو سال متمادی چین را در وضعی انداخت که مفری نداشت. در طی دوران مذکور، در دومین جنگ جهانی ضد فاشیست که اتحاد شوروی نیروی عمده آن بود سه قدرت بزرگ امپریالیستی از پای در آمدند، دو قدرت بزرگ امپریالیستی ناتوان شدند و فقط یکی دست نخورده ماند که ایالات متحده آمریکا است. ولی آمریکا گرفتار بحران داخلی بسیار عمیقی بود. وی میخواست تمام جهان را بانقیاد در آورد و به چانکایشک اسلحه میرساند تا میلیون ها مردم چین را کشتار کند. خلق چین تحت رهبری حزب کمونیست چین پس از طرد امپریالیسم ژاپن مدت سه سال به جنگ آزادیبخش توده ای دست زد و علی الاصول به پیروزی نائل آمد.

باین طریق تمدن بورژوائی غرب و همچنین دموکراسی بورژوائی و طرح جمهوری بورژوائی همگی در نظر خلق چین ورشکسته گردید. دموکراسی بورژوائی جای خود را به دموکراسی توده ای تحت رهبری طبقه کارگر داد، و جمهوری بورژوائی جای خود را به جمهوری توده ای. و از این جا امکان زیرین حاصل شد: گذار از جمهوری توده ای بمنظور وصول به سوسیالیسم و کمونیسم، بمنظور امحاء طبقات و نیل به دنیای صلح و صفا. کان یو وی « کتاب صلح و صفا » را نوشت ولی راهی را که به صلح و صفا میانجامید نیافت، و بر او ممکن نبود که بیابد. آن جمهوری بورژوائی که در خارجه وجود دارد نمیتواند در چین وجود داشته باشد، زیرا که چین منکوب امپریالیسم است. یگانه راه چین آنست که از جمهوری توده ای تحت رهبری طبقه کارگر بگذرد. کلیه راههای دیگر آزمایش شد و به شکست انجامید. از کسانی که دل بسته این راهها بودند برخی بهلاکت رسیدند، برخی به خطای خویش واقف شدند و برخی دیگر مشغول تغییر نظرند. تحول حوادث بقدری سریع است که خیلی ها غافلگیر شده اند و خود را نیازمند میبینند که از نو به آموزش بپردازند. این حالت قابل درک است و ما این اشتیاق پسندیده نو آموزی را تهنیت میگوئیم.

پیش آهنگ پرولتاریای چین پس از انقلاب اکتبر با مارکسیسم - لنینیسم آشنا شد و حزب کمونیست چین را بنیاد نهاد. این پیش آهنگ بیدرنگ به مبارزه سیاسی دست زد و فقط پس از راه پیمائی بیست و هشت ساله در جاده پر پیچ و خم، توانست به پیروزی اصلی نائل آید. ما از تجاربی که در مدت بیست و هشت سال اندوخته ایم، همچنین از " تجاربی که در مدت چهل سال اندوخته شد " و سون یاتسن در وصیت نامه خویش در بستر مرگ از آنها صحبت کرد و به نتیجه واحدی رسیده ایم: ما اعتقاد عمیق داریم که برای نیل به پیروزی " باید توده های مردم را برانگیزیم و در جهان با

مجله ازاد ژوب کوریت (اوتیست) افغانستان

آن مللی که با ما برخورد برابر دارند در مبارزه مشترک متحد شویم". جهان سون یاتسن با جهان بینی ما متفاوت بود و او از موضع طبقاتی دیگری به بررسی و حل فصل مسائل میپرداخت. معذک در سال های بیستم این قرن در مسئله چگونگی مبارزه بر علیه امپریالیسم به نتیجه ای رسید که علی الاصول به نتیجه گیری ما یکسان است.

از مرگ سون یاتسن بیست و چهار سال میگذرد. انقلاب چین برهبری حزب کمونیست چین در زمینه تئوری و پراتیک به پیشرفتهای عظیمی نائل آمده و این امر موجب تغییر اساسی سیمای چین شده است. تجربه اساسی و عمده ای که خلق چین تاکنون به دست آورده در دو نکته خلاصه میشود:

۱- در داخل کشور باید توده های خلق را بیدار کرد. این بآن معنی است که باید طبقه کارگر، طبقه دهقان، خرده بورژوازی شهری و بورژوازی ملی را بمنظور تشکیل جبهه واحد داخلی برهبری طبقه کارگر متحد ساخت و بر این اساس، دولت دیکتاتوری دموکراتیک توده ای را برهبری طبقه کارگر برپایه اتحاد کارگران و دهقانان بنیاد نهاد.

۲- در خارج کشور باید با آن ملت های جهان که با ما بمساوات رفتار میکنند و همچنین با خلق های کلیه کشورها در بمساوات رفتار میکنند و همچنین با خلق های کلیه کشورها در مبارزه مشترک متحد شد، یعنی با اتحاد شوروی، کشورهای دموکراسی توده ای و همچنین با پرولتاریا و توده های وسیع کلیه کشور های دیگر بمنظور تشکیل جبهه واحد بین المللی متحد شد. " شما بیک طرف متمایل میشوید ". بله، درست همینطور است.

متمایل شدن به یک طرف، اینست آنچه چهل سال تجربه سون یاتسن و بیست و هشت سال تجربه حزب کمونیست چین بما میآموزد. و ما عمیقاً ایمان داریم که برای نیل به پیروزی و برای تحکیم آن ما باید بیک طرف متمایل شویم. تجربه ای که در طی آن چهل سال و این بیست و هشت سال اندوخته شد نشان میدهد که چینی ها یا در کنار امپریالیسم قرار میگیرند و یا در کنار سوسیالیسم. استثنائی در میان نیست. بر دو اسب نمیتوان سواری کرد. راه سومی وجود ندارد. ما با دارودسته ارتجاعی چانکایشک که در کنار امپریالیسم جای دارد مخالفیم و با پندارهای مربوط به راه سوم هم مخالفیم.

" شما زیاد تحریک میکنید. " صحبت ما بر سر چگونگی رفتار با مرتجعان داخلی و خارجی یعنی امپریالیستها و چاکران آنهاست نه کسی دیگر. در مورد اینگونه مرتجعان مسئله تحریک کردن یا نکردن مطرح نیست. خواه آنها را تحریک کنیم یا نکنیم نتیجه یکی است زیرا که آنها مرتجعان اند. فقط در صورتی که مرز روشنی بین

مرتجعان و انقلابیون بکشیم ، توطئه ها و دسایس مرتجعان را افشا کنیم ، هشاری و مراقبت را در صفوف انقلاب بیدار گردانیم ، عزم خود را بر پیکار جزم کنیم و غرور دشمن را درهن بشکنیم خواهیم توانست مرتجعان را منفرد سازیم ، بر آنها غالب آئیم و یا جایگزین آنها گردیم . در بابر جانوار درنده باید از نشان دادن کمترین بیجرتئی برحذر بود سرگذشت او سون (۶) برفراز تپه چین یان باید سرمشق ما باشد . ببر تپه چین یان در نظر او سون حیوان آدمخواری بود ، خواه تحریک میشد و خواه نمیشد . یا میبایست ببر را کشت و یا میبایست طعمه او شد . یا این یا آن .

" ما میخواستیم تجارت کنیم . " کاملاً صحیح است ، تجارت همیشه خواهد شد . ما مخالف هیچکس نیستیم مگر مرتجعان داخلی و خارجی که ما را از تجارت باز میدارند . همه باید بدانند که آنهایی که ما را از تجارت باز میدارند و حتی نمیگذارند با کشورهای خارجی روابط دیپلماتیک برقرار کنیم امپریالیستها و چاکران آنها ، مرتجعان دارودسته چانکاپشک هستند نه کسان دیگر . آنجا که ما کلیه نیروهای داخلی و بین المللی را متحد گردانیم و مرتجعان داخلی و خارجی را درهم بشکنیم خواهیم توانست تجارت کنیم و بر اساس برابری ، سود متقابل و احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی یکدیگر با کلیه کشورهای خارجی روابط دیپلماتیک برقرار سازیم .

" حتی بدون کمک بین المللی میتوان پیروز شد . " این نظریه غلطی است . در دوران وجود امپریالیسم ممکن نیست انقلاب توده ای حقیقی در هر کشور که باشد بدون کمک های گوناگون نیروهای انقلابی بین المللی به پیروزی برسد و حتی اگر پیروزی بدست آید ممکن نیست تحکیم شود . این امر ، همانطور که لنین و استالین از مدتها پیش بما گفته اند ، در مورد پیروزی انقلاب کبیر اکتبر و تحکیم آن هم صادق است . این امر در مورد درهم شکستن سه قدرت امپریالیستی در دوران جنگ دوم جهانی و در مورد تأسیس دولتهای دموکراسی توده ای هم صادق است . در مورد حال و آینده چین توده ای هم صادق است . بیندیشید : بدون اتحاد شوروی ، بدون پیروزی برفاشیسم در جنگ دوم جهانی ، بدون شکست امپریالیسم ژاپن ، بدون پیدایش دولتهای دموکراسی توده ای ، بدون مبارزه ملتتهای ستمکش شرق که برپا میخیزند ، و بدون پیکار توده های خلق آمریکا ، انگلستان ، فرانسه ، آلمان ، ایتالیا ، ژاپن و سایر کشورهای سرمایه داری بر علیه مرتجعان حاکم ، بدون فراهم آمدن کلیه این عوامل ، نیروهای ارتجاعی بین المللی که بر ما فشار میآورند مسلماً بدفعات بیشتر از آن میبود که اکنون هست . در چنین شرایطی آیا ما میتوانستیم به پیروزی نائل آئیم ؟ مسلماً نه . و اگر هم پیروزی بدست میآید نمیتوانست تحکیم شود . تجربه خلق چین در این زمینه بسیار است و همین تجربه است که مدتها پیش در اظهاریه ای که سون یاتسن

در بستر مرگ در باره ضرورت اتحاد به نیروهای انقلابی بین المللی صادر کرد منعکس شده است .

" ما به کمک دولتهای انگلستان و امریکا نیازمندیم . " در حال حاضر این هم یک فکر بچگانه است . زمانداران کنونی انگلستان و آمریکا همچنان امپریالیست اند . آیا آنها به حکومتی توده ای کمک خواهند کرد ؟ برای چه این کشور ها با ما تجارت میکنند و بفرض اینکه آنها در آینده بر اساس سود متقابل بخواهند بما قرض بدهند دلیلش چه خواهد بود ؟ دلیلش آن خواهد بود که سرمایه داران این کشور ها در صدد اند پول بدست بیاورند و بانکداران شان در صدد اند بهره بگیرند تا از بحران بدر آیند ؛ بهیچوجه اندیشه کمک به خلق چین در میان نیست . احزاب کمونیست و احزاب و گروههای مترقی این کشورها به اعمال فشار بر دولتهای خویش مشغول اند تا با ما روابط تجاری و حتی دیپلوماتیک برقرار کنند . این حسن نیت است . این کمک است . ولی اعمال بورژوازی این کشور ها را نمیتوان با آن در یک ردیف گذاشت . سون یاتسن در طی عمر خویش چه بسا دفعات که از کشور های سرمایه داری کمک خواست ، ولی همیشه بی نتیجه بود و بیرحمانه جواب رد شنید . سون یاتسن در زندگی خود فقط یک بار از خارجه کمک در یافت کرد و آن از اتحاد شوروی بود . خوانندگان باید به وصیت نامه دکتر سون یاتسن مراجعه کنند و به بینند که توصیه مصرانه او این نیست که به کمک کشور های امپریالیستی چشم بدوزیم بلکه اینستکه " در جهان با آن مللی که با ما برخورد برابر دارند متحد شویم " . داکتر سون یاتس تجربه داشت ؛ او ناکامی دیده و فریب خورده بود . سخنان او را بخاطر بسپاریم و نگذاریم که ما را نیز فریب بدهند . ما در عرصه بین المللی در کنار جبهه ضد امپریالیستی هستیم که اتحاد شوروی بر رأس آن قرار دارد و برای اینکه کمک واقعاً دوستانه ای بدست آوریم فقط میتوانیم باین سمت رو کنیم نه سمت جبهه امپریالیستی .

" شما اعمال دیکتاتوری میکنید . " حق با شما ست آقایان عزیز . کار ما عیناً همین است تمام تجربه ای که خلق چین در طی چندین ده سال اندوخته است بما میآموزد که دیکتاتوری دموکراتیک خلق اعمال کنیم یعنی مرتجعان را از حق بیان محروم گردانیم و این حق را فقط بخلق بدهیم .

منظور از خلق چیست ؟ در چین ، در مرحله کنونی ، خلق عبارتست از طبقه کارگر ، طبقه دهقان ، خرده بورژوازی شهری و بورژوازی ملی . این طبقات تحت رهبری طبقه کارگر و حزب کمونیست متحد میشوند ، حکومت خاص خود را بنیاد مینهند ، دولت خاص خود را بر میگزینند و نسبت به چاکران امپریالیسم یعنی طبقه مالکان ارضی و بورژوازی بوروکراتیک و همچنین نسبت به نمایندگان این طبقات ، یعنی

مرتجعان گومیندان و دستیارانشان دیکتاتوری اعمال میکنند ، آنها را تحت فشار میگذارند تا جز راه راست نپویند و اجازه نمیدهند که هیچ گفتار و هیچ رفتاری مخالف حکومت موجود از آنها سربرند . هر گفتار و یا رفتاری از این قبیل فوراً جلوگیری و موجب مجزات میشود . فقط در درون خلق است که دموکراسی اعمال میگردد . خلق از حق بیان ، حق تشکیل جمعیت ها و اجتماعات و غیره برخوردار است . حق انتخاب فقط متعلق بخلق است ، بهیچوجه بمرتجعان داده نمیشود . از یک سو دموکراسی برای خلق و از سوی دیگر دیکتاتوری نسبت به مرتجعان ، این دو جنبه که با هم جمع شد ، دیکتاتوری دموکراتیک خلق بدست میآید .

چرا باید چینی رفتار کرد ؟ همه کس دلیل آن را در مییابد . اگر طور دیگر رفتار شود انقلاب شکست خواهد خورد ، زیان آن به خلق خواهد رسید و حکومت موجود مضمحل خواهد شد .

" پس شما نمیخواهید قدرت دولتی را از بین ببرید ؟ " چرا ، میخواهیم ولی نه حالا و هنوز نمیتوانیم این کار را بکنیم . چرا ؟ زیرا که امپریالیسم همچنان وجود دارد ، زیرا که ارتجاع داخلی همچنان وجود دارد ، زیرا که طبقات همچنان در کشور وجود دارند . وظیفه کنونی ما ، عبارت از آن است که دستگاه دولتی خلق را و بطور عمده ارتش توده ای ، پلیس توده ای و دادگستری توده ای را تقویت کنیم تا آنکه دفاع ملی تقویت شود و منافع محفوظ بماند . اگر این شرط عملی شود چین خواهد توانست تحت رهبری طبقه کارگر و حزب کمونیست باگام های مطمئن از صورت کشوری کشاورزی به صورت کشوری صنعتی ، از جامعه دموکراسی نوین به جامعه سوسیالیستی و کمونیستی در آید ، طبقات را براندازد و دنیای صلح و صفا را بسازد . دستگاه دولتی که بر ارتش ، پلیس و دادگستری شامل میشود افزاری است که طبقه ای طبقه دیگر را بوسیله آن در فشار میگذارد . دستگاه دولتی نسبت به طبقات دشمن افرار فشار است ؛ در اینجا زور هست نه " مدارا " . " شما مدارا ندارید . " کاملاً صحیح است . ما هرگز در مورد فعالیت ارتجاعی عناصر و طبقات ارتجاعی به سیاست مدارا دست نمی‌زنیم . ما سیاست مدارا را فقط در درون خلق بکار می‌بریم و نه در مورد فعالیت ارتجاعی عناصر و طبقات ارتجاعی که بیرون از خلق اند .

حکومت توده ای حامی خلق است . فقط آنگاه که خلق چنین حکومتی داشته باشد میتواند با شیوه دموکراتیک در سراسر کشور و با شرکت همگان به آموزش و تجدید پرورش خویش بپردازد ، خود را از نفوذ مرتجعان داخلی و خارجی (نفوذی که هنوز در زمان حاضر خیلی زیاد است و مدت ها باقی خواهد ماند و ممکن نیست سرعت از میان برخیزد) برهاند ، عادات و افکار شومی را که در جامعه کهن کسب

کرده است بدورافکند، و نگذارد که مرتجعان او را در جهت نادرست بکشانند، و همچنان به پیشرفت خود ادامه دهد، پیشرفتی بسوی جامعه سوسیالیستی و جامعه کمونیستی.

شیوه ای که در این مورد بکار میرود شیوه دموکراتیک است، شیوه اقناع است نه اجبار. اگر فردی از خلق به نقض قانون مبادرت جوید او نیر باید کیفر ببندد، زندانی و حتی محکوم بمرگ شود. ولی این بیش از چند مورد منفرد نخواهد بود و یا آن دیکتاتوری که نسبت بمرتجعان بمثابه طبقه اعمال میشود تفاوت اصولی دارد.

در مورد طبقات ارتجاعی و عناصر مرتجع، تا آنگاه که پس از سرنگون شدن قدرت سیاسی خویش به طغیان دست نزنند، خرابکاری نکنند اغتشاش برینگیزند، آنها نیز زمین و کار داده خواهد شد تا بتوانند زندگی کنند و بوسیله کار تجدید پرورش یابند و انسان های نوینی بشوند. اگر نخواهند کار کنند حکومت توده ای آنها را مجبور بدان خواهد کرد. در میان آنها نیز با مراقبت و بهر اندازه که لازم باشد کار تبلیغاتی و تربیتی صورت خواهد گرفت، درست مانند کاری که در میان افسران اسیر انجام میشد. این را نیز میتوان "سیاست مدارا" نامید. اما این سیاستی است که بوسیله ما بر کسانی که بطبقات دشمن تعلق داشته اند تحمیل میشود و یا کاری که در میان خلق انقلابی در زمینه آموزش و پرورش خود بعمل میآید در یک ردیف نیست.

همچنین کار تجدید پرورش عناصر طبقات ارتجاعی فقط بدست حکومت دیکتاتوری دموکراتیک خلق برهبری حزب کمونیست میواند عملی شود. اگر این کار بخوبی انجام گیرد طبقات استثمارگر عمده چین، طبقه مالکان ارضی و بورژوازی بوروکراتیک (طبقه سرمایه انحصاری) بطور قطع از میان خواهد رفت. باقی میماند بورژوازی ملی. هم اکنون ما میتوانیم به کار تربیتی مناسب و مهمی در بین بسیاری از افراد بورژوازی ملی دست بزنیم. وقتی که اجرای سوسیالیسم یعنی ملی کردن بنگاههای خصوصی فرا رسد ما این کار تربیت و تجدید پرورش را بیشتر خواهیم کرد. خلق دستگاه نیرومند دولت را در اختیار دارد و از اینکه بورژوازی ملی به طغیان برخیزد او را باکی نیست.

مسئله خطیر عبارتست از آموزش و پرورش دهقانان. اقتصاد دهقانی پراکندهاست و اشتراکی کردن کشاورزی، آنطور که از تجربه اتحاد شوروی برمیآید، زمانی بسیار طولانی و کار دقیق لازم دارد. بدون اشتراکی کردن کشاورزی نمیتوان از سوسیالیسم کامل و پا بر جا سخن گفت. اشتراکی کردن کشاورزی در جریان خود باید با رشد یک صنعت نیرومن که بخشی عمده آنرا بنگاههای دولتی تشکیل داده باشند همگام گردد (۷). حکومت دیکتاتوری دموکراتیک خلق باید مسائل صنعتی

کردن کشور را منظمأ حل کند. چون منظور این مقاله بررسی تفصیلی مسائل اقتصادی نیست من در این موضوع به بسط کلام نمیپردازم.

در ۱۹۲۴ نخستین کنگره ملی گومیندان که تحت رهبری شخص سون یاتسن تشکیل شد و کمونیستها در آن شرکت جستند مانیفست مشهوری تصویب کرد که میگوید:

" دوران ما باصطلاح سیستم دموکراتیک در کشور های مختلف معمولاً در انحصار بورژوازی است، و صرفاً بافزایی برای اعمال ستم نسبت به مردم عادی مبدل گشته است. اما اصل دموکراسی گومیندان سیستم دموکراتیکی است که مردم عادی همه باید از آن سهم بگیرند، نه آنکه از آن عده اندکی باشد. "

اگر موضوع رهبری را کنار بگذاریم اصل دموکراسی که در اینجا از آن صحبت میشود، بمثابة برنامه سیاسی کلی، با آنچه ما دموکراسی توده ای و یا دموکراسی نوین مینامیم مطابقت دارد. آن سیستم دولتی که متعلق بهممه مردم ساده باشد و نه به بورژوازی، باضافه رهبری طبقه کارگر، همان سیستم دولتی دیکتاتوری دموکراتیک خلق است. چانکایشک به سون یاتسن خیانت ورزید و از دیکتاتوری بورژوازی بوروکراتیک و طبقه مالکان بمثابة افزاری جهت سرکوب مردم ساده چین استفاده کرد. این دیکتاتوری ضد انقلابی مدت بیست و دو سال اعمال شد تا اینکه امروز فقط بوسیله مردم ساده بر رهبری ما سرنگون گردید.

مرتجعان خارجی که ما را به اعمال " دیکتاتوری " یا " استبداد " متهم میسازند همان هائی هستند که خودشان این کار را میکنند. آنها نسبت به پرولتاریا و بقیه خلق به اعمال دیکتاتوری طبقه واحد، استبداد طبقه واحد یعنی بورژوازی دست میزنند. سون یاتسن باین اشخاص نظر داشت وقتیکه از آن بورژوازی که در دولت های معاصر به سرکوب مردم ساده مشغول است سخن میگفت. و از همین مرتجعان پلید بود که چانکایشک دیکتاتوری ضد انقلابی را آموخت.

جوسی، فیلسوف سلسله سون، کتب بسیار نوشته و سخنان بسیار گفته که امروز فراموش شده است ولی جمله ای از او هنوز در خاطر هاست که میگوید:

" بادیگران آن کن که با تو میکنند. " (۸) در درست همان کار است که ما میکنیم. ما با میریالیستها و چاکرانشان، مرتجعان دارودسته چانکایشک درست همان رفتاری داریم که آنها با ما داشتند. چیز دیگری غیر از این نیست. چه میتوانست غیر از این باشد!

دیکتاتوری انقلابی و دیکتاتوری ضد انقلابی ماهیتاً متضادند ولی اولی از مکتب دومی بیرون آمده است. این آموزش بسیار مهمی است. اگر خلق انقلابی بر شیوه

اعمال سیادت بر طبقات ضد انقلابی مسلط نشود به حفظ قدرت دولتی خویش قادر خواهد بود، او را از تجاع داخلی و خارجی سرنگون خواهند کرد تا سیادت خود را در چین برقرار سازند، و خلق انقلابی دچار فلاکت خواهد شد.

دیکتاتوری دموکراتیک خلق بر اساس اتحاد طبقه کارگر، طبقه دهقان و خرده بورژوازی شهری و بطور عمده بر اتحاد کارگران و دهقانان مبتنی است، زیرا که این دو طبقه ۸۰ تا ۹۰ درصد جمعیت چین را تشکیل میدهند. سرنگون شدن امپریالیسم و دارو دسته ارتجاعی گومیندان بطور عمده با نیروی این دو طبقه عملی شد و گذار از دموکراسی نوین به سوسیالیسم بطور عمده با اتحاد آنها وابستگی دارد.

دیکتاتوری دموکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر نیازمند است. زیرا که فقط طبقه کارگر دوراندیش ترین و از خود گذشته ترین طبقه است و دارای پیگیرترین روحیه انقلابی است. سراسر تاریخ انقلاب ثابت میکند که انقلاب بدون رهبری طبقه کارگر شکست میخورد و با رهبری طبقه کارگر پیروز میشود. در دوران امپریالیسم، هیچ طبقه دیگری، در هر کشور که باشد، نمیتواند انقلاب حقیقی را به پیروزی برساند. دلیل این امر انقلاباتی است که چندین بار بوسیله خرده بورژوازی و بورژوازی ملی چین رهبری شده و همه بشکست انجامید.

بورژوازی ملی در مرحله کنونی دارای اهمیت بسیار است ما. همچنان با امپریالیسم روبرو هستیم که دشمن بسیار درنده ای است. صنایع معاصر چین هنوز در مجموعه اقتصاد ملی ما فقط بخش خیلی کوچکی است. عجالتاً آمار دقیقی نداریم ولی آنقدر که برخی از اسناد حکایت میکند پیش از جنگ مقاومت ضد ژاپنی، ارزش تولید صنایع معاصر در مجموعه اقتصاد کلی فقط قریب ۱۰ درصد ارزش کل تولید بوده است. چین برای مقابله با فشار امپریالیستی و برای اینکه اقتصاد عقب مانده خویش را بسطح بالاتری رساند باید از کلیه عوامل سرمایه داری در شهرها و روستاها استفاده کرد عوامل که با اقتصاد ملی و بزندگی خلق نه زیان بلکه سود میرساند. ما باید با بورژوازی ملی بمنظور مبارزه مشترک متحد شویم. سیاست فعلی ما مبتنی بر تحدید سرمایه داری است و نه امحاء آن. ولی بورژوازی ملی نمیتواند در انقلاب نقش رهبری بازی کند و نباید در قدرت دولتی مقام متفوق داشته باشد. دلیلش در ضعف اوست که از موقعیت اجتماعی و اقتصادی او ناشی میشود. این طبقه فاقد دوراندیشی و شجاعت لازم است، و بسیاری از افرادش از توده های خلق وحشت دارند.

سون یاتسن توصیه میکرد که باید "توده های خلق را بیدار گردانید" و "به کارگران و دهقانان یاری رسانید" ولی کی باید آنها را بیدار گرداند و بآنها یاری برساند؟ سون یاتسن نظرش به خرده بورژوازی و بورژوازی ملی بود. اما آنها در حقیقت از این کار عاجز اند. چهل سال انقلاب سون یاتسن با شکست روبرو شد.

چرا؟ زیرا که در دوران امپریالیسم ، خرده بورژوازی و بورژوازی ملی نمیتوانند هیچ انقلاب حقیقی را به پیروزی برسانند .

بیست و هشت سال ما بکلی طور دیگر گذشته است . ما تجارب گرانبهای بسیار بدست آورده ایم . حزبی با انضباط ، مجهز به تئوری مارکسیستی - لنینیستی که اسلوب انتقاد از خود را بکار میبندد و در پیوند با توده های خلق است ؛ ارتشی که با چنین حزبی رهبری میشود ؛ جبهه ای متحد از کلیه طبقات انقلابی و کلیه گروههای انقلابی برهبری چنین حزب - اینهاست اسلحه سه گانه عمده ای که ما بوسیله آن بر دشمن پیروز شدیم . و اینست آنچه ما را از پیشینیان متمایز میسازد . ما پیروز اصلی را با تکیه بر این اسلحه سه گانه بدست آوردیم . ما از راه پر پیچ و خمی گذشتیم . ما در درون حزب خویش با انحرافات اپورتونیستی ، خواه از راست و خواه از " چپ " مبارزه کردیم و هرگاه که در این سه زمینه به خطای فاحش دچار آمدیم انقلاب با ناکامی برخورد . ما از خطاها و ناکامی ها پند گرفتیم ، بصیرت بیشتر یافتیم و کارمان بهتر شد . بر هر حزب سیاسی ، بر هر فردی دشوار است که از خطا مصون بماند . ما میخواهیم که خطا کمتر صورت پذیرد و همینکه صورت پذیرفت جبران شود ، هرچه زودتر و کامل تر بهتر .

تجربه ما را میتوان در یک نکته خلاصه کرد : دیکتاتوری دموکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر (با واسطه حزب کمونیست) ومبتنی بر اتحاد کارگران و دهقانان . این دیکتاتوری باید با نیروهای انقلابی بین المللی متحد گردد . چنین است فورمول ما ، تجربه عمده ما ، برنامه اساسی ما .

بیست و هشت سالی که از عمر حزب ما گذشته دورو ای طولانی است و ما فقط یک کار کرده ایم : پیروزی اساسی در جنگ انقلابی بدست آورده ایم . این امر شایسته بزرگداشت است زیرا که پیروزی خلق است ؛ زیرا که در کشور بزرگی مانند چین بدست آمده است . ولی هنوز کار زیادی در پیش ماست . چنانچه به یک مسافرت تشبیه کنیم ، باید گفت کاری که انجام گرفته جز نخستین قدم از راه پیمائی ده هزار لی نیست . هنوز تکه پاره هائی از دشمن باقی است که باید برانداخته شود . وظیفه سنگین ساختمان اقتصادی کشور در برابر ما قرار دارد . برخی از کارهائی که ما خوب بلدیم بزودی لزوم خود را از دست خواهد داد و ما مجبور خواهیم شد به فراگرفتن کارهائی بپردازیم که خوب بلد نیستیم . مشکل در اینجا است . امپریالیستها پیشبینی میکنند که ما در اداره اقتصادی خویش بکلی در مانده خواهیم شد . آنها مراقب اند و در انتظار شکست ما نشسته اند .

ما باید بر دشواری‌ها فائق آئیم، ما باید آنچه را که نمیدانیم فراگیریم. ما باید از کلیه کسانی که بلداند (هر که باشند) کار در رشته اقتصادی را بیاموزیم. ما باید آنها را معلم خود بشناسیم و با کمال فروتنی و با جان و دل در نزد آنها بتعلیم بپردازیم. وقتی که چیزی نمیدانیم باید به ندانستن اعتراف کنیم و تظاهر بدانائی نمائیم. نباید قیافه بوروکراتها را بخود گیریم. اگر در کارها غوررسی کنیم پس از چند ماه، یک یا دو سال، سه یا پنج سال سرانجام بر آنها مسلط خواهیم شد. برخی از کمونیستهای شوروی نیز در آغاز نمیتوانستند امور اقتصادی را خیلی خوب اداره کنند و امپریالیستها منتظر شکست آنها بودند. اما حزب کمونیست اتحاد شوروی پیروز شد و تحت رهبری لنین و استالین نه فقط توانست انقلاب کند بلکه توانست به سازندگی بپردازد و اینک کشور کبیر و شکوفان سوسیالیستی را ساخته است. خوب کمونیست اتحاد شوروی بهترین معلم ماست؛ ما باید از او بیاموزیم. وضعیت داخلی و خارجی بحال ما مساعد است و ما برای اینکه مردم همه کشور را، باستانهای مرتجعان، متحد گردانیم و با گام‌های مطمئن بمقصد نائل آئیم، کاملاً میتوانیم بر سلاح دیکتاتوری دموکراتیک خلق تکیه کنیم.

یادداشتها

۱ - اشاره است به جامعه‌ای که خلق چین از دیر زمان بمثابه آرزوئی گرانقدر در دل خویش می‌پرورده است. منظور از جهان صلح. صفا در اینجا جامعه کمونیستی است. - مترجم

۲ - مراجعه شود به «مرض بچگانه» چپ روی "در کمونیم"، فصل ۲، آنجا که لنین میگوید: "در طی قریب نیم قرن، تقریباً از سالهای ۴۰ تا سالهای ۹۰ قرن گذشته، اندیشه پیش‌آهنگ در روسیه در زیر یوغ تزاریسم، تزاریسمی که در توحش و ارتجاع نظیر نداشت، مشتاقانه بجستجوی تئوری راستین انقلابی برخاست و هر، آخرین کلام، اروپا و آمریکا را در این زمینه با دقت مراقبتی شگفت‌انگیز تعقیب میکرد. در حقیقت مارکسیسم بمثابه یگانه تئوری راستین انقلابی برای روسیه بقیمت نیم قرن مصائب و قربانی‌های بیمانند، قهرمانی انقلابی بیسابقه، کوشش طاقت فرسا و از خود گذشتگی در پژوهش‌ها، مطالعات، آزمایش‌های عملی، نومییدی‌ها، محک زدن‌ها، مقابله‌ها با تجربه اروپا، تمام شده است.

۳ - کان یو وی (۱۸۵۸ - ۱۹۲۷) از اهالی نان‌های از استان گوان دون بود. در ۱۸۹۵ یعنی یک سال پس از شکست چین از امپریالیست ژاپن، کان یو وی در پکن در رأس ۱۳۰۰ نامزد امتحانات امپراطوری قرار گرفت و از طرف آنها عریضه "ده هزار کلمه‌ای" مبنی بر مطالبه "رفرم مشروطه و تجدید"، تبدیل سلطنت مطلقه به سلطنت مشروطه به امپراطوری گوان سیو تقدیم داشت. در ۱۸۹۸ امپراطور گوان سیو از کان یو وی، تن سی تون، لیان چی چائو و دیگران دعوت کرد که بمنظور تحقق رفرم‌ها در اداره امور دولت شرکت جویند. اما بعداً که ملکه بیوه تسی سی که نماینده سرسختان بود به اریکه قدرت بازگشت نهضت رفرمیستی شکست خورد. کان یو وی و لیان چی چائو به خارج گریختند و منظور دفاع از امپراطور حزبی تشکیل دادند که بصورت گروه سیاسی ارتجاعی در آمد زیرا که با گروه

انقلابی بورژوازی. خرده بورژوازی که سون یاتسن نماینده آن بود مخالفت میورزید. برخی از آتاز کان یو وی از این قرار است: « تحریف تصنیفات شریعت کنفوسیوس بوسیله مکتب سین »، « کنفوسیوس رفرماتور » و « کتاب صلح و صفا ».

۴ - ین فو (۱۸۵۳ - ۱۹۲۱) در فو جو از استان فو جیان بدنیا آمد. در مدرسه نیروی درائی انگلیستان تحصیل کرد و پس از جنگ چین و ژاپن در ۱۸۹۴ خواستار سلطنت مشروطه و رفروم هائی بمنظور نوسازی چین گردید. او آثاری از قبیل « تکامل واتیک » از ت. ح. هاکسلی، پژوهش هائی در باره ماهیت و علل ثروتمندی ملت ها « از آدام اسمیت، « منطق استقرائی و یاس » از جون اتورات میل، « روح القوانین » از مونتسکیود را ترجمه کرد و باین طریق در تبلیغ اندایشع بورژوائی اروپا در چین شرکت جست.

۵ - مراجعه شود به « در باره دموکراسی نوین »، یادداشت ۱۸، منتخب آثار مائوتسه دون، جلد

دوم.

۶ - قهرمان داستان « شوی هو جوان » (قهرمان مرداب ها)، اوسون ببری را بر فراز تپه جین یان با دست خالی کشت. این قصه یکی از رایج ترین قصه های آن اثر مشهور است.

۷ - در موضوع ارتباط میان اشتراکی کردن کشاورزی و صنعتی کردن کشور مراجعه شود به فصل هفتم و هشتم گزارش رفیق مائو تسه دون در کنفرانس دبیران کمیته های حزب کمونیست چین در استان ها، در شهر های تابع مرکز و مناطق خود مختار، در ۳۱ ژوئیه ۱۹۵۵، تحت عنوان: « درباره مسئله کنوپراسیون کشاورزی ». رفیق مائو تسه دون در این گزارش، بر اساس تجربه اتحاد شوروی و آنچه در کشور خود ما عملی شده بود، این نظریه را وسیعاً تکامل بخشید که مراحل اشتراکی کردن کشاورزی باید با مراحل صنعتی کردن سوسیالیستی همراه باشد.

۸ - نقل از حاشیه جو سی بر اثر کنفو سیوس بنام « محیط لایتغیر »، فصل ۱۳.

پندارهای واهی خور را بدور افکنید و برای مبارزه آماده باشید

(۱۴ اوت ۱۹۴۹)

تصادفی نیست اگر کتاب سفید وزارت امور خارجه آمریکا در باره مناسبات میان چین و اتازونی و نامه وزیر خارجه آپسن به رئیس جمهور ترمن (۱) درست در اینموقع انتشار مییابد. انتشار این اسناد انعکاس پیروزی خلق چین و شکست امپریالیسم است، انعکاس زوال تمام سیستم امپریالیستی جهان است. سیستم امپریالیست قادر نیست بر تضاد های درونی متعددی که آنرا میخرند غلبه کند و این خود امپریالیستها را در تاجر عمیقی فرو میبرد.

امپریالیسم شرایط انهدام خود را فراهم آورده است. این شرایط همان بیداری توده های وسیع مردم درکشور های مستعمره و نیمه مستعمره و در خود کشور های امپریالیستی است. این امپریالیسم است که توده های عظیم مردم سراسر جهان را به دوران تاریخی مبارزه عظیم بخاطر برانداختن امپریالیسم رانده است. امپریالیسم برای این توده های عظیم مردم شرایط مبارزه را خواه مادی و خواه معنوی فراهم ساخته است.

کارخانه، راه آهن، تفنگ، توپ و غیره اینها است شرایط مادی قسمت اعظم ساز و برگ نیرومند ارتش آزادیبخش توده ای چین از امپریالیسم آمریکا بدست میآید و قسمتی نیز از امپریالیسم ژاپن، قسمت دیگر ساخت خود ما است.

از زمان تجاوز بریتانیا بر چین در ۱۸۴۰ جنگهای تجاوزکارانه علیه چین یکی بدنبال دیگری آمده است: جنگ نیروهای متحد انگلیس و فرانسه، جنگ فرانسه، جنگ ژاپن، جنگ واحد های متحد هشت دولت (بریتانیای کبیر، فرانسه، ژاپن، روسیه تزاری، آلمان اتازونی، ایتالیا و اتریش)، جنگ میان ژاپن و روسیه تزاری در

این مقاله و چهار مقاله دیگر که بدنبال آن میآیند: «سفر بخیر، لیتون استوارت ا»، «چرا باید کتاب سفید را مورد بحث قرار داد»، «دوستی "یا تجاوز؟" و «ورشکستگی درک ایده آلیستی تاریخ» تفسیر هائی است که رفیق مائو تسه دون بمناسبت انتشار کتاب سفید وزارت امور خارجه آمریکا و نامه دین آپسن برای خبرگزاری سین هوا نوشته است. این تفسیر ها ماهیت امپریالیستی سیاست آمریکا را نسبت به چین بر ملا میسازد، پندار های واهی بخشی از روشنفکران بورژوائی چین را در مورد امپریالیسم آمریکا مورد انتقاد قرار میدهد و علل انقلاب چین و دلایل پیروزی آنرا از لحاظ تنوریک تشریح میکند.

خاک چین (۲)، جنگ تجاوزکارانه ژاپن علیه چین در شمال شرقی که در ۱۹۳۱ آغاز گردید، جنگ تجاوزکارانه ژاپن علیه سراسر چین که در ۱۹۳۷ آغاز شد و هشت سال بطول انجامید و بالاخره جنگ علیه خلق چین در جریان سه سال اخیر بظاهر از طرف چانکایشک و در واقع از طرف آمریکا. بطوری که در نامه آپسن تصریح شده، آمریکا در جنگ اخیر "بیش از پنجاه در صد مخارج پولی" دولت گومیندان بوی کمک مادی داده و همچنین "مهمات نظامی به ارتش چین (منظور ارتش گومیندان است) تسلیم داشته است". این جنگی است که آمریکا پول و اسلحه آنرا میدهد و چانکایشک نفرات آنرا تا بسود آمریکا بجنگند و مردم چین را کشتار کنند. تمام این جنگهای تجاوزکارانه، باضافه تجاوز و ستم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، کینه چینی ها را علیه امپریالیسم برانگیخته، این سؤال را در برابر آنها مطرح ساخته که معنی اینها همه، چه میتواند باشد و بالاخره آنها را مجبور ساخته که روحیه انقلابی خود را تقویت کنند و در مبارزه متحد شوند. مبارزه، ناکامی، از نو مبارزه، از نو ناکامی، بازهم مبارزه، و فقط در پایان ۱۰۹ سال تجربه که از صدها مبارزه بزرگ و کوچک، نظامی و سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، خونین یا بدون خونریزی بدست آمده، خلق چین به پیروزی اساسی کنونی نائل گردیده است. اینها است آن شرایط معنوی که بدون آنها پیروزی انقلاب ممکن نبود.

برای تأمین مقاصد تجاوزکارانه خویش، امپریالیسم سیستم کمپرادور و سرمایه بوروکراتیک را در چین ایجاد کرد. تجاوز امپریالیستی، اقتصاد اجتماعی چین را تکان داد، در آن تغییراتی پدید آورد و عناصر متضاد با امپریالیسم یعنی صنایع ملی بورژوازی ملی چین و بویژه پرولتاریای چین را ایجاد کرد که در مؤسسات سرمایه بوروکراتیک و مؤسسات بورژوازی ملی بکار اشتغال دارد. برای تأمین مقاصد تجاوزکارانه خویش، امپریالیسم با استثمار از راه مبادله ارزشهای نابرابر، دهقانان را به ورشکستگی کشانید و به این ترتیب توده های وسیعی از دهقانان بی چیز بوجود آورد که تعداد آنها به صد ها میلیون نفر بالغ میگردد و ۷۰ در صد سکنه روستائی چین را تشکیل میدهد. برای تأمین مقاصد تجاوزکارانه خویش، امپریالیسم در چین میلیونها روشنفکر بزرگ و کوچک از نوع جدید بوجود آورد که با روشنفکران یا مأموران دانشگاه دیده نوع قدیم متفاوت بودند. لکن امپریالیسم و نوکران آن، دولتهای ارتجاعی چین فقط بخشی از این روشنفکران و سپس فقط مشتی از آنها مانند حوشی، فوسی نیان و چیان مو را توانستند زیر نفوذ خود نگاه دارند، بقیه از زیر نفوذ آنها بیرون آمده و در جهت مخالفت آنها قرار گرفتند. دانشجویان، آموزگاران، استادان، تکنیسینها، مهندسین، پزشکان، دانشمندان، نویسندگان،

هنرمندان و کارمندان همه از در عصیان در آمدند یا دیگر نخواستند بدنبال گومیندان بروند. حزب کمونیست، حزب تهیدستان است؛ تبلیغات گومیندان در همه جا و در همه حال آنرا بمثابه باندی از افراد معرفی میکند که به کشتار و حریق، به هتک ناموس و غارت دست میزنند، تاریخ و فرهنگ را طرد میکنند، برای خود میهنی نمیشناسند، نه عشق خانواده گی دارند و نه به بزرگان و پیشینیان احترام میگذارند، هرگز نمیخواهند به حرف حسابی گوش فرا دهند، اشتراک اموال و زنان در نزد آنها معمول است و از تاکتیک "دریای انسان" پیروی مینمایند، خلاصه جمع دیوان تبهکار که بر جنایتی قادرند و مستوجب بخشش نمیباشند. اما شگفت آنکه همین جمع است که از پشتیبانی صد ها میلیون نفر و از آنجمله اکثریت روشنفکران و بویژه جوانان دانشجو برخوردار است.

قسمتی از روشنفکران ترجیح میدهند در حالت انتظار بسر برند. آنها با خود میگویند: گومیندان خوب نیست و حزب کمونیست نیز لازم نیست حتماً خوب باشد، پس اندکی صبر کنیم. بعضی از آنها خود را هوادار حزب کمونیست اعلام میکنند، اما در باطن، در حال انتظارند. درست همین مردمانند که در مورد آمریکا دستخوش پندارهای واهی اند. آنها نمیخواهند میان امپریالیستهای آمریکائی که در رأس قدرت جای دارند با خلق آمریکا که بر مسند قدرت نیست وجه تمایز قائل شوند آنها بسهولت فریفته سخنان شیرین امپریالیستهای آمریکائی میگردند، گویا اینها ممکن است با چین توده ای بر اساس تساوی حقوق و امتیاز متقابل رفتار کنند بدون آنکه نیازی بیک مبارزه طولانی و سخت از جانب ما باشد. در نزد این روشنفکران هنوز افکار ارتجاعی یعنی ضد توده ای بسیار باقی است، اما آنها در زمره مرتجعین گومیندان بشمار نمیآیند؛ آنها عناصر میانه رو یا جناح راست چین توده ای را تشکیل میدهند. آنها طرفدار آن چیزی هستند که آچسن آنرا "اندیویدوآلیسم دموکراتیک" مینامد. مانورهای فریبنده آچسن ها هنوز در چین پایه اجتماعی دارد ولی پایه ای باریک.

کتاب سفید آچسن نشان میدهد که امپریالیستهای آمریکائی بهیچوجه نمیدانند در برابر وضع کنونی چین چه باید شان کرد. عدم لیاقت گومیندان بدرجه ای است که هیچ کمکی هر اندازه کلان باشد نمیتواند او را از سرنوشت محتومش رهائی بخشد. امپریالیستهای آمریکائی دیگر بر اوضاع مسلط نیستند و هیچ کاری از آنها ساخته نیست. آچسن در نامه خود میگوید:

این واقعیتی است، واقعیتی تأسف انگیز اما ناگزیر که فرجام مصیبت بار جنگ داخلی در چین از اختیارات دولت آمریکا بیرون شده است. هیچ چیز از آنچه کشور ما انجام داد و هر چیز که در حدود منطقی امکانات خود میتوانست

انجام دهد قادر نگشت در این فرجام تغییری دهد. هیچ چیز از آنچه کشور ما در انجام آن غفلت ورزید در این فرجام تأثیری نداشت. این فرجام محصول نیروهای درونی چین بود، نیروهائی که کشور ما کوشید در آنها مؤثر واقع شود بدون آنکه بتواند در اینراه موفقیتی بدست آورد.

نتیجه گیری آچسن، آنطور که بعضی ار روشنفکران درهم اندیش چین فکر میکنند و میگویند، باید منطقاً چنین باشد: مانند "قصابی که کارد خود را بر زمین میگذارد و فوراً بودا میشود" یا مانند "راهزنی که اظهار پیشمانی میکند و آدم شرافتمندی میشود" عمل کرد؛ باید با چین توده ای بر اساس تساوی حقوق و امتیاز متقابل رفتار کرد و از ایجاد اغتشاش خود داری ورزید. اما نه، آچسن میگوید ما به ایجاد اغتشاش ادامه خواهیم داد و مسلماً اغتشاشاتی ایجاد خواهیم کرد. آیا بر آن نتیجه ای ترتیب خواهد بود؟ آنطور که معلوم میشود آری. به چه مردمانی تکیه خواهد کرد؟ با طرفداران "اندویدوآلیسم دموکراتیک"، آچسن میگوید:

... سرانجام تمدن کهنسال چین و اندویدولایسم دموکراتیک چین از نو تحکیم خواهد شد و چین یوغ بیگانه را بدور خواهد افکند. بنظر من، ما باید در چین در حال حاضر و در آینده هر گونه تحولی را در جهت نیل به این هدف تشویق نمائیم.

به بینید منطق امپریالیستها تا چه اندازه با منطق خلق متفاوت است! فتنه گری، شکست، باز هم فتنه گری، باز هم شکست... و سرانجام نابودی - چنین است منطق امپریالیستها و تمام مرتجعین جهان نسبت بامر خلق؛ آنها هرگز خلاف این منطق عمل نخواهند کرد. این قانونی است مارکسیستی. وقتی که ما میگوئیم "امپریالیسم درنده خو است"، منظور اینست که ماهیت آن تغییر نخواهد کرد. امپریالیستها تا دم مرگ هرگز نخواهد کارد قصابی خود را بزمین گذارند و هرگز بودا نخواهند شد.

مبارزه، ناکامی، از نو مبارزه، از نو ناکامی، باز هم مبارزه و بهمین قسم تا پیروزی - چنین است منطق خلق، و خلق نیز هرگز در جهت خلاف این منطق گام نخواهد برداشت. این نیز یک قانون مارکسیستی است. انقلاب خلق روسیه از این قانون پیروی کرد، انقلاب خلق چین نیز پیروی این قانون است.

مبارزه طبقاتی، پیروزی بعضی از طبقات و نابودی برخی دیگر، اینست تاریخ، اینست تاریخ تمدان چندین هزار ساله. تفسیر تاریخ از این دیدگاه، ماتریالیسم تاریخی است، قرار گرفتن در نقطه مقابل آن ایده ایسم تاریخی است.

شیوه انتقاد از خود فقط در درون خلق بکار میرود. امید محالی است که بتوان امپریالیستها و مرتجعین چین را متقاعد ساخت که از خود حسن نیت نشان دهند و

براه راست بازگردند. تنها راهی که باید دنبال کرد عبارت است از اینکه نیروها را بخاطر مبارزه علیه آنها متشکل سازیم. چنانچه در جنگ آزادیبخش توده ای ما و در انقلاب ارضی ما چنین بود، امپریالیسم را افشاء کنیم، امپریالیستها و مرتجعین را "تحریک کنیم"، آنها را سرنگون سازیم، آنها را در صورت تخلف از قانون به کیفر رسانیم و "به آنها اجازه ندهیم که بجز را راست بپیوند و اجازه ندهیم که هیچ گفتار و هیچ رفتاری مخالف حکومت موجود از آنها سر بزند" و تنها بدین ترتیب میتوان امید داشت که با کشورهای بیگانه امپریالیستی بر اساس تساوی حقوق و امتیاز متقابل معامله نمود. بدین ترتیب میتوان امید داشت که پس از آنکه عناصر طبقه مالکان ارضی، عناصر بورژوازی بوروکراتیک و اعضاء دارو دسته ارتجاعی گومیندان و همدستان آنها اسلحه را بر زمین گذاشتند و تسلیم شدند آنها را در حدود امکان با کار تربیتی متناسب از عناصر زیانکار به عناصر خوب مبدل ساخت. اگر بسیاری از لیبرالهای چینی - عناصر دموکرات از نوع قدیم، طرفداران "اندىدوآلیسم دموکراتیک" که ترومن، مارشال، آچسن، لیتون استوارت و دیگران امید خود را بدانها بسته و پیوسته میکوشند آنها را بسوی خود جلب کنند - غالباً در موضع پاسیف میمانند و بیشتر اوقات در قضاوتهای خود نسبت به حکمروایان آمریکا، به گومیندان و اتحاد شوروی و همچنین حزب کمونیست چین دچار اشتباهند، درست بخاطر آنست که آنها مسائل را از دیدگاه ماتریالیسم تاریخی در نظر نمیگیرند یا بر آن نیستند که مسائل را میتوان از این دیدگاه در نظر گرفت.

وظیفه ترقیخواهان - کمونیستها، اعضاء احزاب دموکراتیک، کارگران از لحاظ سیاسی آگاه، جوانان دانشجو و روشنفکران مترقی - است که در درون چین توده ای با قشرهای متوسط، عناصر میانه رود، عناصر عقب مانده قشرهای مختلف و تمام کسانی که در تردید و نوسان اند (اینها هنوز مدتها به نوسان خود ادامه خواهند داد و حتی چسب از آنکه موضع گیری کردند، همین که به اشکالی برخوردند نوسان خود را از سر میگیرند) متحد شوند، صدیقانه آنها را یاری رسانند، روش تزلزل آنها را مورد انتقاد قرار دهند، آنها را تربیت کنند و به سوی توده های عظیم مردم جلب نمایند، مانع شوند که امپریالیستها آنها را بسوی خود بکشند، از آنها بخواهند که پندارهای واهی خود را بدور افکنند و برای مبارزه آماده باشند. نباید تصور کرد که پس از پیروزی دیگر نیاز به کار در میان آنها نیست. ما هنوز باید کار کنیم، حتی بر مراتب بیشتر و یا بردباری کار کنیم تا بتوانیم واقعاً این عناصر را بسوی خود جلب نمائیم. پس از آنکه ما آنها را بخود جلب کردیم، امپریالیسم کاملاً منفرد خواهد شد و نیرنگهای آچسن دیگر مؤثر نخواهد افتاد.

شعار " مبارزه آماده باشید " خطاب به کسانی است که در مسئله مناسبات میان چین و کشور های امپریالیستی و بویژه مناسبات میان چین و آمریکا هنوز برخی پندارهای واهی در سر دارند . آنها در برابر این مسئله پاسف میمانند و تصمیم قطعی نگرفته اند ، آنها هنوز تصمیم نگرفته اند که علیه امپریالیسم امریکا (و انگلیس) باید بمبارزه طولانی دست زد و این به آن علت که آنها هنوز نسبت به آمریکا دستخوش پندار های واهی اند . هنوز بر سر این مسئله فاصله ای دور یا نسبتاً دور میان این اشخاص و ما موجود است .

انتشار کتاب سفید آمریکا و نامه آچسن در خورد تهنیت است ، زیرا که انتشار این اسناد برای کسانی که به دموکراسی نوع قدیم یا اندیویدوآلیسم دموکراتیک علاقمندند ، برای کسانی که دموکراسی توده ای یا کولکتیویسم دموکراتیک یا سانترالیسم دموکراتیک یا قهرمان جمعی یا میهن پرستی بر اساس انترناسیونالیسم را تأیید نمیکنند با چندان تأیید نمیکنند ، از آنها ناخشنودند یا تا درجه ای ناخشنودند یا حتی نیز متنفرد ولی هنوز احساسات میهن پرستانه خود را حفظ کرده و در زمره مرتجعین گومیندان بشمار نمیآیند مانند دوش آب سرد است ، باعث بی اعتباری آنها است . انتشار این اسناد بویژه برای کسانی که تصور میکنند هر آنچه آمریکائی است خوب است و امیدوارند که چین از آمریکا سر مشق بگیرد دوش سردی است .

آچسن آشکارا اعلام میکند که باید اندویدو آلیستهای دموکرات چینی را "تشویق کرد" تا " یوغ بیگانه" را بدور افکنند . این به آن معنی است که باید مارکسیسم - لنینیسم ، دیکتاتوری دموکراتیک توده ای را که رهبری آن با حزب کمونیست چین است برانداخت . زیرا که این دکتترین و این رژیم گویا " از منبع خارجی " است ، در چین ریشه ای ندارد و از طرف کارل مارکس آلمانی (که شصت و شش سال پیش در گذشته است) و لنین روسی (که بیست پنج سال پیش در گذشته است) و استالین روسی (که هنوز زنده است) به چینی ها تحمیل شده است . این دکتترین و این رژیم صریحاً نا مطلوب اند زیرا که آنها خود را طرفدار مبارزه طبقاتی و محو امپریالیسم و غیره اعلام میکنند و در نتیجه لازم است آنها را از بیخ بن برانداخت و بعلاوه بر اثر " تشویق هائی " که از جانب ترومن رئیس جمهور ، مارشال فرمانده کل بندوبستها ، آچسن وزیر خارجه (این کارگزار خوش مشرب استعمار که مسئول انتشار کتاب سفید است) و لیتون استوارت سفیری که فرار را بر قرار ترجیح داد ، بعمل نیاید " سرانجام ... اندیویدوآلیسم دموکراتیک در چین از نو تحکیم خواهد شد " . آچسن ها میپندارند که " تشویق " میکنند . اما کاملاً ممکن است که این اندیویدوآلیستهای دموکرات چینی علی رغم اعتمادی که به امریکا دارند احساسات میهن پرستانه خود ر

مبارزه طبقاتی و دیکتاتوری دموکراتیک

حفظ کنند و بیشتر بر این عقیده باشند که دوش سردی بر سر آنها فرو ریخته و باعث بی اعتباری آنها شده است؛ زیرا که آچسن ها بجای آنکه با مقامات دیکتاتوری دموکراتیک توده ای در چین آنطور که شایسته است ارتباط برقرار نمایند و به این عمل ناپسند دست میزنند و از آنها بالاتر آنرا موضوع نشریه ای قرار میدهند. این بی اعتباری است! این بی اعتباری است! برای کسانی که احساسات میهن پرستانه خود را حفظ کرده اند بیانات آچسن " تشویق " نیست، ناسزا است.

چین در بحبوحه انقلاب بزرگی است. سراسر چین از شور و شوق میجوشد. شرایط مساعدی برای جلب کلیه کسانی که نسبت به آرمان انقلاب توده ای کینه عمیق و تسکین ناپذیر ندارد، اگر چه دارای اندیشه های نادرستی نیز باشند، و برای اتحاد با آنها فراهم آمده است. ترقیخواهان باید برای کار اقتاعی در میان آنها از کتاب سفید استفاده نمایند.

یادداشتها

۱ - کتاب سفید آمریکا تحت عنوان « مناسبات آمریکا با چین » در ۵ اوت ۱۹۴۹ از طرف وزارت امور خارجه آمریکا انتشار یافت. نامه آچسن به ترومن در تاریخ ۳۰ ژوئیه ۱۹۴۹ نوشته شده است، یعنی موقعی که تهیه کتاب سفید از طرف وزارت امور خارجه آمریکا بپایان رسید بود. قسمت اساسی کتاب سفید که مشتمل بر هشت فصل است، تشریح مناسبات چین و آمریکا است از ۱۸۴۴ سالی که آمریکا چین را به امضاء « پیمان وان شا » وادار نمود تا ۱۹۴۹ هنگامیکه انقلاب خلق چین در مقیاس ملی پیروزی اساسی بدست آورد. کتاب سفید آمریکا بویژه بتفصیل در این نکته صحبت میکند که چگونه طی پنج سال یعنی از آخرین مرحله جنگ مقاومت ضد ژاپنی تا ۱۹۴۹ آمریکا سیاست کمک به چانکایشک و نبرد با حزب کمونیست را دنبال کرد، چگونه با تمام وسائل با خلق چین بمقابله برخاست و چگونه سرانجام دچار شکست گردید. کتاب سفید آمریکا و نامه آچسن مملو از تحریف حقایق، فراموشکاریهای عمدی و دروغ پردازی است. این اسناد سرشار از اتهامات مسموم کننده و کینه عمیق نسبت بخلق چین است. در منازعه ای که در اردوی ارتجاعی آمریکا بر سر سیاست آمریکا نسبت به چین در گرفت، امپریالیستهای نظیر ترومن و آچسن مجبور شدند بمنظور متقاعد ساختن مخالفین خود، با انتشار کتاب سفید بخشی از حقیقت را در مورد فعالیت های ضد انقلابی خود آشکارا فاش سازند. بدین ترتیب کتاب سفید، در واقع اعتراف بجنایات ناشی از تجاوز امپریالیسم آمریکا علیه چین است.

۲ - موضوع بر سر جنگ امپریالیستی ۱۹۰۴ - ۱۹۰۵ است که میان ژاپن و روسیه تزاری بر سر تصاحب شمال شرقی چین و کره جریان یافت. از آنجائی که جنگ بطور عمده در شمال شرقی چین در منطقه فون تیان (امروز شن یان) و لیو یان و در حدود بندر لیوشان صورت گرفت، برای خلق چین خسارات و تلفات سنگین ببار آورد. در این جنگ روسیه تزاری شکست خورد و امپریالیسم ژاپن موقعیت مسلط او را در شمال شرقی چین اشغال کرد. باضافه موجب قرار داد صلحی که در پایان جنگ منعقد گردید (قرار داد پرتسموت) روسیه تزاری کنترل انحصاری ژاپن بر کره را برسمیت شناخت.

سفر بخیر، لیتون استوارت!

(۱۸ اوت ۱۹۴۹)

برای انتشار کتاب سفید آمریکا انتخاب روز پنجم اوت، یعنی روزی که لیتون استوارت (۱) نانکن را به قصد واشنگتن ترک ولی هنوز به آنجا نرسیده بود، قابل درک بود؛ چه لیتون استوارت شاخص شکست کامل سیاست تجاوزکارانه آمریکا است. لیتون استوارت یک آمریکائی متولد در چین است و روابط اجتماعی نسبتاً وسیعی در آنجا دارد؛ وی سالیان دراز مدارس میسیونها آمریکائی را در چین اداره می کرد؛ در جنگ مقاومت او نیز یک بار به زندان ژاپنی ها افتاد؛ او همیشه تظاهر می کرد که چین را به اندازه آمریکا دوست دارد و از این راه توانسته بود عده ای از چینی هارا بفریبد. از این جهت بود که وی از طرف ژرژ مارشال به عنوان سفیر آمریکا در چین انتخاب گردید و مقام مهمی را در گروه مارشال احراز نمود. لیتون در نظر گروه مارشال فقط یک اشتباه داشت : درست در دورانی که او به عنوان نماینده سیاست این گروه سفیر آمریکا در چین بود، خلق چین شکست فاحشی بر این سیاست وارد نمود؛ البته این مسئولیت کوچکی نیست. از این رو برای انتشار کتاب سفید که هدفش طفره از بر خورده به این مسئولیت است، انتخاب زمانی که لیتون به سوی واشنگتن حرکت کرده ولی هنوز به آنجا نرسیده بود، یک امر کاملاً طبیعی بود.

جنگی که می بایست چین را به یک مستعمره آتازونی مبدل سازد، جنگی که در آن آمریکا، پول و اسلحه و چانکایشک سرباز فراهم می کرد تا به سود آمریکا بجنگد و به کشتار خلق چین پردازد، یکی از عناصر مهم سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا در مقیاس جهان در دوران بعد از جنگ دوم جهانی است. سیاست تجاوز شمالی و جنوبی. سرزمین وسیع چین با ۴۷۵ میلیون جمعیت خود مرکز ثقل آسیاست، تصرف چین آمریکا را بر تمام آسیا مسلط می ساخت. بعد از تحکیم جبهه آسیا او می توانست قوای نظامی خود را برای تجاوز به اروپا متمرکز نماید. امپریالیسم آمریکا جبهه خود را در آمریکای شمالی و جنوبی نسبتاً امن می شمارد. چنین است حساب های خوش تجاوزکاران آمریکا.

و لیکن، اولاً خلق آمریکا و خلقهای دیگر جهان طالب جنگ نیستند. ثانیاً بیداری خلقهای اروپا، پیدایش کشورهای دمکراسی تودهای در مشرق اروپا، و به ویژه وجود اتحاد شوروی، این دژ فوق العاده نیرومند صلح که بین آسیا و اروپا برپا گردیده

و با سرسختی در برابر سیاست تجاوز آمریکا مقاومت می کند، توجه اصلی ایالات متحده آمریکا را به خود جلب کرده است. ثالثاً و مهمتر از همه، خلق چین بیدار شده است، قوای نظامی و قدرت متشکل خلق تحت رهبری حزب کمونیست چین بیش از همیشه نیرومند است، در نتیجه دار و دسته حاکم امپریالیسم آمریکا مجبور گردیده است از سیاست حمله مسلحانه وسیع و مستقیم علیه چین صرف نظر نموده و به پشتیبانی از چانکایسک در جنگ داخلی اکتفا نماید.

قوای دریائی، زمینی و هوائی آمریکا عملاً در این جنگ در چین شرکت نمودند. در چینگ دائو، شانگهای و تایوان آمریکا دارای پایگاههای دریائی بود. واحدهای او در بی پین، تیانزین، تان شان، چینگ هوان دائو، چینگ دائو، شانگهای و نانکن مستقر شده بودند. نیروی هوائی آمریکا تمام آسمان چین را کنترل می کرد و از کلیه مناطق استراتژیک چین عکس برداری می نمود تا بر اساس آن نقشه های نظامی تهیه نماید. در شهر ان پین، نزدیکی بی پین، در جیو تای، نزدیکی چان چون، در تان شان و شبه جزیره مشرق شان دون واحدها و دیگر پرسنل نظامی آمریکا با ارتش آزادیبخش تودهای ما تصادم نموده و حتی به کرات اسیر شده اند (۲). ناوگان هوائی چنولت وسیعاً در جنگ شرکت داشت (۳). (نیروی هوائی آمریکا نه تنها برای چانکایسک سرباز حمل می کرد بلکه رزم ناو چون چینگ را که سرنشینان آن علیه گومیندان قیام کرده بودند، بمباران و غرق کرد (۴). تمام این ها عملیات مستقیم جنگی بودند، اگر چه قبل از اعلان جنگ انجام گرفته و مقیاس وسیعی نیز به خود نگرفته بودند، معذالک شیوه عمده تجاوز آمریکا عبارت بود از پشتیبانی وسیع از چانکایسک در جنگ داخلی از طریق تأمین پول، اسلحه و مستشار.

اتخاذ چنین روشی از طرف آمریکا به علت عدم تمایل گروه ترومن - مارشال، یعنی گروه حاکم امپریالیسم آمریکا به تجاوز مستقیم علیه چین نبود، بلکه نتیجه واقعیات عینی چین و جهان بود. به علاوه در همان هنگامی که ممالک متحده آمریکا خود را برای کمک به چانکایسک در جنگ داخلی آماده می نمود، کمدی مبتدلی نیز به معرض نمایش گذاشته شد که در آن آمریکا می خواست به اصطلاح نقش میانجیگری را در اختلاف بین گومیندان و حزب کمونیست بازی کند؛ این صحنه سازی کوششی بود برای تضعیف اراده حزب کمونیست چین و اغفال خلق چین تا بتوان سراسر چین را بدون جنگ تحت نظارت درآورد. ولی مذاکرات صلح بی نتیجه ماند، اغفال به ناکامی انجامید، و جنگ آغاز گردید.

لیبرالها و اندیویدوآلیستهای شما که هنوز درباره آمریکا دستخوش پندارهای باطل بوده و به ضعف حافظه گرفتارید، این گفته های آچسن را بی زحمت بخوانید:

هنگامی که صلح تحقق یابد، برای آمریکا سه امکان در چین وجود دارد: ۱- بار و بند خویش را بسته و بیرون روند؛ ۲- به مداخله نظامی وسیع دست زده و ناسیونالیست‌ها را در انهدام کمونیست‌ها پشتیبانی کنند؛ ۳- ضمن کمک به ناسیونالیست‌ها تا سلطه خویش را بر بخش حتی الامکان وسیعی از خاک چین برقرار ساخته، از طریق سازش دادن طرفین از وقوع یک جنگ داخلی جلوگیری نمایند.

درباره اینکه چرا آمریکا امکان اول را مورد استفاده قرار نداد، آچسن می گوید: معنی امکان اول که به نظر من افکار عمومی آمریکا در آن زمان نیز با آن توافق داشته، این بود که آمریکا مسئولیت جهانی خود و سیاست سنتی دوستی با چین را، قبل از اینکه مجاهدت های قطعی برای کمک به وی به عمل آورد، ترک گوید.

بنابراین جریان امر چنین است: "مسئولیت جهانی" آمریکا و "سیاست سنتی دوستی با چین چیزی جز مداخله علیه چین نیست. مداخله، به عنوان تقابل مسئولیت جهانی، نام دوستی با چین به خود گرفته است؛ و لیکن عدم مداخله، به هیچ وجه قابل تصور نیست. در اینجا آچسن افکار عمومی آمریکا را جریحه دار می کند، زیرا آنچه او به نام "افکار عمومی" از آن صحبت میکند "افکار عمومی" وال استریت است نه افکار عمومی خلق آمریکا.

چرا ممالک متحده آمریکا از امکان دوم استفاده نکرد؟ آچسن چنین پاسخی

میدهد:

امکان دوم، گرچه از نظر تئوریک و با توجه به سابقه جلب کننده به نظر می رسد، معذالک بکلی غیرقابل اجرا است. در دوران ده ساله قبل از جنگ ناسیونالیست‌ها نتوانستند کمونیست‌ها را منهدم سازند. آنها بعد از جنگ همانطوری که نشان داده شد، ضعیف گردیده، روحیه و وجهه خود را باخته بودند. در اثر رفتار مأمورین نظامی و غیرنظامی خود آنها پشتیبانی افکار عمومی و اعتبار خود را در مناطق استرداد از ژاپنیها سریعاً از دست داده بودند. کمونیست‌ها، برعکس قویتر از همیشه بودند، تقریباً تمام چین شمالی تحت نظارت آنها قرار داشت. با توجه به ناتوانی قوای نظامی ناسیونالیست‌ها، همچنان که بعداً نیز به نحو تأسّف آوری ثابت گردید، کمونیست‌ها احتمالاً می بایست فقط به زور سرنیزه آمریکائی هارا نه شوند. کاملاً روشن است که خلق آمریکا یک چنین درگیری عظیم ارتش ما را نه در ۱۹۴۵ و نه بعد از آن تأیید نمی نمود. از این رو برای ما فقط امکان سوم باقی می ماند ...

چه ایده عالی است! آمریکا پول و اسلحه میدهد و چانکایسک سرباز فراهم می کند
 که برای آمریکا بجنگد و خلق چین را بکشتر رساند، کمونیستها را منهدم " نماید و
 چین را به مستعمره آمریکا مبدل سازد ، تا ممالک متحده آمریکا به وظایف
 "مسئولیت جهانی " خود و " سیاست سنتی دوستی با چین " فائق آید .

با اینکه گومیندان فاسد و ناتوان گردیده " روحیه و وجهه خود را باخته " بود،
 معذک ممالک متحده آمریکا او را با پول و اسلحه مجهز ساخته و به جنگ وادار
 نمود .مداخله مستقیم نظامی " از نظر تئوریک " امکان پذیر بنظر میرسد .
 زمامداران امریکا " با توجه بسابقه " تیز چنین تصور میکنند . یک مداخله مستقیم
 نظامی نیز در واقع جاذب و " جلب کننده " بود ولی این کار عملاً غیر قابل اجرا بود
 زیرا " کاملاً روشن است که خلق آمریکا . . . چنین کاری را تأیید نمیکرد " . مسئله
 این نیست که گروه امپریالیستی ترومن - مارشال - آچسن به چنین کاری مایل
 نبود - آنها شدیداً طالب آن بود - ولیکن وضع در چین ، در آمریکا و در تمام جهان
 (که آچسن آنرا ندیده گرفته است) اجازه آنرا نمیداد؛ از اینرو آنها مجبور بودند
 سیاست مورد تمایل خود را رها نموده و بامکان سوم متوسل گردند .

شما، چینی هایی که خیال می کنید " میتوان بدون کمک بین المللی پیروز گردید "
 گوش فرا دهید! آچسن بشما درس میدهد . او معلم خوبی است ، و برای اینکار
 حقوقی مطالبه نمیکند و تمام حقایق را با صداقت کامل و بطور خستگی ناپذیر بشما
 میگوید . ممالک متحده آمریکا از اعزاز نیروی زیاد برای حمله به چین خوداری نمود
 نه باین دلیل که دولت آمریکا بدان مایل نبود، بلکه به این دلیل که دلایلی برای تأمل
 وجود داشت .دلیل اول :خلق چین ممکن بود مقاومت کند و دولت آمریکا می ترسید
 در وضع اضطراب آمیزی گرفتار گردیده و نتواند از آن خارج شود .دلیل دوم :خلق
 آمریکا ممکن بود مخالفت کند، لذا دولت آمریکا جرأت نمی کرد فرمان تجهیز عمومی
 را صادر نماید .دلیل سوم :خلقه های اتحاد شوروی، اروپا و سایر کشورهای جهان ممکن
 بود علیه چنین کاری موضع گیرند و دولت آمریکا مورد نفرت عمومی واقع شود .
 صداقت دلپذیر آچسن حدود خود را می شناسد، و او حاضر نیست دلیل سوم را
 یادآوری کند . دلیل آن این است که او می ترسد در قبال اتحاد شوروی پرستیژ خود
 را از دست بدهد ، بیم آنرا دارد که نقشه مارشال (۵) در اروپا که با وجود دعاوی
 مخالف هم اکنون نیز شکست خورده است، بطور اسفناکی کاملاً فرو ریزد.

شما، چینی هایی که لیبرال ها یا دمکراتهای اندویدو آلیست کوته بین و درهم
 اندیش هستید، خوب گوش دهید! آچسن به شما درس می دهد .او برای شما آموزگار
 خوبی است .او تمام بشر دوستی، عدالت و تقوای آمریکائی را که این همه مورد

ستایش شما بود با یک حرکت دست به دور افکند. آیا چنین نیست؟ آیا شما می توانید در کتاب سفید یا نامه آپسن کوچکترین اثری از بشردوستی، عدالت و تقوا پیدا کنید؟

درست است که آمریکا دانش و تکنیک دارد. ولی متأسفانه آنها در دست سرمایه داران قرار دارند نه در اختیار خلق، و در داخل برای استثمار خلق و فشار بر وی بکار می روند، و درخارج برای تجاوز و کشتار خلق ها. در آمریکا نیر "دموکراسی" وجود دارد ولی متأسفانه این دموکراسی نام دیگر دیکتاتوری خود بورژوازی است. ممالک متحدۀ آمریکا پول فراوان دارد، ولی متأسفانه او حاضر است فقط به دار و دسته ار تجاعی چانکاپشک که تا مغز استخوان پوسیده است، بدهد. گفته می شود که آمریکائی ها آماده اند اکنون و در آینده به ستون پنجم خود در چین پول بدهند، ولی حاضر نیستند به لیبرالها و یا اندیویدوآلیستههای دمکرات ساده که خیلی در کتاب فرو رفته اند و قدر این بذل و بخششها را نمی دانند، کمک کنند، بدیهی است که آمادگی آنها برای کمک به کمونیستها از این نیز خیلی کمتر است. آنها می گویند: می شود به شما پول داد ولی به یک شرط. این شرط کدام است؟ پیروی از ممالک متحدۀ آمریکا. آمریکائی ها در بی پین، تیانزین و شانگهای مقداری آرد پاشیدند تا ببینند چه کسی برای جمع آوری آن خم می شود. آنها نظیر آقای جیان محترم، قلاب ماهیگیری را در آب افکندند تا ببینند کدام ماهی خود را گرفتار خواهد کرد. ولی هر کسی این طعمه را که به شکل تحقیرآمیزی توزیع می شود فرو برد، دل درد خواهد گرفت (۶)

ما چینیهها مناعت طبع داریم. بسیاری از لیبرالها و یا اندیویدوآلیستههای دمکرات سابق علیه امپریالیستههای آمریکا و سگهای زنجیری آنها، یعنی مرتجعین گومیندان، بپا خاستند. وین ای دوه تمام قد برخاست، مشت بر میز کوبید، خود را با هفت تیر گومیندان مواجه ساخت و مرگ را بر اسارت و تسلیم ترجیح داد (۷). جو زی چینگ که سخت بیمار بود، حاضر شد از گرسنگی بمیرد. "کمک خواربار" آمریکا را نپذیرد (۸). حان یو در زمان سلسله تان تصنیفی در «مدح بوه ای» (۹) ساخت. در این تصنیف او مردی را که دارای نظریات "اندیویدوآلیست دموکراتیک" فراوانی بود، می ستاید که از وظایف خود در قبال خلق و میهن شانه خالی کرد، پست خودترک نمود و علیه جنگ دآزادیبخش توده ای که از طرف پاشاه وقت بنام "او" انجام میگرفت قیام نمود حان یو بی جهت از بوه ای تمجید کرده. ما باید سرودهای تمجید از وین ای دوه و جو زی چینگ بسرانیم که قهرمانی ملت ما را مجسم می کنند.

چه اهمیتی دارد اگر ما با مشکلاتی مواجه شویم! باشد که آنها ما را محاصره کنند! باشد که این محاصره هشت یا ده سال دوام یابد! تا آن وقت چین تمام مسائل

خود را حل خواهد کرد. آیا چینی‌ها که از مرگ نمی‌هراسند در مقابل مشکلات خواه
ند لرزید؟ لائوزی می‌گوید: وقتیکه انسانهایی از مرگ واهمه ندارند، چرا باید آنها را
با آن تهدید کرد؟ " (۱۰) امپریالیسم آمریکا و سگهای زنجیری وی یعنی مرتجعین
دار و دسته چانکایسک، نه تنها ما را " بمرگ تهدید کرده‌اند بلکه آنها عده زیادی
از ما را نیز واقعاً بقتل رسانده‌اند. آنها نه تنها انسانهایی نظیر وین ای دوه را کشته‌اند،
بلکه در ظرف سه سال اخیر میلیون‌ها چینی را با کارابین، مسلسل، خمپاره‌انداز،
بازوکا، توپ سنگین، تاک، هواپیما و بمب‌های آمریکائی بقتل رسانیده‌اند. این
وضع اکنون به پایان می‌رسد؛ آنها با شکست روبرو هستند. حالا دیگر آنها نیستند که
به ما حمله می‌کنند، بلکه ما هستیم که بر آنان یورش می‌بریم. به زودی کار آنها به
انجام خواهد رسید. درست است که پاره‌های مسائل، نظیر محاصره، بیکاری، قحطی،
تورم و افزایش قیمت‌ها مشکلاتی برای ما ایجاد می‌کنند، ولیکن ما حالا راحت‌تر از
سه سال پیش می‌توانیم نفس بکشیم. ما که در سه سال اخیر از بوتۀ آزمایش‌های
سخت سربلند بیرون آمده‌ایم، چرا حالا نمی‌توانیم مشکلات کوچک کنونی را برطرف
سازیم؟ چرا ما نمی‌توانیم بدون آمریکا زندگی کنیم؟

وقتی که ارتش آزادیبخش تودهای از رودخانه یان تسه گذشت، دولت استعماری
آمریکا در نانکن دستپاچه‌ها به فرار گذاشت. اما جناب سفیر آن، استوارت، باقی ماند،
با چشمان باز در کمین نشست و امیدوار بود که بتواند بساط خود را زیر تابلوی
دیگری گسترده و منافع تازه‌های به جیب زند. ولی او چه دید؟ او نه تن‌ها دید که
ستونهای ارتش آزادیبخش تودهای پشت سرهم پیش می‌روند و توده کارگران،
دهقانان و دانشجویان قیام می‌کنند، بلکه او چیز دیگری هم دید - لیبرال‌های چین و
یا اندیویدوآلیستهای دمکرات آن را دید که دسته دسته بیرون آمده و به اتفاق
کارگران، دهقانان، سربازان و دانشجویان شعار می‌خواندند و از انقلاب صحبت می‌او و
سایه اش تنها ماندند، و همدیگر را تسلی میدادند " (۱۱) او دیگر کار نداشت، ناچار
کیف خود را زیر بغل زده و براه افتاد.

هنوز در چین باز هم عده‌های از روشنفکران و افراد دیگری هستند که افکار
ناروشن دارند و درباره آمریکا به پندارهای باطلی دچارند. از اینرو ما باید آنها را قانع
کنیم، به طرف خود جلب نمائیم، آنان را تربیت کرده و با آنها متحد شویم. تا اینکه
آنان به سمت خلق بیایند و در دام امپریالیستها نیفتند. ولیکن امپریالیسم آمریکا
نزد خلق چین به کلی ورشکست شده است و کتاب سفید اقرار به این ورشکستگی
است. تمام افراد مترقی باید از کتاب سفید برای روشن کردن خلق چین به نحو احسن
استفاده نمایند.

لیتون استوارت ما را ترک کرد و کتاب سفید منتشر گردید. بسیار خوب! بسیار خوب! هر دو حادثه شایسته آنند که بخاطر آنها جشن برپا شود.

یادداشتها

۱- جون لیتون استوارت متولد ۱۸۷۶ در چین، همیشه یکی از عمال وفادار نفوذ فرهنگی آمریکا در چین بود. از ۱۹۰۵ وی فعالیت خود را به عنوان میسونر آمریکا در چین شروع نمود و در ۱۹۱۹ ریاست دانشگاه ین جین که آمریکا در پکن تأسیس کرده بود را عهده دار گردید. در ۱۱ ژوئیه ۱۹۴۶ به سفارت آمریکا در چین منصوب شد. در جنگ داخلی ضد توده ای، او فعالانه از مرتجعین گومیندان پشتیبانی نمود و به توطئه های سیاسی متعددی علیه خلق چین دست زد. در دوم اوت ۱۹۴۹ لیتون استوارت به ناچار چین را بی سر و صدا ترک کرد، زیرا که تمام مساعی امپریالیسم آمریکا برای جلوگیری از پیروزی انقلاب خلق چین با شکست مواجه شده بود.

۲- بعد از تسلیم ژاپن در ۱۹۴۵، ایالات متحده آمریکا، به منظور تجاوز علیه خاک چین و نقض حاکمیت او و همچنین برای مداخله در امور داخلی چین، ارتش خود را وارد چین نموده و در بی پین، شانگهای، نانکن، تیانزین، تان شان، کای پین، چینگ هوان دانو، جین های، چینگ دانو و نقاط دیگر مستقر ساخت. به علاوه قوای آمریکا به کرات به مناطق آزاد شده چین تجاوز نمودند. در ۲۹ ژوئیه ۱۹۴۶ واحد های آمریکائی در تیانزین به اتفاق واحد های راهزن چانکایشک شهر ان پین را در شهرستان سیان هه، واقع در استان حه به، مورد حمله قرار دادند، این همان حادثه ان پین است که در متن بدان اشاره شده است. در اول مارس ۱۹۴۷ واحد های ارتش آمریکا در مواضع ارتش آزادیبخش تودهای در حه سی بانو، بین چان چوان و جیو تای واقع در شمال شرقی چین، به اکتشاف نظامی پرداختند. این همان حادثه جیو تای است. در ۱۶ ژوئن ۱۹۴۶ واحدهای آمریکائی از تان شان واقع در استان حه به، سون جیان بین و نقاط دیگر را مورد حمله قرار دادند؛ در ژوئیه همان سال علیه دهات سان هه جوان زی در شهرستان لوان سیان و سی هه نان در شهرستان چان لی که هر دو در نزدیکی

تان شان قرار دارند، به حمله پرداختند؛ این همان حادثه تان شان است. از میان حملات متعددی که علیه شبه جزیره مشرق شان دون انجام گرفت معروف ترین آن ها دو تای زیرین است: یکی حملهای که در ۲۸ اوت ۱۹۴۷ به وسیله هواپیماها و کشتی های جنگی آمریکا علیه لان نوان کو و سیائو لی دانو، واقع در شهرستان مانو پین انجام گرفت، دیگری حملهای که در ۲۵ دسامبر ۱۹۴۷ علیه قصبه وان لین تائو واقع در شمال شهرستان جی موه، از طرف واحدهای آمریکائی با همکاری واحدهای راهزن چانکایشک به وقوع پیوست. هر جا که واحدهای آمریکائی متجاوزانه وارد مناطق آزاد شده می گردیدند، ارتش آزادیبخش تودهای و یا نیروهای مسلح تودهای محلی اقدامات جدی برای دفاع اتخاذ می نمودند.

۳- کولوی چنولت مستشار آمریکائی در نیروی هوائی گومیندان بود. بعد از تسلیم ژاپن، چنولت با بخشی از چهاردهمین ناوگان هوائی آمریکا، یک واحد حمل و نقل هوائی تشکیل داد تا در جنگ داخلی به چانکایشک کمک کند. این واحد حمل و نقل در پروازهای جنایتکارانه اکتشافی و بمباران مناطق آزاد شده مستقیماً شرکت نمود.

۴- مراجعه شود بخ «اظهاریه سخنگوی ستاد کل ارتش آزادیبخش توده ای چین در باره اعمال متعدیانه کشی های جنگی انگلستان»، یادداشت ۴، جلد حاضر.

۵- در پنجم ژوئن ۱۹۴۷ ژرژ مارشال، وزیر خارجه آمریکا، نطقی درباره نقشه به اصطلاح " کمک آمریکا برای احیاء اروپا، در دانشگاه هاروارد ایراد نمود. « برنامه تجدید ساختمان اروپا » که بعداً از طرف دولت آمریکا بر اساس این سخنرانی تنظیم گردید، بنام " نقشه مارشال " شهرت یافت.

۶- جیان تای گون در دوران سلسله جو زندگی می کرد. نقل می کنند که وی روزی کنار رودخانه وی شوی می خواست صید کند، و در حالیکه ابزار صید را بدون قلاب و طعمه، روی سه پا بر سطح آب قرار داده بود، میگفت: " همراهی که قصد صید شدن دارد، بگیرد. " (نقل از: « حکایاتی در باره اردو کشی " او " علیه سلسله بین »). " طعمه ایکه بشکل تحقیر آمیز توزیع میشود " منظور ندقه ایست که بشکل توهین آور داده میشود. اشاره است به قصه ای از " کتاب عرف و عادات " «لی جی» در باره مردی اط اهالی چی که حاضر شد بمیرد و حفت صدقه را نپذیرد.

۷- وین ای دوه (۱۸۹۹ - ۱۹۴۶) شاعر، دانشمند و استاد معروف چینی از سال ۱۹۴۳ بر اثر کینه شدید علیه ارتجاع و فساد حکومت چانکایشک، فعالانه در مبارزه برای دمکراسی شرکت نمود. بعد از جنگ مقاومت، به شدت علیه توطئه گومیندان و امپریالیسم آمریکا که هدف آن تدارک جنگ داخلی علیه خلق چین بود برخاست. در ۱۵ ژوئیه ۱۹۴۶ از طرف راهزنان گومیندان در کون مین ترور شد.

۸- جو زی چینگ (۱۸۹۸ - ۱۹۴۸) ایب معاصر و استاد دانشگاه چینی. بعد از جنگ مقاومت، فعالانه از نهضت دانشجویی علیه رژیمچانکایشک پشتیبانی می کرد. در ژوئن ۱۹۴۸ اعلامیه مربوط به اعتراض علیه احیاء میلیتاریسم ژاپن و استنکاف از قبول آرد " کمکی " آمریکا امضا نمود. در آن زمان او در نهایت فقر زندگی می کرد. در ۱۲ اوت ۱۹۴۸ او در پکن در فقر و بیماری جان سپرد، و لیکن در بستر مرگ نیز به خانواده خود توصیه نمود از خرید جیره آرد آمریکائی که به وسیله دولت گومیندان توزیع می گردید، خودداری نماید.

۹- جان یو (۱۹۶۸ - ۸۲۴) نویسنده معروف دوران سلسله تان بود « مدح بوه ای » یکی از قطعات نثر او است. بوه ای که در اواخر سلسله بین زندگی میکرد، مخالف اردو کشی " او " سلطان جو علیه دربار بین بود. بعد از شکست خانواده بین، وی به کوه های شو یان پناه برد و مرگ از گرسنگی را به خوردن نان جو ترجیح داد.

۱۰- نقل از « لائوزی »، فصل ۷۴.

۱۱- نقل از لی می « عریضه به قیصر ».

چرا باید کتاب سفید را مورد بحث قرار داد

(۲۸ اوت ۱۹۴۹)

ما کتاب سفید آمریکا و نامه آچسن را در سه مقاله مورد انتقاد قرار دادیم («اعتراف بناتوانی» (۱) ، «پندار های واهی خود را بدور افکنید و برای مبارزه آماده باشد» و سفر بخیر ، لیتون استوارت !) . انتقادات ما افکار عمومی را در سراسر کشور بخود جلب کرده و در تمام احزاب دموکراتیک و سازمانهای توده ای ، در مطبوعات و مؤسسات آموزشی ، و همچنین در میان شخصیتهای دموکرات کلیه محافل ، بحث وسیعی ایجاد نموده است ؛ بیانیه ها ، مصاحبه ها ، تفسیر های درست و سودمند بطور فراوان منتشر گردیده است . مجالس بحث در باره کتاب سفید جریان دارند و بحث مجموعاً هنوز در اوج تکامل است . موضوع صحبت عبارتست از رابطه چین و آمریکا ، روابط چین و اتحاد شوروی ، رابطه چین یا کشور های خارجی در جریان صد سال اخیر ، رابطه بین انقلاب چین و و نیروهای انقلابی سراسر جهان ، مناسبات بین مرتجعین گومیندان و خلق چین ، موضع گیری درست احزاب دموکراتیک ، سازمانها توده ای و شخصیتهای دموکرات کلیه محافل در مبارزه علیه امپریالیسم ، موضع گیری درست لیبرالها و یا آنهایی که اندویو یدوآلیستهای دموکرات نامیده میشوند در قبال مجموع مناسبات داخلی و خارجی کشور ، وسایل جلوگیری از تحریکات تازه امپریالیستها و غیره . تمام اینها بسیار خوب و آموزنده اند . اکنون تمام جهان از انقلاب چین و کتاب سفید آمریکا گفتگو میکند . این امر بهیچوجه تصادفی نیست و نشان میدهد که انقلاب چین چه اهمیت بزرگی در تاریخ دنیا دارد . آنچه بما چینی ها مربوط میشود ، ما در انقلاب خو پیروزی اساسی را بدست آورده ایم ، و لیکن ما مدت خیلی زیادی فرصت این را نداشتیم که بتفصیل مناسبات متقابل موجود بین این انقلاب و نیروهای گوناگون داخلی و خارجی را مورد بحث قرار دهیم . یک چنین بحثی ضروریست و حال که گفتگو در باره کتاب سفید آمریکا در گرفته برای ما بهترین فرصت بدست آمده است . ما تا کنون امکان چنین بحثی را نداشتیم ، زیرا که پیروزی قطعی را در انقلاب بدست نیاورده بودیم ، زیرا که مرتجعین داخلی و خارجی شهر های بزرگ را از مناطق آزاد شده توده ای جدا کرده بودند ، زیرا که هنوز برخی از جنبه های تضاد ها در اثر تکامل کاملاً نمایان نگردیده بودند . حالا وضع تغییر یافته است . بخش اعظم خاک چین آزاد شده ، تمام جنبه های تضاد های داخلی و خارجی کاملاً نمودار گردیده اند ، و درست در همین موقع

مملکت متحده آمریکا کتاب سفید را منشر کرده است ، و فرصت برای این بحث اینک پیدا شده است.

کتاب سفید یک سند ضد انقلابی است که مداخله آمریکا را در چین آشکارا فاش میکند . از این نظر ، امپریالیسم از شیوه عادی خود عدول کرده است . انقلاب کبیر و پیروزمند چین ، بخشی یا جناحی از امپریالیستهای آمریکا را مجبور ساخت با انتشار برخی گزارشات اصیل در باره فعالیت‌های خود علیه خلق چین ، به حملات بخش یا جناح دیگر پاسخ داده و از آن نتایج ارتجاعی بیرون بکشد ؛ آنها در واقع طور دیگری نمیتوانستند پا برجا بمانند . این واقعیت که افشاء جای اختفا را گرفت ، نشان میدهد که امپریالیسم از شیوه عادی خود خارج گردیده است . هنوز تا چند هفته پیش ، قبل از انتشار کتاب سفید ، دولتهای ممالک امپریالیستی ، علی رغم فعالیت ضد انقلابی روزانه ، هرگز در گزارشات و اسناد رسمی خویش حقایق را نمیگفتند بلکه آنها را با بیاناتی در باره بشر دوستی ، عدالت و تقوی پر نموده و یا لاف رنگ و روغن میزدند . این واقعیت هنوز در باره امپریالیسم انگلستان که در فریب و دروغ تجارب طولانی دارد و نیز در باره برخی دولتهای امپریالیستی کوچک صدق میکند . این گروه مسلط تازه بدوران رسیده و عصبی مزاج امپریالیستهای آمریکا - ترومن ، مارشال ، آچسن ، لیتون استورات و شرکاء - که از سوئی با مقاومت خلق و از سوی دیگر با مخالفت بخش دیگر اردوگاه خود مواجه است ، اینک لازم و مفید دیده است که قسمتی از فعالیت‌های ضد انقلابی خود (البته نه همگی) را فاش کند تا بتواند با رقبای اردوگاه خودی در باره اینکه کدام تاکتیک ضد انقلابی عاقلانه تر است ، بحث نماید . بدین ترتیب این افراد سعی کرده اند حریفان خود را قانع نمایند ، تا بتوانند علاقلانه ترین تاکتیک ضد انقلابی را - به تشخیص خود - باز هم ادامه دهند . دو جناح ضد انقلابی با هم مسابقه گذشته بودند . یکی میگفت : " متد ما بهتر است . " دیگری میگفت : " مال ما بهتر است " . وقتی که مجادله بالا گرفت ، ناگهان یک جناح ورقه‌های خود را رو کرد و بسیاری از نیرنگهای پر ارزش گذشته خود را فاش ساخت - کتاب سفید بدین تر تیب پدید آمد .

بدین ترتیب کتاب سفید بیک سند آموزنده برای خلق چین تبدیل گردیده است . سالیان متمادی عده ای از مردم میهن ما (تا زمانی عده زیادی از آنها) فقط نیمی از آنچه را که ما کمونیستها در باره بسیاری از مسایل و بخصوص در باره ماهیت امپریالیسم و سوسیالیسم میگفتیم ، قبول میکردند . آنها تصور مینمودند : " شاید اصلاً اینطور نیست " . این وضع بعد از پنجم اوت تغییر یافته است . در واقع هنگامیکه آچسن بعنوان وزیر خارجه آمریکا سخن میگوید ، بآنها تعلیم میدهد .

برخی از فاکتورها و نتیجه گیریهای وی با آنچه که ما کمونیستها و افراد مترقی دیگر می‌گفتم، انطباق دارند. ببینید مردم دیگر نمیتوانند ما را باور نکنند، و خیلی‌ها چشم خود را باز کرده اند: "پس واقعاً اینطور بود!" آچسن در آغاز نامه خود به ترمن توضیح میدهد که وی کتاب سفید را چگونه تهیه کرده است. او میگوید این کتاب با تمام کتابهای سفید دیگر تفاوت دارد، و خیلی واقع بینانه و صریح است:

اینک گزارش صریح و روشنی در باره دورانی فوقالعاده بغرنج و تیره از حیات کشور بزرگ، که مدتهاست ممالک متحده آمریکا روابط دوستانه بسیار نزدیکی با آن دارد. از هیچ سند قابل دسترسی در تنظیم آن چشم پوشی نشده است، ولو اینکه این سند حاوی نظریات انتقادی نسبت به سیاست ما بوده و یا مبنائی برای انتقاد آینده بتواند تشکیل دهد. نیروی باطنی رژیم ما در حساسیت دولت در قبال افکار عمومی مطلع و منتقد نهفته است. چنین افکار عمومی مطلع و منتقد را دولتهای توتالیتر، اعم از راست یا کمونیست، تحمل نکرده و اجازه نمیدهند.

در واقع بین خلق های دو کشور چین و آمریکا روابط معینی وجود دارند. مجاهدات مشترک خلقهای دو کشور میتوانند این روابط را در آینده به "دوستی نزدیک" تبدیل کنند. ولیکن موانعی که از طرف مرتجعین چین و آمریکا ایجاد گردیده اند بطور جدی از توسعه این روابط جلوگیری نموده و مینمایند. بعلاوه مرتجعین هر دو کشور دروغهای فراوانی به ملت خود گفته و حیل های زشتی بکار زده اند، یعنی آنها تبلیغات زبان آوری پخش نموده و اعمال ناشایستی مرتکب گردیده اند، از این رو روابط بین دو ملت را بهیچوجه نمیتوان روابط نزدیک نام نهاد. آنچه آچسن "روابط دوستانه بسیار نزدیک" مینامد روابط بین مرتجعین دو کشور است نه بین دو خلق. آچسن در اینجا نه واقع بین است و نه صریح، وی رابطه بین دو خلق را با مناسبات بین مرتجعین دو کشور مخلوط میکند. پیروزی انقلاب چین و شکست چین و شکست مرتجعین چین و آمریکا برای مردم هر دو کشور مسرت بخشترین حادثه ایست که تا کنون برای آنها پیش آمده و دوران کنونی سعادتمندترین دوران حیات آنهاست. بر عکس، فقط برای ترومن، مارشال، آچسن، لیتون استوارت و دیگر مرتجعین آمریکا، و برای چانکایشک، کون سیان سی، سون زی وین، چن لی فو، لی زون ژن، بای چون سی و سایر مرتجعین چین است که این دوران "دورانی فوق العاده بغرنج و تیره" از حیات شان را تشکیل میدهد.

در ارزیابی افکار عمومی، آچسن ها افکار عمومی مرتجعین را با افکار عمومی خلقها مخلوط کرده اند. در قبال افکار عمومی خلق، آچسن ها هیچ "حساسیتی" ندارند و در برابر آن کر و کور هستند. سالهاست که آنها در برابر مخالفت مردم

آمریکا، چین و تمام جهان علیه سیاست ارتجاعی خارجی دولت آمریکا، گوش فرو بسته اند. منظور آچسن از "افکار عمومی مطلع و منتقد" چیست؟ این همان وسایل تبلیغاتی فراوان، نظیر روزنامه‌ها، خبرگزاریها، مجلات و فرستنده‌های رادیویی است که زیر نظر دو حزب ارتجاعی در آمریکا، جمهور خواهان و دموکراتها، اداره میشوند، و بویژه در اشاعه دروغ و تهدید خلق مهارت خاص دارند. آچسن کاملاً بحق میگوید که کمونیستها (و همچنین خلقها) این چیزها را "تحمل نکرده و اجازه نمیدهند". بهمین دلیل است که ما دفاتر اطلاعات امپریالیستی را بستیم، خبرگزاریهای امپریالیستی را از توزیع اخبار خود بمطبوعات چینی منع کرده، و اجازه ندادیم که بدخواه خود در خاک چین بمسموم ساختن روحیه مردم ادامه دهند. این ادعا نیز که دولت تحت رهبری حزب کمونیست یک "دولت توتالیتر" است، فقط نیمی از حقیقت را در بر دارد. چنین دولت در واقع دیکتاتوری را نسبت به مرتجعین داخلی و خارجی اعمال میکند و آزادی را برای فعالیت ضد انقلابی از آنها میگیرد. مرتجعین از این کار بخشم آمده و فریاد میزنند: "دولت توتالیتر! البته اگر منظور از آن اعمال قدرت از طرف دولت توده‌ای برای سرکوبی مرتجعین است، کاملاً درست است. این قدرت هم اکنون در برنامه ما وارد گردیده و در قانون اساسی ما نیز ثبت خواهد شد. برای خلقی که به پیروزی نائل آمده است، این قدرت نظیر لباس و غذا لازم بوده و یک لحظه نمیتواند از آن صرفنظر نمایند. این یک وسیله عالی است، طلسم حافظه است، میراثی است که تا انهدام قطعی امپریالیسم در خارج و طبقات در داخل کشور، بهیچوجه نباید از دست داد. مرتجعین هر اندازه بلندتر فریاد کنند: "دولت توتالیتر"، ارزش آن نزد ما قطعی تر میشود. معذک از ادعای آچسن، نیمی نادرست است. برای توده‌های مردم، دولت دیکتاتوری دموکراتیک خلق تحت رهبری حزب کمونیست، دیکتاتوری نیست بلکه دموکراسی است. این دولت خود مردم است. اعضای چنین دولت باید بنظر مردم احترام بگذارند. آنها در عین حال مریبان خلق هستند و بوی تعلیم میدهند که چگونه باید از طریق خود آموزی و انتقاد از خود، خود را تربیت نمود.

اما آنچه که آچسن "دولت توتالیتر راست" مینامد در این باره میتوان گفت که از زمان سقوط حکومتهای فاشیستی در آلمان، ایتالیا و ژاپن، دولت آمریکا خود بارزترین نمونه این نوع حکومت در سراسر جهان است. تمام دولتهای بورژوازی، از جمله دولتهای ارتجاعیون آلمان، ایتالیا و ژاپن نیز که از طرف امپریالیسم پشتیبانی میشوند از این نوع هستند. حکومت تیتو در یوگوسلاوی اکنون بهمدستی این باند تبدیل گردیده است. حکومت آمریکا و انگلستان از نوع حکومت هائی هستند که در

مجله‌های حزب کمونیست (انگلیسی) افغانستان

آنها فقط یک طبقه یعنی بورژوازی نسبت بخلق دیکتاتوری میکند. این نوع حکومت کاملاً بر خلاف یک حکومت توده ای، باصطلاح دموکراسی را در باره بورژوازی اعمال میکند، لیکن در قبال خلق دیکتاتوری را بموقع اجرا میگذارد. حکومتهای هیتلر، موسولینی، توژو، فرانکو و چانکایشک این حجاب دموکراسی بورژوازی را بدور افکنده و یا اصلاً آنرا بکار نبردند زیرا که مبارزه طبقاتی در کشور آنها فوق العاده شدت یافته بود و برای آنها رحمان داشت که این پرده را بدور انداخته و یا اصلاً مورد استفاده قرار ندهد تا مردم نیز نتوانند بسود خود از آن بهره برداری نمایند. حجاب دموکراسی هنوز هم دولت آمریکا را تا حدودی پای بند کرده است، ولی مرتجعین آمریکا گوشه و کنار این دموکراسی را چنان بریده و ساییده اند که جز نقش بی رنگی از آن باقی نمانده، و با دموکراسی دوران واشنگتن، جفرسن و لینکن (۲) فرق فاحشی دارد. دلیل این امر آنست که مبارزه طبقاتی بیشتر شدت یافته است. وقتی این مبارزه شدت بیشتری یابد حجاب دموکراسی در آمریکا نیز بدست توفان سپرده خواهد شد.

بروشنی دیده میشود که وقتی آپسن دهن باز میکن، چقدر خطا مرتکب میشود. این امر قابل احتراز نیست، زیرا که او مرتجع است. اما اینکه کتاب سفید تا چه حد " صراحت " دارد، بنظر ما این سند هم صریح است و هم نیست. آپسن ها وقتی صریح هستند که تصور میکنند از این صراحت سودی عاید حزب و فراکسیون آنها میشود. در غیر این مورد، آنها صراحت ندارد. تظاهر بصراحت یک حيله جنگی است.

یادداشتها

- ۱- تفسیر هیتلر تحریبه خبرگزاری سی هوا، مورچه ۱۲ اوت ۱۹۴۹.
- ۲- ژرژ واشنگتن (۱۷۳۲ - ۱۷۹۹)، توماس جفرسن (۱۷۴۳ - ۱۸۲۶) و آبراهام لینکن (۱۸۰۹ - ۱۸۶۵) سیاستمداران معروف بورژوا در اوایل تاسیس آمریکا بودند. واشنگتن، فرمانده کل ارتش انقلابی کلنی ها در دوران جنگ استقلال آمریکا (۱۷۷۵ - ۱۷۸۳) و اولین رئیس جمهور اتازونی بود جفرسن «بیانیه استقلال» آمریکا را تدوین نمود و رئیس جمهور بود. لینکن مدافع لغو بردگی بردگی سیاهان در آمریکا بود و در دوران ریاست جمهوری خود جنگ علیه دولتهای برده داران ایالات جنوبی (۱۹۶۱ - ۱۹۶۵) را رهبری نمود؛ وی در ۱۸۶۲ «اعلامیه آزادی» را منتشر ساخت.

" دوستی " یا تجاوز ؟

(۳۰ اوت ۱۹۴۹)

آچسن برای توجیه سیاست تجاوز ، بر اسب " دوستی " و " اصول " نشسته و جولان میدهد .
او میگوید :

علاقه خلق و دولت آمریکا نسبت به چین یک تاریخ طولانی دارد . علی‌رغم بعد مسافت و تفاوت‌های تاریخی مهمی که چین و آمریکا را از هم جدا میکند ، دوستی ما نسبت بخلق چین از طریق روابط مذهبی ، انسانی و فرهنگی که دو ملت ما را بهم پیوند میدهند ، پیوسته تقویت یافته و طی سالیان دراز در اعمال خیرخواهانه فراوانی نظیر صرف " غرامت بوکسر " برای تعلیم دانشجویان چین ، الغاء حق خارج الارضی در جنگ جهانی دوم ، و کمک وسیع به چین در دوران جنگ و بعد از پایان آن ، بروز نموده است . اسناد حاکی از آن هستند که ممالک متحده آمریکا همواره اصول اساسی سیاست خارجی خود را نسبت به چین حفظ کرده و میکند ، از آنجمله " سیاست درهای باز " ، احترام به تمامیت دولتی و ارضی چین و مخالفت با هرگونه تسلط خارجی در چین .

وقتیکه آچسن تجاوز را بعنوان " دوستی " جا میزند گستاخانه دروغ میگوید . تاریخ تجاوزات امپریالیست‌های آمریکا علیه چین ، از زمانی که آنها در ۱۸۴۰ در جنگ تریاک با انگلیسها کمک کردند ، تا لحظه ایکه خلق چین آنها را از خاک خود بیرون راند ، بایستی در یک کتاب درسی بطور مجمل و روشن برای جوانان چین توضیح داده شود . ممالک متحد آمریکا جز اولین کشورهایی بود که چین را بدادن حق خارج الارضی (۱) مجبور ساخت - شاهد این مدعا پیمان وان شا است در ۱۸۴۴ (۲) ، یعنی اولین پیمانی که آنموقع بین چین و آمریکا منعقد گردید و در کتاب سفید بدان اشاره میشود . درست در این پیمان بود که آمریکا نه تنها چین را مجبور نمود پنج بندر خود را برای تجارت باز گذارد بلکه وی را وادار کرد فعالیت میسیونرهای آمریکائی را در چین بپذیرد . طی مدت درازی امپریالیست‌های امریکا بیش از کشورهای امپریالیستی دیگر به تجاوز معنوی اهمیت میدادند ، این تجاوز از فعالیت مذهبی تا فعالیت " انساندوستی " و فرهنگی را در بر میگرفت . آمار هائی حاکی از آن هستند که سرمایه گذاری میسیونرها و سازمانهای " انساندوستی " آمریکا در چین مجموعاً به ۴۱۹۰۰۰۰۰ دلار بالغ میگردد ، ۱۴/۷ در صد از بوجه میسیونرها برای

"دوستی" یا تجاوز؟

مقاصد پزشکی، ۳۸/۲ در صد برای هدفهای تعلیماتی و ۴۷/۱ در صد (۳) در راه فعالیتهای مذهبی صرف گردیده اند. تأسیسات تعلیماتی معروف فراوانی در چین از طرف آمریکائیها دایر گردیدند، از قبیل: دانشگاه ین جین، مدرسه متحد عالی طب، دبیرستانهای حوی وین، دانشگاه سن ژان، دانشگاه جین لین، دانشگاه دون او، دانشگاه جی جیان، مدرسه طب سیان یا، دانشگاه متحد چین غربی و دانشگاه لین نان (۴). در این زمینه بود که لیتون استوارت توانست شهرتی بهم زده و بسفارت آمریکا در چین برسد. وقتی آچسن و نظایرش میگویند: "دوستی ما نسبت بخلق چین از طریق روابط مذهبی، انسانی و فرهنگی، که دو ملت ما را بهم پیوند میدهند، پیوسته تقویت یافته است"، میدانند از چه مقوله ای سخن میگویند و در ته انبان شان چیست. اگر آمریکا در ظرف ۱۰۵ سالی که از امضاء پیمان ۱۸۴۴ میگذرد اینقدر پیگیر و کوشا برای توسعه عملیات خود کار کرده است، اینک میگوید که تنها اندیشه اش "تقویت دوستی" بود.

شرکت در واحد های متحد هشت دولت در ۱۹۰۰ برای سرکوبی چین، متعاقب آن اخذ "گرامت بوکسر" و مصرف بعدی آن برای "تعلیم دانشجویان چین" بمنظور تجاوز معنوی - تمام اینها نیز بمثابة نشانه "دوستی" بحساب آمده است. حق خارج الارضی "لغو" گردید، و لیکن مسئولین تعرض به شن چونگ بعد از مراجعت با آمریکا از طرف وزارت در یاداری آمریکا تبرئه و آزاد شد (۵) - این نشانه دیگری از "دوستی" بود.

"کمک به چین در دوران جنگ و بعد از آن"، که طبق مندرجات کتاب سفید بالغ بر ۴۵۰۰ میلیون دلار، ولی طبق محاسبه ما بیشتر از ۵۹۲۴ میلیون دلار است، کمکی بود که به چانکایشک داده شد تا میلیونها چینی را بقتل رساند - این هم دلیل دیگری برای "دوستی".

تمام این "دوستی" که ظرف مدت ۱۰۹ سال (از سال ۱۸۴۰، یعنی از زمانی که آمریکائیها در جنگ تریاک با انگلستان علیه چین همکاری کردند) امپریالیسم آمریکا نسبت به چین ابراز داشته است، بویژه این عمل "دوستانه" بزرگ یعنی کمک به چانکایشک برای کشتار میلیونها چینی ظرف سالهای اخیر همگی یک هدف را دنبال میکردند: "حفظ و ادامه اصول اساسی سیاست خارجی آمریکا نسبت به چین، از جمله، سیاست در های باز، احترام به تمامیت دولتی و ارضی چین و مخالفت با هر گونه تسلط خارجی در چین".

کشتار میلیونها چینی فقط بخاطر این بود است که : اولاً ، سیاست در های باز حفظ گردد ، ثانیاً ، تمامیت دولتی و ارضی چین محترم بماند ، ثالثاً ، علیه هرگونه تسلط خارجی در چین مبارزه شود .

امروز برای آپسن و امثالش فقط در قطعه کوچکی از خاک چین ، نظیر گوان جو و تایوان ، در باز است ، و فقط در آنجا است که اصل اول از این اصول مقدس "هنوز حفظ میگردد " ، در دیگر نقاط مثلاً در شانگهای ، بعد از آزادی نیز در واقع در باز بود ، ولیکن امروزه در آنجا کشتیهای جنگی آمریکا با توپهای سنگین آن برای اجراء اصل دیگری که بهیچوجه مقدس نیست بکار میروند : اصل درهای بسته .

امروز فقط در قسمت باریکی از چین ، نظیر گوان جو و تایوان است که سایه دومین اصل مقدس آپسن ، احترام به " تمامیت دولتی و ارضی " چین "ادامه دارد " . در دیگر نقاط این سعادت رخت بر بسته : دستگاه اداری و خود کشور بطور اسفناکی دستخوش تفرقه گردیده اند .

امروز فقط در نقاطی نظیر گوان جو و تایوان است که در سایه سومین اصل مقدس آپسن هرگونه " تسلط خارجی " از جمله تسلط آمریکا در اثر " مخالفت " آپسن و نظایرش با موفقیت پایان یافته است ، از این جهت نقاط مذکور هنوز هم بوسیله چینی ها اداره میشوند . بقیه خاک چین - که با یادآوری آن اشک از چشم انسان سرازیر میشود - بکلی از دست رفته است ، تحت تسلط بیگانگان قرار دارد و مردم چین در آنجا همگی به برده تبدیل گردیده اند . تا اینجا جناب دین آپسن در نامه خود فرصت نکرده بگوید این بیگانگان کدام کشور تعلق دارند ، و لیکن منظور او روشن است و احتیاجی بسؤال ندارد .

در باره اینکه عدم دخالت در امور داخلی چین نیز جزو اصول هست یا نه آپسن چیزی نمیگوید ، ظاهراً نیست . منطق اربابان آمریکا چنین است . هرکس نامه آپسن را تا آخر بخواند ، باین منطق بی نظیر قانع خواهد شد .

یادداشتها

۱ - در اینجا منظور از " حق خارج الارضی " ، حق قضاوت کنسول است . این حق یکی از امتیازات غاصبانه ای بود که امپریالیستها بزور از چین گرفته بودند . طبق این حق قضاوت ، اتباع کشور های امپریالیستی در چین از تعقیب مراجع قضائی چین مصون بودند . وقتی که مرتکب جرم شده و یا در یک دعوی حقوقی طرف شکایت واقع میشدند ، فقط محاکم کنسولی کشور های متبوعه آنها صالح برسیدگی و صدور حکم بودند و دولت چین حق مداخله در رسیدگی نداشت .

"دوستی" یا تجاوز؟

۲ - «پیمان وان شا» اولین پیمان نابرابر بود که تجاوز آمریکا علیه چین بدان منتهی گردید. مملکت متحده آمریکا، با استفاده از شکست چین در جنگ تریاک، در ژوئیه ۱۸۴۴ در دهکده وان شا، واقع در نزدیکی ماکائو، امضاء این پیمان را که به «پیمان چین و آمریکا درباره آزادی پنج بندر تجارتي» نیز موسوم است، به سلسله تسین تحمیل کرد. بموجب این پیمان که شامل ۳۴ ماده بود، تمام حقوق و امتیازات از جمله حق قضاوت کنسولی که طبق قرار داد نانکن و منضاماتش به دولت انگلستان داده شده بود، دولت آمریکا نیز واگذار گردید.

۳ - مراجعه شود به اثر رمر آمریکائی، «سرمه گذاری خارجی در چین»، فصل ۱۵.

۴ - دانشگاه یین جین و مدرسه متحد عالی طب در بی پین، دبیرستانهای حوی و یین در بی پین و نانکن، دانشگاه سن ژان در شانگهای، دانشگاه جین لین در نانکن، دانشگاه جی جیان در حان جو، دانشگاه دون او در سوچو، مدرسه طب سیان یا در چان شا، دانشگاه متحد چین غربی در چن دو، و دانشگاه لین نان در گوان جو بود.

۵ - سرخوخه ویلیام پیرمن و سربازان دیگر پیاده نظام دریائی آمریکا، در ۲۴ دسامبر ۱۹۴۶ در بی پین به دوشیزه شن چونگ دانشجوی دانشگاه پکن تعرض کردند. این حادثه در سراسر کشور خشم شدید مردم را علیه اعمال وحشیانه ارتش آمریکا برانگیخت. در ژانویه ۱۹۴۷ دولت گومیندان، علی‌رغم اعتراض مردم، پیرسن را که مقصر اصلی بود بمقامات آمریکائی تسلیم و محاکمه ویرا بآنها واگذار نمود. در ماه اوت همان سال، وزارت دریاداری آمریکا پیرسن را "بی تقصیر" اعلام نموده و آزاد کرد.

ورشکستگی درک ایده آلیستی تاریخ

(۱۶ سپتامبر ۱۹۴۹)

چینی ها باید از آچسن، سخنگوی بورژوازی آمریکا، قسدردانی کنند نه تنها بخاطر اینکه او صریحاً اعتراف کرده است که آمریکا پول و اسلحه و چانکاشیک سرباز فراهم می کرد تا در راه منافع آمریکا بجنگد و خلق چین را قتل عام نماید، و بدین ترتیب برای اقتناع عناصر عقب مانده چین دلایل کافی به دست افراد مترقی داده است. ببینید، خود آچسن هم اقرار می کند که جنگ بزرگ و خونین سالهای اخیر که به قیمت حیات میلیونها چینی تمام شده است، از طرف امپریالیسم آمریکا طبق نقشه تدارک گردیده است. چینی ها باید از آچسن ممنون باشند باز هم نه فقط بخاطر اینکه وی قصد آمریکا درباره استفاده از « اندیویدوآلیست های دمکرات » چین به منظور تشکیل ستون پنجم آمریکا و سرنگون ساختن حکومت توده ای تحت رهبری حزب کمونیست چین را فاش کرده و بدین وسیله مردم چین، به ویژه افراد کم و بیش لیبرال مآب را برحذر داشته است، به نحوی که آنها هم اکنون با هم عهد می کنند فریب آمریکا را نخورده و خود را از مانورهای محیلانه آن محافظت نمایند. چینی ها باید از آچسن راضی باشند در عین حال بخاطر اینکه وی به ابراز نظریات پوچ درباره تاریخ معاصر چین میدان داده است؛ نظریه او درباره تاریخ مثل نظریه بخشی از روشنفکران چین، یعنی درک ایده آلیستی بورژوائی از تاریخ است. لذا رد نظریه آچسن به بسیاری از چینی ها امکان خواهد داد که افق دید خود را وسیع تر کنند. این امکان بخصوص برای آنهايي مفید خواهد بود که با نظریه آچسن کاملاً یا از جهاتی موافق اند.

نظریات پوچ آچسن درباره تاریخ معاصر چین کدام است؟ ابتدا او می کوشد پیدایش انقلاب چین را به شرایط اقتصادی و ایدئولوژیک چین مربوط کند. در این باره او داستانهای فراوانی حکایت می کند. آچسن می گوید :

جمعیت چین طی قرنهای ۱۸ و ۱۹ دو برابر گردیده و از اینرو فشار غیرقابل تحمل بر سرزمین وارد می ساخت. هر حکومتی در چین قبل از همه در برابر این مسئله قرار داشت که چگونه غذای این جمعیت را باید تأمین کند. تاکنون هیچ حکومتی قادر به حل آن نگردیده است. گومیندان کوشید آن را از طریق تصویب پاره ای قوانین درباره اصلاحات ارضی حل نماید. برخی از قوانین با ناکامی روبرو گردید و بعضی دیگر به دست فراموشی سپرده شد. وضع مشکلی که اکنون دولت ملی چین

با آن مواجه است تا حد زیادی نتیجه عدم توانائی وی در تأمین مواد غذائی کافی برای چین است. قسمت عمده تبلیغات کمونیستهای چین بر اساس وعده ایست که آنها برای حل مسئله زمین به مردم می دهند. این نظریه برای چینی هایی که مسائل را روشن نمی بینند، معقول به نظر می رسد. دهان زیاد است و غذا کم، اینست منشأ انقلاب. گومیندان موفق نشد این مسئله را حل کند، احتمال نمی رود که کمونیستها نیز بتوانند آن را حل کنند. تاکنون هیچ حکومتی قادر به حل آن نگردیده است.

آیا انقلابات از اضافه جمعیت ناشی می شوند؟ در گذشته و حال، در چین و خارج از آن انقلابات زیادی رخ داده اند، آیا علت همه اینها اضافه جمعیت بوده است؟ آیا انقلابات فراوان چین را در هزاره اخیر باید به اضافه جمعیت مربوط دانست؟ آیا انقلاب آمریکا علیه بریتانیا در ۱۷۴ سال پیش (۱) نیز در اثر اضافه جمعیت بوده است؟ آچسن اصلاً با تاریخ آشنایی ندارد، وی حتی بیانیه استقلال آمریکا را نیز نخوانده است. واشنگتون، جفرسون و دیگران، علیه انگلستان قیام کردند، نه به علت اضافه جمعیت آمریکا، بلکه بخاطر اینکه بریتانیا آمریکایی ها را تحت ستم قرار داده و استثمار می کرد. وقتی که خلق چین یک سلسله فئودالی را ساقط می کرد، بخاطر آن بود که این سلسله فئودالی مردم را زیر فشار و استثمار قرار می داد نه به دلیل اضافه جمعیت. روسها انقلاب فوریه و انقلاب اکتبر را به این علت انجام ندادند که کشورشان گرفتار اضافه جمعیت شده بود، بلکه بخاطر اینکه تزار و بورژوازی روسیه آنها را زیر ستم قرار داده و استثمار می کردند، زیرا که امروز هم روسیه زمینهای زیادی دارد که مورد احتیاج مردم نیست. در مغولستان که زمین بسیار وسیع و جمعیت بسیار اندک است، طبق استدلال آچسن انقلاب غیرقابل تصور است، در حالیکه انقلاب مدتهاست در آنجا روی داده (۲).

به عقیده آچسن، برای چین هیچ راهی برای خروج از بن بست وجود ندارد. یک جمعیت ۴۷۵ میلیونی « فشار غیرقابل تحملی » است، انقلاب بشود یا نه امیدی به حل آن نیست. آچسن انتظار فراوانی از این امر دارد، و اگر چه او این انتظار را آشکارا بیان نکرده است و لیکن عده زیادی از ژورنالیست های آمریکایی بارها آن را فاش ساخته اند، انتظار اینکه حزب کمونیست چین نیز نخواهد توانست مسئله اقتصادی را حل کند، و در چین هرج و مرج دائم حکمفرما خواهد بود، و ادامه زندگی منحصرأ از طریق واگذاری آرد آمریکایی امکان پذیر خواهد بود، به عبارت دیگر، چین ضرورتاً به مستعمره آمریکا تبدیل خواهد گردید.

چرا انقلاب ۱۹۱۱ موفق نگردید و چرا نتوانست مسئله تغذیه را حل کند؟ برای اینکه او فقط سلسله تسین را سرنگون ساخت بدون اینکه به ستم و استثمار امپریالیستی و فئودالی پایان دهد.

چرا لشکرکشی به شمال توفیق نیافت و مسئله تغذیه را حل نکرد؟ برای اینکه چانکایشک به انقلاب خیانت کرد، در مقابل امپریالیسم تسلیم شد و در رأس ضدانقلاب که مردم را زیر فشار و استثمار گذاشته بود، قرار گرفت.

آیا این درست است که « تاکنون هیچ حکومتی قادر به حل آن نگردیده است »؟ در مناطق آزاد شده سابق در چین شمال غرب، شمال، شمال شرق و شرق، که مسئله ارضی مدتی است حل گردیده، آیا این سؤال آچسن که: « چگونه غذای این جمعیت را باید تأمین کرد » هنوز هم وجود دارد؟ ایالات متحده آمریکا در چین عده زیادی جاسوس و به اصطلاح ناظر دارد. چرا آنها این امر را کشف نکرده اند؟ اگر در نقاط نظیر شانگهای مسئله بیکاری، یا به عبارت دیگر مسئله تغذیه مردم مطرح بود، فقط به دلیل فشار و استثمار وحشیانه و غیرانسانی مردم از طرف امپریالیسم، فئودالیسم، سرمایه داری بوروکراتیک و دولت ارتجاعی گومیندان بود. در دوران حکومت توده ای فقط چند سال کافی است تا در آنجا نیز مسئله بیکاری یا تغذیه نظیر شمال و شمال شرق و نقاط دیگر کشور حل شود.

اینکه جمعیت چین زیاد است، پدیده بسیار خوبی است. اگر جمعیت چین چندین برابر نیز شود، چین کاملاً می تواند راه حلی برای آن پیدا کند، این راه حل عبارت است از تولید. استدالات پوچ اقتصاددانان بورژوائی نظیر مالتوس (۳)، مبنی بر اینکه مواد غذایی نمی تواند هم آهنگ با جمعیت افزایش یابد، نه تنها مدتهاست از نظر تئوریک به وسیله مارکسیستها کاملاً رد گردیده اند، بلکه در عمل نیز واقعیات بعد از انقلاب در اتحاد شوروی و در مناطق آزاد شده چین آنها را تام و تمام تکذیب کرده اند. با تکیه به این حقیقت که انقلاب و تولید می توانند مسئله تأمین خواربار را حل کنند، کمیته مرکزی حزب کمونیست چین به تمام سازمانهای حزبی و واحدهای ارتش آزادیبخش توده ای در سراسر کشور دستور داده است کارمندان سابق گومیندان را منفصل نکنند، بلکه آنها را تا جایی که می توانند مفید واقع شوند، و در عداد مرتجعین سوگند خورده و مجرمین بد نام نیز نیستند، در خدمت نگاه دارند. هر جا که وضع مشکل است، خواربار و منزل بین همه تقسیم خواهد شد. کسانی که از کار اخراج شده اند و امکان تأمین معاش ندارند، مجدداً استخدام گردیده و وسیله زندگی برایشان داده خواهد شد. همین شیوه درباره سربازان گومیندان که شورش کرده و به سوی ما آمده اند و یا دستگیر شده اند به کار خواهد رفت. به تمام

مرجعین، به استثناء مسئولین عمده، به شرط ابراز ندامت و وسایل تأمین معاش داده خواهد شد.

از میان ثروتهای جهان، انسان گرانبها تر از همه است. تا وقتی که انسانها وجود دارند، هرگونه معجزی تحت رهبری حزب کمونیست امکان پذیر است. ما جزو کسانی هستیم که تئوری ضدانقلابی آپسن را رد می کنند، ما اعتقاد داریم که انقلاب قادر است همه چیز را تغییر دهد و بعد از مدت کوتاه چین نوین با جمعیت زیاد و محصولات سرشار به وجود آید، چینی که نعمت وافر و فرهنگ شکوفان خواهد داشت؛ تمام نظریات بد بینانه به کلی بی پایه و اساس اند.

دومین دلیل آپسن برای وقوع انقلاب چین، « نفوذ غرب » است. او می گوید: مدت بیش از سه هزار سال چین یک فرهنگ و مدنیت بلند را که خاص خود وی بود، مصون از تأثیر خارجی، تکامل بخشید. حتی بعد از شکستهای نظامی نیز چینی ها موفق شدند بالاخره متجاوز را لجام زده و در خود مستحیل نمایند. از اینرو طبیعی بود که چین خود را مرکز جهان و عالی ترین ترجمان بشریت متمدن قلمداد کند. بعداً، در اواسط قرن نوزدهم، حصار نفوذ ناپذیر انزوای چین به وسیله غرب شکاف برداشت. این تازه واردان تحرک و تکنیک رشد یافته غیرقابل قیاس غربی، و همچنین یک فرهنگ بلند پایه ای را که نظیر آن را متجاوزین گذشته برای چین نیاورده بودند، با خود آوردند. تا حدی به علت این خصوصیات و تا حدی نیز به علت انحطاط سلطه امپراطوری مانچو، این بار غربی ها، بجای اینکه از طرف چینی ها جذب شوند، افکار تازه ای را وارد چین نمودند که ضمن ایجاد اضطراب و ناامنی نقش مهمی نیز بازی کرد.

چینی هایی که افکار ناروشن دارند، گفته های آپسن را قابل قبول می دانند - تأثیر افکار نوین وارده از غرب منشأ انقلاب است.

انقلاب علیه چه کسی متوجه بود؟ به علت « انحطاط سلطه امپراطوری مانچو » و براساس اینکه همواره ضعیف ترین نقاط مورد حمله قرار می گیرند، می توان گفت که انقلاب علیه سلسله تسین متوجه بود. آنچه که آپسن در این باره گفته است، دقیق نیست. انقلاب ۱۹۱۱ علیه امپریالیسم جریان داشت. مردم چین علیه سلسله تسین قیام کردند زیرا که این رژیم سگ زنجیری امپریالیسم بود. مقاومت علیه تجاوز انگلستان در جنگ تریاک، جنگ علیه تجاوز نیروهای متحد انگلیس و فرانسه، جنگ تای پین علیه سلسله تسین، سگ زنجیری امپریالیسم، جنگ علیه تجاوز فرانسه، جنگ علیه تجاوز ژاپن و جنگ علیه تجاوز واحدهای متحد هشت دولت همگی به ناکامی منتهی شدند، از اینرو انقلاب ۱۹۱۱ علیه رژیم دست نشانده

امپریالیسم، یعنی سلسله تسین درگرفت. این است تاریخ معاصر چین تا سال ۱۹۱۰ آن «نفوذ غرب» که آپسن از آن صحبت می کند کدام است؟ این نفوذ - همچنانکه مارکس و انگلس در «مانیفست حزب کمونیست» (۱۸۴۸) می گویند - کوشش بورژوازی غرب است برای اینکه جهان را از راه زور به میل خود تغییر دهد (۴). برای تحقق این اعمال نفوذ و یا انجام این تغییر، بورژوازی غرب به کمپرادورها و دست نشاندگانی که رسوم غرب را می شناختند احتیاج داشت، و می بایست در کشورهایی نظیر چین به تأسیس مدارس و اعزام دانشجو به خارج امکان دهد، بدین ترتیب بود که «افکار تازه» وارد چین شد. در این زمان در کشورهایی مثل چین بورژوازی ملی و پرولتاریا به وجود آمد، در حالیکه دهقانان دچار ورشکستگی گردیده و به پیدایش نیمه پرولتاریا به مقیاس وسیع میدان دادند. بدین طریق بورژوازی غرب دو نوع از انسانها را در کشورهای شرق به وجود آورد: اقلیت کوچکی مرکب از نوکران امپریالیسم و اکثریتی شامل طبقه کارگر، طبقه دهقان، خرده بورژوازی شهری، بورژوازی ملی و روشنفکران وابسته به این طبقات که با امپریالیسم مبارزه می کردند. در گروه اکثریت گورکنان امپریالیسم گرد آمده اند که امپریالیسم خود آنها را به وجود آورده است و انقلاب از میان آنها ریشه می گیرد. بنابراین نفوذ افکار غرب نیست که «اضطراب و ناامنی» فراهم ساخته است، بلکه تجاوز امپریالیسم است که مقاومت مردم را برانگیخته است.

در یک دوره طولانی این نهضت مقاومت قریب بیش از ۷۰ سال، یعنی از جنگ تریاک در ۱۸۴۰ تا آستانه نهضت ۴ مه ۱۹۱۹، خلق چین برای دفاع از خود در قبال امپریالیسم فاقد سلاح ایدئولوژیک بود. سلاحهای ایدئولوژیک فئودالیسم کهنه و سرسخت درهم شکسته بودند، می بایست آنها را رها کرده و ورشکستگی شان را اعلام نمود. در شرایط فقدان سلاح مناسب تر، برای مردم چین راهی جز این باقی نمانده بود که خود را با سلاحهای ایدئولوژیک و فرمول سیاسی دیگری، نظیر تئوری تحول، تئوری حقوق طبیعی و جمهوری بورژوائی که همگی از زادخانه دوران انقلابی بورژوازی غرب، یعنی از زادگاه خود امپریالیسم به عاریت گرفته شده بودند، مجهز نماید. آنها حزب می ساختند و انقلاب می کردند به خیال اینکه از این راه می توانند بر قدرتهای خارجی پیروز گردیده و جمهوریتهی به پا کنند. و لیکن تمامی این سلاحهای ایدئولوژیک نیز نظیر سلاح ایدئولوژیک فئودالیسم ناتوان از آب درآمدند، و به نوبه خود نتوانستند دوام بیاورند، لذا از صحنه مبارزه بیرون کشیده شدند و ورشکستگی شان آفتابی گردید.

انقلاب ۱۹۱۷ در روسیه مردم چین را بیدار کرد و آنها را با چیز تازه ای آشنا نمود : با مارکسیسم - لنینیسم. تأسیس حزب کمونیست در چین یک حادثه دوران ساز بود. خود سون یاتسن « یاد گرفتن از روسها » و « اتحاد با روسیه و همکاری با حزب کمونیست » را توصیه می کرد. در یک کلمه ، از این تاریخ چین سمت گیری خود را عوض نمود.

طبیعتاً آچسن، به عنوان سخنگوی یک دولت امپریالیستی، نمی خواهد کلمه ای از امپریالیسم سخن بگوید. او از تجاوز امپریالیستی با این عبارت صحبت می کند : « این تازه واردین تحرک ... با خود آوردند ». « تحرک » چه کلمه زیبایی است! چینی هایی که این « تحرک » را به دست آوردند به آمریکا و یا انگلستان نرفتند، بلکه به ایجاد « اضطراب و ناامنی » در داخل چین اکتفا نمودند، یعنی علیه امپریالیسم و نوکران آن به انقلاب دست زدند. متأسفانه آنها یک موفقیت تنها نیز به دست نیاوردند و همیشه از طرف امپریالیستها، یعنی مخترعین این « تحرک » سرکوب شدند. از اینرو چینی ها درصد برآمدند چیز دیگری فراگیرند، و عجیب است که به زودی آن را اثربخش یافتند.

« حزب کمونیست چین تحت تأثیر ایدئولوژیک انقلاب روسیه در اوایل سالهای بیست تأسیس گردید ». در اینجا آچسن حق دارد. این ایدئولوژی در واقع چیز دیگری غیر از مارکسیسم - لنینیسم نبود. این ایدئولوژی به نحو بارزی از ایدئولوژی بورژوازی غرب که آچسن به عنوان « یک فرهنگ بلند پایه ای که نظیر آن را متجاوزین گذشته برای چین نیاورده بودند » از آن یاد می کند، به مراتب بالاتر بود. اثربخشی این ایدئولوژی به اندازه ای روشن است که فرهنگ بورژوائی غرب، که آچسن و نظایرش مغرورانه آن را در قبال فرهنگ کهنه فئودالی چین به عنوان یک « فرهنگ بلند پایه » می ستایند، در اولین برخورد با این فرهنگ نوین مارکسیستی - لنینیستی اکتسابی خلق چین، یعنی درک علمی جهان و تئوری انقلاب اجتماعی، شکست خورد. این فرهنگ نوین علمی و انقلابی که خلق چین به دست آورده بود، در اولین نبرد خود، دیکتاتورهای نظامی شمال، این نوکران امپریالیسم را شکست داد؛ در نبرد دوم ، مساعی یک نوکر دیگر امپریالیسم ، یعنی چانکایشک را برای متوقف ساختن ارتش سرخ چین در راه پیمائی طولانی ۲۵۰۰۰ لی با ناکامی روبرو ساخت؛ در سومین نبرد، بر امپریالیسم ژاپن و سگ زنجیری او وان جین وی پیروز گردید؛ و بالاخره در چهارمی به تسلط آمریکا و تمام دولتهای امپریالیستی دیگر، به حکومت سگ زنجیری آنها چانکایشک و مرتجعین دیگر در چین پایان داد.

اگر مارکسیسم - لنینیسم به محض ورود به چین توانست یک چنین نقش مهمی را بازی کند، به این دلیل بود که شرایط اجتماعی چین آن را مطالبه می کرد، پس از ورود با پراتیک انقلابی خلق چین پیوند یافت و خلق چین آن را هضم نمود. هر ایدئولوژی - ولو بهترین آن، حتی مارکسیسم - لنینیسم - مادام که با واقعیات عینی مربوط نگردد، به نیازمندیهای عینی موجود پاسخ ندهد و از طرف توده ها هضم نشود، بی اثر است. ما طرفداران ماتریالیسم تاریخی و مخالف ایده آلیسم تاریخی هستیم.

جالب است که «آموزش و پراتیک اتحاد شوروی، بخصوص در زمینه اقتصاد و مسئله سازمان حزبی، تأثیر مهمی در تفکر و اصول سون یاتسن بجا گذاشت». آن وقت «فرهنگ بلند پایه» غرب که آچسن و امثالش این همه به آن می نازند، چه تأثیری در سون یاتسن داشت؟ آچسن در این باره چیزی نمی گوید. آیا واقعاً تصادفی بود که دکتر سون یاتسن بعد از عمری تفحص در فرهنگ بورژوائی غرب برای پیدا کردن حقیقتی که بتواند میهن او را نجات دهد، بالاخره ناامید گردیده و برای «یاد گرفتن از روسیه» به سوی آن برگشت؟ البته نه. مسلماً این تصادفی نبود که سون یاتسن و خلق رنج دیده چین که وی نماینده آن بود، هر دو در اثر «نفوذ غرب» برآشفته بودند و تصمیم به «اتحاد با روسیه و همکاری با حزب کمونیست» گرفتند و علیه امپریالیستها و عمال آنها به مبارزه مرگ و زندگی دست زدند. اینجا آچسن جرأت نمی کند که بگوید شورویها متجاوزین امپریالیستی بودند و سون یاتسن از متجاوزین درس گرفت. بسیار خوب، وقتی که سون یاتسن توانست از شورویها درس بیاموزد و آنها نیز متجاوزین امپریالیست نیستند، چرا جانشینان وی، چینی هایی که پس از وفات او زندگی می کنند، نمی توانند از شورویها درس بیاموزند؟ چرا چینی ها، غیر از سون یاتسن، «تحت تسلط شورویها»، «ستون پنجم کمینترن» و «عمال امپریالیسم سرخ» هستند؟ برای اینکه آنها در مارکسیسم - لنینیسم درک علمی جهان و تئوری انقلاب اجتماعی را فراگرفتند، و آنها را با خصوصیات چین منطبق ساختند، به جنگ آزادیبخش توده ای چین و انقلاب توده ای بزرگ دست زدند، و یک جمهوری دیکتاتوری دمکراتیک خلق را ایجاد کردند؟ آیا چنین منطق عالی را می توان در تمام جهان پیدا کرد؟

خلق چین بعد از آنکه مارکسیسم - لنینیسم را فراگرفت از لحاظ معنوی از حالت پاسیف گذشته بیرون آمده و ابتکار را به دست گرفته است. از آن به بعد می بایست دوران تاریخ معاصر جهان که در آن مردم چین و فرهنگ آن مورد تحقیر بودند، پایان یابد. جنگ آزادیبخش توده ای بزرگ و پیرومند و انقلاب کبیر توده ای،

فرهنگ بزرگ خلق چین را احیا کرده و می کنند. از نظر معنوی، این فرهنگ خلق چین هم اکنون از هر فرهنگ جهان سرمایه داری بالاتر است. بطور مثال نمونه وزیر خارجه آمریکا آپسن و امثال او را در نظر می گیریم، اطلاعات آنها درباره چین و جهان معاصر از اطلاعات هر سرباز عادی ارتش آزادیبخش توده ای چین پایین تر است.

تا اینجا آپسن نظیر یک استاد بورژوازی که متن خسته کننده کنفرانس خود را قرائت می کند، کوشیده است که نشان دهد در پی کشف علل و آثار حوادث چین است. انقلاب در چین اولاً به علت اضافه جمعیت و ثانیاً در اثر نفوذ افکار غرب به وقوع پیوسته است. بطوری که ملاحظه می کنید، او می خواهد خود را متخصص تئوری علیت نشان دهد. ولی بعداً این خرده تئوری مجعول و کسالت آور علیت نیز ناپدید می شود و فقط انبوهی حوادث غیرمفهوم باقی می ماند. چینی ها به کلی بی معنا برای قدرت و پول می جنگیدند و به هم بدگمان بودند و از هم نفرت داشتند. یک تغییر غیرقابل درکی در تناسب قوای روحی دو طرف متخاصم، یعنی گومینسدان و حزب کمونیست، پدید آمد، روحیه یکی سریعاً تا زیر صفر پایین آمد در حالی که روحیه دیگری تا حد التهاب بالا رفت. علت چه بود؟ کسی نمی داند. این منطق خاص «فرهنگ بلند پایه» ایالات متحده آمریکا است که دین آپسن نمایندگی آن را دارد.

یادداشت ها

- 1- انقلاب بورژوازی ۱۷۷۵ - ۱۷۸۳، که به نام جنگ استقلال معروف است و در آن مردم آمریکای شمالی تسلط استعماری انگلستان را طرد کردند.
- 2- مردم مغولستان در جنگ آزادیبخش خود از ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۴، تحت رهبری حزب انقلابی توده ای مغولستان، دسته جات باند گارد سفید روسی و دیکتاتورهای نظامی شمال چین را که از طرف امپریالیستهای ژاپن حمایت می شدند، بیرون راندند، سلطه فئودالهای مغول را سرنگون ساختند و جمهوری توده ای مغولستان را بنیاد نهادند.
- 3- توماس ربرت مالتوس (۱۷۶۶ - ۱۸۳۴)، روحانی پروتستان انگلیسی و اقتصاددان مرتجع در اثری به نام «راجع به مسئله نفوس» (۱۷۹۸) چنین می نویسد: «افزایش نفوس چنانچه به مانعی نخورد، برحسب تعاعد هندسی انجام می گیرد. مواد غذایی فقط به نسبت تعاعد عددی بالا می رود.» با تکیه به این فرضیه اختراعی، مالتوس به این نتیجه رسید که تمام فقر و جنایت در جامعه بشری پدیده های طبیعی و جاودانی هستند. بنا به عقیده وی تنها راه برای حل مسئله فقر زحمتکشان عبارت است از کوتاه کردن عمر، تقلیل جمعیت یا

جلوگیری از افزایش آن. مالتوس قحطی، بیماری و جنگ را به عنوان وسایلی برای تقلیل جمعیت محسوب می‌دارد.

۴- مراجعه شود به «مانیفست حزب کمونیست»، فصل اول، «بورژواها و پرولترها». بورژوازی «ملت‌ها را ناگزیر می‌کند که اگر نخواهند نابود شوند شیوه تولید بورژوازی را بپذیرند و آنچه را که به اصطلاح تمدن نام دارد نزد خود رواج دهند بدین معنی که آنها نیز بورژوا شوند. خلاصه آنکه جهانی هم شکل و همانند خویش می‌آفریند».

